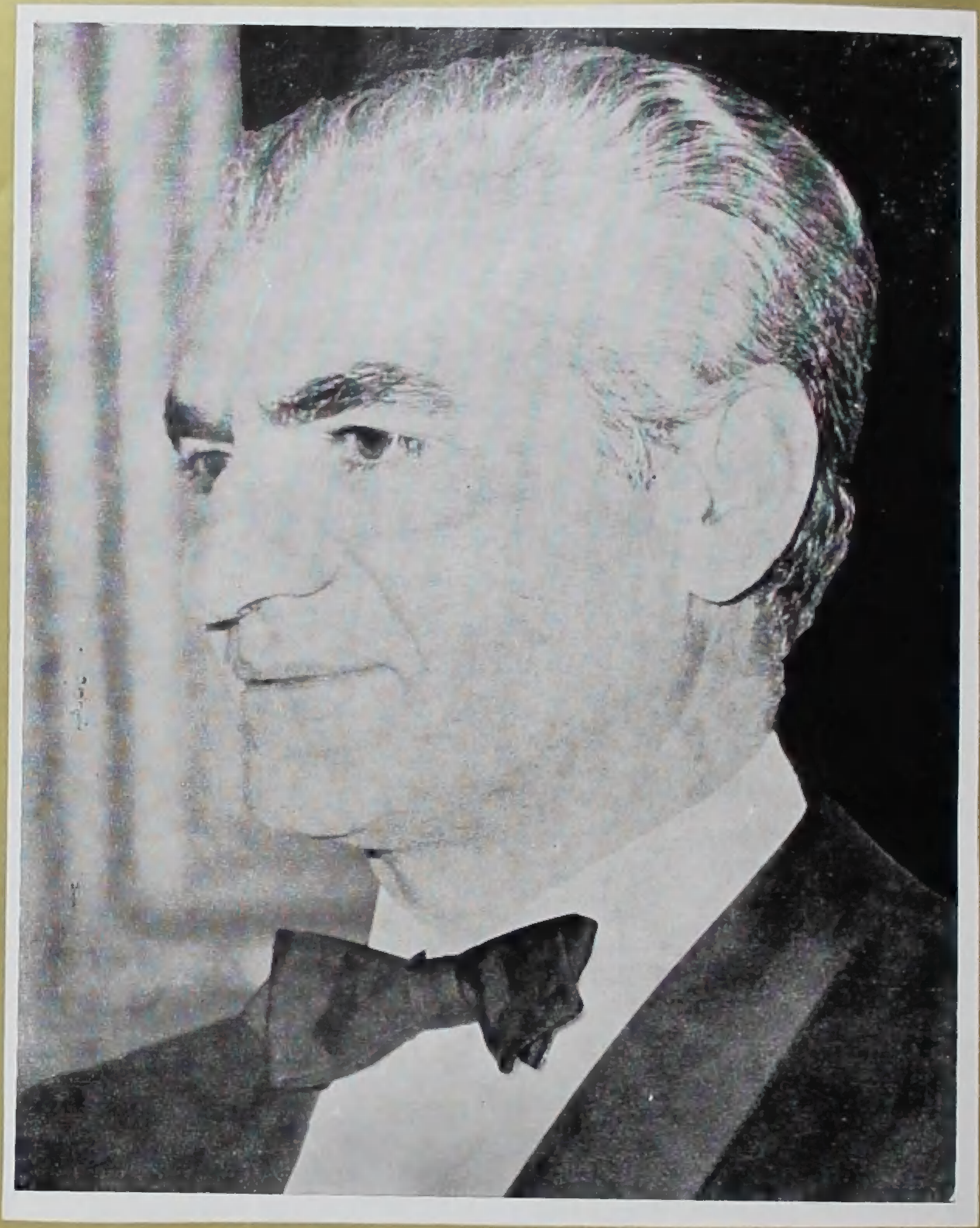


سلسلهٔ انتشارات انجمن آثار ملی

«۱۰۱»

آثار ملّی اصفهان

تألیف

ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی

تهران ۱۳۵۲

از این کتاب دو هزار نسخه در چاپخانه اتحاد
در اسفندماه ۱۳۵۲ بچاپ رسید
شماره ثبت کتابخانه ملی ۱۶۶۹ مورخ ۵۲/۸/۲۲

سرآغاز

بنام پروردگار بزرگ یکتا و دانا.

باتقدیم سپاس بی قیاس بدرگاه آفرینندهٔ جهان و درود نامحدود بر پیغمبر بزرگ اسلام (ص) در پرتو الطاف کریمانهٔ ذات خجسته اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی شاهنشاه آریامهر کتاب «آثار ملی اصفهان» بمعرض انتشار گذارده میشود.

از چندسال پیش که انجمن آثار ملی باهمکاری و پایمردی دانش پژوهان و محققان ارجمند نسبت به تألیف کتابهای مربوط به ابنیه و آثار تاریخی ایران کوشش بخرج داده و میدهد (خوشبختانه دراین راه گامهائی برداشته و تاحدی بمقصود نائل آمده است) برای شهر تاریخی اصفهان مناسبتر دانست از اقدام به تألیف و چاپ کتابی همانند آنچه در بارهٔ استانها و شهرهای دیگر ایران فراهم ساخته است خودداری نماید، چه در بارهٔ ابنیه و آثار اصفهان کتابهای مختلف ازطرف دانشمندان و مؤلفان ارجمند تدوین و منتشر گردیده است. و نیازی به کتاب تازه احساس نمی شد و بدین سبب انجمن آثار ملی کوشش خود را در ترتیب

[illegible] ... که ... [illegible]

مقـ [illegible] ... [illegible]

... ساخته اند مصر ... [illegible]

... و جه [illegible] ... مائی [illegible]

... کتابائی که از طرف استاد [illegible]

وا ... [illegible] ... این مهـ [illegible]

محترم اصفهان با انجمن آثار ملی ... [illegible] ... اطلاعات اجمالی و سودمند

در باره جمیع ابنیه و آثار تاریخی آن شهر مهم باستانی از طرف آقای ابو القاسم رفیعی مهرآبادی

که صاحب تألیفاتی در زمینه معرفی یادگارهای فرهنگی و آثار تاریخی شهرستانهای تابع

اصفهان هستند بمورد شناخته شد و در نتیجه تهیه و چاپ و انتشار کتاب حاضر برای استفاده

خوانندگان و علاقه مندان گرامی منظور نظر قرار گرفت .

با توجه به اهمیت فراوان آثار تاریخی اصفهان و در نظر داشتن این نکته که کتابهای گوناگون

جهت معرفی آثار نامبرده به چاپ رسیده و انتشار یافته است و کلیه آنها هم پس از گذشت

زمانی کوتاه باتمام رسیده و چه بسا در اختیار و دسترس دوستداران و مشتاقان نمانده است امیدوار

کتاب « آثار ملی اصفهان » نیز بنوبه خود تا حدی نیاز خواستاران و جویندگان اطلاعات مربوط

بدینگونه آثار و ابنیه را برآورد و پیشگامی در راه رسیدن به هدف و آرزوی دیرین انجمن آثار ملی جهت

ادای حق عظیم و دیرین شهر کهن سال بزرگ و تاریخی اصفهان بشمار آید .

همه ربه کریمه
انجمن آثار ملی
بخط زنجانی

مدخل کتاب :

که گویند اصفهان نصف جهان است ؟ — جهانی گر بود آن اصفهان است

اصفهان یکی از آن نقاط تاریخی و باستانی است که در اثر مرور زمان و گذشت دهور و جریان ونزول حوادث و بروز وقایع گوناگون سرگذشت تاریخی آن از خاطره ها محو و از صفحات صدور سترده شده است ! و تاریخهائی هم در باره آن نوشته شده ، یا چنین تاریخ اصفهان حمزه اصفهانی متوفی حدود (۳۵۰ ه.ق) و تاریخ اصفهان ابوزکریا یحیی بن عبدالوهاب بن ابی عبدالله محمد بن اسحاق بن محمد بن یحیی بن منده اصفهانی متوفی (۵۱۲ ه.ق) و تاریخ ابن مردویه در باره اصفهان بکلی از میان رفته و وجود ندارد ! یا آنکه مربوط بقسمتی از سرگذشت این مرز و بوم است ، مانند :

سنی ملوک الارض والانبیاء حمزه اصفهانی — ذکر اخبار اصبهان ابونعیم — محاسن اصفهان مافروخی — ترجمه محاسن اصفهان — قلائد الشرف — الازمنة والامکنة مرزوقی تذکره حزین — سوانح العمر همو — سفرنامه شاردن فرانسوی — سفرنامه تاورنیه — سفرنامه کامفر — سفرنامه فلاندن — تاریخ عالم آرای عباسی — تذکره نصرآبادی —

تاریخ نصف جهان فی تعریف الاصفهان ارباب — جغرافیای اصفهان تحویلدار

الاصفهان جناب — راهنمای اصفهان همو — گزارش میرزا علیخان نائینی — روضات البهیات

چهارسوقی — تاریخ نیم جهان و همه جهان جابری انصاری — تاریخ اصفهان و ری همو — آگهی شهان

از کار جهان همو — تذکرة القبور جزی — تاریخ اصفهان حاج سید محمدعلی مبارکه‌ای تشویق سالک

(۱۳۶۵ ه. ق) در پنج مجلد — دانشوران اصفهان همو در ۲ مجلد — تاریخ اصفهان نور

صادقی — اصفهان هدایت — تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان بهزاد حسینی — تاریخ نائین

سید عبدالحجه بلاغی — فرهنگ تاریخ نائین همو — انساب خاندان نائین همو — تذکرة الابرار

همو — راهنمای اصفهان حسین عمادزاده کرکندی اصفهانی — رجال اصفهان سید مصلح الدین

مهدوی — تذکرة القبور یا بزرگان و دانشمندان اصفهان همو — تذکره شعرای اصفهان

همو — تاریخچه محله خواجو همو — بخشی از آثار ربیع بهشتی — آتشکده اردستان مؤلف

در ۳ بخش — فرهنگ اصفهان مؤلف — راهنمای اصفهان دکتر لطف‌الله هنرفر — گنجینه

آثار تاریخی اصفهان همو — اصفهان جاودان همو — مختصری از آثار تاریخی اصفهان همو —

راهنمای اصفهان عطارپور — تاریخ خوانسار زهرائی — تذکره شعرای خوانسار و بسیاری

دیگر از کتابها و رسالات و سفرنامه ها که یادآوری همه آنها بدرازا میکشد و با مقدمه کتاب تناسب

ندارد . از شادروان دکتر محمد معین متوفی (۱۳/۴/۵۰ ه.ش) که از بزرگان مؤلفان

و محققان و لغت شناسان معاصر و رئیس سازمان لغت نامه دهخدا و استاد دانشگاه تهران بود شنیدم

که استاد مفضال و دانشمند بی همال جلال الدین همائی که از فضلای برازنده و ادباء و شعراء و محققان

پرکار عصر حاضر است کتابی راجع باصفهان تالیف کرده اند که از هر جهت جامع است و اگر

بچاپ درآید تاریخ کامل اصفهان خواهد بود ! و شایسته است تمام طالبان در انتظار چنین

کتابی باشند ، خود استاد همائی هم در مقدمه دیوان طرب باین کتاب اشاره کرده اند . بعلاوه در

مقدمه دیوان هنر بود و در مقدمه برگزیده دیوان شاعر صفهانی قسمتی از تاریخ اصفهان را شرح داده اند

خلاصه اینکه تا زمان تحریر تاریخ جامعی درباره اصفهان بنظر نرسیده که روشن کننده سرگذشت تاریخی آن باشد

قدر مسلم اینکه اصفهان در گذشته اهمیت تاریخی بسزائی داشته و پادشاهان و امراء و رجال و علماء و محدثان و

عرفاء و شعراء و ادباء و اقطاب بزرگ و مهندسانی هنرمند و حرفت اندوز و بصیر از آنجا برخاسته اند و در

ازمنه پیش از اسلام و بعد از آن حوادث بزرگ و تحولات سترگ در آن روی داده است که از نظرها مخفی مانده و

اطلاعی از سرگذشت تفصیلی آن در دست نیست .

و اما مبانی تاریخی که در اصفهان و اطراف مربوط بقبل از اسلام وجود داشته بتقریب بورطه نیستی
گرائیده است ، و آنچه بعد از صفویه باقی مانده بود ، هر زمان که دچار اندراس میگردید اوضاع
کشور طوری بود که کمترین توجهی بتعمیر و مرمت آن معطوف نمیگردید ، مگر اینکه پادشاهی چون
فتحعلیشاه و یا ناصرالدین شاه قاجار عازم عبور از شهری میشدند که مرکز اینگونه آثار بود ، و در
این موقع کارکنان دیوان ناچار بودند محلهای مورد عبور را سر و صورتی بدهند و آثار مندرس را تعمیر
و مرمت کنند که مبادا مورد مؤاخذه و بازخواست قرار گیرند ؛ مثل اینکه یکی دو مرتبه عمارت عالی قاپوی
اصفهان ، یا پل خواجو و جاهای دیگر در اثر پیش آمد عبور پادشاه وقت تعمیر گردید ؛ و الا قطع نظر
از اینکه خرابیها را جبران نمیکردند بیشتر قصور و باغهای سلطنتی و ملی را پیش از طلوع سلسله پهلوی خراب
و مصالح آنرا مورد استفاده قرار دادند ؛ ولی پس از طلوع آن سلسله حفظ آثار باستانی مورد
توجه و حمایت واقع و بموجب قانون و در حدود امکان و هر ساله و همه جا آثار باستانی تعمیر و استحفاظ
یافت ؛ و بحمدالله بیشتر آن بخصوص آثار باستانی اصفهان باهتمام انجمن آثار ملی و سازمان حفاظت
آثار باستانی کشور صورت نوی گرفت و از اندراس و ویرانی آن جلوگیری بعمل آمد ؛ و انتظار
میرود که در زمانی عاجل کلیه آثار باستانی کشور مورد تعمیر و مرمت کامل قرار گیرد .

این همه از نتایج سحر است — باش تا صبح دولتش بدمد

در کتاب حاضر (آثار ملی اصفهان) از آثاری بحث شده که نام و یا اثری از آنها باقی و یا معمور است،

و از اینرو کتاب بشرح زیر مرتب گردیده است:

فهرستهای کتاب :

در خاتمه از توجه انجمن آثار ملی بخصوص تیمسار بزرگوار فرهنگ شعار سپهبد آق اولی در انتشار کتاب ؛ و در راهنمائیهای گران بهای استاد دانشمند جناب آقای سید محمد تقی مصطفوی ؛ و از اولیای اداره کل باستان شناسی در تهیه عکس از بعضی از آثار باستانی اصفهان و شهرستانهای آن ؛ و نیز از کمک تیمسار سرلشگر ضیا مهدوی اردستانی در تنظیم نقشه آثار تاریخی شهر اصفهان ؛ و همچنین از کمک و اهتمام کارکنان چاپخانه اتحاد در طبع و تهیه گراور و صحافی کتاب ؛ و بطور کلی از همه کسانیکه مؤلف را در این امر فرهنگی بنحوی یاری و همراهی کرده اند سپاسگزاری نموده و توفیق همگی را در خدمت بفرهنگ از خداوند باری مسئلت مینمایم .

ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی

بنام یزدان پاك

آثار ملی اصفهان

آثار جمع اثر است ، ودرلغت تازی بچیزی اثر گویندکه ازکسی یاکسانی از دیرین بار بازمانده باشد و دراصطلاح وعرف باستان شناسی آثار ملی بمجموعه‌ای از اشیاء گفته میشودکه درجات تمدن وفرهنگ وهنر و نبوغ یك ملت را نشان دهد ، مانند ابنیه و مصنوعات باستانی که سبك بنا وطرز ساختمان و یا طراحی و رنگ‌آمیزی و نقشهٔ آنها نمودار تمدن و فرهنگ و هنر بانیان و سازندگان آن زمان است. چون بحث دراین کتاب محدود و راجع به آثارملی اصفهان است نخست بشرح حدود وقلمرو اصفهان پرداخته وسپس باصل موضوع میپردازیم .

جغرافیای تاریخی اصفهان

اصفهان در ادوارگذشته حدود و قلمرو آن متغیر بوده است ، و آنچه از تاریخ برمیآید، در ازمنهٔ لاحقه وسعت خاك اصفهان کمتر شده است.

در ابتدا وپیش ازاسلام قلمرواصفهان یکصدوبیست فرسنگ دریکصدوبیست فرسنگ وحدود آن مابین اطراف همدان ودینور ونهاوند تا اطراف کرمان ومیانه اطراف ری وقومس تااطراف فارس وخوزستان بوده ودارای سه استان وسی روستاو یکصدوبیست طسوج و پنجهزار قریه وهفت شهر بوده است .

اسامی شهرهای اصفهان

۱- کهنه[۱] ۲-جار ۳- جی ۴- قه ۵- مهربن[۲] ۶- درام[۳] ۷- ساروبه.

شهرهای: کهنه- جار - درام- سارویه‌پیش‌ازاسلام ویران‌گردید ، بطوریکه هنگام فتح اصفهان بوسیله مسلمانان که‌بنا براختلاف سال۱۹ و یا ۲۱ هجرت بوده فقط شهرهای : جی - قه ومهربن[٤] باقی مانده بود ومشتمل بردو استان و بیست‌و هفت روستا وسه هزارو سیصدو سیزده قریه بود .

پس‌از ورود اعراب باصفهان شهرهای قه ازروستای جه وسارویه از روستای کاشان را ویران ساختند وفقط شهرجی باقی‌ماند . دنباله آن هارون‌الرشید استان قم را با چهار روستاکه ازهمدان ونهاوند بآن اضافه شده بود ازاصفهان جداکرد ، و این وضع باقی‌بود تا معتصم شهرکرج را بنا نهاد و به چهار روستا تقسیم و آنرا نیز از اصفهان‌مجزاکرد وبااین‌ترتیب اصفهان بعداز معتصم‌دارای یك استان ونوزده روستا ودوهزاروپانصد قریه‌گردید .

بانی و بنای شهر جی

در بانی شهر جی اختلاف است، برخی بنای نخست آن‌را به‌اسکندر رومی با مباشرت : جی‌بن[۵]زراده یا زاردة دانسته‌اند و گفته‌اندکه پهنای پایه دیوار آن شصت خشت بوده است .

برخی دیگر نوشته‌اندکه شهرجی پیش از پادشاهی جم ساخته شده ودرزمان افراسیاب ترك مانند سایر شهرهای ایران شهرخراب‌گردید وخمانی چهرآزاد که

۱- دربعضی ازجاهای کتاب ذکراخبار اصفهان ابونعیم : کهته بتای منقوطه است .
۲- درذکر اخبار اصبهان مهربن بباء موحده نوشته شده .
۳- درذکراخبار اصبهان دردام نوشته شده ولی درست آن چیزی است که درمتن مرقوم‌گردید.
۴- مهرین وسارویه ازبناهای طهمورث بوده است . (فارسنامه ابن بلخی ص۳۵)
۵- درذکر اخبار اصبهان ج۱ ازاردة نوشته شده است ولی‌دربقیه مدارك زراده است .

به‌هما دختر بهمن‌بن اسفندیار شهرت دارد پیش‌از ورود اسکندر آن شهر مخروبه را از اساس بنیان نهاد وهنوز بیش از نصف بارو ساخته نشده بود که بدرود حیات گفت ، و چون اسکندر وارد شد از اتمام بنای آن درگذشت و بحال نیمه خراب واگذاشت ، و چنین بود تا زمان سلطنت فیروزبن یزدجرد که آن موقع یکصد و هفتادسال‌پیش‌ازاسلام بود ، فیروز به‌آذرشاپورپسر آذرمانان‌که مردم قریه هراستان ماربین بود دستور داد تا باروی جی‌را بانجام برساند .

پاره‌ای از مورخان بنای شهرجی را به طهمورث دیـوبند نسبت داده‌اند ، دسته‌ای‌هم اسکندر را بانی‌آن شهرمیدانند .

کیفیت ساختمان بارو

پایه ساختمان بارو باندازه‌ای استحکام داشت‌که پهنای آن سوای‌گل وملاط چسبیده بآن شصت خشت بود ، وبربالای آن‌کنگره هائی قرار داد وبرای‌کارزار و تیراندازی سوراخها وجاهائی‌را مهیاکرد ، سپس چهار دروازه از چهار طرف بارو درچهار روز آماده‌کرد، دروازه‌ای‌که روی‌آن بطرف میدان بازار بود در روز خور بسته می‌شد وآن را : دروازه خور یعنی دروازه خورشید مینامیدند ، وفردای‌آن روز یعنی در روز مـاه دروازه دوم را می‌بست و آن را مـاه‌بر یعنی دروازه ماه مینامیدند وآن محل‌را بعدها اسفیس واسفیش ودر زمان حال شئیش نیزمیگویند که محل‌کنونی محله بیدآباد است.

و روز بعد که روز تیر باشد دروازه سوم را می‌بست و آن را تیربـر یعنی دروازه تیرکه عطارد باشد میخواندند وروزبعد دروازه چهارم را می‌بستند وآن‌را کوش‌بر[1] ویا دروازه یهودیه میگفتند وعلت تسمیه اخیر آنست‌که عده‌ای‌از اولاد کوش‌بن حام‌بن نوح‌که طایفه الوار باشند در آن‌جا سکونت داشتند .

۱ـ نصف جهان فی‌تعریف الاصفهان ص ۱۶۵

وضع هندسی دروازه‌ها

وضع هندسی دروازه‌ها طوری بودکه هرگاه خورشید در درجه نخست برج جدی منزل داشت از دروازه خور طلوع ودر دروازه یهودیه غروب میکرد . وهرگاه دردرجه یکم برج سرطان جا داشت ، ازدروازه اسفیش طلوع ودر دروازه تیره غروب میکرد.

اسکان شهر جی

شهرجی پیش‌از اسلام‌قلعه‌ای بود برای مردم دهات روستای‌جی وخود مردم در شهر قه‌سکونت داشتند وتنها خانه مطیار بودکه بامر خسروپرویز در ازاء فتح قسطنطنیه برای او در جی ساخته شده بود در آنجا قرار داشت ، ولی پس از فتح اصفهان ازطرف مسلمانان وخراب‌کردن شهر قه مردم قه هم درجی ساکن‌شدند .

مساحت جی

دورهٔ باروی جی هزار نی وقطر شهر سیصدوبیست نی‌بود وچنانچه نصف‌قطر ضرب درنصف دورهٔ بارو شود حاصل هشتاد هزارنی خواهد شد وچون هرچهل‌هزار نی یك‌جریب اصفهان بوده مساحت شهرجی دوهزار جریب بوده است .

کوشکهای شهر جی

درشهر جی یکصدو چهارده کوشك بشکل برجهای معوج وموسع در دنباله دوره باروی شهربکیفیتی ساخته‌شده بودکه درهرفاصله معینی چند برج‌باین‌ترتیب وجود داشت :

۱ــ از دروازه خور تا دروازه یهودیه کوچك که یکصدو بیست ذراع فاصله

داشت هیجده برج .

۲ـ از دروازه یهودیه تا دروازه تیره که هزار و صد ذراع فاصله بود سی و سه برج .

۳ـ از دروازه تیره تا دروازه اسفیس که هزارو سیصد ذراع مسافت داشت بیست و چهاربرج .

۴ـ از دروازه اسفیس تا دروازه خور که هزار و چهارصد ذراع فاصله بود سی وپنج برج .

وبا این کیفیت محیط شهرجی بالغ بر هفتهزار ویکصد ذراع بوده که بذراع دست ده هزار وششصد وپنجاه ذراع میشده وطول آن هزار وپانصد وعرضش هزارو هفتصد و پنجاه و دو ذراع بوده است[۱].

بنیان یهودیه و حدود آن

پس از اینکه بخت‌النصر یهودیان را از اورشلیم آواره کرد آنان سرگردان دراطراف زمین گردش میکردند وخاك اورشلیم‌را که همراه داشتند باخاك آن‌زمین مقایسه میکردند هیچ خاکی‌را مناسب با اورشلیم ندانستند تا اینکه وارد اصفهان شدند ودرمحلی‌که آنرا بزبان عبری بنجار می‌گفتند و معنی‌آن : فرود آئید بود خاك اورشلیم را با خاك آنجا مطابق و موافق دیدند و فرود آمدند و همانجا را یهودیه گفتند .

یهودیه ازطرفی به قریه یوان وطرف دیگر به قریه خرجان وسنبلان‌که همان چمبلان یا چملان یاجمیلان فعلی‌باشد و طرف سوم به‌قرای‌کمائان واشکهان و چهارم بقرای جروائان وخشینان متصل بود و مساحت این قسمت بالغ برهفتصد جریب میگردید وتمام سکنه آن یهود و بکارهای‌کثیف چون : حجامت ـ دباغی- گازری وقصابی اشتغال داشتند .

۱- این‌مساحت برحسب محاسبه محمدبن لره حاسب اصفهانی است .

شهر شدن یهودیه

درسال یکصدو پنجاه واندی گذشته ازهجرت ایوب بن زیاد ازطرف ابوجعفر منصورخلیفه بعنوان عامل وسعیدبن منصورحمیری خال مهدی برای جنگ وارد اصفهان شدند چون سعید تغییر داده شد هردو سمت را ایوب عهده‌دارگردید و در قریه خشینان فرود آمد و درکنار نهر فوسان کوشکی ساخت و در مقابل آن نیز مسجدی بنا کرد که مقصوره داشت و این مسجد تا اوایل قرن پنجم باقی بود ، درآن مسجد منبری گذارد و برای بازرگانان و صاحبان متاع بازاری آماده ساخت که دارای صفه‌ها و میدانها بود واین قسمتها در میدان کاه‌فروشان با یهودیه متصل میشد ، و در همین موقع خانه‌های قریه خشینان با یهودیه متصل‌گردید ویهودیه وخشینان به‌شهر واحدی تبدیل‌شدند .

طول مسیر خانه ایوب بن‌زیاد ازدرمسجد خشینان تا در باغ عیسی‌بن ایوب و عرضش از طرف محله کوراء تا ملنجه بود .

چون ایوب مورد سخط خلیفه واقع گردید و ببغداد احضار و زندانی شد عرب قریه طهران (تیران‌فعلی)که بنی‌تیم بودند مصمم شدند مسجد جامع وسیعی بسازند و منبر مسجد ایوب را بآنجا منتقل‌کنند، چون زمین صدر جامع مسقف تا پشت آنجائیکه آب میکشیدند از آن صخربن سنان بود و آن زمین متروکه و در راه طهران (تیران) واقع شده بود تمام آن زمین را بجامع بخشید و جامع وسعت یافت. منبر مسجد ایوب هم بآنجا منتقل‌گردید ، این انتقال مصادف با سال یکصدوپنجاه وشش هجری و زمان حکمرانی هانی‌بن ابی‌هانی وپس از انقضای‌پنج سال از عمران وآبادی ایوب‌بن‌زیاد بود. پس‌از آنکه جامع یهودیه درصحرا ساخته شد ، پانزده قریه بشرح زیر بشهر یهودیه ضمیمه شد :

۱- باطرقان. ۲- فرسان. ۳- یوان. ۴- خرجان. ۵- فلفلان. ۶- سنبلان. ۷- فرائان. ۸-کمائان. ۹- جوزدان. ۱۰- لنبان. ۱۱- اشکهان. ۱۲- جروائان. ۱۳- خشینان. ۱۴- بروسکان. ۱۵- فابجان .

وچون شهر توسعه‌یافت مردم درتوسعه مسجدنیز کوشیدند و اراضی خصیب‌آباد ضمیمه مسجدشد، ونیز درسال دویست وبیست وشش درخلافت معتصم وامارت یحیی‌بن‌عبدالله بن‌مالك خزاعی‌مسجد تجدید بناگردید وابوعلی‌بن‌رستم‌ـ رستم‌آباد را که مشتمل بر کاروان‌سراها و مستراحها بود پاکیزه‌کرده وضمیمه‌مسجد ساخت، این وسعت اخیر درسال سیصد وهفت هجری و در خلافت مقتدر و امارت احمدبن مسرور اتفاق افتاد .

قلمرو اصفهان در ۲۹۰ هجری

مساحت اصفهان در۲۹۰ هجری هشتاد فرسنگ در هشتاد فرسنگ ودارای هفده روستا بشرح زیر بود :

۱- **جی** . ۲- **ماربین.** ۳- **النجان.** ۴- **براان.** ۵- **برخوار.** ۶- **رویدشت.** ۷- **اردستان.** ۸- **کروان.** ۹- **برزاوند.** ۱۰- **دارك.** ۱۱- **فریدن.** ۱۲- **قهستان.** ۱۳- **قامدار.** ۱۴-**گرمسیر کاشان.** ۱۵- **سردسیر کاشان.** ۱۶- **ارزنان.** ۱۷- **نیمره کوچك.** ۱۸- **نیمره بزرگ** و هر روستا سیصدوشصت قریه داشته است[۱] .

برخی دیگر در همان تاریخ‌عدد روستاها را بیست شمرده‌اند و این روستاها را اضافه کرده‌اند :

۱- **طسوج‌الرود.** ۲- **آران.** ۳-**انار والوار** وعدد قراء آن‌را بالغ بردو هزار وسیصد نوشته‌اند[۲] .

تغییرات وضع‌جغرافیائی اصفهان درهمین‌حدود بوده تابقرن چهاردهم‌هجری رسیده است .

۱ـ البلدان ابن‌الفقیه همدانی

۲- جلد هفتم اعلاق‌النفیسه

تقسیمات اصفهان درقرن چهاردهم

تقسیمات اصفهان در سال یکهزاروسیصد وهشت (۱۳۰۸ ه. ق.) باین ترتیب و شرح بوده :

مرکز شهر اصفهان و نه بلوك بنامهای :

۱- **جی**. ۲- **برخوار**. ۳- **قهاب**. ۴- **براآن**. ۵- **رویدشت**. ۶- **ماربین**. ۷- **لنجان**. ۸- **کرون**. ۹- **کرارج** و **هشت‌محل** بنامهای :

الف - محلهای متصل بیکدیگر موسوم به‌چهارمحل : ۱- **رار**. ۲- **کیار** . ۳- **گندمان**. ۴- **میزدج**.

ب- محال‌چهارگانه‌جدا ازیکدیگر: ۱- **سیمرم**. ۲- **جرقویه**. ۳- **اردستان** ۴- **قهپایه** و هرند ، و دوقصبه نجف آباد و قمشه .

وپنج ناحیه که عبارت از پنج ناحیه فریدن : ـ ۱- **ورزق**. ۲- **چادگان** . ۳- **گرجی**. ۴- **کرچنبوت** (تخماقلو). ۵- **چنار رود**[1].

در حدود سال یکهزار وسیصد ونه شمسی سازمان بلوکات اصفهان باین‌شرح بوده است :

۱- چهارمحال‌وفریدن. ۲- النجان. ۳- ماربین. ۴- جی. ۵- کرارج . ۶- براآن ۷- رویدشتین ۸- نیران ۹- دهق ۱۰-کرونین ۱۱- برخوار ۱۲- اردستان ۱۳- قهپایه ۱۴- دهاقان ۱۵- سمیرم ۱۶- اسفرجان ۱۷- قمشه ۱۸- جرقویه .

درسال یکهزار و سیصدوسی وپنج شمسی‌نائین ونطنز هم جزء سازمان استان اصفهان‌شد ودنبال‌آن یزد هم‌اضافه شد ولی فرمانداری‌های‌کل چهارمحال وبختیاری و یزد مستقل گردیدند و در حال حاضر استان اصفهان مـرکب از شهرستانهای : ۱ـ اصفهان ۲ـ شهرضا ۳ ـ نجف‌آباد ۴ ـ فریدن ۵ ـ اردستان ۶ ـ نائین ۷ـ نطنز ۸ـگلپایگان ۹ـ سمیرم میباشد.

۱ـ نصف جهان محمدمهدی ارباب اصفهانی ص ۲۲ .

عنوان اصفهان

بطوریکه در بنای نخست اصفهان گفته شد کلمه اصفهان در بدو امر به مجموعه هفت شهر: کهنه - جار - درام - قه - سارویه - مهرین - جی اطلاق میگردید و چون آن شهرها خراب گردید وفقط شهر جی از آنها باقی ماند، پس از آبادی یهودیه وخشینان یهودیه جای گزین همه آن هفت شهر شد ونام اصفهان را بآن شهر میگفتند. ولی بتدریج برقلمرو آن افزوده گردید و اصفهان دو عنوان یافت:

یکی شهر اصفهان که همان یهودیه اخیر باشد ودیگر اقلیم یااستان اصفهان.

چرا یهودیه را اصفهان گفتند؟

درعلت نام گزاری اصفهان وجوه مختلفی گفته اندکه برخی باساطیر شباهت دارد، و پاره ای از گفته ها هم سند و دلیلی ندارد، مانند. قصه سوزانیدن نمرود ابراهیم خلیل را که چون به اصفهانیان امر شد که در سوزاندن خلیل الله شرکت کنند و از قبول آن خودداری کردند درباره آنها گفته شد: «اسپاه آن» یعنی آنها سواران خدایند[1]، و یا اینکه اصفهان از بناهای اصبهان بن فلوج بن سام بن نوح علیه السلام[2] و یا اصبهان بن فلوج بن لنطی بن یونان بن یافث است[3]. که این دو در اصل روایت متحد بنظر میرسند منتهی در مراتب نسب تغییری وجود دارد.

آنچه منطقی ومناسب بنظر میرسد وجه تسمیه ایست که حمزه اصفهانی اختیار کرده و آن چنین است:

لفظ اصبهان و اصفهان و اصفاهان از اسپاهان که بمعنی سپاه ها و لشکر است گرفته شده و اسپاه[4] و اسپه نام لشکر وهم نام سگ است، زیرا هردو درکار نگهبانی و حراست اشتراك دارند، و ازاینرو اصفهان وسجستان راکه مرکز سپاهی بوده اند بترتیب: اسپاهان[5] وسگان یا سگستان خوانده اند، وچون مردم اصفهان از زمان

۱- محاسن اصفهان ص۶ ۲- معجم البلدان ج۱ ص۲۰۶ ۳- معجم البلدان ج۱ ص۲۰۶

۴و۵- درسنی ملوك الارض و الانبیاء اسبه واسباه بباء موحدة نوشته شده ولی علی التحقیق ببای فارسی هم درست است.

کاوه آهنگر بسپاهی‌گری شهرت داشتند و در دوره ساسانیان برای حمل درفش کاویانی فقط از وجود آنان استفاده میکردند و اساوره‌ایکه دربین تازیان شهرت دارد همان سواران برجسته مردم اصفهان را میگفته‌اند یعنی مردم سپاهی یا جای سپاه.

وبرخی طریق نامگذاری‌را چنین گفته‌اندکه در روزگار فرس چون گودرزبن کشواد دراصفهان سوار میشد در دنبال اوهشتاد پسر شجاع و نواده‌ها و اتباع‌دلیر سوار میشدند وچون این منظره بسیار جالب وچشمگیر بود باین دسته میگفتند: اسپاهان یعنی‌لشکر وسپاهی واین‌کلمه بتدریج نام محل‌گردید[۱] و دراین‌مورد هم باید اذعان‌کرد که الف و نون آخر معنی جمع میدهد برخلاف وجه تسمیه پیش که الف و نون علامت مکان است چون : گیلان‌که معنی جای‌گیل میدهد[۲].

ساختمانهای تاریخی اصفهان

اصفهان‌که در ادوارمختلف زمان ازلحاظ موقعیت جغرافیائی‌وسیاسی وقدمت دربنا موردتوجه حکمرانان وقت‌بوده‌هر کدام از فرمان روایان‌بمناسبتی بساختمان بنا و یا ایجاد اثری مهم پرداخته‌اند ، منتها آن آثار بنسبت مرور زمان و کیفیت ساختمان ویا طرز و سبك ایجاد اثر ، برخی از آنها چنان معدوم شده که نامی هم از آن آثار باقی نمانده است واز موضوع بحث کتاب خارج خواهد بود .

و از بعضی دیگر نامی بجا وپاره‌ای دیگر را اثری باقی مانده که شرح این دو قسمت در سه فصل بیان میگردد :

۱ــ محاسن اصفهان ص۶ .

۲ــ نصف‌جهان فی تعریف‌الاصفهان ص ۱۶۱ .

فصل اول

دربیان آثاری‌که فقط نامشان باقی‌است وآن مشتمل بر دوگفتار است:

گفتار اول

آثار تاریخی پیش از اسلام

آثار تاریخی پیش از اسلام که تنها نامی از آنها باقی مانده باروها و دژها و آتشکده‌ها ومعابدی است که در آغاز عمران شهرها و دهات وقصبات بنا شده و سپس در اثر مرور زمان و توارد حوادث‌جوی چون طوفان و زلزله و سیل وامثال آنها درمعرض زوال درآمده و برجای بعضی از آنها بنائی دیگر ساخته شده است:

الف ـ باروهائی‌که درحوزه استان اصفهان ساخته شده و بتدریج بویرانی انجامیده وفقط نامی از آنها باقی مانده بشرح زیر است:

۱ـ باروی قلعه طبرك (تبره) درشهراصفهان‌که پیش ازتجدید بنای قلعه بوسیله دیلمیان در زمان ساسانیان ساخته شده بوده است.

۲ـ باروی طهمورثی جی که بوسیله طهمورث دیوبند پادشاه پیشدادی ایران بنا شده وفقط نامی از آن درکتابها باقی است.

۳ـ باروی جی که از طرف فیروزبن یزدجرد آذرشاپوران پسر آذرمانان کشیده بود و معدوم‌الاثر شده است[۱].

۱ـ سنی ملوك‌الارض والانبیاء ص ۳۸ .

سفندیار بنا شده بود .

۴- باروی همان شهر که بفرمان هما دختر بهمن‌بن اسفندیار بنا شده بود .

۵- باروئی که اسکندر بگرد شهر جی کشیده بوده است .

۶- **باروی شهر اردستان** از زمان ساسانیان .

۷- **باروی زواره** از پیش از ساسانیان .

۸- **باروی آتشگاه** بین‌راه اصفهان و نجف‌آباد[1] .

ب- آتشکده‌هائی که پیش از اسلام بنا و در زمان حاضر فقط نامی از آنها مانده است :

۱- **آتشکده‌ذروان** اردشیر که‌بنا بامر بهمن[2] بن‌اسفندیار معروف به‌اردشیر دراز دست در دارك از تـوابع خوار[3] بنا شده و در زمان حاضر اثری از آن باقی نیست .

۲- **آتشکده مهر** اردشیر در اردستان که نیز بامر همان بهمن‌بن اسفندیار بنا شده .

۳- **آتشکده شهر اردشیر**[4] که‌همو درقلعه‌مارین[5] برپاداشته‌است،ومتأخران احتمال داده‌اند که آتشکده مزبور همان آتشگاه واقع در راه ماربین است و بااین فرض جزء آثار موجود خواهد بود . این سه آتشکده دریك روز بـاین ترتیب : که آتشکده ذروان اردشیر درهنگام طلوع آفتاب وشهر اردشیر در وقت‌ظهر ومهر اردشیر در غروب آفتاب برپا گردید .

۴- **آتشکده سروش آذران** که شاپور ذوالاکتاف درقریه حروان از روستای جی بنا وقرای یوان وجاجاه از رستاق النجان را وقف برآن‌کرد .

۵- **آتشکده رستاق اناربا**د ازدیه ممنور که‌کی‌کشتاسب کیانی آنرا بنا و

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۲۵.

۲- بنی‌اسرائیل بهمن را کورش خوانده‌اند (سنی ملوك‌الارض والانبیاء ص۲۸) .

۳- درسنی ملوك‌الارض والانبیاء ص ۲۸ . خوا نوشته شده که شاید محرف برخوار باشد ولی در زمان ما جزء قهاب است .

۴- شهر نام سپیده صبح است . و اردشیر نام بهمن . (سنی ملوك‌الارض والانبیاء ص ۲۸).

۵- مادین و مهرین اصل ماربین است .

املاکی از همان رستاق برآن وقف‌کرده است .

۶ـ آتشکده شاپور ذوالاکتاف در یوان جروائان اصفهان[۱].

۷ـ آتشکده‌ایکه بهمن‌بن اسفندیار در دیه جز جزء برخوار بنا کرده بوده است[۲] .

۸و۹ـ آتشکده‌های امهران و جوگند در اردستان[۳].

ج- مساجدی‌که پیش از اسلام محل آن آتشکده بوده و خراب و تبدیل به‌مسجد شده :

۱ـ محل قسمتی از مسجد جامع اصفهان که احتمال داده‌اند پیش از اسلام آتشکده بوده و خراب و برروی آن مسجد جامع را ساخته‌اند[۴].

۲ـ محل مسجد ازیران واقع در هفده کیلومتری غرب اصفهان از روستای برآن‌که از دوره ساسانیان بوده وسپس بعد ازاسلام و خرابی آن تبدیل به‌مسجد گردیده و درتاریخ اول دیماه هزار وسیصد وچهل وهشت (۱۳۴۸) شمسی طی‌شماره ۸۹۰ به‌ثبت باستان‌شناسی رسیده است[۵].

۳ـ محل مسجد بن‌کویه زواره که دریکصد ونود کیلو متری اصفهان واقع و در زمان ساسانیان محل آتشکده بوده است و سپس در زمان‌اسلام تبدیل بمسجد گردیده است[۶].

۴ـ محل‌مسجد دیه‌ویدان‌از روستای سفلای اردستان[۷]که دومحراب‌دارد[۸].

۵ـ محل مسجد خرابه دشت رامیان اردستان[۹].

د- دژها و قلعه‌هائی‌که پیش از اسلام ساخته شده و در زمان حاضر اثری از آن باقی نیست :

---

۱ ـ فارسنامه ابن‌البلخی ص ۸۵ . ۲ ـ نزهت‌القلوب . ۳ ـ آتشکده اردستان بخش ۲ ص۲۱۹ . ۴ـ ومساحت پیشین‌آن سی‌وشش جریب‌بوده (تاریخ اصفهان و ری ص۹). ۵ـ گزارش اداره باستان‌شناسی. ۶ـ آتشکده اردستان ص ۱۵۱ . ۷ـ آتشکده اردستان بخش یك ص ۱۰۳ . ۸ ـ یکی از آنها بطرف بیت‌المقدس و دیگری بمکه . ۹ـ آتشکده اردستان بخش یك ص۲۹ .

۱ـ سارویه مشهور به‌هفت هلکه[1] بنائی گویند که از ساروج

بعضی[2] این کلمه را ساروق گفته‌اند و در هر حال ساروق هم معرب ساروج باشد.

ساخته شده باشد وگمان میرودکه ساروق هم معرب ساروج باشد.

طبق گفته‌حمزه اصفهانی[3] و بنقل از ابومعشربلخی که صاحب‌محاسن اصفهان و ابونعیم نیز از او نقل‌کرده‌اند و در فهرست ابن‌الندیم هم روایت شده ، درزمان سلطنت طهمورث دیوبند یا زیباوند از دوستداران علوم وحکمت ونجوم حکماءِ و منجمان زمان پیش‌بینی کرده بودندکه طوفانی سهمگین خواهد آمد که همه‌چیز را نابود میکند، طهمورث‌شاه برای ایمن بودن‌کتابهای علمی‌بخصوص زیج‌شهریاری که مورد عمل در استخراج ارصاد کواکب بود و تا اوائل اسلام هم مورد عمل بوده است ، دستور داد ورقی را که از لحاظ دوام وصحت ممتاز باشد انتخاب وعلوم را برروی آن بنویسند وسپس درجای امنی‌که صلاحیت حفظ آن نوشته‌ها را داشته باشد قرار دهند ، پس از رسیدگی برای‌نوشتن برگ درخت خدنگ (توز) ومحل سپردن آن‌جائی را بنام کهندز سارویه انتخاب و ساختمانی را با ساروج و شفته بناکردندکه مانندا‌هرام مصر استوار وموجب شگفتی‌بود و آن نوشته‌ها را درآنجا بودیعت گذاردند و در زمانی قدیم پیش‌ازحمزه اصفهانی قسمتی‌از ساختمان‌سارویه خراب ومقداری از آن‌کتابها بدست‌آمدکه پس‌از ترجمه از طرف مترجمان‌معلوم گردید راجع بعلوم اوائل است.

درسال سیصدوپنجاه (۳۵۰) هجری زمان حمزه اصفهانی نیز قسمت دیگری ویران وخانه‌ای ازآن نمایان‌گردیدکه درآن پنجاه (۵۰) عدل کتاب بود ، چون کسی از وضع ومحتویات کتابها اطلاعی نداشت بکتاب ابومعشربلخی رجوع ومعلوم گردیدکه‌کتابها در زمان طهمورث‌دیوبند برای‌ایمنی ازحوادث وطوفان درآن‌محل گذارده شده است . و این محل را که‌کهندزسارویه میخواندند تا سال سیصدوپنجاه (۳۵۰) هجری باقی بوده ولی در زمان حال اثری از آن باقی نیست . مگر اینکه

۱ـ فارسنامه‌ابن بلخی ص۲۵. ۲ـ ابن‌رسته دراعلاق‌النفیسه. ۳ـ سنی ملوك‌الارض والانبیاء ص۱۲۷ .

تپه اشرف درجی (شهرستان) باقی مانده سارویه باشد. بعضی هم گفته‌اند که مناره ساربان واقع درجوباره درهمان محل‌سارویه میباشد وساروان محرف‌سارویه‌است[1].

در فارسنامه ابن‌البلخی آمده‌که سارویه دروسط شهرستان اصفهان و درمیان آبی شیرین وخوش بوده‌که‌کسی منبع آن را نمیدانسته کجاست و در ۴۶۵ رکن‌الدوله خمارتکین که والی فارس شده بود سرآن را بکند و برآن کوشکی‌ساخت که آنرا هفت هلکه خوانند این‌کلمه بزبان اصفهانی یعنی هفت سوراخ‌است[2].

۲ـ قلعه‌هائی‌که پیش از اسلام در اردستان درمحلات آن ساخته شده بود[3]. یکی از آنها موسوم به دژ ارونه که فردوسی‌گفته : ز سرحد ری تا دژ ارونه[4]، و دیگری قلعه خرابه محله رامیان از زمان ساسانیان و بالاتر. دژ ارونه[5] همان قلعه میان شهر است‌که آتشکده مهر اردشیر درآن برپا بوده وانوشیروان عادل‌نیز درآن متولد شده است[6].

۳ـ قلعه‌ای در روستای النجان که در محاذات قریه روسان و آزادوار محل اقامت بهرام‌گور ساخته شده و اثری ازآن باقی نیست[7].

۴ـ قلعه وهانزاد واقع در رستاق قمذاز که اثری از آن نمانده است[8].

۵و۶ـ دوقلعه درقریه یوان‌واقع در دروازه شهر اصفهان[9]. درفارسنامه ابن‌البلخی این محل بنام بوان بباى موحدة نوشته شده ولی درست‌آن همان‌یوان بیاء مثناة از زیر میباشد.

۷ـ قلعه جوگند از برزاوند اردستان مربوط به‌پیش از اسلام‌که بنیان آن آتشکده بوده است[10].

هـ ـ معابدی‌که پیش ازاسلام بنا شده و اثری ندارد :

۱ـ تاریخ نصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان ص۳۲ . ۲ـ فارسنامه ابن‌بلخی ص۳۵ .
۳ـ معجم‌البلدان بنقل ازاصطخری ج۱ ص۱۴۶. ۴ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص۲۸.
۵ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص ۲۸ . ۶ـ آتشکده اردستان بخش ۲ ص ۲۲۲ .
۷ـ محاسن اصفهان ص۲۲ . ۸ـ محاسن اصفهان ص۱۸ . ۹ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۴۵۲ . ۱۰ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۱۳۸ .

۱ و ۲ـ دومعبد بنام قبةالنصاری که در محله شهشهان و گلبـار درزمان خسرو پرویز بنا شده است[۱].

۳ـ کنیسه‌ایکه فیروزبن یزدجرد برای حکیم رومی در میان دوقلعه یوان بنا کرد[۲]، ونیز خانه‌ایکه برای همو درجائی‌که خانه نوشجان بود بناکرد. کنیسه در زمان ابونعیم اصفهانی در محل مسجد جامع کنونی بوده است[۳].

و ـ قصور وکوشکهائی که پیش از اسلام بوده و اکنون جزنام اثری ندارند:

۱ـ قصر چملان یا چلمان واقع در محله چملان یا چلمان درکنار قبرستان بهمان نام و این‌قبرستان قسمتی از باغی بوده‌که ازطرف خسروپرویز برای‌شیرین اصفهانی ساخته شده و قصر مزبور در وسط آن باغ بوده است[۴].

این قصر نقبی داشته که درب آن در قبرستان نـامبرده باز میشده و هولناك بوده وکسی آخرش‌را ندیده وبعضی کسان با شمع‌وچراغ‌مقداری راه رفته وبه‌چهار طاقی رسیده و گاهی‌هم تاچهارطاقی پیش رفته‌اند وچون‌احساس تنگی نفس‌کرده‌اند برگشته‌اند . این قصر تا اوائل قرن چهاردهم آثاری داشته است .

۲ـ قصوری که ازطرف انوشیروان دادگر یا پـدرش قباد در اردستان برای همدرسها و همبازیهای نوشیروان ساخته شده بـوده و تـا قرن هفتم هجری باقی و مورد افتخار اعقاب آنان بوده است[۵].

فعلاً محله‌ای در اردستان بنام کوشك موسوم است کـه نشان میدهد جای آن قصور بوده است .

۳ـ قصوری هم در زواره در زمان ساسانیان ساخته شده بوده که در آنجا هم فقط محلی بنام کوشك وجود دارد[۶] .

ز ـ گورستانهائیکه پیش از اسلام دائر و اکنون اثری ندارد :

۱ـ گورستان تاریخی چملان یـا چلمان کـه صابئان را در آنجا در خمره

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۷ . ۲ـ محاسن اصفهان ص ۸ . ۳ ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص ۴۴ . ۴ ـ جغرافیای اصفهان ص ۳۴ . ۵ ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۶ . ۶ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۱۴۹ .

سفالین گذارده دفن میکرده‌اند و درموقع حفریات اسکلتهائی دیده‌شده که‌درخمره سفالین ایستاده دفن شده بوده است[1].

۲ـ گورستان زردشتیان واقع درقسمت‌شرقی مهرآبادسفلای‌اردستان درمحلی بنام ملنگو که بارها هنگام حفرزمین آثاری از مردگان بدست آمده است[2].

۳ـ خانه‌گبرها[3] واقع‌درقسمت‌غربی‌قنات‌بلوچهادرقریه‌شهراب‌سفلای‌اردستان که هنگام خاکبرداری خمره‌هائی از آنجا بیرون آمده ومعلوم میشود مردگان را درآن خمره‌ها دفن میکرده‌اند.

۴ـ گورستان صابئان‌واقع در حدود گنهران‌کرون‌که در اوایل قرن‌چهاردهم هجری درموقع حفرزمین‌گورهائی پیدا شد ودرآن خمره‌های سفالین ایستاده بود که صابئان برای دفن مردگان خود برپا میداشته‌اند[4].

ح‌ـ شهرها و ساختمانهائی‌که پیش از اسلام احداث و اکنون تپه خاکی‌است:

۱ـ هفت شهر لیلاز ویا لاسون‌که از نزدیکی دیه‌موغار و مه‌آباد گرمسیر اردستان آغاز و ازکنار زواره و امیرآبادگذشته به‌یزد منتهی میشده است[5].

چنانکه دهان بدهان نقل‌شده‌این‌شهرها مرکزحکمروائی لیلاز پدرکیخسرو کیانی‌بوده ، و در اثر زلزله ویا هجوم ریگ‌روان ویا حمله افراسیاب ترك ویران گردیده و اکنون جز تپه‌هائی خاك‌که درفصل بارندگی و تابش آفتاب اشیائی مانند خرده‌طلا و امثال‌آن ازآن بدست میآید اثری نیست ودراین‌باب این اشعار خرابی هفت شهر را بخوبی مجسم میکند[6]:

موغار که بدمغ آر دیگر نبود آثار　　پندار که ذکر مغ گردیده دگردستان
مـه باد که بد آباد در عهد مهابادان　　بینی‌که شده اینسان ویرانه چوقبرستان

۱ـ تاریخ اصفهان وری ص۴۴۱ .
۲ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۷۷ .
۳ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۳۵ .
۴ـ تاریخ اصفهان و ری ص۶ .
۵ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۴۴ .
۶ـ مطلع قصیده چنین است :
دیدی چو مدائن را با دیدهٔ عبرت هان　　زانجا قدمی بگذار در خطه اردستان
وبرای ملاحظه مقطع آن به‌آتشکده اردستان بخش۱ ص۵ رجوع شود .

لیلازودگر لاسون گردیده چنان هامون اطلال همه بینی در معبر ریگستان

بس قصر زمردگون چون طاس شده وارون در قعر زمین مدفون گردیده نگارستان

زانجا نگهی بنمابا دیدهٔ خون پالا بر باروی اردستان یا بارگه دستان

۲ـ خرابه‌های ساسانی واقع درشمال مدینةالسادات زواره که طبق تحقیقات باستان‌شناسان اردستان قدیم در آنجا بوده و اکنون جزتپه‌های خاك اثری دیگر مشهود نیست واین خرابه‌ها بموجب تصویبنامه شماره $\frac{۵۱۹۷}{۱۴۱۰ر۶ر۲۸}$ هیئت وزیران جزو آثار باستانی ثبت‌شده است[۱] و غربیان این خرابه‌ها را بنام لاسریه میخوانند. بنظر نگارنده این‌خرابه‌ها اگر از ساسانیان هم باشد باید از عمارتهای اوایل دوره سلطنت ساسانیان باشدکه آغاز عمارت آن پیش از سلطنت قباد و انوشیروان باشد چه همانطورکه نگاشته شد قلعه میان شهرکه مسقط‌الرأس انوشیروان عادل بوده تا اوایل قرن چهاردهم آثاری از آن باقی[۲] واز آن ببعد تبدیل به‌باغ شده ودرزمان حاضرهم بباغ قلعه معروف است.

۱ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۲۹ . ۲ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص۲۷-۲۸.

گفتار دوم :

در آثار تاریخی بعداز اسلام که فقط نامی از آن باقی است:

الف ـ گورستانهای بزرگ :

۱ـ قبرستان آسیاب چهارسنگ واقع در نزدیکی خاجوی قدیم اصفهان که گورستان یهودیان بوده و اکنون از بین رفته است .

۲ـ قبرستان گلستانه واقع در احمدآباد اصفهان که در زمان صفویه اهمیت داشته و درقسمت شمالی خیابان حافظفعلی جنب چشمه پا قلعه قرار داشته وتاسال ۱۳۵۰ هجری قسمتی از آن باقی‌بود ولی اکنون همه‌آن تبدیل بعمارات گوناگون گردیده است .

۳ـ گورستان باغ خلفاء جنب چهارسو مقصود اصفهان که اثری از آن نیست و در آنجا مدرسه مریم بیگم بناشده است .

۴ـ گورستان باغ سهیل وشیرسبز دراطراف طوقچی اصفهان که مدفن سادات گلستانه بوده و از میان رفته و در آن محل مسجدی ساخته‌اند .

۵ـ مقبره بکتاش در حوالی محله حسن‌آباد اصفهان که در حدود هشتاد جریب وسعت داشته و تمام آن تبدیل بخانه‌گردیده است .

۶ـ گورستان بیدآباد اصفهان که در دنباله جوی بیدآباد وحوالی یخچال درکوشك بوده و در یکقرن‌ونیم پیش تبدیل بباغ و خانه شده است .

۷ـ گورستان پشت مسجد شاه اصفهان که در قسمت جنوبی مسجدشاه قرار

داشته و یکقرن‌ونیم پیش تبدیل به‌خانه وباغ شده است .

۸- **گورستان درکوشك** اصفهان‌که پیش از پادشاهان آق‌قوینلو ایجادشده بوده تبدیل به‌عمارات مختلف چون‌مدرسهٔ با قریه‌که بمدرسه درکوشك شهرت‌دارد گردیده است .

۹- **گورستان چملان** یاسنبلستان‌دراصفهان‌که بمقبره درب امام اتصال‌داشته بتدریج از بین رفته تا در سال ۱۳۵۵ هجری بقیه آن تسطیح و تبدیـل بعمارات شده است .

۱۰- **گورستان قبله دعاء** که پیش‌از صفویه مصلای‌اصفهان و درقسمت‌غربی محله آب بخشان واقع و وسعت‌آن ۴۰ هـزار ذرع بوده از ۱۳۷۰ هجری تبدیـل بعمارات گوناگون شده است .

۱۱- **گورستان آل‌ترکه** که در جنب لنبـان ، و از قبرستانهـای‌کهن سال اصفهان بوده و از بین رفته است .

۱۲- **گورستان دوشاباد** یا روشاباد مشهور به‌قبرستان‌شیخ یوسف‌بنا واقع‌در قصر منشی اصفهان از گورستانهای‌قدیمی بوده است‌که طبق دستور شاه‌عباس‌تسطیح ودر آن مسجد ومدرسه وحمام وبازارچه وخانه وقصر احداث شده است .

۱۳- **گورستان باغ نقش‌جهان** دراصفهان‌که سلاطین و شاهزاده‌ها و امرای قبل از صفویه درآنجا دفن و هرکدام بتناسب بقعه‌هائی روی قبر آنان ساخته شده بوده است . در عصر شاه‌عباس[1] و شاید شاه اسماعیل صفوی تبدیل به میدان شده وآن امرچنین‌نقل‌شده: روزی شاه عباس ازطبقه آخر عالی‌قاپوباطراف مینگریست آن بقاع‌که ازآن شاهان وشاهزادگان‌گذشته بود بنظرش آمد پرسید اینها چیست جواب دادندکه قبور سلاطین و شاهزادگان گذشته است . شاه‌عباس گفت فعلاً بیش از یك سلطان لزومی ندارد آن بقعه‌ها را خراب و اینجا را میدان مشق وچوگان

۱- طبق‌گفته منتخب مظفری بدستور شاه‌عباس‌بقعه‌های امراء وسلاطین تسطیح و تبدیل‌بمیدان گردیده است .

بازی کنید و چنین کردند .

۱۵- گورستان شهرستان اصفهان

۱۶- گورستان محله کران اصفهان که در قرون اوائل اسلام دائر بوده است

۱۷- گورستان شهداء در قهجاورستان که عده‌ای از شهدای مسلمانان در آنجا مدفون شده‌اند .

۱۸- گورستان یهودیه

۱۹- مقبره ملامحمد صادق پلوی اردستانی[۱]

این مقبره واقع بود در آن طرف پل خاجو که بطرف تخت فولاد اصفهان میرفتند و در دست چپ کنار جاده سکوئی بودکه در روی آن چندین قبر مشاهده میشد و محل آن گوشه شمال غربی باغ محمود (فعلا محل اداره تنباکو) میبود. یکی از مدفونان در آن سکو حکیم ربانی وعارف صمدانی آخوند ملامحمدصادق معروف به‌پلوی بودکه در هنگام هجوم افاغنه باصفهان در سال ۱۱۳۴ وفات یافت. این محل در حدود چهل سال قبل خراب گردید و آثار موجود درقبر بتخت فولاد منتقل گردید[۲]. و درکنار قبر میرزا محمد گلکار عارف (ناصر علی) نرسیده به آب‌انبار تکیه‌کازرونی دفن شد .

۱- وی ازجمله فلاسفه وحکمای قرن یازدهم هجری و از بزرگان الهیون و عرفای زمان خود بود وچون درعصرشاه سلطان حسین صفوی میزیسته و مصادف با دوره تصوف و عرفان بوده اخبار و حکایات مختلفی در باره او نقل گردیده است شیخ‌علی حزین که از شاگردان او بوده درباره‌اش چنین گفته:

«پس بخدمت سلطان‌المحققین، افضل‌الحکماء‌الراسخین، المولی‌الاعظم، والحبرالاعلم ، مظهرالمعارف والحقایق مکمل علوم‌السوالف واللواحق، محیی‌الحکمة ابوالفضایل ، مولانا محمدصادق‌اردستانی علیه‌الرحمة که از متوطنین اصفهان و بتدریس زبده‌ای از اذکیای فاضل میپرداخت رسیده باستفاده مشغول شدم وی از اساطین حکماء بوده و قرنها بایدکه مثل او کسی از میان دانشمندان برخیزد.» برای استحضار کامل از شخصیت و نژاد ملامحمدصادق اردستانی واحفاد و اولاد اوبه‌کتاب آتشکده اردستان بخش۱ و۲ مراجعه‌گردد.

۲- تاریخچه محله خواجو ص۶۷ .

۲۰- مقبره فدای[1] اردستانی

این مقبره در آن طرف پل خاجوی اصفهان که بطرف تخت فولاد میرفتند در دست چپ جاده روی سکوئی واقع بود و مردم بزیارت مقابر آنجا میرفتندولی در حدود چهل سال قبل ازاین از بین رفت و دیگر اثری ازآن مشهود نیست[2].

۲۱- مقبره شیخ محمدبن یوسف بناء:

محمدبن یوسف بن‌معدان بن‌یزیدبن عبدالرحمن ثقفی بناء صوفی جد[3] پدر حافظ ابونعیم احمدبن عبدالله‌بن اسحاق‌بن موسی‌بن مهران اصفهانی است که درسال (۲۴۵ ه. ق.) بحج رفت ودرسال (۲۸۶ ه. ق.) بدرود حیات گفت وی ازعبدالجبار و سعید مخزومی و عابدی و حسین مروزی ومحمدبن منصور خـزاز و ابراهیم‌بن سلام‌بن حبیب ومحمدبن جعفربن زنبور وبندار وابوموسی ونصربن‌علی ومحمدبن

۱- میرزا محمد سعید متخلص به‌فدا فرزند حاج‌میرزا مهدی بن‌میرزا محمدسعیدبن‌میرمحمد حسین‌بن میریحیی‌بن میرآقابیك‌بن میریحیی‌بن امیرحسن‌بن سیدروح‌الله اردستانی از عرفا بوده است. فدا تحصیلات مقدماتی را در اصفهان و عـالیه را در عراق عرب انجـام داد وسپس باصفهان مراجعت و بتدریس و افاضه‌پرداخت. پیوسته درمحضرش فضلاء و طالبان علم بکسب دانش و معرفت میپرداختند. وی درعصر آقا محمدخان قاجار درسال (۱۲۰۴ ه.ق) متولد ودر حدود (۱۲۷۰ ه. ق) وفات یافت. درعصر فتحعلیشاه ومحمدشاه قاجار ازمشاهیر فضلاء و شعراء بشمار میرفت و مورد توجه بود بخصوص صدر اصفهانی که فرزندان خود را موظف کرده بود از محضر فدا استفاده کنند وپیوسته‌رعایت‌حال اورا مینمود و ازبذل مال‌ومنال‌درباره او مضایقت نداشت. معتمدالدوله‌گرجی حاکم اصفهان نیز نسبت‌باو محبت مخصوصی‌داشت ولی‌هم فدا بیشتر مصروف تدریس و افاده بودوکمتر بسرودن شعر میپرداخت واغلب‌اشعارش در مدایح اهل‌بیت‌اطهاراست بحکم ضرورت قصایدی‌هم درمدح محمدشاه وصدراصفهـانی و معتمدالدوله سروده است. دیوان شعر اوهم‌تاکنون بچاپ‌نرسیده و اصل‌آن نزد جناب‌حاج‌آقا حسام‌الدین دولت‌آبادی ادیب معاصر و نماینده سابق مجلس شورای ملی موجود است که از روی‌آن دیگران هم نسخه‌هائی برداشته‌اند. ازاشعار اواست:

مارا که جا بکنج قفس خوش‌بود چه‌غم | گر باغبان بباد دهد آشیان ما

۲- تاریخچه محله خواجو ص۱۶۷.

۳- از رسیدگی به‌کیفیت نسب و باضافه آنچه مشهور است مراد جد مادری پـدر ابونعیم میباشد زیرا جد پدری پدرش اسحاق بوده است بنابراین باید اذعان‌کردکه همانطورکه اشتهار دارد شیخ محمد بنای‌صوفی جد مادری‌پدرش بوده است.

میمون خیاط واحمدبن محمدبن ابی برة ویحیی بن حبیب بن عربی واحمدبن عبدالرحمن بن الفضل واسحاق بن الجراح الاذنی و بصریان و اصفهانیان روایت کرده و در شام از شامیان درسال (۲۰۵ هـ. ق.) از برکة بن محمدحلبی وطبقه‌اش حدیث نوشته‌است. ابومحمد حیان اصفهانی درکتاب خودگفته که شیخ مزبور مستجاب‌الدعوة و یکی از سران صوفیان زمان بوده و کتابهای نیکوئی تصنیف‌کرده است[۱] . پس از وفات در محله خاجوی قدیم درجائی معروف به‌محله پاکوچه شیخ یوسف مدفون‌گردیده و دارای مقبره و خادم نیز بوده‌است وکتیبه ذیل‌کتیبه اوزون حسن در صفه صاحب مسجد جامع عتیق باین عبارت[۲]: « هذه‌التجدید عمل جمال خادم الشیخ محمدبن یوسف البناء رحمه‌الله[۳] » دلیل براینست که در قرن نهم هم مقبره باقی و دارای خادم بوده است . و بطوریکه درکتاب تذکرة‌القبور و یا بزرگان و دانشمندان اصفهان مذکور گردیده آثار قبر تا سال (۱۳۳۶ هـ. ق.) باقی بوده است .

موضوعی‌که قابل تذکر است اینکه دراصفهان چند تن بنام محمدبن یوسف وجود داشته‌اندکه همه آنها از زهاد ومحدثان وبعضی هم‌متصوف بوده‌اند . یکی از آنها[۴]: ابوعبدالله محمدبن یوسف‌بن معدان‌بن سلیمان جورجیری است که درسال (۱۸۴ هـ. ق.) وفات و در مصیصه دفن گردیده است و او معروف به‌عروس الزهاد بوده است . دومین[۵] آنان محمدبن‌یوسف صوفی اصفهانی محدث بوده‌که پیش از قرن چهارم میزیسته وحسین‌بن محمدبن‌علی ومحمدبن‌احمدبن جعفر از اوروایت کرده‌اند و خود نیز از احمدبن مهران وحسین‌بن علی‌بن غالب واسطی روایت کرده است .

سومین آنها محمدبن‌یوسف ابوالعباس اصفهانی محدث است که در بغداد سکونت داشت ومحمدبن‌المظفر از او وخود ازولیدبن حماد روایت‌کرده است[۶]. چهارمین آنان محمدبن‌یوسف‌بن محمد ابوعبدالله جلاب اصفهانی بوده که خوداز

---

۱ ــ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۲۲۰ . ۲ ــ تذکرة‌القبورو یا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص۱۱۱. ۳ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۹۵. ۴ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۱۷۰ . ۵ و۶ــ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۴۹ .

احمدبن مهران ومحمدبن مسلمة وعبیدبن شریك وكديمی روایت‌کرده واحمدبن یوسف خشاب از او حدیث روایت کرده است[1]. و پنجمین آنـان شیخ محمدبن یوسف صوفی‌بنا جد مادری پدر ابونعیم اصفهانی‌که ذکرش گذشت بوده است. این چند محمد در جد از یکدیگر امتیاز دارند.

۲۲- مقبره حافظ ابونعیم احمدبن عبدالله‌بن اسحاق‌بن‌موسی‌بن مهران اصفهانی:

صاحب روضات الجنات[2] در کلمه احمد راجـع بحافظ ابونعیم اصفهـانی چنین گفته:

«شیخ فقیه نبیه ومتقن حافظ ابونعیم احمدبن عبدالله‌بن اسحاق‌بن موسی‌بن مهران اصفهانی از اعلام محدثان و روات واکابر حفاظ ثقات است‌که افاضل محدثان ازاو وخود نیز از افاضل اعلام‌نقل حدیث‌کرده است. اوراست: کتاب حلیةالاولیاء که از بهترین‌کتابها است و این مطلب‌را ابن‌خلکان تأییدکرده و کتاب معروف بین اصحاب شیعه است‌که ازآن اخبار مناقب و اخلاق را نقل میکنند و نیز اوراست: کتاب اربعین محتوی احادیثی که راجع بامامت مهدی[3] آخـرالزمان علیه‌السلام است‌که صاحب کشف‌الغمه بمقتضای مقام از آن بسیار نقل‌کرده است. ونیز کتاب ذکرالمهدی واوصاف وجای‌خروجش وثبوتش‌که سیدرضی‌الدین‌بن طاوس درطرائف باو نسبت داده است ولکن ظاهر اینست کـه کتـاب اربعین مهدی و ذکـرالمهدی یکی است و با حلیةالاولیاء اختلاف دارد. ونیزکتاب طب‌النبی بنا بـگفتهٔ دمیری درحیات‌الحیوان‌وکتاب فضائل‌الخلفاء که حموئی درکتاب فوائد خود باو نسبت‌داده ونیزکتاب حلیةالابرار وکتاب‌الفتن وکتاب‌الفوائد که‌سیدهاشم‌بحرانی درکتاب غایة

۱- ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص ۳۰۶.

۲ - ازتألیفات عمدةالعلماء القمقام حاج‌سید محمد باقربن‌حاج‌میرزا زین‌العابدین خوانساری اصفهانی چهارسوئی متولد (۲۲ صفر۱۲۲۶ ه.ق) و متوفی سال (۱۳۱۳ ه. ق) است‌که شرح حال عمده علمای اسلام‌را بیان‌کرده است. و در ماده تاریخ وفاتش چنین‌گفته‌اند:

آمدیکی برون‌و بگوش خرد سرود — قل حبذا بوفدك یا باقرالعلوم.

۳ - این‌کتاب درکتابخانه ملك موجود است و نگارنده دیده‌ام.

المرام خود باو نسبت داده واگرچه ظاهر اتحاد حلیةُالابرار با حلیةالاولیاء است . و نیزکتاب مختصر استیعاب باو منسوب است . و صاحب معالم‌العلماء در ترجمه ابونعیم گفته : او مردی است عامی مذهب‌الااینکه اوراست‌کتاب منقبةالطاهرین و مرتبةالطیبین وکتاب مانزل من‌القران فی امیرالمؤمنین (انتهی) و نیز اوراست : کتاب تاریخ اصبهان[1] و در این کتاب از او نقل شده‌که گفته جد من مهران اول کسی است که اسلام قبول‌کرده‌است . و او (مهران) غلام‌عبدالله‌بن‌معاویةبن عبدالله ابن جعفربن ابی‌طالب بوده است . و دربعضی از فوائد امیرمحمدحسین خواتون آبادی سبط مجلسی است‌که گفته : و ازکسانیکه مطلع شدم بر تشیعش از مشاهیر علماء عامه همان حافظ ابونعیم محدث اصفهانی صاحب کتاب حلیةالاولیاء میباشد و او از اجداد جدم علامه مجلسی است و بتحقیق نقل‌کرده است جدم مجلسی از پدرش مجلسی اول از پدرش تا باو رسیده است وگفته ابونعیم از مشاهیر محدثان عامه ظاهراً مگر اینکه او از خالص شیعیان‌است باطناً وتقیه‌میکرده است بروفق مقتضای زمان واز اینروا‌ست‌که درکتاب‌حلیةالاولیاء بیشتر درمناقب امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام مطالبی را بحث‌کرده که درکتابهای دیگر یافت نمیشود وگفته‌است چون فرزند آگاه‌تر از دیگران بحال پدر خود میباشد دیگر شکی درتشیع او نخواهد بود. پس خدا او را رحمت‌کند ومقدس گرداند ودربهشت با کسی‌که‌دوست داشته محشورگردد. وصاحب ریاض‌العلماءِ گفته : که ابونعیم از اجداد عالیه محمد تقی مجلسی و محمدباقر مجلسی است و معروف اینستکه از محدثان عامه است و لکن شنیدم از مجلسی دوم استادم که‌گفت : ظاهر اینستکه از علمای شیعه است و از مخالفان تقیه میکرده چنانچه بیشتر از احوال مردم آن زمان بوده است و در جای دیگر از ریاض‌العلماءِگفته است :که‌ابونعیم ازنواده‌های دختری شیخ‌محمدبن یوسف بناءِ صوفی اصفهانی است یعنی همان کسیکه در محله خاجوی اصفهان در بقعه‌ایکه معروف‌نزد عامه مردم بلحن خودشان ازکثرت استعمال شیخ سبنا میباشد

۱ــ این‌کتاب بنام (ذکر اخبار اصبهان) در دو جلد چاپ شده است .

معجم‌البلدان و دیگر اینکه این کنیه از او مکبرة و مصغرة گاهی اطلاق میشود بر حافظ ابونعیم فضل‌بن دکین واو از مشاهیر قدمای‌علمای شیعه و عامه از او روایت کرده‌اند ومورد وثوق است نزد جمیع وگرچه نامش‌درکتب رجال ذکر نشده واین مطلب از این‌جهت است که‌شهید و نواده‌اش شیخ محمد در رجالیات خودگفته‌اند. و همین‌طور ابونعیم بر نصربن عصام‌بن‌المغیرة‌الفهری معروف به‌قرقاره و نیز برپدر شیخ ابوالعباس عقده ونیز بر ربعی‌بن عبدالله البصری از اصحاب صادق و کاظم علیهماالسلام اطلاق میشده است. در تاریخ اخبار البشر است که ابونعیم اصفهانی از حفاظ و قاضی ابوزید موسی از حنفیه و امام ابومنصور ثعالبی و شیخ ابوالفتح بستی ازشعراء معروف درسال ۴۳۰ هجری وفات‌کرده‌اند وابن‌خلکان نیز همین‌تاریخ را تأیید کرده است. حافظ‌ابونعیم‌درهنگام وفات ۷۷سال‌داشت و قبرش (در هنگام تألیف روضات الجنات درحدود اول‌قرن چهاردهم بوده) معروف است در محله درب‌الشیخ ابی مسعود از محلات اصفهان درقبرستان معروف آب‌بخشان و مقبره شیخ ابومسعود نیز درجوار قبر مزبور است.

ونقل شده‌که سید امیر لوحی موسوی‌سبزواری ساکن اصفهان یکی‌ازکسانی بوده‌که با مجلسی عداوت داشته و در زمان خود قبر ابونعیم را خراب کرده است بگمانش این کار توهینی بعلامه مجلسی است و برای اینکه قلب او را بسوزاند مرتکب خراب‌کاری شده است و خداوند نیت او را بهتر میداند مولی نظام‌الدین قرشی شاگرد شیخ‌بهائی درکتاب نظام‌الاقوال گفته: قبر ابونعیم را دراصفهان زیارت کردم برقبرش نوشته بود:

قال رسول‌الله مکتوب علی‌ساق‌العرش لااله‌الاالله وحده لاشریك له محمدبن عبدالله عبدی و رسولی و ایدته بعلی‌بن ابی‌طالب رواه‌الشیخ الحافظ المؤمن‌الثقة العدل ابونعیم احمدبن‌عبدالله سبط احمدبن یوسف‌البناء الاصفهانی ره و رضی‌عنه و رفع فی‌اعلی علیین درجته وحشره مع‌من یتولاه من‌الائمة المعصومین (انتهی).

و ابن جوزی نقل‌کرده که وفات حافظ ابـونعیم در ۱۲ محرم ۴۱۲ هجری اتفاق افتاده است و اگر این نظر درست باشد مبنی است بر غلطی در اصل و یـا تصحیفی شده است[1].

این‌مطالب از روضات‌الجنات با نقلی‌که درآن ازکتب مختلفه‌آورده بود ودر مورد شخصیت ابونعیم و نسب و مقام علمی و روحانی و مدفن او بود ایرادگردید و دراین‌جا مطالب منقول تمام میگردد .

چند نکته از مطالب مزبور معلوم‌گردیدمانند اینکه مقبره ابونعیم‌درمحله مردبان که در زمان حاضر آب‌بخشان یا آب‌بخشگان‌میگویندواقع و در مجاورت خانقاه و باغ و مقبره شیخ ابومسعود رازی بوده است . وتا زمان میرلوحی‌موسوی سبزواری‌که معاصر باعلامه مجلسی بوده یعنی تا قرن‌یازدهم بقعه و مقبره ابونعیم بحال خود باقی وبنابدستور سبزواری بقعه و بارگاهش خراب‌گردیده وتا سال۱۳۳۶ هجری اثر قبر نیز دیده میشده و در آن تاریخ کـه قبرستان تسطیح گردید مزار ابونعیم هم ازبین رفت .

نکته دیگر اینکه ابونعیم درکتاب ذکر اخبار اصبهان خـود را سبط شیخ محمدبن یوسف‌بنای صوفی معرفی‌کرده ولی در محاوره عوام و بعضی نوشته‌ها او را نواده شیخ یوسف‌بنای صوفی معرفی کرده‌اند و در نظام‌الاقوال هم بجای‌شیخ محمد احمد نوشته شده است درصورتیـکه احمد دائی پدر ابونعیم بوده‌است‌وبظاهرمنافات دارد ولی ممکن است گفت همانطورکه شیخ محمد صوفی‌بناءِ مشهور بوده پـدرش شیخ یوسف‌بناءِ نیز معروف بوده و شاید درهمانجا که شیخ محمد مدفون شده شیخ یوسف هم مدفون بوده است و از اینرو به‌مدفن شیخ یوسف و محله شیخ یـوسف شهرت یافته است و اما اینـکه اورا نواده احمدبن یوسف‌بنای صوفی‌در نظام‌الاقوال گفته دو راه ممکن است داشته باشد یـکی آنکه درنوشتن محمد تصحیف و احمد خوانده شده باشد و دیگر اینـکه چـون شیخ یـوسف دو پسر دیـگـر هم داشته

۱ــ روضات الجنات ص ۷۴ .

یکی بنام احمد و دیگری یعقوب[1] در انتساب ابونعیم باو اشتباه شده باشد . در هرحال ابونعیم برای یوسف ثقفی مقامی قائـل نشده و محمدبن یوسف ثقفی را (بناءِ وصوفی) خوانده است .

ب ـ مدارسی که پس از اسلام احداث و اکنون فقط نامی از آنها مانده‌است:

۱ـ مدرسه دده‌خاتـون واقع در محله چرخاب و چهارسو نقاشی در شهر اصفهان . این مدرسه در زمان صفویه بـوسیله دده خاتون که یکی از بانوان حرم بوده احداث و در اثـر مرور زمان بویرانـی انجامیده و در اوایل قرن چهاردهم برحسب اجازه علماء وقت مصالح آن بمصرف ساختمان مساجد رسیده است و اکنون محل آن جزءِ اراضی بایر ودرکنار خیابان ثریا میباشد[2].

۲ـ مدرسه آقا مبارك :

این مدرسه را آقامبارك که از خواجگان شاه سلیمان صفوی بوده در شهر اصفهان ساخته و تاریخ بناءِ معلوم نیست. درسال[3] (۱۱۰۵هـ. ق) دائر بوده وگویا یکی ازمدارس هفتگانه است که بویرانی کشیده وفعلا اثری ازآن نیست. حاجی محمدبن محمدعلی اردبیلی مؤلف جامع‌الرواة درسال(۱۱۰۰هـ. ق) درآن مدرسه‌مقیم بوده است[4] واین مدرسه را مبارکیه هم خوانده‌اند .

۳ـ مدرسه اسفندیار بیك:

این مدرسه از بناهای اسفندیـاربیك از امرای شاه‌عباس اول بـوده است و اکنون محل آن زمین بایری است که درمجاورت محله چرخاب و چهارسو نقاشی‌در خیابان ثریا واقع است.

۴ـ مدرسه آقا کمال خازن :

این‌مدرسه درمحله مستهلك‌اصفهان واقع و بانی آن آقاکمال‌خازن‌شاه‌سلطان حسین صفوی‌بوده است.کتیبه سردرآن‌حاکی‌است‌که بنای‌مدرسه‌درسال(۱۱۰۷هـ.ق)

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۳۵۲ .
۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۸۷ .
۳ـ فهرست مشکوة ج۱ ص ۴۵۵ .
۴ـ فهرست آستان قدس ج۶ ص۵۹۸ .

خانمه یافته ولی بمرورزمان خراب وآثارآن ازبین [1] رفته است وکتیبه سردرآن که درمسجد رحیم‌خان نگهداری میشود چنین‌است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم - من‌فضل‌الله سبحانه ومیامن دولة‌السلطان‌الاعظم و برکات»
«خدمة‌الخاقان‌الافخم، ظل‌الله فی‌العالم، سیدالسلاطین، قهرمان‌الماء والطین، السلطان‌بن»
«السلطان، ابوالمظفر شاه‌سلطان‌حسین‌الصفوی‌الموسوی‌الحسینی بهادر خان لازال بابه‌مرجعاً»
«لاعاظم‌السلاطین وفق‌لبناء هذه‌المدرسة خادمه‌الخازن الخزانة عطیاته‌الممتاز بالقرب الی»
«حریم سرادقاته، آقاکمال، جعل‌الله سعیه‌مشکوراً واتفق اتمامها فی۱۱۰۸کتبه عبدالرحیم»
«عمل محمد طاهر». (۲)

ازکتیبه مزبور معلوم میگرددکه بانی‌آقاکمال خازن و تاریخ اتمام بنا در (۱۱۰۸ هـ . ق) ودرعصر شاه سلطان‌حسین بوده است. این مدرسه هم یکی از هفت مدرسه ویران شده میباشد.

۵- مدرسه زینب‌بیگم:

این مدرسه‌که بانی‌آن یکی از بانوان حرمسرای صفویه بوده در مجاورت محله چرخاب و چهارسونقاشی واقع بوده است و در اثر مرور زمان روبویرانی نهاده و سرانجام‌در اوایل قرن حاضر برحسب تجویز علمای دین مصالح ساختمانی آن در ساختن مسجد رحیم‌خان وشبستان مسجد نو بکاررفته‌است.

۶- مدرسه پریخان‌خانم :

این مدرسه هم مانند مدرسه پیش‌از بناهای پریخان خانم از بانوان صفویه بوده‌که درمجاورت محله چرخاب و چهارسو نقاشی واقع بوده است وپس‌ازخرابی مصالحش درساختمان مساجد رحیم‌خان و مسجد نو بکاررفته است.

۷- مدرسه حاج آقاکافور:

این مدرسه نیز یکی ازهفت مدرسه مخروبه است‌که ساختمان آن بوسیله حاج‌آقا کافور خزانه‌دار حرم شاه عباس ثانی درسال یکهزاروشصت‌ونه (۱۰۶۹هـ.ق)

۱- مصالح‌آن در ساختن مسجد نو بکار رفته است. گنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان‌صفحه۸۰۴.
۲- گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۸۰۳.

انجام شده است. آنچه معلوم است محل این مدرسه در مجاورت بازار توپچی باشی وبازار محمد امین بوده است.

حاج آقا کافور از خواجه‌های حرم و مردی فحاش و تندخو بود، که هنگام مسافرت شاردن باصفهان با یکدیگر مواجه شده‌اند.

این مدرسه بتدریج روبویرانی گذارده وازبین رفته‌است. گویامصالح ساختمانی این مدرسه هم درساختمان مساجد جدید بکاررفته است.

طبق کتیبه‌ای از مدرسهٔ مزبورکه درمسجد خان واقع درمحله‌دارالبطیخ (به احمدآباد معروف است) نگهداری میشود معلوم میگردد که ازآن مدرسه جز همان‌کتیبه اثری باقی نمانده است وآن‌کتیبه چنین است:

«درزمان دولت نواب کامیاب سپهررکاب اشرف اقدس ارفع همایون شاهی»
«مروج مذهب بحق حضرات ائمه معصومین صلوات‌الله علیهم اجمعین، السلطان‌بن»
«السلطان‌بن‌السلطان والخاقان‌بن‌الخاقان‌بن‌الخاقان‌السلطان‌شاه‌عباس الثانی‌الصفوی»
«الموسوی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه‌وافاض علی‌العالمین بره و احسانه،
«کمترین این‌آستان حاجی‌کافور صاحبجمع خزاین عامره‌خالصاًلله و مخلصاً لوجهه
«بنای این مدرسه عالیه‌کرد و وقف برطلبه علوم دینیه اثناعشریه نمود که طلبه»
«علوم دینیه اثناعشریه درمحل مزبور سکنی‌نموده بافاده و استفاده علوم دینیه و»
«معارف یقینیه مشغول شوند، باشد که ثواب‌آن بروح پر فتوح حضرات ائمه»
«معصومین صلوات‌الله علیهم اجمعین و بروزگار فرخنده‌آثارصاحبقران عایدگردد»
«بحق‌النبی وآله فی‌شهر ربیع‌الثانی سنة تسع و ستین والف کتبه محمد رضا»
«الامامی[1]»

۸ـ مدرسه مریم‌بیگم:

این مدرسه در نزدیکی محله خاجوی اصفهان و در مجاورت چهارسو نقاشی واقع بوده وتا چندسال‌قبل بطور نیمه‌خراب وجودداشت ولی بصورت مدرسه نبود.

۱ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۶۰۵

در این اواخر درمحل آن دبستانی ساخته‌اند وازبنای مدرسه قدیم اثری جزدولوح سنگی مرمری که متمم وقفنامهٔ مدرسه میباشد باقی نمانده‌است.

کتیبه سردر مدرسه بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی چنین ثبت شده بوده است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. لقدوقفت هذه‌المدرسة‌المبارکة‌النواب العلیة‌العالیة‌الموفقة»
«لافعال‌الخیر ابنة‌السلطان‌الاعظم السلطان‌بن‌السلطان و الخاقان‌بن‌الخاقان شاه صفی‌الصفوی»
«الموسوی الحسینی‌قدس‌الله مرقده اعنی ملکة‌الافاق علی‌الاطلاق‌سمیة من‌افصح عن‌وصفها»
«الذکرالمبین بکریمة یامریم ان‌الله اصطفیك وطهرك علی‌نساءالعالمین مریم‌بیگم لازالت»
«موفقة لخیرالدنیا والاخرة بحق محمد وعترته الطاهرة علینقی‌الامامی ۱۱۱۵.»

و قسمتی از وقفنامه مدرسه چنین است :

«... علوم‌دینیه بشروطی‌چندکه دروقفنامچه بتفصیل مذکور و مسطور است»
« وازجمله‌آن شروط اینستکه بایدسکنه‌مدرسه‌مذکوره‌مشغول تحصیل‌علوم دینی»
«که‌فقه و حدیث و تفسیر ومقدمات آنهاست وصالح و متقی و پرهیزگار واز اهل»
«قناعت باشند و از زمره ارباب بطالت و کسالت و شرارت نبوده حجره خود را »
«معطل و مقفل‌نگذارند بلکه شب و روز درحجره خود بمباحثه و مطالعه‌وعبادت»
«مشغول باشند و اگر یك سال براحدی بگذردکه ترقی در حال او بحسب علم و »
«عمل نشده باشد یامظنون مدرس‌شودکه قابل ترقی نیست از مدرسه اخراج‌نماید»
«و جماعتی‌که درعرض یکسال بحسب علم وعمل ترقی‌کنند یامظنون شودقابلیت»
«و ترقی ایشان بایدکه زیاده ازپنج سال درآن مدرسه ساکن نشوند، اگر احیاناً »
«حرکت بعضی اشخاص بعداز مدت پنج‌سال‌متعذر یا متعسر باشد یاآنکه درعوض»
«ایشان جمعی متصف بمقامات مذکوره حاضر نباشدبایدکه تا برطرف شدن عذر»
«در مدرسه باشند و نهایتش تا هفت‌سال امابعداز هفت سال البته بایدکه بدرروند،»
«و بر مدرس آنکه سعی بلیغ کند که جمعی دیگر متصف بصفات مذکور باشند »
«تحصیل نموده بجای ایشان ساکن سازد و حجره‌هارا خالی‌ومعطل‌نکند، وهرکه »

«بعداز هفت سال یك روز بماند غاصب باشد و بغضب خدا و رسول خدا گرفتار» «شود و باید که کتابهای علوم وهمیة یعنی علوم شکوك و شبهات که بعلوم عقلیه و» «حکمت مشهور و معروف است مثل: شفاء و اشارات وحکمة‌العین و شرح‌هدایة» «و امثال ذلك بشبهه دخول در مقدمات علوم دینی نخوانند و وجه معاش خواه» «وظیفه وخواه تعلیم وخواه غیرآنها از هیچ ممری نداشته‌باشند، و باید که‌مدرس» درتمشیت واجراءِ امور مزبوره اهتمام...[1].

کتیبه ایوان شرقی مدرسه مریم بیگم:

کتیبه ایوان شرقی مدرسه مشتمل براشعاری‌بوده‌که بخط نستعلیق‌سفید بر کاشی خشت لاجوردی رنگك چنین نوشته شده بوده:

« . . . . . . [2] والانژاد گوهر بحرین ملك‌و دین»
«نیکو نتیجهٔ شه رضوان مکان صفی» مریم‌بیگم که باد بعمر ابد قرین»
«تا ساخته‌است بهر خدا این بنای‌خیر دارالعیارخانه نقد علوم دین»
«ارباب فضل را که تمامی شکفته‌اند چون‌گل‌شده‌است‌غنچه‌گشای‌دل‌حزین»
«بحری است این‌مدینهٔ علم‌ازبرای‌آن هر حجره‌اش بود صدف گوهر یقین»
«درگلشن زمانه چو نرگس علم شود گل کرد هر که . . .[3] گل زمین»
«چون‌گردغم...[4] ز دل او غبار جهل منزل گزید هرکه دراین‌مسکن‌گزین»
«از جان‌ودل صحیفه نگاردعای‌اوست هرکس دراین مکان مشرف‌شودمکین»
«کردم چو نقشبندی تاریخ این بنا دل گفت ... [5] این علوم دین [6]»

۱ـ آغاز وقفنامه و پایان افتادگی داشته‌است. گنجینه‌آثار تاریخی ص ۶۶۳ بنقل‌از روزنامه سرنوشت. ۲ ـ افتادگی در اصل داشته است. ۳ ـ در اصل ریخته شده بود. ۴ـ شاید دراصل زدود باشد. ۵ـ دراصل ریخته شده‌بوده است. ۵ ـگنجینهٔ‌آثار تاریخی اصفهان ص۶۶۵ بنقل از روزنامه سرنوشت.

آنچه بر دو لوح سنگی که موجود است نوشته شده :

در طرف راست وچپ ایوان شرقی مدرسه مریم‌بیگم در دولوح مرمرین که روز بنا نصب شده بوده چنین نوشته شده بوده :

درلوح اول :

«هوالمعزجلت عظمته. ازجمله شروط سکنای مدرسهٔ مزبوره آنستکه باید»
« زوجه یا خانه یا پدر یا صاحب‌خانه یا مادر صاحب‌خانه درچهار فرسخی‌شهر یا »
«زیاده بر چهارفرسخی داشته باشد بایدکه ماهی زیاده بردوشب در آنجا نمـاند »
«میخواهدکه دوشب را پی‌درپی بماند میخواهد متفرق و هرگاه میسر و مقدورش»
«نشودکه بشرایط مذکوره عمل‌نماید بایدکه دراین مدرسه سکنی ننماید و تظلم »
«نکندکه مرا منع‌میکنند از رفتن بخانه خود یا بخانه پدر یامادر یا زوجه‌خود»
«چه‌کسی مانع ازرفتن‌نشده بلکه‌منع کردیم اوراازساکن‌شدن‌درمکانهای‌غیر بناحق»
«چه‌این مدرسه محل‌ومکان اونیست بلکه محل‌ومکان سکنی‌آن جماعتی که وفـا»
«کردن بجمیع شرایط مذکوره میسر و مقدور ایشان باشد وهیچ دقیقه از دقایق»
«شرایط از ایشان تخلف نکنند وتظلم‌کردن این قسم شخص مانند تظلم‌کسی‌باشد»
«که بگوید نمیگذارندکه خانه مردم را غصب‌کنم وساکن شوم درآن، پس‌این‌قسم»
«شخص خودش ظالم خواهدبودبصورت‌مظلوم‌که میخواهدکه حق‌ومال‌ومحل‌سکنی»
« و مأوای موقوف علیهم را بناحق غصب‌کنـد و ساکن شود و تظلم هـم میکند »
« سنه ۱۱۱۶ . »

درلوح دوم :

«چون شرایط وقفیه‌که درکتیبهٔ مدرسه مرقوم‌گشته‌دوعبارت اجمـال دارد»
«لهذا توضیح آن دوعبارت را لازم دانستیم‌که دراجمال‌آنها شبهه نکنندداول‌آنکه»
«نوشته شده‌که تا هفت‌سال بیشتر سکنا در مدرسه نکنندوبعـداز هفت سال البته»
«بایدکه بدرروند تفصیل‌آن اجمال‌آنکه بعداز هفت‌سال هرگاه تا شش‌ماه یا کمتر»
« از مدرسه غیبت اختیار نمایند وبعداز غیبت معاودت بمدرسه نمایند بر ایشان »

«حرجی نیست و توقف ایشان مجدداً تاهفت سال درمدرسه مزبوره مجوز خواهد بود»
«دویم آنکه نوشته شده که وجه معاشی خواه وظیفه وخواه تعلیم وخواه غیر آنها از»
«هیچ ممری نداشته باشندمفصل آن مجمل آنکه وظیفه ومواجب ومددمعاش مستمری»
«از جائی دیگر نداشته باشند واگر مردم از موهبت و عطایاگاهی رعایتی بطلبه»
«مدرسه مزبوره نمایند دراخذ این وجوه مؤاخذنخواهند بود فی تاریخ شهر شعبان»
«سنه ۱۱۱۶ و همچنین اگر کسی راازطلبه مدرسه مزبوره قدر قلیلی وظیفه باشد»
«که باخراجات اوکفاف نباشد و با وجود آن وجه وظیفه درمرتبه استحقاق باقی»
«باشد توقف آن کس درمدرسه مجوز است وبراو حرجی نیست. علی نقی الامامی».

در تاریخ حاضر کتیبهٔ سر درمدرسه درموزه ایران باستان نگهداری میشود و دیگر آثاری از مدرسه مریم بیگم وجود ندارد.(۱)

۹ـ مدرسه افتخارالملك :

این مدرسه درمحله شیخ یوسف بناء واقع وبانی آن خانمی بنام افتخارالملك بوده است.

۱۰ـ مدرسه افندی :

مدرسه‌ای بوده که میرزاعبدالله افندی جیرانی اصفهانی متوفی ایام فتنهٔ افغان آنرا در نزدیکی منزلش در اصفهان بناکرده بود واکنون ازآن اثری نیست(۲)

۱۱ـ مدرسه ایلچی :

این مدرسه درمحله احمدآباد اصفهان واقع بوده وکتابخانه‌ای داشته که آن کتابخانه تاسال یکهزار و سیصدوسی وهشت دائر بوده است(۳)

۱۲ـ مدرسه شیخ یوسف :

این مدرسه درمحله شیخ یوسف بناجزءِ محله خاجو واقع بوده است(۴)

۱ـ تاریخچه محله خواجو ص۲۹. ۲ـ تاریخ حزین ص۶۳.
۳ـ تاریخ کتابخانه در ایران ۴ـ تاریخچه محله خواجو ص۳۰

۱۳ ـ مدرسه شاه‌حسن :

این مدرسه در دروازه حسن آباد اصفهان ومجاور قصرشاه حسن واقع بوده و مخروبه شده است واکنون دبیرستان صارمیه جای‌آن مدرسه میباشد.[۱]

۱۴ـ مدرسه سیدرکن‌الدین یزدی :

این مدرسه درقرن هفتم هجری بهمت سیدرکن‌الدین محمد یزدی در بازار خواجه محمود در اصفهان ساخته شده و مشتمل بردارالحدیث و دارالکتب و دارالادویه بوده است ولی دیگر اثری ازآن نیست.

موقوفات این مدرسه بشرح زیر بوده:

الف ـ تمام بازار خواجه‌محمودکه دوطرف دارد وبجنب مدرسه است و هر طرفی مشتمل برچند دکان میباشد که درجلوآن درهمان محله واقع است.

ب و ج ـ حمام‌مردانه متصل باین‌بازار وحدود یکی ازدوطرف بازار وحمام منتهی ببازار خواجه‌محمود و کارگاه فخاری وکوچه مشهور به ابوسعید قصاب و باغچه و خانه ورثه سعد پور داود و مستراحها و سقاخانه‌های مسجد امام محمود شفروه میگردد و حدود طرف دیگربخانه و خزانه سپهسالار فخرالدین مبارز از محله دارالحدیث و ممرومدخل منتهی میشود.

د ـ دکانهای سه‌گانه متصل بهم نوساز واقع درهمان محله و همان موضع و حدودش منتهی براه مسجد منسوب به محمد بن سعید صباغ و به مسجد و بازار خواجه‌محمود وشارع عام و ممر است .

هـ ـ تمام سرای‌نو دوسقف‌که آنرا خود سیدرکن‌الدین محمدبن قوام‌الدین محمدبن نظام حسینی یزدی قاضی‌القضات قرون۷و۸ ساخته ودربازارآرتش‌اصفهان واقع و حدودش بدودکان که ذکرش خواهدشد وجزء رقبات وقف است ونیز بمسجد مشهوربه انماطی و بازار امیر سعید بابلاق ومسجد سدید ودکان طباخی و مسجدی که در آن ببازار است وبشارع عام وممر ومدخل منتهی میگردد.

۱ـ تاریخچه محله‌خواجو ص ۱۳ .

مسگر است که به کاروانسرای محله و بازار

و ـ دکان طباخی که سه‌طبقه و متصل به کاروانسرای محله و بازار مسگر است که به کاروانسرای نواز طرفین منتهی میگردد و نیز دکان بقالی و شارع عام و ممر و مدخل.

ز ـ دو دکان متصل به کاروانسرای جدید که یکی از آن دو بقالی و دیگری نانوائی است درهمان محله و بازار که حدشان بهمان دکان وقف وسقاخانه و کاروانسری مذکور منتهی میگردد.

ح ـ دو باب دکان دوسقف حلوائی دربازار عسکر مقابل دکان بقالی و نانوائی که حدودشان منتهی میشود به دکان موقوفه حرمین شریفین و کاروانسرای امیر- بقمور از دوضلع و شارع عام و ممر و مدخل باسایر حدود و حقوق همگی.

ط ـ تمام قصرمورح واقع دربازار عسکر که مستغنی از تحدید و توصیف است. و شرط کرده است که دارالحدیث و خانه‌هائی که در آن مسکن و منزل میگیرند ده نفر از فقهای از اصحاب حدیث منزل نمایند وسالیانه بهر کدام مبلغ $680\frac{1}{3}$ دینار از پول رایج که هرروزی $1\frac{2}{3}$ دینار باشد داده شود. و برای تدریس و تعلیم طلبه علم و فقه مدرس عالم متبحر متفنن و مجتهد ذوفنون درعلم حدیث گمارده شود که هرروز بعداز نماز صبح بعدازختم قرآن وخطبه و دعاءِ واقف بالقای درس بپردازد. وهرسال مبلغ ۱۸۲ یانصف دینار در روز از پول رایج باو داده شود. ودر آن مدرسه معیدی[1] منصوب شود عالم و دانشمند که درس استاد را تکرار کند و سالی مبلغ $91\frac{1}{4}$ یعنی هرروز $\frac{1}{4}$ دینار باو پرداخت گردد. و نیز امامی درآنجا نصب شود که عالم بارکان نماز و شروطش باشد ومواظب براقامه جماعت درصلوات خمس باشد و در هرسال باو $60\frac{3}{4}$ دینار یعنی روزی $\frac{1}{6}$ دینار باو پرداخت شود، و نیز مؤذنی پرهیزگار و متدین نصب شود. و نیز چهارنفر نصب شوند که پرهیزگار و متدین و حافظ قرآن و دائماً تلاوت قرآن کنند، بخصوص در ایام ولیالی متبرکه و در هرشب جمعه سور خمس مدعوبه پنج الحمد راقرائت کنند وبه آنان

۱ـ معید کسی راگویند که درس استاد را یاکلمات نماز امام جماعت را تکرار کند.

هریك سالی ۱۸۲$\frac{1}{۲}$ از پول رایج بدهند که روزی نصف دینار باشد، وبمؤذن ۶۰ دینار و نصف‌و$\frac{1}{۳}$دینارکه‌روزی$\frac{1}{۶}$باشد داده‌شود. و یك‌نفرمرتب برای نقابت‌جماعت بطوریکه مرسوم است منصوب شود. وهرسال مبلغ ۶۰ دینار نصف و$\frac{1}{۳}$ دینار که روزی $\frac{1}{۶}$ دینار باشد پرداخت شود. وکسی‌را منصوب‌کنندکه فراش و دربان باشد و مدرسه را نظارت‌کند وهرسال ۶۰$\frac{۳}{۶}$ دینار یعنی روزی$\frac{1}{۶}$ دینار باو داده شود و هر روزی $\frac{۲}{۳}$دینار خرج عمارت موقوفات شودکه استنماء آن ممکن باشد، و عمارت دارالحدیث و بیت ادویه و توابع‌آن و پول فرش مناسب‌آن و باید متولی این مقدار را روزبروز جمع کند، متولی هرسالی مبلغ۶۰$\frac{۳}{۶}$ دینار را در مصالح خودش خرج‌کند، ونیز متولی سالی ۳۴$\frac{1}{۶}$ دینار یعنی روزی$\frac{1}{۱۲}$ دینار به‌مشرف و ناظر مدرسه میدهد و در هرسال برای پول خوراك و خورش و سفره برای قرای سور خمس هرکدام ۳$\frac{1}{۲}$ دینار فضی رایج بدهد. و درهرشب‌رغائب(۱) ۳$\frac{1}{۳}$ دینار رایج صرف‌کند ، و در روز عیدین و مولد نبی صلی‌الله‌علیه واله وسلم ۳۰ دینار یعنی روزی ده(۱۰) دینار خرج‌کند، و درشب نصف شعبان ۶$\frac{1}{۳}$ برای وجه‌مأکول بدهد، ودرشبهای رمضان شبی ده دینار برای پول خرما بدهدکه روزه‌داران افطار کنند، و برای خرج سفره عبورکنندگان و مسافران سالی ۶۰$\frac{۳}{۶}$دینار بدهدوبرای مصالح بیت‌الادویه از اشربه و ادویه مفرده و مرکبه سالی ۲۴۳ دینارکه هرروزی $\frac{1}{۳}$ دینار باشد بپردازد، و برای تکفین مردگان وتجهیزشان هرسال۱۲$\frac{1}{۳}$ دینار خرج‌کند، و آنچه زایدآمد خرج عمارت مدرسه شوداگرمنهدم شود و اعاده آن ممکن باشد ازمحل محصولات موقوفات دریك سال یاچندسال واگر ممکن نشد صرف فقراء و مساکین‌گردد.(۲)

۱۵- مدرسه جامع تاج الملك:

این مدرسه را ابونصر تاج‌الملك‌ابن بهرام هنگامیکه وزیرشمس‌الدوله بود

۱- شب جمعه اول‌ماه رجب را رغیبه‌گویند وجمع‌آن رغائب است مجمع‌البحرین .

۲- فرهنگ اصفهان مخطوط بنقل از وقفنامه سیدرکن‌الدین محمد یزدی .

در اصفهان بناکرد و در آن علوم شرعی وسایر علوم تدریس میگردید.[1]

۱۶- مدرسه جعفریه :

این مدرسه دراصفهان درقرن یازدهم دائر بوده است[2] مدرسه مزبور بزرگ ودارای حجرات وکاشیکاری‌های شگرف بوده و درجنب بقعه جعفریه بود ولی در قرن‌اخیر مجاوران آن مدرسه را بعنوان‌خانه تصاحب کردند[3]

۱۷- مدرسه حاجی باقر:

این مدرسه را حاجی محمدباقر مـه‌آبـادی در اصفهـان ساخته و درسال (۱۰۷۶هـ . ق) دائر بوده است[4]

۱۸- مدرسه خواجه ملك مستوفی:

این مدرسه را خواجه ملك مستوفی درمقابل باغ نقش‌جهان پهلوی میدان نقش‌جهان و میدان شاه‌کنونی‌بناء کرده است و در دوران صفویه دائر و عده‌ای از علمای بزرگ مانند آقاحسین خوانساری در آنجا تحصیل کرده‌اند ولی‌فعلا اثری‌از آن باقی نیست. این مدرسه را مدرسه شیخ‌لطف‌الله هم میگفته‌اند چون‌شیخ‌لطف‌الله چندی مدرس آنجا بوده است[5]. و احتمال هم میرود که مدرسه مزبور با مدرسه عربان یکی باشد .

۱۹- مدرسه خواجه‌نظام‌الملك :

این‌مدرسه‌که بنظامیه اصفهان‌هم معروف‌بوده بهمت خواجه‌نظام‌الملك‌طوسی احداث و تا قرن هشتم درمحله در دشت باقی و موقوفات آن‌که درآمد سالیانــه‌اش بالغ برده‌هزاردینارمیشده مستأکله بوده است[6] از مدرسان‌بزرگ‌این‌نظامیه قاضی ارجانی ازاحفاد جابر انصاری بوده است .[7]

۱- هزاره ابوعلی‌سینا . ۲- فهرست مدرسه سپهسالار ج۲ ص۴۲۱.
۳- تاریخ اصفهان و ری ص۱۹۰ . ۴- فهرست استان قدس ج۶ ص۶۱۲.
۵- زندگانی شاه‌عباس‌اول ج۱ ص۲۸۹. ۶- ترجمه محاسن اصفهان
۷- ازاشعارعربی اواست : ادب‌المرء ظاهره جمیل ـ وباطنه لطاهرة سلیم ـ مودته‌تدوم لکل هول - وهل کل مودته تدوم - تاریخ اصفهان وری ص۲۱۶.

۲۰- مدرسه سارو تقی:

این مدرسه را ساروتقی بنا و درمحله باغات اصفهان واقع بوده است وپس از ویرانی مدرسه حاج‌شیخ محمدعلی بجای آن ساخته شده است[۱]

۲۱- مدرسه سلطان‌محمد سلجوقی :

این مدرسه‌که از مستحدثات سلطان‌محمدسلجوقی دراصفهان بوده اکنون اثری ازآن دیده نمیشودوبعضی گفته‌انداحتمال دارد مدرسه حاج‌حسن باشدکه‌متصل بمسجدعلی واقع درهارون ولایت میباشد[۲].

۲۲- مدرسه سن‌پیر وسن‌پل :

مدرسه‌ای بودکه شاه‌عباس اول اجازه داده بود کشیشان کرملیت دراصفهان تأسیس‌کنندتاکودکان اتباع و میهمانان عیسوی‌زبان‌اروپائی درآن تحصیل‌کنند[۳].

۲۳- مدرسه شاهزاده‌ها :

این مدرسه را شهربانوخانم دخترشاه‌سلطان‌حسین صفوی در نزدیك مسجد حکیم اصفهان درانتهای بازار رنگرزان درزمینی بمساحت یك‌جریب ویك‌قفیز دو طبقه ساختمان‌کرد وحمام شاهزاده‌ها را موقوفه‌آن قرار داد و طلبه‌نشین بود[۴].

از مدرسان معروف‌آن مدرسه ملاعبدالجواد حکیم بوده است. این مدرسه خراب و تبدیل بدبستان‌گردیده است[۵]

۲۴- مدرسه‌شفیعیه :[۶]

این مدرسه درسال (۱۰۹۹هـ. ق) بهمت محمد شفیع میرزا حسینی در محله احمدآباد اصفهان درعهد سلطنت شاه‌سلیمان صفوی ساخته شده است.

تاریخ آغاز و اتمام ساختمان‌را چنین سروده‌اند :

خرد سال آغاز و انجام را   در فیض گفت مقام افاضل

۱۰۹۴   ۱۰۹۹

۱ـ تاریخچه‌محله خواجو ص۲۹ وتذکره‌نصرآبادی ص۲۴۷. ۲- گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۳۷۹. ۳- زندگی شاه‌عباس اول ج۳ ص۷۰ ۴- نگارنده‌آنرا دیده بودم مدرسه‌ای معمور بود. ۵و۶ـ تاریخ اصفهان وری ص۳۰۶و۳۰۸

واز ماده تاریخ مزبور معلوم میشودکه آغاز بنا در۱۰۹۴ و ختم آن در۱۰۹۹ بوده است. مساحت این مدرسه حدود یك‌جریب و متصل بخانه‌های خود بانی‌بوده که مجموع آنها درحدود دوازده جریب وهنوزنژادش‌که معروف به نوابان‌حسینی و اولاد دختری‌صفویه‌اند درخانه‌ها سکونت دارند ولی مدرسه خراب و از صورت نخست خارج گردیده است. دارای سردری‌باکاشیهای معرق‌بوده‌که از بین‌رفته‌است.

۲۵ ـ مدرسه شیخ‌الاسلام :

مدرسه‌ای بوده درشهر اصفهان‌که آخوندملامحمدباقرسبزواری درآن‌تحصیل میکرده است [۱]

۲۶ ـ مدرسه‌شیخ‌لطف‌الله :

این مدرسه درشهر اصفهان واقع و درسال (۱۰۱۵هـ . ق) دائر و طلبه نشین بوده أست [۲] و احتمال دارد این‌مدرسه با مدرسه خواجه‌ملك مستوفی‌که در جنب مسجد شیخ لطف‌الله واقع بوده یکی باشد چه شیخ لطف‌الله مدرس این مدرسه نیز بوده است .

۲۷ ـ مدرسه نقاشان :

این مدرسه در تختگاه هارون ولایت‌شهر اصفهان‌واقع‌بوده و درویش‌یوسف کشمیری [۳] مدتی درآن سکونت داشته است [۴]

۲۸ ـ مدرسه نجفقلی‌بیك :

این مدرسه دراصفهان واقع و از بناهای نجفقلی‌بیك ناظر شاه‌سلطان حسین صفوی است ودر (۱۱۰۴هـ . ق) ساختمان آن بپایان رسیده است [۵]

۱ـ تذکره نصرآبادی
۲ـ تاریخ خط و خطاطان ج۱ ص۲۰۸
۳ـ تذکره نصرآبادی ص۲۰۴
۴ـ ازکشمیر باصفهان‌آمده‌متاهل‌شد ودرمدرسه نقاشان سکونت و از فنون علم بهره داشت . او راست :

ای آنکه ترا دیدن رویش هوس است — نالان دلت ازبهر رخش چون جرس است
زنهار مکن تکیه بلطفش زنهار — همراهی شعله آفت خار و خس است

تذکره نصرآبادی ص۲۰۴ .
۵ـ فهرست آستان قدس ج۵ ص۵۹

۲۹ - مدرسه میرزا رضی :

این مدرسه از بناهای میرزا رضی صدر اصفهانی است که در عهد صفویه صدارت داشته ودرشهر اصفهان واقع بوده است[۱]

۳۰ - مدرسه میرزا تقی :

این مدرسه درمحله جماله‌کله اصفهان بهمت میرزاتقی[۲] بن محمدباقر دولت آبادی درزمان شاه‌عباس ثانی درسال (۱۰۷۱ هـ.ق) ساخته‌شده‌وچنانچه‌سید نعمت‌الله جزائری درشرح‌حال خود نوشته این مدرسه را میرزاتقی برای سکونت‌اوساخته‌و چندسال جزائری درآن مدرسه ساکن و بتحصیل اشتغال و ازمدارس نامی آن‌زمان بشمار میرفته است .

در زمان حال مدرسه مزبور درتصرف ابوالحسن‌بیك نامی‌است واحتمال‌داده شده‌که در اوائل قرن چهاردهم هجری بتصرف اشخاص درآمده‌است.

از این مدرسه درتاریخ حاضر اثری ازصورت‌مدرسه نیست و خانه است‌ولی درموقعیکه دائر بوده کتیبه سردرآن چنین خوانده شده است :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ـ قدوفق ببناء هذه‌المدرسة فی‌زمن دولةالسلطان‌الاعظم »
«والخاقان‌الاکرم، مولی ملوك‌العرب والعجم ، قهرمان‌الماء والطین ، مروج مذهب الائمة
«المعصومین علیهم‌السلام ،السلطان‌بن‌السلطان‌بن‌السلطان والخاقان‌بن‌الخاقان‌بن‌الخاقان(۳)...
«ابن مرحوم محمدباقر دولت‌آبادی کتبه محمدرضاالامامی الاصفهانی.»

«این بنا را سه نام نامی آن   که فرح‌بخش شاب و هم شیخ‌است»

«اولین : مدرسه دویم : طیبه   سیمین : خالصیه تاریخ است »

۳۰۹   ۲۶   ۷۳۶

ومعلوم میگرددکه نام‌مدرسه : مدرسهٔ طیبه خالصیه است ودرسال یکهزارو هفتادویك بنای‌مدرسه پایان پذیرفته‌است .

بطوریکه نوشته‌اند این‌مدرسه رامدرسهٔ‌حوابیگم نیزخوانده‌اند واگر چنین شهرتی درست باشد بایدگفت‌که‌بعدازبنای‌نخست‌ازطرف حوابیگم‌که ازحرمسرایان

۱ـ گنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان ص۶۰۸ بنقل ازروزنامه سرنوشت   ۲ـ انوارالنعمانیه سیدنعمت‌الله جزائری .   ۳ـ تراشیده شده بوده‌که نام بانی معلوم نباشد .

بوده تعمیری بعمل آمده وباین نام هم خوانده شده است. این کتیبه را دانشمند متوفی سیدمحمد صدرهاشمی درروزنامه سرنوشت شماره ۲۱ و ۲۲ سال اول آن روزنامه نوشته است.(۱)

۳۱ ـ مدرسه محرمیه :

این مدرسه درشهر اصفهان واقع ودر بیست وششم جمادی الاولی سال (۱۱۰۸) محمدبن الغنی الجبلی درآن اقامت داشته است(۲)

۳۲ ـ مدرسه محمدصالح :

این مدرسه درمحله شیخ یوسف جزء خاجوی اصفهان واقع بوده است(۳)

۳۳ ـ مدرسه مرتضویه :

این مدرسه در تاریخ سال یکهزار وصدویازده (۱۱۱۱هـ.ق) در شهر اصفهان دائر بوده است(۴)

۳۴ ـ مدرسه کوچه کلباسی :

مدرسه‌ای بوده واقع درنزدیکی مسجد حکیم اصفهان که بوسیله حاجی قرچقای بیك در زمان شاه‌صفی در سال (۱۰۷۵هـ.ق) بناگردیده و در اثرمرورزمان تبدیل بخانه شده والآن به‌کوچه‌کلباسی معروف است.

قطعه‌ای روی سنگ سقاخانه روبروی سردرشمال غربی مسجد حکیم نوشته شده‌که حکایت ازوجودچنین مدرسه وبانی آن وبانی سنگ‌آب آن میکند ولی چند جا افتادگی داشته و خوانده نشده است.

و قطعه چنین است :

«شاه جنت مقام شاه صفی — که روانش غریق رحمت باد»
«داشت یك بندهٔ رضایت بخش — پاك گوهر . . . . . . »
«فرچقای بیك آنکه حضرت حق — از عنایت قبول حجش داد»

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۰۸
۲ـ۳ـ تاریخچه محله خواجو ص ۳۰
۴ ـ فهرست کتابهای اهدائی مشکوة بدانشگاه تهران ج ۱۱ ص ۲۳۱۲ .

«کـرد عـالـی بنای مـدرسه‌ای — کـه ز فیضش ملك خبـر میداد»
«خواجهٔ او که حاجی نصرت بود — بعطاء شـه کـریم نـژاد»
«سنگ آبی نمود وقف که هست — کوثرسلسبیل . . . .»
«این سعادت بخیر جاری یـافت — در زمان شهی بعـدل و بـداد»
«شاه عباس ثانی آن کـوهست — صدچوفیض وجود اوبو . . . »
«بهر تـاریخ آن رسید : «ندا — رحمت ایـزدی بـراین کس باد»

درواقع ماده تاریخ (ندا رحمت ایزدی براین کس بـاد) است. وآن بحساب جمل مساوی است با (۱۰۷۵) که تاریخچه ابنیهٔ تاریخی اصفهان نوشته است. این مدرسه دراثرمرور زمان ازبین‌رفته وچون مقبره مرحوم‌حاج‌محمد ابراهیم‌کلباسی متوفی (۱۲۶۱هـ . ق) درمقابل در شرقی مسجد حکیم واقع شده‌محل مدرسه دربدو امر به مدرسه‌کلباسی وسپس بکوچه کلباسی اشتهار یافته است[۱] .

قطعه مزبور حکایت از بانی‌که حاج قرچقای بیك باشد وزمان سلطنت شاه عباس ثانی وبانی سنگ‌آب آن‌که حاجی‌نصرت باشد مینماید .

۳۵ ـ مدرسهٔ کلباسی[۲] :

این‌مدرسه درکوچه‌جنب‌مسجد حکیم دراصفهان واقع وبانی آن‌حجة‌الاسلام حاج محمدابراهیم‌کلباسی بوده ویکجریب وسعت‌داشته ودرسال۱۳۵۷هـ.ق باهتمام

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۸۵

۲ـ حاج‌محمدابراهیم کلباسی فرزندمحمدحسن کاخکی‌است که پدرش ازهرات باصفهان‌آمده‌از معاریف فقهاء و مجتهدان وعلماءومحققان قرن‌سیزدهم بشمارمیرفته ودرزهدوتقوی‌ضرب‌المثل بوده است .

باحجة‌الاسلام رشتی معاشرت ومصاحبت داشته وهریك مورد احترام دیگری بوده‌اند. وی در روز نوزدهم ربیع الثانی سال(۱۱۸۰هـ.ق) دراصفهان متولدگردیده ومقدمات‌علوم‌را در اصفهان تحصیل و سپس برای تکمیل بعتبات‌عالیات مسافرت‌کرده ودرآنجا از اعلام کرام چون وحید بهبهانی وآقاسید مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفرنجفی وصاحب ریاض استفادتها برده وپس‌از مراجعت درقم از محضر میرزای قمی ودرکاشان از ملامهدی نراقی و باصفهان مراجعت وبتدریس پرداخته است وعده‌ای از بزرگان علماء ازمحضرش استفاده‌کرده‌اند. ودر جمادی‌الاولی (۱۲۶۱ هـ . ق) وفات یافت(تذکرة‌القبور یابزرگان ودانشمندان‌اصفهان‌ص۴۶)

نبیره‌های کلباسی[1] اکنون تبدیل بخانه شده است .

۳۶ـ مدرسه صفویه :

این مدرسه درشهر اصفهان پشت باغ شرکت هند وهلند درمحله بی‌نقابان[2] واقع بوده است .

محله بی‌نقابان از سه کوچه وهفت کاروان‌سرای بزرگ تشکیل میشده و آن کاروان‌سراها را کاروان‌سرای بی‌نقابان میخوانده‌اند وزنان روسبی که مالیات دیوانی برای کارشان میپرداخته‌اند درآن کاروان‌سراها اقامت داشتند. این مدرسه درزمان شاه‌عباس اول دائر وطلبه نشین بوده است[3]

۳۷ ـ مدرسه عمر بن عبدالعزیز :

این مدرسه را قطب‌الدین محمودشاه آل‌مظفر (۷۶۷ـ۷۷۸هـ.ق) در محل مسجدجامع شهراصفهان بناکرده است[4]. بنظر نگارنده مدرسه از بناهای عمربن عبدالعزیز بوده وبهمت قطب‌الدین محمود تعمیر شده‌است .

۳۸ـ مدرسه فاطمیه:

این مدرسه درسال (۱۰۶۷هـ . ق) در شهر اصفهان دائر و طلبه نشین بوده است[5] .

۳۹ـ مدرسه فخریه :

مدرسه‌فخریه‌را فخرالملك بن خواجه نظام‌الملك طوسی درشهر اصفهان بناکرده وتاسال (۱۰۹۸هـ.ق) طلبه‌نشین بوده است .[6]

۱ـ گمان میرود مدرسه کلباسی ومدرسه کوچه کلباسی و مدرسه قرچقای‌بیك هر سه‌یکی بوده است باین‌طور که مدرسه قرچقای‌بیك بوسیله کلباسی تعمیر ویاچون درآن مدرسه درس میداده بنام او معروف شده ودرهرحال دیگر اثری از هیچکدام نیست (تاریخ‌اصفهان‌دری‌ص۴۱۶)

۲ـ چون زنانی که عفیف بوده‌اند حجاب ونقاب داشتند از اینرو زنان روسبی‌را بی‌نقابان میخواندند. نقاب پارچه‌ای بودمشبك که زنان برروی خود میانداختند. ۳ـ زندگانی شاه‌عباس اول ج۳ ص۵۶. ۴ـ راهنمای اصفهان عطارپور ص۴۸

۵ـ فهرست کتب‌اهدائی مشکوة بدانشگاه‌تهران ج۱ ص ۴۲۱ ۶ـ فهرست کتب‌اهدائی مشکوة بدانشگاه تهران ج ۳ ص ۲۷۷

۴۰ـ مدرسه فرچقای بیك :

مدرسه‌ای بوده واقع در بازار رنگرزان اصفهان[1] . و ظاهراً این مدرسه همان مدرسه معروف بمدرسه‌کلباسی و یاکوچه‌کلباسی است.

۴۱ ـ مدرسه شهشهان :

مدرسه‌ای بودکه شاه علاءِالدین‌محمد مقتول در(۸۵۰هـ . ق) هنگام بنای خانقاه وحسینیه درمحله شهشهان اصفهان‌که قبلا نام محله مزبور دریه بوده بنا نموده ولی بمرورزمان وپیش‌آمد حوادث اثری ازآن باقی‌نمانده‌است[2]

۴۲ ـ مدرسه دردشت :

این مدرسه درمحله دردشت‌اصفهان ودردنباله آرامگاه سلطان‌بخت‌آغامقتول در(۷۶۹ هـ. ق) واقع شده است وظاهراً آثار مدرسه درقرن سیزدهم باقی بوده ولی درقرن حاضر ازآن اثری نیست . بانی مدرسه‌هم معلوم‌نیست‌ممکن است‌ازبناهای خود سلطان‌بخت‌آغا باشد چنانکه سنك مزار خودرانیز درزمان حیات آماده کرده بوده واحتمال‌هم دارد از بناهای سلطان‌محمود از آل‌مظفر باشد وچون امامزاده شوری هم در نزدیکی آن مدرسه بوده شاید این مدرسه همان مدرسه امامزاده شوری باشد[3]

۴۳ ـ مدرسه کران :

مدرسه‌ای بوده‌که خواجه‌نظام‌الملك‌طوسی درمحله‌کران اصفهان بناکرده بود، وچون خواجه درمذهب حنفی اصرار وتعصب داشت مقررکرده بودکه بربالای درب مدرسه نام شافعی‌را ننویسند، بلکه بنویسند: وقف علی‌اصحاب‌امامی‌الائمة صدری‌الاسلام . [4] و ممکن است این مدرسه هم همان نظامیه اصفهان باشد .

۴۴ ـ مدرسه علمیه طاهریه :

این مدرسه درشهر اردستان درمحله فهره درجنب بقعه پیر مرتضی‌علی

---

(۱) تاریخچه‌ابنیه‌تاریخی‌اصفهان ص۱۸۵ . (۲-۳) تاریخچه‌ابنیه‌تاریخی اصفهان‌ص۱۵۸ .
(۴) تجارب السلف

اردستانی عارف مشهور قرن نهم هجری واقع وازبناهای میرزامحمد طاهراردستانی بوده است و برای تحصیل علوم دینیه ساخته شده و رقبات موقوفه‌ای برای آن معین کرده که بشرح زیراست:

یکم مزرعه چاهریسه در علیای اردستان - دوم - مزرعه خرونده در سفلای اردستان - سوم مزرعه ارسوره نزدیك شهر اردستان- چهارم یکطاق وربع محله کبودان- پنجم - زمین یکباب عصارخانه واقع درمحله بازاراردستان. این مدرسه درنیمه دوم قرن حاضر بوسیله اداره معارف وقت خراب وجزء دبیرستان آنجا گردید[۱].

۴۵ - مدرسه درویشان:

این مدرسه درمحله خاجو ومجاور قبرشاه حسن بوده‌است ولی دراین زمان اثری ازآن نیست[۲]

۴۶ - مدرسه مادرشاه:

این مدرسه ازمدارس بزرگ اصفهان وبوسیله مادرشاه احداث ودرحدود شاهزاده ابراهیم قرار داشته است[۳]

۴۷ - مدرسه الماسیه:

این مدرسه درچهارسو مقصود اصفهان واقع و دارای ششصد ذرع مساحت و دوطبقه بود ولی درسال هزاروسیصدوپنجاه‌وپنج قمری خراب گردید. وآجرهای آن بفروش رفت[۴]. این مدرسه ازآثار حاج الماس نامی از غلامان دربار صفوی بوده و وقفنامه‌ای از این مدرسه بتاریخ یکهزارویکصدوچهار هجری قمری هنوز باقی است.[۵]

۴۸ - مدرسه شهرستان:

این مدرسه درشهرستان (جی قدیم) اصفهان واقع بوده است و بمرورزمان از

۱- آتشکده اردستان بخش۱ ص۳۵ ۲- تاریخچه محله خواجو بنقل ازسفرنامه شاردن ص۱۳ ۳- تاریخچه محله خواجو ص۳۱ ۴- تاریخ اصفهان وری ص۴۱۲ و ص ۳۰۲ ۵- بخشی ازگنجینه آثار ملی ص۳۶

میان رفته است .[۱]

۴۹ـ مدرسه خواجه محبت :

این مدرسه درقرن یازدهم درعصر شاه‌سلیمان صفوی دراصفهان دائر بوده و محمدداود تویسرکانی برادرزاده قاضی‌حسن‌تویسرکانی درآنجا تحصیل‌میکرده است و اکنون اثری ازآن مدرسه نیست و ممکن است جزءآن هفت‌مدرسه باشدکه در قرن چهاردهم مصالح ساختمانی مخروبه‌آنها صرف ساختن‌مساجدگردیده است[۲]

۵۰ـ مدرسه خواجه‌صدرالدین علی‌طبیب :

خواجه‌صدرالدین‌علی‌طبیب‌که ازطرف‌سلطان‌محمدگورکان‌حاکم‌اصفهان‌بوده دراصفهان و نواحی سه‌مدرسه‌ساخت. یك مدرسه درحوالی‌مسجدجامع قدیم درجنب خانه‌میرزاهدایت‌الله طبیب‌که درزمان مؤلف تذکره نصرآبادی‌قرن یازدهم‌کتابه‌آن موجود بوده است و گویا میرزاصدرالدین جابری داخل کاروانسرای خود کرده بوده است و درهمان زمان حیات نصرآبادی دیگر اثری ازآن باقی نبوده‌است[۳].

۵۱ـ مدرسه صدرالدین علی‌طبیب :

این‌مدرسه را صدرالدین علی‌طبیب اصفهانی‌حاکم‌اصفهان‌درمحله باباقاسم در کوچه‌میرزاشریف‌حکیم‌بناکردوچندی‌آن‌مدرسه مهمانخانه میرزایوسف‌نامی‌بود و سپس عده‌ای درویش درآن مسکن‌گزیدند ولی اکنون اثری از آن مدرسه وجود ندارد[۴].

ج ـ مساجدی‌که بعد از اسلام احداث و اثری ازآنها باقی نیست:

۱ ـ مسجدخرابه قدیمی که بجای‌آن مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان تجدید بنا گردیده است[۵].

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۹۳ ۲ـ تذکره نصرآبادی ص۲۰۱

۳ـ تذکره نصرآبادی ص۴۵۷ ۴ـ تذکره نصرآبادی ص ۴۵۷ ۵ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۱۱ .

۲ ـ مسجد آقاسی ·

این مسجد درمحله میدان کهنه اصفهان واقع و آثاری ازعهد پارسیان در آن دیده میشده و عوام آنرا نقاره‌خانه ملکشاه مینامیدند و درزیرزمین آن معبری بود وچاهی داشت که آنرا چاه‌دجال میخواندند ونیز کاشیهای گران بهائی داشت که نقوش ستاره‌های منطقة البروج وماه وخورشید برآن رسم شده بود وگمان میرفت که این محل در زمان پیش ازمسجدشدن میکده بوده است. کاشیهای دیگری هم داشت که صورت گاو وببر بران رسم بود ونشان میداد که درزمان دیالمه درآن تعمیری بعمل آمده است. این مسجد درسال (۱۳۰۷ه.ش) در معرض خیابان قرار گرفت واکنون کاشیهای متفرقه‌ای بنام مسجد آقاسی در چهلستون اصفهان نصب است[۱]

۳ ـ مسجد انماطی :

این مسجد در اوائل قرن هشتم دائر بوده و محل آن بازار خواجه محمود در اصفهان بوده است[۲].

۴ـ مسجد امام محمود شفروه:[۳]

این مسجد نیز در اصفهان دربازار خواجه‌محمود واقع و درقرن هشتم دائر بوده است و ظاهراً امام را تب این مسجد امام محمود شفروه بوده است نه‌بانی آن و این امام محمود شفروه‌نیز از خاندان شفروه بوده است .

۵ـ مسجد سدید.

این مسجد دربازار امیرسعید بابلاق واقع ودرقرن هشتم دائر بوده‌است.

۱ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۷۳۱ ۲ـ وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی .

۳ـ کلمهٔ شفروه را تفسیرهای مختلفی کرده‌اند ولی آنچه معلوم است در اصفهان بیشتر مردم بخصوص طبقات ممتاز ، القابی داشته‌اند و درزمان اعراب و دوره خلفاکه عربیت غلبه داشته این‌القاب را معرب کرده‌اند مانند سه لبه که سلفه شده وهمین‌طور شب روه یعنی کسیکه شب راه میرود به شفروه معرب گردیده است و خانواده بزرگی بوده‌اند مانند سلیمان بن احمدبن جلال‌الدین محمدبن‌الشریف رکن‌الدین علی‌بن جلال‌الدین محمدبن هبةالله‌بن حمزة معروف به شفروه اصفهانی که بعداز(۹۵۳ ه . ق) وفات‌یافته وازعلماء وبزرگان عصرخود بوده‌است .

←

۶- مسجد محمدبن‌سعید صباغ :

این مسجد در بازار خواجه‌محمود درشهر اصفهان دائر و بانی‌آن محمدبن سعید صباغ بوده است.

۷- مسجد بازارخواجه‌محمود :

این مسجد نیز دربازار خواجه محمود اصفهان واقع و درقرن هشتم دائر بوده است .

۸- مسجد روبروی بازارعسکر :

این مسجد نیز درمجاورت بازار عسکر اصفهان در قرن هشتم دائرومقابل و روبروی بازار عسکرواقع بوده است.

۹- مسجد بازارامیرسعید بابلاق :

این مسجدنیز در اصفهان در بازار امیرسعید بابلاق واقع و در قرن هشتم دائر بوده است .

۱۰- مسجد باذانه:

این مسجد درمحله باذانه یهودیه اصفهان واقع و بانی‌آن ولیدبن ثمامة امیر اصفهان بوده‌که در ۱۵۰ هجری بناکرده است (۱).

← دیگری شرف‌الدین‌محمد یا عبدالمؤمن بن هبةالله یا فضل‌الله شفروه متوفی (۵۹۸ هـ. ق) که از طرف اتابك شیرگیر ملقب به‌ملك‌الشعرائی گردیده و دیگری ظهیرالدین عبدالله‌بن شفروه از شعراءکه برادر یا پسرعم شرف‌الدین‌محمداست و معاصر با اوبوده‌است بطوریکه‌مذکور گردید در این خانواده بزرگانی هم چون ابوالسعادات اسعدبن عبدالقاهربن اسعد معروف به شیخ‌ابوالسعادات اصفهانی که استاد سیدرضی‌الدین علی‌بن‌طاوس حلی وشیخ طوسی‌بوده و درسال (۶۳۵ هـ.ق) میزیسته است میباشند و اوراست تصنیفاتی چون : (رشح‌العرفاء فی شرح‌الدعاء و اکسیرالسعادتین و توصیف الوزراء و دعاء صنمی قریش و توجیه السؤالات فی‌حل‌الاشکالات ونیز جامع‌الدلائل و مجمع‌الفضایل. ومعلوم نیست‌که این‌لقب ازآن چه‌کسی ازآنان بوده است. واینکه صاحب مجمع‌الفصحاء شفروه را معرب پزوه دانسته وعده زیادی از او پیروی کرده‌اند مستندی‌ندارد. و امام محمود شفروه که مسجد مورد بحث منسوب باو است از همین خانواده بوده است .

۱ـ ذکر اخباراصبهان ج۱ ص۱ - ۱۹

۱۱- مسجد باباسوخته یامسجد سلطان ابوسعید بهادرخان:

این مسجد دراصفهان در انتهای محله جوباره واقع و با دومنارخود بمناره باغ قوشخانه‌که اکنون نیز وجود دارد متصل بوده است وبانی آن ساطان ابوسعید بهادرخان ودرقرن هشتم هجری ساخته شده است.

سیاحان اروپائی این مسجد را هنگامیکه قسمتی از آن‌هم خراب شده بوده بیك قطعه جواهر حقیقی توصیف‌کرده‌اند و در آن موقع گنبد و تمام اطراف و مناره‌هایش از کاشیهای گران‌بها ورنگارنگ مزین بوده است وگفته شده که آن کاشیها حاشیه‌ای داشته‌که خطوطش سفید و بر روی زمینه سبز نوشته شده بوده است.

مناره‌اش فوق‌العاده شیواوجالب وازتوده مارپیچهای سبزوسفید تشکیل میشده که درفواصل کاشیهای آبی بکاررفته بوده‌است . دراین زمان اثری ازآن‌مسجد و دو مناره‌اش نیست و فقط منارباغ[۱] قوشخانه درکنارمادی سودان دیده میشود[۲].

۱۲- مسجد کاروانسرای دومنار:

این مسجد درمحله دردشت‌اصفهان واقع و درجای کاروانسرای دومنار بوده که هنگام مبارزه شیخ‌ابواسحاق با مبارزالدین دراثر ضربه منجنیق ویران‌گردید و روی‌آن کاروانسرای دومنار ساخته شد[۳].

۱۳- مسجد جامع خشینان :

این مسجد در دوران خلافت‌ظاهری‌امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی‌طالب‌علیه‌السلام و بکوشش ابوخناس آزادکرده عمربن‌خطاب خلیفه دوم در محله خشینان‌که از دهات متصل به یهودیه اصفهان بود بناگردید و اکنون چنین مسجدی وجود ندارد لیکن بعضی از[۴] نویسندگان حدس میزنند که حدودامامزاده‌اسماعیل واحمدآباد همان خشینان است ولی‌بگفته ابونعیم اصفهانی مسجد جامع خشینان را ایوب‌بن

۱ـ ارتفاع این منار چهل متر و دارای پلکان معمولی است. (تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۶۰)
۲- گنجینه‌آثارتاریخی اصفهان ص۲۹۴
۳- تاریخ اصفهان و ری ص ۲۱۴ - ۲۱۵
۴ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۱۸.

زیاد ساخته است[1].

۱۴- مسجد حفص بن معدان :

این مسجدرادرقرن‌سوم هجری‌حفص‌بن معدان بناکرده ومؤذن‌آن‌ابواسحاق ابراهیم‌بن عیینه بوده است[2].

۱۵- مسجد جامع شهرستان :

این مسجد در سال(۲۵۰ه.ق) در شهرستان (جی) اصفهان دائر و مؤذن آن ابوالحسن حامدبن‌المساوربن‌یزید هلالی متوفی(۲۵۰ه.ق) بوده‌است[3].

۱۶- مسجد خواجه‌محمود [4] :

این مسجد در بازار خواجه محمود اصفهان واقع و در قرن هشتم دائر بوده است.

۱۷- مسجد درب‌طوقچی :

این مسجد در درب طوقچی اصفهان ودر مجاورت بقعه سلطان اسدبن جنید واقع بوده و درزمان حاضر اثری از مسجد مزبور باقی‌نیست ولی لوح سنگی بر-دیوار جنوبی اداره فرهنگ اصفهان منصوب است‌که میرساند در محل اشاره شده چنین مسجدی‌بوده‌که بهمت‌مردی بنام‌حاجی یاربیك صباغ ساخته شده وموقوفاتی برای مسجد و بقعه سلطان قرار داده‌است و این‌کار درسال (۱۰۴۴ ه . ق) و در دور سلطنت شاه‌صفی انجام گردیده و آن لوح بخط‌نستعلیق برجسته چنین است:

«غرض‌نقشی‌است‌کز ما بازماند (۱۰۴۴) که هستی را نمی‌بینم بقائی»

«مگرصاحب‌دلی‌روزی‌برحمت(من‌شهور) کند در کار درویشان دعائی»

«در زمان‌دولت‌خاقان‌جمشیدرای، سکندرصولت‌وسلطان فریدون‌فر ، دارای» «حشمت،ابوالمظفر،معزالدوله‌و[5]عزنصره،سلطان‌شاه‌صفی‌الحسینی‌الموسوی‌الصفوی»

۱- ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۱۶. ۲- ذکر اخباراصبهان ج۱ ص۱۸۲. ۳- ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۹۲ . ۴- فرهنگ‌اصفهان‌مخطوط بنقل ازوقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی . ۵- درگنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۵۴۱ باواو نوشته‌شده ولی درست‌نیست و واو آن زائد است .

«بهادرخان خلدالله تعالی ملکه ابداً، توفیق رفیق حال و قرین آمال کهف الحاج و المعتمرین»
«وزایر رسول الثقلین حاجی یاربیك صباغ گشته احداث مسجدی قویم البنیان ، »
«سلیم الارکان که نموده بود باتمام رسانید واقع درجنب شارع درب طوقچی وبضلع»
«شرقی و خالصاً مخلصاً لوجه‌الله وقف نمود بر مسجد مزبور همگی و تمامی چهارباب»
«دکان که یکی بقالی است وهمه بدان مربوط است که احداث کرده واقف مشارالیه»
«درست مقابل مسجدمزبور بضلع غربی که در وقفنامه ثبت است و همگی وجملگی»
«یکباب خانه معینه واقعه‌درجنب‌مسجد مزبور و همگی وتمامی یك درخانه‌واقعه»
«درسکه باب‌التبریزیه مشهور بخانه فتح‌الله نساج بحد دومی که در وقفنامه مسطور»
«است، وهمگی وتمامی اعیان وعمارت دو در دکان معینه یکی صباغی ویکی علافی که»
«واقف مزبور خود احداث نموده درعرصه معینه که وقف است برمزار کثیر الانوار سلطان»
«اسدبن جنیدمتصل بیکدیگر واقع در محله طوقچی مزبور بحدی که در وقفنامه»
«مذکور است اثاث آلات و ادوات و خم صباغی و غیره که وقف نموده بر مسجد»
«مزبور و مزار مذکور و دروقفنامه شرط نمودکه آنچه بعلت نفع و اجاره عرصه»
«مزبور و اعیان و اشیاءِ مذکـور بهمرسد منقسم بده قسمت نموده سه‌قسمت آن را»
«صرف تعمیر و روشنائی و غیره مسجد مزبور نمایند بشرط واقف .»

دنباله این کتیبه بخط نستعلیق در دو حاشیه طرفین لوح سنگی مزبور در فوق چنین حجاری شده :

«چون تولیت موقوفات مزبور مادام‌الحیات متعلق بواقف مشارالیه و بعداز»
«آن اولاد او و دیوان الصدارة وناظران و متصدیان اوقاف اجاره نودساله نموده»
«بود خانه بـاب‌التبریزیه را بجهت سکنای اولاد خود مشروط به‌آنکه بعد از»
«اخراجات تعمیرخانه مزبور آنچه از وجه اجاره باقی ماند صرف تعمیر فرش و»
«روشنائی مسجدمزبور نماید بازبهمین دستور تولیت خانه‌مزبور متعلق است باولاد»
«واقف مشارالیه‌که بعد از تعمیر خانه مزبوره آنچه زائد باشد بشرط واقف‌صرف»
«تعمیر فرش و روشنائی مسجد مزبور نمایند . تغییردهنده بلعنت خدا و نفرین»

«رسول گرفتار باد[1]».

۱۸- مسجد دروازه اردستان :

این مسجد در محله رامیان اردستان واقع بوده و در حدود چهل سال پیش تبدیل بباغ گردیده وخلاصه مسجد را ازبین برده‌اند[2].

۱۹- مسجد خرابه‌ایکه برروی آن مسجد شجره درخیابان شاه‌عباس‌اصفهان بناگردیده است.[3]

۲۰- مسجد خرابه‌ایکه برروی آن‌مسجد شیخ‌بهائی درخیابان‌معروف به‌شیخ بهائی دراصفهان بنا شده است.

۲۱- مسجد عبدالله‌بن کوشید :

مسجدی بوده در اصفهان که مهران‌بن شبیب مؤذن آن و عبدالله‌بن کوشید آن را بنا کرده بوده‌است[4] ولی درحال‌حاضر اثری ازآن نیست.

۲۲- مسجد طیبه :

مسجدی بوده درحوالی مسجد حکیم وظاهراً با مدرسه طیبه که بنامهای میرزاتقی و حوابیگم وکلباسی نیز معروف بوده واکنون اثری جز سنگ سقاخانه از آن وجود ندارد متصل‌بوده است. برای تشریح موضوع بمدرسه میرزا تقی رجوع شود.[5]

۲۳- مسجد درویشان :

این مسجد در محله خاجو در مجاورت مدرسه درویشان و قبر حسن شاه بوده است.[6]

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۵۴۱ . ۲ ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۴۱
۳- تاریخچه محله‌خاجو ص ۷۲ ۴- ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۳۲۲. ۵- تاریخ اصفهان و ری ص ۲۸۱ . ۶ ـ تاریخچه محله خاجو بنقل از سفرنامه شاردن ص ۱۳ .

۲۴- مسجد سلمان :

این مسجد در دیه‌جیان اصفهان واقع و مورد زیارت مردم بوده است [۱] و اکنون اثری از آن نیست .

۲۵ - مسجد عمرو بن راشد :

این مسجد دراوایل طلوع اسلام‌دراصفهان ساخته شده و ابوجعفر محمدبن جعفر صابونی درآن تلاوت قرآن میکرده است. [۲]

۲۶- مسجد فضل بن برغوث :

این مسجد را فضل‌بن برغوث اصفهانی پیش‌از قرن چهارم هجری دراصفهان بناکرده و رجاءبن صهیب جروائانی در آن اذان میگفته و اکنون جز نام اثری ندارد . [۳]

۲۷- مسجدقبا :

مسجدی بود جزء مخروبه‌های عباس آباد اصفهان که برطبق اجازه علمای دین آجر ومصالح آن درساختمان مسجد نو بکار رفت . [۴]

۲۸- مسجد مصلی:

این‌مسجد درخارج محله طوقچی‌اصفهان واقع بوده ودرزمان دیالمه مصلای شهر بوده است ولی اکنون اثری‌از آن‌نیست[۵] وممکن است همان مسجد معروف به مسجد عمر باشد[۶] .

۲۹- مسجد حسینیه شهشهان :

این مسجد درحسینیه شهشهان‌که شاه‌علاءالدین‌محمدبانی آن‌بوده قرارداشته و پس‌از دفن جسد او در آن مکان بمرور زمان مسجد و چنانکه قبلاً نوشته شد مدرسه وخانقاه‌آن نیز ازبین رفته است وظاهراً اطرافیان تبدیل بخانه‌کرده‌اند[۷].

۱- مرآت‌البلدان‌ناصری . ۲- ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۲۹۸ . ۳- ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۱۵ . ۴- تاریخ اصفهان‌وری ص ۲۹۷. ۵ - تذکرةالقبور و یا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص یو . ۶- مرآت‌البلدان ناصری . ۷ - تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۵۹ .

۳۰- مسجد بزرگ محله نو :

این مسجد پیش‌از صفویه وجود داشته و شانزده قفیز مساحت آن بوده ودر گوشهٔ آن تکیه و بقعه شیخ‌عبدالله انصاری فقیه متوفی (۸۹۰ ه. ق) واقع وپس از آنکه محل تبدیل بمسجد شده سنگ قبر را بدیوار نصب کرده‌اند ولی از زمان نادرشاه به‌بعد ازبین رفته است[۱] .

۳۱- مسجد جامع رنگرزان :

جامعی بوده درشهر اصفهان در محلی‌که روی خرابه آن مسجد جورجیر و حکیم فعلی بناشده وتا قرن سوم هجری وجودداشته است شیخ‌ابومسعوداحمدبن‌فرات رازی درآن جامع بمنبر میرفته و مردم را موعظت میکرده است[۲].

۳۲- مسجدجامع شهرستان (مدینة) :

این مسجد درشهرستان اصفهان‌که آنرا سابقاً جی میخوانده‌اند قرار داشته‌و مؤذن آن ابوالحسن حامدبن‌المساوربن‌یزیدالهلالی متوفی (۲۵۰ه.ق) بوده‌است[۳]

۳۳ - مسجد خواجه‌علم :

این مسجد نزدیك مناره خواجه‌علم واقع بود، مناره در اوایل‌نیمه دوم قرن چهاردهم هجری سقوط کرد و مسجد هم درمسیر خیابان هاتف فعلی قرار گرفت و بالطبع از میان رفت [۴] این مسجد قبل‌از صفویه احداث و در زمان آنان مورد تعمیر واقع شده بود[۵].

۳۴- مسجد نصر آباد :

این مسجد دارای کاشیهای عتیقه‌ای بودکه از بین رفت و اکنون اثـری از آن نیست [۶].

---

۱ - تاریخ اصفهان و ری ص ۲۷۹ . ۲ - خلدبرین ص ۱۹۲. ۳- ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۹۲ . ۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۵۲ . ۵- تاریخ اصفهان و ری ص۲۷۷. ۶- تاریخ اصفهان و ری ص ۱۲۴.

۳۵- مسجد شیخ ابو مسعود رازی :

این مسجد درمحله درشیخ اصفهان درمجاورت بقعه شیخ ابومسعود رازی واقع بوده[۱] و بفتوای یکی ازعلماء قرن سیزدهم خراب شده است[۲].

۳۶- مسجدجامع عباس آباد:

این مسجد درقرن یازدهم درمحله عباس آباد اصفهان دائر وحجراتی داشته که طالبان علم وشعرای عارف درآن حجره‌ها ساکن بوده‌اند ازآن جمله شیخ عماد پسرمیرزا ابراهیم خوش‌نویس تبریزی متخلص به‌رافع یاارفع دریکی ازآن حجره‌ها ساکن بود و با قناعت زندگی میکرد وگاهی شعری میسرود از اشعار اوست:

رباعی

خواهی که دلت محرم اسرارشود / از جمله علم حق خبردار شود

از گریه بشو غبار آیینهٔ دل / مگذار ز گرد معصیت تار شود

از این‌جامع دراین تاریخ اثری نیست.[۳]

۳۷- مسجد مستوفی :

این مسجدامیرزا شکرالله مستوفی ازمستوفیان معروف‌زمان شاه‌طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴هـ . ق) درسال (۹۸۱هـ.ق) که ازطرف شاه بمنصب استیفا منصوب شد درمحله خاجوی بزرگ اصفهان بناکردواکنون اثری ازآن نیست[۴].

د- قصوری که بعد از اسلام احداث وکنون اثری ندارد:

۱- قصر احمد سیاه :

این قصر درزمان اعراب دراصفهان احداث گردیده و نواده[۵] احمد سیاه از محدثان اصفهان بوده است و چنین حدس زده‌اند که احمدآبادکنونی جای آن قصر بوده است[۶].

۱- خلدبرین ص۱۹۶. ۲- میزان الانساب ص۵۸. ۳- تذکره نصرآبادی ص۴۰۲.
۴ - تاریخچه محله خواجو بنقل از منتظم ناصری ص۸۱ . ۵ - ابومسلم عبدالرحمن بن محمدبن احمدبن سیاه مذکر متوفی سلخ رجب ۳۴۶ هجری . ۶ - تاریخ اصفهان و ری ص ۴۰۸ .

۲ـ قصر اصفهان :

احداث این قصر نیز پیش‌از قرن هفتم هجری بوده ومحله‌ای‌هم بنام محله قصربآن منسوب وحسین‌بن معمر قصری‌که ازمشایخ [۱] سمعانی‌صاحب‌الانساب بوده بااین‌محله انتساب دارد [۲] وباب‌القصر نیز گفته‌اند.ومنظورهمان‌دربکوشك‌فعلی‌است که در قرون پیش بقصر رستم معروف بوده است .

۳ ـ قصر جهان‌نما :

خانه مربع‌کوچکی‌را در اول خیابان چهارباغ بالای اصفهان دو طبقه بشکل کلاه فرنگی درزمان صفویه ساخته بودندکه مخصوص‌حرمسرا باشد ودارای‌نقاشیها و تزیینات بسیارعالی و اطرافش ایوان وپنجره‌هائی وجود داشته که از آن مکان بلند خیابان را تماشا میکردند [۳]. این قصر مشتمل‌بود برصور زنان ودختران‌عجم ازکیانی تا ساسانی با جامه‌های خسروانی [۴].

۴ـ قصر صخر بن سدوس :

این قصر درقرن ششم هجری در تیران اصفهان وجودداشته ولی‌اکنون جز نام اثری از آن باقی‌نیست [۵].

۵ ـ قصر خصیب :

این قصر دارای‌کوشکها واشجار ورياحين ودرکنارپل‌حسین در اصفهان‌واقع بوده ودر هنگام تفوق مسلمانان دراصفهان ساخته شده [۶]. و تازمان سلجوقیان و دوره‌ملکشاه‌باقی‌بوده است بانی این قصر همان خصیب‌بن‌سلم است که بقاعی را بر

---

۱ ـ قاضی ابوسعد عبدالکریم‌بن ابی‌بکر محمدبن ابی‌المظفرالمنصوربن محمدبن عبدالجبار التمیمی‌السمعانی متولد ۲۱ شعبان ۵۰۶ و متوفی لیله ۲۰ ربیع‌الاول ۵۶۱ هجری قمری . روضات‌الجنات ص ۴۲۷ .

۲ـ معجم‌البلدان ج ۴ ص۳۵۵ .

۳ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۷.

۴ـ کسان بانوعظمی بیهانه‌اینکه درآنجا اندرونی هشت بهشت پیداست خراب کردند. (تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۳) .

۵ ـ محاسن اصفهان ص۵۶.

۶ـ بانی این‌قصر ظاهراً خصیب‌بن سلم‌بن عوذبن سلامةحنفی ازمردم شهرستان اصفهان وعامل خراج اصفهان درسال (۲۲۵ هـ. ق) بوده است. نواده اوخصیب‌بن‌الفضل از عبدالله‌بن عمران روایت میکرده است. (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۰۷) .

مسجد جامع افزوده است.[1]

۶- قصر عبدویةبن حبة :

این قصر نیز دراصفهان درکنار زاینده‌رود واقع و درقرن ششم دائر و بانی آن عبدویةبن حبة بوده است.[2]

۷- قصر فراشخانه:

این قصر درزمان صفویه احداث شده و درسال ۱۲۹۸ هجری مخروبه‌وعمارت باعرض و طولی بوده بسیارعالی و بعضی کاشیهای آن‌که مانده بوده مانندچینی بوده است [3] این قصر دربرابر برج چهلستون واقع وجایگاه ضباط وزیر آن شارع خیابان پشت چهل‌ستون بود وسقاخانه مفصلی داشت‌وهمان خیابان جزء خیابان‌سپه فعلی شده است[4]

۸- قصر هارون هفت درب:

این قصر در دیمرتین حوالی اصفهان واقع و صاحب اشجار ومتنزهات بوده است [5].

۹- قصر فرقد:

این قصر در دروازه شهرستان واقع بوده و دارای انواع و اقسام تزیینات واشجار بوده است[6].

۱۰- قصر کوهان:

این قصر درماربین اصفهان واقع و دارای تزیینات واشجار گوناگون بوده است [7].

۱۱ - قصر یحیی :

ظاهراً این قصر منسوب به یحیی برمکی‌بوده که درکنار زرین‌رود و کنار خندقین واقع شده بوده است.[8]

۱- محاسن‌اصفهان ص۸۴. ۲- محاسن اصفهان ص۵۶. ۳- جغرافیای‌اصفهان ص۲۵.
۴- تاریخ اصفهان و ری ص۳۴۷ . ۵ و۶ و۷- محاسن اصفهان ص۵۶ .
۸- محاسن اصفهان ص۵۷ .

۱۲ ـ قصر مغیرة :

این قصرهم درزمان تفوق اعراب در اصفهان احداث شده وشعرای تازی زبان درباره آن اشعاری سروده‌اند[۱].

۱۳ ـ قصر علی بن رستم دیمر تی :

این قصر در دیمرت اصفهان واقع و از احداثات علی بن رستم دیمرتی بوده است و برادرزاده‌اش احمدبن القاسم بن علی رستمی در وصف آن قصر ومتنزهات آن چنین سروده است :

ضحك الربیع بمبسم الابرار / و بکی بعین سحة مدرار
فبدمعه اکتست البسیطة نبتها / و بضحکه ضحکت ذری الاشجار
و اذا الریاح امالها فکانه / ثمل یمیل لنغمة الاقمار
والنرجس الغض الجنی کانما / تدویره بشظیتی مدوار
حدقت به فوق الزبرجد فضة / تبکی شعاع کواکب الاسحار (۲)

۱۴ ـ قصر منشی :

این قصر را منشی‌الممالك شاه‌عباس که نامش میرزارضی بوده در محله‌ایکه امروزه بقصر منشی معروف است احداث واز میان رفته است.[۳]

۱۵ ـ قصر مورح :

این قصر دربازار عسکر اصفهان واقع و در قرون ۷و۸ دائر و از موقوفات سیدرکن‌الدین یزدی بر مدرسه او بوده است [۴]

۱ـ ازجمله شعرائی که درباره قصر مغیره شعر گفته‌اند ابوسعید رستمی مدینی است که مطلع آن چنین است:

سقی قصر المغیرة کل دان / اجش الرعد منهمر الغوالی

و دیگر شیخ ابوالرجاء حسن بن محمدبن‌عوذ که چنین گفته :

ظللنا الیوم فی قصر المغیرة / و انوار الحدائق مستنیرة

که بعداز چند بیت دیگرچنین میگوید:

عیان الخلد او جنات عدن / لارشدنا الی قصر المغیرة

محاسن اصفهان ص۵۷ و ۶۱. ونیز سعدمافروخی چنین گفته :

الی جسر الحسین فباغ بکر / فقصر مغیرة ففناء خندق.

۲ـ محاسن اصفهان ص۶۵. ۳ـ تاریخ اصفهان وری ص۱۰۰ ۴ـ فرهنگ مخطوط اصفهان بنقل از وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی ص۲۳۳۷.

۱۶و۱۷ ـ دوقصر درباغ تخت :

باغ تخت در مغرب چهارباغ واقع و قریب چهل‌هزار ذرع مساحت داشت و درآن باغ دوقصر بسیار عالی ساخته شده بود یکی رو بچهار باغ و دیگری رو بخیابان فرعی محل شمس آبادکه امروز خیابان شیخ‌بهائی خوانده میشود این‌باغ و قصور آنرا میرزا مرتضی‌خان نوری ناظر فرمان گرفت و قطعه قطعه کرد و بدیگران فروخت[۱].

۱۸ ـ قصر سرپوشیده :

این قصر در دوره فتحعلی‌شاه [۲] در اصفهان ساخته شده ولی در این تاریخ اثری ازآن نیست.

۱۹ ـ قصر آینه‌خانه :

این قصر جزء باغ سعادت‌آباد درمیان مایل بشمال باغ بوده دارای طنابی زیبا و تالاری بزرگ‌آینه‌دار وبکمال خوبی ساخته وپرداخته شده بود و به قصر آینه‌خانه معروف [۳] وبین پل خواجو و پل جوئی قرار داشت. ودر (۱۳۱۹هـ.ق) بوسیله مأموران مسعودمیرزا ظل‌السلطان ویران‌گردید.[۴]

۲۰ ـ قصر قوشخانه :[۵]

این قصر در وسط باغ قوشخانه و بسیار وسیع و رفیع و دو طبقه بوده و در آن‌بیوتات وامکنه‌کثیره ملوکانه وجود داشته ودارای‌حوضهاوجداول‌وخیابان‌بندی

۱ـ تاریخ اصفهان وری ص۳۵۵ ۲- سیف‌الدوله سلطان‌محمدمیرزا ساخته‌وظل‌السلطان درتزیین‌آن اقدام‌کرده(نصف‌جهان‌ص۳۶). ۳ـ نصف‌جهان ص۴۵. ۴- میرزامظفر ترکه این اشعار را در وصف‌آینه‌خانه در۱۰۷۶ سروده است:

فانوس و شمع قدسی و پا تا سرآینه — نقاش صنع لم یزل از سایه تو بست
این جلوه‌گاه‌کیست که ازهرطرف دراو — عشرت سرای شاه صفی دان کزو بود
رویت صباح عید ترا پیکر آینه — بر پرده‌های دیده هفت اختر آینه
صورت‌نمای گشته ز یکدیگر آینه — روشن چراغ اختر چشم هر آینه
خواند خط جبین ملایک بنه فلک — افتد اگر ز روی تو عکسی در آینه

نقل ازگنجینه‌آثار تاریخی اصفهان‌ص۵۷۵

۵ـ جغرافیای اصفهان ص۳۰.

بوده و این قصر و باغ قوشخانه جزء خالصجات دولتی و در دوره قاجاریه محل خلعت‌پوشی بود ولی در این‌تاریخ جز منار قوشخانه اثری نه‌از باغ‌و نه ازقصراست.

۲۱ ـ قصر گلدسته :

این قصر درمیان باغ‌گلدسته واقع واز بناهای شاه‌عباس بزرگ‌صفوی‌است . مساحت باغ سی‌هزار ذرع بود این قصروباغ در این زمان تبدیل بخانه شده است .[۱]

۲۲ ـ قصر قاضی معز :

این قصر درمحله خاجوی کوچك اصفهان و متصل بدروازه حسن‌آباد واقع بود و متعلق بقاضی معز ازقضات دوره صفویه بوده است .[۲]

۲۳ ـ قصر علی بیك[۴] :

بانی این قصر علی‌بیك پسر علیمراد خان حاکم قندهار و در محله خاجوی کوچك اصفهان ومتصل بدروازه حسن‌آباد واقع بوده واکنون اثری ازآن نیست .

۲۴ ـ قصر میرکشیك بیك درخاجوی کوچك .

۲۵ ـ قصر علیقلی‌خان. درخاجوی کوچك .

۲۶ ـ قصر حوابیگم معروف بقصر میرزارضی :

این قصر نیزکه درخاجوی کوچك ومتصل بدروازه حسن‌آباد اصفهان بوده از مستحدثات حوابیگم دختر شاه‌عباس و زن میرزا رضی منشی الممالك بوده‌است.

۲۷ ـ قصر هفت‌دست :

این قصر واقع بوده درباغ وسیع سعادت‌آباد اصفهان‌که پیش‌از احداث آن درسال ۱۰۵۶ه.ق مسکن‌گبران بوده شاه‌عباس دوم دستور دادگبران را بانتهای‌جلفا کوچانیده ونسبت باحداث باغ مزبور وقصرهای داخل‌آن اقدام نمایند.

۱ـ تاریخ اصفهان وری ص۳۵۷ و جغرافیای اصفهان ص۲۴. ۲ ـ تاریخ‌اصفهان وری ص۳۴۷ ۳ و ۴ـ تاریخچه محله خواجو ص۱۴.

این باغ میان پل‌اللهوردیخان وپل خاجو ودرکنار جنوبی زاینده رود واقع بوده و روبروی این باغ باغی دیگر بنام باغ دریاچه در شمال رودخانه خودنمائی میکرده است، وضع طوری‌نشان میدادکه هردوباغ درحکم یك باغ است وروودخانه زاینده‌رود ازمیان آن میگذرد، این دو باغ بوسیله پل جوئی [1] بیکدیگر متصل میشدند. درباغ سعادت آباد قصرهائی وجود داشته‌که مهمترین آنها قصرنمکدان و قصر آینه خانه و قصر هفت دست بوده است. این قصر در سال (۱۳۱۸ هـ. ق) بامر مسعودمیرزا ظل‌السلطان خراب شده است والآن محل کارخانه وطن اصفهان است

۲۸ ـ قصر نمکدان :

این قصر نیز در باغ سعادت‌آباد و بفاصله یکصدو پنجاه متر درجنوب قصر آینه واقع وبشکل‌مستدیری روی زمین‌بناشده بود زمین‌آن مرتفع وعمارت‌مثمن وسه طبقه وازطبقهٔ بالارودخانه پدیدار میگردید این‌قصر نیز درسال(۱۳۰۶ هـ. ق) بوسیله کارکنان مسعود میرزا ظل‌السلطان خراب گردید.[2]

۲۹ ـ قصر منظر: [3]

این قصر نیز ازجمله قصوری است‌که در دوران صفویه احداث واکنون جز اسم اثری ازآن نمانده است. امکان داردکه این‌قصر همان‌طبقه فوقانی‌قصرنمکدان باشدکه ازآن طبقه رودخانه زاینده رود دیده میشده‌است.

این‌بود عده‌ای از عمارات‌که بنام قصر معروف بوده وگرنه اغلب باغهای معروف دوران سلاجقه و صفویه درمیان یا در سر دربآنها عمارت و ساختمانهای شگرف و جالبی بوده‌که حکم قصر داشته است. قصر در اصطلاح[4] قدماء بعمارتی گفته میشده‌که محصور و فقط از نقطه معینی داخل و خارج میشده‌اند و بسیار استوار ساخته شده و مشرف بر ساختمانهای دیگر باشد.

۱ـ این پل درسال (۱۰۶۸هـ.ق) ساخته‌شده.گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۵۷۵.
۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۷۵.   ۳ـ آگهی شهان ازکارجهان ج۳ ص ۹۱.
۴ـ معجم‌البلدان ج۴ ص ۳۵۴.

۳۰ ـ قصر هفت هلکه یا قصر کهندز سارو یه :

این قصر را رکن‌الدوله خمارتکین که درسال(۴۶۵هـ. ق) بسمت والی فارس انتخاب شده بود هنگام عبوراز اصفهان بناکرد باین کیفیت که سر بنای کهندزساروبه را کند و بر آن قصری بساخت و سارویه را در زمان خمارتکین مردم اصفهان هفت هلکه میخواندند و این هفت هلکه درمیان شهرستان اصفهان واقع ومیان آن آبی خوشگوار بودکه منبع آن راکسی ندانست کجاست. واکنون آثاری ازآن قصر نیست . [۱]

۳۱ ـ قصر غازی‌خان :

این قصر درمحله صالح آباد درچهارسوی اسفندیاربیك [۲] دربازارحسن آباد اصفهان واقع بوده است [۳]

۳۲ ـ قصر نقاره‌چیان هندی :

این قصر در قسمت محله خاجوی‌کوچك اصفهان واقع وازجمله عمارات صفویه بوده‌که از بین رفته است. [۴]

۳۳ ـ قصر گاریچیان :

این قصر نیز در محله خاجوی کوچك اصفهان و ازاحداثات دوره صفویه بوده است . [۵]

۳۴ ـ قصر میرزاطاهر وقایع نویس : [۶]

این قصر نیز در قسمت محله خاجوی کوچك اصفهان‌که به حدود چهارباغ عباسی امتداد داشته واقع بوده است .

۳۵ ـ قصر تفنگدارباشی :

این قصر در قسمت خاجوی بزرگ اصفهان که بصحرا منتهی میشده واقع

۱ـ فارسنامه ابن‌البلخی ص۳۵. ۲ـ همان چهارسو نقاشی‌است‌که خراب وجزء خیابان شاه‌عباس گردیده است. (تاریخچه محله خواجو ص۱۵). ۳و۴و۵و۶ ـ تاریخچه محله خاجو ص۱۵ .

بوده است .[1]

۵ - باغهائی که بعداز اسلام احداث واکنون تنها اسم آنها باقی است:

۱ - باغ نقش‌جهان :

درمشرق و شمال چهلستون اصفهان واقع و درآن‌عمارات وباغچه‌های دولتی بودکه شاه اسماعیل از سلاطین صفویه ساخته بود وچهار حوض وپستخانه قدیم و خلوت‌های عدیده درآن باغ بود ولی دراین تاریخ‌فقط نامی ازآن مانده‌است .[2]

۲ - باغ چینی‌خانه :

این باغ نیز در زمان صفویــه در مجاورت چهلستون ساخته شده بــوده است .[3]

۳ - باغ خرگاه و کجاوه خانه :

این باغ درقسمت غربی چهلستون اصفهان واقع بوده است .[4]

۴ - باغ بادامستان :

باغی بود درعمارت هشت‌بهشت‌که بانو عظمی عمارت تلگرافخانه را از آن جدا نموده بود این باغ نخست به بختیاریها و سپس بجلال‌السلطنه واگذار گردید و دیگر اثری ازآن باغ نیست .[5] مساحت‌آن ۲۵هزارمتر بود.[6]

۵ - باغ بهشت‌آئین صفوی :

این باغ نیز از ساختمانهای‌صفویه و دارای عمارت ودراطراف‌باغ‌هشت‌بهشت بوده است واکنون باغ مزبورکه درکوچه فتحیه واقع است تبدیل به‌کالج‌دختران شده است .[7] و ظاهراً این باغ با باغ انگورستان یکی باشد .

۶ - باغ انگورستان :

این‌باغ ازنامش معلوم میشودکه باغ انگور بوده وآنرا باعمارت‌خسروخانی

۱- تاریخچه محله خواجو ص۱۵. ۲- تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۴۸. ۳- تاریخ اصفهان و ری ص۳۸۴ . ۴ و ۵- تاریخ اصفهان وری ص۳۴۷. ۶- فرمان آنرا مرتضی‌خان نوری گرفت و قطعه قطعه فروش رفت (تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۴).

۷- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۰ .

بدست سردار اعظم داده بوده‌اند این باغ هم وصل به چهلستون بوده است [۱] باغ مزبور اندرونی صفویه بوده و افغانها بطمع دفینه خراب‌کردند [۲].

۷ - باغ رشك‌جنان:

این باغ در مجاورت کاخ هشت‌بهشت ودر اختیار بانوعظمی بوده است [۳]

۸ - باغ خیمه‌گاه :

این باغ هم درپشت چهلستون واقع بوده و اینك تبدیل بخانه و گاراژ و مغازه شده است [۴].

۹ - باغ سلطانعلی‌خان :

این باغ در حدود چهارده هزار ذرع مساحت داشته و مقداری هم ساختمان که از بین رفت. [۵]

۱۰ - باغ جزایرخانه :

این باغ در مقابل چهلستون بود واکنون تبدیل بخانه و باغات عدیده شده و مساحت‌آن با باغ جزایرخانه ۳۶ هزار متر بود. حاج محمد حسین‌کازرونی و غیر او درآن خانه‌ها ساخته‌اند . [۶]

۱۱ - باغ نواب :

این باغ هم از باغهای زمان صفویه بوده‌که عمارت داشته و از بین رفته است . [۷]

۱۲ - باغ کجاوه‌خانه :

این باغ نزدیك بازار صباغان اصفهان واقع و بیش‌از ۴۵هزار ذرع‌مساحت داشته میرزا احمدخان فاتح‌الملك فرمان صادرکرد ودست‌بدست فروخته خانه‌های بسیار شد [۸]

۱- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۰ .

۲ - گزارش میرزا علیخان نائینی در ۱۳۰۰ .

۳و۴- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۲.

۵- تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۹.

۶و۷- تاریخ اصفهان وری ص۳۵۴ .

۸- آگهی شهان ازکار جهان ج۳ ص۹۲ .

۱۳ - باغ احمد سیاه :

باغی بوده که احمدبن سیاه جد عبدالرحمن‌بن محمدبن سیاه در قرن سوم هجری دراصفهان ساخته و درزمان ملکشاه سلجوقی محل‌سکونت ترکان خاتون زن اوبود. این‌باغ بسیاربزرگ وتالارهای‌تو درتو وسقفهای بلند با قابهای منقش و مصور ودیوارهای گچبری شده و آئینه‌کاری و تالارهائی که دارای دیوار مشبك از چوب قرنفل خوش‌نقش و خوش تراش بود داشت[1] و در کنار زاینده رود قسمت غربی اصفهان واقع بود.

۱۴ - باغ بکر :

این‌باغ درحدود ناژونان والیادران وباغ جنت واقع بوده است.[2]

۱۵ - باغ معتمد خسرو :

این‌باغ ازباغهای دوران صفویه است که معدوم‌الأثر شده است.[3]

۱۶ - باغ بیت‌الما : [4]

این باغ ازمستحدثات دورهٔ ملکشاه سلجوقی دراصفهان بوده است.[5]

۱۷ - باغ کاران :

این‌باغ نیز ازبناهای ملکشاه سلجوقی است که دراصفهان احداث کرده و محل آن ظاهراً محلهٔ باغات امروزی وقسمتی از محله خاجو بوده است و خواجه حافظ شیرازی و دیگران نیز درتوصیف آن مطالبی نگاشته واشعاری سروده‌اند.

خواجه حافظ دروصف این‌باغ چنین‌گفته :

گرچه صد رود است در چشمم‌مدام　　　زنده رود و باغ کاران یاد باد

عبداللطیف‌خجندی نیز چنین‌گوید :

اصفهانا در آرزوی توام　　　گشته انده فزای و شادی کم

۱- فرهنگ اصفهان مخطوط بنقل ازآشیانه عقاب ص۱۴۳۲.　۲- تاریخ اصفهان‌وری ص۴۰۹　۳ - آگهی شهان ازکار جهان ج۳ ص۹۱.　۴ - درتاریخچه محله خاجو ص۸ بنقل از سلجوقنامهٔ بیت‌المال ذکر شده است.　۵ - راحة‌الصدور ص ۱۲۹

عکس شکلت بخواب میجویم — زنده رودت در آب میجویم
ماربینت که نسخهٔ ارم است — آفتاب اندر او درم درم است
هریك از باغهاش صد بیشه — گم شده در میانش اندیشه
سبزه زار فلك زغایت رشك — چهره‌کرد است ازستاره پراشك
برد گلزار تو ز چرخ کلاه — رفت آب ارم ز آتشگاه
هرکه اکنون به باغ کاران‌است — گونگه‌دار جا که‌کار آن است[1]

۱۸ ـ باغ دشت گور :

باغی است که ملکشاه سلجوقی در دوره سلطنت خود در اصفهان احداث کرده است .[2]

۱۹ ـ باغ تاج آباد :

این‌باغ طبق فرمان شاه‌عباس اول در اطراف نطنز ساخته شده بوده‌که هنگام تفرج وصید وشکار گاهگاهی درآن باغ اقامت میکرده است .[3]

۲۰ ـ باغ تخت :

این باغ از مستحدثات صفویه و در مغرب چهارباغ اصفهان واقع و تقریباً چهل هزار ذرع مساحت داشت .

میرزا مرتضی‌خان نوری ناظر فرمان گرفت وآنرا قطعه قطعه کرده بفروش رسانید . این باغ دوقصر داشت یکی روبچهار باغ‌ویکی روبخیابان فرعی‌شمس‌آباد (خیابان شیخ‌بهائی‌کنونی) .[4] پیش‌از اینکه ناظر مزبور فرمان‌بگیرد باغ‌تخت در مقابل عیادت به‌حاج میرزا محمد باقر حکیم بعنوان حق‌القدم از طرف مشیر انصاری داده شد ولی مرحوم حکیم ردکرد ونپذیرفت .[5]

---

۱ ـ ترجمه محاسن اصفهان ص۲۹. ۲ـ راحة‌الصدور وآیة‌السرور در تاریخ‌آل‌سلجوق ص ۱۳۹. ۳ـ فرهنگ اصفهان مخطوط ص ۱۴۴۱. ۴ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۵ . ۵ـ تاریخ اصفهان و ری ص۶۰ .

۲۱ - باغ طاوس‌خانه :

این باغ ازبناهای شاه عباس دوم و در مشرق چهارباغ و ضمیمه باغ پهلوان حسین بود ومادی نیاصرم از میانش میگذشت و در وسط این دو باغ ساختمانهائی از شاه‌عباس دوم وجود داشت، مساحت آن بیش‌ازچهل هزار ذرع بود این دوباغ‌هم به اربابی میرزا هادیخان پیشخدمت و ندیم مسعود میرزا ظل‌السلطان داده شد و سپس دست بدست گشت تا اینکه قسمتی از آن مدرسه ستاره صبح و قسمتی هم عمارت گردید.(۱)

۲۲ - باغ پهلوان حسین :

این باغ هم ازمستحدثات زمان صفویه وشرح آن گذشت .

۲۳ - باغ محمد علی حیدر :

این باغ نیز ازبناهای زمان صفویه است‌که علیرضاخان فرمان آن‌را گرفته وازبین برد . (۲)

۲۴ - باغ سیف‌الدین معروف به باغ آلبالو :

این باغ نیز ازمبانی زمان صفویه که دارای هیجده هزار متر مساحت و در تصرف میرزا علی محمدمستوفی گلستانه بود وسپس تبدیل بباغ وعمارات‌گوناگون گردید . (۳)

۲۵ - باغ نسترن :

باغی‌بوده که در زمان صفویه احداث وکنار مادی نیاصرم اصفهان و وصل برودخانه بود ومیرزاتقی‌اشراقی ملقب به امین‌الشریعه با باغهای دیگری‌برد . (۴)

۲۶ - باغ ناظر :

باغی‌بوده‌که مقداری عمارت‌هم داشته ودرب آن دربازار مسگران بازمیشده است و درب جدائی‌هم داشت . (۵) قریب سی‌وپنجهزار ذرع مساحت داشت محمود

---

۱ و۲ و۳ و۴- تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۶. ۵ - تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۲.

آقاخان پس از بنان‌الملك فرمانی گرفت ودست بدست‌گردید .[1]

۲۷ ـ باغ میرزا مهدیخان :

این باغ در محله تلواسکان واقع و از آثار میرزا مهدیخان اعتمادالدوله و صدرالممالك شاه عباس‌ثانی‌معروف به امیراشرف است‌که در (۱۰۷۹ هـ . ق) مقتول شده . باغ مزبور وقفی[2] ومساحت آن بیش‌از۲۷ هزار ذرع بوده است فرمان‌آنرا مصطفی قلی‌خان فراشباشی گرفت وبعدها تبدیل بعمارات شد .[3]

۲۸ ـ باغ بابا امیر :

این‌باغ درچهارباغ اصفهان واقع وسی وسه هزار ذرع مسافت داشت و دارای سردرب وعمارت بود و در دوران صفویه احداث شده بود فرمان از ناصرالدین‌شاه گرفتند وبعدبملکیت صارم‌الدوله درآمد وقطعه قطعه‌کرده بدیگران فروختند.[4]

۲۹ ـ باغ قراخان :

این‌باغ درلب رودخانه اصفهان درقسمت شمالی آن واقع بوده است .[5]

۳۰ ـ باغ صالح آباد :

این‌باغ میان چهار باغ کهنه ونو واقع ومانند مینو بود و در آن خانه هائی از مردم ثروتمند وجود داشت بنام آقا عبدالحسین فرمان دادند و تبدیل بعمارات گوناگون گردید .[6]

۳۱ ـ باغ نظر :

این باغ دراصفهان واقع وازمستحدثات زمان صفویه بود ومساحت‌آن چهل وپنج‌هزار متر ومادی نیاصرم ازوسط آن‌میگذشت. شیخ‌حسن شیخ‌العراقین فرمان گرفت و اولادش فروختند وقسمتی را حاج زین‌العابدین و مختصری‌را دکتر جواد خرید .[7]

۱ـ تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۶۲. ۲ ـ تاریخچه محله خواجو ص۸۷. ۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۶. ۴ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۶۲. ۵ و۶ و۷ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۷.

۳۲ - باغ نگار :

بین پل انجیری وباغ قوشخانه واقع بوده است .[۱]

۳۳ - باغ کلعنایت :

این باغ ازبناهای کلعنایت مسخره شاه عباس است که دارای شکمی بزرگ بوده مساحت باغ بیش از هشتادو پنجهزارمتر ومیان دربدشت وخاوجان واقع شده بود وآنرا میرزا حسین‌خان ضابط اسناد خرج بنام دامادش سیف‌الله خان صدری مجاهدالسلطنه گرفت و انتقالاتی شد بحاج مشیرالملك و غیره و بتدریج از بین رفت .[۲]

۳۴ - باغ قوشخانه :

باغی‌بود درنزدیکی باغ لنجانی‌که از آنجا بطرف زینبیه میروند و درآن باغ قوشهای سلطنتی را نگاهداری میکردند .[۳]

۳۵ - باغ صدر جهان :

باغـی بوده که قاضی صـدر جهان از علمای دوره شاه عباس اول احـداث کرده است .[۴]

۳۶ - باغ شرکت هند وهلند .

باغی بوده در زمان شاه‌عباس اول‌کـه محل شرکت هندوهلند و در نزدیکی محله بی‌نقابان (روسبیان) واقع بوده است .[۵]

۳۷ - باغ شاه :

باغی بوده در اصفهان‌که بدربارشاه متصل و پس‌ازتماشای چوگان‌بازی برای استراحت بآن باغ میرفته‌اند.[۶]

---

۱ - تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۳ .

۲- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۷۱ .

۳ - تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۳ .

۴- ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء .

۵ - زندگی شاه‌عباس اول ج۲ ص۵۶.

۶- زندگی شاه‌عباس اول ج۲ ص۳۰۵.

۳۸ - باغ سهیل :

این باغ دریکی از محلات اصفهان بنام باغ سهیل واقع بوده است .[۱]

۳۹ - باغ سلم :

باغی بوده که خانه محمدبن یحیی بن ابان دراصفهان در آن بوده و مردم اطراف آن چادر میزدند و ابوعلی لغذه از علماءِ ادب ونحو درآنجا برای مردم تدریس میکرده است . دروازه باغ سلم نیز منسوب بآن میباشد[۲]

۴۰ - باغ عبدالله :

این باغ که بانی آن عبدالله نامی بوده و پیش از قرن چهارم میزیسته در محله جوباره اصفهان واقع بوده است. از منسوبان باین باغ است :

ابوعبدالله محمدبن سعیدبن اسحاق قطان باغ عبداللهی[۳]

۴۱ - باغ عیسی بن ایوب :

باغی بوده در اصفهان که ازیك طرف بمحله خشینان وازطرف دیگر به محله کوراء و ملنجه محدود بوده است وخشینان ویهودیه که جوباره کنونی باشد درقرن چهارم هجری در دو طرف باغ مزبور واقع بوده است[۴] از منسوبان آن باغ است : ابومحمد عیسی بن ایوب بانی آن باغ و دیگر سندیله عبدالله بن داود عابد باغ عیسائی .[۵]

۴۲ - باغ فراشخانه :

این همان باغی است که قصر فراشخانه در آن ساخته شده بود ودرطرف شمالی مقابل چهلستون بود. این باغ درسال (۱۳۱۴هـ. ق) بامر مسعود میرزا ظل السلطان

۱ـ جغرافیای اصفهان ص۳۲. ۲ـ ابوبکرمحمدبن حسنو متوفی بعد(۳۶۰) وابومسلم نوح بن منصوربن مرداس سلمی متوفی (۲۹۵) از مردم محله باغ سلم بوده‌اند. (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۹۵ ومعجم الادباء ج۸ ص۱۴۰). ۳ـ ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۷۲ وص۲۷۴. ۴ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱ـ۱۹ ۵ ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۴۸ .

خراب گردید.[1]

۴۳ - باغ فلاسان :

این باغ از مستحدثات ملکشاه و هزار جریب مساحت داشت و در اطراف چهارباغ اصفهان واقع بود واکنون جز اسم اثری ندارد[2]

۴۴ - باغ علی بن سهل :

این باغ در محله طوقچی اصفهان واقع و[3] بخانقاه علی بن سهل پیوسته بوده است.

۴۵ و ۴۶ - باغ توپخانه و باغ عسکر :

این دو باغ هم درخیابان چهارباغ عباسی واقع و درحدود چهل وچهار هزار متر مساحت داشت و در دست میرزاآقاخان محاسب الدوله و میرزاعلی اکبرخان سرتیپ بود وقسمتی ازآن نیز بدیگران منتقل گردید.[4]

۴۷ - باغ گلدسته :

این باغ محتوی بر قصری بوده که شرح آن نوشته شد و از بناهای شاه عباس بزرگ بوده است.[5]

۴۸ - باغ لنجانی :

باغی بوده درنزدیکی باغ قوشخانه که ازآنجا بطرف زینبیه میروند و اکنون آنجا خیابان هاتف است.[6]

۴۹ - باغ مابان :

این باغ درقرن پنجم هجری درمحله جورجیر اصفهان در زمان المقتدر بالله عباسی وجود داشته است.

۱- تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۴. ۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۶.
۳- اصفهان جوانان ص۲۰۵. ۴- تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۶. ۵- جغرافیای اصفهان ص۲۵. ۶- تاریخ اصفهان و ری ص ۱۰۳.

۵۰ - باغ ستاره :

از باغهائی است‌که در زمان صفویه درخیابان چهارباغ بالا واقع بوده و اکنون نام‌آن باقی است.[۱]

۵۱ - باغ زرشك :[۲]

این باغ درمحل فعلی کارخانه صنایع پشم اصفهان واقع بوده و وقتی که از پل‌اللهوردیخان بطرف عباس‌آباد عبور میکردند باغ مزبور درخیابانی واقع‌بودکه شیب‌زیادی‌داشت ودردوران صفویه‌دریاچه‌ای‌بوده‌است‌که ازهزارجریب‌بآن‌میریخته و درحدود چنار باغ زرشك‌که اکنون هم‌وجود دارد آبشاری تشکیل میداده است.

مساحت باغ زرشك در حدودهشتادهزار مترمربع و سر در آن مشتمل بر عماراتی مفصل و مجلل بوده است وگلهای رنگارنگ‌آنرا احاطه‌کرده بوده و بر بالای سردرآن تالارها وغلام‌گردشهائی بودکه منظره رودخانه وکوه و جلفا و باغ وسیع سعادت‌آباد و هزار جریب درسمت مشرق آن بر صفای این عمارت و باغ میافزوده است. این باغ را سیدشهاب از ناصرالدین‌شاه فرمان‌گرفت و به آغاباشی فروخت و امروزه کارخانه ریسباف است.[۳]

۵۲ - باغ مراد :

باغی بوده دراصفهان‌که اکنون جای آن محله نو خوانده میشود.[۴]

۵۳ - باغ منوچهرخان معتمدالدوله :

این باغ زیاد وسیع و کلاه فرنگی وسطش بسیار عالی و دو طبقه و خوش طرح بود بطوریکه کلاه فرنگی نظائر تهران با اندك تصرفی از روی آن ساخته شده بود، خلوتها وعمارات دیگری هم در اطراف باغ داشت[۵]این باغ هم قسمت شده وتبدیل بعمارات مختلف‌گردید.[۶] باغ‌مزبوردرمحل معروف‌به‌پشت مطبخ‌واقع

۱ـ تاریخچه ابنیهٔ تاریخی اصفهان ص۱۸. ۲ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۴۸۷.
۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۰. ۴ـ الاصفهان ص۸۴. ۵ـ جغرافیای اصفهان ص۲۵. ۶ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۷.

بودکه منتهی بقسمت جنوبی میدان شاه میگردید.[1]

۵۴ ـ باغ عموطاهر :[2]

این باغ درپشت باغ آلبالو دراصفهان واقع وبیش‌از سی‌هزار ذرع مساحت داشت قسمتی ازآن در دست حاج میرزاحسین‌بنکدار و برادرانش میباشدوتبدیل بعمارت گوناگون شده است .

۵۵ و ۵۶ ـ باغهای : زین‌خانه و فتح‌آباد :

این دوباغ درمشرق چهارباغ اصفهان واقع بودند و مساحت آنها بحدود شصت‌هزار متر میرسید و در جلو مدرسه چهارباغ و از موقوفات شاه سلطان‌حسین بود، بباغات کوچك و عمارات مبدل‌گشت وکارخانه‌های نجاری و آهن‌بری در آن ساخته‌اند .[3]

۵۷ ـ باغ دمور :

این باغ میان هشت‌بهشت و پشت مسجدشاه واقع بوده است.[4]

۵۸ ـ باغ شیرخانه :

این باغ هم در طرف شرقی چهارباغ اصفهان در محلی که امروز بکوچه شیرخانه شهرت دارد واقع و معبرش از باغ پهلوان‌حسین بوده است. در این باغو سایر باغها آثار عمارات عالی و سردرب‌ها وجود داشته ولی درقرن حاضر از روی عمد همه‌آن‌آثار را محو و تبدیل بعمارات دیگر گردید و در واقع آثار باستانی را از میان بردند.[5]

۵۹ ـ باغ علی‌قاسم :

این‌باغ هم درخیابان چهارباغ عباسی‌واقع وحدود چهارده هزار ذرع‌مساحت داشته وبتدریج از صورت اولیه خارج‌گردیده است .[6]

۱ـ نصف جهان فی‌تعریف الاصفهان ص۳۸ .　　۲ و۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۶.

۴و۵ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۷ .　　۶ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۸.

۶۰- باغ حاج باقر :

این باغ در همان خیابان چهارباغ واقع و پانزده هزار ذرع مساحت داشت و حاج ابراهیم آقا فرمان گرفت وبصورت دیگری درآمد. [۱]

۶۱- باغ فیل خانه :

این باغ که فیلخانه بود و در خیابان چهار باغ اصفهان واقع بود همان حاج ابراهیم آقا بضمیمه سردرب وعمارت فرمان گرفت وآنرا دگرگون ساخت. [۲]

۶۲- باغ قورچی باشی علیا : [۳]

این باغ درچهارباغ بالای اصفهان واقع بود وزمان شاه عباس بانی باغ منصب قورچی باشی داشته. مساحت آن تقریباً بیست وششهزارذرع بود، میرزاجعفر بیدآبادی فرمان صادرکرد و بصورت دیگری درآورد. [۴]

۶۳- باغ قورچی باشی سفلی :

این باغ نیز که از مبانی صفویه بود در چهارباغ بالای اصفهان واقع و قریب سی هزار ذرع مساحت داشت میرزاتقی اشراقی درزمان مظفرالدین شاه قاجار فرمان گرفت ودیگرگون گردید. [۵]

۶۴- باغ ایشك آقاسی :

این باغ هم در چهارباغ بالای اصفهان واقع و سی هزار ذرع مساحت داشت و آنرا هم میرزاتقی اشراقی در زمان مظفرالدین شاه فرمان گرفت و در آن تصرفات کرد. [۶]

۶۵- باغ قرچقای خان :

این باغ نیز درچهارباغ بالای اصفهان واقع ومساحتش تقریباً بیست وپنجهزار ذرع بود آنرا نیز میرزاتقی اشراقی در(۱۳۰۳ه.ق) فرمانی چاپی برای تملك آن در دست داشت ودرآن عمارات گوناگون ساخته شد. [۷]

۱و۲- تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۸.   ۳و۴و۵و۶و۷- تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۰.

۶۶ - باغ توشمال باشی :

این باغ بسیارعالی و وسعتش از باغهای دیگر بیشتر بود سلطان حسین میرزا نواده علیشاه ظل السلطان فرمان گرفت و در اثر معامله شرطی بامیرزاتقی اشراقی درتصرف نامبرده اخیر درآمد و مانند دیگر باغات دیگرگون شد.(۱)

۶۷ - باغ داروغه :

این باغ هم درخیابان چهارباغ بالای اصفهان واقع و درحدود شانزده هزار ذرع بودکه حاج ابراهیم آقا فرمان گرفت و او خالوزاده مسعود میرزا ظل السلطان بود .(۲)

۶۸- باغ رضاقلی خان :

این باغ هم در خیابان چهارباغ بالای اصفهان واقع و بیش از دوازده هزار ذرع مساحت داشت ، برای این باغ توسط ابراهیم آقای فوق الذکر فرمان گرفته شد و دگرگون گردید.(۳)

۶۹ - باغ خواجه :

این باغ هم مانند باغ رضاقلیخان درخیابان چهارباغ بالای اصفهان واقع بود و ابراهیم آقا آنرا با فرمان تصرف و دگرگون ساخته است.(۴)

۷۰ - باغ داروغه دفتر :

برای این باغ که در اصفهان واقع بود بضمیمه سر درب آن آقاکمال الدین شریعتمدار اصفهانی فرمان گرفت ومساحت آن قریب پانزده هزارذرع بود و سپس دست بدست گشته واز صورت نخست درآمد .(۵)

۷۱ - باغ وقایع نویس :

این باغ که محل سکونت وقایع نویس وقت بوده و با سردرب آن بیست وهشت هزار ذرع مساحت داشت مانند باغ پیش گفته شریعتمدار اصفهانی فرمان گرفت و تصرفاتی درآن بعمل آورد .(۶)

۱- تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۰ . ۲و۳و۴و۵و۶ - تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۱.

۷۲ - باغ دیوان بیگی :

این باغ را هم که دراصفهان واقـع و بیست و پنجهزار ذرع مساحت داشت شریعتمدار بوسیله فرمان متصرف و آنرا تغییرصورت داد. (۱)

۷۳ - باغ تفنگچی آقاسی :

این باغ‌راکه دراصفهان واقع وسی‌هزارذرع مساحت‌داشت درسال(۱۳۱۲ه.ق) حاج‌میرزاحسین‌خان ولد میرزانصرالله خان‌مستوفی فرمان‌گرفته وبه محمدحسین گیوه فروش‌فروخت ولی شریعتمدار مانع تصرف‌او شده خود در دست داشت وآنرا دگرگون ساخت . (۲)

۷۴ - باغ چرخاب صفوی:

این باغ درناحیه۴ اصفهان واقع و درحدود بیست‌وهشت‌هزار ذرع مساحت دارد این‌باغ وباغهای‌دیگری‌را میرزامهدی‌بن‌ملاهاشم‌بنام اولادش: میرزاحیدرعلی و حاج‌میرزا احمد و برادرزادگانش : میرزا حسن و میـرزا حسین پسران میرزاعبدالوهاب فرمان‌گرفت و دست‌بدست بدیگران منتقل‌کردند. (۳)

۷۵و۷۶ ـ باغ قوشچیان و غلامان مطبخ :

این دو باغ شانزده‌هزار ذرع مساحت داشت‌که میرزامهدی فرمان‌گرفت. (۴)

۷۷ - باغ میرآخور شاه‌عباس :

این باغ دراصفهان واقع ودرحدودهیجده‌هزارذرع‌مساحت داشت.محمودخان فرمان تصرف‌آن راگرفت وفروخت وقطعه قطعه‌گردید. (۵)

۷۸ - باغ مهردار شاه‌عباس :

این باغ هم‌که دراصفهان ودر اطراف چهارباغ بود قریب سی‌وچندهزارذرع مساحت داشت رضاخان نامی فرمان‌گرفت و دست بدست‌گشت. (۶)

۱و۲ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۱.   ۳و۴و۵و۶ـ تاریخ‌اصفهان وری ص۳۶۲.

۷۹ - باغ جلودار :

این باغ هم درحدود بیست‌وپنجهزار ذرع بود و مورد تصرف اشخاص واقع و قطعه قطعه گردید.(۱)

۸۰ - باغ جون کمر :

این باغ درحدود باغ سعادت‌آباد بوده وسی و دو هزار ذرع مساحت داشته و آنرا حاج ابراهیم‌آقا سعیدالملك فرمان گرفته و دست بدست گشته است .(۲)

۸۱ - باغ درب کارخانه :

این باغ نیز درهمان اطراف واقع و سی‌وشش‌هزار ذرع وسعت داشت و آنهم جزء فرمان سعیدالملك بود .(۳)

۸۲ - باغ کلاه شاه :

این باغ هم که دراطراف سعادت‌آباد بود سی‌وچهار هزار ذرع مساحت داشت وسعیدالملك فرمان آنرا گرفت .(۴)

۸۳ - باغ سپهسالار :

درهمان اطراف بود وبیست وششهزار ذرع وسعت داشت وفرمان‌آنرا همان سعیدالملك گرفت ودست بدست گردید .(۵)

۸۴ - باغ محمود صفوی :(۶)

این باغ بانضمام تکیه‌آن بیست و شش‌هزارذرع مساحت داشت و عمده آنرا میرزا فضل‌الله خان دهش ضبط کرد .

۸۵ - باغ بهارستان :

این باغ‌هم درهمان حدود باغ سعادت آباد معروفیت داشت که فعلاً اثری از آن نیست .(۷)

۸۶ - باغ برج و ۸۷ - باغ حاج صالح :

این دو باغ در مشرق چهارباغ نو و راه پل خاجو واقع و بیش از یکصد و

---

۱ - تاریخ اصفهان و ری ص۳۶۲ . ۲و۳و۴و۵و۶و۷– تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۶۴.

چهل هزار ذرع وسعت داشتند درسال (۱۳۰۳ هـ . ق) بمیرزاعلی‌اکبرخان ناظم‌الاطباء و میرزا مسیح خان حافظ‌الصحه فرمان چاپی دادند و سهم ناظم‌الاطباء را سادات خاجوئی خریدند وامروز قسمتی ازباغ برج را آقایان تجار روغنی محل شرکت وکارخانه بافندگی بناءِ نهاده‌اند. [۱]

۸۸ - باغ جشاران = جوشاران = گوش‌اران : [۲]

این باغ که معلوم‌میشود سابقه طولانی‌دارد و دراصل گوش آران بوده که گوش نام قدیم جهودان بوده واز اینرو دروازه جوباره را در قدیم گوش‌بر مینامیده‌اند و سپس معرب شده به جوشاران‌یاجشاران تبدیل‌گردیده‌است. وسعت آن هفتادهزار ذرع و در طرف پل‌خاجو واقع بوده است. [۳]

۸۹ - باغ جعفرخان :

این باغ نیز درطرف پل‌خاجو واقع و تبدیل باراضی زراعتی شده و اگرهم ساختمانی داشته ازبین رفته است. [۴]

۹۰ - باغ جلوخان :

درنزدیکی هفت دست بوده واکنون بائراست. [۵]

۹۱ - باغ حبشی‌خانه :

این باغ‌هم درنزدیکی هفت دست بوده واکنون بائر است. [۶]

۹۲- باغچهٔ یخچال :

این‌باغچه هم دراطراف هفت دست بوده ولی اکنون از میان رفته است. [۷]

۹۳ - باغ عباس‌آباد :

این‌باغ در طرف غرب چهار باغ که بطرف محله عباس‌آباد اصفهان میرفت واقع شده بود واز بناهای شاه عباس بود واکنون محله عباس‌آباد نیز درمحل‌همان باغ است. قسمت شرقی‌آن باغ را نیزعباس‌آباد میگویند. و چون این باغ هزار

---

۱ و۲- تاریخ اصفهان و ری ص ۳۶۴ و ۳۶۵ ۳- در مجله ارمغان سال اول شماره ۱۰۶۹ ص۶۰ خوشاران نوشته شده است. ۴و۵و۶و۷- تاریخ‌اصفهان ص۳۶۷.

جریب مساحت داشت به‌باغ هزارجریب نیز شهرت یافت.[1]

۹۴ - باغ خیاطخانه:

این باغ جنب چهلستون بوده ودوازده هزارذرع وسعت داشت وخانه ومغازه شده است.[2]

۹۵ - باغ توحید خانه:

باغی بوده که خلیفةالخلفای صوفیان در شبهای جمعه درویشان و صوفیان را جمع ودرآن باغ بذکرمشغول میشدند و درهمین شبها مقداری نان وحلوا بانظارت او میان درویشان وصوفیان تقسیم میگردید[3] واین باغ درپشت عالی قاپو وتالار طویله واقع و درکنار آن خلوتهای تو درتو و وسطش گنبد بسیار وسیع وعجیب - الشکل ومرتفعی بوده است.[4]

۹۶ - باغ خلیل:

۹۷ - باغ مستمند یا مستمن:

این‌دوباغ با باغ توحید خانه وبرج باغ مستمند در حدود شصت هزار ذرع وسعت داشته‌اند وتبدیل بخانه شده‌اند.[5]

۹۸- باغ محمد امین:

این باغ درطرف جنوبی باغ تخت بوده که محل آن امروز خیابان شیخ بهائی است وتبدیل بخانه شده است.[6]

۹۹ - باغ جنت:

این‌باغ در شمال‌رودخانه زاینده رود ومجاورمحلهٔ لنبان واقع‌بوده است.[7]

۱۰۰ - باغ فرح‌آباد:

این‌باغ‌که بعدها به‌کاخ فرح‌آباد معروف‌گردیده در دامنه‌کوه صفهٔ اصفهان

---

۱ - تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۷.
۲ - تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۵.
۳- زندگی شاه عباس اول ج۲ ص۴۰۷.
۴- جغرافیای اصفهان ص۲۵.
۶و۵- تاریخ اصفهان وری ص۳۵۵.
۷- نصف جهان درتعریف اصفهان ص۲۳.

بنا وبانی آن شاه سلطان حسین صفوی بوده است .

شاه سلطان حسین در ماه شعبان سال (۱۱۲۳ ه . ق) بباغ فرح آباد نزول و در دوم شهر رمضان همان سال مراجعت کرد و فرمان داد که در باغ مزبور بسرکاری ابراهیم آقا یوزباشی عمارت کنند واز جمعی از مقربان دربار نیزخواسته شد که درحوالی باغ عمارت کنند و ازآن جمله بعلامه مجتهدالزمان میرمحمد باقرمدرس مدرسه‌سلطانی نیز تکلیف عمارت گردید وآن عالم‌بزرگوار با عدم تمایل ناچار بخریدن زمینی و بنای عمارتی گردید و مقدار ده جریب شاه از آب نهر سعادت آباد باو ارزانی شد، درآن سال شاه باغ فرح آباد و بقیه زمین سعادت آباد را نیزوقف کرد .

بنای این‌باغ وعمارات داخل آن بسیار سست وبیشترآن ازخاك وخشت‌بود وازنظر هنری ارزشی نداشته وآنجا کاخ تابستانی شاه‌بوده است . طول این‌باغ‌یك فرسنگ وعرض آن تقریباً نیم فرسنگ بوده است ، از وقایع مهم این‌کاخ ورود محمود افغان درآن وتسلیم شاه سلطان حسین در یازدهم محرم (۱۱۳۵ ه . ق) میباشد . وازآن روز ببعد فرح آباد رو بویرانی گذارد و اکنون جز ویرانه هائی درجنوب جاده اصفهان بدستگرد چیز دیگری باقی نمانده است .(۱)

۱۰۱ - باغ هزارجریب :

پس‌ازعبور ازچهارباغ وپل زاینده رود وارد خیابانی میشودکه اطراف آن جوی شکل است وازآن خیابان وارد زمینی مربع شکل میگردد که معروف به باغ هزار جریب است ودارای عماراتی عالی وآبشار زیادبوده وظل‌السلطان مسعود میرزا پسر ناصرالدین‌شاه آنرا خراب کرد .(۲)

۱۰۲ - باغ وعمارات هفت دست خاقانی :

این‌باغ وعمارات راکه بهفت دست معروف است‌صدر اصفهانی برای‌فتحعلی-

---

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان بنقل ازجغرافیای اصفهان وذیل وقایع‌السنین ص۲۷۳ .

۲- الاصفهان ص۴۲ .

شاه ساخت ولی بتدریج مخروبه وازبین رفت.[1]

۱۰۳ - باغ بهشت برین :

این باغ نیزاز بناهای زمان فتحعلی شاه قاجار بوده که ویرانه شده‌است.[2]

۱۰۴ - باغ درب سنگ :

این باغ که در دوران صفویه ساخته شده دارای عماراتی نیز بوده که بتدریج ازبین رفته است.[3]

۱۰۵ - باغ وعمارت کرکس صفوی :[4]

۱۰۶ - باغ نارنجستان صفوی :

این باغ هم ظاهراً در نزدیکی باغ بادامستان و چهلستون بوده و بتدریج خراب و ویران وتبدیل بامکنه دیگری شده است.[5]

۱۰۷ - باغ و عمارت کاخ صفوی :

این باغ و عمارات آن نیزکه در اطراف عمارات دولتی بوده معدوم‌الاثر گردیده است.[6]

۱۰۸- باغچه وعمارت حمام صفوی:

این باغچه وعمارات وابسته آن نیز خراب ومعدوم‌الاثر گردیده است.[7]

۱۰۹ - باغ محمد علی صدری :

این باغ که از دوره قاجاریه است نیز معدوم‌الاثرگردیده است.[8]

۱۱۰ - باغ محمد علی‌خان :

۱۱۱ - باغچه نواب صفوی :

هردوباغ وباغچه وعمارت آنها ویران شده است.[9]

۱۱۲ - باغ وعمارت قادرخان صفوی

۱و۲- مجله ارمغان سال‌اول شماره ۹ و ۱۰ ص۵۹. ۳- آگهی شهان ازکارجهان ج ۳ ص۹۲. ۴- مجله ارمغان سال۱ شمارهٔ ۹ و ۱۰ ص۵۹. ۵و۶و۷و۸– مجله‌ارمغان سال۱ ، شمارهٔ۹و۱۰ ص۶۰. ۹– مجله ارمغان سال۱ شمارهٔ ۹ و ۱۰ ص ۶۱ .

۱۱۳ ـ باغ وعمارت صفی‌میرزای صفوی :

این باغ در بیرون دروازه در دشت واقع بوده و در اثر عدم توجه و بروز حوادث ویران‌گردیده است وجزنام اثری ندارد. (۱)

۱۱۴ ـ باغ وعمارت رضاقلی‌خان صفوی :

این باغ نیزکه در دوران صفویه احداث شده و دارای عمارت نیزبوده مانند سایر عمارات‌آن زمان ویران شده است(۲)

۱۱۵ـ باغ لب مادی صفوی :

این باغ هم که لب مادی واقع واز احداثات صفویه بوده خراب‌ومعدوم‌الاثر گردیده است. (۳)

۱۱۶ ـ باغ وعمارت ملك صفوی :

این باغ وعمارت نیزکه از دوران صفویه ودر اطراف چهارباغ بوده بتدریج ویران وبلااثر شده است. (۴)

۱۱۷ ـ باغ وعمارت چشمه صفوی :

این باغ و عمارت‌که احداث آن مربوط بدوران صفویه و در لنجان واقع بوده بتدریج از بین رفته است. (۵)

۱۱۸ ـ باغ وعمارت کومه صفوی درلنجان :

این باغ وعمارت‌آن درلنجان واقع وگویاشکارگاه شاه‌عباس بوده واشعاری‌در وصف‌این‌کومه نیزسروده‌اند وشرح آن‌چنین‌است‌که‌شاه‌عباس‌درلنجان‌جای‌مخصوصی برای صید و شکار پرندگان ساخته بود. درماه شعبان‌سال (۱۰۱۷هـ . ق)که بعزم‌شکار بآن‌ناحیه رفته‌بود بزمینی‌رسیدکه بسیار سبز وخرم و ازکنارآن نهرآبی‌میگذشت و پرندگان آبی وهوائی درآنجا بسیار دیده میشد، پس دستور دادکه درآن زمین عمارتی‌دوطبقه بااطاقها وایوان‌های‌زیبابناکردند وبرابرآن‌دریاچه‌ای‌بزرگ‌ساختند

---

۱ و۲ و۳ و۴ـ مجله ارمغان سال ۱ شماره ۹و۱۰ ص۶۱ ۵ـ آگهی شهان ازکارجهان ج ۳ ص۹۲

و کنار دریاچه کومه‌ای که‌دیوارهای کاشی داشت برای پرندگان آبی و پشت آن کومه علفزاری ترتیب‌دادند. درمیان‌دریاچه‌نیز جزیره کوچکی بصورت‌مربع‌مستطیل‌ساختند که با پلی بساحل مربوط میشد، وچون پل‌را برمیداشتند دیگر کسی به‌آن جزیره نمیتوانست رفت. اطراف دریاچه راهم بانواع گلهای سوسن وهمیشه بهار وشببو و قرنفل آراستند، وپشت آنرا تایك‌جریب یونجه‌کاشتند که همیشه سبز باشد. گرد آن یونجه‌زار نیز ازهرسو چنارها نشاندند، ودورچنارها خندقی‌عمیق کندند، تاجانوران وحشی بآن محوطه وعمارت داخل نتوانندشد. گرد خندق نیزنی کاشتند که چون سبز گردد خود دیواری دیگر شود.

ازآن‌پس همه‌سال شاه برای شکار پرندگان باین‌مکان میرفت و آنرا کومه سگ‌علی نام داده بود درآنجا همیشه انواع غذاها و مشروبها ولوازم زندگی‌ازفرش و خوابگاه و وسائل روشنائی فراهم‌بود وبهمین‌سبب نیزیکی‌از شاعران تاریخ‌اتمام بنای آن را درجمله:کومه پرنعمت سگ‌علی پیداکرد.که بحروف جمل‌مطابق‌عدد هزاروبیست وسه (۱۰۲۳) هجری میشود و ذوقی معروف‌به‌علیشاه‌اردستانی‌ازشعرای دربارشاه‌عباس ومردم اردستان درتاریخ شروع آن این‌قطعه را سروده است:

شاه عباس آنکه در هنگام صید	شیر گردون بستهٔ فتراك او است
صید گاهی ساخت در ملك عراق	صید گاهی کاسمان را آبرو است
صیدگاهی آنچنان تا ساخته	صید از شادی نمیگنجد بپوست
شاه آنجا چون کمین سازد بصید	همچوجان درقالب ومی‌درسبواست
گفت ذوقی از پی تاریخ آن :	« صیدگاه پادشاه صید دوست »
	۱۰۱۷

شاه‌دریکی‌از روزهای‌شکار دراین‌کومه ۱۰۴ کلنگ و ۱۸۰ اردك و کلاغ‌وهوبره و ۱۷۰ مرغابی‌گرفت.(۱)

۱۱۹ ـ باغچه ملای صفوی :

این باغچه‌که دارای عمارت و از بناهای زمان صفویه ودر اطراف چهارباغ

---

۱ ـ زندگی شاه‌عباس ج ۲ ص ۲۹۹ .

بوده خراب و ویران وبلااثر است.[1]

۱۲۰ ـ باغ وحش صفوی :

این باغ هم‌که درحدود چهارباغ اصفهـان بوده خراب و اثری ازآن بـاقی نیست .[2]

۱۲۱ ـ باغ و عمارت دریاچه :

این باغ درشمال رودخانه زاینده رود دراطراف پل جوئی و در مقـابل باغ سعادت‌آباد اصفهان واقع بوده است.[3]

۱۲۲ ـ باغ حسن‌پاشا :

این باغ درمحله خاجوی اصفهان واقع وازبناهای حسن‌پاشا دامادامیرتیمور بوده است.[4]

۱۲۳ ـ باغ حاجی :

این باغ درشمال زاینده‌رود اصفهان واقع بوده و هنگامیکـه همایـون شاه باصفهان نزول‌کرد درآن محل اقامت داشت وبرای او طبق دستور شاه‌عباس عمارات دولتی بناکردند وآنجارا باب‌همایون میخواندند تا زمانی‌که حاجی‌آقا محمدحاکم اصفهان از طرف کریم‌خان‌زند مأمور تعمیر خرابیهای اصفهان‌شد در این محل‌باغ بزرگی برای‌خود بنا نهاد ومحل موسوم به‌باغ حاجی‌شد ولی‌آن باغ بتدریج تبدیل بعمارات مختلف‌گردیده است.[5]

۱۲۴ ـ باغ عبدالعزیز:

این باغ در زمان علاءالدوله در داخل حصاری بوده که در اطراف اصفهان کشیده ومحله‌ایکه باغ درآن واقع بوده بنام باغ عبدالعزیز خوانده میشد. گویـا بانی باغ عبدالعزیز نامی بوده‌که پیش‌ازعلاءِالدوله میزیسته است.[6]

۱و۲ ـ مجله ارمغان سال۱ شماره ۹ و۱۰ ص ۶۲   ۳ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۷۵ .   ۴ ـ زنده‌رود ج ۱ ص۳۲ .   ۵ ـ جغرافیای اصفهان ص۳۲ .
۶ ـ محاسن اصفهان ص۸۱.

۱۲۵ - باغ نگارستان :

این باغ درچهارباغ فتح‌آباد اصفهان واقع بوده است.[۱]

۱۲۶ - باغ معیر :

این باغ نیزدرکنار نهر نیاصرم اصفهان واقع واز باغهای اربابی‌بوده است.[۲]

۱۲۷ - باغ فراخان :

این باغ نیز درکنارنهر نیاصرم اصفهان واقع واز باغهای اربابی بوده‌است[۳]

۱۲۸ - باغ وعمارت قرچه‌خان صفوی :

این باغ وعمارت مربوط بزمان صفویه است‌که معدوم‌الاثر گردیده است[۴]

۱۲۹ - باغ عدن :

این باغ جزء حرمسرای ملکشاه سلجوقی دراصفهان و از احداثات خود او بوده است.[۵]

۱۳۰ تا ۱۴۲ـ باغهای: فرنگ‌ـ ارم ـ خالقی ـ پل کله‌ـ پهلوان‌لنجان‌ـ صفی‌آباد ـ قورچیها ـ مستوفی ـ مردارکش ـ مودون‌ـ احمدافغان‌ـ درب قلعه ـ انارستان [۶] **ـ سقاخانه** از باغهای دوره صفویه‌است‌که معدوم شده‌اند.[۷]

علاوه برباغهائی‌که ذکر شد بطوریکه نوشته‌اند درحدود چهارصدباغ مهم‌در اصفهان تا پیش‌ازقرن چهاردهم هجری وجود داشته‌که از بدو اسلام تا زمان‌حاضر ازبین رفته وفقط معدودی که در مبحث خود توصیف خواهد شد باقی مانده است گذشته از باغهای مهم چهارباغهائی‌هم‌که ذیلا نگاشته میشود درشهراصفهان وجود داشته‌که اکنون فقط نام‌آنها باقی است:

۱ - چهارباغ سلجوقی :

این چهارباغ درشمال شرقی شهراصفهان واقع ومتصل‌بمحله طوقچی‌که‌آنرا

۱و۲و۳ـ نصف جهان درتعریف اصفهان ص۵۶ ۴ـ مجله ارمغان سال۱شماره۹و۱۰ص۶۰

۵ـ آشیانه عقاب دوره دوم ج۵ ص۷ ۶ـ تاریخچه محله خواجو ص ۲۱ .

۷ـ آگهی شهان ازکار جهان ج۳ ص ۹۱ـ۹۲

محله دریه میگفته‌اند بوده است و ظاهراً محله جروائان یاگروائان همانجائی‌است که به چهارباغان معروف است. [۱]

۲ ـ چهارباغ قهوه‌ای :

این چهارباغ هم مربوط بدوران پیش‌ازصفویه است. [۲]

۳ ـ چهارباغ ملکشاهی :

این چهار باغ مرکب از باغهای : کاران ـ طرازآباد و خاجوی‌کنونی بوده است. [۳]

۴ ـ چهارباغ اصفهان :

این‌چهارباغ مرکب ازباغهای: فلاسان‌ـ بکر[۴]ـ سلم‌ـ عبدالله‌ـ عیسی‌بن‌ایوب بوده است.

و ـ عماراتی‌که بعد از اسلام احداث و جز نام اثری ازآن نمانده است:

۱ ـ عمارت جمال‌الدین :

این عمارت را جمال‌الدین محمدبن شجاع‌الدین لنبانی اصفهانی در مسقط‌الرأس خود لنبان بناکرد و بنام جمال‌الدین مشهور شد و اکنون اثری از آن باقی نیست[۵]سعید هروی در وصف‌آن سروده :

غیرت باغ خورنق رشك بستان ارم   صورت‌ارژنگ‌مانی‌نسخهٔ صحن‌جنان

۲ ـ نقاره‌خانه:

این عمارت در دوطرف جلوخان سردر قیصریه‌اصفهان واقع بوده و درزمان صفویه عده‌ای نقاره‌چی باطبل‌ودهل و بوق وکرنا درآن جا داشته وطلوع‌آفتاب و غروب‌آن را با نواختن موسیقی ایرانی اعلام میداشته‌اند. این عمارت‌تااواخردوره قاجاریه وجود داشته است. [۶]

۱ـ مرآت‌البلدان ج ۴ درکلمه چهار باغ .   ۲و۳ـ تاریخچه محله خواجو ص۲۲
۴ـ محاسن اصفهان ص۵۴ـ۵۶.   ۵ـ ترجمه محاسن اصفهان ص۷۵ .   ۶ـگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۴۶۵.

۳ ـ عمارت خلوت رکیب‌خانه صفوی :

این عمارت در وسعت حیاط متوسط و در نیکوئی عالی، اطاقهای فوقانی و تحتانی آن زیبا و تمام منقش ومطلا بوده است.[۱]

۴ ـ عمارت صدری :

این عمارت دیوانخانه وبی‌اندازه وسیع ومیان عمارات دولتی کمتر عمارتی باین‌وسعت و جامعیت بود چه دارای حمام و خلوتها و نارنجستانهای بزرگ بود و آنرا صدراعظم اصفهانی بعنوان تقدیمی برای قدوم فتحعلی‌شاه قاجار ساخته بود، اعیانی آن از چهارسمت تحتانی وفوقانی دورآن حیاط اطاقهای ملوکانه‌که هرکدام یکدست عمارت شمرده میشد و تالار بزرگ وبلندکه درضلع شرقی واقع بودداشت و بعداز چهلستون و عالی‌قاپو وقصر آینه عمارتی باین‌خوبی نبود، سردرب زیرتالار غیرقابل‌وصف وبی‌نظیر وتالار دو رو داشت یکی بحیاط بزرگ ودیگری بنارنجستان حیاط نارنجستان نیز مشتمل برچندین‌عمارت بودکه درهریك حمامی هم ساخته شده بود و اندرونی فتحعلی‌شاه بشمار میرفت[۲] واین عمارت درسال ۱۳۱۷هجری بکلی ازمیان برداشته شد.[۳]

۵ ـ طالار طویله:

این عمارت درجنب کاخ عالی‌قاپوی اصفهان واقع و از بناهای صفویه وبسیار شگرف بود. درسال۱۳۱۷هجری مانند سایر قصور وعمارات سلاطین صفویه ویران گردید.[۴] و دبیرستان‌کنونی سعدی درقسمتی‌ازجای آن قرار دارد.

۶ ـ عمارت اشرف:

این عمارت‌که بسیار مفصل و ازجمله‌آن تالار اشرف بوده است‌که منقش و مذهب بود و قسمتی از آن تجدید عمارت‌گردیده و فعلاً محل اداره آموزش وپرورش اصفهان است[۵] ولی بقیه‌آن ازبین رفت .

۱ـ جغرافیای اصفهان ص۲۲ . ۲ـ جغرافیای اصفهان ص۲۴. ۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۵۰ . ۴و۵ـ آگهی شهان ازکار جهان ج ۳ ص۱۱۳

۷ ـ عمارت بزرگ صفوی معروف به صدری :

این عمارت نیز درسال یکهزاروسیصدونوزده هجری خراب‌گردیده است.[۱]

۸ ـ حمام خواجه‌های صفویه:

ساختمان این حمام بسیار شگرف بود و در سال ۱۲۹۹ هجری خراب گردید.[۲]

۹ ـ حمام چهارباغ اصفهان :

این حمام نیزکه از زمان صفویه و در خیابان چهار باغ عباسی واقع بود در ۱۳۱۱ هجری خراب‌گردید.[۳]

۱۰ ـ عمارات ملکشاهی:

قصور و خانه‌هائی بوده‌که دارای‌حمام واصطبل وصدها میدان وباغ وبوستان وهرکدام ازآنها مسکن امیری بزرگ وسپهسالاری عالی‌مقام باخیل وحشم ودواب و اسباب بوده و دوهزار ازآن قصوروخانه‌ها ازآن ارکان دولت ومحتشمان‌و وزرای سترك و پیشوایان و زعماء بوده‌که درهریك حجرات معمور و تالارهای فاخر بوده است.[۴]

۱۱ ـ حمام امین‌الدوله:

این حمام درکنارچهارباغ اصفهان واقع و تا سال ۱۲۹۵ هجری دائر و از حمامهای دوره صفویه درجه دوم بوده است.[۵]

۱۲ ـ حمام حاتم‌بیك:

این حمام در خیابان شاه‌عباس اصفهان و درسه راه ملك واقع بوده‌است.[۶]

۱۳ ـ حمام قاراخان :

این حمام‌که مربوط بزمان صفویه و در اول چهارباغ نزدیك‌کوچه‌امامزاده

۱ـ آگهی شهان ازکار جهان ج۳ ص۱۱۴
۲- آگهی شهان ازکار جهان ج۳ ص۷۷
۳- آگهی شهان ازکار جهان ج ۳ ص۹۰
۴ـ محاسن اصفهان ص ۸۳.
۵و۶ـ تاریخچه محله خواجو ص۷۱

باقر واقع بوده درسال ۱۳۳۶هجری بدست متولی آن خراب گردیده است. [۱]

۱۴ - حمام سرچهارراه :

این حمام درمحله تلواسکان اصفهان قرار داشته ومربوط بزمان صفویه بوده است. [۲]

۱۵ - حمام محمد صالح :

این حمام نیز درمحله تلواسکان اصفهان واقع بوده است. [۳]

۱۶ - حمام سارو تقی : درمحله عباس آباد. [۴]

۱۷ - حمام درقهوه :

این دوحمام نیز درمحله تلواسکان اصفهان واقع و مربوط بزمان صفویه بوده است. [۵]

۱۸ - حمام آقانیمور :

این حمام نزدیك باغ مراد واقع و مربوط بزمان صفویه بوده است. [۶]

۱۹ - حمام چادردوز:

این حمام مربوط بزمان صفویه ودرکوچه‌گاریچیان نزدیك چهارسو نقاشی که اکنون خیابان شاه‌عباس میباشد واقع بوده است. [۷]

۲۰ - حمام درویشان :

این‌حمام نیز درنزدیکی‌تکیه بکتاش درمحله خاجوی اصفهان واقع‌ومربوط بدوره صفویه بوده است. [۸]

۲۱ - حمامهای روغنی :

این دوباب حمام‌که یکی‌کوچك و دیگری بزرگ در محله خاجوی اصفهان واقع واز احداثات دوره صفویه بوده‌است. [۹]

۱و۲و۳و۵و۶و۷و۸و۹- تاریخچه محله خواجو ص۷۱

۴- تاریخچه محله خواجو ص۶۷

۲۲ ـ کاروانسراهای بی‌نقابان :

هفت‌کاروانسرا بودکه در زمان شاه‌عباس بزرگ برای‌زنان روسبی تعیین‌شده بودکه درآنها سکونت‌کنند و این کاروانسراها اختصاص بزنان روسبی داشته که مالیات دیوانی میپرداخته‌اند ومحل‌آن در اصفهان در محله‌ای بنام محله بی‌نقابان و پشت باغ شرکت هندوهلند قرار داشته است. (۱)

۲۳ ـ تکیه دولت صفوی :

این عمارت‌ازبناهای صفویه وفضای‌آن متوسط و وسعتش‌کمترازسایرعمارات عالی و دارای تالار و ایوانها وبالاخانه‌ها و طاقنماهای بسیارخوب ومرغوب‌وحوضی بسیاربزرگ واقع درجلو تالار و سایرملزومات عمارات دولتی درآن جمع‌بوده واز قدیم‌درآنجا تعزیه خامس‌آل‌عبا علیه‌السلام‌برپا میشده‌است وپس‌از بنای‌تکیه‌جدید در زمان حکومت ظل‌السلطان‌آن تکیه متروك و روبویرانی‌گذارده است. (۲)

۲۴ ـ عمارت دارالنظاره آشپزخانه وشربتخانه :

این عمارت‌که برای نظارت در امورآشپزخانه و شربت‌خانه ساخته شده بود مشتمل بر انبار وخلوتهای تودرتوی نشیمنگاه و باغ بزرگ عقب‌آن بسیار مرغوب بوده (۳)که از بین رفته است.

۲۵ ـ میدان چهارحوض صفوی :

این میدان درمقابل عمارت تیموری (باشگاه فعلی افسران) قرار داشته و از طریق بازار مسگران بمیدان شاه مربوط میگردیده است، سابق براین‌چهارحوض درچهارجای‌آن واقع ومحل سکونت یك‌فوج سربازبوده‌است میدان مزبوربمنزله جلوخان عمارات دولتی و دارای سردری مرتفع وعالی مشتمل برجاهای خوب و نیکو بوده ولی بتدریج ازبین رفته وصورت دیگری بخودگرفته است. (۴)

۱ــ زندگانی شاه‌عباس بزرگ ج ۳ ص۵۶ ۲ــ جغرافیای اصفهان ص۲۲
۳ــ جغرافیای اصفهان ص۲۳ ۴ــگنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان بنقل ازجغرافیای اصفهان ص ۸۳۱

۲۶- عمارت چهارسو نقاشی :

این عمارت در راسته بزرگ میان محله خاجو و محله حسن آباد در وسط بازارچه چهارسو نزدیک چهار باغ صدری اصفهان واقع و دارای کمال زینت و آراستگی، اطراف و نماهای آن بصورت سلاطین و بعضی از پهلوانان مصور بوده است، در زمان ظل السلطان نقاشیهای آن چهارسو را تغییر و نام بازارچه را به رکن آباد تغییر دادند زیرا رکن الملك نایب الحکومه اصفهان متصدی این تعمیر بوده است.[۱]

چهارسو نقاشی همان چهارسوی اسفندیار بیك است که در اثر مرور زمان و داشتن نقاشیهای گوناگون بدیع به چهارسو نقاشی معروف و اخیراً در مسیر خیابان شاه عباس واقع و خراب گردیده است.[۲]

۲۷ - تکیه بکتاش :

این تکیه در اصفهان در چهارباغ کهنه واقع و قریب هشتاد جریب باغ و اراضی اطراف آن برای دستگیری و اعانت فقرای دراویش و تعمیرات بقعه وقف شده بوده و با وجود فرمانهای متعدد از سلاطین صفویه چون شاه سلطان حسین و شاه طهماسب وسلاطین قاجاریه چون فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه املاك آنرا از بین برده و حتی بقعه را نیز تبدیل بمغازه کرده اند.

دراویش بکتاشیه منسوبند به حاج بکتاش ولی که درقرن نهم میزیسته ودر ۸۶۰ هجری در روم ساکن بوده و پس از وفات درقریه بکتاش ولی میان قونیه و قیصریه مدفون گردیده است.[۳]

۲۸ - عمارت کتابخانه صفوی :

این ساختمان پشت عمارت نمکدان صفوی دراصفهان واقع بوده که شاردن[۴] کتابهای آن کتابخانه را درحدود پانزده هزار جلد گفته و عمارت مزبور را ضمن توصیف طالار طویله چنین بیان کرده: در دوسمت این طالار اطاقهای بزرگ است، در یکی

۱- نصف جهان در تعریف اصفهان ص۵۲ ۲- تاریخچه محله خواجو ص۱۵

۳- تاریخچه محله خواجو ص۲۸ ۴- مرآت البلدان ج۴ بنقل از سفرنامه شاردن

از این اطاقها کتابخانه پادشاه است و میرزا مقیم کتابدار است، میرزامقیم در ۱۸۵۰ مسیحی مطابق ۱۰۶۸ هجری بسفارت هندوستان مأمور شده بود درکتابخانه تقریباً پانزده هزار جلد کتاب بنظرم آمد و اغلب بزبان ترکی و عربی بود و فارسی کمتر داشت از میرزامقیم پرسیدم بزبان فرنگی کتابی درکتابخانه پادشاهی هست یا نه دوصندوق بمن نشان‌داد، درهر صندوقی شصت‌هفتاد جلد کتاب بود یکی ازاین صندوقها کتبی بودکه ازکلیسای هرمز بغارت آورده بودند واین کتابها غالباً بزبان فرانسه یا آلمانی بود واطاقی دیگر محاذی کتابخانه رختدارخانه است که هیچکس را درآن راه نمیدهند.

۲۹ ـ طویله خورشید :

این عمارت نیز جزء طالارطویله بوده است.

۳۰ ـ عمارت اصطبل کالسکه :

این ساختمان نیز در داخل طالار طویله بوده‌است.

۳۱و۳۲ ـ عمارت فردوس وعمارت میهمانخانه :

این‌دوساختمان‌درحرمخانه‌صفویه دراصفهان‌واقع بوده وزنانی‌که‌ازحرمسرای سلطنتی بشوهر میرفته‌اند درموقع ورود مجدد بحرمسرا در آن عمارت اقامت میکرده‌اند. [۱]

۳۳ ـ عمارت گمرك صفوی :

این عمارت محل فیصله امورگمرکی اصفهان بوده و دراین تاریخ محل آن بانك‌گردیده است. [۲]

۳۴ ـ سقاخانه عزیزالله : [۳]

این سقاخانه در وسط چهارسوی بازار مقابل دربزرگ ورودی مسجد جمعه اصفهان واقع و دارای سنگابی بوده وآن سنگاب پس از ویرانی سقاخانه در نیمه

۱ـ سفرنامه شاردن ۲- آگهی شهان از کار جهان ج۳ ص۹۱ و۹۲
۳ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۱۴۶.

نخست قرن چهاردهم درگوشه‌ای ازمسجد عمر نگهداری شده است کتیبه سنگاب حاکی‌از آن‌است که سنگاب مزبور بوسیله عزیزالله نامی در زمان شاه‌سلیمان‌صفوی در آن محل نصب گردیده‌است.

کتیبه سنگاب بخط نستعلیق برجسته چنین میباشد:

«نظام داد عزیز این بنای عالی را بعهد خسرو اقلیم دین سلیمان‌شاه»

«سقی‌الله‌ثراه وجعل‌الجنة مأویه»

«زبهرخیر تراشید سنگ‌آب زلال که‌بریزیدتوان‌کرد لعن‌خاطرخواه»

«رقم زد از پی تاریخ خامهٔ مسعود: «سبیل باد سقاخانه عزیزالله»

درگنجینه‌آثار تاریخی اصفهان سال تاریخ مطابق شعرمزبور یکهزاروهشتاد وهفت (۱۰۸۷) تشخیص داده شده ولی این تشخیص بنظر نگارنده درست نیست و سال تاریخ برطبق حروف تهجی‌که در کتابت‌آمده یکهزار و هشتاد وشش (۱۰۸۶) میباشد، زیرا ملاك حروف مکتوبه است نه ملفوظه.

۳۵ ـ گنبد دروازه طوقچی:

این گنبدکه بوسیله سلاطین دیالمه بر دروازه طوقچی اصفهان ساخته شده بود در سال۱۳۴۲هجری بوسیله شهرداری اصفهان بمنظور ایجاد خیابان‌های‌حافظ و هاتف خراب گردید.(۱)

۳۶ ـ گنبد مهرارت:

این گنبدکه درحوالی شهراصفهان واقع و در زمان ملکشاه سلجوقی عمارتی باشکوه وچنان جالب بوده‌که اگر از بالای‌آن چشم میانداختند منظره جالبی را تماشا میکردند بخصوص باغهائی‌که ملصق بآن بودآن عمارت را بسیار زیبا جلوه میداد وناظررا در دیدن‌آن خیره‌میکرد وآواز پرندگان وصفیر مرغان‌گوش‌رالذت نیوش می‌بخشید ولی مرورزمان چنان آن بنیان را برافکندکه نشانی از آن باقی نیست.(۲)

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص۴۰۰.   ۲ـ محاسن اصفهان ص۵۳.

۲۷و۳۸ ـ کوذکرت و نفاذه :

این دوعمارت نیز در اطراف شهر اصفهان واز ساختمانهای باشکوه و جالب و دارای بستانهای پراز درخت و ریاحین وگلهای گوناگون بوده‌است واکنون‌نشانی جز نام ندارند. (۱)

۳۹ ـ عمارت خسروخانی صفوی :

۴۰ ـ کاروانسرای صفوی:

۴۱ ـ خلوت سرپوشیده صفوی:

۴۲ ـ خلوت آبدارخانه صفوی :

۴۳ ـ عمارت گلشن صفوی:

این پنج عمارت نیز از ساختمانهای دوره صفویه بوده‌که بمرورزمان ازبین رفته است. (۲)

۴۴ ـ عمارت پست خانه :

این عمارت نیز که از دوره صفویه بوده تبدیل ببانك شده است. (۳)

۴۵ ـ عمارت بیمارستان درویشان :

این بیمارستان درمحله حسن‌آباد خاجوی اصفهان درنزدیکی‌مسجدومدرسه وحمام درویشان از احداثات اوزون‌حسن واقع و در زمان سیاحت شاردن‌فرانسوی (۱۰۶۷ه.ق) دائر بوده ولی اکنون نشانه‌ای ازآن نیست. (۴)

۴۶ ـ عمارت بیگلر بیگی :

این ساختمان را صدر اصفهانی روی پل خاجوی اصفهان بنا کرد و در سال ۱۳۱۰هجری‌آنرا خراب‌کردند. (۵)

۴۷ ـ قلعه شهر:

قلعه‌ای بوده‌که در زمان ملکشاه سلجوقی در شهر اصفهان ساخته شده است

۱ـ محاسن اصفهان ص۵۳   ۲و۳ـ تاریخ اصفهان و ری و آگهی شهان ازکارجهان ج۳ ص۹۱ـ۹۲.   ۴ـ تاریخچه‌محله خواجو ص۱۳   ۵ـ تاریخچه محله‌خواجو ص۱۹

و اکنون اثری از آن باقی نیست.[1]

۴۸ - نقاره‌خانه شهرستان :

این نقاره‌خانه که درشهرستان (جی‌قدیم) اصفهان واقع بوده بمرورزمان‌ازبین رفته است.[2]

۴۹ - قلعه شهرستان :

این قلعه نیز درشهرستان (جی‌قدیم) اصفهان واقع‌بوده‌که بمرورزمان‌تبدیل به تل خاکی شده است.[4]

۵۰ - حمام شیخ‌ابومسعود رازی :

این حمام در محله درشیخ‌اصفهان در مجاورت مسجد و بقعه شیخ ابومسعود رازی متوفی (۲۵۸ه.ق) واقع بوده و درقرن سیزدهم بفتوای یکی‌از علمـای زمان ظاهراً سیدصدرالدین عاملی ویران شده‌است.[5]

۵۱ - خانه برّ :

خانه‌هائی بوده در دوره صفویه در شهراصفهان‌که عدد‌آن چهل واز واردان در مدت سه روز پذیرائی میشده است.[6]

۵۲ - دارالشفاء :

بیمارستانی بوده دراصفهان‌که درنزدیکی قیصریه واقع میشده است[7] وبازار متصل بآن هم معروف ببازار دارالشفاء میباشد کـه بازار رنگرزها بوسیله بـازار ترکش‌دوزها بآن منتهی میشود[8]

۵۳ - عمارت رختدارخانه:

محلی بوده درعمارات دیوانی اصفهان‌که درآنجا در زمان صفویه خلعتهائی

۱- اصفهان جوانان ص۸۸ ۲و۳و۴ - تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۹۳.
۵ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۵۴ . ۶- الاصفهان ص۷۵ . ۷- تذکره نصرآبادی ص۲۳۸ . ۸- بخشی ازگنجینه آثار ملی ص۲۹ .

که بمردم میداده‌اند نگهداری میشده است.[1]

۵۴ ـ عمارت رختدارخانه‌خاصه :

جائی‌بوده درعمارات دیوانی‌صفویه‌که درآن‌لباسهای خصوصی‌سلاطین‌صفویه در اصفهان نگهداری میگردیده است.[2]

۵۵ ـ بیمارستان ورنوسفادران :

این بیمارستان در ورنوسفادران از دهات سده اصفهان بوده‌که ساکنان محل آنرا بن‌اصفهان میخوانند، بیمارستان مزبور در زمان صفویه درقرن یازدهم دائر بوده ولی دراین تاریخ اثری ازآن نیست.[3]

۵۶ ـ تکیه درویش محمد صالح :

درویش‌محمدصالح چندی درمسجدلنبان اصفهان تکیه‌ای داشت وسپس‌بامر شاه‌عباس ثانی برای او تکیه‌ای درکنار نهر طاق‌نما بنا کردند و درویش مزبور در آن تکیه اقامت داشت تا پس‌از اندك مدتی فوت ودرهمان تکیه مدفون شد، زمین تکیه را برحسب امر شاه‌عباس ثانی جبراً از رئیس اویس لنبانی خریدند و تکیه با صفائی ساختند . این تکیه‌که در قرن یازدهم دائر بوده اکنون اثری از آن نیست .[4]

۵۷ ـ تکیه درویش‌صادق:

این تکیه را مرتضی‌قلیخان حاکم بندرعباس هنگامیکه دراصفهان‌بود برای درویش‌صادق که مرد درویش و بیچاره‌ای‌بود در مزار بابارکن‌الدین اصفهان‌بساخت

۱و۲ـ گنج‌دانش ص۲۵. ۳ـ تذکره نصرآبادی ص۳۲۳.

۴ـ درویش محمدصالح که مردی وارسته و درویش بوده طبع شعرهم داشته‌واشعاری میسروده است. از اشعار او است:

مطرب جان مینوازد سازها	میرسد در گوش جان آوازها
بانگ طبل باز آن شه شد بلند	میطپد دل در سر شهباز ها
بسکه ناز نازنینان میکشم	میکنم بر نازنینان ناز ها

(تذکره نصرآبادی ص۲۱۰).

و در آنجا زندگی میکرد، شعر کمتر از او شنیده میشد مگر این شعر:

دل خانه خداست مکن وقف چون مزار	این خانه را بصاحب این خانه واگذار[1]

۵۸ ـ تکیه باباحیدر:

این تکیه را شاه‌عباس کبیر برای باباسلطان قلندر متخلص به‌لوائی از درویشان وقلندران وارسته در خیابان چهارباغ اصفهان بنا نمود ومقرری نیز برای او تعیین کرد که بموجب آن اعاشه میکرد.

وی درحدود سال ۱۰۷۰ هجری وفات کرد و بابائی تکیه مزبور به باباحیدر انتقال یافت، باباحیدر نیز بفاصله اندکی فوت و بابائی آن تکیه به پسرش باباصفی محول شد آنهم درسن جوانی بدرود حیات گفت وبرادرش بابارضی که درویشی وارسته بود عهده‌دار گردید.[2]

۵۹ ـ تکیه فیض:[3]

تکیه‌ای بوده که در سال یکهزاروشصت وهشت هجری بامر شاه‌عباس دوم در اصفهان بنا شده و میرزا مؤمن نصرآبادی ماده تاریخ آن بنا را چنین گفته:

چون ساخت شهنشاه جهان تکیه فیض	شد اهل صلاح را مکان تکیه فیض
مؤمن تاریخ سال اتمامش گفت :	«خالی است زنا مقیدان تکیه‌فیض» ۱۰۶۸

تکیه فیض دیگری نیز دراصفهان وجود داردکه علیمرادخان زند برای فیضعلی‌شاه اول ساخته است، وتا۱۱۹۴هجری که وفات یافت درآن تکیه مقیم وپس از وفات نیز درآنجا مدفون گردید.[4]

۱ـ تذکره نصرآبادی ص۲۱۱.

۲ـ باباسلطان‌قلندرعلاوه بردرویشی وقلندری مردی شاعر بود وگاهی بسرودن شعر مشغول میگردید از اشعار اواست:

قطعه

لوائی نیست شاد از وصل امروز	چو هجران خواهدش افسرد فردا
چه باشد حال بیماری که امروز	یقین داند که خواهد مرد فردا

تذکره نصرآبادی ص ۲۸۴.

۳ـ تذکره نصرآبادی ص ۴۸۶ .

۴ـ تذکرة‌القبور و یا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص۴۶۱ .

۶۰ - بقعه محمدبیك :

این بقعه درمزار بابارکن‌الدین اصفهان در قرن یازدهم دائر بوده است و ملاعلی حبش[1] که از احفادبلال مؤذن حضرت رسول صلی‌الله علیه‌وآله بوده پس‌از وفات (۱۰۷۰ه. ق) درآن بقعه مدفون‌گردیده است.

۶۱ - قهوه‌خانه جنب دارالشفاء :

در دوره صفویه قهوه‌خانه مرکز فضلاء وشعراء و بزرگان بوده وبهمین‌جهت شاه‌عباس‌کبیر بسیار اتفاق افتاده‌که بقهوه‌خانه‌ها نزول‌کرده واغلب قهوه‌خانه‌ها بامر سلاطین بنا میشده‌است.

این قهوه‌خانه درنزدیکی‌دارالشفای‌قیصریه‌یعنی‌بیمارستانی‌که دربازارقیصریه بوده واقع میشده است و در آنجا شعراء و ادباء و موزونان و عرفاء و دوستداران آنان مجتمع میشده‌اند و ببحث و گفتگو و مشاعره و مناظره میپرداخته‌اند.[2]

۶۲ـ قهوه‌خانه شمس تیشی :[3]

این قهوه‌خانه را شاه‌عباس‌کبیر دستور داده بودکه در خیابان چهارباغ برای شمس‌تیشی‌که از اواسط الناس و مردم شیراز بود و درعلم موسیقی وآواز وارد بود بسازند و درکنارآن شرابخانه هم دائرکردندکه هرکس در میخانه او شراب‌بنوشد مهری درکف دست‌او بزنند تا ملا زمان‌داروغه متعرضش نشوند، ازاین قهوه‌خانه‌هم اکنون اثری نیست.[4]

۱- ملاعلی حبش مردی فاضل وکریم الطبع و شاعربود،در اوان جوانی درمشهدمقدس‌بتحصیل مشغول بود و در اواخر عمر بقضای مازندران اشتغال داشت ولی بیشتر اوقات را با شعراء و موزونان صرف میکرد، دربدو امردانش و درآخر جاوید تخلص میکرد. از اشعار او است:

مجنون که‌خویشرابجهان‌دوشناس کرد پنداشت عاشقی نتوان در لباس کرد

تذکره نصرآبادی ص۳۷۴.

۲- تذکره نصرآبادی ص۳۲۶. ۳و۴ـ شمس‌را ازآن جهت تیشی میگفتندکه درلباسش شپش بسیار بود و درشیراز به شپش تیش میگویند . شمس علاوه براینکه درموسیقی وعمل آن‌وارد بود وبهمین‌جهت هم مورد توجه شاه عباس واقع شده‌بود تصنیف میساخت وشعر هم میگفت : از تصنیفانش :

←

۶۳ - قهوه‌خانه بابافراش :

این قهوه‌خانه در اطراف میدان نقش‌جهان اصفهان واقع ودر آن انواع بازیها و سرگرمیها موجود بوده و پسربچه‌های خوب رو برقص میپرداخته‌اند و ظاهراً اینگونه قهوه‌خانه‌ها با همراهی شاه‌عباس اول دائر میشده است و بیشتر اهل دل و صورت‌پسندان وشعراء میعادگاه آنان قهوه‌خانه‌بوده‌است.[1] اکنون از این قهوه‌خانه اثری نیست.

۶۴ - قهوه‌خانه حاجی یوسف قهوه‌چی :

قهوه‌خانه بزرگی بوده در اطراف میدان نقش‌جهان اصفهان و دارای طاقنماها و شاه‌نشینهاکه با قالی وفرشهای دیگرمفروش‌میشده ونشیمن مشتریان‌وتماشاگران بود وهمه درآنجا برزمین می‌نشستند. شبها چراغهای فراوان برسقف میآویختند و درمیان قهوه‌خانه هم حوض بزرگی‌بودکه همیشه آب پاك وروشن ازاطراف آن میریخت، و درشب از انعکاس نورچراغهاچون‌آسمانی‌پرستاره بنظر میرسید صاحب قهوه‌خانه حاجی یوسف قهوه‌چی بود، ازاین قهوه‌خانه هم اکنون اثری نیست.[2]

۶۵ - قهوه‌خانه طوفان :

این قهوه‌خانه هم دراطراف میدان نقش‌جهان اصفهان واقع وبکمك‌شاه‌عباس اول دائر شده بود و بسبب وجودجوان خوب‌روئی بنام (طوفان) که درآنجا خدمت میکرد شهرت یافته بود. شاه‌عباس نیز گاه‌بگاه بآنجا میرفت. ازجمله شاعرانی‌که باین قهوه‌خانه دلبستگی داشته‌اند یکی‌رشیدای‌زرگر تبریزی ودیگری‌مظفرحسین کاشی‌لنگ شاعروطبیب خوشنویس بوده است. شاعر اخیر(مظفرحسین) این‌رباعی

← ای خال و خط و زلف توآرایش دیده — ای دیده بسی دیـده و مثل تو ندیده

ازاشعار اواست : — رباعی:

ای شیخ توخبث جام احباب مزن — خود را بدم گرم می‌ناب مزن

زاهد تو بافسردگی خویش بساز — چون بار تو کاغذ است برآب مزن

(تذکره نصرآبادی ص۱۲۷ - ۱۴۸)

۱ـ زندگی شاه عباس اول ج۲ ص۳۶ .

۲ـ زندگانی شاه‌عباس اول ج۲ ص۳۵.

را برای طوفان قهوه‌چی سروده و در آن به لنگی خود اشاره‌کرده است :

درقهوه طوفان‌که سر خوبان است　　　سه عاشق پا شکسته سرگردان‌است
آن رفت مظفر که سمندر بودی　　　مرغابی شو که کار با طوفان‌است

وچون بمنظور پاکش توجه نمیکرد و با رقیبان شاعر محبت میکرد از او رنجیده و رباعی دیگری گفت :

بد باطن و چاپلوس میباید گشت　　　خواهان کنار و بوس میباید گشت
حیف‌است چو پروانه‌بگردت‌گشتن　　　برگردتوچون خروس‌میبایدگشت (۱)

۶۶ ـ قهوه‌خانه عرب :

این قهوه‌خانه هم دراطراف میدان نقش‌جهان اصفهان واقع و در آن‌مردمان مختلف جمع و معمولاً پسربچه‌هائی برقص‌میپرداختند وانواع سرگرمیها وبازیها دائر بود. (۲) این قهوه‌خانه‌هم درقرن‌یازدهم دائربوده و در تذکره نصرآبادی آمده که روزی شاه‌عباس اول وارد این قهوه‌خانه شد و ملا شکوهی همدانی خوشنویس نستعلیق باتفاق میرآگهی درقهوه‌خانه بودند ، از ملاشکوهی پرسیدکه‌توچکاره‌ای؟ جواب داد شاعرم، شعر از اوخواست این‌شعررا خواند :

ما بی‌دلان بباغ‌جهان همچو برك‌گل　　　پهلوی یکدگرهمه‌درخون‌نشسته‌ایم

شاه تحسین‌کرده وگفت : عاشق‌را به‌برگ‌گل تشبیه‌کردن اندکی ناملایم‌است این شعرنیز از اوست:

چشم بددورکه در گشت گلستان وصال　　　دست‌بردوش‌هم‌انداخته‌چون‌برك‌گلیم (۳)

ز ـ مناره‌هائی‌که بعد ازاسلام احداث واکنون جز نام‌نشانی ندارند:

۱و۲ ـ دومناره دشتی :

این دو مناره در دوطرف‌گنبد مغولی مسجدجامع دشتی در حدود دوازده کیلومتری جنوب زاینده‌رود واقع بوده وچون مسجد نیز روبویرانی است مناره‌ها بکلی از میان رفته است. (۴)

۱و۲ـ زندگی شاه‌عباس اول ج۲ ص۳۶.　　　۳ـ تذکره نصرآبادی ص۲۳۹.
۴ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۲۰۱

۳ ـ مناره شهرستان :

این مناره در مجاورت بقعهٔ‌الراشدبالله وپل قدیمی شهرستان در اصفهان‌واقع و از بناهای دوره سلاجقه بوده‌که درعداد منارههای زیبا وجالب اصفهـان بشمـار میرفته. طبق‌اوصافی‌که باستان‌شناسان از آن‌کرده‌اند دارای دوپلکان بوده‌که‌از یکی بالا میرفته‌اند واز دیگری فرود میآمده‌اند وازلحاظ معماری نیزدارای‌تزیینات و نقوش عالی چون مناره مسجدعلی و ساربان بوده وسیاحان بخصوص سیاحان قرن اخیر ازآن توصیف‌کرده‌اند. [1] وبرخی‌آنرا [2] بنام‌مناره شهرستـان و دیگـری شاه رستم یادکرده‌اند.

این مناره را بطمع آجرهایش درسال ۱۳۳۳هجری عمداً خراب‌کردند.

۴ ـ مناره پاشاخ :

این‌مناره درشهراصفهان درمحله‌ایکه‌بنام پاشاخ‌معروف‌است درزمان‌شاه‌عباس ازکله شکار ساخته شده وکنایه ازکثرت شکار بزکوهی بوده [3] کـه در یکروز شکار شده است. [4]

۵ـ مناره‌کله :

مناره‌ای بوده که در زمان تیمور از کله مـردم ساخته بوده‌انـد و محل آن بازارچه اسماعیل‌کوسج بوده‌است. [5]

۶ ـ مناره خواجه علم :

این‌مناره درآخرمحله‌گلبار اصفهان بطرف‌شمال واقع ومرتفع وکمی‌ازمناره مسجدعلی‌کوتاهتربود [6] و دراوائل نیمه دوم قرن چهاردهم هجری سقوط‌کرد. [7]

این مناره بشماره ۹۹ـ۱۰۱۱۵/ ۱۳۱۰ بثبت رسیده بود .

مناره مسجدعلی درحدود پنجاه متر وقطرتنه‌آن درنزدیکی زمین ۶ متر و

۱ـگنجینه‌آثار تاریخی‌اصفهان ص۲۱۰. ۲ـ سمیث باستان‌شناس. ۳ـ سیاحت‌نامه شاردن فرانسوی ۴ ـ زندگانی شاه‌عباس ج۲ ص۲۹۷. ۵ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۳۳. ۶ـ نصف‌جهان ص۳۲. ۷ـگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۵۶.

کلفتی دیوار خارجی ۱/۴۵ متروقطر ستون گرد درونی یادکل مناره ۱/۶ مترمیباشد[۱] وبااین ترتیب مناره خواجه‌علم در حدود چهل‌وپنج متر ارتفاع داشته است.

۷ ـ مناره مسجدامام‌حسن‌اردستان :

این مسجدکه درمحله‌کبودان اردستان واقع شده دارای دومناره‌بوده‌که‌یکی ازآن دوبکلی‌ازمیان رفته وازدیگری مقداری برجا است.[۲]

۸ ـ مناره‌های مسجد کاج :

این مسجدکه در۲۵کیلومتری اصفهان واقع واز بناهای قرن هشتم هجری میباشد دارای مناره‌هائی بوده‌که در این تاریخ اثری ازآن‌ها نیست.[۳]

۹ ـ مناره های مسجد جوجو :

این دومناره‌که بمسجد جوجو یا جورجیر ویا جامع صغیر اصفهان متصل بوده و در قرن چهارم‌آباد بوده برحسب مرورزمان و بروز حوادث از بین رفته است .[۴]

۱۰ ـ مناره شاه رستم :

این مناره درمجاورت پل شهرستان اصفهان واقع بوده‌است وبعضی‌گفته‌اندکه این مناره و مناره شهرستان یکی است.[۵]

ح ـ رباطها و ساباطها وکاروان‌سراها و قلعه‌ها و برجها :

۱ ـ رباط اردستان :

این رباط را سیدرکن‌الدین‌محمدیزدی متوفی(۷۳۷ه.ق)هنگامی‌که‌اردستان ونطنز یك واحد جغرافیائی بود بناکرد ولی‌آثاری جزنام ازآن رباط نیست.[۶]

۲ ـ رباط زبرقند :[۷]

کلمه‌زبرقند بتعابیر: جوگند وزفرقندنیز استعمال میشود، باین‌کیفیت‌که‌در

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۳۳. ۲ ـگنجینه آثار تاریخی‌اصفهان ص۲۲۰.
۳ـ فهرست‌بناهای تاریخی‌واماکن باستانی‌ایران ص۳۵ ۴ـ تاریخ‌اصفهان وری‌ص۲۲۴
۵ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۹۳ ۶ و۷ـ وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی .

دفاتر دیوانی ونوشتجات واسناد زفرقند مینویسند ومردم‌خود محل وعوام جوگند تلفظ میکنند ولی از مفاد وقفنامه سیدرکن‌الدین‌محمد یزدی معلوم میگرددکه‌در قرن‌هشتم زبرقند تلفظ میشده وآنهم‌معرب زبرگند است و شاید وجه‌تسمیه‌اش آن باشدکه شهر اردستان در پائین دره و زبرکند دربالای‌آن دره واقع میباشدوازاینرو با این نام مناسبت دارد.

این رباط در بیرون دیه زبرقندکه جزء روستای برزاوند اردستان‌میباشد[۱] بناگردیده و سیدرکن‌الدین محمد یزدی بانی‌آن ـ رباط راکه ازمال خالص خود بوده وقف بر عابران و واردان و صادران که متصف بصفت صلاحیت وعفاف‌باشند واز فسق‌وفجور ومناهی دوری‌کنندکرده ومطالبه حق‌السکنی و نزول‌واخذومطالبه هرچیزی را ولو بقدر دانه‌ای باشد حرام‌کرده است.

از موقوفات آن رباط است: نصف‌وثلث تمام شایع درجماعت قریه مسماة به خوقندکه محتاج بتعریف نیست باتمام لواحق ومضافات وچشمه‌ها وباغها و اشجار و اراضی بائر ودائرو بیوت وقلاع واصطبل ومزابل وطواحین. وشرط‌کردکه‌متولی در ابتداء عمارت رقبه را بجاآورد وسپس بعمارت رباط بپردازد وآنچه زیاد آمد صرف اطعام مسافران‌کند(باشرطی‌که برای مسافران تعیین شده) وخرج سفر آنان در هرسال ۳۶۶۰ من از دونوع‌که درهر روز ده من ومبلغ ۳۶۰دینار وجه‌رایج در هرروزی یك دینار و مقدار دوهزار من انگوررنگین بتفرقه بر طبق مصلحت دید متولی است. وبکسی‌که مراقب مسافران است سالی ۷۲۰ من از دونوع غله بدهد. و دیگراینکه ۹۶ دینار و $\frac{1}{2}$ دینار مقرری واقف از متوجهات املاك بهائیه نطنز صرف رباط زبرقندشود، ونیز۶۵ دیناری‌که ازمتوجهات ضیاع‌نطنزدرقریه‌جوشقان بنام متولی ثبت است بمصرف رباط مزبور برسد.

و چنانچه رباط زبرقند خراب شد واعاده‌آن ممکن نشد موقوفات‌آن‌خرج رباط نه‌گنبدان شود، واگرآن هم‌خراب شد خرج رباط نیستانه‌گردد.

۱ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص ۱۳۸.

در زمان حاضر دو رباط در دیه مزبور یکی بنام شاه‌عباس که در حال انهدام است و دیگری بنام تاجر یزدی که نام‌آن مجهول است ومورداستفاده است قراردارد وآنچه‌که در وقفنامه سیدرکن‌الدین‌یزدی مقررگردیده اثری ازآن در رباطهای فوق‌الذکر مشهود ومحسوس نیست و علی‌الاصول باید چنانچه دروقفنامه اشعارشده آن رباط سیدرکن‌الدین‌محمد خراب گردیده و موقوفات آن درجای دیگر صرف شده است.

۳ ـ ساباط دروازه اصفهان :

بقعه‌ای بوده بطور ساباط‌که سیدرکن‌الدین محمد یزدی متوفی (۷۳۷هـ. ق) درخارج شهر اصفهان در دروازه نزدیك مزار علی‌بن‌سهل‌صفوی اصفهانی بناکرده و اکنون نشانی ازآن نیست. [۱]

۴ـ کاروان‌سرای سبة :

کاروان‌سرائی‌بوده درشهر اصفهان‌که‌اسماعیل‌بن‌بکیر صاحب‌آن معاصر اصمعی ومحمدبن‌عیسی مقری بوده است واین بناکه در اوائل قرن پنجم دائر بوده کنون اثر ونشانی ندارد. [۲]

۵ ـ برج ساعت :

این برج درقسمت جنوبی مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان تقریباً مقابل عمارت عالی‌قاپو واقع شده بوده وآن را سیاحان فرانسوی برج ساعت مینامیده‌اند . برج مزبور برای سرگرمی شاه‌عباس دوم ساخته شده بود و درون‌آن ماشینهای‌مکانیکی قرار داشت که ساعات شبانه روز را نشان میداد ، هروقت‌که این ساعت زنگ‌میزد فوجی از مجسمه‌ها مانند عروسکهای خیمه‌شب‌بازی و حیوانات‌گوناگون بیرون میآمدند و مانند سربازان بتمرین نظامی میپرداختند. این ساعت را صنعتگران اروپائی‌که در دربار شاه‌عباس دوم اقامت داشتند برای او ساخته بودند. [۳]

۱ـ وقفنامه سیدرکن‌الدین‌محمد یزدی. ۲ـ ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۲۱۴.
۳ ـ سیاحت‌نامه هانری رنه آلمانی ترجمه فره‌وشی .

۶ ـ عمارت چراغ‌خانه :

این‌عمارت محلی بوده دراصفهان در دیوانخانه صفویه‌که امورچراغ در آن انجام و چراغها در آن نگهداری میشده است.[۱]

۷ ـ کاروان‌سرای گیلك :

کاروان‌سرای کوچکی بوده در اصفهان‌که مرکز معاملات سوداگران و مردم گیلان بوده است.[۲]

۸ ـ خان کاشیان :

کاروانسرائی بوده‌که درقرن یازدهم در اصفهان دائر و مسافرانی کـه مردم کاشان بوده‌اند درآن منزل میکرده‌اند از این‌کاروانسرا اثری باقی نیست. نوراولد خواجه محمدحسین‌کاشی متخلص به‌نجیب از شعراءِ درآن کاروانسرا بزازی‌داشته و از اشعار او است:

از بدی نتوان رهائـی داد ظلم انـدیشرا
بسته باچندین‌گزد برخویش‌عقرب نیش‌را[۳]

۹ ـ کاروان‌سرای نقش‌جهان :

این سرا از بناهای شاه‌عباس بزرگ و یا یکی‌از جانشینان اوبوده‌که تااوائل سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار وجود داشته است ودرعهدشاه مزبور چون بمرورزمان ویران وغیرقابل تعمیربوده بوسیله ظل‌السلطان تبدیل به میدان سربازی و موسوم به میدان ناصری‌گردیده است.

این‌کاروان‌سرا مشتمل‌بود برصحنی‌وسیع‌و دوطبقه وحجرات‌بزرگ ومحتوی برچهار در و چهار دهلیز که در هر دهلیز حجرات و دوتیمچه داشت وهریـك از تیمچه‌های هشتگانه‌آن بقدرکاروانسرای متعارفی وسیع بود. خلاصه کاروانسرائی بخوبی‌آن درهمه ایران بلکه جهان نبوده است.[۴]

۱ـ گنج دانش ص ۲۵ . ۲ ـ زندگی شاه عباس ج۲ ص ۲۸۹ . ۳ ـ تذکره نصرآبادی ص۳۷۲. ۴ـ جغرافیای اصفهان ص۷۸

۱۰ - بازار زین سازها :

این بازار جزء چهار بازار اطراف میدان نقش‌جهان بوده ودر آن درزمان صفویه زین اسب و لوازم آن را تهیه میکردند ولی امروز اثری از آن نیست. (۱)

۱۱ - بازار مسگرها : (۲)

درطرف غربی میدان نقش‌جهان روبروی خیابان حافظ وبموازات خیابان سپه بازاری بنام بازار مسگرها و نیزچهارسوئی وجود داشت که بمیدان چهارحوض منتهی میشد - این بازارمنهدم ومیدان چهارحوض هم قسمتی جزءِ خیابان استانداری و قسمتی ضمیمه اراضی بانک ملی شد وازصورت اصلی خارج گردید.

۱۲ - چهارسوی بازار رنگرزها :

این بازارکه از بناهای شاه‌عباس بزرگ میباشد وازبازار ترکش دوزها ببازار دارالشفاءِ منتهی میشود چهارسوئی داشته درآخر آن درمقابل حمام شاهزادگان که کدخدای صنف رنگرز درآنجا اقامت داشت واین چهارسو ازبین‌رفته است. (۳)

۱۳ - بازار ریخته‌گرها :

این بازار درحوالی بازار رنگرزها بوده و امور ریخته‌گری فلزات در آن انجام میگردید و از بازارهای دوره صفویه بوده است ولی اکنون اثری از آن نیست. (۴)

۱۴ - چهارسوی فراشخانه :

این چهارسوکه ازچهارسوی بازار رنگرزها منشعب میشدازبین‌رفته وامروز آنجا را خیابان تلفونخانه مینامند. (۵)

۱۵ - بازار شاهی :

بازار شاهی درعصرصفویه بکوی شاهزادگان متصل میشده و آنرا بنام بازار شاهزادگان مینامیدندبیشتراین بازارکه همان بازارچه بلندباشد ودرخیابان چهارباغ

۱و۲ - بخشی ازگنجینه آثار ملی ص۲۷ ۳و۴ - بخشی ازگنجینه آثار ملی ص۲۹.
۵- بخشی ازگنجینه آثارملی ص۳۰.

واقع است ازبین رفت و باقی‌مانده‌آن انبار دخانیات است از مدرسه چهارباغ‌وسرای فتحیه‌که اکنون مهمانسرای شاه‌عباس است وباغ هشت‌بهشت درهائی باین بازار باز میشده است.(۱)

۱۶ ـ سرای الماسیه :

این سرا در بازار مقصودبیك‌که از جنوب شرقی میدان نقش‌جهان تا بازار حسن‌آباد امتداد داشته واقع بوده واکنون اثری ازآن نیست.(۲)

۱۷ ـ چهارسوی الماسیه :

این چهارسو درنزدیکی‌سرا و مدرسه‌الماسیه در بازار مقصودبیك واقع بوده ولی اکنون اثری ندارد.(۳)

۱۸ ـ بازارمشعلدارباشی :

این‌بازار ببازار منجم‌باشی‌که به‌چهارسوی ساروتقی منتهی میشود می‌پیوسته است واکنون اثری ازآن نیست.(۴)

۱۹ ـ بازار اسلحه‌سازان :

این بازارکه درحدود بازار تفنگسازهاواقع و درآنجا مبادرت بساختن‌انواع اسلحه میکرده‌اند از بناهای شاه‌عباس بوده است و اکنون اثری ازآن نیست.(۵)

۲۰ ـ کاروانسرای اسلحه‌سازان :

این کاروانسراکه ازبناهای شاه‌عباس بوده دربازار اسلحه‌سازان واقع بوده بوده است و اینك اثری ازآن نیست.(۶)

۲۱ ـ چهارسوی بازار مسگرها :

این چهارسوکه دربازار مسگرهادرغرب میدان‌نقش‌جهان مقابل‌خیابان‌حافظ فعلی وجود داشته پس‌از انهدام بازارآن چهارسوهم ویران‌گردید.(۷)

---

۱ ـ بخشی از گنجینه‌آثار ملی ص۳۰

۲ـ بخشی ازگنجینه‌آثار ملی ص۱۸ .

۳و۴ـ بخشی ازآثار ملی ص۳۶

۵و۷ـ بخشی ازگنجیه آثار ملی ص۲۷.

۶ـ بخشی ازگنجینه آثار ملی ص ۲۶.

۲۲ - بازار عربان :

بازاری بوده که ازمسجد جامع اصفهان تا محل خیابان فعلی محمدرضاشاه ممتد وعصارخانه وسرائی بنام میرحاج درآن وجود داشته که اعراب ساکن اصفهان در اوایل طلوع اسلام درآنجا اجتماع میکرده‌اند واز اینرو این بازار را بازار عربان وبمناسبت مجاورت باگنبدخواجه نظام‌الملك بازار نظامیه و نظام‌الملکی نیز مینامیده‌اند و شایدوجه تسمیه آن این باشد که چون امارت حاج‌مردم آن محل‌را عربان‌داشته‌اند ببازارعربان‌موسوم‌بوده است این بازار ببازارهای دروازه طوقچی وبازار غاز وبازار میدان‌میر وصل‌میگردید و بازارهای منشعب ازآن‌عبارت بود از: بازار ریسمان که بمیدان هاتف‌فعلی وصل است، مدرسه‌کاسه‌گران دربازار ریسمان میباشد.دیگر از بازارهای‌منشعب از بازار عربان‌بازار نجف‌آبادیها است که سراهای معروفش: سرای اردستانیها وسرای خانی میباشد. دراین‌تاریخ از بازار عربان‌که‌گفته شد اثری‌نیست واگر هم بوده از صورت نخست خارج‌گردیده است. (۱)

۲۳ - کاروان‌سرای امیر بقمور:

این کاروانسرا درقرن هشتم هجری در اصفهان دائر بوده است ولی اکنون اثری ازآن نیست. (۲)

۲۴ - کاروانسرای لله‌بیك :

این کاروانسرا نیز در زمان صفویه وبدست لله‌بیك خزانه‌دار شاه‌عباس‌کبیر احداث شده وکارهای مربوط بخزانه‌داری‌را درآن‌انجام میداده‌اند. ازکاروانسرای مزبور اکنون اثری باقی‌نیست. (۳)

۲۵ - کاروانسرای محله‌بازار مسگر :

این‌کاروانسرا درمحله بازار مسگر اصفهان درقرن هشتم هجری دائر بوده ولی اکنون اثری ازآن نیست. (۴)

۱- بخشی ازگنجینه آثارملی ص۸۹و۸۷.
۲- وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی .
۳- زندگی شاه‌عباس اول ج۲ ص ۲۸۹.
۴- وقفنامه سیدرکن‌الدین یزدی.

۲۶ ـ بازار لله‌بیک :

این بازار درجانب راست میدان نقش‌جهان اصفهان واقع وتجارتخانه‌شرکت هندانگلیس درانتهای آن بازار بود. اکنون از این بازار اثری نیست.[۱]

۲۷ ـ عمارت جارچی‌باشی :

این عمارت که‌درمیان باغی‌وسیع وباشکوه ودرسه قسمت بناشده بوداختصاص به ملك‌علی‌بیك جارچی‌باشی شاه‌عباس‌کبیر داشت وچون مورد خشم واقـع گردید اموالش بتصرف شاه درآمدودراین‌هنگام نماینده شرکت هندشرقی‌انگلیس‌بایران آمد، شاه‌عباس این عمارت راکه درمرکز معاملات بازرگانی و نزدیك دیوانخانه‌بود باو بخشید. سقف‌آن عمارات مذهب ونقاشیهای جالبی داشته و دیوارهای‌آن بسیار زیبا بوده وهنگامیکه شاردن فرانسوی در زمان شاه‌سلیمان دراصفهان بوده نوشته که رو بویرانی است وکارکنان شرکت هم تقلیل یافته‌اند و اخیراً بصورت خـانـه ییلاقی مأموران‌انگلیسی‌بندرعباس درآمده بوده‌است. از این‌باغ وعمارت‌هم اکنون اثری نیست.[۲]

۲۸ ـ بازار مستوفی :

این‌بازر را میرزاشکرالله مستوفی‌اصفهانی درسال(۹۸۱هـ.ق)که‌بسمت‌مستوفی دیوان‌اعلای شاه‌طهماسب صفوی‌منصوب شد درمحله خاجوی بزرگ اصفهان‌بناکرد ولی اکنون اثری ازآن نیست.[۳]

۲۹ ـ بازار صرافان :

این بازار درقرن پنجم هجری دراصفهان (شهر) دائربوده وناصرخسروعلوی در هشتم صفر ۴۴۴که وارد شهر اصفهان شده‌گفته: بازاری دیدم از آن صرافان که اندر او دویست مرد صراف بود این بازارکه درمدخل ومخرج آن دربندی داشته اکنون اثری از آن نیست.[۴]

۱و۲ـ زندگانی شاه‌عباس اول ج۴ ص۲۶۹.   ۳ـ تاریخچه محله خواجو ص۸۱ بنقل از منتظم ناصری .   ۴ـ سفرنامه ناصرخسرو ص۱۰۶ .

۳۰ ـ بازار میان طوقچی و باباقاسم :

این بازار نیز واقع بود میان محله طوقچی‌اصفهان وباباقاسم و در زمان‌قدیم بنا شده‌بود ودر حکمرانی‌صدر اصفهانی موردتعمیر قرارگرفت ولی درتاریخ‌تألیف از بین رفته است.[۱]

۳۱ ـ بازار نقش‌جهان :

این بازار از دروازه حسن‌آباد شروع و بدروازه طـوقچی ختم میشده است و در زمان صفویه دائر بوده است ولیکن در دوره فترت افغان این بازار از بین رفته است.[۲]

ط ـ دروازه‌های شهر اصفهان :

دراصفهان (شهر) ازقدیم‌الایام مانند تمام کشوردروازه‌هائی درجهات مختلف شهر وجود داشت که در موقع هجوم دشمن آن دروازه ها را می‌بستند ونیز درهر محله‌ای چند دربند بودکه هنگام لزوم آن دربند ها را نیزمی‌بستند و وقتی بسته میشد چون شهر دارای حصار بلند بود دیگر ورود دشمن بآسانی میسر نبود این وضع تا اولدهه پنجم قرن چهاردهم باقی بود ولی‌پس‌ازطلوع دولت پهلوی وشیوع امنیت درسرتاسر کشور آن دروازه‌ها ودربندها برداشته شد.

نگارنده بخاطر دارم‌که درهای دروازه‌ها ودربندها بسیار مرتفع وباچوبهای محکم وضخیم وآهنکوبی ساخته‌شده‌بود وآن‌درها را بدون‌ادوات وآلات‌آهنگری ونجاری غیرممکن بودکه از حیّز استفاده بیرون‌آورد.

اغلب آن درها از ازمنه خیلی قدیم بود و در حقیقت جنبه تاریخی داشت. اینك برای ضبط درتاریخ آثار ملی دروازه‌های شهرقدیم شهراصفهان‌راکه اینك‌جز نام اثردیگری ندارد مینگارد :

۱ـ تاریخچه محله خواجو ص۲۰.　　۲ـ نصف جهان ص۲۴.

۱ـ دروازه اسماعیل کوسج:[۱]

این دروازه درمحله‌ای بهمین نام واقع بوده است‌که نزدیکی خیابان حافظ کنونی میشود.

۲ ـ دروازه اشرف :[۲]

محل آن درشمال رودخانه زاینده رود وظاهراً همان محله پشت بارو است‌که بنام دروازه اشرف خوانده میشود.[۳]

۳ ـ دروازه اصفهان :

این دروازه همان دروازه معروف به تیره میباشدکه در آنجا قبـر حممةبن ابی حممة است.[۴]

۴ ـ دروازه الیاران :

این دروازه درمغرب‌شهر اصفهان واقع‌بوده است واکنون نیزجای آن‌معروف بدروازه الیاران است.[۵]

۵ ـ دروازه باب‌السجن :

یکی از دروازه های قدیم اصفهان که درآن نزدیکی زندانی بوده‌است.[۶]

۶ـ دروازه باغ سلم :

این دروازه ازدروازه‌های زمان ورود اعراب باصفهان میباشدکه درحدودباغ سلم و محله باغ سلم واقع و محمدبن احمدبن حسنویه محدث‌متوفی(۳۶۰ ه. ق) و ابو مسلم نوح‌بن منصوربن مـرداس سلمی متوفی ۲۹۵ ه. ق در آنجا سکونت داشته‌اند[۷].

۱- تاریخ‌اصفهان و ری ص۳۳۳ ۲ـ تاریخ‌اصفهان وری ص۹۹ ۳ـ گنجینه آثار تاریخی‌اصفهان ص۷۲۸. ۴ـ تاریخچه ابنیهٔ تاریخی اصفهان ص۱۵ ۵- نصف جهان ص۲۳ ۶- ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۲۶۴ ۷ـ ذکراخبار اصبهان ج ۲ ص ۲۹۵

۷ ـ دروازه بخارا :

دروازه‌ای بوده دراصفهان که ابوبکر محمدبن‌ثابت دربکوشکی درحدودآن منزل‌داشته‌است .گویا وجه تسمیه‌آن بوده‌که مردم بخارا که به اصفهان میآمده‌اند یا ساکن بوده‌اند درآن حدود مقیم بوده‌اند .[۱]

۸ ـ دروازه بیدآباد :

این‌دروازه درمغرب شهراصفهان بوده است .[۲]

۹ ـ دروازه جوباره :

این دروازه درمشرق شهراصفهان واقع[۳] و از دروازه طوقچی‌شروع وکلیه قسمتهای شرقی شهردرآن بوده است .[۴]

۱۰ ـ دروازه جوزدان :

این دروازه در مغرب شهر اصفهان واقع بوده است . جوزدان در زمان پیش بیرون شهر بوده وچون بشهر اتصال یافته جوزدان دروازه شده است .[۵]

۱۱ ـ دروازه چهارباغ :

این دروازه درجنوب شهر اصفهان واقع بوده است .[۶]

۱۲ ـ دروازه چهاررو :

این‌دروازه درجهت شمال شهر اصفهان قرارگرفته بوده است.[۷]

۱۳ ـ دروازه حسن‌آباد :

این دروازه از بناهای امیر حسن‌بیك آق قوینلو[۸] و در زیر محله خاجو واقع بوده است .[۹]

۱۴ ـ دروازه خاجو (خواجو) :

این دروازه درمحلی بوده‌که نهر نیاصرم ازکنار آن میگذرد وعرض شهر

۱ـ معجم‌الادباء ج ۱۸ ص ۳۲   ۲و۵و۷ـ نصف جهان در تعریف اصفهان ص ۲۳
۳و۶ـ نصف جهان ص۲۴   ۴ـگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۹۳ .
۸ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۲۴۱   ۹ـ نصف جهان ص۲۲

نیز ازاین طرف است ودرسمت جنوب شهر اصفهان واقع شده است.[1]

۱۵ ـ دروازه درب کوشک :

این‌دروازه درمحله باب کوشك واقع بوده است .

۱۶ ـ دروازه دردشت :

این‌دروازه درسمت شمال شهر اصفهان واقع بوده است .[2]

۱۷ـ دروازه دولت :

این‌دروازه درقدیم جای فعلی محله دولت بوده است .[3]

۱۸ ـ دروازه ساروج :[4]

این دروازه ازدروازه های بسیار قدیمی اصفهان بوده و شاید در همان مکان ساریه باشد .

۱۹ ـ دروازه سه پله :

این دروازه درسمت مغرب شهر اصفهان واقع بوده است.[5]

۲۰ ـ دروازه سید احمدیان :

این دروازه درسمت مشرق اصفهان واقع بوده است .[6]

۲۱ ـ دروازه طبره :

این دروازه درشهرستان اصفهان واقع بوده است.[7]

۲۲ـ دروازه طوقچی (تقچی) :

این‌دروازه درسمت شمال شهر اصفهان واقع‌بوده است .[8]

۲۳ ـ دروازه ظله :

این دروازه درقسمت شرقی شهر اصفهان‌قرار داشته و از دروازه‌های قدیمی است .[9]

۱و۲و۵و۸ـ نصف‌جهان ص۲۳ ۳و۴ـ جغرافیای اصفهان ص۳۶ ۶و۹ـ نصف جهان ص۲۴ . ۷ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص۳۴۸

۲۴ ـ دروازه عباسی :

این‌دروازه همان دروازه جوباره است که درقسمت شرق‌اصفهان واقع‌میباشد.

۲۵ ـ دروازه عطاء خشك :

از دروازه‌های اصفهان است که به عطاء خشك‌ابن سائب باب عطائی منسوب واز سرکردگان بنی‌عباس درخراسان بوده است .[۱]

۲۶ ـ دروازه کران :

این دروازه درطرف مشرق شهر اصفهان واقـع و مجاور دروازه خاجـو و وگلبار است .[۲]

۲۷ ـ دروازه کله :

این دروازه در شمال رودخانه زاینده رود واقع و اکنون جـزء بخش ۴ از محلات شمال زاینده رود است .[۳]

۲۸ـ دروازه لنبان :

این‌دروازه درمحله لنبان ودرمشرق اصفهان واقع بوده است .[۴]

۲۹ - دروازه مارنان = مورنان = ماربانان :

این‌دروازه درسمت شمالی‌شهر‌اصفهان ونزدیکی‌پل‌مارنان واقع‌بوده است.[۵]

۳۰ ـ دروازه ممیل = درب ممیل :

دروازه ای‌بوده درشهر اصفهان‌که درسال (۳۴۹ هـ . ق) ابومحمد قـرمطی مؤذن درآن ناحیه سکونت داشته است .[۶]

۳۱ ـ دروازه نو :

این دروازه درجای محله‌ایست‌که قسمتی از آن جزءِ بخش ۱ محلاتی است که درشمال رودخانه زاینده رود واقع شده واز دروازه‌های قدیمی است .[۷]

۱ـ عطاء خشك‌ابن سائب متوفی (۱۳۰ هـ. ق) است. (ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۱۴۷)

۲و۳و۷ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ ۴ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۹۳

۵ - نصف جهان ص۲۳ ۶ـ ذکراخبار اصبهان ج۲ ص ۱۱۹

این دروازه‌ها بتناسب عمران و آبادی شهر اصفهان کم وزیاد میشده وگاهی نام بعضی از آنها تبدیل میگردیده است . و از این رو تعداد حقیقی این دروازه‌ها در اوقات خرابی و یا عمران معلوم نیست و گاهی بانام محلات و کوچه‌ها متحد شده است .

عده دروازه های شهر اصفهان در هنگام ساختن باروی جی چهار دروازه بنامهای: خور - ماه‌بر - کوش‌بر- تیربر که‌خور در مشرق وماه‌بر در مغرب بارو بود وماه‌بر را اسفیس‌واسفیش وشهیش وشئیش نام داده‌اند وکوش‌بر را جوش‌بر ویهودیه نیزخوانده‌اند .

عده آن دروازه ها درزمان علاءالدوله حاکم اصفهان دوازده بود که تمام‌آن درها از آهن وبطوری مرتفع وگشاد ساخته شده بود که فیل با تخت روان براحتی داخل دروازه‌ها میگردید و در پشت باروی شهرخندق نیزکنده شده بود که مانع ورود ناگهانی دشمن گردد .

در طی مرور زمان عده دروازه های شهر تغییر کرده بطوریکه سی و یك دروازه برای شهر اصفهان شمردیم .

در اواخر قرن سیزدهم عده دروازه‌های شهر اصفهان شانزده[1] باین اسامی بوده است :

۱ـ دروازه‌دولت. ۲ـ دروازه حسن‌آباد. ۳ـ دروازه‌خاجو. ۴ـ سیداحمدیان ۵ـ ظله. ۶ـ کران. ۷ـ جوباره. ۸ـ طوقچی. ۹ـ باب‌الدشت. ۱۰ـ دروازه‌نو. ۱۱ـ ساروج ۱۲ـ بیدآباد. ۱۳ـ جوزدان. ۱۴ـ الیاران. ۱۵ـ سه پله. ۱۶ـ مارنان .

مؤلف نصف جهان[2] دروازه‌های اصفهان را در تاریخ هزار و سیصد و هشت هجری چهارده باین شرح نامبرده : ۱ـ دروازه مارنان. ۲ـ سه‌پله. ۳ـ الیاران. ۴ـ جوزدان . ۵ـ بیدآباد . ۶ـ چهاررو . ۷ـ دردشت . ۸ـ طوقچی . ۹ـ جوباره . ۱۰ـ سیداحمدیان. ۱۱ـ کران. ۱۲ـ ظله. ۱۳ـ خاجو. ۱۴ـ چهارباغ.

۱ـ جغرافیای اصفهان ص۳۶ ۲ - نصف جهان ص۲۳ .

فصل دوم

در ابنیه و آثار تاریخی که نام و نشان از آنها باقی است
ومشتمل است بر ۲ گفتار :

گفتار اول:

دربیان آثار پیش ازاسلام:

الف ـ آتشکده‌ها :

۱ـ آتشکده اصفهان :

درمغرب اصفهان مشرف به جاده اصفهان ونجف‌آباد روی قله‌کوه ساختمانی ازخشت ضخیم وملاط رس وقطعات نی‌بشکل قلعه ساخته شده بوده و در اثر مرور زمان وباد وباران قسمت مختصری از آن‌باقی مانده‌که بنام آتشگاه خوانده میشود وکوه آنجا را نیزکوه آتشگاه مینامند. (ش ۱)

تاریخ احداث آن بطور وضوح معلوم نیست آنچه محققان معاصر نوشته‌اند اینستکه این ساختمان‌بقیه ساختمانی‌است‌که جغرافیانویسان قدیم وحمزهٔ‌اصفهانی نگاشته‌اندکه بهمن‌بن اسفندیار در ناحیت ماربین‌آتشکده شهراردشیررا بناکـردو بگفته ابن‌حوقل دراین‌بخش تل بزرگی‌است‌که برروی‌آن قلعه‌ای‌بنا شده و درآن قلعه‌آتشکده‌ای‌است‌که میگویندآتش‌آن از آتشهای‌ازلی‌است ومراقبان‌آن‌مجوسی وهمه‌مردمانی ثروتمندند. ونیز درمحاسن اصفهان‌از قلعه ماربین وآتشکده‌مزبورنام میبردومعلوم میگردد درقرن پنجم دائر بوده‌است.این‌بنای تاریخی که‌فقط‌نشانه‌هائی



(ش ۱)

از آن‌باقی مانده طی‌شماره $\frac{۳۸۰}{۱۳۳۰/۹/۱۱}$ به ثبت تاریخی رسیده است. (ش ۲)

از وضع فعلی آتشگاه معلوم میگرددکه در زمان بعداز اسلام [۱] و دوران مغول تصرفاتی درآن بعمل‌آمده است. [۲]

۲ ـ آتشکده ساسانی نطنز :

درحوالی مسجدجمعه نطنز میان باغ ملك شخصی بنام امام سکوئی بارتفاع دومتر از سطح زمین‌آثار عمارت مختصر وجالب توجهی‌کوشك مانند بنظر میرسد

۱- سنی‌ملوك‌الارض والانبیاء و صورت‌الارض ابن‌حوقل و محاسن اصفهان ۲ - فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۵


(ش ۲)

که از لحاظ ظرافت و تناسب بنا شباهت کاملی به آثار ساختمانی دوره ساسانی دارد و چنان معلوم میگردد که جای آتشکده بوده است.

چهارستون از هفت ستون اولیه و یك اطاق از چهار اطاق آن برپا و بجامانده وبقیه خراب شده است. و نیز دوطاقچه از چهار طاقچه آن که سطح بنارا بطاق بالای گنبد سنگی وصل میکرده باقی مانده است.

ابعاد هریك از این اضلاع خارجی بنا ۳۵ ۱۱ متر وضلع داخل بنا۷متر طول دارد و دهانه هر اطاق ۶۹/۵متر است، اصل بنا را باسنگ لاشه که روی آن گچ مالیده شده ساخته‌اند.

این اثر باستانی در دیماه ۱۳۱۰ شمسی بشماره ۱۸۷ بثبت تاریخی رسیده است.[۱]

۳ ـ آتشدان سنگی :

این آتشدان سنگی که مربوط بعهد هخامنشیان است در سمیرم بختیاری اصفهان بدست آمده[۲] که ثبت تاریخی آن جریان دارد.

۴ و ۵ ـ دوسرستون سنگی متعلق بدوره ساسانی که نقش خسروپرویز روی آنها دیده میشود ویکی از آنهاکه سالم است درموزه ایران باستان و دیگری که کمی شکستگی دارد درکاخ چهلستون اصفهان نگهداری میشود. این دوسرستون در حدود سال ۱۱۳۰ درنزدیکی تالار تیموری اصفهان کشف شده است.[۳]

ب ـ قلعه‌ها و رباطها و نظائر آن :

۱ ـ قلعه وشاق نطنز :

دریکی از ارتفاعات کوه‌کرکس آثار قلعه خرابه‌ای است که دلالت بر سوابق تاریخی آن میکندوتا قرن هشتم هجری دائر بوده و حمدالله مستوفی چنین گفته : وشاق قلعه‌ایست در ولایت نطنزوچون وشاق بر آنجاحاکم شد به وشاق‌معروف گشت و این گفته میرساندکه‌این قلعه بسیار قدیمی واحداث آن به‌پیش‌از اسلام میرسیده است.

این‌قلعه‌که روی قله‌کوهی بنا شده هنگام‌آبادی وسایل‌زندگی از هرجهت مانندآسیاب بادی وغیر آن درآن فراهم بوده وآسیاب بادی آن هنوز وجوددارد.

اطراف‌کوه را بطوری تراشیده‌اندکه راه بالا رفتن و رسیدن بقلعه بوسیله

۱ـ آثار تاریخی شهرستانهای‌کاشان ونطنز ص۳۸۸-۳۸۹ ۲- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۵۱ ۳ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۸

میخهای ضخیم آهنین که بر بدنه کوه کوفته شده ممکن باشد.[1] نجیب الـدین[2] جرفادقانی گفته :

چوسرکشی که بهر صبحدم بگاه طلوع	درآید از کمرت پای آفتاب بسنگ

۲ ـ قلعه زواره :

در زمان قدیم در زواره قلعه‌ای بوده برای ذخیره آرتش و از اینرو محله‌ای را بنام بنجیره یعنی جای جیره قشون خوانده‌اند، و این قلعه چهار دروازه داشته و در فاصله از هردروازه تادروازه دیگر ده برج وجود داشته که تاکنون هم آثارش نمایان است، ودرداخل قلعه بزرگ چهارقلعه بوده که اکنون دوقلعه از آنها باقی است.[3]

۳ ـ نارنج یا نارین قلعه نائین :

این قلعه که در شهر نائین درنزدیکی مسجدعلویان درمحله باب المسجد واقع است بسیار قدیمی و از خشت خام ساخته شده است .

خشتهای خام آن دارای نیم ذرع طول ویکربع عرض و وزن هر خشت هفت الی هشت من است.

عمارات زیرین برج قلعه بتل خاکی تبدیل ولی خود برج که بیست وپنج ذرع ارتفاع دارد باقی است. دراطراف این قلعه درقدیم خندقی بوده بعرض ۲۵ ذرع ولی اکنون پرشده است. دراین قلعه چیزی که دلالت برسال احداث این بنا بکند وجود ندارد وفقط ازسبك ساختمان ومتلاشی شدن آن نشان میدهد که پیش از اسلام ساخته شده است، واحتمال میرودکه برای آتشگاه احداث شده باشد.

معروف است که ناصرالدین شاه قاجار این قلعه را بپاداش قرآنی که مریم بانو دختر آقامحمدبن ابوطالب نائینی برایش نوشته بود اهداءکرده است.[4]

باستان شناسان معتقدند که احداث این قلعه مربوط بزمان پیش از اسلام از ساسانیان تا اشکانیان میباشد و نائین نخست همان قلعه وحمام مجاور آن بوده است، درمیان

۱ـ آثار تاریخی شهرستانهای کاشان ونطنز ص۴۲۱	۲ ـ زینت المجالس بنقل ازنزهت القلوب ص۷۷۴	۳ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۶۱	۴ـ تاریخ نائین ص۷۰

قلعه و در برجهای چهارطرف آن چاههای عمیقی بوده که از آنها بـوسیله راههـای زیرزمینی بخارج میرفته‌اند و راهی بمسجد جامع نیز دارد. ارتفاع قـلعه از سطح کوچه‌ها ۲۵متر واز کف خندق ۴۰متر ومعلوم است که در روزگارپیشین ازاین‌مقدار مرتفعتر بوده واکنون بتلی‌خاك شبیه‌تراست تا بعمارت.

جنگ امیرمبارزالدین‌محمد پادشاه‌آل‌مظفر وملك‌اشرف چوپانی دراین‌قلعه واقع شده است.[۱]

۴ ـ قلعه رستم بافران :

این قلعه درقریه بافران درمشرق نائین واقع و چاهی درآنجا است که‌درباره آن افسانه‌هائی گفته شده و این قلعه درحال ویرانی است.[۲]

۵ ـ عمارت مخروبه شاه‌جهان :

این‌عمارت مخروبه‌که نام اصلی‌آن سلطان چشم‌جان است در زیر مزرعـه شهدادنائین واقع ومطابق نوشته‌مورخ۷۴۴هجری مدفن‌مردی بزرگ وموردِاحترام مردم اطراف بوده است.[۳]

۶ ـ قلعه مخروبه نیستانك :

این قلعه‌که ازلحاظ قدمت وطرز ساختمان به پیش‌از اسلام ارتبـاط دارد در قصبه نیستانك تابع شهرستان نائین واقع است.[۴]

۷ ـ قلعه بزی :

این قلعه‌که درلنجان اصفهان واقـع است در زمان ساسانیـان بنا شده و در دوران سلاجقه الحاقاتی پیداکرده ولی اکنون بائر و فقط نشانی‌ازآن باقی‌وبشماره ۷۵۷ در۱۳۴۶/۲/۲۶ شمسی بثبت تاریخی رسیده است.[۵]

۱ـ فرهنگ تاریخ‌نائین ص۱۲ ۲ـ فرهنگ‌تاریخ‌نائین ص۲۳ ۳ـ فرهنگ‌تاریخ نائین ص۲۸ ۴ـ فرهنگ تاریخ‌نائین ص۳۹ ۵ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۶۰

۸ ـ قلعه فارفاآن :

این قلعه درقریه فارفاآن رویدشت اصفهان واقع و دژی نظامی بوده که در عهد ساسانیان بناگردیده‌است.فارفاآن در قدیم‌یکی از شهرهای حاکم‌نشین‌اصفهان بشمار میآمده است. [۱]

۹ ـ قلعه دیو : [۲]

این قلعه عبارت است از یك‌عده چهار دیواری‌کوچك و بزرگ بشکل قلعه که بعضی ازآنهاکه آثارشان بکلی خراب نشده میرساند ساخته آن درگاه نداشته مگربطور نقب از زیرزمین و دیوارآنها بالتمام از سنگهائی ساخته شده است که دارای شکل هرم ناقص وضلع قاعده مربع آنهـا قریب به ۵/۲۵ متر و ارتفـاعش قدری بیشتر بوده است. دیوارهای‌کلفت که از این سنگها درست شده بـوده است عادةً بغیراز بادست وکلنـگ ممکن‌نبوده است خراب شود، و این قلعه‌ها را قلعه دیو گویند و احتمال میرودکه در قدیم آتش‌پرستان جهت دفن اجساد اموات خود ساخته‌اند وعمرهریك‌بیش‌ازچندین‌هزار سال‌است واین قلعه‌ها درامتداد جاده‌چشمه درویش [۳] بسمت مغرب در پای‌کوه صفه اصفهان واقع شده است .

۱۰ ـ تخت رستم :

عمارتی است واقع درسه‌هزار متری غربی‌کوه صفه اصفهان درقله‌کوهی که از کوهها جدا افتاده وآن‌چند دیوار است‌با خشتهای بزرگ با اضلاع قریب نیم‌متر و اثر دیـگری ندارد، جنـگ اسکندر، و دارا درآنجا واقع شده است. [۴] چون قلعه دیو و تخت رستم‌که حقا ازآثار باستانی است تاکنون به ثبت نـرسیده اقتضاء دارد مورد توجه واقع و نسبت به ثبت و حفظ و حراست‌آنها اقدام مقتضی معمول‌گردد.

۱ـ تاریخ‌اصفهان و ری ص۲۱ ۲ـ الاصفهان ص ۴۳ ۳ـ چشمه درویش درسه هزارمتری باغ هزار جریب اصفهان واقع وآن حوضی است طبیعی و مسقف درپایه‌کوه صفه وآب ازآن خارج نمیشود. الاصفهان ص۴۳ ۴ـ الاصفهان ص۴۴

گفتار دوم:

در آثاریکه بعداز اسلام احداث و فقط نام و نشانی از آنها مانده:

الف - گورستانها:

۱ - گورستان آب‌بخشان:

گورستان آب‌بخشان [۱] یا مردبان دراصفهان که اکنون میدان پهلوی است ودارای هفتادهزارذرع وسعت‌بوده وبسیاری‌ازاولیاء واقطاب‌وعلماءِ درآن مدفون‌شده بودند واکنون‌تبدیل بساختمان‌های‌گوناگون چون‌اداره بهداشت ودبیرستان‌تبریزی و هنرستان دختران شده وفقط بقعه شیخ ابومسعود رازی متوفـی (۲۵۸ هـ . ق) و قبر میرزا ابراهیم جوهری [۲] باقی مانده است.

۱- آب بخشان وآب بخشگان محل کنونی میدان‌پهلوی شهر اصفهان است و درزمان ابونعیم اصفهانی (اوائل قرن پنجم) آنجا را مردبان مینامیده‌اند ووجه تسمیه آنستکه درروز جشن آبریزان دراین‌محل که مادی فدین عبور میکرده‌آب بهم میپاشیدند (رجال اصفهان‌ص۱۴۲)

۲ ـ میرزا ابراهیم متخاص بجوهری پسر محمد باقر مروی اصفهانی از شعراء و وعاظ و نژادش از مرو بود ، پس‌از اتمام تحصیلات چندی در سیر و سیاحت بسر برد و زمانی‌هم در قزوین اقامت کرد وازاینرو اورا قزوینی‌هم‌نامیده‌اند . کتاب طوفان البکاء معروف به‌جوهری را هم در قزوین باتمام رسانیده سپس باصفهان آمد و درخدمت سید حجةالاسلام حاج سید محمد باقر رشتی معزز ومحترم میزیست تا در تاریـخ سال ۱۲۵۳ هجری بدرود زندگـی گفت وبدیار دیگرشتافت و درقبرستان آب بخشان مدفون گردید ، درسال (۱۲۹۰ هـ . ق) ←

۲ - گورستان شاهزاده ابراهیم :

واقع است در محله مستهلك از گورستانهای دوران صفویه که بصورت باغ و خانه درآمده و عمارات دبیرستان شاهدخت و آذر و دانشسرای دختران در آن بنا گردیده است ، و فقط ساختمان امامزاده باقی مانده که اخیراً بهمت مردان اخیار عمارت صحن وبقعه تجدید بنا شده است [۱]

۳ - گورستان امامزاده احمد :

واقع است در محله حسن‌آباد از قبرستانهای مربوط بعهد سلاطین صفویه که ازهمان زمان بتدریج از صورت‌گورستان بیرون وهمه‌آن تبدیل بخانه‌گردید و فقط ساختمان امامزاده باقی مانده است. [۲]

۴ - گورستان امام‌زاده اسماعیل[۳] :

واقع است در محله گلبهار یا گلبارکه در قدیم آنرا خشینان یا خوشینان میخوانده‌اند، بتدریج ازصورت‌گورستان خارج‌وفقط عمارت‌امامزاده بجامانده است.

۵ - گورستان سرقبر آقا :

واقع‌است درمحل خاوجان‌یا خابجان[۴] که تبدیل‌به دکان وخانه وتیمارستان وهنرستان حرفه‌ای شده وحتی‌قسمتی از مقبره نیزجزءِ هنرستان شده است.

←

زنی‌گور اورا تعمیر کرد وچون این اواخر قبرستان ازبین رفت بهمت مرحوم حاج ابوالقاسم تبریزی تاجر اصفهانی اطاقی روی قبرش‌بناگردید و روی مزارش سنگی تمام قد گذارده شد وبر سر آن قصیده میرزا محمد باقر متخلص به بهای شاعر در بی‌اعتباری دنیا کـه مطلعش اینست حجاری شده :

ای برادر گربچشم اعتبار اندرجهان   برقبور مردگان آری‌گذار و بنگری

و مقطع :

کلك سحرانگیز اوبنوشت این مصرع‌تمام   « همره سلطان دین آید بمحشر جوهری »
۱۲۵۳

(تذکرةالقبور یا بزرگان اصفهان ص۴۵)

۱و۲و۳و۴ـ تذکرةالقبور ویا بزرگان و دانشمندان اصفهان (ص ی)

۴- خابجون (تذکرة القبور ویا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص ی) .

۶ - گورستان امامزاده باقر :

واقع است درمحله خاجوی قدیم و ازگورستانهای‌کهن‌که مدفن ابن‌مسکویه نیز بوده و تبدیل‌به ساختمانهای‌گوناگون مانند اداره‌کشاورزی وغیرآن شده وتنها عمارت امامزاده بحال خود باقی مانده است.[۱]

۷ - گورستان بابارکن‌الدین [۲] که معروف به تخت فولاد است مقدار زیادی ازآن تبدیل بساختمانهای گوناگون گردیده است.[۳]

۸ - گورستان باغ درویش :

واقع است در اراضی آهنگران که در قرن دهم هجری دائر بوده و اکنون فقط اثر چند قبر دیده میشود.[۴]

۹ - گورستان بابانوش: [۵]

از متفرعات‌گورستان چملان واقع درمحله در وازه‌نواست‌که پیش‌از صفویه دائرشده وتکیه بابانوش تا نیم‌قرن‌پیش وجود داشته ولی اکنون ازصورت‌گورستان درآمده است ولی‌از وضع در و دیوار معلوم میگرددکه‌گورستان بوده است .

۱۰ - گورستان تکیه ظلمات[۶] نزدیك چهارراه‌کرمانی.

۱۱ - گورستان خواجه میرحسن[۷] واقع درمقابل مسجد مصری.

۱۲ - گورستان امامزاده دوقلی : [۸]

واقع درکنار خیابان شاه‌عباس درمحله خاجو از مزارات عهد صفوی .

۱۳- گورستان امامزاده شاه زید:[۹]

در زمینهای بافجان (بافجون هم تلفظ میکنند) در قسمت شرقی خیابان بزرگمهر واقع و ازگورستانهای‌کهن سال اصفهان‌که مقدارکمی ازآن باقی است .

۱- تذکرةالقبور ص ی . ۲- بابا رکن‌الدین مسعودبن عبدالله انصاری بیضاوی فارسی از اولیاء و مورداحترام شیخ‌بهائی ومجلسی‌وکلباسی و متوفی یکشنبه بیست‌وششم ربیع‌الاول (۷۶۹ ه.ق)، وی درتکیه‌ای بنام بابارکن‌الدین مدفون است. (تذکرة القبور ویا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص ۱۵۳) ۴و۳ - (تذکرة القبور ویا بزرگان ودانشمندان اصفهان ص ی). ۵و۶و۷و۸و۹ - (تذکرةالقبور ویا بزرگان و دانشمندان اصفهان ص باتاید .)

۱۴ ـ گورستان سادات[۱] جنب مسجد حکیم :

واقع است در محله جورجیر در قسمت چپ درب صاحب‌بن‌عباد .

۱۵ ـ گورستان ستی فاطمه[۲]:

واقع است در قسمت شمالی محله چهارسو شیرازیها و از مـزارات قدیمی و بزرگ اصفهان است که در دوران پادشاهان آق قوینلو و صفوی اعتباری داشته و بتدریج بیمارستان صد تختخوابی و پرورشگاه در قسمتی از آن ساخته‌شده‌است .

۱۶ـ گورستان طوقچی[۳] یا تقچی[۴]:

از قبرستان‌های بزرگ وکهن‌سال اصفهان است که محل دفن‌اموات حنفیان بوده ، ومصلای قدیم‌هم در مجاورت این‌گورستان واقع بوده است .

قسمتی از این گورستان دبستان و دبیرستان هاتف و درمانگـاه و استخر و کشتارگاه شده است و ازبقاع متبرکه بقعه امامزاده ابراهیم و علی‌بن سهل صوفـی باقی مانده است .

۱۷ـ گورستان شاه سید علی[۵] :

واقع در محله خاجوی قدیم و از مزارات زمان تراکمه و صفویه‌است‌که در قرن‌کنونی بتدریج تبدیل بباغ و ملك و خانـه و دبستان‌گردیده است .

۱۸ـ گورستان شاه میر حمزه[۶]:

واقع در قسمت شرقـی خیابان سروش از گورستانهای وسیع زمان سلاجقه تا صفویه ومحل دفن مردگان شافعیان بوده است. درسالهای اواخر تسطیح وتبدیل بباغ و ملك و خانه و عمارات مختلف گردیده و تنها عمارت امامزاده باقی وتعمیر شده است .

۱ـ تذکرة‌القبور ویا بزرگان‌ودانشمندان‌اصفهان ص‌یا تاید.　　۲و۳و۵و۶ـ تذکرة‌القبور ویا بزرگان ودانشمندان اصفهان ص یه‌ـیو　　۴ـ درجغرافیای‌اصفهان‌تقچی نوشته‌شده ص۳۲

۱۹ - سنگ سفید یامقبره امیر اویس:

این مقبره درخارج شهر اردستان نزدیک راه شوسه اردستان بزواره واقع شده است در ایام قدیم بقعه‌ای کوشك مانند از آجر داشته که بمرور زمان ازبین رفته است .

آنچه مانده آجرهای اطراف قبر که بسیار بزرگ و دو سنگ مرمر که یکی بطور عمودی ودیگری افقی نصب شده‌اند . (ش ۳)

سنگ مرمر افقی دارای خطوط و نوشته‌هائی است که میرساند صاحب قبر که ازشیعیان بوده درسال نهصد و بیست در سن سی‌سالگی کشته شده و پدر و مادر



(ش ۳)

او زنده بوده وازدست دادن فرزند خود درسوز وگداز بوده‌اند .

عبارات مکتوب بر سنگ افقی که بطور مکعب و پنج سطح آن پیداست و درازای آن ۲/۷۵ مترونیم متر آن درپشت سنگ افقی پوشیده شده چنین است .

« هذا مشهد الامیرالکریم الغفیرالشهید ، نتیجةالاکابر الکرام بین‌الانام، الامیر « جلال‌الدولة والدین امیراویس‌ابن عالیجناب رفعت آیات ، جلالتمآب « اکابرانتساب « شمس‌الدولة والدین محمد نجیبا ۹۲۰ »

« باو بودم شبی افسانه آن شب بگوئیدم
و گر میرم بتعظیم سگان او بموئیدم »

« مرا امروز بردار فنا جلوات بهر او
سرودی کان‌میان نوحه‌گوئید آن بگوئیدم »

« شهید خنجر عشقم بخون دیده آلوده
بخاکم‌همچنان‌برخون درآرید و مشوئیدم »

« همه جا ازشهیدان نور خیزد و زدلم آتش
نشان‌است این‌میان‌کشتگانش گر بجوئیدم »

« گلی‌کزخاك من روید بگوش اهل‌دل‌گوید
که من بوی فلان دارم مبوئیدم مبوئیدم »

« گرازگل‌گل‌شودخرم زمن‌خواهدزدن‌بویش
مبوئیدم که از غیرت بسوزم گر ببوئیدم »

« پس‌ازکشتن‌که‌خون‌آلوده‌افتدبرزمین‌خسرو
از آن بهتر که ازغیرت بآب دیده شوئیدم »

وبعد این اشعار نقش شده :

امیر زاده اعظم دلاور دوران — امیراویس که‌بدفخرآل نوشروان
بهفده رمضان وبسال نهصدو بیست — شهیدگشت‌وروان‌شدبروضه‌رضوان

درحاشیه اول متصل بمتن سنگ این‌اشعار خوانده میشود :

« زیر گل سنگدل ای غنچه رعنا چونی
بی تو ما غرقه بخونیم تو بی ما چونی »
« سلك جمعیت ما را فلك از هم بگسست
ما که جمعیم چنینیم تو تنها چونی »

برحاشیه دیگر سنگ دوازده امام بخط ثلث بشرح زیر نقش شده :

« بنبی عربی ورسول مدنی واخیه اسدالله مدعی بعلی و بزهراء بتول و بام ولدتها »
« وبسبطیه وشبلیه هما نجل زکی وبسجاد وبالباقر والصادق حقا وبموسی وعلی وتقی و »
نقی . وبذی العسکر والحجة حقا الذی یضرب بالسیف بحکم ازلی وعلیهم صلواتی وسلامی »
« بالوف وبلیل ونهار وغداة وعشی ».

دردنباله آن این قطعه حجاری شده :

« قضا نقش یوسف جمالی نکرد — که ماهی گورش چو یونس نخورد »
« در این باغ سروی نیامد بلند — که باد اجل بیخش از بن نکند »

سپس این دوبیت خوانده میشود :

« نهالی به سی سال گردد درخت — زبیخش برآرد یکی باد سخت »
« عجب نیست برخاك گر گل شکفت — که چندین گل اندام درخاك خفت »

درقسمت بالائی سنگ افقی که دارای ۲٫۵ طول ونیم متر ضخامت میباشد
این قطعه حجاری شده :

« با حکم خداوند مکن دل ناخوش
در محنت فرزند خود از آه مکش »
« چون جای جوانیش مصیبت گشته است
تاریخ وفات او شده : « جای خوش »
۹۲۰

و درپائین سنگ افقی چنین حجاری شده :

« ای نور دو دیده جهان افروزم — رفتی وزفرقت تو شب شد روزم »
« گوئی من وتو دوشمع بودیم بهم — کایام ترا بکشت ومن میسوزم »

درطرفین شمالی وجنوبی سنگ‌افقی اشعار زیر منقوش است:

« دردی بدل رسید کز آن درد جان برفت
کان سرور جهان بدریغ از جهان برفت »

« بالا تمام کرد درخت بلند ناز
ناگه بحسرت از نظر باغبان برفت »

« تلخ است شربت غم هجران و تلختر
هر سرو قامتی که بحسرت جوان برفت »

« چندان برفت خون جراحت از آستین
کز چشم مادر و پدر مهربان برفت »

« همچون شقایقم دل خونین سیاه شد
کان سرو نو برآمده از بوستان برفت »

« زخمی چنان نبود که مرهم توان نهاد
داروی دل چه فایده کارام جان برفت »

« سعدی همیشه بار فراق انتظار داشت
این نوبتش ز دست تحمل عنان برفت »

برقسمت فوقانی سنگ افقی مجدداً ماده تاریخ: امیرزاده اعظم تا آخر آن تکرار شده است

بقیه سطح فوقانی سنگ افقی باگل و بوته حجاری شده و درکنار آن این غزل نقش‌گردیده:

« بلبلی خون جگرخورد وگلی حاصل کرد
باد غیرت بصدش حال پریشان دل کرد »

« طوطئی را بهوای شکری دل خوش بود
ناگهش سیل فنا نقش امل باطل کرد »

« قرة‌العین من آن میوه دل یادش باد
که خود آسان بشد و کار مرا مشکل کرد »

« ساربان بار من افتاد خدا را مددی
که امید مددم همره این محمل کرد »

« روی خاکی و نم چشم حسود مه ومهر
در لحد ماه کمان ابروی من منزل کرد »

« نزدی شاه رخ و فوت شد امکان حافظ
چکنم بازی ایام مرا غافل کرد »

نام صاحب قبر امیراویس ولقبش جلال‌الدوله و یا جلال‌الدین بود و نام پدرش شمس‌الدوله ویاشمس‌الدین محمد نجیبا بوده‌است . وی ازبزرگان و امرای دولت شاه اسماعیل سر دودمان سلسله صفویه و خود وپدر از مفاخر آل نوشیروان بشمار و دارای مذهب تشیع وبتصوف مایل بوده‌اند .

امیراویس مردی دلاور ودرحال پیکار وجنگ پس‌از زدوخورد های بسیار دراثر جراحت وخون ریزی درسن سی‌سالگی درتاریخ هفدهم رمضان سال نهصد و بیست هجری شهیدگردیده است.[1]

۱- در اینجا چند نکته روشن نیست که امیراویس از احفاد انوشیروان بوده که در اردستان میزیسته‌اند یا احفادیکه درشروان سلطنت داشته‌اند ، و دیگر اینکه قتل او بدست چه کسانی درکجا اتفاق افتاده است بنظر میرسدکه امیرجلال‌الدوله که ازامرای شاه اسماعیل و تاریخ ولادت او ۸۹۰ هجری بوده فرزند امیرشمس‌الدوله محمد نجیبا و فرزند زاده امیر شمس‌الدین محمد ندیم شاه منصور متوفی (۷۹۵ ه . ق) بوده‌که دراصفهان‌میزیسته است .

زن امیرشمس‌الدین محمد طبق روایت پیرجمالی اردستانی درکتاب روح‌القدس از پیرمرتضی علی اردستانی (فرزند امیر مزبور) ازاحفاد انوشیروان عادل بوده است . و امیر شمس‌الدین محمد آنچه معلوم‌است دوپسرداشته‌یکی ازآنها درسن‌چهارده سالگی بدرودحیات گفته که شرح‌آن دربخش دوم‌آتشکده اردستان درشرح حال پیرمرتضی علی اردستانی‌مذکور است، پسردوم اوپیر مرتضی‌علی اردستانی عارف معروف‌قرن نهم هجری بوده که شرح‌حال او نیز در همان قسمت مذکور بیان گردیده پسر سومی‌هم‌داشته که پدر امیرشمس‌الدوله‌محمد نجیبا بوده است .

ولی بنظر نگارنده محمد نجیبا پسرپیرمرتضی‌علی اردستانی بوده ، زیرا درشرح‌حال پیرمرتضی نوشته‌اند که درکودکی‌یتیم شده وغیرازمادر پرستاری نداشته واگر احیاناً عموئی داشت بالطبیعه از او پرستاری میکرد در صورتیکه در شرح حال او که پیر جمالی اردستانی
←

اقتضاء دارد این‌اثر تاریخی به‌ثبت رسیده ودر اطراف‌آن دیواری وپناهگاهی مناسب ساخته شود که ازگزند حوادث جوی مصون باشد .

ب ـ رباطها و عمارات‌گوناگونی‌که بعد ازاسلام احداث و نام و اثر دارند :

۱ـ نارین قلعه شهراب :(۱)

این قلعه درقریه شهراب جزء دهستان سفلای شهرستان اردستان واقع و از بناهای محمد حسین‌خان عرب عامری(۲) است . قلعه مزبور شامل تارنج یا نارین

→

مریدش نوشته هیچ اشاره‌ای بداشتن چنین‌کسی نکرده است پس‌باید باورکردکه امیرجلال ـ الدوله پسر محمد نجیبا فرزند پیرمرتضی‌علی اردستانی واز احفاد انوشیروان عادل است که در اردستان میزیسته و در هنگام مبارزه شیعه و سنی شهیدشده است .

آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۳۶ .

۱ ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۳۲ .   ۲ـ محمدحسین‌خان‌عرب عامری پسر محمد علی‌خان بن امیرشمشیر خان ازجمله کسانی بوده که باتفاق آغا محمد خان قاجار در دربار کریمخان زند خدمت سپاهی میکرده وازسران سپاه بوده‌است .

چه این‌طایفه از زمان میرزا علی بیك عرب عامری پیوسته در دربار سلاطین صفویه ببعد خدمت میکرده‌اند ، منتها بعضی دراثر ارجاع وانجام خدمات بزرگ مشهور شده‌اند و بعضی‌گمنام مانده‌اند .

محمد حسین‌خان پس‌از فوت کریم‌خان باتفاق آغا محمدخان ازشیراز خارج شد ودر بین‌راه خان‌قاجار باوگفت میروم تهران وزمام امورسلطنت‌را دردست خواهم‌گرفت و تو را هم سپهسالار قشون خواهم کرد ، محمد حسین‌خان که خود را در دوره کریم‌خان بالاتر از او میدانست جوابداد که اگر تو شاه شوی من ادعای خدائی خواهم کرد و از یکدیگر جدا شدند .

محمدحسین‌خان دراردستان ونطنز وبیابانك مستقر وعده‌ای سوار تهیه وقلاعی‌مستحکم نیزبناکرد ، بخصوص در قریه شهراب قلعه مستحکمی‌که درآن آب و حمام و مسجد و تمام لوازم زندگی فراهم بود ساخت و درآن اقامت کرد و منال دیوانی تمام اردستان و نطنز و بیابانك را وصول مینمود ، کم بکم امیراسماعیل‌خان عرب عامری عموزاده‌اش باو ملحق گردیده وبا اینکه حکومت آنان برنطنز واردستان از طرف آغا محمد خان قاجار تأیید شده بود وکسی معارضشان نبود تصمیم‌گرفتند باتفاق امیرمحمدخان طبسی اصفهان را اشغال نمایند وپس‌ازچهارده روز جنگ درمحل رویدشت مغلوب وفراری‌گردیدند ، ازآن تاریخ ببعدمحمد

←

قلعه و آب قنات وحمام ومسجد وتمام لوازم زندگی در آن جمع وعمارات باشکوهی داشته ونقبی هم داشت که درهنگام لزوم از آن نقب فرارکنند و بطوریکه معروف

حسین‌خان دراردستان وبیابانك ونطنز مشغول تاخت وتاز وجمع‌آوری مالیات و آزار بمردم بود ، شنیده شدکه برای ساختن قلعه شهراب دستور داده بود خاکستر ازاطراف بیاورند و حاجی ابوطالب که جد خوانین اولادکریم بود خاکستر ازهفت فرسخی شهراب آورده بود و چون غربال نشده بود امرکرد که بمحل برگردانیده و پس‌از غربال‌کردن بیاورد. دراثرظلم زیاد وشکایت مردم محمد حسین‌خان شیبانی حاکم‌کاشان مامور دفع اوگردید و سرانجام اورا درمحل معروف به چاه علم که در بیابان شهراب واقع است دستگیروبه تهران اعزام ومحاکمه ومقتول گردید. صباحی بیدگلی در تاریخ این فتح ازطرف حاکم کاشان قصیدهٔ ذیل‌را سروده‌است:

در زمان شه جمجاه محمد خان آن | که زفرط خدمتش نام فریدون گم‌شد
آنکه رخسارظفر آنکه کلید درفتح | آشکارش ز گریبان و عبا درکم شد
زیرحکمش همه‌آفاق کران تابکران | گرچه عرض سپهش‌ساحت‌ری تاقم‌شد
روزکین روی بآورد گهی‌چون آورد | تیغ‌خودمعرکه‌گردون وسپاه انجم‌شد
خان‌فرزانه حسین آنکه زبیمش‌مریخ | متواری بفسراز فلك پنجم شد
چاکرانش‌چو به:من‌اشجع لب بگشادند | اهل‌لابل همه را ورد زبان آهم شد
تهنیت‌گوید از او مادرگردون وزمین | چون درآغوش ابش جازکنار ام شد
شد بهچاه علم‌آنجاکه زآغاز وجود | دور چون وادی غولان زپی مردم شد
مسکن طایفهٔ راهزن کالانعام | که بلد قائدشان تابدر بل هم شد
آن‌قدرماندکه‌شب‌خرقه بیفکندزدوش | صبحدم کز پی‌سنجاب روان قاقم شد
تاخت برقلب‌عدو کشت‌ازایشان‌چندان | که‌زخون‌معرکه عمان‌و زمین‌قلزم شد
نیزه‌اش گشت نهالی و سرآورد ببار | توسنش‌نعل‌رکاب آمد ومرجان‌سم‌شد
چرخ‌را گردبسر برشد وخون تابکمر | خنگ گردون‌مشکین کاکل و گلگون‌دم‌شد
کاسه‌های‌سرشان دستخوش‌وحش‌آمد | کاسهٔ خود چوبلند ازسر نیلی‌خم شد
ازطمع آتش بیداد عدو میافروخت | شدبلند آتش ونخل املش هیزم شد
مردرا می‌فکند حرص بخواری‌آری | رهزن آدم خاکی طمع گندم شد
چون باقبال سلیمان زمان مردم‌را | دور از راه سرمار و دم کژدم شد
سال این‌فتح همایون زصباحی‌جستم | زد رقم: «فاتح بیرعلم دویم شد»

از مضمون این قطعه معلوم میگرددکه حاکم‌کاشان از راه غیر متعارف حرکت و شبانه دراطراف موضع گرفته و هنگام طلوع آفتاب برمحمدحسین‌خان عرب عامری و اتباعش تاخته وپس‌ازکشت وکشتار زیاد برخان عرب چیره میگردد .

وبالاخره محمد حسین‌خان پس‌از یکعمر ظلم وستم برمردم اردستان و نطنز و بیابانك دستگیر وبه تهران اعزام ومقتول میگردد . این‌واقعه درتاریخ یکهزارو دویست و شش هجری قمری اتفاق افتاده است .(آتشکده اردستان بخش ۲ ص۲۵۲)

است سالها مردم اطراف نائین واردستان و نطنز را بعنف میآوردند که دربنای مزبور کمك کنند ولی چون از روی ظلم ساخته شده بود پایدار نماند و بدست خود مردم شهراب ویران وخاك آن بمصرف زراعت رسید و اکنون جز حمام ومسجد آن که مورد استفاده عموم بود چیزی باقی نمانده است و باید اذعان کرد که :

وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون.

مسجدی که از آن قلعه باقی مانده بحال مخروبه ویك برنج از آب شهراب و یکدرب باغ وقف بر آن میباشد.

متأسفانه بعضی ازمردم محل تمام قلعه و مسجد و حمام را در موقع تأسیس ثبت اسناد به ثبت داده اند واکنون صورت ملکیت دارد وتعجب ازاین است که اوقاف محل هم توجهی باین موضوع نکرده است .

۲ـ قلعه جوگند = زفرقند = زبرکند :

این قلعه درقریه جوگند از روستای برزاوند اردستان واقع شده و در حال انهدام و ویرانی است و فقط آثاری از آن باقی است که دلالت برقدمت تاریخی آن دارد.[۱]

۳ ـ رباط صاحب دیوان جوگند :[۲]

این رباط نیز درقریه جوگند از روستای برزاوند اردستان درکنار دیه در مسیر شارع واقع شده ودرحال ویرانی وغیرقابل استفاده میباشد ولی پیکره آن نشان میدهدکه هنگام عمران وآبادی با شکوه و قابل استفاده بوده است و در اثر عدم توجه وبخصوص درقرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم که اردستان وتوابع محل دستبرد وشرارت سرکشان و یاغیان و زورگویان بوده رو بانهدام نهاده است.

بعضی هم این رباط را بشاه عباس کبیر نسبت میدهند ومعتقدند رباطی که دائر است از آن صاحب دیوان ویا تاجر یزدی است.

۱و۲ـ آتشکده اردستان بخش۱ ص۱۳۸

۴ ـ رباط زواره : (۱)

این رباط که بشاه‌عباس منسوب است در بیرون مدینة‌السادات زواره درمسیر راه زواره بشهراب ومزدآباد واقع و ساختمان آن دوطبقه و با آجر ساخته شده است. بعضی‌هم گفته‌اندکه رباط از احداثات حاج‌سیدمحمد غراب زواره‌ای است ولی گویا شخص اخیر آنرا تعمیر کرده است. (ش ۴)

این رباط در چند سال قبل با اصلاحاتی تبدیل بدبیرستان و مورد استفاده



(ش ۴)

۱ ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۱۵۵ .

است ودرحقیقت ازصورت اول خارج شده است.

۵ ـ قسمتی از سرای مقصود واقع درچهارسو مقصود اصفهان که‌ازبناهای مقصود مسگر بود بمرورزمان جزءِ خانه‌های اطراف گردیده است. (۱)

۶ ـ سردر زاویه باب‌القصر :

این سردردرمحله باب‌القصر معروف بدرب کوشك اصفهان واقـع ودر دوره حکمرانی ابوالمظفررستم بهادرخان آق‌قوینلو بناشده و در تاریخ۱۵/ ۱۰/ ۱۳۱۰ زیرشماره ۹۷ بثبت تاریخی رسیده است. (۲)

این سردرکتیبه‌ای داشت که پس‌از ویرانی‌زاویه باب‌القصر به‌عمارت‌چهلستون نقل‌گردیده و درآنجا نگهداری میشود وعبارت‌کتیبه‌که بخط سفید وثلث معرق‌بر زمینه‌کاشی لاجوردی ترسیم شده چنین است:

«لقد ساعدالتوفیق باتمام هذه‌الزاویة‌الشریفة والجنبدالرفیعة‌المنیفة لتربة‌حضرة » والده طاب‌الله ثراه فی‌زمان خلافة من‌هوعین سلاطین الزمان ولعین الخواقین انسان، » «سراج‌الدنیاوالدین،ابوالمظفر رستم بهادرخان خلدالله تعالی‌خلافته وملکه‌وسلطانه، الحضرة» «الاشجع‌الاکرم،افتخارالانام والصنادید فی‌العالم‌مؤیدین‌سیدالاملاك،والافلاك‌زین‌الدوله» «والسعادة والدین، علی‌بیك برنا ایدت امارته فی۹۰۲کتبه معین‌المنشی.».

در داخل مقرنسهای سردربخط‌بنائی‌سفیدبر زمینه‌کاشی لاجوردی‌این‌عبارات نوشته شده :

«یا مجیب‌الدعوات» و «یارافع‌الدرجات» و «یا مستجاب‌الدعوات » و«یـا بـدیع السموات والارض» و « انا مدینة‌العلم و علی بابها » و « فرض علی‌الحاضر والغائب حب علی‌بن ابی‌طالب » .

غیراز عبارات بالا نام حضرت‌علی درچندجا تکرار شده‌که بخط بنائی‌است . در داخل قطارهای سردربخط بنائی سفید بر زمینه کاشی لاجـوردی ایـن بیت را نوشته‌اند :

۱- تاریخ اصفهان و ری ص ۲۳۷.

۲ - فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۴۳ .

«اگر هست مرد از هنر بهره‌ور — هنر خود بگوید نه صاحب هنر»

نام و کنیه (ابوالمظفر رستم بهادرخان خلدالله تعالی) شاه زمـان با حـروف طلائی نوشته شده است.[۱]

۷ ـ چله‌خانه :[۲]

عمارتی بوده در تخت پولاد اصفهان در نزدیکی تکیه بابـارکن‌الدیـن دارای چند اطاق مرتبط بیکدیگر که یکی از آنها معروف به چله‌خانه بوده و درگذشته مرتاضان در آنجا چله مینشستند. بعضی از آن اطاقها دارای گچبریهای ممتاز بود و تا چندسال قبل اشعارزیر برروی گچ دیوار خوانده میشدکه با خط نستعلیق عالی نقش شده بود :

« در زمـان شهنشه عادل — رونق افزای مسجدومحراب»

« زینت دودمان مـرتضوی — . . . . »

« . . . . — خرد از روی شوق دادجواب»

. . . دوش سال تاریخش: — «قبله اهل حاجت است این باب»

« سنه ۱۱۱۲ »

۸ ـ رباط شاه‌عباسی نطنز :

این رباط که درحوالی قصبه نطنز مرکزشهرستان مزبور بوسیله میرزاابوالمعالی برزرودی وزیرحضورومجلس نویس شاه‌عباس ساخته شده است دارای جلـوخـان و سردر وکتیبه سنگ نبشته بخط ثلث زیبا بوده وقسمتی ازآن ازبین‌رفته وآنچه‌هم باقی مانده در اثر سنگربندی اشرار و راهزنان درهنگام اغتشاش آسیب‌زیادی‌دیده و بدشواری این عبارات خوانده میشود : «ابوالمظفر شاه‌عباس الحسینی الصفـوی» « بهادرخان بنده‌درگاه شاهی ابوالمعالی الشهیر به آقامیرزا ابن اسدالله ابن علی الحسینی» « البرزی النطنزی توفیق بساختن این بقعه خیر بتاریخ هزارو بیست و نه هجری و »

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۵۸.

۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۰۰ بنقل از روزنامه سرنوشت شماره ۲۱ سال اول.

«باتمام رسانید باهتمام این بنده درگاه علاءالملك، امید که ثواب آن به روزگار فرخنده»
آثار عالی شاهی...»[1]

میرزا ابوالمعالی مشهور به آقا میرزا و آقامیر وقایع نویس شاه‌عباس کبیر بود و اعتبارش بمرتبه‌ای رسید که پادشاه فرمود که مهر من اعتبار ندارد و خط آقامیر معتبر است.[2]

وی از سادات حسینی برخوار بود که اجدادش در نطنز سکونت اختیار کرده بودند و همه منسوبانش در دیوان کار میکردند.

۹ ـ شکارگاه عباس آباد نطنز: [3]

درپنج کیلومتری پل‌هنجن نطنز بطرف قصبه در کنار جاده اسفالتهٔ کاشان و نطنز بقایای کاخ شکارگاه و باغ عباس آباد از آثار شاه‌عباس بزرگ دیده میشود و از پیکره آن معلوم میگردد که آنجا زمانی گردشگاه ییلاقی وجای سیر وشکارگاه سلاطین صفویه بوده است ولی سالها میگذرد که آن محل بصورت کشتکار و ملك شخصی درآمده است.

موقعیت آن بسیار دل‌انگیز و فرح‌افزا است، چه‌اطراف آن کوه وسبزه‌زار و از طرفی قله‌های مرتفع کوه‌کرکس که بلباس سفید برف آراسته میباشد برطراوت آن افزوده و با اینکه تقریباً بصورت کشتزار درآمده اکنون‌هم همان صفا وخرمی را دارد و چنانچه درآنجا مهمانخانه آبرومندی احداث شود برای جلب سیاحان بسیار مناسب خواهدبود.

۱۰ ـ مناره مسجد قدیمان نائین:

این مناره درکنارمسجدجامع قدیمان درمحله کلبان نائین واقع بوده وبمرور زمان ازبین رفته است.[4]

۱ـ آثارتاریخی شهرستانهای کاشان ونطنز ص۴۱۴.
۲ـ تذکره‌نصرآبادی ص۷۰.
۳ـ آثارتاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز ص۲۱۹.
۴ـ فرهنگ تاریخ نائین ص۱۱.

۱۱ - خانقاه شیخ ابومسعود رازی :

این خانقاه[1] درمحله شیخ‌مسعود اصفهان واقع بوده و به‌بقعه آرامگاه ومدرسه وحمام وباغ او اتصال داشته است این محله درقدیم بزرگتر از زمان حال بوده و از جنوب به‌محله بیدآباد وازشمال به موزنان واز مشرق به قبله‌دعاء وپاچنار وازمغرب به دروازه نو محدود میشده است، این خانقاه درقرن سوم دائر و درقرن چهارم یعنی پس‌از وفات شیخ ابومسعود رازی (۲۵۰ ه. ق) در اثر اینکه متوفی شخصیتی بارز داشت مورد توجه قرارگرفت و از اطراف زهاد و صوفیان بزیارت بقعه او میآمدند وبتدریج برشهرتش افزوده‌میشد ومورد توجه‌سلاطین‌وقت نیز واقع‌گردید وحتی ابونعیم اصفهانی حافظ معروف پس‌از وفات درجوارآن مدفون‌شد. و درعهد یعقوب بهادرخان بقعه‌ای برمزار شیخ بنا شدکه درمحل خود بتفصیل شرح داده خواهدشد. این خانقاه تا اواخر قرن سیزده هجری باقی‌بود ولی برحسب فتوای یکی ازعلمای وقت غیراز سردر بقعه‌بقیه عمارات‌آن خراب‌گردید. خانقاه مزبور دارای موقوفاتی بوده‌که بمصرف واردان و صادران میرسیده است ولی اکنون اثری از آن نیست.[2]

۱۲ - لسان‌الارض :

در مشرق تخت فولاداصفهان محلی‌بنام لسان‌الارض میباشدکه دروجه تسمیهٔ آن به‌لسان‌الارض اختلاف است ومشهور اینستکه چون این‌زمین‌ازلحاظ شکل به زبان شباهت دارد باین‌نام معروف شده است. محل‌مزبور دارای دیواری بسیارکهنه میباشد که درشرف ویرانی است ودربعضی‌قسمتهای آن آجرکاری‌زمان دیلمی‌آشکار است وسبک‌آن قدمت این‌مصلی‌را تأییدمیکند.[3]

۱- خانقاه معرب خانه‌گاه است که‌کنایه از تواضع وفروتنی درویشان و صوفیان بوده ومحل سکونت خودرا درآن‌قرار میداده‌اند ومعمولا مدرسه‌ومسجد وبیوتاتی‌برای واردان داشته است.

۲ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۳۵۳ بنقل ازکتاب خلد برین .

۳ - بخشی از گنجینه‌آثار ملی ص۷۴ .

ج- مساجدی که بعد از اسلام احداث و اکنون فقط نام و آثاری دارند:

۱ - مسجد جامع کاج :

این مسجد درحدود ۲۵ کیلومتری مشرق اصفهان ودرشمال بستر زاینده‌رود واقع وجزء برآآن. شمالی میباشدگنبد این‌مسجد برج‌مانندساخته شده ودراطراف آن ملحقاتی بوده‌که بمرورزمان وعـدم تعمیـر ازبین رفته و جزء اراضی زراعتی گردیده است. گنبد مزبور در وسط صحن متناسبی قرار داشته و بوسیله مدخلهای بزرگ وکوچك ازجوانب شمال وشرق وغرب باز بوده وفقط‌سمت‌جنوبی آن‌بسته بوده است، محراب مسجدهم در این طرف قرار دارد. مهمترین مواد ساختمانی آن آجر بوده است.

کتیبه اطراف‌گنبد درقسمت داخل‌آن باکاشی‌معرق وبخط ثلث سفیدبرزمینه کاشی لاجوردی مشتمل برآیاتی از سوره یس است، این‌کتیبه‌تاریخ‌ندارد وگفته‌اند ممکن است متعلق‌بقرن هشتم هجری باشدکه‌این نظریه‌را پرفسورپوپ‌مأسوف‌علیه تأییدکرده است وبعضی ازنویسندگان احتمال داده‌اندکه از ملحقات مسجد درقرن یازدهم وبعدازآن میباشد.

اسامی خلفاء راشدین‌درطرفین محراب دردوشکل مستطیل بخط بنائی‌نوشته شده است و درپوشش داخلی گنبد چهارشکل‌مربع بخط بنائی باآجرقرمزبرزمینه سفیدآجری‌که دوبدو قرینه‌اند وجود داردکه در دو مـربع آن نام محمد و در دو مربع دیگر نام علی نوشته شده است، درقسمت پائین‌گنبد و روی جـرزها بخـط بنائی باگچ درفاصله‌آجرها اسامی: الله، محمد، علی، حسن، حسین خوانده میشودو کلمات دیگری هم بوده‌که اکنون وجود ندارد. [1] این مسجد دارای مناره‌هائی‌هم بوده‌که اکنون اثری ازآن باقی نیست. مسجدنامبرده طی‌شماره ۲-۳۲۸ /۱۱ /۳۱۸ بثبت تاریخی رسیده است. [2]

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۲۸۳

۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۵ .

۲ ـ مسجد گار (غار):

این مسجد در دیه گار که مردم محل آنرا جار تلفظ میکنند و غارهم نوشته‌اند واقع شده است. درقرون اولیه طلوع اسلام لفظ گار را معرب کرده جار تلفظ میکردند واز این جهت است که درکتابهای مورخان وجغرافی نویسان و انساب نویسان عربی همه جا جار نوشته شده ودرمعجم البلدان متذکر گردیده که مردم محل گار تلفظ میکنند وکسانیکه تحصیل کرده‌اند بجیم مینویسند.(۱)

این دهکده در زمان قدیم دائر ومعمور و عده‌ای از محدثان از آن برخاسته‌اند که برای روشن شدن وضع قدیم این دهکده دسته‌ای از آن محدثان را ذیلاً مینگارد:

جار که از دهات پاکیزه وپرباغ وبوستان اصفهان وبطرف لاذان امتداد دارد محدثانی باین شرح داشته است:(۲)

۱ ـ ابوالطیب عبدالجبار بن فضل بن محمد بن احمد جاری ۲ـ ابوالحسن علی بن محمد بن علی بن عیسی جاری ۳ـ احمد بن محمد بن علی بن مهران جاری مدینی ۴ـ ابوالقاسم علی بن محمد بن علی بن مهران جاری ۵ـ الذاکر ابوبکر ذاکر بن محمد بن عمر بن سهل جاری برائانی (متوفی ۵۵۱ هـ.ق) ۶ـ ام عمر وسعیدة بنت بکران بن محمد بن احمد جاری ۷ـ ابوالفضل جعفر بن محمد بن جعفر جاری ۸ ـ ابونصر بن ابوحفص جاری ۹ـ سید الرؤساء قاسم بن احمد بن ابوالقاسم جاری بانی مناره جار در ۵۱۵ هجری قمری ۱۰ ـ عبدالملك بن حسن جاری ۱۱ ـ عیسی بن عبدالرحمن جاری.

از شمارش این عده که اغلب از مشایخ حدیث بوده‌اند معلوم گردید که دیه مزبور درآن زمان اهمیت داشته ومرکز دانشمندان زن ومرد بوده است و قاعدةً باید درآن هنگام که قرن ششم و پنجم باشد محراب و مسجد درآنجا دائر باشد و از همین جهت است که گفته‌اند این مسجد در زمان سلاجقه ساخته شده چه تاریخ مناره آن هم ۵۱۵ میباشد. تاریخ کتیبه موجود برجرز شمالی ویرانه های محوطه

۱و۲ـ معجم البلدان ج ۲ ص ۹۳.

گنبددار نشان میدهدکه در۶۶۰ هجری ساخته شده است وتقریباً یکصدو سی‌وپنج سال بعداز عمارت مناره میباشد وبا این ترتیب بایدگفت این تاریخ اخیر ممکن است تاریخ تعمیر یا تجدیدبنای مسجد نخست باشد چه اینگونه مناره‌ها را برای مسجد میساختند.

عباراتی که درکتیبه مناره موجود میباشد بشروح زیر است:

«بسم‌الله‌الرحمن الرحیم ــ امر ببناء هذاالمنارة الزهیدالرئیس سیدالرؤساء ابا»
«القسم‌بن احمدبن‌ابالقسم فی‌سنة خمس‌عشرة وخمسمائة.»

درصفحه ۱۸۴ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان عبارات کتیبه باین‌کیفیت نوشته شده ولی ازنظر املای عربی چند اشکال دارد:

یکی‌اینکه بجای هذاالمنارة باید هذه‌المنارة باشد و دیگر اینکه ابالقسم چون درحالت رفع‌است بایدابوالقسم باشد و ابالقسم دوم‌هم باید ابی‌القسم باشد ولی درفهرست بناهای‌تاریخی و اماکن باستانی صفحهٔ۲۹ نوشته شده: «سیدالرؤساءِ قاسم بن‌احمد»ودر تاریخچه ابنیه تاریخی‌اصفهان صفحه۲۰۱ نوشته:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ـ امر ببناء هذاالمنارة الزهید الرئیس سیدالرؤسا القاسم بن احمدبن ابی‌القسم فی‌سنةخمس عشرة وخسمائة»

و مطابق املای عربی اگر سیدالرؤساء نامش ابوالقاسم باشد باید کتیبه چنین باشد:

«امر ببناءِ هذه‌المنارة‌الزهیدالرئیس‌سیدالرؤساءابوالقسم‌بن‌احمدبن‌ابوالقسم»
واگر نامش قاسم باشد صحیح آن چنین است: «امر ببناء هذه‌المنارة الزهیدالرئیس سیدالرؤساءالقاسم‌بن احمدبن ابوالقسم...» و اما طرز نوشتن قاسم درقدیم: قسم بوده است.

بنظرنگارنده نام سیدالرؤساء باید قاسم باشد، چه ابوالقاسم در قرن ششم کنیه اشخاص بوده وکنیه مطابق قواعد عربی مقدم برلقب بوده است و از اینرو آنچه درتاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان‌وفهرست ساختمانهای تاریخی‌واماکن‌باستانی نسبت بنام سیدالرؤساءِ نوشته شده محکمتر ومنطقی‌تر میباشد.

خطوط بنائی که بربدنه مناره دیده میشود عبارت: الملك‌لله میباشدکه تکرار شده است. کلمات وجملاتی روی بقایای دیوار دورگنبد مسجدکه درضلع جنوبی صحن متروك مسجد واقع شده خوانده میشود مثلاً روی دو جرزشمالی عبارات‌زیر بخط ثلث‌گچبری شده:

«امرعمارت هذاالمحراب .... ولیه » وسمت غربی: «رشیدالدین محمدکامل احمدبن اسماعیل» لوحد سمت شرقی: « ... ابن‌ابی‌القاسم. .رمضان‌المبارك... ستین‌و ستمائة ».

از مجموع این‌کتیبه‌های ناقص معلوم میگرددکه تاریخ بناء در حدود ۶۶۰ هجری بوده زیرا کلماتی پیش از ستین افتاده و ممکن است جای یکی از اعداد ۹گانه باشد.

و اما راجع‌ببانی ومباشروکاتب صراحتی‌این‌جملات نداردوممکن است‌کتیبه در اصل چنین باشد:

«امرعمارة هذاالمحراب .... ولیه ... ابن‌ابی‌القاسم‌رشیدالدین محمد، کاتب احمدبن اسماعیل .... رمضان ... ستین وستمأته» و با این ترتیب رشیدالدین محمد پسر ابوالقاسم آمر ببناءِ محراب واحمدبن اسماعیل‌کاتب‌کتیبه بوده است.

ازآثار وخطوط دیگری‌که درنصف شرقی بخط‌کوفی‌گچبری شده این‌قسمت خوانده میشود: «...علیکم اهل‌البیت انه حمیدمجیدفلما...» و در اطراف محراب قسمتی بخط ثلث‌گچبری‌گردیده‌که درآن‌آیة الکرسی وچندآیه دیگر بوده که از بین رفته و فقط جملاتی از آن خوانده میشود، آن قسمتی‌که خوانده میشود چنین است:

«... عنده الا باذنه یعلم مابین‌ایدیهم وما خلفهم ولایحیطون بشیء من علمه الا بماشاء وسع کرسیه السموات والارض...» و نیز » : . . احسن عملا و هوالعزیز الغفورالذی خلق سبع‌سموات طباقاً ماتری فی‌خلق‌الرحمن...».[1] مسجد گارومناره

۱ـ گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص ۱۸۲.

طی شماره ۲۷۰ـ۱۲/۱۲/۵۱ بثبت تاریخی رسیده است.[۱]

۳ـ مسجد جامع گلون آباد :

این مسجد در ۲۱ کیلومتری مشرق شهر اصفهان در گلون آباد از دهستان قهاب و متصل بجاده شوسه اصفهان به یزد واقع میباشد و بنامهای : گلون آباد ـ گلناباد جیلون آباد خوانده و نوشته شده است.

شهرت این محل گذشته از اینکه در دوره صفویه آباد و پرجمعیت بوده از نظر وقوع جنگ تاریخی افغانها و شاه سلطان حسین صفوی در آنجا میباشد وگرنه اغلب این دهکده خراب و ویرانه‌های آن مشهور است.

مسجد جامع دیه مزبور نیز بحال ویرانی افتاده و فقط در چند سال پیش[۲] دریکی از ایوانهای جانب شرقی صحن کتیبه‌ای با خط زیبای ثلث موجود بوده که عبارات آن چنین خوانده شده است : «قال الله تبارك وتعالی انما یعمر مساجدالله من آمن بالله والیوم الاخر صدق الله العظیم فی عام ۱۱۰۹».[۳]

۴ـ مسجد بوزان :

بوزان یکی از دهکده‌های جی است که درسه کیلومتری مشرق شهر اصفهان واقع شده و دارای مسجدی قدیمی است که محراب آن درقرن ششم احداث گردیده است. کتیبه‌های گچبری محراب آن بمنظور حفظ و حراست بموزه ایران باستان نقل شده و حاشیه بیرون محراب آن با خط کوفی گلدار مشتمل بر آیه ۱۸ سوره آل‌عمران است وبرجبهه محراب آن بخط ثلث عبارت پائین خوانده میشود :[۴]

« قوموالله قانتین هذا المحراب عمارة العبدالمذنب علی شیرزاد الانصاری القزوینی فی جمادی الاخرة سنة ثمان وعشرین و خمسمائة » .

این مسجد در حال ویرانی است.[۵]

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۲۹. ۲ - ۱۳۴۳ شمسی.
۳ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۸۶۳. ۴ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۶۲.
۵ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۱۱۴.

۵ ـ مسجد هفشویه: [۱]

این مسجد در دیه هفشویه جزء بلوك قهاب و در شمال شرقی اصفهان واقع شده است. بنای این مسجد بسبك مغولی و آثار بنا حکایت داردکه در دوره سلاطین مغول ساخته شده ودراثر متلاشی شدن گنبد ومناره و دیوارهای آن کتیبه‌ایکه تاریخ بنا را برساند باقی نمانده ،گچبری محراب باقی مانده با محراب گچبری شده گار شباهت دارد واز اینرو میتوان حدس زدکه مسجددرقرن ششم و هفتم بنا شده‌است. مناره مسجدهم خراب وفقط پایه آن باقی میباشد، این‌مسجد از خشت خام ساخته شده ونمای آن ازآجر بوده است.

در اطراف محراب آیةالکرسی بخط ثلث‌ودراطراف اسپرمحراب‌سوره فاتحه بخط کوفی وآیات ۵۱و۵۲ از سوره قلم بخط بنائی گچبری‌شده است.[۲] مسجد مزبور طی شماره ۴۳۰ـ۵/۱۲/۴۱ بثبت تاریخی رسیده است .[۳]

۶ ـ مسجد شهرستان : [۴]

این مسجد در دیه شهرستان جی درمجاورت پل‌شهرستان ومقبره‌الراشدبالله واقع شده، مسجدی است کوچك که در اثر مرورزمان وعدم توجه بویرانه‌ای تبدیل گردیده و فقط کتیبه تاریخی بخط ثلث‌سفیدبرزمینه کاشی لاجوردی‌رنگ‌موجوداست که تاریخ ساختمان وکاتب آن را تعیین‌میکند.

کتیبه مزبور چنین است: «قال‌الله تعالی ـ انمایعمر مساجدالله من آمن بالله» «والیوم‌الاخر واقام‌الصلوة وآتی‌الزکوة ولم یخش‌الاالله فعسی اولئك‌ان یکونوا من» «المهتدین فی‌شهر رمضان‌المبارك سنة۱۰۴۲ [۵] کتبه محمد رضاالامامی‌الادهمی».[۶]

۱ـ بنابگفته حمدالله مستوفی در نزهت‌القلوب هفشویه درقرن هشتم قصبه‌ای آباد بوده است و اکنون‌دیهی نیمه‌خراب‌است. ۲ـگنجینه آثار تاریخی‌اصفهان ص۳۲۱. ۳ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۰. ۴ـگنجینه آثار تاریخی‌اصفهان ص۴۲۱.

۵ـ در تاریخچه ابنیه‌تاریخی اصفهان ص۱۹۳ تاریخ کتیبه هزار وچهل‌وسه نوشته شده است.

۶ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۴۱.

۷ ـ مسجد نمکی :

این مسجد درحدود میدان میر درجنب میدان‌کهنه اصفهان واقع و بنای آنرا بخواجه‌نظام‌الملك نسبت میدهندولی کتیبه‌ای نداردکه حکایت ازبانی‌وتاریخ بناکند وبمرورزمان روبویرانی نهاده است.

در ویرانه مسجد سنگ نبشته‌ای موجود میباشدکه حکایت دارد زنی از نواده‌های خواجه‌نظام‌الملك در زمان شاه‌عباس موقوفاتی برای مسجدقرار داده‌است و مفاد و عبارات آن سنگ نبشته چنین است:

«درزمان خلافت اعلیحضرت‌خاقان جمجاه،السلطان‌بن السلطان والخاقان‌بن»
«الخاقان سلطان شاه‌عباس الثانی الصفوی الموسوی بهادرخان توفیق‌رفیق حال»
«علیاحضرت طهارت و نزاهت دستگاه حاجیه شاه‌خانم بنت مرحمت و غفران پناه»
«میرزااحمدبیك‌نمکی گردید قربة الی‌الله تعالی، وقف‌مخلد نمود نصف چهارسوق[۱]»
«نمکی‌دارالسلطنه اصفهان با نصف تیمچه ونصف حمام و نصف زمین ساده مشهور»
«بزمین شترخان ونصف طاحونه‌گاوی واقعات درچهارسوق مزبور برمسجد معین»
«واقع درجنب چهارسوق مزبورکه جد او خواجه‌نظام‌الملك بناکرده، وقف‌صحیح»
«شرعی‌که نخرند ونفروشند و مرهون ننمایند و زیاده ازسه سال باجاره ندهند و»
«صدور و متصدی موقوفات دخل درآن ننمایند وحق‌النظاره و غیره نگیرند، و»
«شرط نمود واقفه‌که منافع مزبور را بعد از تعمیر مسجد و مستغلات مزبوره»
«هریوم چهل‌وپنج دینار بشخصی دهندکه هرروز یك جزوه قرآن مجیددرمسجد»
«مزبور تلاوت نماید، و ده دینار صرف روشنائی مسجدمزبور شود، وآنچه زیاده»
«بماند درشب جمعه و ایام متبرك صرف اطعام عجزه ومساکین‌شود، وتولیت‌آن تا»
«واقفه مزبور در قید حیات است تعلق باو داردو بعد از آنکه داعی حق را لبیك»
«اجابت بگوید تولیت از شخصی خواهدبودکه سند معتبر از واقفه در دست خود»
«داشته باشد ، وشرط نمود واقفه مزبور که متولی درتعمیر مستغلات از صلاح»

۱ـ درآخرمحله‌گلباد واقع است. نصف‌جهان درتعریف‌اصفهان ص۵۳.

«شریك که باعث آبادانی مستغلات مزبور باشد بیرون نرود و هرکس تغییر آنچه»
«واقف شرط نموده بکند بلعنت خدا ونفرین رسول گرفتار گردد بحق النبی و آله.».
این سنگ نبشته بخط نستعلیق برجسته وفاقد تاریخ میباشد.[۱]

۸ـ سجد امامزاده شوری :

این مسجد درمحله دردشت اصفهان درمقابل امامزاده عبدالله(شوری) واقع ومسجدی است محقر که آثار تزییناتی از آن باقی نمانده ودرحال ویرانی است ولی در قدیمی آن باقی وکتیبه روی در چنین است:

«قال الله تبارك وتعالی وان المساجد لله فلاتدعوا مع الله احداً فی سنته ۹۱۹ وقف شرعی»
«نمود جناب مفخر الاعیان خواجه عبدل بن رئیس یوسف اصفهانی». ایـن مسجد تـا کنون به‌ثبت تاریخی نرسیده است.

۹ـ مسجد امام‌حسن اردستان:

این مسجد در بازار محله کبـودان اردستان واقـع و مـوسوم بـه مسجـد امام‌حسن علیه‌السلام است و تقریباً بحالت نیمه‌ویرانی درآمده‌است،[۲] مناره‌مسجد هم درچند سال قبل که‌کمی اعوجاج پیداکرده بود مقداری ازآن خراب و ازطرف باستان‌شناسی تعمیر گردید.[۳] این‌مسجد دارای سر دری زیبا و مزین بکتیبه‌هائی بخط کوفی درمتن کاشی فیروزه‌ای‌است. باقیمانده مناره و شبستان و محراب گچبری آن نماینده کامل ساختمانهای دوره سلجوقی‌است.[۴] بنظر نگارنده این بنای سلجوقی بجای مسجدی که بسبك عربی بنا شده بوده و رو بخرابی گذارده بناگردیده و این نکته را معروفیت آن به‌مسجد امام‌حسن وشرحی که در تواریخ وارد شده که حضرت امام حسن پس‌از مراجعت از جنگ یزدیاقم درآن مسجد نماز خوانده وازطریق کهنگ باصفهان عزیمت و در اصفهان هم درمسجدی که بهمین نام معروف شده نماز خوانده است[۵] وآمدن حضرت امام‌حسن مجتبی(ع) هم بایران تأیید میکند. مسجد

۱ـ بنقل ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۷۲۹
۲ـ آتشکده اردستان بخش یك ص ۲۸.
۳ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۲۰۵ .
۴ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۳.
۵ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۲۸ بنقل از خزائن نراقی و تذکرة الائمه

ومناره آن بشماره ۲۴۹ بثبت تاریخی رسیده است.[۱] (ش ۵)



(ش ۵)

۱۰- مسجد دشت رامیان :

این مسجد در دشت محله رامیان اردستان واقع و بحال خرابه درآمده بود و فقط کتیبه‌ای داشت بخط کوفی که دلالت بر قدمت مسجدداشت[۲] درچندسال قبل از طرف ساکنان آن محله مسجد تعمیر و صورت نوی یافت. (ش ۶)

---

۱ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۶۳ .

۲ - آتشکده اردستان بخش ۱ ص ۲۹ .



(ش۶)

۱۱ - مسجد سفیدسر دشت:

این مسجد درمحله فهره اردستان در مجاورت بقعه پیر مرتضی‌علی‌اردستانی واقع و از بناهای تاریخی است‌که در دوره سلاجقه ساخته شده هـر چند تـاریخی ندارد ولی درگفته‌های[1] پیرجمالی اردستانی شاگرد و مرید پیرمرتضی‌در رسالات عرفانی خود نام این‌مسجد تکرار شده وحکایت داردکه مسجد مزبور در آن زمان دائر بوده است و درمحل شهرت دارد که پیش‌ازمسجد جامع بناگردیده‌است.

درحدود سال ۱۳۰۵ شمسی مقدار شصت ذرع ازاین‌مسجد خراب و جـزء

۱ــ آتشکده اردستان بخش۲ ص ۳۴۴ بنقل از رساله روح‌القدس پیرجمالی.

دبیرستان اردستان گردید.[1] این مسجد هنوز مورد توجه باستان‌شناسان قرار نگرفته ولی اقتضا دارد مورد مداقه و با سوابق تاریخی که دارد بثبت تاریخی برسد.

۱۲ - مسجد جامع جورجیر: [2]

این مسجد را صاحب بن عباد ملقب به کافی الکفات درقرن چهارم هجری درمحلی که اکنون مسجدجامع حکیم داود است بناکرده و این جامع معروف بجامع صغیر جورجیر بنابگفته مؤلف محاسن اصفهان مشتمل برشبستانها و خانقاه‌ها وکتابخانه و مدارس برای فقها و مجلسهائی برای ادباء ومحلهائی برای شعراء و صوفیان و قاریان قرآن بوده است وچون در بازار رنگرزان واقع بوده‌به آن‌جامع‌رنگرزان نیز گفته میشده است. از مزایای این‌جامع برجامع عتیق این بوده که‌خاك‌رسی که‌از آن جامع جورجیر ساخته شده محکمتر از خاك جامع عتیق‌بوده ومناره آن‌یکصد ذراع ارتفاع داشته و ساختمانهای جامع مزبور نسبت بجامع عتیق محکمتر و مرتفعتر بوده است. جامع‌رنگرزان براثر مرورزمان ویران وبرروی‌آن‌حکیم‌داود هندی مسجد معروف به حکیم ویا تقرب‌خان را درعصرصفوی بناکرد. از جامع جورجیر فقط سردری باقی است‌که در سال ۱۳۳۵شمسی از زیر خاك بیرون آمده است.[3]

بطوریکه‌ابو نعیم[4] اصفهانی‌درقرن چهارم وپنجم وصاحب‌للباب[5] فی‌تهذیب الانساب و یاقوت حموی[6] در قرن هفتم نوشته‌اند در شهر اصفهان محله‌ای‌بوده بنام جورجیر که درهمان محله جامع جورجیر بنا شده و تا زمان یاقوت‌دائربوده است و بهمین‌جهت این جامع بنام‌آن محله شهرت یافته - زیرا محله مزبور ازمحلات آباد و دارای مردمان دانشمند و زاهد ومحدث بوده است.

از معروفان آن محله ابوبکرمحدبن‌الحسن‌جورجیری از متعبدان‌ومصاحب

۱-آتشکده‌اردستان بخش۱ص۲۹.　　۲- ترجمه محاسن اصفهان ص ۶۳.

۳-گنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۴۱.　　۴- ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۴۷.

۵- اللباب ج ۲ ص ۲۴۹.　　۶- معجم‌البلدان ج ۲ ص۱۸۰.

سهل بن عبدالله که سرانجام از اصفهان بدمشق منتقل ودرآنجا وفات یافت.[1] دیگر ابوجعفر محمدبن عمربن حفص جورجیری متوفی ربیع‌الاول (۳۳۰هـ. ق) ازمحدثان که از اسحاق‌بن ابراهیم حدیث شنیده و ابواسحاق بن حمزه از او روایت کرده است.[2]

نیز ابوعبدالله محمدبن یوسف بن معدان بن سلیمان جورجیری متوفی (۱۸۴ هـ.ق) که خود و برادرانش عبدالرحمن و عبدالعزیز در محله جورجیر سکونت داشته‌اند و در مصیّصه فوت و درجنب مخلدبن‌الحسین مدفون شد.

اوراست مناقب وفضایل وهنگام فوت بسن چهل سالگی نرسیده بود. کتابهایش را دفن کردومیگفت: فرض کن که قاضی هستی سپس چه میشود، و فرض کن مفتی هستی بعد چه خواهدشد وفرض کن محدث هستی دیگر چه‌خواهد شد و درکنج‌خاموشی خزید و راه ورفتار رسول‌خدارا اختیارکرد. یحیی‌قطان وابن‌مهدی ومحمدبن‌عیینه فرازی وعصام وجبّرودیگران از او روایت‌دارندوخودازیونس بن‌عیینه واعمش‌ثوری وحمادبن زید و حمادبن سلمه وصالح‌المری و عمربن صبیح حدیث نقل‌میکرد.[3]

ازجمله محدثان محله مزبور ابوالقاسم طاهربن محمدبن احمدبن عبدالله عکلی جورجیری متوفی جمادی‌الاولی (۴۳۹هـ. ق) میباشدکه خود ازابوبکرمقری حدیث نقل کرده است.[4]

محدث دیگر ابومحمدقاسم بن‌ابی‌حامد احمدبن‌قاسم کاتب جورجیری است که در آن محله سکنی داشته و از احمدبن سلمان نجار حدیث روایت میکرده است.[5]

دیگر از معاریف‌آن محله عبدالرحمن بن یوسف‌بن معدان‌بن سلیمان جورجیری از محدثان وبرادر ابوعبدالله محمدبن‌یوسف‌متوفی(۱۸۴هـ.ق) وبرادرش عبدالعزیز جورجیری میباشد[6]

۱ــ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۷۰.
۲ــ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۷۲.
۳و۶ــ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۷۱.
۴ــ اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۱ ص۲۴۹.
۵- ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۶۴ .

فصل سیم:

درآثار و ابنیه موجود و معمور و آن مشتمل است بر۳ گفتار:

گفتار اول:

در آثار و ابنیه شهر اصفهان:

الف ـ دربیان اوضاع جغرافیائی آن:

۱ـ موقعیت نجومی:

یاقوت‌حموی[۱] درکتاب معجم‌البلدان اصفهان‌را درآخر اقلیم چهارم دانسته و طول‌آن را از جزائر خالدات ۷۴ درجه و $\frac{۲}{۳}$ درجه وعرض ۳۴ درجه و $\frac{۱}{۲}$ درجه تعیین نموده‌است.[۲]

شارح چغمینی درکتاب شرح چغمینی درباب اقالیم سبعه اصفهان را جزء اقلیم سیم و ازلحاظ طول نهار۱۳ساعت و۴۵ دقیقه وازنظر عرض۲۷ساعت‌و۳۰ دقیقه

۱ـ ابوعبدالله یاقوت‌بن‌عبدالله رومی‌دربلاد روم ولادت یافت وچندی غلام عسکربن ابی نصر حموی بود وسپس آزاد شدو بتجارت وسیاحت پرداخت وسرانجام در حلب در ۶۲۶ هجری وفات‌یافت. اوراست معجم‌البلدان ومعجم‌الادباواالمشترک.

۲ـ معجم‌البلدان ج۱ ص۲۰۶.

و در اول اقلیم مزبور تشخیص داده است.[1]

مؤلف نصف جهان در تعریف اصفهان گفته اصفهان در اقلیم معتدل میانی واقع شده و طول آن شرقی است وازجزیره فره خالدات تقریباً ۷۰ درجه و عرض شمالی آن از خط استواء ۳۲ درجه وسی و هشت دقیقه میباشد ، و از گرینویچ که مبدءِ انگلیسی دارد تقریباً ۵۱ درجه و ۵۰ دقیقه طول دارد.[2]

حمدالله مستوفی درتاریخ گزیده چنین گفته: [3] «تومانین اصفهان دروسه شهر است: اصفهان و فیروزان وفارفا آن ـ اصفهان را از اقلیم چهارم شمرده اند اما بحسب طول وعرض حکما از اقلیم سوم گرفته‌اند.

طولش از جزایر خالدات (عوم) وعرض ازخط استواءِ (لب که) [4] و در اصل چهاردیه بوده است: کران وکوشك وجویباره ودردشت باچند مزرعه».

ولی طول وعرض جغرافیائی شهر اصفهان مطابق موازین فعلی بین المللی چنین است :

طول شرقی از نصف النهار گرنیچ ۵۱ درجه و ۳۹ دقیقه و ۴۰ ثانیه و عرض شمالی آن ازخط استواء ۳۲ درجه و ۳۸ دقیقه و ۳۰ ثانیه[5]

۲ ـ حدود آن :

شهر اصفهان ازطرف شرق وشمال وجنوب محدوداست به جی که مرکب از جی و برز رود جی باشد وازطرف مغرب بماربین[6]. حدنهائی شرق شهر مقسم نهر نیاصرم و حدنهائی مغرب محله لنبان و جنوبی نهر نیاصرم ، وحد نهائی شمالی شهر اصفهان باروئی بوده که بمرورزمان خراب واز میان رفته است.

۳ ـ محیط شهر اصفهان :

درقرن پنجم هجری که مفضل ما فروخی کتاب محاسن اصفهان را تألیف کرده

۱ـ شرح چغمینی ص ۱۰۹. ۲ـ نصف جهان ص۶ . ۳ـ تاریخ گزیده ص۵۲ .
۴ـ علمای هیئت قدیم برای اختصار اعداد را بحروف تهجی حساب میکردند ومینوشتند چنانچه ۷۶ درجه وچهل دقیقه را (عوم) و ۳۲ درجه و ۲۵ دقیقه را (لب که) نوشته‌اند. ۵ـ راهنمای اصفهان دکتر هنرفر ص۱۱ . ۶ـ نصف جهان فی تعریف الاصفهان ص ۲۲ .

محیط شهر اصفهان چهارده فرسنگ طول و شش فرسنگ عرض وهشت دروازه و هشتصد دیه ومزرعه داشته‌است.[۱] ودرزمان شاردن سیاح فرانسوی یعنی قرن یازدهم هجری محیط شهر هشت فرسنگ بوده است. و درسال یکهزار و دویست‌وپنجاه‌و پنج زمان فتحعلی‌شاه قاجار محیطش چهل کیلومتر بوده‌است.[۲]

طول شهراصفهان اکنون ازطرف مشرق بمغرب هیجده‌کیلومتر وعرض آن‌از شمال به‌جنوب دوازده‌کیلومتر است.[۳]

۴- جمعیت شهر اصفهان :

جمعیت شهر اصفهان بتناسب علل‌وجهات‌کسر وازدیاد در زمانهای‌گوناگون متغیر بوده است. وضع جمعیت این شهر پیش‌از دوران صفویه روشن نیست مگر بوسیلهٔ اماراتی‌که بدست داده شده مانند اینکه درزمان امیرتیمور هنگام قتل عام هفتادهزارنفر کشته شده‌اند و میتوان پی‌برد درشهری‌که هفتادهزار نفر کشته شوند باید ده‌برابر آن جمعیت داشته باشد تا هفتادهزارنفرکشته شوند و روی این قاعده جمعیت شهراصفهان در آن زمان بالغ بر هفتصدهزارنفر میگردیده است. یااینکه در زمان امارت علاءالدوله کاکویه هرروز دوهزارگوسفند و صد رأس‌گاو ذبح‌میشده و یا اینکه درمحله گروائان پنجاه مسجد بوده است. پس اگر هر گوسفندی برای بیست نفر درنظرگرفته شود وهرگاوی برای دویست تن میتوان احتمال‌داد که در آن تاریخ جمعیت شهر اصفهان شصت‌هزارنفر بوده‌است.[۴] عددجمعیت‌شهراصفهان را در زمان شاه‌عباس اول از هفتصدهزار تا یك میلیون نفر تخمین زده‌اند. درقرن سیزدهم اوژن‌فلاندن اظهار نظرکرده که شاید جمعیت‌آن در حدود یکصد هزار نفر باشد.

مؤلف جغرافیای اصفهان جمعیت اصفهان را در زمان فتحعلی‌شاه‌قاجار در حدود دویست‌وپنجاه هزارنفر و در دوره محمدشاه قاجار یکصدوهفتادهزار نفر ودر

۱و۳- اصفهان جوانان ص۲. ۲- اصفهان جوانان ص۴ بنقل از سفرنامه اوژن‌فلاندن.

۴- محاسن اصفهان ص۸۶.

سال یکهزار و دویست و نودوچهار هجری‌قمری پنجاه‌هزار تن نوشته است.[۱]

اولئاریوس که در عهد شاه صفی بایران سفر کرده نوشته است که جمعیت شهر اصفهان پنجاه‌هزار نفر است وهیجده هزارخانه در داخل‌حصار دارد.[۲]

علت این نقصان جمعیت: گرانی ـ قتل‌عام ـ قحطی ـ وباء وبخصوص هجـوم افغانها برشهر اصفهان واطراف‌آن وکشت‌وکشتار وقحطی آن دوره بوده است.

تا رسیدن دوره پهلوی که علل‌نقصان جمعیت‌سیر تصاعدی میکرده ازجمعیت اصفهان کاسته میشده ولی از هنگامی که حکومت بدوران پهلوی رسید روز بروز برعدد جمعیت اصفهان مانند دیگر نقاط ایران افزوده شد.

جمعیت شهر اصفهان درسرشماری سال هزاروسیصدوسی‌وپنج (۱۳۳۵شمسی) ۲۵۴۸۷۶نفر بوده‌که ۹۵ درصدآن مسلمان و دو درصد یهودی و دو درصدمسیحی بوده‌اند. و در سرشماری سال ۱۳۴۵ شمسی بالغ بر۴۲۳۷۷۷نفرگردیده است.[۳]

جمعیت‌کنونی شهر اصفهان طبق‌نامه[۴] وزارت‌کشور ۴۲۹۴۰۵ نفر است وبا مقایسه‌آن با جمعیتهای گوناگون که درشهر اصفهان سابقاً وجود داشته‌است معلوم میگرددکه هرچه بتدریج علل‌وموجبات نقصان جمعیت برطرف‌گردیده بر جمعیت اصفهان افزوده شده است، وطولی نخواهدکشید با موجباتی‌که‌برای عمران‌وآبادی آن فراهم شده و میشود درزمان بسیار نزدیکی‌شماره جمعیت این‌شهر بحد اعلی خواهد رسید ، واز امروز باید بفکر مسکن فردای آن جمعیت بود و اولیای امر ناچار باید دراندیشه تهیه‌آن باشند .

۵ ـ مذهب مردم شهر اصفهان :

مذهب رسمی و عمومی مردم شهر اصفهان اسلام و جعفری اثناعشری است و دو درصدآن یهودی و دو درصد دیگر مسیحی ویك درصدهم‌کمی‌زردشتی‌و بقیه از مذاهب غیررسمی پیروی میکنند .

۱ـ جغرافیای اصفهان ص ۶۵.   ۲و۳ـ اصفهان جوانان ص ۵ .

۴ـ نامه ۱۰۶۱۵۸/۶۱۳ ـ ۵۰/۶/۲۰ وزارت‌کشور .

پیروان هر مذهبی برای انجام مراسم مذهبی خود معابدی دارند.مسلمانان درمساجدکه در این شهر بحدکافی وجود دارد واغلب آنها از آثار باستانی بشمار میرود بمراسم مذهبی میپردازند و مسیحیان هم کلیساهای مختلف درجلفا دارند که بعضی از آنها جزء آثار باستانی است یهودیها هم در کنیسه‌ها عبادت میکنند.

۶ - موقعیت طبیعی :

شهر اصفهان درجلگه سبز و خرمی درکنار زاینده‌رود واقع شده‌که‌چنانچه اشاره شد طول آن از مغرب بمشرق هیجده‌کیلومتر و عرض آن از شمال به‌جنوب ۱۲کیلومتر است.

ارتفاع آن از سطح دریا میانه۱۴۷۵ تا ۱۵۸۴متر تعیین‌شده، جلگه‌اصفهان درحدود۳۰۰متر از تهران مرتفعتر است و اختلاف ساعت میان تهران و اصفهان‌در حدود ۲۰ثانیه میباشد.

اصفهان درمرکز فلات ایران واقع شده ومنطقه‌ایست نسبتاًکوهستانی‌که از سمت مغرب در طول دره وسیعی‌که بسترزاینده رود است ازکوههای مرتفع‌محصور گردیده وکوههای آن از شمال‌غربی به‌جنوب شرقی‌کشیده شده است.

ارتفاع‌کوههای حدود اصفهان تقریباً ۳۰۰۰متر است و بزرگترین رشته‌آن‌در جنوب غربی واقع‌شده وجنس آن آهکی‌است ومواضع‌صعب‌العبور نیزدارد.سرچشمه رودخانه‌های‌کارون و زاینده رود دراین‌قسمت است.

ارتفاع کوه صفه درجنوب‌اصفهان‌به۲۴۰۰متر‌میرسد،این رشته‌کوه باتضاریس زیادی‌که دارد و بعلت نزدیکی بشهر بر زیبائی موقعیت طبیعی اصفهان افزوده است .

در بیست وپنج‌کیلومتری شمال غربی اصفهان کوههای سیدمحمد واقع شده که ازکنار جاده شوسه اصفهان شروع و به‌کوههای کرون و قمیشلو و علوی‌متصل میگردد. [۱]

۱- اصفهان جوانان ص۷-۸.

و از اینروکه جلگه اصفهان درکنار زاینده‌رود واقع شده‌آب‌وهوایش معتدل وفصول چهارگانه‌آن منظم است.

ب ـ خیابانهای شهر اصفهان در اوائل قرن چهاردهم هجری :

۱ـ خیابان خشك از بناهای صفویه‌که چون‌آب ودرخت نداشته خشك‌نامیده میشده است ولی از همان اوائل قرن مزبور ازطرف حکومت وقت اقدام‌به‌آوردن آب و درختکاری شده است.

۲ ـ خیابان درکوشك ـ ۳ـ خیابان محله نو ـ ۴ـ خیابان پشت باره دروازه‌نو ـ ۵ـ خیابان یزدآباد ـ ۶ـ خیابان کران ـ ۷ـ خیابان پای قلعه ـ ۸ ـ خیابان شمس‌آباد . (۱)

ج ـ خیابانهای فعلی شهر بترتیب حروف تهجی :

۱ـ خیابان آبشار:

این خیابان از پل خاجو بطرف گبرآباد امتداد دارد .

۲ ـ خیابان آتشگاه :

این خیابان‌ازفلکه‌نصرآبادی شروع‌وبا خیابانهای‌خرم وصارمیه و رفیع‌الدین تلاقی میکند وآتشگاه‌که یکی ازآثار تاریخی‌است و در پیش بیان شده در انتهای آن خیابان واقع شده است .

۳ ـ خیابان آذر :

این خیابان از خیابان عباس‌آباد شروع و بخیابان پهلوی ختم میشود.

۴ ـ خیابان آینه‌خانه :

این‌خیابان درجنوب غربی زاینده رود و در شرق سی‌وسه پل واقع شده‌است.

۵ ـ خیابان احمدآباد :

این خیابان از دروازه جی شروع و فلکه شکرشکن را قطع میکند و طول

۱ـ نصف‌جهان ص ۴۸.

آن هزاروششصد متروعرض آن ۲۵متر است .

۶ـ خیابان ابن‌سینا :

این خیابان ازمیدان پهلوی بطرف فلکه طوقچی عبور میکندوآنراخیابان سنبلستان نیزگویند .

۷ ـ خیابان اردی بهشت :

این خیابان از خیابان عباس‌آباد شروع و بخیابان پهلوی منتهی‌میشود .

۸ ـ خیابان استانداری :

این خیابان در ضلع شمالی باغ چهلستون واقـع و دروازه دولت را بمیدان نقش‌جهان متصل میکند .

۹ ـ خیابان اللهوردیخان :

این خیابان ازپل سی‌وسه‌پل شروع و درنزدیکی پل مارنان بانتها میرسد .

۱۰ ـ خیابان امین :

این خیابان از منشعبات خیابان استانداری میباشد .

۱۱ ـ خیابان پارس :

این خیابان از خیابان چهارباغ منشعب میگردد .

۱۲ ـ خیابان پهلوی :

این خیابان از میدان ۲۴ اسفند شروع و با خیابان صائب تقاطع میکند ، طول آن ۱۸۰۰ متر و عرض آن ۲۰ متر درجنوب شهر و در امتداد مسیر رودخـانه زاینده‌رود واقع شده است .

۱۳ ـ خیابان جامی :

این خیابان از چهارباغ منشعب و بطرف غرب امتداد دارد . مسجدرحیم‌خان دراینجا واقع‌است .

۱۴ ـ خیابان حافظ :

این خیابان از فلکه شکرشکن شروع و با میدان شاه تلاقی میکند.

۱۵ - خیابان تبریزیها :

این خیابان از خیابان جنوبی شمالی شاپور منشعب میگردد .

۱۶ - خیابان تخت‌فولاد :

این خیابان درمبدء با خیابان فیض (چهارباغ امین‌آبادسابق) تلاقی‌وبه‌تخت فولاد منتهی میشود .

۱۷ - خیابان تلواسکان = تل واژگون = ترواسکان = تل عاشقان :

این خیابان با خیابان ملك وگلزار تلاقی میکند .

۱۸ - خیابان ثریا :

این خیابان با خیابانهای چهارباغ صدر و فردوسی تلاقی میکند.

۱۹ - خیابان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی :

این خیابان ازمحل تقاطع خیابانهای سعدی و هاتف شروع و بخیابان چهارباغ متصل میشود .

۲۰ - خیابان چهارباغ پائین = کهنه = عباسی:

این خیابان در وسط شهر واقع وازطرف‌شمال‌بجنوب‌مبدء فلکه آب‌بخشان‌و انتهای آن فلکه خیابان فرح‌آباد درجنوب‌شهر بطول ۵ کیلومتر وعرض ۴۲ کیلومتر و دارای چهار رشته درختکاری‌است. مؤلف عالم‌آرای‌عباسی درباره خیابان چهارباغ اینطور توصیف‌کرده است :

« درسال‌ست‌والف‌هجری رأی‌جهان‌آرابدان قرارگرفت‌که دارالسلطنه‌مزبور»
«را مقر دولت ابد مقرون ساخته عمارات عالی طرح نمایند. بدین نیت‌صادق وعزم»
«لایق متوجه آن صوب‌گشته زمستان‌رابعیش وخرمی‌دردولتخانه مبارکه‌نقش‌جهان»
«گذرانیده اکثر اوقات را بسیر و شکار صرف میفرمودند و شبها مجالس بهشت‌آسا»
«آراسته بساط عشرت‌گسترانیده میشدوایام بهار عمارات عالی درنقش‌جهان طرح »
«انداخته معماران ومهندسان در اتمام‌آن میکوشیدند وازدروب شهریك‌دروازه در»

«حریم باغ نقش‌جهان واقع و بدرب دولت موسوم‌است از آنجا تا کنار زاینده‌رود»
« خیابانی احداث فرموده چهارباغی در هر دو طرف خیابان انداختند و ازکنار »
«رودخانه تا پای کوه جانب شهر انتهای خیابان‌چهارباغ قرار داده اطراف آنـرا»
«بر امراء و اعیان دولت قاهره قسمت فرموده‌اندکه هرکدام باغی طرح انداخته »
«در درگاه‌باغ عمارتی‌مناسب درگاه مشتمل‌بر درگاه وبساط رفیع وایوان‌وبالاخانه‌ها»
« و منظره‌ها درکمال زیب وزینت و نقاشی‌های بطلا و لاجـورد ترتیب دهند و در»
«انتهای خیابان باغی بزرگ و وسیع‌پست وبلند نه‌طبقه جهت‌خاص پادشاهی طرح»
«انداخته بباغ عباس‌آباد موسوم گردانیدندو پل عالی مشتمل‌بر چهل‌چشمه بطرز»
«خاص میان‌گشاده‌که درهنگام طغیان آب درکل یك چشمه بنظر درمیآید قـرار»
«دادندکه برزاینده‌رود بسته شده هردوخیابان بیکدیگر اتصال یابد وتاعباس‌آباد»
«یك خیابان باشد تخمیناً یك فرسخ شرعی و از دوطرف خیابان جوی‌آب جاری »
«گردد و درختان سرو و چنار و کاج وعرعر غرس شود و از میان خیابان نهری »
« سنگ بست ترتیب یابدکه‌آب از میان خیابان نیز جاری باشد ودربرابر عمارت»
«چهارباغ حوض بزرگ بسان دریاچه ساخته شود القصه هرکس از امراء واعیان»
«و سرکاران عمارات بوقوف معماران و مهندسان شروع درکارکرده و در انجام‌آن»
« ساعی‌گشتند وازآن تاریخ تا حال‌که سنه‌هجری‌به خمس و عشرین‌والف رسیده‌و»
«این‌شگرف‌نامه تحریرمییابد عمارات باصفاوباغات دلگشا بنوعی‌که‌طرح‌کارخانه»
«ابداع در عرصه ضمیر مبارك اشرف طرح افکنده بود بحیز ظهورآمده درکمال »
«لطافت و نهایت خوبی اتمام یافت، درختان سربفلك افراشته واشجـار میوه‌دارش »
«گوئی بطوبی‌جنان پیوند دارد .»

«الحاصل هرباغی ازآن‌رشك‌جنان و عمارات رفیعش‌که‌بنقوش بدیع‌مذهب»
« و مزین و بصور مصوران نادره‌کار آراستگی‌داردگوئی‌سدیر وخورنق ازآن‌نشانی»
« است بلکه در عرصه‌گیتی‌نظیر وعدیل آن محض خیال وگمانی» .

«عجب چهار باغی‌است‌بهجت‌فزا   گرش ثانی خلد گویند شاید »

«چو تاریخ آن دل طلب کرد گفتم: نهالش بکام دل شه بر آید[1] »

تاورنیه که درطی سالهای سیاحت خود ۹ بار ایران را دیده ودر فوریه ۱۶۸۹ میلادی وفات یافته راجع به خیابان چهارباغ چنین بیان کرده است:[2]

«این خیابان بیش از ۱۵۰۰ قدم طول و ۷۰ هشتاد قدم عرض دارد، و رودخانه» «تقریباً وسط آن را قطع کرده ودر آن نقطه پل بسیار عالی ساخته شده که شرحش» «را بعد خواهم گفت. در ابتدای این خیابان که وصل بعمارت سلطنتی است کوشکی» «دوطبقه[3] بنا شده که تقریباً چهل پای مربع مساحت آن است و از بالا و پائین » «پنجره‌های زیاد دارد که از چوب ولی بسیار قشنگ نجاری کرده‌اند فقط شاه و » « اعضای خانواده‌اش میتوانند از آنجا داخل خیابان بشوند، مردم دیگر که از شهر» «بیرون میروند باید از یك دروازه که درجنب آن کوشك است خارج بشوند، این » «راه موسوم است بخیابان چهارباغ و تفصیلش از این قرار است که نهر بزرگی از » «کوشك مذکور شروع شده درتمام طول خیابان امتداد یافته به پل بزرگی منتهی میشود» «واین نهر از چشمه ایکه اززیر کوشك بیرون میآید همیشه پر از آب است دوطرف نهر» «که از تخته سنگهای بزرگ مفروش است ودوسه پا عرض آنست راهروئی تشکیل میدهد» «که گاهی عابرین از آنجا نیز عبور میکنند، اما راه معمولی سواره و پیاده در دو» «طرف خیابان از پشت درختهائی است که بخط مستقیم کاشته شده تا بدیوارهای» «باغهای شاه که دوسر خیابان بآنها منتهی میشود این درختها خیلی بلند و صاف و» «مستقیم وموسوم به چنار هستند که فقط درسر آنهادسته انبوهی از شاخه و برگ دیده» «میشود. در فاصله میان نهر و درختها سنگ فرش نشده و زمین خاکی است که » « گاهی کشت و زرع مینمایند. تقریباً در دویست قدمی آن کوشك بزرگ آب چشمه» « از نهر داخل حوضی میشود که ۳۰ الی ۳۵ پا قطر دائره آن است ودر فاصله‌های» « معینی باز چندین حوض دیگر ساخته شده وهرجاکه حوضی است عرض خیابان» «را سنگ فرش کرده‌اند و راهی باندازه ده دوازده پا از کف خیابان بلندتر ساخته‌اند»

۱- عالم‌آرای عباسی ص ۵۴۴-۵۴۵. ۲- سفرنامه تاورنیه ترجمه عریضی ص ۳۹۳.
۳- درگزارش میرزاعلیخان نائینی و دیگران سه طبقه یاد شده.

«که از خیابان خارج میشود. درسمت چپ حوض اول کوشك دیگری نظیر همان»
«کوشك اولی ساخته شده‌که درحقیقت در دهنه خیابان واقع میشود وطبقه زیر»
«آن تالار طاق پوشی تا پل بزرگ خیابان سراشیب است ونهر آبشارهائی پیدا»
«میکند. تمام باغهائیکه درطرفین خیابان و این سروآن سرپل ساخته‌شده‌متعلق»
«بشاه است، اما نباید تصورکردکه‌این باغ وهمچنین‌باغ هزارجریب که‌قشنگترین»
«باغات ایران است چون باغهائی‌که ما در اروپا داریم مزین و خوب نگاهداری»
«شده باشد. در این باغها نه باغچه‌های گلکاری دیده میشود ونه خیابانهای مصفا و»
«نه زمینهائی‌که معمول باغات فرانسه و ایطالیا هستند.

«زینت باغهای ایران منحصر است‌بدرختهای میوه زیاد و همین‌چنارهائی‌که»
«بصف میکارند و فقط درسر آنها دسته انبوهی برگ‌دیده میشود، در سایر نقاط آنها»
«علفهای هرزه روئیده‌که هرگز پاك نمیکنند وعموماً شباهتی به باغهای ما ندارند»
«در دوطرف دیوار باغهائی‌که‌خیابان‌را احاطه‌کرده‌اند درفاصله‌های متساوی‌درهائی»
«ساخته شده که خیلی مزین وقشنگ هستند. درپشت سردرها همه جا تالاری»
«بناکرده‌اند.»

«ازکوشك اول تا به پل‌برسند، دروسط راه بسمت چپ خانه‌درویشی‌است[1]»
«که شاه یکی از باغهای خودرا باو داده و او این خانه‌را بنا نموده است. درآنجا»
«بعضی ازآثارمقدسه متعلق به‌علی‌علیه‌السلام وسایرائمه را در زیرطاقی‌گذارده‌اند»
«که ایرانی‌ها دروقت عبور ازمقابل آنها تعظیم وکرنشی‌می‌نمایند. این دراویش»
«هر روز سه چهارساعت بعد از ظهر دربازار آمده وهرکدام قاعده و حدی‌دارند.»
«یك پیرو یك جوان متفقاًحرکت کرده ازاین دکان بآن دکان رفته مسائل‌دینی»
«را بمردم میآموزند».

پیترودولاواالله ایطالیائی دربارهٔ چهارباغ چنین‌بیان‌کرده!

۱ــ منظور تکیه درویش حیدر است‌که درخیابان چهارباغ عباسی طبق فرمان شاه عباس‌برای او ساخته شده بود.

« چهارباغ بعضی روزها مخصوص گردش بانوان بوده ومثلا برای یك جاده »
« مسیر عمومی نمی‌توان چنین اختصاصی‌را قائل شد . طول این خیابان‌هم دوپاسه »
« میل ، پهنای‌آن تقریباً دوبرابر پهنای خیابانی است که در رم واقع و پونت مل»
« نامیده می‌شود . »

« ابتدای این خیابان در جانب شهراصفهان عمارت کوچکی‌است که‌بشکل»
« کلاه فرنگی‌ساخته‌اند واطرافش تمام ایوان وپنجره است . »

« این‌عمارت بانقاشی وتزیینات بسیار دیگری آراسته شده و برای آن‌بنا »
« شده است که بتوان خیابان را از آن مکان بلند تماشا نمود و طول آن را »
« تشخیص داد » .

« کاخ شاهی بوسیلهٔ دالانی بآنجا راه دارد ، دو دیوار بارتفاع مساوی در »
« دو سمت خیابان است وپشت این دیوارها تا حدود نصف خیابان‌باغهائی است که»
« بشاه تعلق‌دارد مردم‌اجازه‌دارند داخل‌این باغ‌ها شده‌گردش کنند وحتی‌ازمیوه‌های»
« بی‌شمار آنجا در مقابل اندك انسانیت و تعارفی نسبت بباغبان استفاده نمایند . »

« درطرفین خیابان درفاصله‌های مساوی درهای این‌باغ‌ها دیده می‌شودکه »
«روبروی‌یکدیگرقرارگرفته وهرکدام‌آنهاعمارت‌کوچك زیبائی‌است‌که فقط‌برای»
« تفریح‌کسانی‌ساخته شده است‌که بخواهند درآنجا غذائی بخورند و یابرای‌کار »
« دیگری نظیرآن بدانجا روند . »

« شماره این‌عمارت‌ها بی‌اندازه زیاد ونمای آنها خیلی آراسته ودلرباست »
« وطوری باهم قرینه وجور ومتناسب است‌که نمی‌توان تصورکرد چیزی دلپذیرتر »
« ازآن وجود داشته باشد . »

« درخت‌های فراوان درهرسو چه درخیابان و چه داخل باغ در دو سمت »
« دیوارها دیده می‌شود که ردیف هم بیك اندازه در فواصل مساوی کاشته شده »
« وچنان سبزو خرم است که هراندازه تصور کنید این نقطه با طراوت و دلگشا»
« است . »

« علاوه براینها گوشه بگوشه در فاصله های معین مقابل بناهای بسیارزیبا»
« در وسط خیابان حوض‌های بزرگ آب باتناسب صحیح واشکال مختلف بدون‌لبه»
« دیده می‌شود . آب درکف سنگفرش خیابان موج میزند وراه نسبة عریضی دردو»
« طرف برای‌عبور پیاده وسواره ساخته‌اند . »

« نهرآب بزرگی‌که دروسط خیابان جاری است در جویباری که ازسنگ »
« ساخته شده جریان دارد وبه آب‌نماها میریزد، درچندین‌حوض فواره‌های‌بسیار »
« زیبائی دیده می‌شود و دربعضی از آنها نیز بوسیلهٔ احداث پاره‌ای سراشیبها »
« آبشارهائی که در دنیا نظیرآن باین دلپسندی وجود ندارد درست کرده‌اند . »
« قسمت وسط خیابان وپای دیوارهابا سنگ های‌کوچکی فرش‌شده‌که برای‌مردم »
« واسبها ناراحت نیست . »

« لکن‌این‌طرف‌وآن‌طرف خیابان دونقطه‌ایکه خاك خوبی‌دارد جاگذاشته »
« وگلهای رنگارنگی‌نشانده‌اند یقیناً این‌گلها درموسم خود ازعطرومنظره زیبای»
« خویش دلومشام جان را محظوظ وسرشار می‌نمایند.[(۱)] »

مؤلف نصف جهان درسال (۱۳۰۸ هـ . ق) درتوصیف خیابان چهارباغ چنین گفته است :

« واز جمله امکنه‌معروف اصفهان یکی‌چهارباغ شاه‌عباسی‌است‌که معروف»
« به چهارباغ کهنه است که چون شاه عباس عمارت دولتی خود را بقدر میسور و»
« مقتضی وقت بساخت وامرای اونیزبطرف جنوب‌آن‌که مناسب آن‌وقت می‌نمود»
« عمارات زیاد بساختندی وجای ومنزل‌گرفتند آن محل‌را بمحله دولت موسوم »
« نمود واگرچه قلعه نداشته وحصاری دورآن نکشیده بودند امادری ازدیواربست »
« آن‌بطرف مغرب‌که جهت محله‌های نوآباد او بود بگشاد وآنرا دروازه دولت »
« نام نهاد و از آنجا خیابانی در جنب همان عمارات دولتی بطرف جنوب تا کنار »
« زاینده رود که الحال موسوم به چهار باغ است طرح انداخت مشتمل بر دو »

۱ــ گنجینهٔ آثارتاریخی اصفهان ص۴۸۰ بنقل ازآثار ایران .

« باغچه و دوکنار و میان آن راهی سنگ بست ساخته و راه میان وسیع وجوی »
« سنگی درمیان آن درست نمودند واطراف باغچه‌ها به‌چهارصف درخت چنار ودر »
« کنار ومیان درخت‌گل به‌ردیف یکدیگر نشاندند ، ودوطرف این خیابان باغ‌های »
« بزرگ بنا نموده و سردرها فراخور حال هرباغ منقش و خوش‌نما بساختند و »
« محاذی هر سردری درمیان چهارباغ حوضی بزرگ درست نمودند وچندموضع »
« که سمت بلندی نسبت به پیشتر ازآن داشت وممکن بود آبشار ریز بساختند »
« و زیر آن آبشاررا نیز حوضی درست نمودندکه آب از آن جوی سنگی درآن »
« ریخته وباز در جوی روان وجاری می‌گردد وبحوضهای بزرگ می‌رود وازآنجا »
« باز خارج شده وبخرج باغ‌های اطراف میرود .»

« درابتدای این‌چهارباغ قریب به دروازه دولت قصری سردر مانند برای »
« آن ساخته‌اند مشتمل بر سه طبقه که طبقهٔ زیری عمارتی وسیع و چهار فصل »
« بچهار ایوان ساخته شده است والحال وضع آن‌را تغییر اجمالی داده‌اند و در دو »
« طبقهٔ‌بالای‌آن حجرات متعدده وخوش‌نما درست‌کرده‌آنرا قصرجهان‌نما می‌نامند »
« چه بربالای آن تمام باغات وچهارباغ وعمارات نمایان است . »

« چهار باغ مذکور الحال روی بخرابی آورده ومحتاج مرمت کاملی‌گشته »
« است که خرابی آنرا درست و حالتش بجانب صلاح و خضرت و نضارت‌گراید »
« واین چهارباغ منتهی است به پل بزرگ شاه عباسی معروف به سی‌وسه چشمه »
« وباز محاذی آن خیابانی بزرگ ساخته و ازآن بلندی همچنان آبشاری ریز »
« درست نموده‌که از بالاآب درآن‌حوض میریزد ومحاذی این‌حوض مواجه‌مشرق »
« عمارت سردری عالی ساخته‌اند بر دروازه باغی که اول باغهای چهارباغ علیا است »
« وبباغ زرشك معروف‌است وبسیار باصفا جائی‌بوده واین چهارباغ‌را نیزشاه عباس »
« اول‌طرح انداخته و اتمام آنرا دیگران نموده‌اند و بچهار باغ‌بالا مشهور است »
« واین‌چهارباغ طویلتر ازاولی است ، اما عرضش‌کمتر است و بخوبی آن ساخته »
« نشده و بدستور اطرافش باغات و سردرها دارد و آنرا منتهی نموده‌اند بسه باغ »

«عباس آباد که قریب به کوه صفه و در حقیقت درابتدای دامنه آن واقع شده است»
« وبین الانام این باغ به هزار جریب اشتهار دارد چه بحسب مساحت تقریباً هزار جریب»
« است ومشتمل است بر ده قطعه که هریك بطرف جنوب بلندتر از قطعه شمالی»
« آنست ودرهریك چندآبشار ریزدرعمارت داشته آبی مخصوص از رودخانه برای»
« آن آورده بودند وباغی بی‌مانند بوده است چنانکه بعضی ازاهل فرنگ که در»
« زمان آبادی آن باغ اصفهان آمده وآنرا دیده نوشته‌اندکه امروز درآسیامثل این»
« باغ موجودنیست ووضع آن‌را شرح‌داده اماز ما احدی خبردرستی ازآن ندارد»
« نهر آن که ممرش ازبالای طبقه بالائی جنوبی اوست مسلط بر تمام طبقات وازمغرب»
« بطرف مشرق میرفت موسوم به جوی سفید بوده و در فترت افغان کـه همهٔ »
« اصفهان خراب و ویران گردید این آب نیز جهت خرابی ممرش بایستاد وباغ‌رو»
« بخرابی آورد وتا اواخر دولت زندیه دیگر اثری ازآن باقی نمانده وچنان بود»
« تا درسال یکهزار ودویست وپنجاه و پنج (۱۲۵۵) هجری که پادشاه مرحـوم »
«مبرور محمدشاه غازی انارالله برهانه باصفهان آمده روزی در اثنای گشت نظرش»
«بر اوایل ممر آن آب که از زاینده‌رود جدا نموده وبرده بودند افتاد ازهمراهان»
«سئوال ازآن فرموده کسی که آگاه ازآن بود حقیقت حال را بعرض رسانیدآن»
«پادشاه بلندهمت بعداز مراجعت ازآنجا حکم‌کرد تا مهندسان رفته بازدید آنرا»
« نموده وخرج آنرا نیز فهمیده ومعروض داشتند».

« برفور به منوچهر خان معتمدالدوله که از قبل او حاکم به اصفهان بود »
«مثال دادکه بنا وعمله فرستاده آن ممر را درست و آب را بیاورندوآن را آباد »
«نمایند موافق حکم لازم‌الاتباعش کارکنان رفته و در همان سال باتمام آن کارپرداخته»
«وآب را آوردند وبهمان جوی سفید باز معروف گردید، تقریباً بقدر یك‌شعبه از»
«نهر فدین یعنی نیمه آن بودکه درمدرسه ملاعبدالله جاری است و درهمان‌مجاری»
«با اینکه خراب بود جاری نمودند وازآبشارهای خراب باغ‌ریختن گرفت ووسط»
«باغ را خیابان طرح انداخته، درختان از میوه وگل بکاشتند و عنقریب صورت »

«نوعی و گلستانی باصفا شدومحل تفرج و تفریح مردمان گردیدوتا سی سال چنین»
بوده و ترقی و تنزل هیچکدام نداشت.

«اما در بیست سال قبل ازین آب آنرا بازمجاوران ممر آن بردند و دوباره»
«مثل اول گردید، اما چهارباغ بالاهم که آبادی مجملی داشت درین سنوات خراب»
«گشته وکمی از باغات اطراف آن باقی مانده است.[1]»

میرزا علیخان نائینی روزنامه‌نویس عصر ناصرالدین‌شاه در گزارشی که برای دربار وقت تهیه کرده وبصورت کتابی خطی[2] بزرگی درآمده و تاریخ آن گزارش (۱۳۰۰ه.ق) است درباره خیابان چهارباغ چنین گفته[3]:

«چهارباغ شاهی».

«دوچهارباغ است طولاً مقابل‌هم که عرض زاینده‌رود فاصله مابین است ،»
«شمالی رودخانه را چهارباغ پائین مینامند که وصل به باغات و عمارات مبارکات»
«و جنوبی رودخانه را چهارباغ بالا گویندکه در دامنه سفه افتاده تمام دو سمت»
«طولانی این دوچهارباغ باغات شاهی است بسیار وسیع که دربهای باغات دوطرف»
«بچهارباغها باز است وکلاً سردربهای عالیه منقش و مذهب داشته و داردکه من»
«جمله باغات یکی همین هشت‌بهشت موصوف است. پل سی‌وسه‌چشمه شاه‌عباسی که»
«روی رودخانه بسته شده فصل میان دوچهارباغ‌است‌پلی است بسیار طویل‌وعریض»
«و مرتفع شالوده‌آن با سنگ وآهك ریخته و با آجر وگچ بالا رفته و دوطرف»
«پل غرفات و غلام‌گردشهای رفیع فوقانی ساخته و چشمه‌های زیرینش‌زیادباعرض»
«وبلند، طول‌دوچهارباغ قریب‌ثلث‌فرسنگ، دهنه دروازه‌اول چهارباغ اول که‌متصل»
«است‌بدروازه‌دولت شهروخیابان‌محله‌چهارسوق‌شیرازیان‌قصرعالی‌بسیارباصفاساخته»
«شده است، سه‌طبقه مشتمل‌بر ایوانهای رفیع وچهارجانب واطاق بزرگ‌چهارفصل»

۱- نصف‌جهان درتعریف اصفهان ص۴۰-۴۳. ۲- این کتاب دردوجلدوتا چند سال پیش درکتابخانه وزارت دارائی بود . ۳ــ گزارش‌مزبور با مندرجات‌کتاب‌جغرافیای اصفهان میرزا حسین‌خان تحویلدار مطابقت دارد و معلوم نیست‌کدام سبقت دارند .

«در وسط بانضمام ارسیهاواطاقهای بسیارمرغوب درچهار سمت‌طبقات مزبورموسوم»
«به قصر جهان‌نما و این دوچهارباغ تمام‌سنگ فرش بسنگهای قطور تراشیده‌صاف»
«و سرتاسر طول وعرض دوچهارباغ دوباغچه عریض دارد و یك خیابان پهن در »
«بین آنها ووسط خیابان جوی سنگی و جلو سردرب‌های‌باغات هرکدام یك‌حوض »
«بسیار بزرگ ، آبش از نهری جداگانه جاری و درجوی طولانی وسط آب‌نماها»
«وآب‌افشارها است، چهارقطارچنارکهن‌درچهارکنار طول‌دوباغچه طرفین‌است،متن»
«باغچه‌ها تمام سال از علف‌کاری مدام سبز و خرم است ، درختهـای قوی هیـکل»
«سر بکهکشان‌کشیده و هزاران هزار طیور بشاخساران اشجار ریخته: »

« دوحةالنهر مائها صلصال — سجعةالطیر مرغها موزون »
« باد در سایه درختانش — گسترانیده فرش بوقلمون »

«وسط همین چهارباغ‌داخله شهر مدرسه شاه سابق‌الذکر است وخصایص‌آن»
«زایدالوصف، درش به‌چهارباغ بازمیشود وآب‌جاری‌مادی عظیم درمیانش‌میگذرد»
«عقب‌آن کاروانسرای سه طبقه که تا بحال از حجاری و سفت‌کاری وغیره‌چنین »
«سرائی ساخته نشده و نیز بازاری طویل مرتفع الطاق بسیار مرغوب دو طبقه در»
«جنبش افغان افتاده و الآن بایر است» .

« وضع چهارباغ بالا هم بهمین نحواست الاآنکه مدرسه وکاروانسرا وبازار»
«ندارد و آخر چهارباغ مزبور حوضی بسیار بزرگی است عرض آن تمام عرض »
«چهارباغ راگرفته سردری دارد بسیار عالی و دورو مشتمل برعمارات و ایوانهای»
«مرتفع تحتانی و فوقانی‌که یك‌روی‌آن مشرف به‌چهارباغ و روی دیگرش منظر »
«باغ هزار جریب مشهورکه هزار هزار ذرع‌مربع مسطح سطح‌آنست و در دامنه »
«کوه سفه واقع شده نهر بزرگی دارد مخصوص شرب این باغ (هزار جریب) از »
«رودخانه سوا میشود و بباغ مـزبور وارد میگردد و از آنجا خـارج نمیشود . »
« عمارات میانش خراب و اشجار زمینش از میان رفته دیوارهایش هنوز برپاست »
« ومتن باغ الآن ساده است وغله‌کار و قدیم دراین باغ قصرها وکـلاه فرنگیها و »

« برجها و آب‌نماها و جویها و جدولها و حوضها داشته والآن شالوده بعضی از آنها »
« پیداست باغی بوده که درروی زمین در آن زمان نظیر نداشته عماراتش حالا از »
« میان رفته و نقشه آبادی آن در فرنگستان و ممالك خارجه از قدیم ثبت و »
« ضبط گردیده . »

سرپرسی سایکس در تاریخ خود ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی درباب چهارباغ چنین توصیف کرده[1] :

«از ابنیه مذکورگذشته به‌چهارباغ میرسیم (میگویند چهارتاکستان دراین »
« محل بوده که بامر شاه عباس خیابان‌بندی گشته و چهارباغ نامیده شده) که آن »
« دارای چهار خیابان باشکوه که پهنای آن ، ۱۵۰ پا و حاشیه‌های آنرا مخصوصاً »
« درختان چنارمشرق فراگرفته است .»

«آب ازمجراها وجدولهای سنگی عبور میکرده و درحوضهای قشنگی که »
« سرچهار راهها (محل تقاطع جاده‌ها) تعبیه شده بود جمع میشده است، اطراف »
« خیابانها سردرهای کاشی کاری باغهای اشراف و درباریان قرار داشت».

«دکتر فریر درکتاب : هند شرقی و ایران‌میگوید : تمام عظمت اصفهان را »
« در واقع میتوان در چهار باغ مشاهده کرد . در اینجا بزرگان و اعیان شهر »
« بهواخوری‌مشغول وهریك بااتباع وهواخواهان‌خود آهسته آهسته قدم‌زده‌پیوسته»
«کوشش دارند تادر جاه و جلال و سخاوت و عظمت بر دیگران سبقت‌گیرند . »
« فضای باغ را درختان سر سبز وگلهای معطر باچشمه‌ها و جویبارها فراگرفته »
« دل و جان هررهگذر و تماشاچی‌را زنده میسازد ، در دو طرف حوضها قصرهای »
« تابستانی باتمام لوازم تفریح و زیبائی ساخته شده است ».

مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان نوشته است :

«امروز چنانچه از وضع چنارهای کهن سال مشاهده‌میشود خیابانی وسط و »
« جویهای طرفین بوضع چهارباغ قدیم‌باقی و درطرفین بجای آن باغات وعمارات »

۱ـ ترجمه‌جلد دوم ص۳۱۲.

« شاهی تجارتخانه‌ها و عمارات شخصی وجود دارد و اهالی بعادت زمان‌قدیم هنوز »
« گردشگاه و محل میعاد خودرا بدین‌خیابان اختصاص داده واز هوای آن‌محظوظ »
« و مسرور میشوند ، درقسمت آن‌طرف پل آثار تاریخی بجز چنار کهن سال روبروی »
« عمارت‌باغ زرشك «محل کارخانه صنایع پشم» بنای‌دیگری از قصور دیده‌نمیشود . »

« سیاحان اروپائی‌در آن زمان‌نوشته‌اند چهارباغ‌چشم اصفهان است‌وبالاترین »
« و زیباترین خیابانهائی است‌که در اروپا و جاهای دیگر دیده نشده است ،دراین »
« خیابان نام باغ ستاره و باغ تخت - باغ‌طاوس - باغ نسترن و غیره هنوز ورد »
« زبانها و آثارکمی از بعضی‌ازآنها دیده میشود . »

از مجموع نوشته‌ها کیفیت خیابان چهارباغ و وضع غرس اشجار و مجاری آب و ساختمانهای اطراف و عرض و طول و آرایش و زیبائی خیابان و عمارات اطراف بخوبی‌معلوم میگرددکه در زمان‌خود یکی ازگردشگاهها و تفرجگاههای ممتاز و برجسته اصفهان بلکه ایران و آسیا بوده و عنوان خیابان و معبر نداشته بلکه اصولا برای امکان تفرج سلاطین و حرمسرای آنان ساخته شده بوده است ، و چون پس از تأسیس مورد توجه ایرانیان و خارجیان قرار گرفت پل‌اللهوردی خان نیز بر روی زاینده رود بسته شد و خیابان چهار باغ تا باغ‌هزار جریب امتداد یافت‌ولی بمرور زمان بسیاری ازاجزای خود را از دست‌داد تا اینکه در زمان حاضر باغهای اطراف بکلی تبدیل بعمارات مختلف گردیده و در متن خیابان هم تغییراتی چون برداشتن حوضچه‌ها و فواره‌ها بعمل آمده است هرچند اکنون هم مانند گذشته چهار باغ نامیده میشود ولی با چهار باغ قدیم تفاوت بسیار دارد .

در قدیم باغهائی راکه در بند ه ـ گفتار دوم برشمردیم بیشترآن چون : باغ تخست - کاج - بابا امیر - توپخانه - نسترن - چهلستون - بلبل (هشت بهشت) - فتح‌آباد ـ گلدسته ـ طاوسخانه ـ پهلوان ، در این خیابان واقع بوده و مدرسه چهارباغ وکاخ هشت‌بهشت نیز دراین خیابان است .

این خیابان تاریخی بشماره ۱۰۹ بثبت باستان‌شناسی رسیده است.[۱]

۱۷- خیابان چهارباغ بالا = هزار جریب = عباس آباد :

این خیابان از انتهای پل‌اللهوردی‌خان شروع و بدامنه‌کوه‌صفه درجنوب‌شهر اصفهان منتهی می‌شود سیاحان ومورخان هر کدام راجع باین‌خیابان و منتهی الیه آن مطالبی نوشته‌که چندان باهم متفاوت نیست.

خلاصهٔ نوشته‌ها اینست‌که خیابان چهارباغ بالا نیزمانند چهار باغ پائین در اطرافش باغها وسر دربهای بسیارعالی ومنقش ساخته شده بوده تا بباغ هزارجریب میرسیده است یکی ازباغهای معروف‌که دراین‌خیابان واقع بوده باغ زرشك است که‌فعلا درخت چناری ازآن مشهود است.

چون دربیان احوال سیاحان ومورخان شمه‌ای هم از وضع خیابان بالا گفته شده قسمتی از مطالب تاورینه سیاح‌که در باب خیابان چهارباغ بالا است در اینجا نقل می‌شود :

« حالا بشرح بقیه خیابان بزرگ چهارباغ برمی‌گردیم‌ازپل‌جلفا بآن‌طرف »
« باغ هزارجریب بهمان ترتیبی‌که شرح دادم هشتصد قدم دیگر امتداد میبابد ، »
« نهری که ازپل‌بآن طرف‌کشیده شده آبش ازهمان نهرهائی‌است‌که گفتم از سه »
« چهارلیو بالاتر ازاصفهان از رودخانه جدا کرده‌اند. »

« چهارصد قدم که از پل دور می‌شوند به آبشاری‌که میان حوض میریزد »
« میرسند ، درطرفین‌آبشارده دوازده پله خورده ببالا میرود تاباآخرخیابان‌میرسد »
« که درآنجا در سردرباغ هزارجریب عمارتی بنا شده‌که عبارت از تالاری است »
« در وسط و چهار اطاق درچهار زاویه و این‌عمارت به خیابان وآب نما و آبشار »
« نگاه می‌کنند . »

« اما باغ هزارجریب برای ایران‌خیلی قشنگ است ولی درفرانسه‌اهمیتی »
« ندارد[۲] . من چندین باغ در اطراف پاریس دیدم که هیچ طرف تشبیه و قیاس »

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۴۴.

۲ـ ولی شاردن فرانسوی درسفرنامه خود راجع بخیابان بزرگ چهارباغ (بالا و پائین) نوشته : این‌خیابان زیباترین معبری است که تاکنون دیده ویاشنیده‌ام .

« با هزارجریب نمیتوان قرارداد .»

« اگر یك ایرانی باغهای رؤسا و سایر قصور سلطنتی فرانسه را بـه بیند »
« دیگر باغ هزار جریب را درنظرش قدر وقیمتی نمیماند شرح باغ هزارجریب »
« بطور اختصار چنین است : »

« چون باغ در دامنه تپه واقع شده شانزده طبقه پیدا کرده است که هر »
« طبقه ازطبقه دیگر شش‌هفت پا بلندتر است وازتمام حوضهای آن‌آب باریکی »
« جاری است وچیزیکه دراین باغ بیشتر قابل دیدن است درطبقه چهارم حوض »
« بزرگی‌است قریب ۱۲۰ پا قطر دایره آن است وشکل این‌حوض هشت‌گوشه »
« است دورآن بفاصله‌های متساوی چندین‌اوله نصب شده که‌آب ازآنها بارتفاع »
« سه پا فوران میکند و بتوسط سه پله میتوان بمیان حوض رفت .»

« نهری ازسنگ دروسط خیابان عمده باغ‌که‌بعمارت منتهی‌میشود ساخته »
« شده که بعرض‌نهر خیابان چهارباغ است وآبش‌نیز همان آب است ، یعنی‌آب »
« این‌نهر بخیابان چهارباغ ویکی ازداخل درمحاذات یکدیگر واقع‌شده‌اند .»

« درطبقهٔ دهم نیزحوض دیگری‌نظیرطبقهٔ چهارم بهمان‌شکل وبزرگی دیده »
« می‌شود و درطبقه آخرکه باغ‌بانتها میرسد نهری ازعرض‌باغ می‌گذردکه باتمام »
« خیابانهائی‌که مثل خیابان عمده درطول واقع شده‌اند تقاطع می‌نماید ودرکنار »
« آن‌نهرکلاه فرنگیهائی ساخته شده‌که ازهمه طرف باز وبی‌حفاظ است و برای »
« خنکی ساخته‌اند وآبشارهائی نیز درآن نهردیده می‌شود ، اما گل‌کاری وچمن »
« وزینتهای دیگرکه برای قشنگی باغ لازم است نه هزار جریب ونه درهیچ‌یك »
« ازباغهای دیگر ایران نباید تفحص‌کرد[1] .»

مجموع طول دوخیابان چهارباغ پائین وبالا در حدود یك فرسخ بوده ولی عرض خیابان چهارباغ بالا کمتر ازعرض چهارباغ پایین‌بوده است .

---

۱ ــ ترجمه سفرنامه تاورنیه ص۳۹۹ .

۱۸ - خیابان چهارسو شیرازیها :

خیابانی است که ازچهارسو شیرازیها که جزء محله ۱ از محلات شمالی زاینده رود است می‌گذرد .

۱۹ - خیابان حافظ (احمدآباد) :

این‌خیابان از دروازه‌جی شروع وبه فلکه شکرشکن‌منتهی می‌شود .

۲۰ - خیابان حافظ در (خاجو) :

این‌خیابان از فلکه شکرشکن‌شروع وبخیابان شاه عباس‌کبیر منتهی‌میشود.

۲۱ - خیابان حسن‌آباد :

این‌خیابان جزء خیابانهای واقع درشمال رودخانه زاینده رود است .

۲۲ - خیابان حکیم‌نظامی :

این‌خیابان درجهت شمالی جنوبی‌ساحل زاینده رودرا به‌کوه صفه درجنوب اصفهان اتصال می‌دهد .

۲۳ - خیابان خرم :

این‌خیابان از فلکه دروازه تهران شروع وبفلکه نصرآباد وصل می‌شود .

۲۴ - خیابان خوش = خشك :

این همان خیابان شاه است کـه از دروازه دولت بطرف شاپور امتداد پیدا می‌کند ومسجد قطبیه دراین‌خیابان واقع است .

۲۵ - خیابان خیام :

این‌خیابان ازهزارجریب شروع وباخیابانهای شاپور ووحید تقاطع می‌کند .

۲۶ - خیابان دالان بهشت :

خیابانهای فیض ومیروآبشاررا قطع می‌کند .

۲۷ - خیابان دلگشا = مشتاق :

خیابانی است بطول هزارمتر وعرض‌بیست متر که باخیابانهای یزد وخیابان دور شهر بهم میرسند .

۲۸ـ خیابان دورشهر :

از سه راه یزد شروع ودرپل زمان خان ختم می‌گردد .

۲۹ـ خیابان رحیم‌خان :

این خیابان از انشعابات خیابان شاه است که بین‌دروازه دولت و شاپور واقع شده است .

۳۰ـ خیابان رسومات :

این خیابان نیز از خیابان ثریا منشعب میگردد .

۳۱ـ خیابان رفیع‌الدین :

این‌خیابان ازفلکه نصر آباد شروع و به‌پل زمان‌خان منتهی میگردد .

۳۲ـ خیابان سپه :

از دروازه دولت شروع و بمیدان نقش جهان ختم میشود . کاخ چهلستون دراین خیابان واقع است .

۳۳ـ خیابان سعادت‌آباد :

این‌خیابان ازهزارجریب شروع و بفرودگاه اصفهان ختم میشود .

۳۴ـ خیابان سعدی :

این‌خیابان ازشرق خیابان جمال‌الدین عبدالرزاق شروع و به‌خیابان‌دورشهر متصل میشود .

۳۵ـ خیابان سنگ‌تراشها :

این خیابان ازخیابان شاپور منشعب میشود .

۳۶ـ خیابان سیدعلیخان :

این‌خیابان ازخیابان چهارباغ بطرف‌چرخاب امتداد پیدا میکند .

۳۷ـ خیابان سروش :

این‌خیابان، خیابان صغیر راقطع و بدروازه‌جی وصل میگردد .

۳۸ـ خیابان شاه :

این خیابان از دروازه دولت شروع و با خیابان شاپور تقاطع میکند .

۳۹ـ خیابان شاپور :

این خیابان از خیابان پهلوی شروع و بفلکه دروازه تهران منتهی میشود . مسجدلنبان درنزدیکی این خیابان واقع شده است .

۴۰ـ خیابان شاهزاده‌ها :

این خیابان از خیابان شیخ‌بهائی بطرف خیابان آذر منشعب است .

۴۱ـ خیابان شاه عباس کبیر :

از خیابان جنوبی شمالی گلزار شروع و باخیابان فردوسی و صوراسرافیل تقاطع و بخیابان چهارباغ وصل میشود .

۴۲ـ خیابان شهناز پهلوی :

این خیابان از خیابان شیخ‌بهائی شروع و بخیابان عباس آباد وصل میگردد .

۴۳ـ خیابان شیخ‌بهائی :

این خیابان که بطول ۱۵۰۰ متر و عرض ۲۳ متر است از خیابان چهار باغ شروع و باخیابان شاهزاده‌ها تقاطع وگذشته بخیابان شاپور منتهی میشود . مدرسه شمس آباد دراین خیابان واقع شده است .

۴۴ـ خیابان شیروانی :

این خیابان ازخیابان حافظ (احمدآباد) شروع و بقلعه طبره ختم میشود .

۴۵ـ خیابان صائب: (۱)

این خیابان از خیابان شاپور منشعب و پس‌از تقاطع باخیابان پهلوی در نزدیکی پل شیری بانتها میرسد . مقبره صائب و باغ او در غرب این خیابان واقع است .

۱ـ محمدعلی صائب‌تبریزی ازشعرای مبرز دوران صفویه‌است که دیوانش‌مکرر بچاپ رسیده و در (۱۰۸۶هـ یا ۱۰۸۱) وفات یافته است .

۴۶- خیابان صارمیه :

این‌خیابان ازفلکه نصرآبادی بطرف فلکه شیخ‌بهائی امتداد دارد .

۴۷- خیابان صغیر اصفهانی :

خیابان‌صغیر اصفهانی[1] از ابتدای خیابان ابن‌سینا شروع و تانزدیکی شاه میرحمزه امتداد دارد یعنی از فلکـه طوقچی شروع و در اراضی زراعتی دورشهر تمام میشود .

۴۸- خیابان صاحب‌بن‌عباد:

خیابانهای مدرس و دورشهررا قطع میکند وقبرصاحب دراین خیابان است .

۴۹- خیابان صفا :

این خیابان از نزدیکی پل‌شیری شروع و درحوالی پل‌مارنان ختم میشود .

۵۰- خیابان عباس‌آباد :

این خیابـان از خیابان چهار بـاغ منشعب و خیابان شهناز و شاپـور را قطع میکند .

۵۱- خیابان فتحیه :

خیابانی است‌کـه از پشت مدرسه چهار باغ میگـذرد و آنرا پشت مطبخ نیز گویند .

۵۲- خیابان فرح:

این‌خیابان از فلکه شیراز شروع و بنزدیکی پل‌مارنان منتهی میشود .

۵۳- خیابان فردوسی :

ازخیابان شاه عباس کبیر شروع وبفلکه دروازه تهران منتهی می‌گردد .

۱- محمد حسین متخلص به‌صغیر از شعرای مبرز معاصر و مرثیه‌سرا است‌که در ۱۳ رجب ۱۳۱۲ متولدودرآخر جمادی‌الاولی(۱۳۹۰ه.ق) بدارباقی شتافت - وی دارای انجمنی‌ادبی بنام صغیر بود ومیان شعرای معاصر اصفهانی محترم میزیست دیوان او قسمتی بنام‌گلچین صغیر بچاپ رسیده است .

۵۴ ـ خیابان فروغی :

این خیابان ازفلکه پهلوی شروع وبه فلکه دروازه تهران ختم می‌شود بقعه شیخ ابومسعود وقبرستان قبله دعا درنزدیکی این خیابان واقع است .

۵۵ ـ خیابان فیض :

همان خیابان امین‌آباد است . این خیابان از خیابان میر بطرف پل خاجو ممتد است .

۵۶ ـ خیابان قاآنی :

این خیابان ازهزارجریب شروع ونزدیك خیابان تخت فولاد ختم می‌شود .

۵۷ـ خیابان کاوه :

این‌خیابان در میدان پهلوی با خیابانهای فروغی وابن‌سینا تلاقی می‌کند .

۵۸ ـ خیابان کمال‌الدین‌اسماعیل اصفهانی :

خیابانی‌است بطول هزار و پانصد متر و عرض بیست مترکه بـا خیابانهای فردوسی وچهار باغ‌صدر ومیدان بیست‌و چهار اسفند تلاقی می‌کند. پل‌سی و سه‌پل و خاجو دراطراف این‌خیابان است .

۵۹ ـ خیابان کورش کبیر :

این‌خیابان ازشرق بابارکن‌الدین شروع وبخیابان چهارباغ بالا(هزارجریب) ختم‌می‌شود .

۶۰ ـ خیابان مارنان :

این‌خیابان ازشاپور منشعب و خیابان وحید را قطع می‌کند ، پل مارنان در این‌خیابان است .

۶۱ ـ خیابان مجمر :

این خیابان ازخیابان کمال‌الدین اسماعیل منشعب می‌شود .

۶۲ ـ خیابان محمد رضاشاه :

این خیابان ازخیابان چهارباغ شروع وبه خیابان خـرم منتهی می‌گـردد .

مسجد علی‌قلی آقا درشمال و مسجد سید درجنوب این‌خیابان واقع است .

۶۳ ـ خیابان مدرس :

این‌خیابان ازمیدان پهلوی (فلکه آب بخشان) شروع و بخیابان صاحب‌بن عباد منتهی می‌شود .

۶۴ ـ خیابان ملك :

این‌خیابان ازخیابان شاه عباس‌کبیر منشعب وبپای قلعه وصل می‌شود .

۶۵ ـ خیابان منوچهری :

این خیابان از خیابان چهار باغ صدر شروع و به خیابان فردوسی منتهی می‌گردد . امامزاده باقر درشمال آن واقع است .

۶۶ ـ خیابان مولوی :

این‌خیابان ازچهارباغ منشعب وبا خیابان شاپور تقاطع وتا جوزدان امتداد دارد . مدرسه درب‌کوشك مجاور این خیابان است .

۶۶ ـ خیابان میر فندرسکی:

خیابانی‌است‌که ازحوالی‌کوله‌پارچه بطرف خیابان نظرپیش‌میرود و درمیانه با خیابان فیض تلاقی می‌کند .

۶۷ ـ خیابان میهن :

این‌خیابان ازخیابان هزارجریب منشعب می‌گردد .

۶۸ ـ خیابان نشاط :

این‌خیابان ازخیابان حافظ شروع وبفلکه خیابان شاه عباس منتهی میشود .

۶۹ ـ خیابان نظر :

این خیابان از خیابان چهارباغ بالا منشعب و با خیابان وحید در نزدیکی پل مارنان تلاقی میکند .

۷۰ ـ خیابان وانك :

این خیابان از خیابان نظر منشعب میشود . کلیسای وانك در نزدیکی این خیابان است .

۷۱ ـ خیابان وحید :

این خیابان ازچهارراه خیابان نظر شروع وبفلکه دستگرد منتهی میشود .

۷۲ ـ خیابان هاتف : [۱]

این خیابان ازفلکه طوقچی شروع وبخیابان چهارباغ صدر منتهی میگردد . مقبره صاحب بن عبادودو مناره دردشت وامامزاده اسماعیل ومقبره خواجه نظام الملك درشرق این خیابان واقع شده است .

۷۳ ـ خیابان یزد :

این خیابان با خیابان دلگشا (مشتاق) وخیابان دور شهر تلاقی میکند . طول آن پانصد متر وعرض آن بیست (۲۰) متر است .

د ـ محلات شهر اصفهان : [۲]

درقدیم الایام شهر اصفهان دارای شش محله بزرگ باین شرح بوده است :

۱ ـ محله لنبان که درقسمت غربی جنوبی شهر اصفهان واقع بوده است .

۲ ـ محله باغ کاران که درجنوب شرقی شهر اصفهان واقع و اکنون آنجا را

---

۱ ـ سیداحمدحسینی از ادباء وشعراء واطبای ماهر بود، پدرانش مردم اردوباد آذربایجان بودند ولی هاتف دراصفهان متولد ودر آن شهرنشو و نمایافت درسرودن اشعار فارسی وعربی مهارت داشت و ترجیع بند عرفانی او شهرت بسزائی دارد . دیوانش مکـرر بچاپ رسیده است . معاشران و معاصرانش از شعراء :آذر بیگدلی وصباحی بوده اند . وی درسال ۱۱۹۸ هجری درقم وفات ودر صحن حضرت معصومه مدفون گردید .

(نقل از بزرگان ودانشمندان اصفهان ص ۵۲۸)

۲ ـ کیفیت و وضع این محلات معلوم نیست که بیکدیگر اتصال داشته ویااز هم جدا بوده اند آنچه مسلم است اینکه هریك از این محلات بقدر و اندازه شهری وسعت داشته اند .

(نصف جهان ص ۲۵)

خاجو[1] مینامند . وقسمتی از آن هنوزهم بباغ‌کاران شهرت دارد .

۳ــ محله کران‌که درمیانه شهرواقع وبطرف مشرق متمایل بوده است .

۴ــ محله چنبلان‌که در وسط شهر وبطرف مغرب آن مایل‌بوده است .

۵ــ محله جوباره‌که شمالی شهر ومایل بمشرق است .

۶ــ محله دردشت که درشمال ومایل بمغرب شهر اصفهان است .

عدد محلات شهر اصفهان در دوران سلاطین صفویه به چهل میرسیده است که دراثرفترت افغانها وخرابی‌های بعد ازصفویه تا زمان پهلوی بتدریج تغییر کرده است وبرای اینکه این آثار ملی درتاریخ بماند تمام محلاتی‌که نام‌آن‌ها درمکاتبات و محاورات مردم محل ودیگران برده شده بترتیب حروف تهجی ذکرمیشود :

۱ــ محله آب‌بخشان :

این‌محله فعلا قسمتی از آن میدان وفلکه پهلوی است وقبر ابونعیم و شیخ محمدبن یوسف بنای صوفی در آنجا واقع بوده است .

۲ــ محله آسنجان :

این‌محله بامحله دروازه‌نومتحد میباشد . وامامزاده اسحاق درآنجاست.[2] و در زمان حاضرخراب وجای‌خیابان خوراسکان فعلی‌است که درامتداد احمدآباد می‌باشد.[3]

۳ــ محله احمدآباد :

این‌محله از محله های آبادی است‌که در سمت جنوبی واقع و جزء بخش۴

۱ــ درتسمیه این محله‌به‌خاجو و نوشتن‌کلمهٔ مزبور به‌خواجو یاخاجو اختلاف‌است‌ولی‌آنچه مسلم بنظر میرسد این‌کلمه ازخا بمعنی‌کوبی‌که محل جمع شدن آبهای‌کثیف چون فضولات مطبخ باشد و جوگرفته شده یعنی جای اجتماع آبهای‌کثیف و این‌تسمیه‌هم مسلم‌بعد ازصفویه و هنگامی بوده که باغ‌کاران ازوضع قدیم خود افتاده بوده و بیشتر آن محل‌جای همان آبهای راکد وکثیف بوده است و بنابراین املای‌آنهم خاجو باالف درست است .

۲ــ تاریخ اصفهان و ری ص ۱۲۰ ۳ــ نصف جهان ص ۲۸

محلاتی است که درشمال زاینده رود واقع شده‌اند. (۱)

مدرسه جلالیه و مسجد شیعا وامامزاده اسماعیل ومقبره خواجه‌نظام‌الملک ومسجد ایلچی دراین محله واقع شده‌اند.

۱ـ این محله محل نشو و نما و سکونت عده‌ای از بزرگان و دانشمندان بوده و از آن جمله است :

۱ـ ملانورالله افندی تخلص از شعرای ملازم شاه‌عباس ماضی که در بدو امر بدیهی تخلص‌داشت وسپس به‌افندی تبدیل کرد. از اشعار او است :

بناکامی‌دمی کز کوی‌او عزم سفر کردم چوپای خویشتن درهرقدم خاکی‌بسر کردم
افندی بسکه‌نالیدم بزاری‌برسر کویش زگریه مردمان دیده راخون در جگر کردم

(تذکره روشن ص ۶۸)

۲ـ جلال‌الدین محمدطبیب متوفی (۱۱۳۱ ه.ق) از اطبای خاص شاه سلطان حسین صفوی و بانی‌مدرسه جلالیه درمحله‌احمدآباد مزبورو مدفون درهمان مدرسهٔ.

۳ـ میرزا محمدرضا مشتاق احمدآبادی‌عالم‌و حکیم وسخنور و شاعر بود و درعهدشاه سلطان حسین صفوی میزیست و بامیرزا عبدالباقی و برادرش میرزاعبدالوهاب پسران میرزا عبدالحکیم یکی از ارکان شاه سلطان‌حسین قرابت داشت. از اشعار او است :

قدرعنای نورا شوخ سراپا است بهشت راست‌گفتندکه برعالم بالا است بهشت

(صبح‌گلشن ص ۴۱۳)

۴ـ محمدفاضل‌بن محمدشفیع احمدآبادی که درسال (۱۱۱۰ ه.ق) خطاط معروف خط نستعلیق بوده است. (تاریخ‌خط و خطاطان ص۲۱۸)

۵ـ میرزا محمدطبیب‌زاده احمدآبادی فرزندمیرزا ابوالقاسم‌ناصرحکمت(متولد۱۳۰۶ ه.ق) ازمعاصران و علماء و مؤلف‌کتاب حورمقصورات در ترجمهٔ اعتقادات صدوق بفارسی و الشمس‌الطالعة درشرح زیارت عاشورا وآفتاب درخشان.

(فهرست‌آستان قدس ج ۶ ص ۳۳۶)

۶ـ میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت پدر میرزا محمد طبیب‌زاده احمدآبادی از پزشکان مشهور و مؤلف‌رسالهٔ: الافیونیه. درمضار افیون بفارسی که‌درتاریخ ۲ر۲ع‌ر۱۳۷۱ درسن ۹۳ سالگی بدرود زندگی‌گفت ودرتکیه مادرشاهزاده‌ها مدفون شد.

۷ـ سیدمحمد تقی‌بن‌حاج میرزاعبدالرزاق احمدآبادی مولود(۱۳۰۱ ه.ق) ومتوفی (۱۳۴۸ ه.ق) از علماء وصاحب تألیفات : ۱ـ وظیفة الانام. ۲ـ سراج القبور. ۳ـ بساتین الجنان. ۴ـ تذکرة‌الطالبین. ۵ـ کنزالغنائم. ۶ـ نورالابصار. ۷ـ مکیال‌المکارم. ۸ـ دیوان اشعار. از اشعار او است :

زدوری رخت ای‌پادشاه حسن وجمال رسیده جان بلب عاشقان تعال تعال

(رجال اصفهان ص ۴۶)

۴ـ محله ارجان :

اینمحله درقدیم مشهور وقاضیارجانیمدرس مدرسه نظامیه اصفهان درعهد خواجه نظامالملك طوسی که نسبش بجابر انصاری میرسید مردم این محلـه بوده است[۱] .

۵ـ محله ارجاء :

اینمحله هم درقدیم دراصفهان مشهور بوده است.[۲]

۶ـ محله اشکهان :

همان محله شیئشاستکه در ابتداءِ ماه بر واسفیش واسفیس وشئیش وشهیش گفته شده ومحلآن در بیدآبادکنونی بوده است .

۷ ـ محله الیادران :

اینمحله درقسمت غربی خیابان شاه واقع وقسمت غربی خیابان شیخ بهائی درجنوب آن میباشد .

۸ ـ محله امامزاده اسماعیل :

محلهایستکه امامزاده اسماعیلبن زیدبن حسن بن حسن بن امامعلی بن ابیطالب علیهمالسلام درآنجا مدفون است .

۹ـ محله بابالغت :

این محله ازمحلات خاجو بوده که شاه عباس ثانی درآن یکهـزار جریب کوچك بناکرده بوده است.[۳]

۱ـ از اشعار او است :

احبالمرء ظـاهره جمیل	و باطنه لظاهـره سلیم
مودته تـدوم لکـل هـول	وهل کل مودتـه تـدوم

(تاریخ اصفهان وری ص ۲۱۶)

۲ـ از ساکناناین محلهعلی بنمحمدبنالحسن ارجائی اصفهانی استکه از محدثان ونامداران محله ارجاء اصفهان بوده است . (اسماء البلدان)

۳ـ مرآت البلدان ج ۴

۱۰- محله باب‌الدشت :

این‌محله ازمحلات قدیمی‌اصفهان و درعرف مردم محل به دردشت [1] شهرت دارد وچون در قدیم‌الایام دروازه این محله بدشتی متصل میشده آنجا را در دشت نامیده‌اند.

در محله باب‌الدشت عده‌ای از اماکن تاریخی چون گنبد ابن‌سینا و منارهٔ گلدسته ومدرسه شفیعیه ومناره های دردشت واقع شده ونیز عده‌ای ازمحدثان و بزرگان قدماء از این محله برخاسته‌اند. [2]

۱۱ - محله باب‌السجن :

محله‌ای بوده که دروازه باب‌السجن درآن واقع و گویا جزء یهودیه بوده است. [3]

۱۲ - محله باب سلم :

محله‌ای بوده که دروازه سلم درآن واقع بوده است. [4]

۱۳ - محله باب عطاء خشك :

این‌محله هم دارای دروازه‌ای‌بنام باب‌عطاءِ خشك‌که منسوب‌به عطاءِخشك‌بن

۱- معجم‌البلدان ج۲ ص ۴۵۰ ۲- ازآن جمله است :

۱- ابوعبدالله محمدبن یعقوب‌بن‌مهران باب‌الدشتی متوفی (بعداز ۲۰۰ ﻫ . ق) وی‌از محدثان و پسرانش‌احمد و عبداله نیزاز محدثان بودند ، هنگامیکه ازطریق بغداد عزیمت سفر حج‌کرده بود مردم بغداد از او حدیث نوشته‌اند، و خود از محمدبن حمید و هارون‌بن مغیره و عبدالباقی‌بن قانع حدیث نقل‌کرده است . (ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۳۱۴)

۲- امیر قطب‌الدین علی‌باب‌الدشتی از بزرگان و بانیان خیر است وهمو مسجدقطبیه را که در خیابان شاه واقع است بناکرده و ظاهراً در حدود سالهای ۹۵۰ ببالا مسجد ساخته شده است .

۳- میرمجدالدین اسماعیل‌بن امیرمظفر بن‌امیرمسعودباب‌الدشتی متوفی (۹۵۵ ﻫ . ق) از امراء و بزرگان بوده و پس‌از وفات‌در مسجد قطبیه مدفون شده و تاریخ‌وفاتش‌روی‌سنگ باین‌کیفیت حك شده :

منادی بهر تاریخش ندا کرد : « که حیف ازسروبستان جوانی »

(مجله یادگار سال ۴ شماره‌های ۹ و ۱۰)

۳- ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۳۶۶ ۴- معجم‌البلدان ج ۳ ص ۲۴۰

سائب باب‌عطائی متوفی (۱۳۰ هـ.) ازسر کردگان بنی‌عباس که درخراسان میزیسته است بود. (۱)

۱۴ - محله باب کوشك :

این‌محله مطابق گفته یاقوت درمعجم‌البلدان ازمحلات بزرگ اصفهان بوده ولی اکنون به درب کوشك و در کوشك معروف است . مدرسه درکوشك و مسجد رحیم خان دراین‌محله واقع است . (۲)

۱۵ - محله باب همایون :

این‌محله درشمال زاینده‌رود واقع وچون باغ همایون‌که شرح آن در بند هـ گفتار دوم مسطوراست درآن محله ایجادگردیده‌بمحله باغ همایون موسوم شده و

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۱۴۷ ۲ـ از علماء و محدثان این محله‌است :

۱ـ ابواسحاق جلاب‌ابراهیم‌بن احمدبن‌یوسف بابکوشکی وی حدیث ازابن صاعد و طبقه اوشنیده است .

۲ـ ابوجعفراحمدبن مجاهدبن‌عبدالله مدینی باب‌کوشکی خرجانی متوفی(۲۹۰هـ. ق) وی مردم محله باب‌کوشك بود وازآنجا بمحله‌خرجان رفت‌وبمرد. او ازابوبکر وعثمان‌پسران ابوشیبة و عبدالله‌بن‌عمربن‌ابان حدیث شنید و از مشایخ ابونعیم اصفهانی بشمار میرفت .
(ذکر تاریخ اصبهان ج ۱ ص ۲۰۸)

۳ـ ابوعبدالله محمدبن نوح بن محمد شیبانی سمسار باب‌کوشکی از محدثان که از شبانه و ابراهیم‌بن حمیدطویل و ابوالولید و خلاد و حسین‌بن‌حفص روایت‌کرده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۱۰۰)

۴ـ ابومحمد قاسم بن زیـد مؤدب بابـکوشکی متوفی (بعد از ۳۵۰ هـ . ق) از محدثان‌که حدیث ازبغدادیان نقل‌میکرد، و ابونعیم‌حافظ اصفهانی از اوحدیث نقل‌کرده‌است.
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۶۳)

۵ـ ابومسعود یزیدبن خالدبن‌یزید انصاری تاجرباب‌کوشکی متوفی (۲۸۱ هـ. ق) اززهاد و عباد و محدث بود . وی ازابوالولید و ابراهیم‌بن منذرخرامی و عمروبن‌زیادگدی شاپوری روایت میکند . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۴۲)

۶ـ احمدبن ابراهیم باب‌کوشکی متوفی (۲۷۸ هـ . ق) از محدثان که حدیث از حسین‌بن حفص‌نقل میکرد . (اللباب فی‌تهذیب الانساب ج۱ ص۸۱)

۷ـ حاج‌ملا اسماعیل‌بن‌محمد جعفر حکیم باب‌کوشکی‌متوفی (۱۵شوال ۱۳۰۴هـ.ق) ازحکماء . وی استاد حاج سیدابوالقاسم دهکردی بوده است. (رجال اصفهان ص۵۲)

در دورانهای بعدنام آن به‌محله باغ حاجی تبدیل شده است .

۱۶ ـ محله باذانه :

محله‌ای درشهر یهودیه یعنی جوباره بوده‌که‌آنرا ولیدبن ثمامه امیراصفهان بناءِ نمود و این بنا بعد از سال یکصد و پنجاه (۱۵۰) هجری‌که از شهر قرار دادن یهودیه بدست ایوب‌بن زیاد میگذشت واقع‌گردید .(۱)

۱۷ ـ محله بازار :

محله‌ایست‌که جزءِ بخش‌سه و درشمال‌رودخانهٔ زاینده رود واقع‌شده‌است.(۲)

۱۸ ـ محله باطرقان :

محله‌ایست قدیمی که درکنار دروازه حسن‌آباد نزدیکی جاده فعلی یزد و مجاور باغ مراد واقع بوده است . این‌کلمه را باترقان و باطرخان نیز نوشته‌اند . این محله قبلا دهی نزدیك شهر بوده و سپس متصل بشهر گردیده و جزء محلات بشمار آمده است.(۳)

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص ۱۶ ۲ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۶۹

۳ـ محله باطرقان نیزاز محلات قدیمی و عده زیادی ازمحدثان از آن برخاسته‌اندکه ازآن جمله است :

۱ـ ابوبکر عبدالـواحدبن احمدبن محمدبن عبدالله‌بن عباس باطرقـانی مقتول در (۴۲۱ هـ. ق) از ائمه‌قرائات و راوی حدیث‌بود و درفتنه خراسان درایام مسعودبن محمودبن سبکتکین او و پیشوایان دیگری بقتل‌رسیدند . (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۱ ص۸۸)

۲ـ ابوبکر محمدبن عبدالرحمن‌بن‌حسن باطرقانی‌که درسال (۳۰۴ هـ . ق) زنده و ازحارث‌بن ابی‌اسامة و عراقیان ومحمدبن ابراهیم جیرانی واصفهانی‌ها روایت میکرده است. (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۸۰)

۳ـ ابوحفص عمربن محمدبن احمدبن داود تاجر باطرقانی متوفی (۳۵۸ هـ. ق) از محدثان و شیخ بلاواسطه حافظابونعیم اصفهانی بوده است .

(ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص ۳۵۷)

۴ـ ابوالعباس باطرقانی محدث‌که از عقیل‌بن یحیی روایت‌میکند و احمدبن شبریس معدل از او حدیث نقل‌کرده است . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۲۳)

۵ـ ابوعلی‌محمدبن احمدبن رستم باطرقانی متوفی (۳۲۱ هـ . ق) ازادباء و شعراء

←

۱۹- محله باغات :

محله‌ای است واقع در کنار جاده محله خاجو که در آن امامزاده احمدبن علی‌بن محمدباقر حسینی مدفون است و قسمتی از آن بنام پا قلعه خوانده میشود .

قرون سوم و چهارم و ازحکام اصفهان و فارس و ازاشعار عربی او است :

فان عسیرات الامور منوطة　　　بیسرین صاراعمدة لرجائکا

ولیس‌صحیح‌الرای‌من‌ظن‌انه　　　اذانابه شیئی یدوم کذالکا

یعنی پس‌بدرستی که دشواریهای‌کارها وابسته بدوآسانی است بتعبیر دیگر اینکه درهر مشکلی دوآسانی‌است و همین‌امر مایه امیدواری توگردیده‌است . ودرست نیست نظرکسیکه گمان میکند هرگاه مصیبتی باو رسیدآنهم مایه دوام امیدواری خواهدگردید . وی حدیث از اسحاق‌بن‌جمیل و طبقه او تازمان حیات‌حدیث شنیده ولی روایت نکرده است.

(الوزراء والکتاب‌جهشیادی ومحاسن اصفهان ص۱)

۶- ابوعمرو مؤدب یوسف‌بن‌ابراهیم‌بن یوسف باطرقانی از محدثان پیش‌از ابونعیم که از خالددملی در سال ۲۰۱ در صفای مکــه روایت‌کرده و محمدبن یعقوب شیبانی از او روایت میکرد .　(ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۳۴۹)

۷- ابومحمد عبدالله‌بن ضریس باطرقانی از محدثان پیش از ابونعیم که از حسین‌بن حفص روایت میکرد ومحمودبن‌صبیح ازاو حدیث نقل‌کرده است .

(ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۵۴)

۸- احمدبن‌فضل‌بن محمدبن احمدبن‌محمدبن جعفر باطرقانی مولود(۲۷۲ ه. ق) و متوفی ۲۲صفر (۴۶۰ ه. ق) وی مردی مقری و فاضل ومحدث ومکثر درحدیث بود وخود حدیث نوشت و نیکو خط بود. قرآن رانزد جماعتی قرائت‌کرد و بروایات‌گوناگون قرائت میکرد و درآن باب تصانیفی داردکه ازآنها است.　۱-کتاب طبقات‌القراء .　۲- الشواذ .

سالها در جامع‌کبیر اصفهان بعداز ابن‌مظفربن شبیب امام بود وحدیث از ابوعبدالله محمدبن اسحاق‌بن ابراهیم‌بن عبدالله‌بن خرشیدة تاجر استماع کرد و نیز از جماعتی روایت کرده است .

ابن‌منده‌گفته : در محضر امام‌عمر رحمه‌الله و شیخ حافظ ابومحمد عبدالعزیزبن محمد نخشبی و جماعتی دیگر از حضار ذکر باطرقانی میرفت، عبدالعزیزگفت :

باطرقانی را مسندی است‌که حاوی تمام صحیح‌بخاری‌است جزاینکه دومتن‌را از اصل نوشته و سپس‌اسناد را بآن ملحق‌کرده است و این‌رسم اصحاب حدیث میباشد.

(اعلام زرکلی ج ۱ ص ۱۸۶)

۹- ابراهیم شیبانی‌و راق باطرقانی ابن‌قاسم‌بن‌یونس‌بن‌عبدالملك باطرقانی ازمحدثان پیش‌از ابونعیم و از ثقات‌که خود حدیث‌از ابومسعود رازی نقل و بواسطه ابراهیم‌بن حمزه شیخ حدیث حافظ ابونعیم اصفهانی بوده است .　(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۹۶)

علت اینکه این محله را باغات میگفته اند گویا باغهای زمان ملکشاه سلجوقی بیشتر در این قسمت واقع بوده است .

محله قصر منشی هم که از محلات معتبر اصفهان در عصر صفویه بوده قسمتی از محله باغات محسوب میگردیده است .

بیشتر اهمیت این محله برای بودن مدفن امامزاده احمد میباشد که پیوسته مورد توجه وقدیمترین تاریخی که در آن دیده میشود (۵۶۳) قمری است که روی سنگی که در آستانه آن افتاده و معروف است که همان سنگ سومنات میباشد حک گردیده و در زمان صفویه عمارت امامزاده تعمیر گردیده است و همینطور در (۱۲۷۰ هـ. ق) باهتمام چراغعلیخان حاکم اصفهان تعمیر شده است .

از نامبرداران ساکن این محله درقدیم یکی : محمد باقر بن محمد جعفر باغاتی ازدانشمندان زنده در (۱۱۲۳ هـ.ق) و ازخوشنویسان خط شکسته نستعلیق بوده است که اللئالی المستخرجه من الکلمات المکنونه فیض را بخط زیبای نستعلیق شکسته نوشته است این کتاب در کتابخانه مرکزی دانشگاه وجود دارد .[۱]

دوم معزالدین محمد میرزا ابوطالب باغاتی تعمیر کننده بقعه شاه زید بن امام علی بن الحسین علیه السلام در (۱۰۹۷ هـ. ق)[۲]

۲۰ ـ محله باغ جنت :

این محله ازمحلات شمالی رودخانه زاینده رود ومجاور محله لنبان می باشد.[۳]

۱۰ـ عبدالله مجنون باطرقانی که مناظراتی با ابن عمید در اصفهان داشته و مورد توجه سلاطین وقت بوده است.

۱۱ـ ابوالفوادس نیزیکی ازمجانین موردنظر سلطان مسعود بن سلطان محمود غزنوی بوده که شرح حال عبدالله و ابوالفوادس در محاسن اصفهان مسطور و منقول است که چون علاءالدوله بدیوارکشیدن دور اصفهان مشغول شد ابوالفوادس باوگفت مگر میخواهی که باغ بسازی. علاءالدوله گفت بچه دلیل میگوئی پاسخ داد برای اینکه اصفهان راخراب کرده و برگرد آن دیوار میکشی .

۱ـ فهرست کتب خطی دانشگاه تهران .
۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۳۸۹ .
۳ـ نصف جهان ص ۲۳.

۲۱ ـ محله باغ حاجی :

این محلـه همان محلـه باغ همایـون است‌که در ازمنه مختلـفه تغییر نام یافته است .

۲۲ ـ محله باغ سلم :

محله باغ سلم یاسلم محله‌ای بوده که دروازه‌ای هم بنام باب سلم داشته و مردانی محدث ازاین‌محله برخاسته‌اند .[۱]

۲۳ ـ محله باغ عبدالعزیز :

این‌محله منسوب بباغ عبدالعزیز عجلی‌است‌که در اصفهان امارت وحکومت داشته و درحدود یهودیه واقع بوده است .[۲]

۲۴ ـ محله‌باغ عبدالله:

محله‌ای بوده واقع درجوبارهٔ اصفهان که آنرا درزبان محلی بغدلی‌میگفته‌اند وابوعبدالله‌محمدبن‌سعیدبن‌اسحاق قطان‌باغ‌عبداللهی‌ازمحدثان که‌ابواسحاق‌بن‌حمزه ازاو وخود ازیحیی‌بن ابیطالب حدیث نقل میکرده ازمردم این محله است .[۳]

۲۵ ـ محله‌باغ عدن:

ازمحلاتی بوده که درزمان ملکشاه سلجوقی‌که باغ‌عدن را برای حرمسرای خود احداث‌کرده بود دائر بوده است.[۴]

۲۶ ـ محله باغ عیسی‌بن‌ایوب :

این‌محله ازیك طرف به‌محله خشینان وازطرف دیگـر به‌محله ملنجـه و کوراء‌محدود بوده وخشینان ویهودیه‌که جوباره فعلی باشد دردوطرف باغ‌عیسی‌که

۱ـ ازآن جمله است: ۱ـ ابو بکر محمدبن احمدبن حسنویه‌باغ سلمی متوفی بعد از(۳۶۰ ﻫ. ق) صاحب اصول‌که ازبغوی روایت میکرد . ۲ـ ابومسلم نوح بن‌منصور بن مرداس سلمی اصفهانی متوفی(۲۹۵ﻫ. ق) که ازمصریان‌وعراقیان نقل میکرد و درشیراز بمرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۹۵ و۳۳۲)

۲ـ محاسن اصفهان ص۱۱ . ۳ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۷۴ . ۴ـ آشیانه عقاب دوره دوم ج۵ ص۷ .

درآن‌محله است واقع بوده .[1]

ابومحمد عیسی‌بن‌ایوب احداث کننده باغ ومحله‌که در قرون سوم و چهارم میزیسته و سندیلة عبدالله‌بن داود عابد باغ عیسائی ازعباد که حدیث از حسین بن حفص وابراهیم‌بن ایوب روایت میکرد ازمردم قدیم این محله‌اند .[2]

۲۷ - باغ کاران :

قسمتی ازآن بنام محله خاجو باقی‌مانده است .[3]

۲۸- محله باغ‌مراد :

محله نوفعلی جای محله باغ مراد قرارگرفته است ، وگفته میشود باغ‌نو را که‌محله‌آن جزء بخش۱ ازمحلاتی است که‌درآن طرف خیابان‌دور شهر افتاده‌است، مسعود میرزا ظـل‌السلطان در (۱۳۱۶ هـ. ق) در الیادران و فیمابین بنا نهاد و سپس محله مزبور بنام محله‌باغ نو موسوم‌گردید .[4]

۲۹- محله‌باغ همایون :

همان محله‌ایست‌که درمحله باب همایون شرح داده است .

۳۰- محله باقلافروشان :

یکی ازمحلاتی است‌که محله باغات را تشکیل میداده است .

۳۱- محله بان لوفه :

محله‌ای بوده درنزدیکی محله ویدآباد قدیم اصفهان.[5]

۳۲- محله بغدلی :

همان محله باغ‌عبدالله درجوباره بوده‌که شرح‌آن گذشت .

۳۳- محله بوان :

این‌محله درحدود محله جروائان بوده که شاپور ذوالاکتاف درآن محلـه

۱- ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱-۱۹ . ۲- ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۴۸ .
۳- تاریخ اصفهان و ری ص ۴۰۸ . ۴- نصف جهان ص ۱۷۷ . ۵- محاسن اصفهان ص ۸۹.

آتشگاهی نیز بناکرده بوده است.[1]

۳۴ـ محله بیدآباد:

این‌محله جزءِ بخش۱ ازمحلاتی‌است که درشمال رودخانه زاینده رود قرار دارد و مسجد تاریخی سید ومسجد علیقلی‌آقا ومدرسه میرزا حسین وحمام وچهار سوی علیقلی‌آقا دراین محله واقع شده است.[2]

درقرن پنجم هجری‌که مافروخی‌کتاب محاسن‌اصفهان را بعربی ادیبانه‌تألیف کرده این‌محله را ویذآباذ مینامیده‌اند یعنی این‌کلمه دراصل همان ویذآباذ بوده چه درآن‌زمان‌کلمات فارسی‌که آخرآن دال‌مهمله وپیش‌ازآن واو ویاءِ ساکن و یا الف ماقبل مفتوح‌بود دال مهمله تبدیل‌به ذال معجمه میگردید وروی همین‌قاعده آنرا ویذآباذ تلفظ میکردند وهمین‌کلمه بعینه درمعجم‌البلدان یاقوت حموی و انساب سمعانی ودیگرمراجع عربی آمده است.

واینکه بعضی ازنویسندگان معاصر[3] گمان‌کرده‌اند ویذآباذ معرب بیدآباد است درست نیست. چه اینکه اززمان صفویه ببعد این‌تصرفات بعمل‌آمده و مثلاً ویذآباذ بیدآباد و ویدان بیدان تلفظ گردیده است.

واصل ریشه این‌کلمه از لغت وید است که از لغات اوستائـی و از ادعیه و سرودهای باستانی اوستائی است. و آبادی آن محل را منسوب به ویدکرده‌اندکه مقدس‌القاءِ شده بوده است. واما لفظ ویدان‌را مشروحاً درکتاب آتشکده اردستان بیان‌کرده‌ام وموجبی برای تکرار نیست.[4]

درقرن چهارم‌که علاءالدوله سورمعروف خود را بدورشهر اصفهان‌میکشیده محله بیدآباد خارج شهر اصفهان بوده است ولـی درقرن پنجم قسمتی ازآن کـه بمحله بان لوفه نزدیك بوده جزءِ شهرشده بوده وقسمتی دیگر جزءِ قبرستان شهر درآمده بود.[5]

۱ـ فارسنامه ابن‌البلخی ص۸۵ و ظاهراً درست آن یوان به یاء مثناة از تحت باشد.

۲ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۹.

۳ـ مؤلف تاریخ نصف جهان در ض ۳۵.

۴ـ آتشکده اردستان بخش ۱ ص۱۰۳.

۵ـ محاسن اصفهان ص۸۹.

آنچه مسلم است این محله در زمان صفویه از محلات بزرگ و پرجمعیت اصفهان وداخل درحصار بوده است . ازمحله نامبرده بزرگانی ازعلماءِ و دانشمندان ومحدثان پیش از صفویه و نیز بعدازآن برخاسته‌اند و درآن محله اماکن تاریخی بوجود آمده است[1] .

---

۱ ــ کسانی که پیش‌ازصفویه دراین محله عرض‌اندام کرده‌اند بقرار زیراست :

۱ ــ ابوعبدالله احمدبن محمد بن عبدالله بن اسحاق بن ماجة ویذآباذی مؤدب متوفی (۴۲۲هـ. ق) وی مردی‌زاهد و مکثرالحدیث بود واز قاضی ابواحمد محمدبن‌احمدبن ابراهیم عسال روایت میکرد . (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۳)

۲ـ ابومحمد جابربن‌منصوربن‌محمدبن صالح ویذآباذی شیخ‌حدیث ابوسعیدسمعانی وخود ازابوالعباس احمدبن عبدالغفاربن اشته اصفهانی و برادرش ابوالعباس‌احمد در تحبیر حدیث نقل‌کرده است . (معجم‌البلدان ج۵ ص۳۸۶)

۳ـ ابومحمداعرج عبدالله‌بن اسحاق‌بن ابراهیم اعرج‌خیاط ویذآباذی متوفی (پیش‌از ۳۶۰ هـ . ق) که ازابوحنیفه روایت میکرده است . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۹۱)

واما بعداز صفویه :

۱ـ آقا محمدبن ملامحمد رفیع گیلانی بیدآبادی متوفی (۱۱۹۷ هـ.ق) ازاجله حکماء ومتالهان و افاضل سیر وسلوك بود و بزرگانی چون : ملاعلی نوری و میرزا ابوالقاسم مدرس مدرسه چهارباغ و ملامحراب عارف گیلانی ازشاگردان اویند . (مکارم‌الآثار ج ۱ ص۶۷)

۲ ــ حجة‌الاسلام مطلق حاج‌سیدمحمد باقربن‌محمدنقی موسوی شفتی گیلانی‌اصفهانی بیدآبادی مولود (۱۱۷۵هـ.ق) ومتوفی(۱۲۶۰هـ.ق) که درنجف ازمحضر بحرالعلوم استفاده کرده چندی هم درکربلا ازمحضر درس صاحب شرح‌کبیر ونیز درمحضر سیدمحسن‌کاظمینی استفاده‌کرد . پس ازمراجعت هشت‌سال درقم نزد میرزای قمی درس خوانده وترقیات بسیاری کرد و سپس باصفهان‌آمد . در اوائل حال بسیار درسختی بود ولی بتدریج مکانتی یافته و از سردمداران علمای ایران‌گردید . وازآثار اواست مسجد معروف به‌مسجد سید درمحله بیدآباد اصفهان‌که خود نیز درآن مدفون وبقعه وبارگاهی دارد و مورد زیارت مردم است.

(مصفی‌المقال ص۹۲)

۳ ــ حاج‌سیداسدالله‌بن حاج سیدمحمدباقرحجة‌الاسلام بیدآبادی مولود (۱۲۲۷هـ.ق) ومتوفی (سلخ جمادی‌الثانیه ۱۲۹۰هـ.ق) ازعلمای مبرز وشاگرد صاحب جواهر ومعروف به حجت‌الاسلام ثانی بود ودرعصر خود سلمان محسوب میگردید وگذشته ازتمام محاسن علمی وزهدی وخانوادگی خط را نیز بسیارشیوا مینوشت هنگام مراجعت ازسفرنجف‌اشرف در کرند دارفانی را وداع گفت ونعشش بنجف حمل ودرآنجا مدفون گردید .

(نقل بمعنی از تاریخ اصفهان‌وری)

←

۴ – آقا سیدهاشم بن حجةالاسلام حاج سید محمدباقر شفتی بیدآبادی متوفی پیش از (۱۲۹۳ هـ.ق) ازمجتهدان عصرخود بوده است . (جغرافیای اصفهان ص۹۶»

۵ – آقا سیدمؤمن بن حاج سیدمحمدباقر حجةالاسلام شفتی بیدآبادی متوفی (رمضان ۱۲۹۴ هـ . ق) وی ازعلماء ومجتهدان بود وپس‌ازوفات در نزدیکی قبر پدر درهمان مسجد سید مدفون گردید و حاج‌میرزا بهاء شاعر اصفهانی درماده تاریخ وفاتش چنین گفت :

ماه صیام نزد رسول آمد از جهان آن سیدی که مؤمن آل رسول بود

او بعد از حجت‌الاسلام ثانی درمسجد سید سمت امامت داشت .

(رجال اصفهان ص ۱۴۷)

۶ – حاج سیدمحمدباقر معروف به‌حاج آقا ابن حاج‌سید اسدالله بن حاج سیدمحمدباقر شفتی بیدآبادی متوفی (سوم رمضان ۱۳۳۳ هـ.ق) وی پس از وفات پدر باتفاق مادرش که دختر حاج ملاعلی بن میرزا خلیل طبیب بود بنجف اشرف عزیمت کرد و در آنجا بتحصیل پرداخت وپس‌ازمدتی جزء اعلام نجف اشرف بشمار آمد و محضرش از نظر علم وادب قابل توجه بود . نیکومعاشرت – تیزذهن – لطیف روح – سخی‌الطبع بود پس‌ازاقامت درنجف باصفهان برگشت ومورد قبول‌مردم واقع‌شد وبعدازانقلاب استبداد بمشروطیت بنجف برگشت و پس‌ازمدت کمی وفات کرد .

در سرودن شعرعربی بسیارقوی بود مطلع قصیده‌ایکه درمدح حضرت علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام سروده چنین است :

یابن عم‌النبی خیر مقال لك فی ارفع‌المدایح تذکر

بعد ما انزل‌الاله کتاباً فیك لایستطاع للقوم ینکر

یعنی ای پسر عموی پیغمبر بهترین گفتاری که در بالاترین مدایح تویادآوری میشود اینستکه بعدازآنکه خداوند قرآن را درباره تو نازل کرد دیگر امکان انکار مقام تو را کسی ندارد .

(اعیان‌الشیعه ج۱۳و۱۴ ص۳۳۳)

۷ – سید مهدی بن سیدمحمدعلی بن حجةالاسلام شفتی بیدآبادی مولود (۱۲۷۸ هـ.ق) ومتوفی بعد(۱۳۱۹ هـ. ق) و ازعلماء و بزرگان و اوراست کتاب غرقاب که از۱۳۰۳ هجری تا ۱۳۱۲ آنرا تألیف کرده و مشتمل برمقدمه وخاتمه و دو مرحله است که شرح حال علمای قرن یازدهم ودیگر بعد ازآن قرن‌را شرح کرده است .

(الذریعة الی تصانیف‌الشیعه ج ۱۶ ص۴۴)

۸ – سید ابوالقاسم بن حاج سیدمحمدباقر حجةالاسلام شفتی بیدآبادی متوفی پیش از (۱۲۹۰ هـ.ق) ازعلمای بارع که‌پس‌از پدر مرجع امور شرعی دراصفهان بود وپیش‌ازبرادرش حاج سیداسدالله حجت‌الاسلام ثانی درگذشت . (اعلام‌الشیعه ج۲ ص۵۱)

۹ – شیخ عزیزالله بیدآبادی از مشایخ بیدآباد اصفهان که درعلم جفر ورمل و اعداد استاد وفقیهی عالیمقدار بود واواخر قرن سیزدهم درگذشت . (جغرافیای اصفهان ص۸۳)

۱۰ – حاج میرزا یحیی مدرس بیدآبادی معروف به کاشی‌پز فرزند میرزا اسماعیل

۳۵ ـ محله بیرون دروازه :

۳۶ ـ محله پاچنار :

این محله جزء بخش۱ ازمحلاتی است‌که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۱].

۳۷ ـ محله پاشاخ :

این‌محله بطوریکه درسفرنامه تاورنیه نوشته شده دروسط شهراصفهان واقع بوده ودر آنجا مناره پاشاخ از سرشکار ساخته شده بوده است و جزء محله جوباره بزرگ بوده است[۲].

۳۸ ـ محله پافجان :

اکنون بصورت کشتکاراست ولی در قدیم از محلات شهر اصفهان بوده و بقعه شاه‌زید نیز درآنجا است[۳].

۳۹ ـ محله پاقلعه :

چون قلعه طبرك اصفهان دراین محله واقع بوده باین نام موسوم‌گردیده‌است. فخرالدوله دیلمی در این قلعه وفات کرد و در زمان صفویه خزانه جواهرات بود ولی در ۱۲۹۳ هجری فقط دیوار قلعه وجود داشت[۴] وامروز فقط نامی از‌آن‌باقی مانده است . این محله اکنون جزء بخش۴ ازمحلاتی است که درشمال زاینده‌رود قراردارند[۵]. محله پاقلعه که بعدازصفویه باین‌اسم معروف‌شده ودرقدیم جزء محله باغات بشمار میرفته مرکز رجال ودانشمندان و شعرای بزرگ و اقطاب و صوفیان

→

مدرس بیدآبادی مولود (۱۲۵۴ ه.ق) ومتوفی ششم ذی‌قعده (۱۳۴۹ ه.ق) ازبزرگان شعراء ومدرسان و مؤلفان و تخلصش در شعر یحیی بود . اوراست‌کتاب مرآت‌المصنف در احوال حاج میرزا رضا کلباسی که ضمیمهٔ‌کتاب انیس‌اللیل بچاپ رسیده است . از اشعار معروف او مخمس نوروزیه اواست‌که مطلع آن اینست :

امروز بفیروزی و به‌روزی و نوروز — با شور عرب نیك بود نغمهٔ نوروز

(رجال اصفهان ص۶۱)

۱ ـ نصف جهان ص ۲۸ . ۲ ـ تاریخ اصفهان وری ص ۹۹ . ۳ ـ تاریخ اصفهان وری ص۱۱۶. ۴ـ نصف جهان‌ص۳۱. ۵ـتاریخ اصفهان‌وری ص۱۰۰.

بنام بوده وچندین بقعه وتکیه درمزار تخت فولاد ازعلماء ورجال این‌محله بیادگار مانده است وبرای نمونه عده‌ای ازآنها را دراین موقع و محل یادآوری‌میکند [1].

گویا محلات قصرمنشی وباغات و پاقلعه و خاجو وباغ کاران بهم‌اتصال داشته و بعد از صفویه در این محلات خرابی راه یافته و از هرقسمت مختصری آبادانی داشت ولی پاقلعه نسبت بدیگر قسمت‌های آن آبادتر بوده است .

---

۱ ـ از نامبرداران محله مزبور است :

۱) میرمحمد هادی پاقلعه‌ای متوفی (۱۱رجب۱۳۱۱ه.ق) ازعرفاء ومرید رحمتعلی‌شاه ومجاز درارشاد از نورعلیشاه وسرپرستی فقرای صوفیه اصفهان را داشت .

(رجال اصفهان ص ۱۰۵)

۲ ـ میرمحمداسماعیل پاقلعه‌ای ازعرفاء وبرادر میرمحمدهادی پاقلعه‌ای وپس ازوفات میرمحمد هادی سرپرستی‌فقرای اصفهان را عهده‌دار بوده است .

۳ ـ میرزا ابوالحسن پاقلعه‌ای ازعلمای پاقلعه متوفی درحدود (۱۳۳۰ه.ق) .

۴ـ میرزا محمدحسن منجم‌باشی ولایتی پاقلعه‌ای، وی ازطایفه مدرسهای پاقلعه ومنجم بود ودر (۱۲۹۳ه. ق) بمهمات مملکتی اشتغال داشته است . (جغرافیای اصفهان ص۸۳)

۵ ـ میرزاعباس صابر علیشاه فرزند سیدمحمد هادی پاقلعه‌ای متوفی (پنجم ربیع‌الاول ۱۳۵۰ه.ق) ازمشایخ سلسله نعمت‌اللهی، وی درحسن خلق ومعاشرت وبسط ید کم‌نظیر بود وعموم مردم ازصوفی وغیر صوفی باو ارادت میورزیدند . پس از وفات درتکیه خاتون‌آبادی مدفون گردید درماده تاریخ وفاتش معلم حبیب‌آبادی چنین گفته :

سر برون کرد یکی ناگه و گفت : « از جهان عارف ربانی رفت »

۶ ـ حاج میرزاعبدالحسین سیدالعراقین پا قلعه‌ای مولود (۱۲۹۴ ه.ق) ومتوفی (دهم شوال ۱۳۵۰ ه.ق) ازبزرگان ورؤسای علمای اصفهان ومدرس ومتولی مدرسه‌چهارباغ‌سلطانی اصفهان است که تحصیلات عالیه را در نجف انجام داده بود . ماده تاریخ وفاتش را جابری انصاری‌چنین سروده :

توهم پا بکش از عراق و بگو : « عراقین بی سید و سرور است »

و بعدازفوت درتکیه بنام سیدالعراقین مدفون گردید .

۷ ـ میرزا عبدالغفار سحاب متوفی حدود اوائل قرن چهاردهم هجری ازادباء و شعراء محله پاقلعه .

۸ ـ حاج میرزا اسدالله پاقلعه‌ای متوفی (۱۳۶۰ه.ق) از علمای منزوی وماهردرعلوم ریاضیات ونجوم .

۹ ـ آقا میرمحمد باقربن میرمحمد هادی پاقلعه‌ای متوفی (هفدهم ذیقعده ۱۳۴۸ه.ق) از معاریف علماء وفضلاء وعرفاء .

←

۴۰ ـ محله پاناروَن :

محله‌ایست جزء بخش ۱ از محلاتی که درشمال زاینده‌رود واقع شده است .

۱۰ ـ آقا مرتضی بن میرزاعلینقی بن میرمحمد هادی پاقلعه‌ای متوفی (رجب ۱۳۵۲ ه.ق) از عرفاء .

۱۱ ـ محمدرضا قلیخان هما فرزند بدیع خان شیرازی اصفهانی پاقلعه‌ای مولود (۱۲۱۲ ه . ق) ومتوفی (دوازدهم ربیع‌الاول ۱۲۹۰ ه.ق) ازبزرگان شعراء وادباء وعرفاء وصاحب خانواده ودیوان بود. اشعار وقصاید بسیاری درمدایح ائمه طاهرین دارد درزمان خود مشار بالبنان بود و اشعارش را دست بدست میبردند خط نستعلیق را شیوا و زیبا مینوشت . ازغزلهای عارفانه اواست که درحال تحیر وجذبه وآشفتگی سروده است :

بسکه اندرخویش حیرانم نمیدانم کیم — کافرم گبرم مسلمانم نمیدانم کیم
گه عزیز مصر جانم بر سریر عزوناز — گاه چون یوسف بزندانم نمیدانم کیم
گه ظلمنا گوی و گه رب بما اغویتنی — گاه آدم گاه شیطانم نمیدانم کیم
گاه‌چون‌بدر آشکارم‌گاه‌پنهان‌چون هلال — گه کمال و گاه نقصانم نمیدانم کیم
گاه دردم گاه درمان گاه خارم گاه‌گل — گاه گنج و گاه ثعبانم نمیدانم کیم
گه‌سگ‌اصحاب کهفم‌گاه‌گرگ یوسفم — گاه مورو گه سلیمانم نمیدانم کیم
گاه رندباده‌نوشم‌گاه شیخ خرقه پوش — گاه دانا گاه نادانم نمیدانم کیم
گاه در بزم خردمندان ندیم عاقلان — گاه مجنون بیابانم نمیدانم کیم
گه فقیر خاکسارم گه امیر نامدار — گاه سلطان گاه دربانم نمیدانم کیم
گه گدای کوی درویشان با حق آشنا — گه همای بزم سلطانم نمیدانم کیم
صلح‌کل کردم به‌هفتادودوملت‌چون هما — باهمه‌یك‌رنگ ویکسانم نمیدانم کیم

(مقدمه دیوان طرب ص ۳۰)

۱۲ ـ میرزاابوالقاسم محمدنصیرمتخلص به‌طرب مولود (دوازدهم ذی‌قعده ۱۲۷۶ ه.ق) ومتوفی دوازدهم ربیع‌الثانی‌سال (۱۳۳۰ ه.ق) فرزند همای مذکور ازشعراء وادباء وعرفاء وخوشنویسان زمان خود ومشهور درمجامع فضل وادب وشعر وصاحب دیوان بود وهمانطور که درباب هما پدرش گفته شد طرب هم درسرودن اشعار وقصاید درمدح رسول وائمه اطهار تمایل بسزا داشته است. مطلع یکی ازقصایدش درمدح حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام چنین است :

شکر لله زنده گشتم از ثنای بوتراب — هم برآرم سر بمحشر با ولای بوتراب
خامه‌ام‌گوهرفشان‌است‌ازمدیح بوالحسن — خامه‌ام عنبرفشان است از ثنای بوتراب
سر بتاج قیصر و خاقان نمی‌آرم فرود — برسرم افسر بود تا خاك پای بوتراب
گررضای حق همی جویی‌رضای اوبجو — چونکه‌باشدخوددرضای‌حق‌رضای‌بوتراب
چون ولای بوترابستی محك قلب ونقد — قلب مملو است از نقد ولای بوتراب

۴۱ ـ محله پشت بارو

محله‌ای است جزء بخش ۱ ازمحلاتی که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است وازکنار مدرسه چهارباغ شروع میشود.

۴۲ ـ محله تحت‌الشارع :

محله‌ای بااین نام درشهر اصفهان در قرن یازدهم هجری وجود داشته و گویا

→

ومقطع چنین است :

چون سپاس‌او پیمبر گفت‌وحق گفتنش درود ‌ ‌ ‌ من چه گویم لایق مدح وسزای بوتراب
آید آمین دعایش از لب روح‌الامین ‌ ‌ ‌ چون گشاید لب طرب‌بهردعای بوتراب

(نقل ازدیوان طرب ص۵۳)

۱۳ ـ محمدحسین متخلص به‌عنقا ملقب به ملك‌الشعراء مولود (۱۲۶۰ هـ.ق) ومتوفی (۱۳۰۸ هـ.ق) فرزند ارشد هما وازبزرگان شعروادب وعرفان وخوشنویسان زمان خود بشمار میرفت و او همانطور که درباب پدر و برادرش گفته شد متمایل بسرودن قصاید و اشعار در اوصاف اهل‌بیت اطهار بود و از اشعار او است که در منقبت مولای متقیان علی علیه‌السلام سروده است :

بتا ز باده برافروز در بهار آتش ‌ ‌ ‌ که آب‌گل زده برخاك لاله‌زار آتش
بنوبهار بده باده‌ای چوآب حیات ‌ ‌ ‌ که در بهار نیاید بتا بکار آتش
ازآن شراب که گرساغری‌بروم برند ‌ ‌ ‌ ز عکسش افتد درخاك زنگبار آتش

۱۴ ـ ملك‌الادباء محیی‌الدین محمد متخلص به‌سها فرزند هما مولود (۱۲۶۲هـ.ق) و متوفی سوم ماه صفر (۱۳۳۸ هـ.ق) از شعراء و ادباء وعرفاء که مانند پدر و برادران محبت خاصی نسبت بخاندان رسول داشت وقصایدی نیز دراوصاف ومراثی آنان سروده واز اشعار او است :

منت خدای را که سها آفتاب‌وار ‌ ‌ ‌ مداح آستان علی شاه اعظم است
شیر خدا امیر عرب کزره شرف ‌ ‌ ‌ پشت سپهر از پی تعظیم او خم است

سها مردی آزاده و وارسته بود ودرتمام زندگی تأهل اختیارنکرد تا از داردنیا رحلت کرد . در ماده تاریخ وفاتش استاد جلال‌الدین همائی متخلص به سنا فرزند برادرش طرب چنین سروده :

ز رضوان دوش تاریخ وفاتش ‌ ‌ ‌ سنا پرسید از روی تألم
ز مینو پا بجمع‌آورد و گفتا : ‌ ‌ ‌ « سها پوشیده‌شد از چشم مردم »

(نقل از برگزیدهٔ دیوان سه شاعراصفهان)

درنزدیکی مسجد جامع عتیق واقع بوده است[۱].

۴۳ ـ محله تحت گنبد :

این محله درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع‌وجزء بخش‌چهاراصفهان‌است[۲].

۴۴ ـ محله ترواسکان = تل‌واژگون = تل‌استخوان :

این‌محله درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع وجزءبخش چهاراصفهان‌است[۳].

۴۵ ـ محله تکیه ظلمات :

این محله از کوچه‌ای شروع میشود که از شمال شرقی میدان نقش جهان منشعب میشود ومسجد مقصودبیك نیز درآن واقع است[۴].

۴۶ ـ محله تل عاشقان :

این محله متصل بدروازه نو بوده است.

۴۷ ـ محله تلواسکان :

این محله همان است که بچند لفظ وعبارت خوانده میشود. ازمعروفان‌این محله شیخ محمدعلی واعظ تلواسکانی است که درسال (۱۳۴۰ هـ. ق) حیات داشته وسید محمد نجم‌الواعظین عالم حکیم وشاعرادیب متوفی (۱۳۴۲هـ.ق) که تألیفاتی دارد، و نیز آقا محمد تلواسکانی که در سال (۱۲۹۳ هـ. ق) کدخدای محله مزبور بوده است[۵]. بقعه معروف به شاه‌زید که از قرن دهم هجری باقی مانده در این محله است[۶].

۴۸ ـ محله تیران و آهنگران :

این محله از محلات قدیمی اصفهان بوده و دانشمندانی نیز از آن محله برخاسته‌اند که نام آنان درتاریخ ثبت افتاده است و امروز محله‌مزبور معروف به

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۱۲۱. ۲ ـ تاریخ اصفهان وری ص۹۹.
۳ ـ تاریخ اصفهان وری ص۱۰۰. ۴ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۴۶۷.
۵ ـ جغرافیای اصفهان ص۱۲۶. ۶ ـ تاریخچه محله خواجو ص۶۳.

محله شمس آباد است[1] .

۴۹ ـ محله تیجاباد :

این محله هم ازمحلات قدیمی اصفهان ودانشمندانی ازآنجا برخاسته‌اند و معلوم میگردد که محله مزبور دراوائل اسلام‌آباد بوده است[2] .

۵۰ ـ محله جروائان :

باین نام محله بزرگی درشهر اصفهان وجود داشته که تاقرن هفتم دائربوده است ومردانی نامی از اهل حدیث از آنجا برخاسته‌اند و در فارسی نام این محله گروائان بوده‌است[3] .

درترجمه محاسن اصفهان راجع باین محله چنین توصیف شده :

« محلتی باصفهان که از تمامت محلها واطراف آن خوشتر است . ابومسلم»
«گفت : درربع مسکون خوشتر از خانه من موضعی نیست ، حاضران تمامت چشم»
«تعجب بیکدیگر بازگذاشتند وآن دعوی را ازجاده‌عقل متجاوز ودورپنداشتند.»
«ابومسلم گفت : شما از هفت اقلیم خوشتر و بهتر باعتدال از اقلیم چهارم زمینی»
«میدانید ؟ گفتند نه . بر قاعده اهل‌هیئت ودرباب هندسه وسیاحان بحرو برمحقق»

---

۱ ــ از دانشمندان تیران وآهنگران است :

۱ــ شیخ نورالدین تیرانی از محققان وعرفاء وشیخ‌سید حیدرعاملی عارف محقق قرن هشتم هجری که درتیران نزدیك شهر اصفهان ازطرف دروازه دردشت سکونت داشت .

(المحیط‌الاعظم ص۴۳)

۲ ــ میرزا عباس فایض فرزند ملا محمدعلی سهیلی شمس‌آبادی تیرانی وآهنگرانی مولود (۱۳۰۸ هـ.ق) ازفضلاء وشعراء واز اشعار اواست :

نسبتی روی نکویش را بمهر و ماه نیست　　مهرومه‌هرگزچوروی‌خوب‌اودل‌خواه‌نیست

(تذکره شعرای معاصراصفهان ص۳۴۱)

۲ ــ ازدانشمندان تیجاباد است :

۱ ــ ابوزید تیجابادی ازعلمای نحو وشعراء درقرن پنجم هجری .

(محاسن اصفهان ص۳۳)

۲ ــ ابونصر تیجابادی ازمهره علم نحو ولغت وازشعراء قرن پنجم هجری .

(محاسن اصفهان ص۳۳)

۳ ــ معجم‌البلدان ج۲ ص۱۳۰ .

«است که ازجهت آب گوارنده شیرین صافی سبك و هوای تروتازه وتنگ وفضای»
«فراخ وروشن اصفهان‌که ناف آن است خوشتر وبهتراست وباتفاق اهل اصفهان از»
«تمامت اطراف ومحله‌هاجروائان درآن محلت خوشتراز خانه من نیست[1]. وصاحب»
«مرآت‌البلدان احتمال داده‌که محل این‌محله چهارباغان باشدکه منظورچهارباغ»
«طوقچی است‌که اکنون اثری‌ازآن بجای نمانده است[2].»

مؤلف تاریخ اصفهان و ری‌گفته شاید جیران پائین دروازه باشد[3]. وابونعیم گفته ازمحلات نزدیك مسجد جامع اصفهان است که همان گروائان باشد[4].

ونیز درمحاسن اصفهان[5] گفته شده‌که برحسب روایات‌موثق درمحله‌جروائان در زمان کمی دورتر از قرن پنجم پنجاه مسجد معمور بوده است که مردان نامی بمناسبت رقابت دراینکه در مسجد دیگری برای نماز حاضر نشوند خود بعمارت مسجد پرداخته‌اند و در هریك از آن مساجد کمتر از پنجاه مرد بنماز جماعت نمی‌ایستادندکه هریك از مردان مزبور درمحل خود ریاست داشتند و الآن (قرن پنجم) آن محله ومساجد آن بیشترش نشانه‌ها و آثار باستانی گردیده است.

ازاین‌محله که درقرن‌پنجم ازبین‌رفته بوده محدثان ودانشمندانی برخاسته‌اند ودرتاریخ نام‌آن محله را ثبت‌کرده‌اند[6]. اما دراشتقاق ووجه تسمیه‌کلمه جروائان چند وجه احتمال دارد : یکی اینکه جروائان معرب گروائان مشتق از گریوه

۱ــ ترجمه محاسن اصفهان ص۲۱. ۲ــ مرآت‌البلدان ج۴ ص۲۲۲. ۳ــ تاریخ اصفهان وری ص ۴۱۰. ۴ ــ ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص۱۶-۱۷. ۵ــ محاسن اصفهان ص ۸۹. ۶ ــ کسانیکه منسوب باین محله میباشند و در کتب رجال و تاریخ و حدیث ثبت شده‌اند اسامی آنان چنین است :

۱ــ ابوعلی عبدالرحمن بن محمدبن الخصیب بن رسته (ابراهیم بن الحسن الجروائانی الضبی) متوفی (۳۸۶ ه . ق) ازمحدثان که ازفضل بن خصیب روایت کرده است.
(معجم‌البلدان ج۲ ص۱۳۰)

۲ ــ ابوبکر احمدبن عبدالله بن سهیل جروائانی ازمحدثان که بیك واسطه شیخ‌حدیث ابونعیم‌حافظ اصفهانی متوفی (۴۳۰ ه.ق) بوده است. (ذکراخباراصبهان ج۱ص۱۶۸)

۳ ــ ابوبکر محمدبن عبدالرحمن بن الخصیب جروائانی از محدثانی که از عبدالله بن جعفر بن احمدبن فارس روایت میکرد. (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۰۸)
←

۴ ــ ابوجعفر محمدبن علی جروائانی ازمحدثان که پیش‌از ابونعیم میزیسته است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۳۴)

۵ــ ابوحاتم غانم‌بن عمربن‌محمدبن احمدبن‌مسلم جروائانی وی ازمحدثان و پسرعم همام قاضی بود واز ابراهیم‌بن محمدبن‌الحسن روایت میکرد .
(ذکراخبارا‌صبهان ج۲ ص۱۵۰)

۶ ــ ابوحامد محمدبن‌الازمع بن‌الاشنع بن طلعة بن‌عبیدبن مالك‌الازدی جروائانی‌محدث که ازمحمدبن بکیر روایت میکرد . (ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۲۱۴)

۷ ــ ابوداود محمدبن‌الازمع که همان ابوحامد باشد چه‌اورا دوکنیه بوده است .

۸ ــ ابوسعید اعین‌بن محمدبن مندویه‌بن حمادبن‌زهیربن سعیدبن عطیة مولی‌العباس‌بن مرداس متوفی (۲۷۰ هـ.ق) ازمحدثان که از ابوالولید طیالسی‌و ابوحذیفه روایت میکرد و جدش حماد ازکوفه باصفهان انتقال یافته بود . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۸۸)

۹ ــ ابوعامر جروائانی ازشعراء وکتاب اصفهان قبل‌ازقرن پنجم هجری که از اشعار او است :

سقی‌الله جیا ان جیاً لذیذة — من‌الغیث ما یسری لها ثم یبکر
فلا بقة فی‌اللیل یؤذیك لسعها — لنوم ولا برغوثة حین تسهر
و ماء رکایاها زلال کانه — اذاماجری فی‌الحلق ثلج و سکر

یعنی خداوند سیراب گرداند جی را که جی لذت‌بخش است از باران تا زمانی که شب بروز وروز بشب میآید، پس نه پشه‌ای درشب نیشش تورا آزار میدهد درهنگام خواب ونه‌کیکی هنگام بیداری و آب چاه‌های آن چنان صاف است‌که در هنگامی‌که درحلق جاری گردد گویا برف و قند است . (محاسن اصفهان ص۵)

۱۰ ــ ابوالعباس احمدبن محمد (معروف به ابوجعفر جروائانی) بن علی جروائانی ازمحدثان و راوی از عمروبن علی ورياش وحسن‌بن عرفه و بیك واسطه شیخ ابونعیم حافظ اصفهانی است . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۳۴)

۱۱ ــ ابوعبدالله حسین‌بن محمد مؤدب جروائانی از محدثان که از ابراهیم‌بن متویه روایت‌کرده است ودرسن شصت‌سالگی وفات کرد . (ذکراخباراصبهان‌ج۱ ص۲۸۴)

۱۲ ــ ابوعبدالله محمدبن احمدبن اسباط جروائانی متوفی رجب (۳۰۸ هـ . ق) وی شبخی ثقة بود ومحمدبن حیان ازاو وخود ازاحمدبن بدیل حدیث روایت میکرد .
(ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۲۴۶)

۱۳ ــ ابوعبدالله محمدبن سلیمان‌بن عبدالله جروائانی از محدثان که معروف به وکیل بود ، الناس ازاو حدیث نقل میکرد ، ولی اُزخود اوحدیثی بیرون نیامده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۹۸)

۱۴ ــ ابوعبدالله محمدبن عبیدة‌بن‌یزیدبن عبیدة جروائانی متوفی (۳۰۱ هـ. ق) از

ثقات محدثان که از سلیمان بن عمر بن الاقطع ومؤمل وابن عسکر ویوسف قطان روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۳۸)

۱۵ ـ ابوعبدالله محمدبن نوح جروائانی ازمحدثان و حدیث از بصریان نقل میکرد ویوسف مؤذن وعبدالله بن محمدبن جعفر ازاو حدیث نقل کرده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۱۵)

۱۶ ـ ابو عمروسعیدبن بشربن حماد قرشی جروائانی وی ازاهل فضل وپسرش ممشاذ از محاسبان اصفهان بود وی از مقری و خلاد و بکربن بکار و عاصم بن یوسف روایت میکرد وعبدالله بن جعفر ازاو روایت داشت .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۲۷)

۱۷ ـ ابوغسال یا ابومحمد رجاءبن صهیب جروائانی متوفی (۲۵۱ ه.ق) واو است رجاءبن ابورجاء مؤذن مسجد فضل بن برغوث و وی از افاضل اهل اصفهان و مجاب الدعوة بود ، خود ازمحمدبن زنبور وابوعاصم نبیل وروح بن عبادة و بکربن بکار وسعیدبن عامر و یعقوب حضرمی وغیرآنان روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۱۵)

۱۸ ـ ابومسلم محمدبن بحر جروائانی مولود (۲۵۴ ه.ق) ومتوفی (۳۲۲ ه.ق) از کتاب ومترسلان وشعراء معاصرالمقتدربالله ومؤلف کتابهای : ۱ ـ جامع التأویل لمحکم التنزیل علی مذهب المعتزلة ۲ ـ کتاب جامع الرسائل است . اومدتی ازطرف خلیفه عامل فارس بوده است .
(اخبارالوزراء والکتاب جهشیاری)

۱۹ ـ احمدبن یحیی بن حجاج جروائانی از محدثان پیش ازقرن پنجم که حدیث از شاذکونی و سهل بن عثمان و عمروبن علی که اخبار مجهول نقل میکرد حدیث گفته است و شیخ ابونعیم حافظ اصفهانی بیك واسطه بوده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۱۷)

۲۰ ـ حافظ ابراهیم بن عمروبن حفص بن معدان جروائانی متوفی (۲۵۱ ه . ق) از محدثان واز بکربن بکار وسلیمان بن حرب وعلی بن عبدالحمید ومحمدبن ابان وحسین بن حفص روایت میکند ، وهارون بن سلیمان ومحمدبن یحیی بن مندة ازاو روایت دارند .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۸۱)

۲۱ ـ سعیدبن عطاءبن سعید جروائانی وی برادر حسن بن عطاء واز عامربن ابراهیم روایت میکرد واحمدبن حسین انصاری ازاو روایت میکند .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۰۹)

۲۲ ـ عبدالرحمن بن احمد جروائانی از محدثان بود . احمدبن اسحاق از وی و خود از ابان بن شهاب روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۱۲)

۲۳ ـ عبدالله بن احمدبن خازن جروائانی وی ازخدام و خازن کتب صاحب کافی واز بلغاء وفصحاء وشعراء وادباء بود ازاشعار اواست :

کالغزال التفاتة و دنواً — والهلال استدارة و استنارة
فض تقصاره و حل حباه — و لوی صدغه و ارخی ازاره

بمعنی تل وپشته یا پستی وبلندی باشد وآن اخر بمعنی نسبت یعنی جای پستی و بلندی که بااین فرض محله مزبور درچنین جائی واقع بوده است[۱].

دوم اینکه جروائان معرب گروائان مأخوذ ازگوروائان باشد وگورهم جای پست ونهان راگویند وتقریباً با معنی اول متقارب است[۲].

واینکه‌گفتیم‌حروف‌آن برای‌نسبت است این‌وضع دراسامی واعلام‌جغرافیای اصفهان واطرافش‌که مربوط به‌پیش‌ازاسلام است زیاد دیده میشود چون:اشکهان ـ باطرقان ـ سنبلان ـ کمائان ـ خرجان ـ دلیجان = دلیگان ـ فرسان ـ یوان و غیر ذلك .

۵۱ ـ محله جرین :

این محله دارای بازاری بوده موسوم به سوق جرین‌که در نزدیکی دروازه‌ خور درمحله واذار واقع بوده و سالی دوماه ازروز نوروز درآن بازاری جامع تمام امتعه تشکیل میگردیده ومردم اصفهان دراین مدت بعیش و شادی می‌پرداختند و چون عضدالدوله درایام‌کودکی این بازاررا دیده بود هنگام پادشاهی‌خود درشیراز هم دستورداد دربازار امیر همین رویه را معمول دارند[۳]. اما وجه‌تسمیه جرین‌که معرب‌گرین است بنظر میرسدکه تصحیف‌گران است وچون درآن‌بازارامتعه‌گران

→

یعنی مانند آهو درنگاه‌کردن وزیبائی وچون ماه نو درگردی ونورانیت‌بود،لباسهای کوتاه اورا درهم ریخت وجامه روی او را گشود ، و گونه‌اش را درهم پیچید و جامه‌اش را رها کرد . (معجم‌الادباء)

۲۴ـ ممشاذ محمدبن سندیله‌نحوی جروائانی‌وی‌صاحب عربیت‌بودوحدیث ازمحمدبن بکیر وسهیل و شاذکونی نقل میکرد و نام سندیله پدرش عصام بود ، اسماعیل شروطی از او حدیث نقل کرده است . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۱۵)

۲۵ ـ هیثم‌بن فورك جروائانی ازمحدثان وبرادر مادری عمران‌بن عبدالرحیم است که جماعتی ازاو روایت کرده‌اند . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۳۹)

۲۶ ـ یوسف‌بن مهران جروائانی وی ازاصحاب نعمان ویکی از ثقات بود . رسته و محمدبن عاصم ازاو روایت کرده‌اند . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۴۶)

۱و۲ ـ برهان قاطع درحرف کاف فارسی ص ۱۳۱۵ . ۳ ـ محاسن اصفهان ص۹۳ .

بهاءِ را میفروختهاند باین نام خوانده شده است[1] .

۵۲ ـ محله جسر الحسین :

نام محلهای بودهکه پلحسین درآن واقع بوده وازآن محله استابراهیمبن علیبنالجسری راوی از ابوعمروبن حکیم و طبقهاش[2].

۵۳ ـ محله جلفا :

این محله که درقدیم آنرا جولاهه میگفتهاند جزءِبخش۵ از محلاتی است که در جنوب رودخانه زاینده رود واقع شده و دارای کلیساهای معروف وانك و بیدخم وغیرآن میباشد وسکنه نخستآن ازجلفای روس باصفهانکوچداده شدهاند ومؤسس این انتقال شاهعباس بزرگ بوده است[3] .

ازجلفا مردان نامی هم برخاستهاند ونشان دادهاند که مردمانی وطنپرست وبکشور ایران علاقمندند[4] .

۵۴ ـ محله جلك :

در معجمالبلدان[5] از ابوسعد بنقل ازتاریخ ابوبکربن مردویه اصفهانیکه

---

۱ ـ واحتمال هم داردکه جرین معرب ژیرین باشد که معنای زیرین را میدهد وبا این فرض استنباط میشودکه بازاری دربالا بوده است که آنرا بازار جرین یا ژیرین مینامیدهاند .

۲ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۰۳ ۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .

۴ ـ ازنامبرداران محله جلفاست که اکنون قصبهای بزرگ بشمار میرود :

۱ ـ ناظمالدوله میرزا ملکمخانبن یعقوب ارمنی جلفائی متوفی (۱۳۲۷ هـ . ق) از دانشمندان سیاس روزگار قاجاریه و مؤلف : ۱ ـ رساله کشفالغائب . ۲ ـ رساله رفیق و وزیر مطبوع در (۱۳۲۵ شمسی) . ۳ ـ رساله رسمالخط جدید . وی مدیرروزنامه قانون نیز بودکه چند شماره ازآن انتشار یافت . (تاریخ سرپرسیسایکسج۲ ص۴۱۶)

۲ ـ فریدونبن میرزاملکمخان جلفائی متوفی (بعد۱۳۲۶هـ.ق) وی پسرمیرزاملکمخان ناظمالدوله واز مورخان . اوراست : تاریخ گزیده دربیان وقایعتاریخی سلطنت شارل پادشاه انگلستان که جلداول آن باهتمام دکترجلیلبن عبدالباقی درسال (۱۳۲۶ هـ.ق) درپاریس به طبع رسیده است . (فهرست کتابهای چاپی فارسی مشارج۱ص۳۳۴)

۳ ـ دکتر تومانیانس جلفائی ازمعاصران ومؤلف کتاب بهداشت دراسلام .
(فهرستکتابهای چاپی فارسی ج۲ ص۱۸۹۲)

۵ ـ معجمالبلدان ج۲ ص۱۵۵ .

گفته جلك بروزن جرذ گمان میکنم از دهات اصفهان است . ولی بنظر نگارنده چون در هیچ کجا چنین دیهی نه درگذشته و نه‌حال دراطراف اصفهان نبوده بیقین باید گفت که محله‌ای بوده است و این محله هم وسعتی داشته و مردانی از آنجا برخاسته‌اند[1] .

۵۵ ـ محله جماله کله :

این محله جزء بخش۳ از محلات شمالی رودخانه زاینده رود میباشد و در شمال درب مسجد حکیم وتل عاشقان واقع است[2] .

محله مزبوربمناسبت اینکه کدخدای آن مردی بنام جماله‌کله یعنی‌جمال شل بوده باین اسم خوانده شده است .

۵۶ ـ محله جو باره :

نام این محله بچندوجه خوانده شده است :

۱ ـ جوبره مخفف جوباره .

۲ ـ جویباره که ازلغت جویبار وجائی‌که‌درآن جوی آب روان باشدگرفته شده است[3].

۳ ـ جوبار و باین ترکیب محل دیگری هم غیراز جویباره اصفهان وجود دارد[4] .

---

۱ ـ ازآن جمله است :

۱ ـ ابوصالح محمدبن عبیدالله‌بن احمدبن محمدبن حفص جلکی که ازاحمدبن‌عصام روایت میکرد ومردی ثقه بود واحمدبن موسی‌بن مردویه ازاو روایت‌کرده است .
(ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۲۸۰)

۲ ـ ابوالفضل‌عباس‌بن ولیدبن‌مرداس جلکی محدث‌که ازقاسم‌بن‌حکم عرفی‌واحمدبن یونس ضبی واصرم‌بن حوشب وقتیبة‌بن مهران روایت‌میکرده است .
(اللباب فی تهذیب‌الانساب ج۲ ص۲۳۳)

۳ ـ ابویعقوب اسحاق‌بن اسماعیل‌بن موسی‌بن مهران جلکی متوفی(۲۷۹ ه.ق)شیخی ثقة وازبصریان چون : ابوالولید وسهل‌بن‌بکار ومعاذبن‌اسد وابوالربیع واسماعیل‌بن‌ابی‌اویس وسعیدبن منصور وغیرآنان روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۱۷)

۲ـ تاریخ‌اصفهان‌و ری ص۹۹. ۳ـ نصف‌جهان ص۲۴. ۴ـ المشترك ص۱۱۰.

۴ ـ جوباره که مخفف جهودباره یا جویباره باشد وبهردووضع درست بنظر میرسد[1] .

۵ ـ جهان‌باره که کنایه از باروی بسیار بزرگ میباشد و شاید از این نظر باشد که با روی طهمورثی و با روی علاءالدوله و اشرفی در آنجا بیکدیگر اتصال یافته بوده است .

تحقیق موضوع اینستکه هنگامیکه یهودیان مهاجر وارد اصفهان شدند در محلی نزول‌کردندکه بعدهابزبان عبری‌آنجا رابنجار (یعنی فرود آئید) مینامیدند و چون اسلام در آنجا نفوذ یافت همانجا را یهودیه خواندند و زمانی که تسلط اعراب کاهش یافت مردم محل آنجا را بزبان خود جهودباره گفتند ودراثر کثرت استعمال به کلمه جوباره تبدیل گردید . آنچه معلوم است تا قرن پنجم نامی از جوباره در محاورات نبوده است[2] و بعد متداول شده است . این محله‌که از شمال شهراصفهان بمشرق مایل است درقدیم بسیاروسیع و دارای ۹ محله تابع خود بوده است وسپس دراثر خرابی این محله سایر محلات تابع آن مجزا شده‌اند .

عده‌ای از دانشمندان وعلماء و شعراء باین محله منسوبند[3] و مسجد جامع

۱ـ جغرافیای‌اصفهان ص۳۲. ۲ ـ کمال‌الدین اسماعیل گفته :

تا که در دشت را چو دشت کند جوی خون آورد به جوباره

عده مردمان بیفزاید هر یکی را کند دوصدپاره

۳ ـ ازقدماء که منسوب باین محله‌اند چنین است :

۱ـ ابوبکرمحمدبن‌احمدبن علی‌بن الحسین‌السمسار الجوباری‌النیلی متوفی بعد۴۶۵ هجری قمری از محدثان‌که حدیث از محمدبن ابی عبدالله‌بن دلیل‌الدلیلی و حرب‌بن طاهر و عبدالعزیز سبط احمدبن شعیب صوفی وغیرآنان استماع کرده است ، و در دینور نیز از ابو عبدالله‌بن فنجویه حدیث شنید . (معجم‌البلدان ج۲ ص۱۷۵)

۲ ـ ابوالحسین احمدبن ابراهیم‌بن صالح‌بن منذر جوباری که حدیث ازاهل اصفهان وبغدادیها روایت میکرد. وی ازبندگان صالح‌بود وحدیث ازحسن‌بن‌محمدبن جبلة وابومحمد حرب‌بن محمد وغیرآنان شنید ـ اودرقرن پنجم میزیسته است. (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب)

۳ ـ ابوعبدالله قاسم‌بن فضل‌بن محمود ثقفی جوباری مولود (۳۹۵ یا ۳۹۷ ه . ق) ومتوفی رجب ۴۸۹ ه.ق) وی رئیس اصفهان و از محدثان و شجاعان و مبارزان و متمولان

←

قدیم یهودیه و بقعه باباقاسم و بقعه صاحب بن عباد و مناره ساربان و مناره‌های دارالضیافة وچهل دختران وقبر کمال‌الدین اسماعیل دراین محله واقع است .

بشمار میرفت‌وازشاگردان ابوالفرج ربضی وابومحمدبن جوآة وابوعبدالله‌جرجانی وابوبکربن مردویه وابومحمد کرخی دراصفهان واز شاگردان ابوالفتح هلال حفار و ابوالحسین‌بن فضل دربغداد واز شاگردان ابوعبدالله‌بن نظیف فراء درمکه معظمه و از تلامذه ابوطاهربن جحمش وابن بالویه ومحمدبن موسی صیرفی وابوبکرحیری وغیرآنان درنیشابور ونیزشاگرد عده‌ای ازاهل اصفهان بود . (معجم‌البلدان ج۲ ص۱۷۵)

۴ ـ ابومسعود عبدالجلیل‌بن محمدبن عبدالواحدبن کوتاه حافظ جوباری ازمحدثان که درقرن ششم میزیست واز اصحاب ابوبکربن مردویه روایت‌کرده وسمعانی نیزازاوروایت دارد اومردی متقن وحافظ و پرهیزگار بوده است . (معجم‌البلدان ج۲ ص۱۷۶)

۵ ـ ابوالمطهر عبدالمنعم‌بن ابی‌نقل احمدبن یعقوب‌بن احمدبن‌علی سامکانی جوباری محدث‌که حدیث از جدش یعقوب‌بن احمدبن علی سامکانی جوباری نقل‌کرده است .
(انساب سمعانی)

۶ ـ ابومنصور محمودبن عبدالمنعم‌بن ماشاذه جوباری مولود (۴۵۳ یا ۴۵۸ ه.ق) و متوفی (ربیع‌الثانی۵۳۶ یا ۵۲۴ ه.ق) ازاصحاب ابوعبدالله‌بن مندة روایت میکرد، وابوسعد سمعانی نیز ازاو روایت‌کرده است . (معجم‌البلدان ج۲ ص۱۷۶)

۷ ـ کمال‌الدین اسماعیل‌بن‌جمال‌الدین عبدالرزاق خلاق‌المعانی مقتول‌در(۶۳۵ه.ق) از مشاهیر شعرای فارسی زبان بودکه درآخر روزگار برطریقه سهروردی رفت وهنگام هجوم مغول درخارج اصفهان مقتول گردید . ازاشعار اواست :

کارم همه ناله و خروش است امشب — نه‌صبرپدیداست ونه‌هوش‌است امشب
دوشم خوش بود ساعتی پنداری — کفاره خوش‌دلی دوش است امشب

(گنج سخن ج۲ ص۹۹)

۸ ـ جمال‌الدین عبدالرزاق متوفی (۵۸۵ ه.ق) وی ازبزرگان شعراء فارسی‌گوی بود از اشعار او است :

بشنو از من نصیحتی که ترا — کار هردو جهان شود بنظام
بد نخواهی که باشدت هرگز — بد مکن خاصه با اولوالارحام
حق مادر نگاهدار و مترس — زایزد ذوالجلال والاکرام
کانکه با مادر و پدر بد کرد — نبود جز همیشه دشمن کام

(بزرگان ودانشمندان اصفهان ص۱۴۸)

۹ ـ ملامحمد صالح‌بن‌ملامحسن‌بن فاضل‌سراب جوباری متوفی(غره‌محرم۱۲۸۵ه.ق) ازاحفاد فاضل سراب و از علماء و امام جماعت و مرجع ترافع بود ، ازکارهای خیر اوتعمیر

۵۷ - محله جورجیر :

محله‌ایست دراصفهان و درآن جامعی است و عده‌ای ازعلماء و محدثان بآن محله منسوبند[۱]. وجامع جورجیر بطوریکه درجای خود شرح داده شده بوسیله صاحب‌بن‌عباد برروی خرابه مسجد دیگری بنا وهنگام بنای مسجد حکیم دراین محله جامع جورجیرمعدوم‌الاثرشده بوده است ولی اخیراً آثاری ازجامع‌جورجیر بدست آمده است شرح‌حال رجال و محدثان محله مزبور در شق ۱۲ بند ج گفتار دوم کتاب بیان گردیده است وموجبی برای تکرار نیست .

اماوجه‌تسمیه‌آن به‌جورجیر اصولاً کلمه‌جور دراسامی‌دهات‌ومحلات‌اصفهان زیادديده میشودمانند: جور وجورتان وجار وجیران وجرین‌وچنین‌بنظر میرسدکه دراصل جیم آن کاف فارسی بوده ومعرب وتبدیل بجیم شده است و با این ترتیب میتوان گفت که جورجیر دراصل گورگیر بوده یعنی کسیکه کاراوگورگرفتن بوده یااینکه گور جای گودی بوده وچون آن محله چنین جائی بوده باین‌نام خوانده شده و جزءِ دوم آن یعنی گیر یا مخفف‌از گریوه است و با این فرض معنی هردو جزءِ پستی وبلندی خواهد بودکه دلیل آنستکه محله مزبور دارای پستی وبلندی بوده است و یا اینکه گیر تغییری نیافته باشد وبا این‌صورت از توابع خواهد بود مانند کیت وزیت و حیص و بیص و نظائـر آن . و ممکن است در اصل ژورژیر

→

مسجد شیشه‌گرها در محله جوباره در ۱۲۷۶ بوده است . ماده تاریخ تعمیر مسجد را پرتو شاعر چنبن سروده است :

ساخت طاعتگهی برای عباد	صالح آن مقتدای شرع هدی
شد ز پرتو سئوال تاریخش	گفت : « قداسست علی‌التقوی »

(رجال اصفهان ص۷۴)

۱۰ ـ حاج میرزامهدی‌بن‌ملامحمد صالح‌بن ملامحسن‌بن فاضل سراب جوباری‌مولود (۱۲۶۱ هـ.ق) و متوفی (۱۳۲۵ هـ . ق) ازعلماء و فضلای جوباره اصفهان .

(رجال اصفهان ص۷۴)

۱۱ ـ زهرابیگم جوباری دختر سید صدرالدین‌عاملی وزوجه حاج‌میرزامهدی‌جوباری متوفاة (۱۳۲۵ هـ.ق) اززنان فاضل وعالم بنام بوده است . (رجال اصفهان ص۷۴)

۱ ـ اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۲ ص۲۴۹ .

بمعنی رو و زیر باشد ودر تلفظ متمایل به جیم گفته شده است .

۵۸ ـ محله جوزدان:

طبق گفته یاقوت حموی[۱] جوزدان درقدیم الایام دیهی در دروازه اصفهان بوده است وعده‌ای ازعلماءِ ومحدثان نیز بآن منسوبند ولی در زمانهای بعد که اصفهان توسعه یافته جزءِ محلات شهر اصفهان گردیده‌است، واکنون جزءِ بخش ۱ ازمحلاتی است که آن طرف خیابان دور شهر افتاده است[۲] .

این کلمه درعرف محل گوزدان تلفظ میشود ومعلوم میگردد که در هنگام تسلط اعراب معرب وبه جوزدان تبدیل یافته است .

گوز بمعنی گردکان ودان هم از دات ظرفیت است یعنی جای گردو وشاید در اعصارگذشته دراین محل گردو بعمل میآمده است[۳] .

---

۱ ــ معجم البلدان ج۲ ص۱۸۳ .　　　۲ ــ تاریخ اصفهان و ری ص۹۸ .

۳ ــ از رجال ومحدثان این محله است :

۱ ــ ابواسحاق ابراهیم بن معمر بن شریس جوزدانی متوفی (۲۶۴ ﻫ . ق) جزء سه برادری بود که کسی غیراو حدیث نگفت. عبدالله بن جعفر ازاوحدیث نقل کرده وخوداز شامیان هشام بن عمار وسلیمان بن عبدالرحمن وحوطی وطبقه‌شان وسهل بن عثمان وحانی وحامدبن یحیی وابن ابی السری ویزیدبن مؤدب الرملی روایت دارد .　　(ذکراخباراصبهان ج۱ ص۱۸۵)

۲ ــ ابوبکر محمدبن علی بن احمدبن حسین بن بهرام جوزدانی متوفی(ذیقعده۴۴۲ﻫ.ق) امام جامع عتیق اصفهان درایام تراویح بود ونیزاز مقریان و شاگرد حافظ ابوبکربن ابراهیم مقری‌دراصفهان‌وشاگرد ابوطاهرمخلص وابوحفص عمر بن شاهین‌در بغداد بود، وابوزکریا بن‌مندة وعده‌ای دیگر ازاو حدیث شنیدند .　　(اللباب فی تهذیب الانساب ج۱ ص۲۵۱)

۳ــ ابوصالح عبیدالله بن محمدبن احمدبن فیار جوزدانی متوفی(پیش از ۳۶۰ ﻫ.ق) وی باابومحمدبن حیان شبهای جمعه سالهای بسیارمجالس وهم‌نشین بود، وازصوفی احمدبن الحسن بن عبدالجبار وبغدادیان واصفهانیان حدیث شنید .　　(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۱۰۴)

۴ ــ ابوعبدالله محمدبن ممشاذبن خزیمة جوزدانی وی بطرسوس منتقل گردید وهمانجا وفات کرد او قرائات ابوحاتم را گرد آورد وکتابهای شافعی را بواسطه ربیع نوشت .
(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۰۷)

۵ ــ ابوعبدالله محمدبن هارون جوزدانی ازمحدثان و شیخی متدین وفاضل بود و به مجلس بزار رفت وآمد داشت. ابومحمدبن حیان از او وخود از حسن بن عرفه حدیث روایت میکرد .　　(ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۲۱۸)

←

۵۹ ـ محله‌جوی شاه :

این محله جزء بخش ۱ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع گردیده است[1].

۶۰ ـ محله جیران :

در المشترك[2] یاقوت و نیز دراللباب فی‌تهذیب‌الانساب[3] جیران بفتح‌جیم وکسر یاء و جیران بفتح جیم وسکون یاء ازدهات درب دروازه اصفهان معرفی‌شده و اکنون نیز جیرانی از دهات جی‌باقی است ولی از خلال اخبار مربوط بگذشته اصفهان برمیآید که محله‌ای هم‌که مجاور آن ده بوده جیران خوانده میشده است و عده‌ای از محدثان و دانشمندان باین محله منسوب بوده‌اند[4].

←

۶ ـ ابومحمد عبداللهبن محمدبن منصور جوزدانی متوفی بعداز (۳۶۰ ﻫ . ق) از محدثان که ازابن‌منیع وابن سکن ومحمدبن سهل‌بن‌الصباح وولیدبن ابان روایت دارد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۹۲)

۷ ـ ابومسلم طاهربن محمدبن عبداللهبن حمزة جوزدانی از احفاد ابومسلم معروف بخراسانی . (محاسن اصفهان ص۲۵)

۸ ـ ام ابراهیم فاطمه دخترعبدالله جوزدانی مولوده (۴۳۴ﻫ.ق) ومتوفات (۵۲۴ﻫ.ق) از محدثات که شیخ حدیث اسعدبن ابی‌الفضایل محمودبن خلف عجلی اصفهانی متوفی (۶۰۰ ﻫ.ق) بوده است . (روضات‌الجنات ص۱۰۱)

۹ ـ محمدبن علی جوزدانی ازعلمای قرون سوم وچهارم وازشاگردان‌عمر بن‌عبدالعزیز اسواری بوده است . (محاسن اصفهان ص۳۰)

۱۰ ـ ملااسداللهبن ملامحمدعلی جوزدانی متوفی (۱۳۲۳ ﻫ.ق) ازعلماء ودانشمندان ومؤلف کتاب جواهرالایمان بفارسی است . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۱۱ ـ حاج فتح‌الله جوزدانی واقف سنگاب مسجد آقا میرزا محمدهاشم چهارسوئی در (۱۲۸۰ ﻫ.ق) . (گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۲۴)

۱۲ ـ حاج محمد صادق بزرگ الوارساکن محله جوزدان اصفهان در(۱۲۹۳ﻫ.ق) . (جغرافیای اصفهان ص۱۳۶)

۱ ـ تاریخ‌اصفهان و ری ص۹۸ . ۲ـ المشترك ص۱۱۷ . ۳ـ اللباب فی‌تهذیب الانساب ج۱ ص۲۶۲ . ۴ ـ ازمحدثان ودانشمندان منسوب بمحله جیران است :

۱ـ ابوبکرعمر بن احمدبن محمدبن‌سهل تمیمی جیرانی فرسانی متوفی ۲۳ ربیع‌الاول (۳۷۷ ﻫ.ق) وی در محله جیران فرسان جی سکونت داشت و از ابوالبشر احمدبن محمدبن

←

عمر مروزی حدیث نقل میکرد ، وابوبکربن مردویه ازاو حدیث روایت میکرد .
(انساب سمعانی)

۲ ــ ابوبکرمحمدبن عبدالرحمن‌بن‌احمد جیرانی ازمحدثان که ازابن محمویه عسکری حدیث نقل کرده است (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۱۰)

۳ ــ ابوزفر هذیل‌بن‌عبداللهضبی‌ابن قدامةبن عامربن‌حشرج‌بن‌خولی‌بن‌فضلةبن ظالم‌بن غضبان‌بن تمیم‌بن ثعلبةبن ذویب‌بن‌سیدبن مالك‌بن‌بکربن‌سعدبن ضبةبن ادبن‌طابخة بن‌الیاس‌بن مضر جیرانی متوفی سال (۳۲۲ ﻫ.ق) وی از محدثان جیران اصفهان بودکه خود ازاحمدبن موسی وابومحمدبن حیان ازاو روایت میکرد . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۴۰)

۴ ــ ابوالعباس احمدبن محمدبن سهل‌بن مبارك معروف به ممجمة بزارمعدل جیرانی متوفی (۳۰۶ ﻫ . ق) از محدثان ثقه که از لوین و حمیدبن مسعدة وعمروبن علی ومحمدبن عیسی‌المقری وابومسعود روایت میکرد . (المشترك ص۱۱۷)

۵ ــ ابوعبدالله محمدبن ابراهیم‌بن ابان مکتب جیرانی متوفی (۲۷۸ ﻫ . ق) از ثقات محدثان که ازحسین‌بن حفص وبکربن بکار وحاتم‌بن عبیدالله حدیث نقل میکرد .
(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۱۰)

۶ ــ ابومحمدابن‌الجیرانی ازاهل علم وصلاح بود و ابن ماکولا گفته که من درقریه فردوزان اصفهان ازاو حدیث نوشتم و آن حدیث ازاملای ابوعبدالله جرجانی ازابوالخیربن زرا فردوزانی امام جامع اصفهان بود . (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۱)

۷ ــ افندی میرزا عبدالله‌بن عیسی‌بیك‌بن محمد صالح بیك‌بن حاج شاه ملاولی بیك‌بن حاج میرمحمدبیك‌ابن خضرشاه‌جیرانی‌مولود حدود (۱۰۶۶ﻫ.ق) ومتوفی‌حدود(۱۱۱۰ﻫ.ق) ازعلمای فاضل ومتبحر و صاحب تألیفات رشیقه چون : ۱ - الاجازات . ۲ - الامان من‌النیران . ۳ - الانفعالیة . ۴ - بساتین‌الخطباء . ۵ - تفسیر سوره واقعه . ۶ - ثمارالمجالس . ۷ - جاماسب‌نامه . ۸ - حاشیه برآیات‌الاحکام . ۹ - حاشیه بر مختلف علامه . ۱۰ - حاشیه شرح مختصرالاصول . ۱۱ - روضةالشهداء . ۱۲ - ریاض‌العلماء وحیاض‌الفضلاء . (مصفی‌المقال‌ص۲۴۰)

۸ ــ جمال‌الدین‌بن محمدقاسم جیرانی از بزرگان علماء و منشی اجازه‌نامه ملامحسن فیض‌برای سبط برادرش هادی‌بن‌مرتضی درسال (۱۱۲۴ﻫ.ق) . (الذریعةالی‌تصانیف‌الشیعه)

۹ ــ شیخ یوسف بناء از عرفای بزرگ اصفهان که مقبره‌اش در مجاورت چهارسوق نقاشی درمحله جیران واقع ودرزمان ریاست هیئت علمیه مسجد شاهیان دراصفهان ازبین‌رفت.
(رجال اصفهان ص۱۴۳)

۱۰ ــ محمد ممجه‌ابن ابراهیم جیرانی متوفی (۳۰۶ ﻫ.ق) وی از محدثان وحدیث از بکربن بکار نقل میکرد و آخرین کسیکه از او حدیث گفته ابوبکر قباب اصفهانی و احمدبن ابراهیم اصفهانی است . (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۱ ص۲۴۴)

←

۶۱ ـ محله چرخاب :

این محله جزءِ بخش چهار از محلات واقع در شمال رودخانه زاینده‌رود میباشد[۱].

۶۲ ـ محله چلمان = چلمون = چنبلان[۲]:

همان محله‌ایست که امروز آنرا سنبلستان مینامند و آن در وسط شهر اصفهان متمایل بغرب واقع است.

۶۳ ـ محله چنارسوخته :

از محلات معروف اصفهان است[۳].

۶۴ ـ محله چهار باغ بالا :

ازمحلات جزء بخش ۵ واقع درجنوب رودخانه زاینده رود میباشد[۴].

۶۵ ـ محله چهار باغ کهنه :

این محله جزءِ بخش ۱ از محلاتی است که در شمال زاینده‌رود واقع شده و چهارباغ عباسی و مدرسه چهارباغ وهشت بهشت دراین محله واقع شده است[۵].

۶۶ ـ محله چهارسو شیرازیها :

این محله جزء بخش ۱ ازمحلات واقع در شمال رودخانه زاینده‌رود میباشد و چون در این محله چهارسوئی واقع شده که بانی آن قطب‌الدین علی باب‌الدشتی متوفی (۹۵۵ هـ . ق) بوده به محله چهارسو نامیده شده و چون شیرازیها در آنجا سکونت داشته‌اند کلمه شیرازیها هم بآن اضافه گردیده است[۶].

این محله بعد از صفویه رونقی بسزا داشته و مردمانی عالم و دانشمند از

→

۱۱ ــ میرزا عیسی بیک‌بن محمد صالح بیک‌بن حاج‌میرمحمدبیک‌بن خضرشاه‌جیرانی اصفهانی متوفی (۱۰۷۴هـ.ق) وی درجیران درمحله شیخ‌یوسف بناء منزل داشته واواست پدر صاحب ریاض‌العلماء وخود از بزرگان علماء ومؤلف‌الحواشی علی‌الکتب‌الاربعة است .
(فهرست کتابهای اهدائی مشکوة بدانشگاه تهران ج۲ ص۵۸۷)

۱ ــ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ . ۲ ــ نصف جهان ص۲۵

۳و۴ــ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ . ۵ ــ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۸ .

۶ــ تاریخ اصفهان و ری ص ۲۴۸ و۹۸ .

آن برخاسته‌اند که نام آنها درتاریخ مدون گردیده است[1] .

---

۱ - ازعلمائی که باین محله منسوبند عده‌ای‌را در ذیل مینگارد :

۱ - حاج میرزا زین‌العابدین‌بن سیدابوالقاسم خوانساری چهارسوئی مولود ذیقعده (۱۱۹۲ ه.ق) ومتوفی نهم‌ربیع‌الثانی (۱۲۷۵ ه. ق) ازبزرگان علماء ومؤلفان ومجتهدان واز تألیفات او است : ۱ - شرح معالم‌الاصول . ۲ - شرح زبدةالاصول شیخ بهائی . ۳ - رساله‌ای درقواعد عربیه . ۴ - رساله اجماع . ۵ - تداخل اسباب . ۶ - رساله نیت . ۷ - احباط وتکفیر . ۸ - نوادرالاحکام . ۹ - تعارض حقیقت مرجوحه و مجاز راجح . ۱۰ - حواشی برکتب علامه . ۱۱ - دیوان اشعار . (رجال اصفهان‌ص۷۶)

۲ - میرزا ابراهیم‌بن سیدمحمد صادق‌بن میرزا زین‌العابدین خوانساری چهارسوئی مولود پانزدهم رمضان سال (۱۲۶۹ ه.ق) ومتوفی بیست‌وسوم ربیع‌الاول (۱۳۳۱ ه.ق) وی برادرزاده صاحب روضات‌الجنات وازعلماء وفضلاء وائمه جماعت بود و پس‌ازوفات درتکیه صاحب روضات درتخت فولاد مدفون گردید . (رجال اصفهان ص۱۹۶)

۳-میرزا محمدباقربن زین‌العابدین‌موسوی‌خوانساری‌چهارسوئی‌صاحب‌روضات مولود بیست‌ودوم صفر سال (۱۲۲۶ ه.ق) و متوفی هشتم جمادی‌الاولی (۱۳۱۳ ه.ق) از عالمان و رجالیان بزرگ قرون‌سیزدهم وچهاردهم وبرادر میرزا محمدهاشم چهارسوئی معروف است .

وی‌صاحب تألیفات رشیقه ومورد توجه اعلام است . علاوه برمقام علمی وادبی وزهد و تقوی واصالت خانوادگی صاحب طبع وقاد درشعر عربی وفارسی بوده . ازمؤلفات اواست :

۱ - روضات‌الجنات فی فضائل‌العلماء والسادات در رجال که مرجع مؤلفان است .
۲- اسباب‌البلایا . ۳- احسن‌العطیة . ۴-قرةالعین . ۵- رساله ضروریات . ۶- رساله ضروریات دین و مذهب . ۷ - شرح حدیث حماد . ۸ - فضیلت نماز جماعت .
۹ - منظومه عربی دراصول . ۱۰ - رساله امربمعروف ونهی‌ازمنکر . ۱۱ - تسلیةالاحزان.
۱۲- مجالس درمصیبت. ۱۳- قصاید عربی درتحیت براهل‌بیت . ۱۴- حواشی‌برقوانین.
۱۵ - حواشی برشرح لمعه .

وی ازشاگردان شیخ‌محمدتقی وآقا میرسیدمحمد شهشهانی ونیزازعلمای نجف وکربلا و اصفهان و شیخ محمدبن‌شیخ علی‌بن‌شیخ جعفرکبیر و شیخ قاسم نجفی و صاحب ضوابط و آقا میرسیدحسن مدرس اجازه داشتند . پس از وفات درتخت فولاد مدفون وتکیه او معروف است . (تذکرةالقبور ص۹۶)

۴ - میرزا محمدهاشم‌بن میرزا زین‌العابدین‌بن ابوالقاسم جعفربن سیدحسین موسوی خوانساری چهارسوئی مولود (۱۲۳۵ ه.ق) ومتوفی هفدهم رمضان (۱۳۱۸ ه.ق) ازفقهاء و اصولیان و در رجال علامه و استاد بسیاری از علماء از آن جمله شیخ نوری و شیخ‌الشریعه اصفهانی وصدر بود وخود ازمحضرشیخ‌مرتضی‌انصاری وسید صدرالدین عاملی استفاده کرده وازتألیفات نامبرده است :

←

۶۷ ـ محله چهارسو کوچك :

این‌محله جزءِبخش۱ ازمحلات واقع درشمال رودخانه زاینده‌رود میباشد[1].

۱ـ اصول آل‌الرسول . ۲ـ الاربعین . ۳ـمبانی‌الاصول. ۴ـالفوائدالرجالية.
۵ـ شرح مشیخهٔ فقیه. ۶ـ الاستصحاب. ۷ـ رساله در قرائت مطبوع. ۸ـ احکام‌الایمان
(رساله عملیه) . (مصفی‌المقال ص۴۹۰)

۵ ـ میرزا هدایت‌الله‌بن میرزا محمدباقر خوانساری چهارسوئی مولود بیست و هفتم جمادی‌الثانیه (۱۲۷۱ ه.ق) متوفی دوم شوال (۱۳۴۵ ه.ق) از علماء و فضلای اصفهان بود ودر تاریخ فوت اوچنین سروده‌اند :

ازل ثلثا صار تاریخ فوته : «لقد افجع‌الاسلام موت‌الهدایة»

(رجال اصفهان ص۹۸)

۶ ـ میرزاعطاءالله‌بن میرزا محمدباقرموسوی چهارسوئی مولود بیست‌ونهم‌ربیع‌الاول (۱۲۶۶ ه.ق) و متوفی ششم جمادی‌الاولی (۱۳۳۵ ه. ق) وی ازعلماء و فضلاء و مؤلف فهرست روضات‌الجنات است . (رجال اصفهان ص ۹۸)

۷ ـ میرزامحمدهاشم روضاتی‌ابن جلال‌الدین‌بن میرزا مسیح‌بن میرزامحمدباقرصاحب روضات‌الجنات مولود (۱۳۱۹ ه.ق) و غریق در کوفه در (۱۳۵۶ ه.ق) ازعلماء برجسته و محشی مغنی‌اللبیب درنحو . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۸ ـ سید صدرالدین‌بن سید علی‌بن سید محمد باقر خوانساری چهارسوئی صاحب روضات‌الجنات زنده درسال (۱۳۴۸ه.ق) ازعلماء ومؤلف رسالهٔ نورالایمان دراحکام‌اجماعی و احتیاطی . (فهرست استان قدس ج ۵ ص۶۳۵)

۹ ـ میرزا احمدبن محمدباقر موسوی خوانساری چهارسوئی‌ابن میرزا جلال‌الدین‌بن میرزا مسیح‌بن میرزا محمدباقر صاحب روضات مولود (۱۳۴۷ ه . ق) ازعلماء معاصر و از تألیفات اواست : موقظ‌الاعلام در سه مجلد . (مصفی‌المقال ص۶۴)

۱۰ ـ سیدمحمدمهدی‌بن سیدمحمد موسوی خوانساری چهارسوئی‌مولود(۱۳۲۹ه.ق) ومتوفی سال (۱۳۴۸ ه.ق) ازعلماء وازشاگردان شیخ‌حسین‌بن عبدالکریم رشتی واز تألیفات اواست: ۱ـ احسن‌الودیعة. ۲ـانوارالکاظمیة. ۳ـمتمم‌جنات‌الخلود. ۴ـ مصباح‌الوصول الی علم‌الاصول .
(اعلام زرکلی)

۱۱ـ سیدابوتراب‌بن سیدابوالقاسم موسوی‌خوانساری‌چهارسوئی‌مولود (۱۲۷۱ه.ق) ومتوفی سال (۱۳۴۶ ه.ق) ازعلماء ومؤلف : الدرالنضید فی شرح‌التجرید در کلام است .
(الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۸ .

۶۸ـ محله حسن آباد :

حسن آباد درقدیم وپیش از صفویه دیهی نزدیك شهر اصفهان[۱] ، بوده است و سپس که دهات نزدیك شهر باصفهان وصل شده حسن آباد نیز جزءِ محلات آن شده بطوریکه دراوائل قرن چهاردهم ازمحلات اصفهان درنزدیکی پل خاجو بوده است[۲]. ازمحله‌مزبوردرزمانهای گذشته عده‌ای ازمحدثان ودانشمندان برخاسته‌اند[۳].

۶۹ـ محله حسین آباد طوقچی :

دراطراف شهراصفهان دو حسین آباد وجود دارد یکی جزءبخش ۱ ازمحلاتی که درجنوب رودخانه زاینده‌رود ودرحومه شهر واقع شده است و عده‌ای از علماءِ هم بآن منسوبند[۴] ودیگری حسین آباد طوقچی‌است که درنزدیکی دروازه طوقچی وجزءِ محلات شهر محسوب میشود[۵] .

---

۱ ـ المشترك ص۱۳۳ . ۲ ـ نصف‌جهان ص۲۸ . ۳ـ ازمحدثان ودانشمندان محله حسن آباد است:

۱ ـ ابوالحسن بن‌عیسی حسن آبادی ازمحدثان قرون سوم وچهارم هجری که در محله حسن آباد میزیسته است . (محاسن اصفهان ص۳۰)

۲ ـ ابوطاهر عبدالکریم بن عبدالرزاق‌بن عبدالکریم بن عبدالواحدبن محمدبن‌سلیمان حسن آبادی متوفی بعدازسال (۵۰۰ ه.ق) وی حدیث ازپدرش عبدالرزاق وابوبکرباطرقانی ونیز ازعراقیان شنیده وجماعتی بسیار ازاو روایت کرده‌اند . (معجم‌البلدان ج۲ص۲۶۰)

۳ ـ عبدالکریم مکشوفی ابن‌عبدالواحدبن محمدبن سلیمان حسن آبادی وی صوفی و محدث بود وبعراق وشام سفرکرد وحدیث ازابوالشیخ‌حافظ وابوبکربن‌منده شنید وابومحمد نخشبی ازاو حدیث شنید . (اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۲ص۱۷۴)

۴ ـ ابوالعلاء سلیمان‌بن عبدالرحیم‌بن محمدبن عبدالرحمن‌بن محمدبن سلیمان‌الوفاء حسن آبادی متوفی (۴۶۹ ه.ق) وی محدث وازابوعبدالله‌بن مندة روایت میکرد ومردی فاضل بود . (اللباب فی تهذیب‌الانساب ج۱ص۲۹۹)

۵ ـ ابوالفتح عبدالرزاق‌بن عبدالکریم‌بن عبدالواحدبن محمد حسن آبادی متوفی (۴۸۴ ه.ق) ازخانواده حدیث وتصوف بود و از ابوبکربن مردویه روایت داشت ، و حافظ اسماعیل‌بن فضل ازاو روایت میکرد ، ودرعراق وجاهای دیگر حدیث شنید وپرحدیث بود . پسرش ابوطاهر نیز ازاو روایت میکرد . (المشترك ص۱۷۳)

۶ ـ ابوالمظفر حسن آبادی از شعرای فارسی زبان قرن پنجم هجری است که درمحله حسن آباد اصفهان میزیسته است . (محاسن اصفهان ص ۳۳)

۴و۵ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .

۷۰ ـ محله حصار پشت مسجدشاه :

این محله ازمحلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است ومسجدشاه دراین محله است[۱] .

۷۱ محله خابجان = خاوجان = فابجون = خوابجون :

این محله معروف بسرقبر آقا است که درشمال محله دردشت واقع گردیده وقبور امام‌جمعه‌های اصفهان درآنجا است .

۷۲ ـ محله خرجان :

درمعجم‌البلدان[۲] . خرجان بروزن درمان وهم بروزن جبران خوانده و در اللباب فی‌تهذیب‌الانساب[۳] گفته شده که‌مردم‌محل آنرا خورجان میگویند وبسیاری ازعلماءِ بآنجا منسوبند ، ودرتاریخ اصفهان و ری‌گفته ممکن‌است‌خارجان‌یا جرگان جی باشد[۴] . برخی خرجان را از قرای اصفهان[۵] . و بعضی دیگر از محلات اصفهان دانسته‌اند[۶] .

تحقیق اینستکه در زمان قدیم جزءِ دهاتی بوده‌که نزدیك دروازه شهرواقع میشده وسپس که شهر روبتوسعه گذارده از محلات متصل باصفهان شده است . در هرحال محله بزرگی بوده وعده‌ای ازمحدثان وعلماءِ بآن منسوبند[۷] .

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .
۲ ـ معجم‌البلدان ج۲ ص۳۵۶ .
۳ ـ اللباب ج۱ ص۳۵۳ .
۴ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۴۱۰ .
۵ ـ معجم‌البلدان ج۲ ص۳۵۶ .
۶ ـ اللباب ج۱ ص۳۵۳ .
۷ ـ کسانیکه باین محله منسوبند بشرح زیراست :

۱ـ ابن‌تانه ابونصر محمدبن عمربن محمدبن‌عبدالرحمن خرجانی‌مقری متوفی چهارم رجب(۴۷۵ ه.ق)وی شیخی‌صالح وثقه‌بود ودربغداد ازابوعلی‌بن شاذان واقران او ودراصفهان از ابوبکربن مردویه و طبقه او استماع حدیث کرد ، و در اصفهان مجلس املاء هم داشت . ابوسعد گفته اسماعیل‌بن محمدبن‌فضل وابونصر احمدبن‌محمدغازی از وی‌حدیث نقل کرده‌اند. (معجم‌البلدان ج۲ ص۳۵۶)

۲ ـ ابوبکر محمدبن ادریس خرجانی از محدثان که حدیث از ابوحامد علی‌بن احمدبن‌الحسین خرجانی روایت میکرد . (اللباب ج۱ ص۳۵۳)

۳ ـ ابوبکر احمدبن حسین‌بن محمود بزادابن علی خرجانی از محدثان را وی از
←

پسر برادر ابوزرعة وابوالاسود وغیر آنان. (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۸)

۴ ـ ابوجعفر محمدبن ابراهیم‌بن حسن فرایضی خرجانی از فقهای عالم وفاضل بود وبرمذهب شافعی میرفت او درخرجان ازابن غیلان وابوالقاسم عبدالله‌بن محمد بغوی و اقران او حدیث نقل میکرد. (انساب سمعانی)

۵ ـ ابوجعفر محمدبن یزیدبن مالك ضبی خرجانی متوفی (۲۹۱ ه.ق) ازمشایخ ثقه وحدیث ازمحمودبن غیلان وحسین‌بن حریث ومحمدبن ابان بلخی ورازیان نقل میکرد.
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۲۱)

۶ ـ ابو حامد معافر احمدبن محمدبن حسین‌بن ابراهیم‌بن کوشید خرجانی متوفی بعداز (۳۶۰ ه.ق) وی ازعبدان وابن زهیر وغیرآنان روایت کرده است، وابوبکربن‌مردویه ودیگران ازاو حدیث نقل کرده‌اند. (ذکر اخباراصبهان ج۱ ص۱۵۹)

۷ ـ ابوحامد علی بن احمد بن محمدبن حسین خرجانی محدث که از ابواسحاق ابراهیم‌بن احمدبن فراش مکی وپسرش و ابواحمد محمدبن محمدبن مکی خرجانی حدیث شنید، وابوبکر محمدبن ادریس خرجانی وابوبکر خطیب بغدادی برسبیل اجازه ازاوروایت میکردند، وابوالحسن احمدبن محمدبن معلم صوفی نقل‌کرده که کتابی بنام سفرنامه نوشته است.
(اللباب ج۲ ص۳۵۳)

۸ ـ ابوالحسن علی‌بن حامد خرجانی متوفی (۳۶۵ ه.ق) از محدثان.

(لغت‌نامه دهخدا)

۹ ـ ابوسعید جبیربن هارون‌بن عبدالله معدل خرجانی متوفی (۳۰۵ ه.ق) از محدثان وی در ری حدیث ازعلی‌بن محمد طنافسی ومحمدبن حمید نوشت، ودراستماع حدیث در ری با ابوحاتم وکبار همراه بود. هنگام مرگ فقط دارائی اوجای اقامت و پرده و دیگی بود. (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۵۳)

۱۰ ـ ابوالعباس زیادبن محمدبن زیادبن هیثم خرجانی متوفی(۳۷۸ ه.ق) ازمحدثان که ازحسن‌بن محمد دارکی ومحمدبن حمزة‌بن عمارة وجماعتی دیگرحدیث نقل‌کرده است.
(ذکراخباراصبهان ج۱ ص۳۲۰)

۱۱ ـ ابومحمد عبدالله‌بن اسحاق‌بن یوسف خرجانی محدث که ازپدرش اسحاق و اواز حفص‌بن عمر عدنی روایت کرده‌اند، وابوعبدالله محمدبن احمدبن ابراهیم اصفهانی و عده دیگر ازاو حدیث نقل کرده‌اند. (معجم‌البلدان ج۲ ص۳۵۶)

۱۲ ـ ابوالحسن ضرارین احمدبن ضرار خرجانی وی محدث واز احمدبن یونس و او از ابوالقاسم سلیمان‌بن احمد طبرانی حدیث نقل‌کرده ودر مسجد جامع اصفهان نقطه‌ای است بنام ضرارآباد که ازمستحدثات جدش ضراراست ابوالحسن درقرن سوم‌میزیسته است.
(ذکر اخباراصبهان ج۱ ص۳۵۱)

۱۳ ـ محمدبن نصربن عبدة خرجانی متوفی (۲۵۲ ه.ق) ازمحدثان که از یحیی‌بن

۷۲ ـ محله خاجو :

این محله درقسمت غربی رودخانه زاینده رود واقع و از شمال شهر بجنوب میرود و با محله تلواژگون مجاورت دارد وپلهای خاجو و چهارباغ صدر را مجاور ودرمشرق چهارباغ صدر قرارگرفته‌است.[۱]

این محله اکنون جزء بخش۴ ازمحلات واقع درشمال زاینده رود است[۲].

واما لفظ واملاءِ درست آن و وجه تسمیه‌اش در پیش اشاره‌گردید و خلاصه این‌که خا درلغت فارسی بمعنی گودال است و چون زاینده رود درنزدیکی پل خاجو گودی داشته آنرا خاجوی[۳] یعنی جوی گود نام نهاده‌اند و الا نام قدیم آن همان باغ کاران بوده است.

محله خاجو پیش‌ازصفویه ونیز درزمان صفویه درنهایت توسعه وجلال بوده ورجال وعلماءِ ومردان نامبرداری از آنجا برخاسته‌اند.

ابی‌بکر وداودبن ابراهیم حدیث نقل‌کرده است ؛ ومحمدبن یحیی‌بن مندة وپسرش عبدالله‌بن محمدبن نصر ازاو حدیث روایت‌کرده‌اند وخود و پسرش هردو موثقند.

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۹۹)

۱۴ ـ محمدبن‌ابونصرشجاع‌بن ابراهیم‌فتوانی‌حافظ خرجانی مولود(۴۶۰واند‌ه.ق) ومتوفی(۵۳۰واند ه.ق) ازمحدثان‌که درمحله خرجان سکونت داشت وازاینرو اورا خرجانی میگفتند، خود از ابومنصوربن بکرویه قاضی وتنی‌چند خبرشنید وبسیاری نیزازاوخبرشنیدند.

(انساب سمعانی)

اما وجه تسمیه خرجان درلغت‌نامه دهخدا گفته شده‌که دراصل خرگان بوده و این نکته درست بنظر میرسد ، پس‌ازاینکه این لفظ را معرب خرگان دانستیم اگرآنرا خرگان بروزن مژگان بخوانیم معنی اینستکه جای خورشید است و شاید این محله در همان جائی بوده که باب خور یعنی دروازه خور درقدیم بوده است . و اگر آنرا خرگان بروزن مردان تلفظ کنیم جای ونشیمن بزرگان معنی میدهد وشاید چنانچه گفتیم عده‌ای ازبزرگان محدثان وبخصوص ضرار خرجانی وابوسعیدبن جبیرکه مسجدش معروف است و از معاریف زمان خود بوده در این محله سکونت داشته‌اند . درگنجینه آثار تاریخی اصفهان صفحهٔ۴۵ خرجان تعبیرشده‌که نتوانستم برای صحت آن مجوزی بدست آورم مگراینکه بمعنی کسیکه خر را میگرداند که عرقش سرد شود ویااینکه مخفف خرچران باشد.

۱ـ نصف‌جهان ص۲۴. ۲ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۹

۳ـ فرهنگ دکتر معین .

این محله در قدیم مرکب از محله های باغات و باقلا فروشان وپا قلعه و حسن آباد وتلواسکان وخاجوبوده است . پیش ازصفویه این محله را بنام حسن آباد می نامیده اند وخارج شهرواقع بوده .

پس ازصفویه به محله خاجو خوانده میشده است وقسمتی راهم حسن آباد و باغات ودیگر نامها میخوانده اند. محله خاجو از دروازه حسن آباد شروع میشده و پس ازعبور ازخرابه های قصرشاه حسن بمدرسه ای بهمین نام میرسیده است که اکنون آنجا محل مدرسه صارمیه است وقبرشاه حسن نیز درآنجا بوده است.

دراین محله در دوران صفویه رجالی سکونت داشته وقصوری برپاکرده بوده اند، خاجوی کوچك که متصل بدروازه حسن آباد میشده مرکز قصورعده ای ازبزرگان بوده چون قصر قاضی معز وقصر حوابیگم که آنرا قصر میرزا رضی نیز میگفته اند چه میرزا رضی شوهر حوابیگم بوده است ، ونیز قصر علیقلیخان وقصر میرکشیك بیك وقصرعلی بیك پسرعلیمرادخان حاکم قندهار .

بازارقدیم حسن آبادومسجد حمام درویشان ومسجد میرزا رضی دراین محله واقع بوده واین قسمت را بمناسبت وقوع قصر وحمام و مسجد میرزا رضی منشی- الممالك درآن ، قصر منشی خوانده اند .

بازارحسن آباد ازبازارهای طویل وروشن وبسیار زیبا بوده ودرآن دو چهار سوی بزرگ قرار داشته یکی چهارسوچوبی ودیگری چهارسوی اسفندیاربیك که چون دارای نقاشی هائی بوده به چهارسو نقاشی معروف شده است[1].

خاجوی کوچك تا حدود چهار باغ امتداد داشته و قصور میرزا طاهر ناظر وقایع نویس ونقاره چیان هندی وگاریچیان وحمام چادر دوزان دراین قسمت قرار داشته است .

چهارسو نقاشی در مسیرخیابان شاه عباس قرارگرفته ولی چهارسو چوبی که اهمیت کمتری دارد باقی است .

۱ــ تاریخچه محله خواجو ازص۱۰ تاص۱۵

محله خاجوی بزرگ به صحرا منتهی میشده و قصر تفنگدار باشی و بازار مستوفی وخانه شیخ بهاءالدین محمد عاملی وآسیابهای آبی متعددی وغسالخانه در این‌قسمت قرارداشته وکاخ شیخ‌بهائی‌آخرین بنای‌خارج شهر این‌محله بوده‌است و از آنجا تا دهکدهٔ شهرستان مزارع با صفا وبیشه محمد علی‌بیك پیوسته بوده است.

شاردن فرانسوی درسفر نامه خود نوشته :

محله خاجو درکوچه‌های‌آن نهرها جاری است واطراف آن درختان‌تنومند غرس‌شده واز اینرو مانند شهرهای هلند میباشد در این‌قسمت اصفهان کسی جز اشراف ساکن نیست و جزعمارات با شکوه ومجلل مشاهده نمیگردد .

درجای دیگر ازسفر نامه خودگفته : درمحله خاجو یکهزارو یازده خانوار ودوازده مسجد وبیست وپنج کاروانسرا و هشت باب مدرسه وبیست حمام و دوازده بازار قرار دارد .

ولی‌درهمین محله دراواخرسلطنت قاجاریه هزارخانه مخروبه وغیرمسکون ودویست وپنجاه باب خانه‌مسکونی‌وجود داشته است وبخوبی درجه تنزل وویرانی وآبادی‌آن معلوم میگردد .

در زمان صدراصفهانی متوفی(۱۲۳۹ ه. ق) تعمیرات وعماراتی دراین محله بعمل‌آمده‌که ازاین‌قرار است :

۱ـ ایجاد چهار باغ خاجو معروف به چهارباغ فتح‌آباد[۱] یاچهارباغ‌نو که‌از انتهای محله حسن‌آباد شروع شده و تانهر نیاصرم امتداد دارد. ودرکنارآن‌بسبك چهارباغ شاه‌عباسی‌باغهای باصفا و سردرها ومدرسه‌ها وحمامها بناشده است، مدرسه آن تاکنون باقی وازحمام آن‌اثری نمانده است .

۲ـ ساختمان عمارت بیگلربیگی روی‌پل خاجوکه درسال (۱۳۱۰ه . ق) آن‌را خراب‌کرده‌اند .

•مساجد واقع درمحله خاجو عبارت است از :

۱ـ تاریخچه محله خاجو ص۲۲

۱ـ مسجد میرزا اشرف ۲ـ مسجد پاناروں ۳ـ مسجد خرابه ۴ـمسجد چهارسوآجری ۵ـ مسجد رکن‌الملك ۶ـ مسجدحاج‌میرزا صادق‌جنب چهارسو آجری ۷ـ مسجدعلی‌اکبربیك معروف به‌مسجد آقاسید محمدلطیف ۸ـمسجد فریدون ۹ ـ مسجدکازرونی ۱۰ـ مسجد حاج منوچهرخان ۱۱ـ مسجد حاج مهدی معروف به مسجد ابراهیم زاغی .

تکیه‌هائی‌هم دراین‌محله وجود داشته‌که اغلب آن‌ها برای استفاده ازاراضی آن ازبین رفته است چون تکایای : بکتاش وعلی اکبربیك و تکایای موجود بشرح زیر است :

۱ ـ تکیه میرزااشرف . ۲ ـ تکیه حسن‌خاکی واقع درکوچه‌میرزاکریم. ۳ ـ تکیه خاجو معروف به‌حسینیه صرافها . ۴ـ تکیه نایب‌جواد واقع در کوچه درویشان . ۵ ـ تکیه نورباران آخر خیابان شاه‌عباس. در این محله چه قبل از صفویه وچه بعدازآن مدارسی برای تحصیل طلاب علوم دینیه تأسیس شده بوده‌که عده‌ای ازآن مدارس خراب واندکی هم باقی مانده است :

۱ ـ مدرسه اسفندیاربیك معروف به انیس از بناهای اسفندیاربیك ندیم مخصوص شاه‌عباس متوفی (۱۰۲۳ ه.ق) که ازبین رفته است .

۲ ـ مدرسه اسماعیلیه واقع در کوچه قصرمنشی که تا کنون موجود است .

۳ ـ مدرسه افتخارالملك در محله شیخ‌یوسف .

۴ ـ مدرسه ده‌ه که محل آن درکنار خیابان ثریای فعلی بوده است .

۵ ـ مدرسه ساروتقی که با خانه ومسجد اواتصال داشته و امروز معروف به مدرسه ثقة‌الاسلام است .

۶ ـ مدرسه شاه‌حسن درجنب مقبره شاه‌حسن که ازبین رفته ومحلش حدود دبیرستان صارمیه درباغ نو بوده است .

۷ ـ مدرسه شیخ‌یوسف درمحله شیخ یوسف‌که از بین رفته است .

۸ ـ مدرسه محمدصالح درمحله شیخ‌یوسف‌که ازبین رفته است.

۹ ـ مدرسه صدر در چهارباغ خاجوکه دائر است .

۱۰ ـ مدرسه عربان نزدیك امامزاده احمدکه هنوزباقی‌است .

۱۱ـ مدرسه مریم‌بیگم که خراب وتبدیل بمدرسه جدید گردیده است[۱] .

امامزادگانی که در محله خاجوی قدیم مدفون شده‌اند بشرح زیراست :

۱ ـ امامزاده احمد که گویند فرزند علی‌بن امام محمدباقرعلیه‌السلام‌است وبرادرش دربارکرس یا بارکرسب مشهد اردهال‌مدفون‌است ونسب اورا نگارنده در باب امامزاده احمد شرح داده است .

۲ ـ بقعه باباعلمدار درکنار خیابان دلگشا . ۳ ـ امامزاده‌باقر درقبرستان قدیمی درکنارچهارباغ خاجو. ۴ ـ چهل‌دختران درنزدیکی بقعه شاه‌زید دروسط قبرستان قدیمی . ۵ ـ مقبره شاهزاده‌حسین . ۶ ـ شاهزاده ابراهیم واقع‌درقریه شهرستان چهارکیلومتری شرقی خاجوکه درقدیم منتهی‌الیه‌محله خاجوبوده است.

۷ـ و۸ـ بقعه امامزاده دوقلی در کنار خیابان شاه‌عباس . ۹ ـ بقعه شاه‌زید واقع دراراضی تلواسکان . ۱۰ ـ شاه‌سیدعلی دریکی از کوچه‌های جنوبی خیابان شاه‌عباس[۲] . ازاین محله علماءِ وشعراءِ وفضلائی برخاسته‌اند که قابل توجه بوده و اغلب تألیفاتی نیز داشته‌اند[۳] .

---

۱ ـ تاریخچه‌محله خاجو از ص۱۵ تا ص۲۸ . ۲ ـ تاریخچه محله خاجو ازص۲۸ تا ص۷۱ . ۳ ـ از نامبرداران این محله است :

۱ ـ ملااسماعیل‌خاجوئی‌ابن محمدحسین‌بن محمدرضابن علاءالدین محمدمازندرانی اصفهانی خاجوئی متوفی (۱۱۷۳ ه.ق) ازدانشمندان بزرگ ومؤلف : ۱ ـ رساله‌ابطال زمان موهوم . ۲ـ شرح اربعین شیخ بهائی . ۳ـ شرح مدارك . ۴ ـ فوائد رجالیه . ۵ ـ جامع‌الشتات. ۶ـ حاشیه براربعین شیخ بهائی. ۷ـ حاشیه برآیات‌الاحکام اردبیلی. ۸ـ هدایةالفؤاد . ۹ ـ رساله امامت . ۱۰ ـ رساله حرمت‌غناء در رد بر ملامحمدباقر سبزواری . ۱۱ ـ رساله فارسی در رد برصوفیه . ۱۲ ـ رساله در مالایتم‌الصلوة . ۱۳ ـ رساله درتفضیل عید نوروز . ۱۴ ـ رساله دررضاع . ۱۵ ـ شرح‌دعای صباح. ۱۶ ـ رساله درفضل اولاد فاطمه علیهماالسلام . (تذکرةالقبور جزی ص۵۳)

۲ ـ ملاابوالحسن خاجوئی که درقرن سیزدهم میزیسته ازعلماء ومؤلف رساله‌ای در تجوید قرآن . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

←

۳ ــ ملامحمد صادق‌بن ابوالقاسم‌بن محمدباقر خاجوئی از علمای قرون یازدهم و دوازدهم ومؤلف کتاب حدایق‌المعارف فی‌طرایق‌المعارف که در(۱۱۰۸ ه.ق) تألیف گردیده است.
(الذریعة ألی تصانیف‌الشیعه)

۴ ــ میرزا کوچك خاجوئی وی از خوشنویسان اصفهان در قرن سیزدهم هجری بوده است.
(جغرافیای اصفهان ص۸۴)

۵ ــ میرزا ابوطالب خاجوئی ازعلماء بوده است.

۶ ــ آقا محمداسماعیل‌بن محمد جعفربن ملااسماعیل خاجوئی متوفی بیست‌وپنجم ربیع‌الثانی(۱۲۸۲ ه.ق) ازعلماء وحکماء بود وپس‌ازوفات درنزدیکی قبرجدش ملااسماعیل مدفون شد. کفاش درماده تاریخ اوچنین گفته:

حال کفاش بتاریخ وفاتش تو بگو «شد زدنیا سوی بستان‌جنان اسماعیل»

(رجال اصفهان ص۱۹۹)

۷ ــ میرزا اشرف ازعلماء وادباء و از ملازمان میرزامهدیخان اعتمادالدوله وزیراعظم اواخر زمان شاه‌عباس دوم وازسادات جلیل‌القدر وبانی آثارخیرازقبیل مسجد وحمام وحسینیه.
(تاریخچه محله خاجو ص۷۶)

۸ ــ میرزا محمدباقر طبیب‌ابن حاج‌محمداسماعیل‌بن ابراهیم‌بن حسینعلی‌بن شمس‌علی پوده‌ای اصفهانی خاجوئی ازاطبای حاذق وازشاگردان حاج‌میرزا محمدباقرحکیمباشی‌متوفی (۱۳۲۷ ه.ق).
(تاریخچه محله خاجو ص۷۶)

۹ ــ میرزا کریم‌بن حاج محمداسماعیل‌بن ابراهیم پوده‌ای اصفهانی‌خاجوئی از اطباء اوائل قرن‌چهاردهم.
(تاریخچه محله خاجوص۷۶)

۱۰ ــ حاج‌میرزاعلی جراح فرزند حاج‌محمد اسماعیل‌بن ابراهیم پوده‌ای ازجراحان.
(تاریخچه محله خاجو ص۷۶)

۱۱ ــ میرزا محمدباقر بهاء تخلص ازشعراء ووعاظ وادباء متوفی اوایل‌قرن چهاردهم هجری. از اشعار اواست که در مرثیه سروده است:

مرحبا ای‌پیك خاص کردگارم جبرئیل مرحبا خوب‌آمدی بنشین‌کنارم جبرئیل

۱۲ ــ شیخ‌بهاءالدین محمدبن شیخ‌حسین‌بن عبدالصمد جبعی عاملی مولود چهارشنبه هفدهم ذی‌حجة (۹۵۳ ه.ق) ومتوفی شوال (۱۰۳۰ ه.ق) از اعلام و افاضل علمای زمان و ارکان دوران و شهرت او تمام عالم را فراگرفته بود تألیفاتش بسیار وکلماتش درربار همه ازدل برخاسته وعموماً بردل نشسته است پس‌ازوفات نعشش به مشهد رضوی حمل ودرآنجا مدفون گردید واکنون مزار عمومی است.

ازتألیفات اواست: ۱ ــ اثنی‌عشریات درطهارت و صلوة و صوم و حج و زکوة. ۲ ــ اربعین. ۳ ــ اسرارالبلاغة. ۴ــ جامع عباسی درفقه فارسی. ۵ ــ حبل‌المتین. ۶ــ حواشی برکتب عدیده. ۷ــ خلاصه‌الحساب. ۸ــ زبدةالاصول. ۹ــ صمدیه در نحو. ۱۰ ــ شرح صحیفه سجادیه. ۱۱ــ عروةالوثقی درتفسیر. ۱۲ ــ کشکول.

→

۱۳ ــ مشرق‌الشمسین . ۱۴ ــ مفتاح‌الفلاح . ۱۵ ــ تشریح‌الافلاك . ۱۶ ــ رساله اسطرلاب . ۱۷ ــ حاشیه بر تفسیر قاضی بیضاوی . ۱۸ ــ رساله ارتفاع قله دماوند .
شیخ‌بهائی با تمام فضایل طبع شعر نیز داشت و بتازی و فارسی شعر میسرود و نان و حلوای او معروف است . از اشعار او این رباعی ذکرمیشود :

رباعی

در میکده دوش زاهدی دیدم مست / تسبیح بگردن و صراحی در دست
گفتم ز چه درمیکده جاداری گفت : / ازمیکده هم بسوی حق راهی هست

(تاریخچه محله خاجو ص۷۷ ومجمع‌الفصحاء ج۴ ص۱۲)

۱۳ ــ سیدمحمدحسن مجتهد اصفهانی فرزند سیدمحمدتقی مستجاب‌الدعوة علامه‌فقیه عالم عابد مولود حدود (۱۳۰۵ ه.ق) ومتوفی (۱۲۶۳ ه.ق) ازشاگردان حاج‌محمدابراهیم کلباسی صاحب اشارات‌الاصول و از مجازان از سید صدرالدین عاملی و سید محمدرضابن بحرالعلوم ومیرزا محمدمهدی نایب‌الصدارة اصفهانی وملامحمدمهدی قمبوانی اصفهانی. از تألیفات اواست : ۱ ـ رساله درشرط ضمن‌العقد . ۲ـ رساله درشیربهاء . ۳ـ درمناسك حج . ۴ ـ در رد مظالم . ۵ ـ رساله دروجه اعجازقرآن . ۶ ـ شرح تهذیب منطق تفتازانی . ۷ـ یك دوره فقه استدلالی در۶مجلد . ۸ـ شرح ارشاد علامه‌حلی در۱۲مجلد بنام مهجةالفؤاد . (تاریخچه محله خاجو ص۷۹)

۱۴ ــ سیدمحمدتقی‌بن سیدمحمد سعید موسوی خاجوئی متوفی (۱۲۳۶ ه . ق) از علماء واتقیاء و ادباء بود و نزد حجةالاسلام رشتی و حاجی کلباسی محترم بود و میان مردم به مستجاب‌الدعوة شهرت داشت پس‌از وفات در جنب تکیه خاتون‌آبادیها در تخت‌فولاد مدفون گردید . (تاریخچه محله خاجو ص۸۰)

۱۵ ــ آخوند ملامحمدحسین‌بن ملامحمدجعفر فشارکی خاجوئی مولود آخر ذیحجه (۱۲۶۶ ه.ق) ومتوفی ۸ذیقعده (۱۳۵۳ ه.ق) ازعلمای اعلام که دراصفهان و عراق تحصیل کرده وبیشتر تلمذش ازمحضر شیخ زین‌العابدین مازندرانی کربلائی بوده و پس‌ازفراغت از تحصیلات عالیه ووصول بمقامات شامخۀ اجتهاد به‌اصفهان مراجعت ودرمحله خاجو ساکن و درمسجدحاج‌میرزا صادق‌امامت داشت وبعدهاعلاوه‌برامامت‌مسجد مزبور درمساجدمحله نیم‌آورد وجماله‌کله نیز امامت میکرد ولی تا پایان عمر در محله خاجو مقیم بود . اوراست حواشی برکتب علمیه ورسایل عملیه . (تاریخچه محله خاجو ص۸۰)

۱۶ ــ سید زین‌العابدین طباطبائی ابرقوئی خاجوئی متوفی هشتم‌صفر (۱۳۷۲ه.ق) عالم‌فاضل وزاهد ومحدث خبیرومتقی ازتلامذه مرحوم سیدمحمدباقردرچه‌ای وشیخ محمدرضا مسجدشاهی ومجاز ازجمعی ازعلماء بود. اوراست : ۱ ـ تریاق‌اعظم . ۲ـ ولایةالمتقین، در فوائد تقوی وفضایل شاه ولایت مطبوع دردوجلد . (تاریخچه محله خاجوص۸۰)

۱۷ ــ ملامرتضی‌بن ملافتحعلی لنجانی خاجوئی متوفی هیجدهم شوال (۱۳۴۷ ه.ق)

←

۷۴ ـ محله خشینان :

این محله که بروزن مریوان تلفظ میشود وگاهی بضم‌خاءِ وزمانی خوشینان با واو گفته میشود از محلات قدیمی اصفهان است[۱] . اهل محل آن‌را خوشینان تلفظ میکرده‌اند و بنابراین باید گفت صحیح آن خشینان بضم‌خاءِ بوده است .

درتطبیق این محله قدیمی با وضع کنونی شهر اصفهان اختلاف است بعضی آنجا را بامحله[۲] احمدآباد تطبیق میدهند درهرحال چون اصفهان قدیم درحدود یهودیه و جی بوده باید محله مزبور را درهمان حدود دانست .

خشینان درابتدای امریکی ازدهات اطراف یهودیه بوده و بهمین‌جهت است که بعضی از نویسندگان آنجا را جزء قرای اصفهان و بعضی دیگر جزء محلات ، دانسته‌اند وهردودرست است، چه درابتداء دیهی جدا بوده وبتدریج که شهروسعت یافته دیه مزبور هم جزء شهرگردیده است .

این محله پس از انضمام به‌شهر اصفهان روز بروز بزرگتر شده و عده‌ای از محدثان ودانشمندان نیز ازاین محله برخاسته‌اند[۳] .

←

ازشاگردان حاج‌میرزا بدیع درب‌امامی وآقا سیدمحمدباقر درچه‌ای و ثقةالاسلام مسجدشاهی بشمار میرفت ودرمحله خاجو ساکن ودر یکی از مساجد محله امامت داشت تااینکه در سن متجاوز ازهفتاد بدرود حیات گفت . (تاریخچه محله خاجو ص۸۵)

۱۸ـ میرزا رضی‌منشی‌الممالك‌صدراعظم‌شاه‌عباس وشوهرحوابیگم‌متوفی(۱۰۲۶ه‍.ق) از صدور و بزرگان و اخیار محله خاجو بود و از آثار او است : ۱ ـ بازارمنشی . ۲ـ حمام‌منشی. ۳ـ قصرمنشی. ۴ـ قهوه‌خانه منشی . ۵ـکاروانسرا منشی . ۶ـ مسجد منشی‌متصل بقصرمنشی که تاکنون بهمین نام باقی است . (تاریخچه محله خاجو ص۸۵)

۵ ـ ابوعبدالله شیخ‌محمدبن یوسف‌بن معدان‌بن یزیدبن عبدالرحمن ثقفی بنای صوفی خاجوئی متوفی (۲۸۶ ه‍.ق) .

۱ ـ معجم‌البلدان ج۲ ص ۳۷۴ و اللباب ج۱ ص۳۷۶ . ۲ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۱۸ . ۳ ـ کسانیکه بمحله خشینان منسوبند ازقرار زیراست :

۱ ـ ابویحیی غالب‌بن فرقد خشینانی‌راوی‌ازمبارك‌بن فضالة وعقیل‌بن‌یحیی‌واسماعیل‌بن یزید ازاو روایت‌کرده‌اند . (معجم‌البلدان ج۲ ص۳۷۴)

۲ ـ ابوشجاع ادریس‌بن عباس کرجی‌خشینانی وی شیخ‌حدیث ابونعیم‌حافظ اصفهانی

←

۷۵ ـ محله خوز وخوزیون ودر خوزیان :

محله‌ای دراصفهان بوده‌که مردم‌خوزستان درابتدای امردرآن‌خانه داشته‌اند و اول کسیکه در آنجا سکونت اختیار کرد[۱] ، ابوالعباس معروف به‌ابن نجوکه احمدبن حسن‌بن احمد خوزی متوفی (۵۱۷یا۵۱۸ ه.ق) بود که در حدیث شاگرد ابونعیم حافظ اصفهانی بوده و آخرین کسی است که از او سمعانی روایت کرده است[۲] . ازاین محله دانشمندانی دیگر نیز برخاسته‌اند[۳] .

۷۶ ـ محله خیابان :

گویا محله‌ای دراطراف خیابان چهارباغ بوده است .

۷۷ ـ محله دارالبطیخ = دالبتی :

این محله جزءبخش ۴ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع

بود . ازکرج باصفهان آمد ودرخشینان بماند و حدیث املاء میکرد .
(ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۲۲۴)

۳ ـ ابوغسان احمدبن محمدبن اسحاق‌بن یزیدبن عجلان خشینانی از محدثان وداماد رجاءبن صهیب بودکه ازمکی‌بن‌ابراهیم واصمعی وفراء روایت میکرد وخود ازمشایخ‌ابونعیم اصفهانی است . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۹۲)

۱ـ قاموس‌اللغة درلغت خوز . ۲ـ المشترك ص۱۶۴ . ۳ ـ ازآن جمله است :

۱ـ ابوالنصر احمدبن‌محمدبن ابی‌القاسم‌بن فلیزةامین‌خوزی اصفهانی متوفی چهارشنبه سیزدهم‌شوال (۵۳۱ ه.ق) وی درمحله خوزیان ساکن بود ودرآنجا حدیث‌ازابوعمروبن‌مندة وابوالعلاء سلیمان‌بن عبدالرحیم حسن‌آبادی شنید . (معجم‌البلدان ج۲ ص۴۰۴)

۲ ـ عبدان‌بن محمد خوزی ازشعرای معاصر ثعالبی است که برسیاق و روش شعرای مولد شعر میگفت واز پیشروان معاصران آن زمان بود . وی در حدود سالهای (۴۰۰ ه . ق) میزیست واشعاری بتازی ملیح میسرود وازاو است .

ترکنا لخوف‌الخیل دورنا   فلله صرف‌الدهر کیف ترددأ
دهالیزناضاقت لخوف نزولهم   کأنا یهود ندخل‌الباب سجدأ

یعنی برای ترس ازخیل سپاه خانه‌های خودرا ترك کردیم . پس قسم بخداکه چگونه روزگار در رفت‌وآمد است ودهلیزهای ما تنگ شد ازترس فرودآمدن آن سپاه ، مثل‌اینکه ما یهودانی هستیم‌که درحال سجده داخل در خانه میشویم . (اعیان‌الشیعه ج۲و۱ ص۱۹۰)

شده است[۱] . این محله درقدیم از محلات فرعی جوباره و از محلات نعمتی خانه بوده است[۲] . مقبره خواجه نظام‌الملك وعده‌ای دیگر ازپادشاهان سلجوقی دراین محله واقع شده است .

۷۸ـ محله درب امام :

این محله همان است که بنامهای چملان وچملون ویا جمیلان ویا سنبلان ویاسنبلستان خوانده‌شده‌وازمحلات قدیمی اصفهان‌است[۳] که در آن بقعه‌امامزادگان:

۱ ـ ابوالحسن زین‌العابدین علی بن نظام‌الدین احمدالابج ابن شمس‌الدین عیسی‌الرومی ابن جمال‌الدین محمدبن علی‌العریضی‌ابن‌الامام‌الهمام جعفر الصادق .

۲ ـ ابراهیم بطحائی واقع است .

محله درب‌امام از محلاتی است‌که در ادوارگوناگون مردمانی نامدار ازآنجا برخاسته‌اند که ما هریك را درذیل نامهای مختلف آن محله شرح خواهیم‌داد[۴] .

۱ـ تاریخ‌اصفهان و ری ص۹۷و۱۰۰ . ۲ـ نصف‌جهان ص۲۸ . ۳ـتذکرة‌القبور یا بزرگان ودانشمندان اصفهان ص ط .

۴ ـ منسوبان بمحله درب‌امام بشرح‌آتی است:

۱ ـ ابوسعید امامی درب امامی از نویسندگان خط ثلث که در سال (۹۶۲ ه . ق) میزیسته وکتیبه بقعه شاه‌حسن را نوشته است . (گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۳۸۸)

۲ ـ سیدامیر ابوطالب امامی درب امامی از علمای دولت شاه‌طهماسب صفوی و بعد اوبود ومدتی نیز تولیت مشهد امامزاده زین‌العابدین اصفهان واقع دردرب امام را داشت ولقب امامی ازاین تاریخ درخانواده اوادامه یافت . (اعیان‌الشیعه ج۶ ص۲۹۲)

۳ ـ میرزا محمدباقر امامی درب امامی متوفی (بعد از ۱۰۷۵ ه.ق) از اولاد امامزاده زین‌العابدین وبرادرزاده شمسا ومیر سیدمحمدمستوفی موقوفات ممالك محروسه ودارای فضل وکمال وانسانیت وشریعت‌پروری بود ، دربدایت حال منصب احتساب خطه یزد واستیفای کل موقوفات باومحول بود ولی بعدازچندسال‌سمت اقضی‌القضاتی یافت، سپس در(۱۰۷۵ه.ق) تقسیم وجوه مستحقان نیز باومحول شد . (جامع مفیدی ج۳ ص۳۷۵)

۴ ـ سیدرضابن سیدمصطفی توفیقی درب امامی اصفهانی که در صفر (۱۲۷۶ ه.ق) میزیسته ازخوشنویسان خط نسخ بوده است .

(فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ج۸ ص۷۰۲)

۵ ـ سیدحسین‌بن حسن موسوی درب امامی اصفهانی متوفی بعد (۱۲۸۱ ه . ق) از شاگردان شیخ‌مرتضی انصاری که خط نسخ را نیز بسیار خوش مینوشته است .

(اعلام‌الشیعه ج۲ ص۳۸۴)

←

درب امام جزء محلات حیدری خانه بوده است .

۷۹ ـ محله درب دربه :

محله‌ای بوده که مدفن صاحب‌بن عباد در آن واقع شده است ومعنای آن در دروازه است[۱] .

۸۰ ـ محله درب دریچه[۲] :

این محله نیزازمحلات قدیمی شهراصفهان است ودرزمانهای پیش‌ازمحلات تابع جوباره ودرعداد محلات نعمتی‌خانه بوده است[۳] .

۸۱ ـ محله درب‌دشت = دردشت = باب‌الدشت :

این محله نیز ازمحلات قدیمی اصفهان و جزء حیدری‌خانه و قسمتی ازآن جزءبخش۲ وقسمتی دیگر جزءبخش۳ واز محلات واقع درشمال شهراصفهان است. مناره‌های دردشت دراین محله واقع شده است[۴] .

درمعجم‌البلدان نوشته شده که دردشت محله‌ایست دراصفهان وظاهراً منظور همان باب‌الدشت است[۵] . مؤلف‌اللباب فی‌تهذیب‌الانساب نیز گفته که دردشت محله‌ایست دراصفهان[۶] . ودرنصف جهان گفته : دردشت واقع است در مغرب شهر اصفهان[۷] .

→

۶ ـ محمد بدیع‌بن سیدمصطفی موسوی درب امامی متوفی ۲۱ شعبان (۱۳۱۸ ه.ق) از بزرگان‌علماء وادباء وشعراء ومؤلفان وازخوشنویسان خط نستعلیق که ازنمونه خط اواست: کتاب زواهرالجواهر بهاءالدین محمد نائینی بتاریخ ۱۲۸۴/۱/۲۶ که جزء کتابهای اهدائی مشکوة بدانشگاه تهران موجود است . پس‌ازوفات درتکیه میرسید محمد شهشهانی دفن‌شد . (بزرگان ودانشمندان اصفهان ص۲۰۰)

۷ ـ میرسید محمد درب امامی متوفی پانزدهم ذیقعدةالحرام (۱۳۵۹ ه.ق) از علماء وفضلاء وائمه جماعت . (رجال اصفهان ص۹۴)

۸ ـ میرمحمدحسین‌بن میرمحمدتقی موسوی درب‌امامی ازخوشنویسان خط نسخ‌ممتاز که در (۱۲۶۲ ه.ق) حیات داشته است . (فهرست کتابخانه مجلس ج۲ ص۱۲۴)

۱ ـ ارشادکوپائی ص۵ . ۲ ـ نصف جهان ص۲۸ . ۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۷ . ۴ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۸ . ۵ـ معجم‌البلدان ج ۲ ص ۴۵۰ . ۶ـ ج ۱ ص۴۲۰. ۷ ـ نصف‌جهان ص۲۵ .

آنچه مسلم میباشد قدمت این محله است که نام آن از قدیم‌الایام متداول بوده وحتی دراشعار کمال‌الدین اسماعیل خلاق‌المعانی نیز آمده است ودرضمن نام عربی این محله که باب‌الدشت باشد نام عده‌ای ازمحدثان وبزرگان نوشته شد ودر ازمنه اخیر نیز کسانی ازآنجا برخاسته‌اند[1] .

---

۱ ــ کسانیکه در ازمنه اخیر باین محله انتساب دارند بقرار زیراست :

۱ ــ نورالدین عبدالرحمن دردشتی جامی‌ابن نظام‌الدین احمدبن شمس‌الدین محمد دشتی اصفهانی‌جامی متوفی یازدهم محرم (۸۹۸ ه.ق) ازبزرگان علماء وعرفاء وشعراء وادباء و اوراست : ۱ - نفحات‌الانس . ۲ - لوامع . ۳ - شرح فصوص‌الحکم. ۴- شرح نصوص یا نقدالنصوص . ۵ - دیوان جامی . ۶ - تفسیرسوره فاتحه . ۷ - شرح‌چهل حدیث . ۸ - احادیث منقوله ازاباذر . ۹ - رساله درتوحید . ۱۰ - آداب حج . ۱۱ - ترجمه کلمات صوفیان بزرگ - ۱۲ - رسائل دراخلاق - ۱۳- شرح قصیده‌تائیه و میمیه و خمریه عمربن‌الفارض مصری . ۱۴ ــ نی‌نامه . ۱۵ - شرح رباعی امیر خسرو دهلوی . ۱۶- شرح بعضی ازرباعیات خود . ۱۷- رسائلی درعروض وقافیه‌ودرموسیقی. ۱۸ - شرح مفتاح‌الغیب . ۱۹ - شرح برکتاب‌کافیهٔ‌ابن حاجب درنحو . ۲۰ - مجموعه مراسلات ومنشئات . ۲۱ - رسالاتی درفن معما . ۲۲ - بهارستان . ۲۳- هفت‌مثنوی. ۲۴ - هفت اورنگ . ۲۵ - فاتحةالشباب . ۲۶ - واسطةالعقد . ۲۷ - خاتمةالحیات . ۲۸ - سلسلةالذهب . ۲۹ - سلامان وابسال و بنابرقول سام میرزا ۴۶ کتاب و رساله و در مرآت‌الخیال ۹۲ کتاب ورساله ذکرکرده است .

ازاشعار اواست :

آنکه ناکس بود باصل سرشت   بتقالیب دهر کس نشود

(ازسعدی تاجامی ص۵۶۲ تا ص۵۹۷ وتحفه سامی ص۸۶)

۲ ــ ملاحاج محمدکریم متخلص به‌مجنون فرزند حسن دردشتی اصفهانی متوفی بعد (۱۲۸۵ ه.ق) ازشعراء وصاحب دیوان بنام آشوب وازاشعار اواست :

شتاب عمرتو مجنون اگرچه پنهان است   شود ز سرعت و تعجیل آب جو واضح

(فهرست کتابهای اهدائی مشکوة ج۱۰ ص۱۵۰۷)

۳ ــ ابومسلم عبدالرحمن‌بن محمدبن احمدبن سیاه‌دشتی مذکر متوفی (۳۷۶ ه . ق) ازمحدثان که ابوبکربن مردویه از او روایت کرده است . باغ احمدسیاه که تا زمان ملکشاه سلجوقی دائر بوده ازمستحدثات جداعلای اواحمدبن سیاه‌دشتی بوده‌است . ودرکلمه دردشت تاریخ وفات ابومسلم را (۳۴۶) گفته است . (معجم‌البلدان ج۲ ص۴۵۶)

۴ ــ ملك‌المتکلمین حاج میرزا نصرالله بهشتی فرزند محسن دردشتی اصفهانی مولود (۱۲۷۷ ه . ق) ومقتول در اواخر جمادی‌الاولی (۱۳۲۶ ه. ق) وی از رجال روشن‌فکر و ←

۸۲ ـ محله درب کوشك = در کوشك :

این محله جزءبخش۲ ازمحلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده وازمحلات حیدری خانه بوده است[۱].

کسانیکه بعنوان دربکوشکی باین محله منسوبند:

۱ ـ ابوبکر نمیری محمدبن ثابت‌بن محمدبن سواربن علوان درب‌کوشکی امام مسجد جامع اصفهان در درب‌کوشك ومردی سنی‌مذهب وفاضل ودرادب وشعر بارع وفصیح وکثیرالسماع و قلیل‌الروایة بود مسکنش درنزدیکی دروازهٔ بخارا[۲] بود واز عبدالله‌بن محمدبن محمدبن فورك وابوبکر محمدبن ابراهیم‌بن‌المدینی و احمدبن‌عبدالله نهردیری روایت میکرد ویحیی‌بن مندة از او روایت‌کرده است[۳].

۸۳ ـ محله درب مسجد حکیم :

این‌محله جزءمحلات غربی‌ازشمال به‌جنوب اصفهان است وجزءحیدری‌خانه محسوب میشده ومسجد حکیم‌داود دراین محله واقع گردیده است[۴].

→
آزادیخواه صدر مشروطیت ایران وازخطباء ووعاظ فصیح‌البیان بود. درابتدای امردرفصاحت ازمحضر آخوند ملاصالح فریدنی تحصیل‌کرد و از محضر سیدجمال‌الدین اسدآبادی کسب فیوضات نمود وتحت تأثیر افکار عالیه اوقرارگرفت ودر جرگه آزادیخواهان تهران وارد شد تا پس از چندسال کوشش مداوم بامر محمدعلیشاه قاجار درباغ شاه محبوس و سپس مقتول گردید. درابتدای کار چندسالی درهندوستان دست بانقلاب زد و باصفهان مراجعت کرد ودر اصفهان هم با مخالفت ظل‌السلطان روبرو گردید وناچار بمسافرت تهران شدکه سرانجامش درپیش‌گفته شد. (زندگانی ملك‌المتکلمین)

۵ـ دکتر سیدمهدی‌ملکزاده فرزندحاج‌میرزا نصرالله‌بهشتی ملك‌المتکلمین فرزندمحسن دردشتی اصفهانی متوفی‌دوشنبه سی‌ام جمادی‌الثانیه (۱۳۷۵ هـ.ق) از پزشکان حاذق وفضلاء و نویسندگان ونماینده مجلس شورای‌ملی وسنا ازتألیفات او است: ۱ ـ تاریخ مشروطیت ایران درشش مجلد. ۲ ـ زندگانی ملك‌المتکلمین که درشرح حال پدرخودملك‌المتکلمین برشته تحریر درآورده است. (زندگانی ملك‌المتکلمین)

و(تذکرةالقبور یابزرگان ودانشمندان اصفهان ص۵۲۱)

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۸. ۲ ـ دروازه بخارا دروازه‌ای بوده در اصفهان که بخارائیهادر آن‌سکونت‌داشته‌اند. معجم‌الادباءج۱۸ص۳۲. ۳ـ معجم‌الادباءج۱۸ص۳۲.

۴ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۸.

۸۴ـ محله دروازه اشرف:

این محله جزءبخش۳ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده ودرقدیم جزء نعمتی‌خانه بوده است[۱].

۸۵ ـ محله دروازه دولت :

این محله که بدروازه دولت ومحله دولت هردومعروف است حدجنوبی نهر فرشادی است واین حد ازکناربازارچه بلند معروف تاپیش دروازه حسن‌آباد ممتد است . وحد شرقی آن ازدروازه حسن‌آباد و بازار ممتد است بطرف شمال تا پیش دروازه اشرف ، وحدشمالی آن از همان دروازه اشرف کشیده است بطرف مغرب تا پیش خیابان درکوشك ، وحدغربی آن خیابان درکوشك است ممتد پشت باروی اشرف چهارباغ کهنه عباسی تا پیش دروازه بازارچه بلند ، وتمام قصور و عمارات شاهی وباغات خاصه ومیدان نقش جهان وغیره ومسجد جامع‌عباسی وبعضی بازارهای جزءکه بعضی ازآنها ببازاربزرگ متصل وبعضی منفصل ازقبیل بازارقیصریه و بازار چیت‌سازهاوصباغان وزرگرها وشمشیرگران وبازارمسگرها وقنادیها وحمام شاه[۲].

۸۶ ـ محله دروازه‌نو :

این محله همان محله آب‌بخشان است[۳] .

۸۷ ـ محله دشت عطاء :

این محله منسوب به ابـوزید عطاءِ خشك ابن‌السائب‌بن ابی‌السائب متوفـی (۱۳۰هـ. ق) اصفهانی است[۴] .

۸۸ ـ محله دیلمان :

بنابگفته حافظ ابونعیم اصفهانی[۵]. دیلمان ازمحلات خرجان اصفهان است وچندتن ازمحدثان بآنجا منسوبند[۶].

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۹ .

۲ ـ نصف جهان ص۲۸.

۳ ـ نصف جهان ص۱۰۱ .

۴ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۷۴ .

۵ ـ ذکراخباراصبهان ج۲ ص۸۱ .

۶ ـ ازمنسوبان به‌محله دیلمان خرجان است :

۱- ابومحمد عبدالله‌بن اسحاق‌بن‌یوسف دیلمانی‌خرجانی ازمحدثان که ازپدرش روایت ←

۸۹ ـ محله ذوالفقار :

متصل ببازاربزرگ ودرآن مسجد ومدرسه وحمام ذوالفقار واقع شده است.

۹۰ ـ محله ربض اصفهان :

این محله دراطراف اصفهان بوده وبشهراتصال داشته است وابوشکراحمدبن محمدبن علی ربضی‌که پیش‌ازقرن هفتم‌هجری میزیسته منسوب باین محله‌است(۱).

۹۱ ـ محله روشاباد(۲) = روشاباذ = دوشاباذ = دوشاباد :

درسال (۲۸۷ هـ.ق) نام محله‌ای دراصفهان بوده‌که احمدبن عمروبن‌ابی‌عاصم ضحاك شیبانی قاضی اصفهان در آنجا مدفون گردیده(۳). و نیز شیخ یوسف بنای صوفی معروف(۴) وپسرش شیخ‌محمدنیای مادری ابونعیم واحمدبن یوسف بناء پسر دیگرش درآنجا مدفون و جزء خاجوی کنونی بشمار میرود.

→
میکرد وابوعمروبن‌حکیم شهرستانی وابواحمد وابومحمد وجماعتی ازاوحدیث نقل‌کرده‌اند.
(اللباب ج۱ ص۴۳۸)

۲ ـ اسحاق‌بن یوسف خرجانی دیلمانی متوفی (۲۴۵ هـ. ق) از ساکنان محله دیلمان خرجان اصفهان و ازمحدثان ثقه‌که حدیث از سفیان‌بن عیینه و حفص‌بن عمر عدنی وطارق‌بن عبدالعزیز مکی شنیده وعقیل‌بن یحیی و پسرش عبدالله ازاو روایت کرده‌اند.
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۱۶)

۱ ـ معجم‌البلدان ج۳ ص۲۵ . ۲ ـ دردذکراخبار اصبهان ج۱ ص۱۰۰ دوشاباذ بدال مهمله دراول‌آمده ولی درطرایق‌الحقایق وتذکرةالقبور روشاباد به‌راء مهمله آمده‌است وناچار باید گفته ابونعیم را مقدم داشت مگرآنکه اشتباهی ازناسخ شده باشد. ۳ـ ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۱۰۰ . ۴ ـ شیخ‌یوسف ازعرفای معروف قرن سوم وازنیاهای مادری ابونعیم ومجلسی بوده‌که سلسله طریقتش چنین است : شیخ یوسف ازشیخ‌ابوالعباس موسوس واو ازشیخ محمدبن اسماعیل مغربی واو ازشیخ ابوبکروراق واو ازشیخ ابوعبید بصری و او از شیخ عبدالله مکی واواز ابوعبدالله واوازفضل واوازاحمد واوازیحیی واواز ابوالحسین نوری واواز سیدرقة منصور واواز عمار واواز احمد واوازعاصم واوازابوتراب نخشبی واواز عمرحداد واوازیحیی‌بن معاذ رازی واواز حاتم‌اصم واواز سلیمان دارانی واو ازیزید بسطامی واو ازشقیق بلخی واو از معروف‌کرخی واو ازفضیل عیاض و او از ذوالنون مصری و او از ابراهیم ادهم و او از حسن بصری و او از امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام .
(طرایق‌الحقایق ج۲ ص ۱۵۱)

۹۲ ـ محله سرجوی رکن‌الملك :

از محلاتی است که نهر فرشادی پس‌ازعبور ازمدرسه چهارباغ از آن محله میگذرد .

۹۳ ـ محله سرنجان :

در کتاب اللباب فی‌تهذیب‌الانساب در جلد یکم صفحه ۵۴۲ حرف سوم نون نوشته شده درصورتیکه در کتاب معجم‌البلدان ج‌سوم صفحه ۲۱۸ سریجان بر وزن سلیمان مصغر سرجان بیان شده ودرذکراخباراصبهان ابونعیم نیز سریجان مسطور است . وبظن قوی صاحب اللباب دچاراشتباه شده وصحیح آن همان سریجان بیای مثناة منقوط ازتحت است وظاهر اینستکه معرب سریگان باشد و در لغت در اصل به‌جائی گفته میشده که لغزنده باشد . و اگر فرض کنیم که سرنجان بنون درست باشد معرب سرنگان خواهد بود[۱] .

۹۴ ـ محله سریجان :

این‌محله طبق‌گفته‌ابونعیم اصفهانی ازمحلات جزءِ مدینة(شهرستان) اصفهان بوده ومحدثانی نیز ازآنجا برخاسته‌اند[۲] .

۹۵ ـ محله سلطان سنجر :

این محله ازمحلات جزء جوباره ودرقدیم سکنه قابل‌توجهی داشته است[۳].

---

۱ ـ صاحب‌اللباب، ابوطاهرعمربن ابراهیم‌بن محمدبن فاخررا سرنجانی دانسته وازمحدثان منسوب بآنجا آورده درصورتیکه اووچندتن دیگر را ابونعیم مردم سریجان بیاء شمرده است.

۲ ـ وازمحدثان آنجا است :

۱ـ ابواسحاق ابراهیم‌بن محمدبن فاخربن محمدبن‌یحیی فقیه سریجانی مدینی متوفی ربیع‌الاخر (۳۵۸ ه.ق) ازمحدثان که ازمنیعی وابن ابی‌داود ومحمدبن هارون‌بن‌حمید مجدر وبغدادیان وکوفیان وبصریان روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص ۲۰۳)

۲ ـ ابوجعفر محمدبن احمدبن بشیر سریجانی اصفهانی از رواة ومحدثان .

(اعیان‌الشیعه ج۶ ص۱۶۴)

۳ـ ابوطاهرعمربن ابراهیم‌بن محمدبن‌فاخرسریجانی‌معدل متوفی هفتم‌صفر(۴۰۵ه.ق) ازمحدثان که درعراق ازاحمدبن سلیمان نجار وجعفر خالدی ورازیان حدیث شنید .

(ذکر اخباراصبهان ج۲ ص۳۵۷)

۳ ـ نصف جهان ص۲۸ .

۹۵ ـ محله سلم :

بفتح اول و سکون دوم نام مردی است که دراصفهان دراوائل تسلط اعراب سکونت داشته واوراست باب‌سلم ونیز باغ‌سلم ودرلغت بمعنی دلوی است‌که یکدسته داشته باشد[۱] .

۹۷ ـ محله سنبلان :

بضم سین وسکون نون وضم‌باء موحدة وبعدش الف و در آخرش نون محله بزرگی است دراصفهان[۲] .

یاقوت در معجم‌البلدان گفته این کلمه (سنبلان) تثنیه سنبل و محله‌ای در اصفهان میباشد[۳] .

ابونعیم اصفهانی درکتاب ذکر اخبار اصبهان دریکجا گفته سنبلان از دهات متصل باصفهان است[۴] .

ودرجای دیگر گفته‌محله‌ایست دراصفهان[۵]. وگویا ازدهات متصل‌بشهر بوده که بعد محله شهر شده است .

درتاریخ اصفهان و ری گفته شده که سنبلان همان سنبلستان امروزی است، که معروف میباشد[۶] .

این محله درقدیم سنبلان استعمال میشده وامروزسنبلستان گفته میشود و محل کنونی آن میان دردشت ودرب امام میباشد ولی دراصل چنبلان و یا چلمان ویا چلمون وبعضی گفته‌اند جمیلان بوده ودر زمان تسلط اعراب معرب گردیده و سنبلان خوانده شده و اینکه معجم‌البلدان آنرا تثنیه سنبل خوانده منظور وزن است نه مطابق وضع لغوی .

عده‌ای محدث هم باین محله قدیمی منسوبند[۷] .

---

۱ ـ معجم‌البلدان ج۳ ص۲۴۰ . ۲ ـ اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ج۱ ص۵۶۸ . ۳ ـ معجم‌البلدان ج۳ ص۲۶۱ . ۴ـ ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۵۹ . ۵ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص ۳۰۵ . ۶ ـ ذکر اخبار اصبهان و ری ص۴۱۰ . ۷ ـ از محدثان منسوب باین محله است :

←

۱ ــ قاسم‌بن ابی‌ایوب بهرام سنبلانی معروف به‌اعرج است وگفته شده که سعیدبن‌جبیر براو وپدرش درقریه سنبلان فرود آمد ودوسال بماند واحادیثی ازاوشنیدند : شعبه و هشیم و اصبغ‌بن زید از او وخود ازسعیدبن جبیر روایت میکردند وسعید از ابن عباس .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۵۹)

۲ ــ ابوبکر احمدبن یحیی سنبلانی ازمحدثان که بدمشق وارد شد ودرآنجا حدیث از ابوعبدالرحمن هارون‌بن سعید راعی و ابراهیم‌بن عیسی اصفهانی روایت کرد ، ابراهیم‌بن عبدالرحمان‌بن عبدالملك‌بن مروان ازاو روایت میکرد . (معجم‌البلدان ج۳ ص۲۶۱)

۳ ــ ابوجعفراحمدبن سعیدبن‌جریربن یزید سنبلانی اصفهانی ازمحدثان که ازجریربن عبدالحمید وانس‌بن عیاض وابن‌مبارك وعبدالرحمان وعده‌ای دیگرنقل کرده وابونعیم‌اصفهانی نیز ازاو حدیث نقل کرده وی مردی ثقة بود ومحمدبن یحیی‌بن مندة اصفهانی که ازاهل‌بیت حدیث بود ازاو روایت دارد . (اللباب ج۱ ص۵۶۸)

۴ ــ ابوعبدالرحمان خالدبن ابی‌کریمة سنبلانی از محدثان است که مردم محله سنبلان بود ولی ساکن کوفه شد . ابن‌عیینه ومسعر وثوری وشعبه ازاو حدیث نقل کرده‌اند .
(ذکر اخباراصبهان ج۱ ص۳۰۵)

۵ ــ ابوعلی حسن‌بن علی‌بن سعید سنبلانی جعفی یکی ازابدال بود و از ابومسعود و سهل‌بن‌عبدالله ابوطاهر روایت میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۲۶۹)

۶ ــ ابوعلی محمدبن سلیمان‌بن عبدالرحمان سنبلانی اصفهانی متوفی (۱۸۱ ه.ق) از محدثان وعم محمدبن سعیدبن‌الاصفهانی است که ازسهیل‌بن ابی‌صالح و ابواسحاق شیبانی و عطاءبن‌السائب و محمدبن عبدالرحمن‌بن ابی‌لیلی روایت دارد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۷۴)

۷ــ یحیی‌بن ابوعلی محمدبن‌سلیمان‌بن عبدالرحمن سنبلانی‌اصفهانی ازمحدثان که خود وپدرش درسنبلان سکونت داشتند وپسر ازپدر روایت میکرد وپدر چنانچه‌گفته شد ازسهیل‌بن ابی‌صالح وابواسحاق شیبانی ودیگران . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۷۴)

۸ ــ ابوجعفر محمدبن سعیدبن سلیمان‌بن عبدالرحمن‌بن اصفهانی سنبلانی متوفی (۲۲۰ ه.ق) وی برادرزاده ابوعلی محمدبن سلیمان‌بن عبدالرحمن سنبلانی بود که در کوفه سکونت کرد ودرآنجا معروف به حمدان بود. حدیث ازقاسم‌بن معن روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۷۵)

۹ ــ ابوعمرعامربن‌اسیدبن واضح‌الواضحی‌سنبلانی‌امام مسجد ایوب‌بن زیاد وازوکیع و ابن عیینه و یحیی قطان و ابن‌مهدی و معتمر روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۸)

۱۰ــ ابومحمددلیل‌بن‌ابراهیم‌بن دلیل سنبلانی ازقدمای محدثان‌اصفهان است ویادآوری شده که او سعیدبن‌جبیر را دراصفهان دیده وگمان‌کرده که اویکصدوبیست‌سال دارد . ابومحمد

۹۸ ـ محله سنگ تراشان[۱] .

این محله ازمحلاتی است که درجلفا وجود دارد وچون عده‌ای درآن محله سنگتراشی میکرده‌اند باین نام خوانده شده ودرهرحال بعد از صفویه نامگذاری شده است . ومردمان نامداری در دوره قاجاریه ازاین محله برخاسته‌اند[۲] .

۹۹ ـ محله سیچان :

این محله جزءبخش۵ ازمحلات جنوبی رودخانه زاینده‌رود میباشد ودرواقع از دهاتی است که بشهراتصال یافته است[۳] . ومعدودی ازسکنه‌آنجا قابل یادآوری میباشند[۴] .

از لوین و ابی‌الدرداء مروزی و دیگران روایت کرده است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۱۲)

۱۱ ـ داودبن سلیمان سنبلانی وی از دیه سنبلان بود و علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام را دیده است . این نکته را ابونعیم اصفهانی درکتاب خود بنقل ازحمزه اصفهانی گفته است .
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۱۱)

۱۲ ـ عبدالله‌بن علی سنبلانی از محدثان که ازیحیی‌بن سعید قطان روایت میکرد ، و احمدبن عصام ازاو روایت دارد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۵۲)

۱ ـ زنده‌رود ج۱ ص۶۵ . ۲ـ کسانی‌که ازاین محله برخاسته‌اند :

۱ ـ ناظم‌الدوله میرزا ملکم‌خان فرزند یعقوب ارمنی سنگتراشانی جلفائی اصفهانی مولود (۱۲۴۹ هـ.ق) مطابق (۱۸۳۱ـ م) و متوفی (۱۳۲۸ هـ.ق) مطابق (۱۹۰۸ـ م) از رجال نامدار ودانشمند ایران در دوران قاجاریه بود . وی سفارت ایران را در نقاط مختلف دنیا عهده داشت وازنویسندگان وروشن‌فکران بودکه شرح آن درمحله جلفا ذکرشده است .

۲ ـ فریدون‌بن ناظم‌الدوله میرزاملکم‌خان ارمنی سنگتراشانی جلفائی اصفهانی‌متوفی بعد (۱۳۳۶ هـ.ق) فرزند ناظم‌الدوله که درمحله جلفا شرح حالش ذکر گردیده است .

۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ . ۴ ـ ازمنسوبان بآنجا است :

۱ ـ عبدالله‌بن محمدعلی سیچانی از خوشنویسان خط نستعلیق که در (۱۰۹۵ هـ.ق) میزیسته است . (تاریخ خط وخطاطان ج۱ ص۲۱۲)

۲ ـ آقا عبدالمولی ـ مولی تخلص سیچانی اصفهانی ازشعراء معاصر شیخ‌علی‌حزین واز سادات واز مصاحبان میرنجات و میرزا نوری ودر عربیت دست داشت و خط شکسته را درست مینوشت . ازاشعار اواست :

تنها نه‌گل دراین باغ بوی وفا ندارد   گلزار هستی ما رنگ بقا ندارد
(صبح گلشن ص۴۲۳)

۱۰۰ ـ محله سیداحمدیان :

این محله درقدیم جزء جوباره وازمحلات نعمتی‌خانه[۱] بوده و از هنگامی که جوباره بخرابی گرائیده محله سیداحمدیان استقلال حاصل کرده است واکنون جزءبخش۳ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۲] .

۱۰۱ ـ محلهٔ سینه پائینی :

محله‌ایستکه قسمتی ازآن جزءِبخش۱ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۳] .

۱۰۲ ـ محله شاه‌شاهان = شهشهان .

این محله پیش‌ازاینکه خانقاه و مدفن شاه علاءالدین در آن بناشود ظاهراً بهمان نام محله طوقچی یا حسینیه خوانده میشده و جزءِ آن محله بوده است . ولی پس از آنکه شاه علاءِالدین که از عرفاء و اقطاب بنام آن زمان بوده و او را عرفاءِ شاه‌شاهان میخوانده‌انـد در آنجا توطن کـرد بتدریج محله بنام او شهرت و انتساب یافته است . و کم‌بکم روبتوسعه و از محلات بزرگ اصفهان شده است . محله شاه‌شاهان یاشهشهان دراوائل قرن چهاردهم برمحله طوقچی هم برتری‌داشته وحتی کدخدای شهشهان کدخدائی طوقچی را نیز عهده‌دار بوده است[۴] . واکنون جزءِبخش۳ محلات‌شمال زاینده‌رود است. ازاماکن تاریخی واقع دراین‌محله همان حسینیه‌شهشهان‌است که‌مدفن‌شاه‌علاءِالدین شده‌وازهرجهت موردتوجه‌باستان‌شناسان میباشد . این محله درادوار تاریخی ازقرن نهم ببعد رجالی ازآن برخاسته‌اند[۵] .

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۷ .　　۲و۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ .

۴ ـ جغرافیای اصفهان ص۳۲ .　　۵ ـ ازآن جمله است :

۱ـسلطان‌النقباء بالاتفاق، برهان‌نجباءالافاق،مقدم‌السادات، السعیدالشهیدالاعلی‌محمدبن محمدبن محمدبن یحیی‌بن محمدبن‌محمدبن حیدر بن‌الحسین‌بن‌محمدبن‌قوام‌الشرف‌بن‌محمدبن قوام‌الشرف‌بن‌هادی‌بن‌اسماعیل‌بن‌حسین‌بن‌علی‌بن‌حسن‌بن‌علی‌بن‌الحسین‌بن‌علی‌بن‌عمربن‌الحسن‌بن علی‌بن‌علی‌بن‌الحسین‌بن علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) شاه علاءالدین در رمضان (۸۵۰ ه.ق) در ساوه بامر شاهرخ‌بن‌امیرتیمور باتفاق افضل‌الدین ترکه وعده‌ای دیگر مصلوب‌گردید و بعدازهشتاد روز شاهرخ بمرد وسلطان محمد بهادر نعش اورا با احترام تمام باصفهان منتقل ودر حسینیه و ←

خانقاه او دفنش کرد و بر بقعهٔ او عماراتی ساخت و قرای درزیان و اصفهانك و قرائی دیگر را بر آن وقف کرد. (ازسعدی تاجامی ص۶۵)

۲ ـ سیدمحمدبن عبدالصمد حسینی مدرس شهشهانی متوفی(۱۲۸۷ ه.ق)ازشاگردان صاحب ریاض المسائل وفرزندش سیدمحمد مجاهدوکلباسی واستاد فاضل اردکانی وازمدرسان قرن سیزدهم هجری وازتألیفات اواست: ۱- انوارالریاض وانیس المتقین. ۲-رضوان الآملین. ۳ ـ رساله‌ای درارث. (الذریعة الی تصانیف الشیعه)

۳ ـ سیدابوالحسن شهشهانی متوفی (۱۲۵۹ ه.ق) از اعلام و افاضل اصفهان بشمار میرفته است. (اعلام الشیعه جزء۲ ص۳۱)

۴ ـ میرمحمد علی بن میرعبدالصمد حسینی شهشهانی متوفی (۱۲۶۵ ه.ق) ازعلماء و فضلاء و برادر میرسیدمحمد شهشهانی بوده است. (رجال اصفهان ص۵۹)

۵ ـ میرزا عبدالوهاب بن محمدامین شهشهانی متوفی بعد (۱۲۷۱ ه.ق) ازعلماء وفضلاء وریاضی‌دانان ومؤلف بحرالجواهر درسیاق. (الذریعة الی تصانیف الشیعه)

۶ ـ ضیاءالدین شهشهانی ازخوشنویسان خط نستعلیق که درسال (۱۳۰۴ ه.ق) حیات داشته است. (فهرست کتابهای خطی دانشگاه تهران)

۷ ـ میرزا عبدالغفارخان ازمؤسسان فرهنگ جدید در اصفهان ومؤسس مدرسه شرف ازمدارس جدید دراصفهان درقرن چهاردهم هجری. (الاصفهان ص۶۴)

۸ ـ میرزا محمدجعفرحسینی شهشهانی ازاحفاد شاه علاءالدین شهشهانی ونیای اعلای حاج سیدحسین شهشهانی متوفی (۱۳۴۰ ه.ش) از علمای معاصر حاج سید محمدباقر رشتی حجةالاسلام ومورد احترام و وثوق ومتولی قریهٔ اصفهانك در حومه اصفهان.
(رجال اصفهان ص۱۹۱)

۹ ـ میرزا ابوالقاسم لشکرنویس زنده در (۱۲۹۳ ه.ق) وی از خانواده شهشهانیان ودرتهران سمت لشکر نویسی داشته است. (جغرافیای اصفهان ص۷۸)

۱۰ ـ میرزاابوالحسن مستوفی شهشهانی زنده در (۱۲۹۳ ه.ق) ازمستوفیان وصاحب خط وقلم بوده است. (جغرافیای اصفهان ص ۷۸)

۱۱ ـ میرزاابوتراب مستوفی شهشهانی ازخانواده میرزانصرالله مستوفی ـ سررشته‌دار ومستوفی بوده است. (جغرافیای اصفهان ص۷۸)

۱۲ ـ حاج میرزاهادی مستوفی متوفی پیش از (۱۲۹۳ ه.ق) از مستوفیان شهشهان بوده است. (جغرافیای اصفهان ص۷۸)

۱۳ ـ حاج میرزا اسدالله بن حاج میرزاهادی زنده در (۱۲۹۳ ه.ق) مستوفی وسررشته‌دار. (جغرافیای اصفهان ص۷۸)

۱۴ ـ میرزا احمد شهشهانی زنده در (۱۲۹۳ ه.ق) ازمستوفیان شهشهان.

۱۵ ـ میرزاعلینقی شهشهانی سرسلسله مستوفیان شهشهان. (جغرافیای اصفهان ص۷۸)

۱۶ ـ حاج سیدحسین بن یحیی حسینی شهشهانی متوفی (۱۳۴۰ ه.ش) از علماء و رجال ایران واحیاءکننده موقوفات بقعه شهشهان.

۱۰۳ ـ محله شروانشادان = شروانشاذان :

این‌محله‌درقرن سوم‌هجری درشهر اصفهان دائر بوده‌است[۱]. وبعضی‌ازمحدثان نیز باین محله منسوبند[۲].

۱۰۴ ـ محله شمس‌آباد :

این محله جزءبخش۱ ازمحلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۳]. وعده‌ای ازمردان نامدار بآن منسوبند[۴].

۱۰۵ ـ محله شمیکان :

بفتح وکسر وبعد یاء کاف وآخرش نون محله‌ایست دراصفهان که عده‌ای از روات بآن منسوبند[۵]. ودراللباب‌گفته : بضم شین وفتح آن وکسرمیم وسکون یاء

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۰۰ . ۲ـ ازآن جمله است : ۱ ـ سعیدبن‌یحیی‌بن طویل سعدویه شروانشاذانی اصفهانی متوفی (۲۲۷ ﻫ.ق) از راستگویان محدثان بود که از مسلم زنجی وابوبکربن عیاش وسلمة‌بن صالح روایت میکرد و درمحله شروانشادان سکونت داشت . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۲۵)

۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ . ۴ ـ ازآن جمله است :

۱ـ میرزا ابوالقاسم‌شمس‌آبادی ازمستوفیان دیوان اصفهان‌که قبل‌از(۱۲۹۳ﻫ.ق) فوت شده ودرخط وربط شفیعای ثانی بشمار میرفته وکمالات وهنرهای دیگری نیز داشته است . (جغرافیای اصفهان ص۷۹)

۲ ـ میرزا احمدبن میرزا ابوالقاسم شمس‌آبادی صاحب کمالات در نویسندگی و مستوفیگری بوده ودر (۱۲۹۳ ﻫ.ق) حیات داشته است . (جغرافیای اضفهان ص۷۹)

۳ ـ میرزااسماعیل‌بن میرزاابوالقاسم شمس‌آبادی متوفی‌بعد (۱۲۹۳ ﻫ.ق) ازاربابان کمال ومنشی‌باشی خاصه منوچهرخان حاکم اصفهان بوده وپسری بنام میرزا محمدعلی داشته که او نیز ازصاحبان فهم وکمال بوده ودرحیات پدر فوت شده بوده است . (جغرافیای اصفهان ص۷۹)

۴ ـ میرزا محمدحسن‌بن میرزا ابوالقاسم شمس‌آبادی صاحب کمالات و هنر و امین وظایف ومستمریات مشهد بوده ودر (۱۲۹۳ ﻫ.ق) حیات داشته است . (جغرافیای اصفهان ص۷۹)

۵ ـ میرزا محمدعلی مازندرانی شمس‌آبادی ازمترجمان جلددهم بحارالانوار مجلسی است . (الذریعة الی تصانیف‌الشیعه)

۵ ـ معجم‌البلدان ج ۳ ص۳۶۶ .

آخر حروف وفتح کاف وبعد الف نون محله‌ایست دراصفهان[1] . وابونعیم بضم شین وفتح‌میم وسکون یاء خوانده است[2] . درهرحال همانطورکه درمعجم‌البلدان گفته چندتن محدث نیز باین محله قدیمی که اکنون جزنام چیزی از آن باقی نیست منسوبند[3] .

۱۰۶ ـ محله شهیش = شئیش = اسفیس = اسفیش = شیش :

این محله همان محله اشکهان و جزء بخش۱ از محلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[4] .

۱۰۷ ـ محله شیخ ابومسعود = درشیخ :

این محله ازطرف جنوب به‌محله بیدآباد وازشمال به مورنان وازمشرق به قبله دعاء وپاچنار وازمغرب به دروازه‌نو محدود میشده است وچهارسوئی هم‌نزدیك آن بوده که چهارسوی درشیخ نام داشته است . خانقاه و بقعه شیخ ابومسعود رازی وقبر ابونعیم دراین محله واقع و در قدیم از محلات بزرگ اصفهان بشمار میآمده است[5] .

۱۰۸ ـ محله شیخ سبنا = شیخ یوسف بناء :

این محله در خاجو واقع ودر قدیم آن را دوشاباد یا روشاباد مینامیده‌اند . مقبره شیخ یوسف بناء دراین محله بوده است[6] .

---

۱ ـ اللباب ج۲ ص۲۹ . ۲ ـ ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۱۶۴ ۳ ـ ازآن جمله است :

۱ ـ جعفربن ناجیة شمیکانی اصفهانی از محدثان که جماعتی از تابعان را درك و از ابوعطاءبن ابی‌رباح پرسش کرده وازنعمان‌بن عبدالسلام روایت دارد . (اللباب ج۲ص۲۹)

۲ ـ قدامةبن میمون شمیکانی اصفهانی ازساکنان محله شمیکان واز روح‌بن‌مسافر که از طرف مادر جد عبدالله‌بن محمدبن زکریابن الصلت‌الفقیه‌الخطیب است روایت میکرد .

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۶۴)

۳ـ هذیل‌بن فروخ شمیکانی اصفهانی محدث که ازسفیان‌ثوری ازمسئله‌ای درنمازپرسش کرده ودر نود سالگی وفات کرده است . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۳۳۶)

۴ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ . ۵ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۵۳ .

۶ ـ ذکر تاریخ اصبهان ج۱ ص۱۰۰ .

۱۰۹ ـ محله صالحان

در معجم‌البلدان گفته صالحان تثنیه صالح پیغمبر است و نام محله‌ای از محلات اصفهان که عده‌ای از علماء بآن منسوبند[۱] بنظر نگارنده چون مردمان صالحی دراین محله ساکن بوده‌اند به‌این نام خوانده شده است. و در لباب گفته صالحان محله بزرگی است دراصفهان[۲]. ولی اکنون ازمحله مربوراثری نیست ولی همانطورکه یاقوت گفته علماء ومحدثانی باین محله منسوبند[۳]

۱۱۰ ـ محله طراز:

این محله که دراطراف باغ‌کاران وچهارباغ خاجو بوده[۴]. درزمان خود از محلات بزرگ بشمار میآمده است. در قاموس‌اللغة‌گفته طراز بکسرطاء راه جامد

---

۱ ـ معجم‌البلدان ج۳ ص ۳۸۹ . ۲ ـ اللباب ج۲ ص۴۵ ۳ ـ از منسوبان باین محله است :

۱ ـ ابوبکر محمدبن علی‌بن ابوذر صالحانی از محدثان که از جدش ابوذر روایت میکرد . (اللباب ج۲ ص۴۶)

۲ ـ ابوالحسین عبدالغفوربن عبدالله‌بن احمدبن محمدبن ایوب صالحانی ازمحدثان که ازعبدالله‌بن جعفربن احمدبن فارس روایت میکرد . (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۱۳۲)

۳ ـ ابوذر محمدبن ابراهیم‌بن علی‌بن ابراهیم صالحانی متوفی ربیع‌الاول (۴۴۰ه.ق) از وعاظ ومحدثان که حدیث ازابوالشیخ حافظ وغیر اونقل میکرد ونواده اوابوبکرمحمدبن علی‌بن ابوذر صالحانی ازاو روایت میکرد (اللباب ج۲ ص۴۶)

۴ ـ ابوعبدالله احمدبن محمدبن ایوب صالحانی ازفقهای پرهیزگار ومتقی اصفهان (اللباب ج۲ ص۴۶)

۵ ـ ابومحمد عبدالله‌بن احمدبن ایوب صالحانی محدث‌که ازمحمدبن یحیی‌بن مندة روایت میکرد وابوبکربن مردویه ازاو . (اللباب ج۲ ص۴۶)

۶ ـ ابونصر صالحانی از وزرای آل‌بویه (معجم‌البلدان ج۳ ص۳۸۱)

۷ ـ حسین‌بن طلحة‌بن حسین‌بن ابی‌ذر محمدبن ابراهیم‌بن علی صالحانی از محدثان متأخر . (معجم‌البلدان ج۳ ص۳۸۱)

۸ ـ سعیدبن طلحة‌بن‌حسین‌بن‌ابی‌ذرمحمدبن ابراهیم‌بن‌علی‌صالحانی‌متوفی (۵۳۲ه.ق) از محدثان‌که خود نیز استماع حدیث‌کرده است . (معجم‌البلدان ج۳ ص۳۸۱)

۹ ـ طلحة‌بن حسین‌بن ابی‌ذر محمدبن ابراهیم‌بن علی‌صالحانی متوفی (۵۱۵ه.ق) از محدثان ومکثران درحدیث که درآخر عمر نابینا گردید . (معجم‌البلدان ج۳ ص۳۸۱)

۴ ـ تاریخچه محله خاجو ص ۱۰

ومعرب‌تر ازاست و محله‌ای در مرو و نیز نام محله‌ایست در اصفهان . در سفر نامه ناصرخسرو[۱] . هم ازمحلات پر ثروت و بزرگ اصفهان درآن زمان ذکر گردیده است . دراللباب فی‌تهذیب‌الانساب[۲] . این محله را کوچه عنوان‌کرده وگفته است: ابوطاهرمحمدبن ابی‌نصرابراهیم‌بن مکی معروف به‌هاجرطرازی متوفی (۵۰۷هـ.ق) ازمحدثان آنجا بوده وخود ازابومنصورشجاع وابوزید احمد پسران علی‌بن‌شجاع مصقلی و غیرآنان روایت میکرد و ابوسعد سمعانی از او. و در محاسن اصفهان[۳] ابونصر طرازی را جزء شاعران اصفهان شمرده است. درمعجم‌البلدان پس ازآنکه گفته طراز در آخر اقلیم پنجم و از شهرهای ترکستان و نزدیك اسپیجاب است نوشته: ونیز محله‌ایست در اصفهان وشاید چون بازرگانان اهل شهرطراز ترکستان در آنجا اقامت میکرده‌اند باین نام خوانده شده است وابوطاهر نامبرده بالا را نیز ذکر کرده است[۴] .

۱۱۱- محله طوقچی = تقچی = تخجی = دربه = دریه :

این محله همان است که به دربه یا دریه معروف وبقعه و خیابان صاحب‌بن عباد درآن واقع[۵] . ودرمجاورت منار باغ قوشخانه میباشد .

دروجه تسمیه این محله به طوقچی ونیز املای آن اختلاف است ومعمول نویسندگان امروزی طوقچی است . در رساله‌الارشاد[۶] . فی‌احوال‌الصاحب‌الکافی اسماعیل‌بن عباد درباب مدفن او چنین گفته :

«نعش صاحب باصفهان نقل شد ودرمحله معروف به‌باب دربه مدفون گردید» «واز شهید ثانی نقل شده که مدفن اودراصفهان وقبرش نزدیك دروازه طوقچی در» «مقابل مسجد (باباسوخته) است و نیز شهید ازابن‌خلکان نقل کرده که صاحب در» «خانه خودش مدفون شد ونیز گفته‌که این دروازه را عموم‌تخجی میخوانند ووجه» «تسمیه آنرا چنین بیان میکنند بعضی از حکام که باصفهان آمدند مردم آنجارا»

---

۱ - سفرنامه ناصرخسرو ص۱۰۶ . ۲- اللباب ج۲ ص۸۴ . ۳ - محاسن اصفهان ص۳۲ . ۴ - معجم‌البلدان ج۴ ص۲۷ . ۵ - الاصفهان ص۱۸۵ .
۶ ـ رساله ارشاد ص۴۴ .

«مستجاب‌الدعوه شناختند وچون این‌نکته مانع مقاصد آنان بود ازتمام مردم شهر» «خواستند که تخم‌مرغی بیاورند ونزدیك دروازه بگذارند، چون این‌کارانجام شد» «وتخم‌مرغها مختلط شد دستور داد که هرکس تخم‌مرغ خود را بردارد ومردم هم» «هرکدام تخم‌مرغی برداشتند وچون هرکسی مال‌دیگری را برداشته بودآن‌تخمها» «مورد شبهه واقع ودیگر دعای‌آنان مورد استجابت نبود .» و چون تخم‌مرغها را روی هم چیده بودند آن دروازه را دروازه تخم‌چین خواندند و برحسب کثرت استعمال تخچی گردید و سپس آنرا معرب کرده طوقجی و تحریف کرده طوقچی خواندند. صاحب ارشاد درپایان ذکراین وجه تسمیه اظهارنظر کرده گرچه ممکن است مردم اصفهان مستجاب‌الدعوه بوده باشند ولی با اوضاع و احوال و گفته‌های شعراءِکه : بهشت روی زمین‌است خاك اسپاهان. بشرط آنکه تکانش‌دهند در دوزخ بعید بنظر میرسد .

۱۱۲ ـ محله طهران = طیران = تیران وآهنگران :

این محله که فعلاً درشمال‌شهراصفهان ونزدیك محله مورنان وآب‌بخشان ودر شمال خیابان فروغی واقع است در قدیم دیهی در نزدیکی دروازه شمالی شهر بوده وعالمان ومحدثانی نیز ازآن‌جا برخاسته‌اند . درکتاب معجم‌البلدان گفته[۱] : طهران بکسروسکون وراءِوآخرش نون وآن فارسی است ومردم محل میگویند: تهران زیر اطاء درلغت فارسی نیست و آن دیهی در ری و دیهی دیگر در اصفهان است که عده‌ای از آن برخاسته‌اند . ودر المشترك[۲] . هم همین مضمون را تأیید کرده است . دراللباب فی‌تهذیب‌الانساب[۳]. گفته دیه بزرگی‌است دردروازه‌اصفهان که عده‌ای ازعلماء بآن منسوبند[۴] .

۱ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۵۲. ۲ـ المشترك ص۲۹۸ . ۳ ـ اللباب ج۱ص۹۲.
۴ـ ازآن جمله است :
۱ ـ ابوبکر ابراهیم‌بن سفیان طهرانی محدث کثیرالحدیث که ازعراقیان واصفهانیان روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۹۳)

۲ ـ ابوبکر ابراهیم‌بن سلیمان طهرانی محدث که حدیث ازابراهیم‌بن‌نصروغیراوشنید.
(المشترك ص۲۹۸)

۳ـ ابوبکرمحمدبن احمدبن محمود طهرانی‌متوفی (۴۳۲ ه.ق) وی درشیرازسکونت داشت ومردی پیر ومتجاوز ازنودسال داشت وحدیث از دارکی کبیروصغیرومحمدبن‌احمدبن مخلد فرقد روایت میکرد. وابوعبدالله قصار شیرازی ودیگران ازاو روایت میکردند.
(المشترك ص۲۹۸)

۴ ـ ابوبکرمحمدبن‌جعفرطهرانی محدث که ازاسماعیل‌بن یزید قطان‌کتاب ابراهیم‌بن اشعث را ازفضیل روایت میکرد
(ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۶)

۵ ـ ابوجعفر محمدبن احمدبن عمرطهرانی مؤدب ازمحدثان که دربغداد ازابن سماك ونجار ونقاش حدیث نوشته وخود ازمشایخ حافظ ابونعیم اصفهانی بوده است
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۴۱)

۶ ـ ابوجعفر محمدبن محمدبن صخربن سدوس تمیمی طهرانی متوفی (۲۶۸ ه.ق) از محدثان‌که حدیث از حسین‌بن حفص و حمیدی ومقری ومحمدبن حرب وخلادبن یحیی و ابی‌عاصم وسلیمان‌بن حرب وغیرآنان روایت‌کرده است. (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۹۴)

۷ ـ ابوالحسن علی‌بن رستم‌بن مطیار طهرانی متوفی (۳۰۳ ه. ق) وی از محدثان و ازخانواده رستمی و عم ابوعلی‌بن رستم‌که از لوبن واحمدبن معاویة وجبر و عبدالله‌بن عمر برادر رسته وعقیل‌بن یحیی وطبقه‌اش ابراهیم‌بن‌معمرویحیی‌بن واقد ومحمدبن محمد وحسن‌بن علی‌بن عفان روایت میکند
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۰)

۸ ـ ابوصالح عقیل‌بن یحیی‌بن اسود طهرانی متوفی رمضان (۲۵۸ ه.ق) از محدثان که حدیث ازیحیی‌بن سعید قطان وابوداود وابن عیینه وابن مهدی روایت میکند.
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۴۴)

۹ ـ ابوالعباس احمدبن محمدبن احمدبن قاسم‌بن سهلویه طهرانی متوفی رمضان (۴۶۹ ه.ق) ازمحدثان‌که ازابوعبدالله‌بن مندة روایت میکند وابونصر احمدبن عمرمغازلی و ابوسعید احمدبن‌محمد بغدادی ازاوروایت دارند
(اللباب ج۲ ص۹۴)

۱۰ ـ ابوعثمان سعیدبن مهران‌بن محمد طهرانی از محدثان که از خوارزمی روایت دارد وشعاروعبدالرحمن‌بن سیاه ازاو روایت میکنند اوبیك‌واسطه شیخ‌ابونعیم حافظ‌اصفهانی است
(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۳۰)

۱۱ ـ ابوالقاسم ناجیه‌بن سدوس طهرانی از محدثان که ساکن طهران بود واورا در آنجا اعقاب وخانه وضیاع مشهوراست ودهقانی با ثروت وصاحب ضیاع وعقاربزرگی بود. محمدبن احمدبن تمیم ازاو حدیث نقل کرده است.
(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۳۲)

۱۲ ـ ابونصر محمودبن عمربن ابراهیم‌بن احمد طهرانی ازمحدثان‌که حدیث ازابن مردویه نقل میکرد و ابوالفضل مقدسی از او حدیث استماع کرده است.

(معجم‌البلدان ج۴ ص۵۲)

←

۱۱۳ - محله طیرا[1] = تیره :

این محله درقدیم در نزدیکی دروازه تیره که در مغرب شهر اصفهان بوده واقع میگردیده است ودانشمندانی نیزبآنجا منسوبند[2] . درزمانی هم جزء دهات اصفهان محسوب میشده ولی پس‌ازتوسعه ضمیمه شهر شده است

۱۱۴ - محله ظله :

این محله ازجمله محلاتی است که اززمان صفویه ببعد دائرشده ودر اوائل قرن چهاردهم بویرانی کشیده شده بود ولی ازآن تاریخ ببعد بعمران وآبادی آن افزوده شده است . احتمال میرود ازظله عربی‌که بمعنی صفه وسایبان است گرفته شده باشد یعنی در دروازه ظله چیزی چون صفه و یا چادری بوده که واردان در هنگام گرما ونظائر آن ازآن استفاده میکرده‌اند

۱۱۵ - محله عباس‌آباد :

این‌محله درزمان شاه‌عباس بزرگ‌احداث شده وعلت احداثش فزونی‌جمعیت بطوری بوده که بشاه گزارش دادند بیست‌وپنج‌نفر زن ومرد دریك اطاق میخوابند

←

۱۳ - علی‌بن یحیی طهرانی از محدثان که حدیث ازقتیبة‌بن مهران اصفهانی استماع کرد (معجم‌البلدان ج۴ ص۵۲)

۱۴ - محمدبن جعفربن احمد طهرانی از محدثان و از مشایخ حدیث ابونعیم حافظ اصفهانی . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۲)

۱ - بروزن شیوا بکسراول وسکون ثانی . معجم‌البلدان ج۴ ص۵۴ ۲ - ازمنسوبان بآنجا است :

۱ - ابوالعباس احمدبن محمدبن‌علی‌بن متنه طیرانی که مسافرتی درطلب حدیث‌کرده وحدیث بسیار استماع ولی‌جز کمی حدیث نگفته است ازابوعبیدة عبدالله‌بن‌محمدبن‌الحسن‌بن زیاد جهرمی خود حدیث شنید وابوبکربن مردویه ازاو (معجم‌البلدان ج۴ ص۵۴)

۲ - ابوبکرمحمدبن عبیدالله‌بن احمدبن محمدبن احمدبن‌یزید انصاری طیرانی‌متوفی (۴۲۳ هـ.ق) ازصلحای‌شیوخ وثقات وصاحب رأی واستواری دردین وپرکتابت وثابت‌قدم و نیکو تصنیف بود . یحیی‌بن‌منده در تاریخ اصفهان از او چنین یاد کرده است . (معجم‌البلدان ج۴ ص۵۴)

۳ - ابومحمد طیرانی ازمقریان قرون چهارم و پنجم هجری بوده است . (محاسن اصفهان ص۳۰)

و شاه دستور داد که این محله را بنا کنند ولی بعدها در اثر حوادث افغان و غیره روبخرابی گذارد. محله عباس‌آباد درکنارشمالی‌رودخانه زاینده‌رود واقع وخانه‌های پشت مسجدشاه جزء محله مزبور بوده است . در این زمان محله مزبور درحال عمران و آبادی میباشد.

ازمحله عباس‌آباد نیزعلماء وشعرائی برخاسته‌اند[1] . دردوره صفویه‌محله‌ای بسیارآباد وبزرگ بوده است . وچون مردم تبریز را درآنجا سکونت دادند آنرا محله تبارزه وسکةالتبریزیة نیزگفته‌اند.

---

۱ ــ ازمنسوبان به محله عباس‌آباد است :

۱ ــ میرزا محمدمهدی عباس‌آبادی تاجر وبانی مدرسه شمس‌آباد اصفهان که درسال (۱۱۲۵ ه.ق) زنده بوده است .

۲ ــ میرزا مهدی الهی عباس‌آبادی شاعری خوش‌فکر و خوش‌خیال و بتحصیل علوم اشتغال داشت وخودرا در هرعلم متفرد میانگاشت . مولدش تبریز ولی درعباس‌آباد سکونت داشت . ازاشعار اواست :

سخت میترسم بحسرت انتظارم بگذرد — رفته باشم‌ازخودآن‌ساعت که‌یارم بگذرد
ایکه خاکم را بباد از جلوهٔ خودداده‌ای — آنقدر بنشین که از پیشت غبارم بگذرد

(صبح گلشن ص۳۵)

۳ ــ بهرام بیك‌بیانی فرزند نقدی‌بیك تبریزی عباس‌آبادی زنده در(۱۰۹۹ ه.ق) وی ازمردم تبریز ولی‌ساکن عباس‌آباد اصفهان ومردی خاموش وآرام بود وخط نستعلیق‌را خوش مینوشت ، بهار بشغل کتابت ودرزمستان به پوستین‌دوزی مشغول بود ومنتی ازکسی نمیکشید. از اشعار اواست :

کیست‌ازما تنگ‌دوزی‌ترکه دائم رزق‌ما — آید از شق قلم یا دیدهٔ سوزن برون

(احوال خوش‌نویسان نستعلیق بخش۱ ص۱۰۲)

۴ ــ میرسیدعلی جواهر رقم فرزند میرزا مقیم تبریزی عباس‌آبادی از شاگردان میرزا ابوتراب رئیس‌الخطاطین است شاه جهان اورا از هند خواست و مدتی در هندوستان بسمت کتابداری مشغول و در سال سیصدتومان مواجب داشت. وی خط نستعلیق‌را مانند پدر نیکو مینوشت وازاین‌جهت در دربار صفویه‌مورد توجه بود، نامبرده ازاحفاد میرشاهمیر جد سادات طباطبائی تبریز که از زواره اردستان بآنجا مهاجرت کرده‌اند بشمارمیرفت .

(تاریخ خط وخطاطان ج۱ ص۷۱)

۵ ــ میرزامقیم جوهری‌بن میرزا علی‌اکبر عباس‌آبادی از زرگران و شعراء بود ودر محله عباس‌آباد سکونت میکرد . ازاشعار او است :

←

دلیل فائده خامشی بس است همین		که چون زبان‌بگزیدی‌نمیگزد زنبور

(تذکره نصرآبادی ص۱۳۶)

۶ ــ حاج اسماعیل خــان تبریزی عباس آبادی از شعرای متصوف که چند نوبت به هندوستان سفر کرد ازاشعار اواست :

تا خاك نشین کوی دلدار شدم		از لذت هردو کون بی‌زار شدم
چون موج بروی بحر میغلطیدم		روداد کشاکشی و هموار شدم

(دانشمندان آذربایجان)

۷ ــ حاج عبدالمطلب بن محمدحسین عباس‌آبادی متوفی بعد (۱۲۷۷ ه.ق) ازعلمای قرن‌سیزدهم هجری وشاگردشیخ‌احمد احسائی‌در(۱۲۶۶ه.ق) واوراست : ۱ـ الحجة‌البالغة بفارسی . ۲ ـ حجیة‌المظنة بفارسی . ۳ ـ رساله‌ای در بداء . ۴ ـ تنبیه‌المقال .

(طبقات اعلام‌الشیعه ج۲ ص۷۹۴)

۸ ــ سیدعبدالله حالی تخلص عباس‌آبادی ازشعراء واز اشعار اواست :

طپد در سینه‌ام دل از خیال حلقهٔ زلفش		چو گنجشگی که‌ماری‌گرددش‌در‌آشیان پیدا

(صبح گلشن ص۱۱۶)

۹ ــ میرزا ابوتراب حجاب تخلص عباس‌آبادی معاصر نادرشاه افشار از شعراء واز سادات ساکن‌عباس‌آباد ازاشعار او است :

زین پیش‌گردون ، درشیرمن خون		میکرد و اکنون ، در باده‌ام خون

(تذکره روز روشن ص۱۹۵)

۱۰ ــ محمد امین خازن تخلص فرزند ضیاءالدین عباس‌آبادی جامع کمالات و از شعراء بود . چندی بشیراز توقف داشت وهمانجا فوت شد . ازاشعار اواست :

بود ز تنگی دل غنچه سان دل جمعم		چو گل شکفتگیم باعث پریشانی‌است

(تذکره نصرآبادی ص۲۰۶)

۱۱ ــ میرزا شریف‌بیك خازن تخلص فرزند نوری‌خان عباس‌آبادی معاصرشاه‌سلیمان صفوی بود واز شعرای نامدار بشمار میرفت . ازاشعار اواست :

شد تازه آب گیری تیغ جفای او		ممنون شدم زگریه بی‌اختیار خویش

(تذکره روز روشن ص۲۳۴)

۱۲ــ محمدرضا راضی تخلص‌عباس‌آبادی ازتبارزه ساکن عباس‌آباداصفهان وازشعراء وزرگران بود مدتی بهند رفت وسپس مراجعت‌کرد وبزرگری پرداخت و باز بهند رفت . از اشعار اواست :

رباعی

جان گر از سینه ما شاد برون میآید		کی خیال توام از یاد برون میآید
بامیدی که بسرو قد او دل بندد		قمری از بیضهٔ فولاد برون میآید

(تذکره نصرآبادی ص۳۹۳)

۱۳ـ رشید عباس آبادی ازشاعران وزرگران ومیناکاران و باصائب تبریزی معاصربود. ازاشعار اواست

چو رفتم از سر کوی توعیر گلها چید ... چو باغبان رود ازباغ مفت گلچین است

(تذکره روز روشن ص۲۹۲)

۱۴ـ میرزا قاسم‌خان زاهد تخلص عباس آبادی ازاکابر شعراء ومعاصرشاه‌سلیمان بود ازاشعار اواست

میان کعبه و دل فرق این‌قدر باشد ... که‌دل‌خراب‌چوگردید بیت معموراست

(تذکره روز روشن ص۳۲۳)

۱۵ ـ محمدقلی‌بیك شاکر تخلص عباس آبادی ازتبارزه ساکن عباس آباد اصفهان واز ماهران در زرگری ونقاشی وازشعراء معاصر نصرآبادی بود وازاشعار اواست:

هجر هرچند که دل بیشترم میسوزد ... در فنا وصل دو چندان قدرم میسورد

(تذکره نصرآبادی ص۳۹۲)

۱۶ ـ خواجه محمدصادق معروف به‌صادق عباس آبادی و متخلص به‌ناظم تبریزی از شعراء واوراست نظم‌گزیده که‌آنرا درسال (۱۰۳۶ ه.ق) گردآورده وشاید همان‌تذکرةالشعراء باشد

بطوریکه نصرآبادی نوشته هنگام تألیف تذکره نصرآبادی (۱۰۸۳ ه.ق) خواجه محمدصادق عباس‌آبادی بدرود زندگی‌گفته بوده است. از اشعار اواست:

آغوش گل زسینه چاکم نشانه‌ایست ... دستان بلبلان ز سرودم ترانه‌ایست

خاشاك راه او که بمژگان ربوده‌ام ... از بهر مرغ دیده من آشیانه‌ایست

(تذکره نصرآبادی ص۴۱۱)

۱۷ ـ میرزا محمدرضا صدرالکتاب عباس آبادی متوفی (۱۱۱۸ ه.ق) از شاگردان میرزا ابوتراب‌اصفهانی وازخوشنویسان‌بود. مهندسی‌کتیبه حیاط‌نو حضرت امام‌رضا علیه‌السلام ازاوست. نامبرده پس‌ازوفات درمزار تخت فولاد دفن گردید. (امتحان‌الفضلاء ص۳۳۶)

۱۸ـ میرزاابراهیم عارف تخلص عباس آبادی ازشعراء وبرادرمیرزاآقاسی‌عباس آبادی متوفی پیش‌از (۱۰۸۳ ه.ق) وازاشعار اواست.

ازحوادث‌گردغم بنشست بررخسارما ... پاسبان خانه شد کوتاهی دیوار ما

(تذکره نصرآبادی ص۴۳۱)

۱۹ ـ عارفا عباس‌آبادی از تبارزه ساکن عباس‌آباد اصفهان مردی آرام و وارسته و مصاحب صائب تبریزی وکاتب دیوان اوبود، خود نیز شاعربود وشعر نیکومیگفت. زمانی قصد مسافرت‌بهندکرد چون بافغان‌رسید اموالش‌را بتاراج بردند ونادم‌شده باصفهان‌برگشت. از اشعار اواست:

دوران شراب محنت ودردم بجام ریخت ... دندان شکوفه‌وار زباد زکام ریخت

(تذکره نصرآبادی ص۳۹۳)

←

۲۰ ـ میرسیدعلی مشتاق عباس‌آبادی متوفی (۱۱۷۰ ه.ق) ازشعرای متأخر و استاد آقامحمد عاشق ورفیق ومیرزا صبوح واومعتقد بود که هرشاعر باید درغزل بسعدی ودرقصیده به‌انوری ودر رزم به فردوسی وبزم به‌نظامی ودرقطعه بابن‌یمین ودر رباعی به عمرخیام اقتدا کند . نمونه شعراواست :

روتافتم از دل بسراغ حرم دوست — غافل که دراین‌خانه به‌آن‌خانه رهی هست

(تذکره روز روشن ص۷۳۸)

۲۱ ـ ملامحمدعلی مفرد تخلص فرزند محمدقلی‌بیك تبریزی عباس‌آبادی ازشعراء و خوشنویسان خط نسخ ومردی درویش و مدارش بکتابت حدیث میگذشت و با مؤلف تذکره نصرآبادی معاصر بود ازاشعار اواست :

کسی‌پا درره عشق توکافرکیش‌نگذارد — من‌آنجا سرنهادم‌تاکسی‌پاپیش نگذارد

(تذکره نصرآبادی ص۴۸۹)

۲۲ ـ مطیعا عباس‌آبادی ازاکابر عباس‌آباد بود وشعر نیکو میسرود وبا پسرخود از اصفهان به‌هند رفت ودرآنجا پسرش وفات‌کرد وخود به‌عباس‌آباد بازگشت. ازاشعاراواست :

با گرفتاری چنان سازم‌که درگلزارعشق — می‌خلد درديده‌ام خاری‌که دامن‌گیر نیست

(صبح گلشن ص۴۲۵)

۲۳ ـ ملاعباس‌بن محمدبیك زیاد اوغلی عباس‌آبادی متوفی (بعد ۱۰۸۳ ه. ق) از تبارزه ساکن عباس‌آباد وازشعراء و اوراست قصیده تأویلیه که بعضی از فضلاء عصرش آنرا شرح‌کرده‌اند ودیباچه شرح آنرا ملامحمدامین‌بن ملاعبدالفتاح وقاری طبسی درکتاب‌گلدسته اندیشه ایراد کرده است وازتألیف آن در (۱۰۸۳ ه.ق) فراغت یافته .

(الذریعة ج۱۷ ص۱۱۱)

۲۴ ـ عبدالوهاب موسوی عباس‌آبادی زنده در رجب (۱۰۷۸ ه.ق) از خوشنویسان خط نستعلیق بوده‌که نمونه خطش درکتابخانه آستان قدس رضوی موجود است .

(فهرست آستان قدس ج۵ ص۲۳۱)

۲۵ ـ میرزا طالب‌بن حاج‌میرزاخان‌بیك عباس‌آبادی ازشعراء وفضلای دوره صفویه و ازتبارزه ساکن عباس‌آباد وبا مؤلف تذکره نصرآبادی معاصر بود. پدرش حاج‌میرزاخان‌بیك مردی ثروتمند بود وآن مکنت به‌پسر رسید ولی تمام شد و با فقر ودرویشی زندگی میکرد. از اشعار اواست :

بااینکه بتان شکوه ماگوش نکردند — جرمی که نکردیم فراموش نکردند

آغوش گشادیم برین کبك خرامان — یك جلوه باندازه آغوش نکردند

(تذکره نصرآبادی ص۱۲۵)

۲۶ ـ میرزا مقیم عباس‌آبادی متوفی اندکی پیش‌از (۱۰۸۳ ه. ق) از خانواده‌های میرشاهمیر جداعلای سادات طباطبای تبریز است‌که اززمان امیرتیمورگورکان اززواره به‌تبریز

مهاجرت کرده‌اند میرزا مقیم ازتبریزیهائی بودکه درزمان شاه‌عباس در عباس‌آباد اسکان داده شده بودند .

اوصاحب فضایل وکمالات وخط نستعلیق را بسیارخوش مینوشت وازاین‌رو جزء کتاب دربار بود ، و پس‌ازمدتی باتفاق پسرش میرسیدعلی جواهر رقم به هندوستان رفت و درآنجا نیز دردربار هند درکتابخانه اشتغال داشت وهمانجا بدرود زندگی گفت .

نسب علیاحضرت شهبانوی ایران نیز به میرشاهمیر میرسدو ترتیب‌آن برحسب آنچه در مجالس‌النظامیه نوشته شده ودرتاریخ خط وخطاطان جلداول نقل شده باین‌ترتیب است :

«علیاحضرت‌فرح‌پهلوی شهبانوی‌ایران فرزند برومند مرحوم‌سهراب دیبا فرزندمرحوم»
« سیدمهدی‌شعاع‌الدوله دیبا فرزند عالم‌نامدار سید میرزا رفیع‌الدین نظام‌العلماء صاحب »
« مجالس‌النظامیه ازاعاظم علمای عصرناصرالدین‌شاه فرزند حاج‌میرزا علی‌اصغرمستوفی‌پسر »
«میرزارفیع‌پسرمیرزا ابوطالب‌معروف به‌وزیرفرزندمیرزا سلیم‌نایب‌الصدارة پسرمیرمحمدسعید»
«پسرمیرعلی‌اکبرفرزندمیرزا رفیع‌پسرمیرمطلب‌پسرمیرفتاح پسرمیرصدرالدین فرزند میرمحمد»
« پسرمیراسماعیل دیباج (ازاین‌تاریخ لقب‌دیبا درمیان‌سادات طباطبای تبریزدایج‌شده)فرزند »
« میرعلی‌اکبر شاهمیر (ازمعاصران شاه‌اسماعیل صفوی) پسر امیرعبدالوهاب (وی بهمراهی »
« اسحاق صاحب‌کتاب حاوی ومولانا شکرالله مغانی وحمزه‌خلیفه وجمعی کثیر بعنوان‌سفارت »
« ازطرف‌شاه‌اسماعیل نزدسلطان‌سلیم رفتند ولی‌پوزش‌پادشاه‌ایران را نپذیرفت ومیرعبدالوهاب »
« وقاضی وصاحب حاوی را باهمراهان به‌حصار دیموته اعزام ومحبوس‌کرد) پسرامیرجلیل »
« عبدالغفارپسر میرعمادالدین پسر امیرالحاج پسر میرحسن فخرالدین پسرکمال‌الدین محمد »
« فرزندکمال‌الدین حسن پسرشهاب‌الدین علی پسرمحمد مکنی به‌ابوجعفر پسر احمدملقب »
« به‌فتوح‌الدین‌پسرمحمد پسراحمد مشهوربه‌رئیس پسرابراهیم طباطبا پسراسماعیل‌دیباج‌پسر »
« ابراهیم‌غمر پسرحسن مثنی پسر امام‌حسن مجتبی پسرامیرالمؤمنین علی وفاطمهٔ زهرا دختر »
« پیغمبرخاتم علیهم‌السلام . » (مجالس‌النظامیه ص۳۴۸ وتاریخ خط وخطاطان ج۱ص۷۱)

۲۷ ــ کلبعلی‌نادر تخلص عباس‌آبادی ازتبارزه عباس‌آباد وصائغ و نقاش وشاعربود ونژادش نیز اصفهانی است . نمونه شعرش :

بپای مد هر تقصیر مهر توبه‌ای دارد   مفاصائی است نادرچون‌گشائی‌دفتر مارا
(تذکره نصرآبادی ص۳۹۳)

۲۸ ــ میرزا عزت ناصح تخلص عباس‌آبادی از شعرای فارسی‌زبان است‌که صائب تبریزی اورا ستوده ودیوانی دارد . ازاشعار اواست :

بهار عمرگذشت وزمن گلی نشکفت   در این حدیقه بموسم نکشته‌اند مرا
(تذکره روزروشن ص۷۹۰)

در تذکره نصرآبادی درصفحه ۱۲۵ نام ناصح را میرزا عرب نوشته ولی‌عزت درست بنظر میرسد .

۲۹ــ ملامهدی واثق تخلص فرزند محمدقاسم‌نجفی‌عباس‌آبادی زنده در(۱۰۸۳هـ.ق)

۱۱۶ ـ محله عطاء خشك :

یکی ازمحلات قدیمی اصفهان است که بنام عطاء خشك[1]. نیای مادری حسین بن حفص بن فضل متوفی (۲۱۲ ﻫ.ق) خوانده شده است .

۱۱۷ ـ محله فابجان :

این محله درقدیم ازقرای متصل به‌شهر بوده وبتدریج که شهر توسعه یافته جزء محلات شمرده شده است . در معجم‌البلدان[2] . گفته فابجان بعد الف باء یك نقطه اززیر ومکسور و جیم وآخرش نون بنابقول ابوسعد دیهی از دهات اصفهان است وگفته نمیدانم که منظورهمان فابزان است یا جای دیگر. ودرلباب[3]. گفته: بفتح فاءِ و سکون الف وفتح باء یك نقطه و جیم وبعد الف دوم نون دیهی ازدهات اصفهان است .

واینکه درلفظ درست آن‌که فابجان یافابزان باشد یااینکه دوجاباشد تردید گردید اینطور بنظر میرسد که در تلفظ و لهجه قدیم مردم اصفهان حرف ژ فارسی طوری‌تلفظ میشده‌که بین‌جیم وزاءِ بوده واینستکه بعضی‌بلفظ فابجان وبرخی‌فابزان فهمیده‌اند وگرنه نبایستی ابوموسی عقیلی راهم هردوفریق ذکر کنند وچون‌ابونعیم فابزان‌ذکرکرده ازنظراینکه اهل اصفهان بوده وآگاهی‌بیشتری داشته است‌بایستی درست آنرا فابزان قبول کرد نه فابجان مگراینکه گفته شود در زمان ابونعیم فابزان معمول بوده وهنگامیکه یاقوت حموی و مؤلف اللباب نوشته‌اند چند قرن

→

دارای فضایل اخلاقی ودراکثرعلوم ربط داشت وبیشترخطوط حتی کوفی را خوش مینوشت . از اشعار اواست :

بی‌تو اندیشهٔ گلزار مرا زندان است   نغمه‌پردازی بلبل اجل پران است

(تاریخ خط وخطاطان ج۱ ص۱۴۵)

۱ ـ اواست : ابوزید عطاءبن‌السائب‌بن ابی‌الحارث متوفی(۱۳۰ ﻫ.ق) که ازطرف‌بنی‌عباس بخراسان رفت وریاست سپاه را داشت ولی اواصفهانی بود و دشت عطاء وباب عطاء نیز باو منسوب است . دخترش خالده زن حفص‌بن فضل بود واعقابی درمرو داشت ونیزازاعقابش در اصفهان : صباح‌بن عطاء وشاذویة‌بن عطاء بوده‌اند .   (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۱۴۷)

۲ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۲۴ .   ۳ ـ اللباب ج۲ ص۱۸۶ .

گذشته بوده و معمول فابجان بوده است . در هر حال عده‌ای از محدثان به فابجان منسوبند[1] .

۱۱۸ ـ محله فابزان :

در معجم‌البلدان[2] گفته : بعد الف باء موحدة وزاء و آخرش نون : جائی وگفته شده دیهی است وگفته شده شهرکوچکی است ازاصفهان .

درهرحال به‌محله فابزان نیز عده‌ای ازعلماء و محدثان منسوب شده‌اند[3] .

---

۱ ـ از آن جمله است : ۱ ـ ابوعلی حسن‌بن ابراهیم‌بن بشافابجانی متوفی (۳۰۱ هـ.ق) آزاد کرده قریش ومردی ثقة بودکه از سلیمان شاذکونی وغیراو روایت میکرد ، و محمدبن احمدبن ابراهیم اصفهانی ازاو . (اللباب ج۲ ص۱۸۷)

۲ ـ ابومحمد عبدالله‌بن محمدبن ابراهیم‌بن اسحاق فابجانی متوفی بعد (۲۷۰ هـ.ق) ازمحدثان‌که حدیث ازجد مادریش‌ابوموسی فابجانی نقل کرده‌است. (اللباب ج۲ص۱۸۷)

۳ ـ ابوموسی عیسی‌بن ابراهیم‌بن صالح‌بن زیاد عقیلی فابجانی اصفهانی متوفی (۲۷۰ هـ.ق) مردم شهراصفهان بود ودر دیه فابجان سکونت داشت . خود از آدم‌بن ابی‌ایاس وابوتوبةالربیع‌بن نافع روایت میکرد وابومحمد عبدالله‌بن‌محمدبن ابراهیم‌بن اسحاق‌فابجانی پسردخترش ازاو روایت میکرد . (اللباب ج۲ ص۱۸۷)

۴ ـ علی‌بن مغیره اثرم فابجانی اصفهانی ازعلمای لغت واز کسانی بود که شهرهای عراق را برای جمع لغت وشعر دور زد ونزد علمای آنجا تصحیح کرد .
(معجم‌الادباء ج۱ ص۳۶۴)

۲ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۲۴ . ۳ ـ ازمنسوبان به‌فابزانند :

۱ـ ابوعلی حسن‌بن ابراهیم بشارفابزانی متوفی (۳۰۱ هـ.ق) ازموالی قریش‌وبواسطه ابواحمد محمدبن احمدبن ابراهیم شیخ حدیث ابونعیم حافظ اصفهانی‌است .
(ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۲۶۱)

۲ ـ ابومحمد عبدالله‌بن محمدبن ابراهیم‌بن اسحاق‌بن ابراهیم‌بن صالح‌بن زیاد عقیلی معروف به‌سکویه فابزانی‌ازجد مادریش عیسی‌بن ابراهیم عقیلی واسحاق عموی مادرش‌روایت میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۸۸)

۳ ـ یزیدبن هزاری‌الفابزانی که حدیث ازسعیدبن‌جبیر دراصفهان استماع کرد .
(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۴۳)

۴ ـ محمدبن‌ابراهیم فابزانی نفیلی خود ازاحمدبن اسحاق ومحمدبن‌حمیدازاوحدیث نقل میکرد . (ذکراخباراصبهان ج۱ ص۱۹۲)

۵ ـ ابوبکر محمدبن اسحاق‌بن ابراهیم‌بن صالح عقیلی فابزانی متوفی (۲۸۳ هـ.ق) خود از دحیم وهشام وابوعثمان اسحاق‌بن ابراهیم ازاو روایت میکرد .
(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۳۱)

۱۱۹ - محله فاذجان :

درمعجم‌البلدان[1] . واللباب[2] . آنرا بافاءِ وذال وجیم و آخرش نون ذکر وگفته‌اند ازدهات اصفهان است ویك نفررا[3] هم بآن نسبت داده‌اند[4] .

۱۲۰ - محله فرائان :

ازمحلاتی‌است‌که درهنگام توسعه مسجد جامع یهودیه جزءِ شهرشده‌است[5].

۱۲۱ - محله فرح‌آباد :

این محله جزءبخش۵ ازمحلاتی است‌که درجنوب رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[6] . ودرزمان شاه‌سلطان‌حسین صفوی محله‌ای آباد بوده ودراثرمهاجمه افغانها بتدریج روبویرانی‌نهاده است ولی امروز دومرتبه روبعمران وآبادی میرود. این محله بمناسبت کاخ فرح‌آباد که بنا بدستور شاه‌سلطان‌حسین در آنجا بناشده بوده بنام فرح‌آباد منسوب شده ولی آن کاخ همانطور که درجای خود یادآور شده ازمیان رفته است .

۱۲۲ - محله فرسان :

در معجم‌البلدان[7] گفته : بکسر اول وسکون ثانی و آخرش نون از دهات اصفهان است ، وسلفی‌گفته: بضم فاء میباشد و قومی ازاهل حدیث بآنجا منسوبند . درالمشترك گفته[8] : بضم فاءِ و سکون راءِ و سین مهلة والف و نون دیهی‌است در

---

۱ - معجم‌البلدان ج۴ ص۲۲۴ . ۲ - اللباب ج۲ ص۱۸۸ . ۳ - از منسوبان بمحله فاذجان است :

۱ - ابوبکرمحمدبن ابراهیم‌بن‌اسحاق فاذجانی که دربغداد ساکن شد ودرآنجا حدیث از ابومسعودبن الفرات رازی نقل کرد و ابوبکربن مالك قطیفی از او .

(اللباب ج۲ ص ۱۸۸)

۴ - بنظر نگارنده اسامی فابجان وفابزان وفاذجان وخابجان که محله سرقبرآقای‌کنونی باشد یکی است . منتهی در ادوار تاریخی لهجه‌ها و تلفظها تغییر یافته و اکنون آنجا را سرقبرآقا میخوانند وعده‌ای از امام‌جمعه‌های اصفهان وغیرآنان درآن محل مدفونند .

۵ - ذکرتاریخ اصبهان ج۱ ص۱۷ . ۶ - تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .

۷ - معجم‌البلدان ج۴ ص۲۷۵ . ۸ - المشترك ص۳۳۲ .

دروازه اصفهان. ودر تاریخ نصف جهان[1]. گفته: قریه‌ای بوده درمشرق شمال‌شهر اصفهان که ضمیمه‌شده ومحله اول آن بوده‌است. درهرحال عده‌ای ازعلماءِ ومحدثان باین محله منسوبند[2]. شاه‌میرحمزه دراین محله واقع است:

۱ ــ نصف جهان فی تعریف الاصفهان ص۲۷. ۲ــ از منسوبان به‌محله فرسان است:

۱ ــ ابواسحاق ابراهیم‌بن ایوب عنبری فرسانی ازمحدثان که به‌دو واسطه شیخ حدیث ابونعیم بوده وخود حدیث ازثوری ومبارك‌بن فضالة وابوهانی واسودبن‌رزین شنیده وعبدالله‌بن داود از وی. اوازصاحبان تهجد وعبادت بود ومدت چهل‌سال بفراش نرفت. سرورویشش را خضاب میکرد و درقرن سوم هجری میزیست. (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۷۲)

۲ ــ ابواسحاق ابراهیم‌بن‌عاصم‌فرسانی ازمحدثان که ازخلادبن یحیی‌حدیث نقل‌میکرد. (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۸۳)

۳ ــ ابوالحجاج یوسف‌بن ابراهیم‌بن شبیب‌بن مزید فرسانی متوفی (۲۴۲ ه.ق) از موالی‌بنی اسد قریش وازحفاظ بودکه باابومسعود رازی معارضه میکرد. شیوخ تصنیف‌کرد، وحدیث ازابونعیم حافظ اصفهانی و عبیدالله‌بن موسی و ابوغسان نهدی و سلیمان‌بن حرب و ابوالولید شنید ولی حدیثش خارج نویس نگردید. (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۳۴۷)

۴ ــ ابوالحسن علی‌بن عمربن عبدالعزیزفرسانی متوفی بعد (۳۷۰ ه.ق) از محدثان که حدیث ازمحمدبن‌سهل‌بن الصباح ویحیی‌الذارع وطبقه‌اش‌شنید وبهمه مجالس‌حدیث‌میرفت تا بمرد. (ذکراخباراصبهان ج۲ ص۲۱)

۵ ــ ابومحمد بذال‌بن سعدبن خالدبن محمدبن ایوب فرسانی اصفهانی ازمحدثان‌که ازمحمدبن بکیرحضرمی روایت میکرد و ابواحمدبن عبدی حافظ از او روایت دارد.

(اللباب ج۲ ص۲۰۵)

۶ ــ ابومحمد عبدالله‌بن محمدبن‌جعدفرسانی ازمحدثان‌که ازسهیل‌بن عثمان وعبدالله‌بن عمران روایت میکرد واورا دیداری ازابراهیم‌بن ایوب فرسانی صاحب نعمان دست داد.

(ذکراخباراصبهان ج۲ ص۶۹)

۷ــ احمدبن‌جعفربن‌سلم‌فرسانی ازمحدثان فرسان اصفهان وشیخ‌حدیث ابونعیم بواسطه محمدبن عبدالرحمن‌بن مخلد. (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۴۲)

۸ ــ ابراهیم‌بن حیان‌بن حکیم‌بن حنظلة‌بن سویدبن‌علقمة‌بن سعدبن معاذاشهلی فرسانی ازمحدثان‌که حدیث ازپدرانش و شریك‌بن عبدالله روایت میکرد.

(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۸۳)

۹ ــ عبدالعزیزبن محمدبن جعفر ضبی فرسانی مولود (۴۱۲ ه.ق) ومتوفی‌ربیع‌الثانی (۴۹۶ ه.ق) ازشیوخ معمر وبزرگ و صالح و کثیرالسماع بود. خود حدیث ازابوالحسن احمدبن محمد عبدی وابوالقاسم معمری اسدآبادی شنید. (المشترك ص۳۳۲)

۱۲۳ ـ محله فلفلان :

این محله درزمان خیلی قدیم ازقرای درب دروازه شهراصفهان بوده و گویا در همان اطراف دروازه طوقچی قرارداشته و شاید بمناسبت اینکه درآنجا درخت فلفل یا مردمان تندوتیزی وجود داشته‌اند باین نام خوانده شده است والف ونون آخر آن برای نسبت است .

درمعجم‌البلدان[۱] . فلفلان بکسر سپس سکون وفاءِ دیگرمکسوروآخرش نون گفته دیهی‌است ازقرای اصفهان وابونعیم‌اصفهانی‌وابویعقوب اسحاق‌بن‌اسماعیل سکین فلفلانی متوفی بعد از (۲۶۰ هـ.ق) محدث را که از اسحاق‌بن سلیمان رازی روایت میکرد و نیز محمد بن اسماعیل سکین برادرش را منسوب به محله فلفلان دانسته است[۲] .

۱۲۴ ـ محله فلفلچی :

ازمحلات اصفهان که در فتنه افغان خراب شده است[۳] . و درگنجینه آثار تاریخی اصفهان‌گفته[۴] . این‌محله درزمان سلجوقیان درانتهای محله طوقچی درآن طرف حصار قدیم اصفهان بوده و اکنون درمهرآباد در خیابان دور شهر میباشد .

۱۲۵ ـ محله قبله دعاء :

این محله که در دردشت[۵] . واقع شده جزءِبخش۱ ازمحلات شمالی‌رودخانه زاینده‌رود است[۶] .

۱۲۶ ـ محله قصر اصفهان :

این محله بنام باب‌القصر موسوم ومنسوب بآن را قصری میگویند وکسانی نیز بآن منسوبند[۷] .

۱ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۷۵ . ۲ـ ذکرتاریخ‌اصبهان‌ج۱ص۲۱۶ . ۳ـ نصف جهان در تعریف اصفهان ص۲۸ . ۴ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۲۹۶ . ۵ـ رجال‌اصفهان ص۱۹۱. ۶ـ تاریخ‌اصفهان و ری ص۹۹ . ۷ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۲۵۵ .

۱۲۷ ـ محله قصرمنشی :

این محله جزء بخش ۴ از محلات شمالی رودخـانه زاینده‌رود میباشد[۱] و منسوب است به میرزا رضی منشی‌الممالك که درزمان شاه‌عباس در آن محله قصر و عمارات دیگری ساخته است ودرواقع همان محله باغات است

۱۲۸ ـ محله قلعه طبرك :

این محله بقسمتی اطلاق میشود که قلعه طبرك در آن واقع و در حقیقت همان محله پاقلعه و محدود بچشمه‌های خوراسگان و راهروان میشده و درقسمت جنوب شرقی اصفهان میباشد[۲].

۱۲۹ ـ محله قنادر :

درمعجم‌البلدان گفته که قنادر بفتح وکسر دال وراءِ محله‌ایست دراصفهان[۳]. ودراللباب[۴]. گفته‌محله‌ایست دراصفهان‌که‌گروهی ازمحدثان‌ازآن برخاسته‌اند[۵]

۱۳۰ ـ محله قناطر :

در منتهی‌الارب گفته : قناطر موضع یا محله‌ایست در اصفهان ودر المشترك گفته[۶] . قناطر جمع قطرة موضع یا محله‌ایست در اصفهان که چون ابوالعباس احمدبن عبدالله‌بن‌اسحاق خلقانی قناطری دائی‌ابوالمهلب سکونت داشته به‌قناطری معروف شده است . در معجم‌البلدان[۷] . نیز گفته محله یا دهی است در اصفهان . قناطر ازمحلات قدیمی‌اصفهان است وفعلاً جز نامی ازآن نیست . عده‌ای‌ازمحدثان نیز بآنجا منسوبند[۸] . وبنظر میرسد که قنادروقناطر متحد باشند، زیرا ابوالحسن را درقنادر وقناطر هردو ذکر کرده‌اند .

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۱۰۰ .　　۲ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۳۷ .
۳ ـ معجم‌البلدان ج ۴ ص۴۰۰ .　　۴ ـ اللباب ج ۳ ص ۵　　۵ ـ از منسوبان این‌محله است : ابوالحسین محمدبن علی‌بن یحیی قنادری اصفهانی از محدثان‌که از محمدبن علی‌بن مخلدبن فرقدی متوفی (۳۰۷ هـ.ق) روایت میکند وابن مردویه حافظ ازخود او (اللباب ج۳ ص۵)
۶ ـ المشترك ص۳۵۹.　　۷ ـ معجم‌البلدان ج۴ص۴۰۰ .　　۸ ـ از منسوبان باین محله است :

←

۱۳۱ ـ محله قینان :

ده ازدهستان برزرود بخش حومه شهرستان اصفهان متصل به‌شهرواز‌محلات آن‌محسوب میشود وجزءبخش۵ ازمحلات جنوبی زاینده‌رود میباشد[۱]. ابومنصوربن بزرگ امیدبن آذرجشنش اصفهانی دروصف آن گفته :

قینان ریان انیق زاهر　　　غض النوابت جنةالزوار

یعنی قینان سیراب و شکوفان ودرخشنده وگیاهان آن شاخ برهم نهاده و بهشت زیارت‌کنندگان است[۲] . در زمان قدیم یکی از دهستانهای اطراف شهر و تفرجگاه مردم بوده ولی بتدریج دراثر توسعه شهربشهر متصل شده است .

۱۳۲ ـ محله کران :

این محله جزءِ بخش ۴ از محلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع[۳] و از محلات قدیمی است‌که در حدود دارالبطیخ بوده و در هرحال‌در وسط شهر واقع و مایل بمشرق شهر است[۴] . یاقوت در معجم‌البلدان[۵]. گفته : کران بفتح اول و تشدید دومش و آخرش نون محله‌ایست مشهور در اصفهان که مدفن نظام‌الملك درآن بوده است ، و بسیاری از اهل علم و روایت بـآن منسوبند . در المشترك نیز همان گفته را تأییدکرده است[۶] . دراللباب گفته : کران محله‌ایست در اصفهان[۷] .

محله کران از محلات قدیمی اصفهان است که نام آن از قرن سوم هجری

---

۱ ـ ابوالحسن محمدبن علی‌بن یحیی طبیب قناطری از محدثان که ازفرقدی روایت میکرد وابوبکربن مردویه ازاوحدیث نقل‌کرده است و در اللباب اورا قنادری خوانده است .
(ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۳۰۴)

۲ ـ ابوالعباس احمدبن عبدالله‌بن اسحاق قناطری خلقانی وی خال ابوالمهلب بود و حدیث ازقاضی احمدبن موسی انصاری و از ابوعلی اسماعیل‌بن محمدبن اسماعیل صفار نقل کرده است .
(معجم‌البلدان ج۴ ص۴۰۰)

۱و۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .　۲ـ محاسن اصفهان ص۵۹ .　۴ـ نصف جهان ص۲۵ .　۵ ـ معجم‌البلدان ج۴ ص ۴۷۷ .　۶ ـ المشترك ص۳۱۸ .
۷ ـ اللباب ج۳ ص۳۳ .

ببعد در محاورات زمان معمول و ظاهراً محله‌ای بزرگ و وسیع بوده و عده‌ای از علماءِ ومحدثان نامی بآن منسوبند[1].

---

۱ ــ ازمنسوبان به محله کران است :

۱ــ ابن اسود کاتب معمر احمدبن علویة کرانی مولود (۲۱۲ ه.ق) ومتوفی (۳۱۲ ه.ق) از روات مصنفات ابراهیم ثقفی وصاحب لقبی بوده که تأدیب وآموزگاری انجام میداده است. وی ازاصحاب ابوعلی لغذة اصفهانی بود، وپس ازچندی شغل آموزگاری را ترك وجزءندیمان احمدبن عبدالعزیز و دلف بن ابی دلف عجلی درآمد ، اوراست رسائلی برگزیده که آنها را ابوالحسن احمدبن سعد درکتاب خود تدوین کرده. است وآنها هشت کتاب دردعاء و رساله‌ای درپیری وخضاب است، واوشعرنیکو دارد، ازآن جمله درباره احمدبن عبدالعزیزعجلی سروده:

یری خیر ما یبدو اوائله   حتی کان علیه الوحی قدنزلا

یعنی آنچه درابتداء براوظاهر میشود آن را خوب میداند وگمان میکندکه وحی براو نازل گردیده است . الفیه‌ای هم در مدح امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام دارد موسوم به محبرة . وفاتش بقول صاحب اعیان‌الشیعه در سال (۳۲۱ ه.ق) اتفاق افتاده ، درلغت‌نامه دهخدا وفات را (۳۲۰ ه.ق) نوشته ولی کسان دیگر دروفاتش در (۳۱۲ ه.ق) اتفاق دارند .

(اعیان‌الشیعه ج۱و۲ ص۲۲۵ ولغت‌نامه دهخدا ومعجم‌الادباء واسماءالمصنفین)

۲ ــ ابوبکر احمدبن ابراهیم‌بن احمدبن روزویه کرانی ازمحدثان که از دارکی وپسر برادر ابوزرعه روایت میکرد .   (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۴)

۳ ــ ابوبکر عمربن ابراهیم‌بن محمدبن ابراهیم کرانی ازمحدثان که از علی‌بن‌سعید عسکری روایت میکرد .   (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۵۶)

۴ــ ابوبکرمحمدبن عبدالله‌بن محمدبن‌مندة مقری مفتولی کرانی ازمحدثان که ابونعیم حافظ اصفهانی حدیث ازاو نقل میکرد ، وخود از حاجب‌بن دکین .

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص ۲۹۱)

۵ ــ ابوحامد احمدبن حسین‌بن‌علی سمسارکرانی وی درکوچه ماجشون‌کران درمیدان انماطیین سکونت داشت وشیخ بلاواسطه ابونعیم حافظ اصفهانی در حدیث بود .

(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۰)

۶ ــ ابوالحسن احمدبن محمدبن موسی‌بن بحرادیب کرانی ازمحدثان که ازعبدالله‌بن محمدبن عباس روایت میکرد .   (ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۰)

۷ــ ابوطاهرمحمدبن عمربن عبدالله‌بن احمدبن عبیدالله کرانی متوفی هفدهم جمادی‌الاولی (۴۹۶ ه.ق) ازمحدثان وبافاده پسردائیش پسرخفی حدیث ازابوبکربن علی ذکوانی استماع کرد .   (اللباب ج۳ ص۳۳)

۸ ــ ابوعلی احمدبن محمدبن عاصم کرانی متوفی جمعه (۳۳۹ ه.ق) از محدثان که

←

۱۳۳ ـ محله کروائان :

ظاهراً نام درست این محله گروائان بکاف فارسی بوده و بعدکه معرب شده جروائان گفته شده ودرجای خود شرح داده شدد است[۱] .

۱۳۴ ـ محله کلکه :

این محله درزمان ابونعیم اصفهانی دائر و سکنه داشته و گمان میکنم که

←

حافظ ابونعیم اصفهانی بواسطه ابواسحاق ابراهیم‌بن محمدبن حمزة از او حدیث نقل کرده است . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۴۷)

۹ ـ ابومحمد جعفربن‌محمدبن جعفر رفاعی کرانی متوفی صفر(۳۷۹ ه.ق) ازمحدثان که ازمحاملی وابن‌عقدة وطبقه‌اش حدیث روایت میکرد . (ذکراخباراصبهان ج۱ص۲۴۸)

۱۰ ـ ابونصرعبدالواحدبن عبدالرحمن مذکرآبنوسی کرانی ازمحدثان که ازولیدبن ابان وغیراو روایت میکرد، وأبونعیم اصفهانی اورا دیده ولی حدیثی ازاونشنیده است .

(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۰۶)

۱۱ ـ اخت ملارحیم وابنة ملای کرانی اززنان دانشمند و کتاب قرن یازدهم هجری بوده و با صاحب ریاض‌العلماء معاصر و در وصفش گفته : شرح لمعه‌ای را که با خط نسخ شیرین‌ونسخ تعلیق نوشته ودرنزد برادر وپدرش خوانده بوده دیده است .

(اعیان‌الشیعه ج۶ ص۸۵)

۱۲ ـ صلحی کرانی ازشعرای ساکن محله کران بود . این رباعی را در هجو احمد جگربخون اصفهانی گفته است :

رباعی

ای آنکه ز گوهر زبون آمده‌ای	از روز ازل لجوج دون آمده‌ای
ازکاوش همچومن دلت خون شده است	کز پشت پدر جگر بخون آمده‌ای

(تذکره روز روشن ص۴۷۹)

۱۳ ـ عمربن احمدبن محمدبن حسین عنبری کرانی از محدثان که ازضراب ومحمدبن حمزة روایت میکرد . (ذکراخباراصبهان ج۱ ص۳۵۷)

۱۴ ـ محمدبن زید ذکوانی کرانی از محدثان معاصر ابوالفتوح‌بن محمودبن خلف عجلی واستاد حدیث ابوالحسن علی‌بن‌محمدبن احمد انصاری قتبری بوده است .

(حلل سندسیه ج۲ ص۴۵)

۱۵ ـ ملارحیم کرانی ازعلمای معاصر صاحب ریاض‌العلماء بوده است .

(اعیان‌لشیعه ج۶ ص۸۵)

۱ ـ درشرح محله جروائان ذکرشده است .

دراین محله چون کلکهای گلی میساختهاند باین نام خوانده شده است و یکنفر را هم ابونعیم حافظ باین محله نسبت داده است[۱] .

۱۳۵ ـ محله کمائان :

این محله درقدیم‌الایام ازدهات نزدیك شهراصفهان بوده که درقرن‌سوم جزء شهر وازمحلات آن محسوب میشده است[۲] . ویکی ازحدود یهودیه بوده ولی در تاریخ اصفهان و ری[۳] . مینویسد کمائان همان کمبرك‌جی[۴] . یا کلمان است[۵] .

۱۳۶ ـ محله کوراء :

این‌محله‌ای دراصفهان ازقدیم‌الایام‌جزءِ محلات‌یهودیه بوده وبه‌محله ملنجه منتهی میشده است[۶] . این کلمه اصلش فارسی است وممکن است از دولفظ‌کوداه بصورت استفهام یااینکه کورراه یا کورها بوده و سپس دراثرکثرت استعمال تبدیل به‌کوراءِ شده باشد . وجه دیگراینکه درزمان قدیم دیده شده که بجای‌های جمع و آن جمع الف ممدود استعمال و پاره‌ای اوقات علاوه برالف ممدود الف و نون هم میآورده‌اند مانند گروائان و اندائان ودر مورد کلمه کوراءِ هم ممکن است جمع کور باشد یا محل‌کوران .

۱۳۷ ـ محله کون گنبد :

محله‌ای است دراصفهان‌که بقول صاحب عیون‌الانباءِ شیخ‌الرئیس ابوعلی‌سینا

---

۱ ـ ازمنسوبان باین محله است : قاسم‌بن مندة‌بن‌کوشیذ ضریرکلکه‌ای اصفهانی از محدثان که ساکن محله کلکة اصفهان بود وازسعدویه و شاذکونی وسهل‌بن عثمان روایت میکرد ودر آخرعمرش احادیث را تخلیط میکرد و ازاینرو اورا تضعیف کرده‌اند .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۱۶۲)

۲ ـ محاسن اصفهان ص۸۱ . ۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۴۱۰. ۴ ـ دردذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص۱۶۱ کنبرك نوشته شده و چون ابونعیم در آن زمان واقف بدرست‌آن بوده باید همان را پذیرفت و گفته است‌که ابومحمد قاسم‌بن فورك بن سلیمان‌کنبرکی متوفی (۳۰۱ ه.ق) ازمحدثان این محله بوده که حدیث از عراقیان و شامیان نقل و قاضی محمدبن احمدبن ابراهیم ازاو روایت میکند . ۵ ـ درمعجم‌البلدان ج۴ ص۴۷۷ گفته : کلمان دیهی است دم دروازه جی اصفهان ونعمان‌بن عبدالسلام ازبزرگان زمان خود بآنجا منسوب و درهمانجا مدفون است . ۶- ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص۱-۱۹ .

درآن دفن گردیده است وظاهراً منظور همان گنبد معروف به گنبد ابن سینا میباشد که در محله دردشت واقع گردیده است[1].

۱۳۸ ـ محله گبر آباد :

محله‌ای بوده زردشتی نشین که در نزدیکی عمارت نمکدان در اصفهان ساخته شده بوده است[2].

۱۳۹ ـ محله گروائان :

شرح این محله درتوصیف محله جروائان وکروائان بیان شده ونیاز بتکرار ندارد.

۱۴۰ ـ محله گلبار = گلبهار = جلبار وجلباره :

ازمحلات قدیمی اصفهان است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع و جزء نعمتی‌خانه بوده است. جلبار وجلباره که معرب گلبار وگل بهار است[3]. نزدیکی میدان قدیم واقع وخوابگاه سلطان‌محمد سلجوقی دراین محله میباشد[4].

۱۴۱ ـ محله گود مقصودبیك :

این محله جزءمحلات نه‌گانه جوباره و نعمتی‌خانه بوده است[5]. و اکنون جزاین محله ویکی دومحله دیگر همه ازبین رفته است.

۱۴۲ ـ محله لتور جوباره :

این محله از محلات نه‌گانه جوباره وجزءبخش۳ ازمحلاتی است‌که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده وجزءِ نعمتی‌خانه بوده است[6].

۱۴۳ ـ محله لنبان :

بنابگفته یاقوت حموی لنبان بضم سپس سکون وباءِ موحدة و آخرش نون دیه بزرگی است در اصفهان و آن را دروازه‌ایست که به دروازه لنبان معروف میباشد[7].

۱ـ اعیان‌الشیعه ج ۲۶ ص۲۸۸. ۲ـ زنده‌رود ج۱ ص۲۸. ۳و۶ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹. ۴ ـ نزهت‌القلوب ازص۵۳-۵۶. ۵ـ جغرافیای اصفهان ص۳۲.
۷ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۲۳.

صاحب اللباب گفته : لنبان محله‌ایست دراصفهان و آن را دروازه‌ایست بنام دروازه لنبان[1] . ودرتاریخ نصف جهان گفته : محله‌ایست واقع در مغرب جنوبی شهر اصفهان[2] .

تحقیق اینستکه لنبان درابتدای امر تا زمان علاءالدوله یکی‌ازدهات‌نزدیك شهراصفهان بوده و دروازه شهر که نزدیك آنجا بوده به دروازه لنبان معروف بوده است ولیکن پس‌ازتوسعه شهرجزء شهرشده وازمحلات‌مهم وازدوقسمت لنبان سفلی وعلیا تشکیل میگردیده است . دراین محله مسجد باستانی وتاریخی لنبان وجود دارد . عده‌ای ازدانشمندان نیز باین محله منسوبند[3] .

۱ـ اللباب ج۳ص۷۰ . ۲ـ نصف‌جهان ص۲۵ . ۳ـ ازمنسوبان باین‌محله است:

۱ ـ ابوبکر احمدبن محمدبن عمربن ابان عبدی لنبانی ویا ابوالحسن متوفی بیستم ربیع‌الاول (۳۳۲ ﻫ.ق) وی ازمحدثان مشهور وثقه است‌که از عراقیان روایت میکند، وخود ازابوبکربن ابی‌الدنیا تصانیفش را شنید و نیز مسند احمدبن حنبل را ازپسرش عبدالله شنید. ابراهیم‌بن محمدبن حمزة حافظ وعبدالله‌بن احمدبن اسحاق اصفهانی پدرابونعیم ازاوروایت میکنند . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۳۷ واللباب ج۳ ص۷۱)

۲ ـ ابومنصور معمربن احمدبن محمدبن عمربن ابان عبدی صوفی لنبانی متوفی (۴۸۹ ﻫ.ق) ازعالمان بتاریخ وانساب واخبار صوفیه وازمحدثان‌که هم استماع‌کرد وهم نقل کرد . (معجم‌البلدان ج۵ ص۲۳)

۳ ـ رفیع‌الدین عبدالعزیزبن مسعودلنبانی متوفی (۶۳۹ﻫ.ق) ازشعرای قصیده‌سرا که با کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی وپدرش جمال‌الدین عبدالرزاق مناظره ومباحثه داشته ومدتی عمرخوددرا در ولایت ری گذرانید و سپس بوطن بازگشت و درسن جوانی دارفانی را وداع گفت . ازاشعار اواست :

نسیم لطف توبی‌منت چمن هر روز بدست باد صبا دسته‌های ریحان داد
حسود را ز نهیب سنان تو ایزد چوزلف پرخم تو خاطر پریشان داد

(تذکره روزروشن ص۳۰۵)

۴ ـ عبدالعزیزبن محمد لنبانی از افاضل محله لنبان و معاصر با رافعی قزوینی متوفی (۶۲۳ ﻫ.ق) بوده است . (فهرست اسماءالرجال‌التدوین رافعی‌قزوینی‌ص۴۲)

۵ ـ رئیس یوسف لنبانی ازمعاریف و بزرگان محله لنبان درقرن دهم هجری‌که منشاء اوقریه زمان بوده است . (تذکره نصرآبادی ص۴۱۴)

۶ـ خواجه عبدل‌بن رئیس یوسف لنبانی متوفی بعد (۹۱۹ ﻫ.ق) ازاعیان واخبارمحله
←

محله لنبان درقدیم جزء حیدری‌خانه بوده وامروز جزءِبخش۱ محلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده‌اند[1] .

۱۴۴ - محله لوبیاباذ :

مطابق گفته معجم‌البلدان بضم سپس سکون و کسر باء موحده و یاءِ و بعد

لنبان وواقف مسجد امامزاده شوری که آنرا در (۹۱۹ ه.ق) بنانهاده ودر محله دردشت واقع میباشد . (گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۸۶۲)

۷ـ آقاحسین‌بن ملاحسن‌گیلانی لنبانی متوفی (۱۱۲۹ ه.ق) ازمعاصران میرزاعبدالله افندی است که خود باتفاق پدرش ازگیلان باصفهان آمد ودرمحله لنبان منزل و درمدرسه شاه تدریس میکرد ، واز ملامحمدتقی اصفهانی معروف به‌ملاتقیا روایت میکرده است . مؤلفات ذیل : ۱ - شرح صحیفه سجادیه. ۲- اصول عقاید بفارسی . ۳- زیارات. ۴- شرح ذخیره سبزواری . ۵ - شرح مفاتیح فیض کاشانی ازآثار اواست . نامبرده پس‌ازوفات در تکیه آقاحسین خوانساری مدفون گردید .

(اعیان‌الشیعه ج۲۵ص۲۸۶ وریحانةالادب ج۳ ص۴۱۸)

۸ ـ محمدبن سعدالدین محمدحسینی اوحدی لنبانی اصفهانی معروف به‌میرتقی‌الدین مولود (۹۷۳ ه.ق) ومتوفی (۱۰۳۰ه.ق) ازشعرا وفضلاء وازنسل سیدعبدالله لنبانی است که حالت معنوی داشته وبهندوستان رفت ودرآنجا شعر بسیارگفت ودرگجرات اورا دیده‌اند . از آثار اواست : ۱ - تذکره عرفات‌العاشقین . ۲ - سرمه‌سلیمانی. ۳ - یعقوب ویوسف. ۴ ـ کعبه مراد . ازاشعار او است :

صدگره دردلم ازحسرت پیکان تو بود سست جنبیدی وزد بخت‌کمان دگرم

(تذکره نصرآبادی ص۳۰۳)

۹ ـ حاج‌سیداحمد لنبانی متوفی (۱۳۶۳ ه.ق) ازعلماء وفضلاء و ائمه جماعت واز سادات محترم بهشتی محله لنبان اصفهان ومردی وارسته وخطیب وواعظ بود . پس‌ازوفات در جنب مسجد مصلی درتخت‌فولاد مدفون گردید و سپس مردمان خیر تکیه مخصوصی برقبر او بنانهادند . (رجال اصفهان ص۱۹۸)

۱۰ ـ ملامحمدتقی‌بن ملاحسین‌بن ملاحسن لنبانی متوفی بعد (۱۱۰۳ ه.ق) ازعلماء وخانواده علم بود ودرمحله لنبان زندگی میکرد . تاریخ قطعی وفاتش بدست نیامد .

۱۱ ـ زیادبن یحیی القسام لنبانی که ازبکربن بکارحدیث نقل میکرد وعلی‌بن‌حسن‌بن سلم اصفهانی از او . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۲۰)

۱۲ ـ رئیس اویس لنبانی که درقرن یازدهم ازرؤسای لنبان بوده است .
(تذکره نصرآبادی ص۲۰۹)

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۹۸.

الف باء موحده و آخرش ذال معجمه جائی است دراصفهان[1]. ودراللباب[2]. گفته: محله یا قریه‌ایست در اصفهان. وآنچه مسلم است سرانجام جزء محلات شهر شده است وابوالفضل محمدبن ابی‌بکراحمدبن ابی‌جعفرمحمدبن‌احمد لوبیاباذی‌معروف به قبج فرضی مولود عاشورای (۴۱۱ هـ.ق) ومتوفی بعد (۴۸۰ هـ. ق) ازمحدثان را منسوب باین محله دانسته است.

۱۴۵ - محله ماربان :

دراللباب[3]. گفته شده قریه‌ای است نزدیك اصفهان‌که ابوعلی احمدبن رستم ماربانی عامل سلطان از آنجا است[4]. و در معجم‌البلدان و نزهت‌القلوب ماربانان نوشته شده وجزءناحیه جی قلمداد شده است وکسانی ازمحدثان وبزرگان‌رامنسوب بآنجا کرده‌اند. بنظرنگارنده لفظ ماربان سیرهای تاریخی‌کرده وچندی ماربان و سپس ماربانان واخیراً مارنان ومورنان تلفظ میگردد، ویلی‌هم بآن منسوب است و درهرحال‌جزءِ محلات جنوب غربی اصفهان بشمار میرود.

درکتاب اللباب فی‌تهذیب‌الانساب ماربان ودرمعجم‌البلدان وذکراخباراصبهان ماربانان ودرفرهنگ جغرافیائی‌ستادآرتش وکتب‌جغرافیائی وتاریخی جدیدمارنان نوشته شده است.

۱۴۶ - محله ماربانان :

درمعجم‌البلدان گفته[5]. به‌راء سپس باء موحدة ونون وآخرش نون‌ازدهات اصفهان است که تا شهر نیم‌فرسنگ مسافت دارد.

وصاحب نزهت‌القلوب گفته: ماربانان ازناحیت جی است[6]. در ذکراخبار اصبهان هم‌ماربانان‌نوشته وآن‌رادر عداد قرای شهراصفهان شمرده‌است[7]. وچنانچه در تاریخ نصف جهان گفته در زمان صفویه این قریه هم جزء محلات شهر اصفهان

۱و۵- معجم‌البلدان ج۵ ص۳۴.   ۲- اللباب ج۳ ص۷۱.   ۳- اللباب ج۳ ص۷۹.
۴ - ابوعلی احمدبن رستم ماربانی متوفی (۲۹۱ هـ.ق) ازعاملان سلطان و از شیوخ صالح وثقه بود وحدیث ازکثیر میشنید و درهمان اصفهان وفات‌کرد.   (اللباب ج۳ ص۷۹)
۶ - نزهت‌القلوب ص   .   ۷ - ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۷.

بوده ودرائر خرابی افغانها اغلب عمارات تبدیل بکشتزار شده ومدتی از شهر جدا بوده است[۱] . درهرحال عده‌ای ازمحدثان ودانشمندان باین محل منسوبند[۲] .

۱۴۷ - محله مارنان :

در فرهنگ جغرافیائی استان دهم ستاد آرتش در کلمه مارنان چنین نوشته شده :

ده ازدهستان برزرود بخش حومه شهرستان‌اصفهان درجنوب باختری‌ومتصل بشهر ویکی از محلات اصفهان است پل مارنان بروی زاینده‌رود در نزدیکی این آبادی است .

در تاریخ اصفهان و ری نوشته : مارنان جزءبخش۵ از محلاتی است که در جنوب رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۳] . ازآثارتاریخی همان پل‌مارنان است که روی زاینده‌رود بسته شده است .

۱۴۸ - محله مردبان :

مردبان نام قدیمی محله آب‌بخشان است که پیش از اسلام باین نام خوانده میشده است و بمناسبت اینکه هنگام جشن آبریزان در آنجا رسومی بعمل میآورده‌اند یا اینکه مرکزپخش آب بوده بنام آب‌بخشان هم خوانده‌اند بعضی را هم عقیده اینستکه مورنان مصحف مردبان است ولی نمیتوان محملی برای صحت

---

۱ ــ نصف جهان ص۲۲ .　　۲ ــ از منسوبان باین موضع است :

۱ــ ابوبکر محمدبن فرخان‌بن ابان ماربانانی ازمحدثان‌که ازابومسعود روایت میکرد و حسین‌بن‌علی‌بن احمدبن‌بکر ازاو حدیث نقل میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۲۷۶)

۲ ــ ابوعبدالله محمدبن فضل‌بن خطاب عنبری از محدثان ماربانان و شیخی ثقة و کثیرالحدیث بود . محمدبن جعفربن یوسف از او و خود از محمدبن عمر بغلانی روایت میکرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۷)

۳ ــ احمدبن تاجیکة ماربانانی متوفی (۲۷۱ ه‍.ق) ازمحدثان وشیوخ صالح ماربانان بود واین نکته را ابونعیم ازغزال نقل‌کرده است. (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۲۳)

۴ ــ شبیب‌بن عبدالله‌بن محمدبن احمدبن خورة ماربانانی اصفهانی .
(معجم‌البلدان ج۵ ص۳۴)

۳ ــ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ .

این تصحیف پیدا کرد، چه مردبان با مورنان مناسبت اشتقاقی نه صغیر و نه‌کبیر ندارند بلکه مورنان را میتوان مصحف مارنان ومخفف ماربانان‌دانست[۱] .

۱۴۹ ـ محله مستهلك :

این محله درقدیم نزدیکی محله شمس‌آباد فعلی بوده وخراب وازبین رفته و بقیه خانه‌ها هم جزء شمس‌آباد شده است اکنون از محلاتی است که در شمال رودخانه زاینده‌رود واقع و بصورت مخروبه است .

۱۵۰ ـ محله ملقاباذ :

یاقوت‌گفته : ملقاباذ بضم‌سپس‌سکون وقاف وآخرش ذال معجمه محله‌ایست دراصفهان[۲] . وظاهر اینستکه ملك‌آباد بوده است .

۱۵۱ ـ محله ملنجة :

بنابگفته یاقوت‌حموی ملنجه بکسرسپس‌فتح ونون ساکن وجیم محله‌ایست دراصفهان[۳] . در ذکر اخبار اصبهان گفته شده : ملنجه در قرن چهارم از محلات یهودیه اصفهان بوده که به‌محله کوراء منتهی میشده است[۴] . و در اللباب گفته : ملنجه ازدهات اصفهان وگفته شده محله‌ای است دراصفهان[۵] . و در اسماءالبلدان خطی نوشته : ملنجه محله‌ایست ازاصفهان که عده‌ای ازعلماءِ بآن منسوبند[۶] .

---

۱ ـ از منسوبان به محله مردبان است : حافظ ابونعیم احمدبن عبدالله‌بن احمدبن اسحاق‌بن موسی‌بن مهران مردبانی اصفهانی مولود رجب (۳۳۰ یا ۳۳۴ هـ . ق) و متوفی ۲۲ محرم (۴۳۰ هـ.ق) ازبزرگان علماء ومحدثان و نیای مجلسی و مدفون درقبرستان مردبان که درمحله شیخ‌مسعود نیزواقع‌است وبقعه‌اش معروف به‌بقعه‌حافظ میباشد. اوراست: ۱- ذکرتاریخ‌اصبهان دردومجلد . ۲- حلیة‌الاولیاء در ده‌جلد . ۳- اربعین درمناقب حضرت‌علی(ع) . ۴- در مهدویت چون درمحل دیگری بطورکامل شرح‌داده شده موردی برای تکرار نمی‌بیند .
(رجال اصفهان ص۱۴۳)

۲ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص ۱۹۳ . ۳ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۱۹۵ . ۴ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱-۱۹) . ۵ ـ اللباب ج۳ ص۱۷۷ . ۶ ـ از منسوبان به محله ملنجه است :

۱ ـ ابوعبدالله مقری احمدبن محمدبن حسن‌بن برد ملنجی‌اصفهانی متوفی(۴۳۷هـ.ق)
←

۱۵۲ - محله منجان ومنوجان :

این محل‌که اکنون ازدهات جی است درقرن چهارم وپنجم جزءمحلات شهر بوده وکسانی نیز باین محله منسوبند[۱] .

۱۵۳ - محله ه‍ورنان :

این محله جزءبخش۱ از محلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده است[۲] .

۱۵۴ - محله میدان :

یاقوت حموی گفته[۳] . میدان محله‌ای است دراصفهان که عده‌ای ازمحدثان بآن منسوبند[۴] .

→

ازمحدثان که حدیث ازابوبکر قیار وابوالشیخ حافظ نقل میکرد وابوبکر خطیب ازاو .
(اللباب ج۳ ص۱۷۷)

۲ ــ ابوعبدالله قرشی محمدبن ابراهیم‌بن سالم‌بن عبدالله ملنجی معروف به ابن شاوال وساکن ملنجه بود از حسن‌بن عرفة وعلی‌بن داود قنطری وغیرآنان روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۲)

۳ ــ ابوعبدالله محمدبن محمدبن ابی‌القاسم‌المؤذن ملنجی متوفی (۶۱۲ ه‍ . ق) از محدثان‌که حدیث از ابوالفضل‌بن ابی‌الرجاء ضبابی و ابوالقاسم اسماعیل‌بن علی حمامی و ابوطاهر معروف به هاجر و غیرآنان روایت میکرد و ببغداد رفت و در (۵۱۸ ه‍.ق) درآنجا حدیث گفت ومحمدبن مبارك وغیراو دردمشق ازاو حدیث شنیدند و سپس باصفهان برگشت و همانجا بمرد .
(معجم‌البلدان ج۵ ص۱۹۵)

۴ ــ ابومسعود سلیمان‌بن ابراهیم‌بن سلیمان ملنجی اصفهانی متوفی (۴۸۶ ه‍ . ق) از محدثان و مصنف تخریج بر صحیحین و غیرذلك و کتاب : الاربعین علی مذهب‌المحققین در حدیث .
(اسماءالمؤلفین ص۳۹۸)

۵ ــ جعفربن ابوسنان ملنجی ازمحدثانی که حافظ عبدالعظیم براواملاء کرده است .
(اسماءالبلدان)

۱ ــ ابومنصور ابراهیم‌بن ابجه‌بن اعصرابواسحاق منجانی اصفهانی ازمحدثان‌که ازمحمدبن عاصم اصفهانی‌روایت‌میکرد وابواسحاق سیرجانی‌ازاو. ۲ــ تاریخ‌اصفهان و ری‌ص۹۹.

۳ ــ معجم‌البلدان ج۵ ص۹۹ . (المشترك ص۲۱۲)

۴ ــ ازمنسوبان به محله میدانند : (اللباب ج۳ ص۱۸۱)

←

۱۵۵ - محله میدان اسفریس :

و ظاهراً اسفریس معرب اسبریس و اسپریس است که میدان اسب‌دوانی و چوگان‌بازی باشد بنا بگفته ابوموسی که از قدمای اصفهان است میدان اسفریس محله‌ای دراصفهان بوده است[۱] . وکسانی ازعلماءِ ومحدثان نیزباین محله انتساب داده شده‌اند[۲] . وبنظر نگارنده محله میدان با این محله یکی است .

۱۵۶ - محله میدان شاه :

ازمحلات جزءبخش۴ شمالی رودخانه زاینده‌رود میباشد[۳] . وحدود آن در اطراف میدان شاه وبالاتر خواهد بود .

۱۵۷ - محله میدان کهنه :

این محله جزءبخش۳ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده ونعمتی‌خانه بوده است[۴] . وازمحلات معروف اصفهان است . کسانی‌ازنامداران نیز باین محله منسوبند[۵] . مدرسه‌کاسه‌گران ونوریه درنزدیکی این‌میدان واقعند.

۱۵۸ - محله میدان میر :

این محله جزءبخش۳ ازمحلاتی است که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده وجزءِ محله بزرگ جوباره ونعمتی‌خانه بوده است[۶] .

→

۱ ـ ابوالفتح مطهربن احمد مفیدبیع میدانی که بنابگفته حافظ ابوالفضل مقدسی از محدثان اصفهان است که حدیث از ابونعیم حافظ شنیده است ولی ابوموسی حافظ اظهار بی‌اطلاعی ازوجود چنین محدثی کرده است . (المشترك ص۴۱۲)

۲ـ محمدبن محمدبن عبدالرحمان‌بن‌عبدالوهاب مدینی میدانی که ابوموسی گفته پدرم ازاو حدیث نقل میکرد . (المشترك ص۴۱۲)

۱ ـ المشترك ص۴۱۲ . ۲ ـ ازمنسوبان بمحله میدان اسفریس است: محمدبن‌محمدبن عبدالرحمن‌بن عبدالوهاب میدانی که ابوموسی وپدرش ازاو حدیث شنیده‌اند . (معجم‌البلدان ج۵ ص۲۴۲) . ۳ و ۴ و۶ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ . ۵ـازمنسوبان به‌محله میدان‌کهنه است :

۱ـ میرزا غلامحسین استاد اسطرلاب واکر که در خدمت وزارت پست‌وتلگراف بود و درقرن‌چهاردهم هجری‌میزیست . سیدحسن‌مشکان طبسی استاد ریاضی معروف متوفی‌ازمحضرش استفاده‌کرده است . (مجله آستان قدس شماره۱ دوره هشتم ص۱۰۳)

۱۵۹ ـ محله ناجونان = ناژونان :

ازمحلاتی است که جزء بخش ۱ واقع و آن طرف خیابان دورشهر اصفهان است[1].

۱۶۰ ـ محله نخان :

ازدهات درب دروازه اصفهان است که گاهی خارج شهر و زمانی جزء محلات اصفهان محسوب میشده است یاقوت گفته[2] : نخان بضم و آخرش نون دیهی است درب دروازه اصفهان که بآن گفته میشود شهر جی یا نزدیك آن یا محله‌ایست از اصفهان . مؤلف اللباب گفته[3]. نخان ازقرای اصفهان است که آنرا جی میگویند. ابونعیم حافظ اصفهانی گفته[4] ؛ نخان دیهی از سواد شهرستان بوده است . ویکی ازمحدثان را نیز بآنجا منسوب ساخته‌اند[5] .

۱۶۰ ـ محله نیم‌آورد = نم‌آورد :

این محله جزء بخش ۳ ازمحلات شمالی رودخانه زاینده‌رود وحیدری‌خانه بوده است[6] .

مدرسه نیم‌آورد ومسجد حاج محمد جعفرآباده‌ای وچند مسجد دیگر در این‌محله واقع شده است وبه محله یمابرت نیز رجوع شود .

۱۶۱ـ محله وادار = واذار = وذار :

ابونعیم حافظ اصفهانی‌متوفی (۴۳۰ ه‍.ق.)گفته:[7] واذار درشهر اصفهان‌محل دفن احمدبن عیسی‌بن زیدبن علی‌بن‌الحسین‌بن‌علی‌بن‌ابی‌طالب علیهم‌السلام است که هنگام‌فرار درخلافت هارون‌الرشید باصفهان‌آمد وهمانجا وفات‌کرد ودرمحل واذار

۱و۶ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹. ۲ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۲۷۵. ۳ـ اللباب ج۳ ص۲۱۹ . ۴ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۲۰ . ۵ ـ از منسوبان به‌محله نخان است :

۱ ـ ابوجعفر زیدبن بندار بن زید نخانی اصفهانی فقیه متوفی (۲۷۳ ه‍ . ق) از مردم نخان‌که دیهی ازسواد شهرستان است بوده وخود ازعثمان‌بن ابی‌شیبه وقعنبی وعمروبن رافع ابوحجر واسماعیل بجلی‌روایت میکرده است واحمدبن‌محمدبن نصیراصفهانی ازاو. ابوجعفر مزبوروزن وپسرش چهل‌سال روزه گرفتند . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۲۰)

۷ـ ذکر اخبار اصفهان ج۱ ص۸۰

دفن گردید .

درمعجم البلدان گفته:[1] و اذار بذال معجمه و آخرش راء از دهات اصفهان است. ودراللباب[2] گفته : واذار ازقرای اصفهان‌است. درالمشترك گفته:[3] وذار بفتح واو و ذال معجمه ازدهات اصفهان است .

آنچه مسلم است اینکه محله واذار اکنون همان محله موسوم به امامزاده احمد است که دربازار ساروتقی ونزدیکی مدرسه عربان واقع است و این‌حدود را درقدیم‌واذار میگفته‌اند وظاهراً در دوره ملکشاه سلجوقی که شهر روبتوسعه‌گذارده جزءِ شهرشده است .

ازاماکن تاریخی واقع دراین محله همان امامزاده احمد ومسجد ساروتقی و مدرسه عربان است . وامکان دارد واذار بجا و معنای بازار باشد چون بازار سار و تقی‌هم درآنجا است .

وعده‌ای‌ازعلماءِ ومحدثان وبزرگان‌باین محله منسوبند[4]، وجه تسمیه شاید این باشدکه درمحل و اذار توقفگاه وایستگاهی بوده‌که امر بایستادن و واداشتن میکرده‌اند .

۱۶۲ـ محله وذنکاباذ :

درمعجم‌البلدان[5] وذنکاباذ را بفتح اول وثانی وسکون نون‌گفته ومعنای‌آن را آبادی وذنك نوشته است .

۱ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۳۴۶ ۲ـ اللباب ج۳ ص۲۵۵ ۳ـ المشترك ص۴۳۵

۴ـ ازمنسوبان به محله واذارند :

۱ ـ حسن‌بن مصقله واذاری متوفی (۲۹۰ هـ . ق)

(ذکر اخبار اصفهان ج۱ ص۲۶۱)

۲ـ ابوالعلاء محسن‌بن ابراهیم‌بن احمد واذاری متوفی بعد از (۴۰۰ هـ . ق) از محدثان‌که ابوعلی حسن‌بن عمربن یونس از او روایت میکرد .

(اللباب ج ۳ ص ۲۵۵)

۳ـ محمدبن جعفربن‌یحیی‌بن فرقد ضبی معبر واذاری ازصاحبان تفسیر برای‌عبدالرزاق بنقل ازسلمة‌بن شبیب. (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۸)

۵ـ معجم‌البلدان ج ۵ ص۳۶۹

این‌محله هم در قدیم جزء دهات خارج شهر بوده وزمانی جزء شهر وخلاصه تابع‌عمران وویرانی شهر بوده است .

ابو نعیم گفته[۱]: وذنکاباذ از دهاتی بوده که متصل بحصار شهرستان بوده است . دراللباب گفته :[۲] وذنکاباذ از قرای اصفهان است. و عده‌ای را منسوب بآنجادانسته است[۳].

۱ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۲۹ ۲ـ اللباب ج۳ ص۲۶۵ ۳ـ از منسوبان به این‌محله است :

۱ـ ابوبکرمحمدبن ابراهیم‌بن عمرو ذنکاباذی که حدیث ازحسن بن محمدبن عبدالله‌بن حسنویه اصفهانی شنید و ابوالقاسم شیرازی از او روایت میکرد .
(اللباب ج ۳ ص ۲۶۵)

۲ـ ابوبکر محمودبن فرج‌بن عبدالله‌بن بدر وذنکاباذی متوفی (۲۸۴هـ.ق) ازمحدثان ونیای ابومحمدبن حیان وازابدال بود ، سه‌بار بطرسوس‌رفت ، ازاحمدبن عبدة وبشیربن‌هلال وعبدالجبار وابن‌ابی‌عمر وازابوحجررازی وعبدالله‌بن عمران وسعیدبن عنبسه واسماعیل‌بن‌ثوبة وابوعثمان رازی روایت میکرد . (ذکر اخباراصبهان ج ۲ ص۳۱۲)

۳ـ ابوعبدالرحمن عبدالله‌بن محمودبن‌الفرج الوذنکاباذی متوفی (۳۲۵ هـ . ق) از محدثان ودائی ابومحمدبن حیان بودکه ازبوحاتم رازی وهلال‌بن‌العلاء رقی وابوعمرروایت میکرد ، وحسن‌بن اسحاق‌بن ابراهیم اصفهانی از او روایت داشت .
(اللباب ج ۳ ص ۲۶۷)

۴ـ ابوعبدالله محمدبن علی‌بن محمدبن‌احمد وذنکاباذی ازمحدثان که حدیث ازابن‌الشیخ روایت میکرد . (معجم البلدان ج ۵ ص۳۶۹)

۵ـ ابوالعباس احمدبن محمودبن صبیح‌بن‌سهل‌بن ابراهیم مدینی‌ثقفی وذنکاباذی‌متوفی (۳۱۰ هـ . ق) ازصاحبان اصول وثقة واز اصفهانیان روایت میکرد ودارای فواید بسیار بود، نامبرده در وذنکاباذ با روی شهرستان سکونت داشت ، و از عبدالله‌بن ابی‌عمرو و ابـومسعود مصنفاتش را ونیزاز احمدبن سعیدبن جریر روایت میکرد .
(ذکرتاریخ اصبهان ج۱ص۱۲۹)

۶ـ عبدالرحمن‌بن محمودبن‌الفرج وذنکاباذی متوفی (۲۹۸ هـ . ق) ازمحدثان‌که با برادرش احادیث بسیار نوشت ولی حدیثش بیرون نیامد .
(ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۱۱)

۷ـ علی‌بن‌حسین‌بن محمدبن‌علی‌بن‌الحسین الحنظلی‌المؤدب الوذنکاباذی ازمحدثان‌که خود از اسماعیل‌بن راشد وابوعمر طلحی از او روایت میکرد .
(ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۸)

←

۱۶۳ـ محله واذنان :

دراللباب گفته:[1] ازقرای اصفهان است که جمعی از علماءِ بآن منسوبند در معجم‌البلدان گفته :[2] واذنان بکسرذال معجم ونونین ازقرای اصفهان است وشیخ عارف محمدبن احمدبن‌عمر منسوب بدانجا است.[3]

۱۶۴ ـ محله ورگان :

بفتح واو وسکون راء وکاف وبعد الف نون محله‌ایست دراصفهان و جماعتی ازعلماء بآن منسوبند[4] .

دراللباب گفته : محله‌ایست دراصفهان[5]. یاقوت نوشته: ورکان بفتح‌وسکون وکاف و بعد الف نون محله‌ایست دراصفهان و جماعتی ازعلماء بآن منسوبند[6] . ورگان یعنی جای‌گرگ .

←

۸ـ فرح‌بن عبدالله وذنکابازی از محدثان و ذنکاباذ که حدیث از عثمان‌بن سعید نقل میکرد . (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۵۷)

۹ـ هبةالله مؤدب وذنکابازی از محدثان وذنکاباذ شهرستان وابوبکر محمدبن ابراهیم سبط اوبود . (معجم‌البلدان ج۵ ص۳۶۹)

۱ـ اللباب ج۳ ص۲۰۶ ۲ـ معجم‌البلدان ج ۵ ص۳۴۶ ۳ ـ دیگرازمنسوبان‌به واذنان است :

۱ـ ابوجعفر احمدبن مالك‌بن یحیی‌بن‌احنف‌بن قیس واذنانی ازمحدثان‌که ابواسحاق سریجانی از او روایت کرده است . (اللباب ج ۳ ص۲۵۶)

۲ـ مالك‌بن بحرواذنانی‌ازمحدثان‌که ازاحمدبن صالح‌سمومی روایت‌میکند وابوحامد اشعری ازاو حدیث نقل کرده است . (ذکراخبار اصبهان ج۲ص۳۱۹)

۳ـ محمدبن احمدبن عمر واذنانی که درمعجم‌البلدان یادآوری‌گردیده است . (معجم‌البلدان ج۵ ص۳۴۹)

بنظرمیرسدکه واذنان ازمحلات شهرستان بوده که ازمیان رفته است . بیشترازمحلات و آبادیهائی که دارای عالمان ومحدثان بوده وازبین رفته ازشهرستان بوده است .

۴ـ معجم‌البلدان ج۵ ص ۳۷۳ ۵ـ اللباب ج ۳ ص۲۶۹ ۶ـ از منسوبان باین محله است :

۱ـ ابوالعباس‌احمدبن حسن‌بن ابراهیم مفتش ورکانی‌متوفی صفر (۴۵۴هـ.ق) محدثی

←

۱۶۶ ـ محله ویذآباد :

که شرح آن ومنسوبان بآن درمحله بیدآباد شرح داده شده است .

۱۶۷ـ محله وعل :

درکشف‌الظنون گفته[۱] وعل ازقرای اصفهان است وابوبکروعلی ازمنکران حیله درطلاق‌را منسوب بآنجادانسته‌است و گفته طاهر بن یحیی یمینی کتاب‌الاحتجاج الشافی بالردعلی‌المعاند فی‌طلاق‌التنافی‌را در رد براو تألیف‌کرده است.

۱۶۸ ـ محله هفتشور = هفتشویه :

ابونعیم[۲]، اصفهانی‌گفته : هفشور از دهات اصفهان است و یکی از محدثان را منسوب بآنجا شمرده است[۳] . ولی در قرون ششم وهفتم و هشتم‌که ناحیه قهاب درنهایت عمران و آبادی بوده این محل بنام هفشویه تقریباً متصل بشهراصفهان و ازمحلات آن محسوب میشده است . منتهی معلوم میگردد که درقرن سوم‌وچهارم نام آن هفشور وبعدازآن بنام هفتشویه بوده است ودرهرزمانی هم منسوبانی داشته است . از اماکن تاریخی در آنجا مسجدی است که از قرون مربوط بسلجوقی‌ها

←

کثیرالسماع وقلیل‌الروایة بود وازابوعبدالله‌بن مندة روایت میکرد . (المشترک ص۴۳۵)

۲ـ ذوالنون مصری ورگانی ازشیوخ ابوالفضل باطرقانی .

(معجم‌البلدان ج ۵ ص ۳۷۳)

۳ـ عایشه بنت حسن‌بن‌ابراهیم ورگانی متوفاة (۴۶۳ ه.ق) ازدانایان و واعظان بود واز ابوعبدالله‌بن‌مندة روایت میکرد وام‌الرضا ضوء بنت‌محمدبن علی‌حبال‌ورگانی ازاوروایت میکرد . (اللباب ج ۳ ص۲۶۹)

۱ـ (کشف‌الظنون ج۱) ۲ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۹۷. ۳ـ و از منسوبان به‌آنجا است: ۱ـ احمدبن ابراهیم‌بن عبدالله مؤدب هفشودی از ساکنان قریه هفشور و از محدثان که حدیث از محمدبن المثنی و سلمة‌بن شبیب ومقری نقل میکرد.

(ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۹۷)

۲ ـ پیرسلیمان هفتشوئی از شاگردان آخوند ملانصیراواز شعرای معاصر شاه سلیمان صفوی واز اشعار اواست معمائی بنام صدر :

چون‌صبا زلف‌ازجمال‌روی یادم دورکرد   برکنار لب دوخال هندویم رنجور کرد

(تذکره نصرآبادی ص ۵۳۸)

بصورت ویرانه‌ای درآمده است وشرح آن گفته شده . اکنون بنام هفتشویه و جزء ناحیه قهاب و در ۵ کیلومتری شمال شوسه اصفهان بیزد واقع است و در حدود دویست‌وبیست‌نفر سکنه دارد[۱] .

۱۶۹ ـ محله هفتان :

این محله درابتدای امر دیهی واقع در درب دروازه اصفهان ودارای آبهای جاری و منبر بوده است[۲] . و هرچه شهر روبخرابی میرفته از شهر دور میشده و هنگام عمران وآبادی ازمحلات شهر بوده است .

۱۷۰ ـ محله هیسان :

بفتح‌سپس سکون وسین‌مهملة وآخرش نون ازقرای اصفهان است. این‌نکته را یاقوت حموی درقرن هفتم هجری گفتد است[۳] . ولی در دوران صفویه که شهر اصفهان به‌نهایت معموریت رسیده بود این دیه ونظائرآن همه جزء محلات‌اصفهان بوده‌اند . دراللباب نیز گفته[۴] : هیسان قریه‌ای ازقرای اصفهان است‌که عده‌ای از علماء بآن منسوبند[۵] .

۱۷۱ ـ محله یارم :

درمعجم‌البلدان بکسر راء خوانده وآنرا از دهات اصفهان دانسته است[۶] . و در المشترك براء مفتوحه و از ابوموسی حافظ اصفهانی نقل کرده که از قرای

---

۱ ـ فرهنگ جغرافیائی استان دهم اصفهان . ۲ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص ۴۸ .
۳ ـ معجم‌البلدان ج ۵ ص۴۲۲ . ۴ ـ اللباب ج۳ ص۲۹۷ . ۵ ـ از منسوبان به محله هیسانند :

۱ ـ ابوعلی حسن‌بن محمدبن حمزه هیسانی از محدثان که از علی‌بن محمد طنافسی و یحیی‌بن اکثم روایت میکند وخود از عبدالله‌بن محمدبن عیسی اصفهانی .
(اللباب ج۳ ص۲۹۸)

۲ ـ ابوعمرمحمدبن احمدبن حسن‌بن محمدبن حمزه ضبی‌هیسانی مولود (۲۷۲ هـ.ق) ومتوفی (۳۵۸ هـ.ق) ازمحدثان‌که حدیث ازابوبکربن نعمان وابوطالب‌بن سوادة و محمدبن عبدالله‌بن‌الحسن وابراهیم‌بن نائله استماع کرد . (ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۸۷)

۶ ـ معجم‌البلدان ج ۵ ص ۴۲۵.

اصفهان وعده‌ای ازعلماءِ بآن منسوبند[۱] . درقاموس‌اللغه آنرا یرم بفتح را نوشته وازقرای اصفهان دانسته است .

درهرحال نام یارم اکنون در محاورات نیست و از آن دهاتی بوده که دراثر توسعه شهر آن نام ازبین رفته است، وجزء محلات شهر درآمده است و فقط عنوان تاریخی دارد .

۱۷۲ ـ محله یازده‌پیچ :

چنانچه صاحب تاریخ نصف جهان گفته این محله در جوباره اصفهان واقع ونعمتی‌خانه بوده است[۲] .

۱۷۳ ـ محله یزدآباد :

محله‌ایست دراصفهان جزءِبخش۴ ازمحلاتی که درشمال رودخانه زاینده‌رود واقع شده ونعمتی‌خانه بوده است[۳] . وعده‌ای ازعلماء وفضلاءِ بآن منسوبند[۴] .

۱۷۴ ـ محله یمابرت :

بنا بگفته یاقوت حموی بفتح وبعد الف‌باء موحدة و راءِ ساکنۀ وتاءِ مثناة از قرای بزرگ اصفهان است که درآن بازار و منبراست و گاهی بجای باء فاء تلفظ میشود ومیگویند «یمافرت»[۵] . ودراللباب گفته[۶] : یمابرت یکی ازمحال‌اصفهان است وآنرا « یمافرت » بفای غیر خالص نیز تلفظ میکنند و عده‌ای از علماءِ بآن منسوبند[۷] .

از گفته‌های یاقوت وصاحب اللباب برمیآید که یمابرت یا از قرای اطراف

---

۱ ـ المشترك ج۳ ص۴۴۱ . واز منسوبان آنجا است : ابوموسی حافظ یارمی ازمحدثان .
۲ ـ نصف جهان ص۲۸ . ۳ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۰۰ . ۴ ـ ازمنسوبان به‌این محله است : ۱ ـ میرزا مهدی یزدآبادی از خوشنویسان خطوط نستعلیق وشکسته در دوره قاجاریه . (جغرافیای اصفهان ص۸۲)
۵ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۴۴۱ . ۶ ـ اللباب ج۳ ص۳۱۳ . ۷ ـ از منسوبان بآنجا است : ابواسحاق ابراهیم‌بن اسحاق‌بن ابراهیم یمابرتی اصفهانی ازمحدثان که بعراق سفرکرد وحدیث از ابوالقاسم بغوی وابوبکربن الولاد شنید و ابوبکربن مردویه حافظ ازاو روایت میکرد . (اللباب ج۳ ص۳۱۳)

اصفهان ویا محله‌ای بوده و چون درذکر تاریخ اصبهان که از ابواسحاق ابراهیم‌بن اسحاق‌بن ابراهیم خشاب نامبرده ذکری ازقریه ویا محله نکرده دلیل اینستکه در آن تاریخ مردم اصفهان محسوب میشده است وطوری بوده که یمابرت از اصفهان (شهر) محسوب بوده است مطلب تازه‌ای که بنظرمیرسد (یمابرت) یا (یمافرت) احتمال زیاد دارد که منظور همان محله (نماورد) باشد که در قدیم (یمابرت) یا (یمافرت)وشاید (نمابرت) و(نمافرت) بوده و تصحیف‌گردیده است و اینکه ابونعیم ذکری نکرده برای این بوده‌که این کلمه بعد از ابونعیم پیدا شده است.

۱۷۵ ـ محله یوائان :

درمحاسن اصفهان یوان را بصورت یوائان نوشته وگفته است ازقرای‌قدیمی اصفهان است که درآنجا دو قلعه مهم بوده است و میتوان گفت تثنیه یوان یا جمع فارسی آن باشد[۱].

واما ابونعیم گفته:یوان‌قریه‌ای‌بوده‌که‌اکنون‌محل‌مسجدجامع‌اصفهان‌است[۲]. درانساب سمعانی گفته : یوان دیهی است ازدهات اصفهان که بردر دروازه اصفهان است و قبر علی‌بن سهل صوفی در آنجا است. در اللباب‌گفته شده : یوان دیهی از اصفهان است وعده‌ای از علماء بآن منسوبند[۳]. و یاقوت گفته[۴] : یوان آخرش نون واولش مفتوح قریه‌ایست بردروازه اصفهان که جماعتی بآن منسوبند[۵].

---

۱ ـ محاسن اصفهان ص۸ . ۲ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۴ . ۳ ـ اللباب ج۳ ص۳۱۴ . ۴ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص ۴۵۲ . ۵ ـ از منسوبان به محله یوان است :

۱ ـ ابوبکر محمدبن احمدبن معرة یوانی ازبندگان صالح خدا که حدیث ازمظالمی وابوعلی‌بن غانم والحساب و عبدالله‌بن جعفر شنید . (اللباب ج۳ ص۳۱۴)

۲ ـ ابوجعفر احمدبن عبدالله‌بن محمدبن‌الحکم‌الیوانی‌الاصفهانی متوفی (۳۲۲هـ.ق) ازمحدثان ثقه‌که از: سری‌بن یحیی ویحیی‌بن ابوطالب روایت میکرد، وابواسحاق ابراهیم‌بن محمدبن حمزة اصفهانی وابوبکربن مقری و شیخ ابونعیم اصفهانی بایك واسطه ازاو حدیث نقل میکردند . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۲۱)

۳ ـ ابوعبدالله محمدبن‌الحسن‌بن عبدالله‌بن مصعب‌بن سلیم‌بن‌کیسان ثقفی یوانی‌متوفی (۳۲۲ هـ. ق) وی از دیه یوان درب دروازه شهر بـود و محمدبن عبدالـرحمن‌بن الفضل و ابواسحاق‌حمزه اصفهانی ازاو وخـود ازسهل‌بن عثمان روایت میکرد .
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۶۷)

۱۷۶ ـ محله یونارت :

در معجم‌البلدان چنین ضبط شده : یونارت بضم سپس سکون وبعد الف راءِ مفتوحه وتاء مثناة ازفوق قریه‌ایست درب دروازه اصفهان[۱] . ودر اللباب نوشته[۲]: یونارت: دیهی است ازاصفهان درب دروازه‌آن وعده‌ای ازعلماء بآن منسوبند[۳].

این دیه ازدهاتی استکه درزمان صفویه جزء شهرشده واز محلات محسوب میگردیده است ولی اکنون نشانی ازآن هم دیده نمیشود .

۱۷۷ ـ محله یهودیه :

در المسالك والممالك مقدسی گفته شده که قسمت یهودی‌نشین اصفهان را یهودیه میگفته‌اند ودر المشترك گفته[۴] : یهودیه نام شهر فعلی اصفهان است . در معجم‌البلدان‌هم‌گفته :یهودیه شهر کنونی‌اصفهان‌است[۵].درنخبة‌الدهر فی‌عجایب‌البر والبحر نیز نظر معجم‌البلدان والمشترك تأیید گردیده است . مؤلف گنجینه آثار تاریخی اصفهان نوشته استکه یهودیه عبارت ازقسمتی ازاصفهان فعلی بوده که از خیابان هاتف امروز ازفلکه شکرشکن تا دروازه طوقچی محورآن‌محسوب میشود وهمچنین جوباره یعنی قسمت یهودی نشین فعلی اصفهان .

درواقع این محله همان محله جوباره کنونی است باکمی تفاوت وآن‌راکوی جهودان نیز نامیده‌اند واین نام مربوط بزمان پیش از اسلام است . درهرحال این محله معروف ومشهور وعده‌ای ازعلماءِ ازآن برخاسته‌اند[۶] .

---

۱ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص ۴۵۳ . ۲ ـ اللباب ج۳ ص۳۱۶ . ۳ ـ از منسوبان بآنجا است: ابونصرحسن‌بن محمدبن ابراهیم‌بن‌احمدبن علی‌بن حیویه‌المقری‌الیونارتی متوفی حدود (۴۳۰ ه.ق) دراصفهان ازحفاظ مکثر وکثیرالکتابة بود سفری بعراق وخراسان کرد و حدیث ازحسن‌بن احمد سمرقندی درنیشابور وازابوالقاسم احمدبن محمد خلیلی دربلخ‌شنید. اوراست معجم‌الشیوخ درچند جزء . دراسماءالمؤلفین و انساب سمعانی و اللباب ولادتش در ۴۶۶ ووفاتش در حدود ۵۳۰ هجری نوشته شده است .
(معجم‌البلدان ج ۵ ص۴۵۳ واسماء المؤلفین واللباب)

۴ ـ المشترك ص۴۴۳ . ۵ ـ معجم‌البلدان ج۵ ص۴۵۳. ۶ ـ ازمنسوبان به‌محله یهودیه است :

←

این بود فهرست نامهای محلات شهر اصفهان در ادوار مختلف تاریخی که ملاحظه میشود برای یك محله درزمانهای گوناگون نامهای مختلف قرارداده‌اند. هر چند عدد محلاتیکه شمردیم زیاد بنظر میرسد ولی چون اغلب آنان مترادف میباشند نمیتوان عدد واقعی آن محلات را از پنجاه ببالا دانست.

ازطرف دیگر عده‌ای ازکوچه‌ها هم‌همان نام محلات را دارند وبنظرمیرسد که ازنظروسعت بهردونام خوانده شده است. اصولاً درزمان قدیم که‌خیابان بمعنی امروزی متداول نبوده شارعهائی که وسیع و درروهای گوناگون داشته است کوی مینامیده‌اند مانندکوی جهودان وکوی خوزیان‌که درواقع محلاتی‌بوده که‌شارعهای گوناگون ازهرطرف داشته‌اند واگر شارع‌بن بست میشده کوچه مینامیده‌اند.

ذکر معابر ومحلات وکویها وبرزنها دراین نوشته از جهت وجود آثارملی و باستانی درآنها درگذشته ویا درحال است وگرنه بنفسه اطلاع ازمحله یا کوچه یا کوئی که در زمانهای پیشین وجود خارجی داشته است و خبرش بما رسیده ثمری ندارد چنانچه در ابتدای وضع ساختمانی شهر اصفهان متذکر گردید درشهر مزبور علاوه برکوچه وشارع محلات آن به‌سیبه‌هائی تقسیم میشده یعنی یك‌کوچه منقسم →

۱ـ ابوجعفرمحمدبن‌الفرج‌الفقیه‌یهودیه‌ای ازمردان خیروفضل بود که درکتابهای کوفیان نظر میکرد وازمتولیان جامع یهودیه بشمارمیرفت، جدش فرج از موالی خالدبن یزید قرنی بود. خود ازقاسم‌بن حکم عرنی ومحمدبن یحیی‌بن منده ازاو روایت میکرد.
(ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۲۰۰)

۲ ـ ابوعبدالله محمدبن‌العباس‌بن‌خالدبن یزیدبن‌ماهان یهودیه‌ای متوفی (۲۶۶ ه.ق) ازمحدثان وازیاران عباس طامه‌ای وزکریابن‌الصلت وعبدالرحمن‌بن علی است، و حدیث از ابوعاصم وحسین‌بن حفص ومقری و عبیدالله‌بن موسی روایت میکرد وآخرین کسی که حدیث از اونقل کرده عبدالله‌بن جعفربن احمدبن فارس است. (ذکراخبار اصبهان ج۲ ص۱۹۵)

۳ـ عمروبن المبارك البجلی یهودیه‌ای اصبهانی متوفی بعد از (۲۸۰ه. ق) ازساکنان یهودیه که حدیث ازقیس وابوهانی عمربن بشیر و اسرائیل و مندل نقل کرده است. ابونعیم گفته: درکتاب من اکره‌الروایة عنه دیدم گفته درکتاب ابویعقوب اسحاق بن یوسف یافتم که ازمحمدبن حارث صیداوی مسموع شد درسال (۲۸۰ ه.ق) عمروبن‌المبارك البجلی‌الاصبهانی ساکن یهودیه مارا حدیث گفت. (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۲۸۴)

به چند کوچه میشده وتمام این کوچه‌ها یك در رو داشته و دربی داشته که هنگام اغتشاش یا درموقع فرارسیدن شب آن درها را می‌بسته‌اند واین‌عده‌کوچه بادربندان آن راسیبه مینامیده‌اند ودرابتداء اشاره گردید که این وضع تا دوره پهلوی ادامه داشت وازآن زمان‌ببعد متروك گردید ودرها برداشته شد والا اکنون هم دراماکنه قدیمی شهر اصفهان بعضی از سیبه‌ها وجود دارد .

هـ ـ کوچه‌های شهر اصفهان :

۱ ـ کوچه اسماعیل کوسج :

این‌کوچه درمحله باغات واقع شده است .

۲ ـ کوچه جهودان :

یاکوی جهودان که همان محله یهودیه ویا جوباره میباشد .

۳ ـ کوچه باباسرخ :

این‌کوچه واقع است دردنبال جوی شاه درمحله سرجوی شاه وبقعه باباسرخ که یکی ازباباهای قدیم است درآنجا واقع شده است[۱] .

۴ ـ کوچه باقلافروشان :

این‌کوچه در محله باقلا فروشان جزء بخش ۴ از محلات شمال رودخانه زاینده‌رود میباشد[۲] .

۵ ـ کوچه بی‌نقابان :

این کوچه جزء کوچه‌هائی بوده که در دنباله مدرسه صفویه اصفهان واقع و درآن کوچه‌ها کاروانسراهائی قرارداشته که مسکن زنان بدکار بوده است[۳] .

۶ ـ کوچه حران :

این کوچه درزمان قدیم دراصفهان معروفیت داشته ورجالی نیزازآن‌کوچه برخاسته‌اند[۴] .

---

۱ ـ رجال اصفهان ص۶۴ .   ۲ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۹۹ .   ۳ ـ زندگی شاه‌عباس ج۳ ص۵۶ .   ۴ ـ اللباب ج۱ ص۲۸۹ .

۷ - کوچه بازارچه خان :

این کوچه دربازارچه‌خان که درمحله دارالبطیخ واقع است میباشد ومسجد خان درآنجا بوده است[۱] .

۸ - کوچه‌باغ :

دراین کوچه مسجدی بنام مسجد کوچه‌باغ واقع شده است .

۹ - کوچه باغ قلندرها :

این کوچه مسجد حکیم را ببازار بزرگ شهراصفهان متصل میکند وعلاوه برمسجد حکیم مسجد دیگری بنام مسجد شیشه که معروف به‌مسجد خلوت‌نشین است واقع گردیده است[۲] .

۱۰ - کوچه باغ حاجی :

درمحل باغ حاجی که موقعیت آن درمحله باغ‌حاجی شرح داده‌شده‌کوچه‌ای است بنام کوچه باغ حاجی که درآن مسجدی بنام مسجد خواجه روح‌الله واقع‌است که در زمان شاه‌عباس بنا گردیده است . تاریخ بنای آن سال یکهزار و بیست وسه هجری میباشد[۳] .

۱۱ - کوچه بواسحاقیه :

کوچه‌ای است که ازگوشه شمال غربی‌مسجدجامع اصفهان بطرف آن میروند واین کوچه را ازآن‌جهت بواسحاقیه گفته‌اندکه عمارت دیوانی شیخ‌ابواسحاق‌انجو درآن کوچه بوده است ودرست آن همین است . مسجد جامع نیز درنزدیکی این کوچه واقع شده است[۴] .

۱۲ - کوچه پاکاریها :

دراین کوچه مسجدی بنام مسجد پاکاریها واقع شده است .

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۶۱۰ .

۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان‌ص۸۵۵.

۳ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۴۷۹ .

۴ـ تاریخ اصفهان و ری ص۲۱۲ .

۱۳ - کوچه پشت مسجدشاه :

این کوچه درپشت مسجدشاه واقع وکتیبه سردرمدرسه سلیمانیه بسوی این کوچه قرارگرفته است[۱] .

۱۴ - کوچه پهن :

دراین کوچه هم مسجدی بنام مسجد کوچه پهن وجود دارد و چون کوچه عریض بوده بنام کوچه پهن خوانده شده است .

۱۵ - کوچه تکیه ظلمات :

این کوچه درمحله تکیه ظلمات واقع ومسجد مقصودبیك که مردم محل آنرا مسجد ظلمات میخوانند درآن قرار دارد و شاید وجه تسمیه این باشدکه درآنجا تکیه‌ای بوده‌که بیشتر تاریك وبی‌روشنائی وچراغ دیده‌میشده واز اینروآن تکیه‌را تکیه ظلمات یعنی تاریکیها خوانده‌اند .

۱۶ - کوچه جماله کله :

این کوچه که اکنون بنام محله خوانده میشود درعصر شاردن فرانسوی که درزمان صفویه باصفهان‌آمده کوچه نامیده میشده است ودرآن موقع شاردن‌کوچه جماله کله را تابع محله نیم‌آورد خوانده است[۲] .

۱۷ - کوچه رندان :

ازکوچه‌های قدیم اصفهان است‌که شیخ‌عزالدین متوفی (۷۹۰ه.ق) درابتدای آن‌کوچه مدفون شده‌است. وازآن‌جهت‌آن‌کوچه‌را باین نام خوانده‌اندکه مردمان عیار وغارتگر درآن سکونت داشته‌اند .

۱۸ - کوچه ساوجیان :

این‌کوچه‌که بمناسبت سکونت سعیدالدین محمد ساوی بنام‌کوچه ساوجیان معروف بوده ودرنزدیکی مسجد جامع کنونی واقع میشده تغییر نام داده و اکنون

---

۱ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۴۵۷ .
۲ــ سفرنامه شاردن ترجمه‌عریضی ص۸۹.

به کوچه سبزیان شهرت دارد[1] .

۱۹ ـ کوچه طراز :

کوچه‌ای بوده در اصفهان که تجار مردم شهر طراز ترکستان در آن منزل میکرده‌اند ودرآن پنجاه‌کاروانسرا وجود داشته است واین طرازهمان محله طراز میباشد که درپیش شرح داده شده است[2] .

۲۰ ـ کوچه دارالبطیخ :

درواقع همان است که محله دارالبطیخ ودالبتی میخوانند و در محله کران که امروزه احمدآباد نامیده میشود واقع گردیده است ونهرفدین آنجارا مشروب میکند وتربت نظام‌که‌مقبره خواجه نظام‌الملك و دیگران باشد در این‌کوچه واقع شده است[3] .

۲۱ ـ کوچه درویشها :

این کوچه واقع است درمحله خاجو ومسجدی نیز درآن کوچه میباشد بنام مسجد حاج‌محمدمهدی‌که به‌مسجد زاغی شهرت دارد وچون تکیه بکتاش‌ازصوفیه درآنجا بوده بنام کوچه درویشها خوانده شده است[4] .

۲۲ ـ کوچه سلطان سنجر :

این کوچه قدیمی ودر محله سلطان‌سنجر واقع شده که از محلات جوباره بوده است .

۲۳ ـ کوچه عمریها :

دراین‌کوچه مسجدی بنام مسجد عمریها وجود دارد وشاید این نام بمناسبت سکونت سنی‌ها درآن بوده است .

۲۴ ـ کوچه مسجد ذوالفقار :

این کوچه درمحله ذوالفقارکه منشعب ازبازار ومحله نیم‌آورد میباشد واقع

---

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۲۹۸ . ۲ ـ اللباب ج۱ ص۲۸۹ . ۳ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۲۳۵ . ۴ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۳۰ .

گردیده است ومسجد وحمام ومدرسه ذوالفقار دراین کوچه است

۲۵ - کوچه مسجدسرخی :

در این کوچه مسجدی است که در دوران شاه‌عباس اول بنا شده و بانی آن خلف سفره‌چی بوده وازاینرو بنام مسجد سفره‌چی خوانده‌اند ولی در الحان عموم معروف به مسجد سرخی است .

۲۶ - کوچه عشیر :

این کوچه منسوب به مشیرالملك انصاری اصفهانی‌است ودرآن نیزمسجدی قراردارد که آنرا مسجد کوچه مشیر میخوانند .

۲۷ - کوچه مصری :

این‌کوچه درشمال جوباره واقع ونزدیکی قبرستان شورقرارگرفته ومسجدی بنام مسجد مصری درآنجا میباشدکه در زمان شاه‌عباس دوم بناگردیده است .

۲۷ - کوچه نمکی :

این کوچه واقع است درنزدیکی میدان میر جنب میدان کهنه شهراصفهان ودرآن کوچه مسجدی است که بخواجه نظام‌الملك طوسی نسبت میدهند و آنرا مسجدکوچه‌نمکی میخوانند چهارسوئی هم داشته‌که خراب‌شده ومعروف‌به‌چهارسو نمکی بوده است[۱] .

۲۹ - کوچه گازران :

این‌کوچه ازکوچه‌های بسیارقدیمی اصفهان است که گازران درآن سکونت داشته‌اند وازاینرو کوچه گازران نامیده شده است، چه دردوران قدیم بیشترمردم اصفهان بافنده وجولاه بوده‌اند[۲] . وعلمائی ازآنجا برخاسته‌اند[۳] .

---

۱ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۷۲۹ .   ۲ ــ ذکر اخبار اصبهان ج۲ ص۶۴ .

۳ ــ ازمنسوبان باین کوچه است : ۱ ــ محمدبن سلیمان‌بن علی کوچه گازرانی از سکنه کوچه گازرها وازمحدثان که از بکر وابوحذیفه ومسلم روایت میکرد وکتابهای حمادبن‌سلمة که ازحجاج‌بن‌منهال روایت میکرده نزد اوبود.   ۲ــ ابومحمد عبدالله‌بن‌الصباح بزارکوچه گازرانی متوفی (۲۹۴ ه . ق) از صدوقان و موثقان‌که از عراقیان و مکیان روایت میکرد .

۳۰ ـ کوچه ماجشون :

کوچه‌ای بوده واقع درمحله‌کران (احمدآباد فعلی) درمیدان فرش‌فروشهای شهر اصفهان[1] . که در زمان ابونعیم دائر بوده است[2] . ماجشون معرب ماه‌گون است وبکسانی که بسیارزیبا و ماهرو بوده‌اند این کلمه گفته میشده است و معلوم میشود دراین کوچه چنین کسانی بوده‌اند .

۳۱ ـ کوچه باباسنگکی :

این کوچه درپشت مسجدجامع اصفهان واقع ومزارباباسنگکی دراین‌کوچه قرار گرفته است .

۳۲ ـ کوچه طبرك :

۳۳ ـ کوچه مرداویج :

۳۴ ـ کوچه مؤیدالدوله :

۳۵ ـ کوچه فخرالدوله :

۳۶ ـ کوچه‌علاءالدوله :

۳۷ ـ کوچه جباخانه :

این چند کوچه دراطراف محل سابق قلعه طبرك قرار گرفته و هرکدام بنام یکی ازکسانی که درآن قلعه جاداشته‌اند موسوم گردیده است ویك کوچه هم بنام خود قلعه است .

۳۸ ـ کوچه باب‌التبریزیه :

این کوچه هم از کوچه‌های قدیمی اصفهان است که آنرا سکة‌التبریزیه میخوانده‌اند و ظاهراً کوچه‌ای بوده که مردم تبریز درآن سکونت داشته‌اند .

۳۹ ـ کوچه خوز :

کوچه‌ای بوده که مردم خوزستان درآن اقامت میکرده‌اند وشاید در محله خوز واقع بوده است .

---

۱ ـ ذکراخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۰ . ۲ـ وازآنجا است: ابوحامد احمدبن‌الحسین‌بن علی‌السمسار کوچه ماجشونی ازمحدثان . (ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۶۰) .

۴۰ ـ کوچه جهودان :

کوچه‌ای بوده درمحله جوباره که یهودان درآن اقامت داشته‌اند .

و بیست‌ویك کوچه دیگر نیز وجود دارد که چون جنبه تاریخی ندارند از ذکر آنها . خودداری میگردد .

و ـ میدانهای شهر اصفهان :

درزمان قدیم جائی را میدان میگفته‌اندکه دارای وسعت‌کافی وازچند جهت دررو داشته باشد و معمولاً میدان برای چوگان بازی و اسبدوانی مساعد باشد و همچنین برای سان دیدن سپاه و نظائر آن مناسبت داشته باشد . از لابلای تاریخ اصفهان برمیآید میدانهائی بوده است که بعضی باقی وبرخی هم نامشان مانده‌است:

۱ ـ میدان اسپریس :

میدانی بوده دریکی‌ازمحلات قدیم‌اصفهان‌که برای اسبدوانی وچوگان‌بازی استفاده میشده است وشرح آن درمحلات داده شد .

۲ ـ میدان کهنه :

این میدان که به میدان عتیق نیز شهرت دارد ازبناهای سلاطین آل‌بویه و نزدیك بآنان است که برای بیاعان اجناس مختلف بناشده وهرقسمتی ازآن برای عرضه و فروش وخرید متاعی اختصاص دارد و بااینکه قرنها از بنای آن میگذرد هنوز مورد استفاده است .

۳ ـ میدان میر :

این میدان ازبناهای تیموریان است ونزدیکی میدان قدیم واقع شده است. معروف است‌که ازساختمانهای این میدان به‌قلعه طبرك راهها ونقبهای زیرزمینی بوده است که درموقع لزوم بیکدیگر ارتباط پیدا میکرده‌اند .

۴ ـ میدان کاه‌فروشان :

میدانی بوده که درشهرقدیم اصفهان در محله یهودیه وجود داشته است . و سوق جرین نیز درهمان حدود واقع بوده است .

۵ ـ میدان چهارحوض :

این میدان که چهارحوض دراطراف آن بوده واز میدان نقش‌جهان و سایر میادین کوچکتر و دارای حجراتی نیز برای سکونت داشته است خراب و اکنون خیابان ومحل عبور ومرور است ودرقدیم بمنزله جلوخان عمارات دولتی بوده ودر پشت چهلستون قرار داشته است . شرح آن در آثار باستانی معدوم‌الاثر داده شده است .

۶ ـ میدان سلیمان :

میدانی بوده که محمدبن سلیمان اصفهانی معاصر مأمون عباسی در نزدیك کنیسه‌ایکه شاه ایران برای حکیم رومی در اصفهان ساخته بوده احداث‌کرده‌اند ، واین میدان در نزدیکی محل فعلی مسجد جامع اصفهان و تا زمان ابونعیم وجود داشته است[۱] .

۷ ـ میدان سربازخانه :

این میدان درفرح‌آباد اصفهان واقع شده است . واختصاص بسربازان دارد .

۸ ـ میدان دروازه دولت :

این میدان درمحل دروازه سابق دولت واقع گردیده است .

۹ ـ میدان فرش‌فروشان (اغاطیین) :

این میدان درقدیم‌الایام درمحله کران در کوچه ماجشون قرار داشته است که درآن فرش‌فروشان متاع خودرا عرضه میکرده‌اند[۲] .

۱۰ ـ میدان ادب :

این میدان بطوریکه نوشته‌اند درکوچه‌آداب شهراصفهان وجودداشته است.

۱۱ ـ میدان باغ همایون :

این میدان درنزدیکی باغ همایون معروف به‌باغ حاجی واقع‌شده‌بوده‌است.

---

۱ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۴-۳۸ .   ۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۳۵۹ .

۱۲ ـ میدان نقش جهان = میدان شاه :

در محل این میدان وبانی آن‌اختلاف است . برخی‌گفته‌اند این میدان در زمانی پیش از صفویه بناء شده و محل آن درجای باغ چهلستون فعلی واقع بوده است ولی‌آنچه مشهوراست اینکه میدان نقش‌جهان همان میدان شاه‌کنونی‌میباشد که میان مسجدشاه و سردر قیصریه قرار گرفته و بصورت مستطیل و مساحت آن ۱۲۵ جریب میباشد . در زمان شاردن فرانسوی این میدان زیباترین میدانهای جهان وطول آن دویست‌وچهل (۲۴۰) قدم وعرض آن یکصدوشصت‌پا بوده است .

این میدان دوازده مدخل بزرگ وچند راهرو کوچك داشته وابتدای بنای آن از یکهزارویازده هجری بوده است . یعنی اززمان شاه‌عباس تغییراتی دروضع این میدان داده شده و ازآن‌ببعد بنام میدان شاه معروف شده است[۱] .

درسال ۱۳۱۱ شمسی حوضی درمیدان ساخته شد و در (۱۳۵۳ ه.ق) اتمام و آب درآن انداختند[۲] .

۱ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۳۹۵ .

۲ ـ وبرای این کار جشنی برپا داشتند و مرحوم جابری مؤلف تاریخ اصفهان و ری چکامه‌ای در وصف آن حوض و ماده تاریخ آن سرودندکه در ذیل درج میگردد :

زمان پهلوی آمد در اصفهان کوثر ... چو ترعه لب دریا زمان اسکندر
سکندر ارکه باسکندریه حوضی ساخت ... ببین که مصنع میدان شه است زیباتر
چوآب آینه‌گون موج میزند لب حوض ... همی در آب بلرزد چو مرد اشناور
فرات‌ودجله کم‌آبی‌زحوض وخورنق‌خورد ... به آستان علی‌قاپو و خجل منذر
و یا که حوض بود رود نیل و مسجد شاه ... کمینه کفش کنش صحن جامع ازهر
چو عکس گنبد رخشان شیخ لطف‌الله ... نیامده است در این نه فلك یکی اختر
اگرکه سرپوشی وارونه خواهی ازمه‌ومهر ... درآب عکس دوگنبد سپید و سبز نگر
بچرخ صورت این مصنع درخشنده ... نگر نه حوض که دریاچه‌ایست پرگوهر
بوبژه سال دگر سرکشیده بر افلاك ... هزار سرو صنوبر هزار طرفه شجر
نسیم نالد و خندد چمن بگرید ابر ... درخت بالد و آرد گل و بارد زر
شود چو بوقلمون رنگ رنگ طاوسی ... که از جمالش طاوس هند ریزد پر
دوچشم مردم روشن ز نرگس و اطلس ... دماغ خلق بعطر از قرنفل و عبهر
ز داغ لاله لب غنچه بسته و سوسن ... زبان گشوده پی پیلگوش و سیسنبر

←

از آثار باستانی موجود در این میدان عمارت عالی‌قاپو ومسجدشاه وطالار طویله و مسجد شیخ لطف‌الله و سردر قیصریه میباشد . این میدان زیرشماره ۱۰۲ بثبت تاریخی رسیده است .[۱]

۱۳ ـ میدان چوگان‌بازی :

این میدان درعصر شاه‌عباس صفوی برای چوگان‌بازی و اسب‌دوانی اختصاص داشته ومحل آن همان میدان نقش‌جهان بوده که شاه‌عباس ازبالای عمارت عالی‌قاپو بتماشای چوگان‌بازی میپرداخته‌اند و شعراء و ایلچیان خارجی نیز در معیت شاه میبوده‌اند[۲] .

۱۴ ـ میدان خاجو :

این میدان درخاجوی اصفهان واقع شده است .

۱۵ ـ میدان پهلوی :

این میدان در محله آب‌بخشان که درقدیم به‌مردبان شهرت داشته است واقع گردیده .[۳]

۱۶ ـ میدان هاتف :

این میدان درخیابان هاتف اصفهان واقع‌گردیده است .

→

هزار پوشش از اشکوفه‌های رنگارنگ — دوصد قطیفهٔ ز نسرین و یاس و نیلوفر
زنند بلبل و قمری نوای عشق بشور — کبوتران که ببوسند روی یکدیگر
چوکبك خوش بخرامد برای وصل حبیب — رقیب گردد زاغ و خطیب بر منبر
بلطف آب نگر در پیاله زر سرخ — شقایقش بنموده چو باده احمر
چو باد حمله کند پوشد آب سیم زره — که سرو تیغ بدست است و بید با خنجر
ویا که آب چو دختی درون چادر سبز — نهان شده‌است وکشیده‌است برسرش بستر
چو«جوی کوثروتسنیم» شدروان‌در حوض — به ابتدای بنا سال شمسیش بنگر
چو حوض گشت تمام وز آب شد روشن — چنانچه عکس وی افتاد در مه انور
تو سال را قمری بشمرو بگو تاریخ : — « زمان پهلوی آمد در اصفهان کوثر »

نقل ازتاریخ اصفهان و ری از ص ۳۴۰ تا ص۳۴۲ .

۱ ـ فهرست آثار تاریخی ایران ص ۴۵ . ۲ ـ زندگانی شاه‌عباس ج۲ ص ۳۰۵ .
۳ ـ تاریخچه محله خاجو ۲۲ .

۱۷ ـ میدان هزار جریب :

این میدان در دروازه شیراز اصفهان واقع گردیده است .

۱۸ ـ میدان بازار :

میدانی است که درابتدای بنای شهر جی ازطرف آذرمانان دریکصدوهفتادسال پیش از اسلام وجود داشته ودروازه خور مقابل آن واقع بوده است[۱] .

۱۹ ـ میدان بیست‌وچهارم اسفند :

این میدان در محل تقاطع خیابان پهلوی بـا خیابان کمال الدین اسماعیل واقع گردیده است .

ز ـ رودخانه زاینده‌رود

نام این رودخانه در عرف نویسندگان گوناگون در ازمنهٔ مختلف متفاوت نوشته‌شده، برخی زرین‌رود ودیگران زرینه‌رود وزرنروذ وزرینه‌رود و زاینده‌رود و زندکرود . حمزهٔ اصفهانی متوفی حدود (۳۶۰ هـ . ق) در کتاب سنی‌ملوك‌الارض والانبیاء[۲] . زرین‌رود نوشته وگفته است طول میان منبع آن‌که چشمه جانان‌باشد تا جائی که درانتهای رویدشت فرو میرود پنجاه فرسخ میباشد .

ابو نعیم حافظ اصفهانی متوفی (۴۳۰ هـ.ق) زرنروذ نوشته ومحلی را که آب این رودخانه فرومیرود بنام (هنام) خوانده است[۳] .

صاحب‌عجایب‌المخلوقات نام‌آن‌را زاینده‌رود نوشته وگفته است‌که مکررنی در رودخانه مزبور انداخته‌اند و در کرمان گرفته‌اند ؛ گرچه پذیرفتن این مطلب دورازعقل‌سلیم ومنطق است ولی درهرحال نام رودخانه را زاینده‌رود نوشته است.

درمحاسن اصفهان‌که در قرن پنجم تألیف شده : زرین‌روذ[۴] و وزرنروذ[۵] و زنده‌روذ[۶] نـوشته وزرین‌رود را گفته چون‌آب آن مانند زربرمردم انفاق میشود

---

۱ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۱۵ .
۲ ـ سنی‌الملوك‌الارض والانبیاء ص۱۲۴ .
۳ ـ ذکر اخبار اصبهان ج۱ ص۳۰ .
۴ ـ محاسن اصفهان ص۴۸ و ۵۳ .
۵ ـ محاسن اصفهان ص۵ .
۶ ـ محاسن اصفهان ص۹ .

به زرین‌رود نامیده شده‌است . بدیهی است زرنرود هم‌مشتق و مخفف زرین‌رود است ولیکن زنده‌رود معنی رودخانه دائر وزنده را میدهد که پیوسته در احیای اراضی موات بکارمیرود وممکن است مخفف زاینده‌رود باشد .

صدرالدین عبداللطیف[۱] خجندی که ازشعرای زمان آل خجند دراصفهان بوده درشعریکه دراوصاف اصفهان سروده نام آنرا زرین‌رود گفته :

ای چو سیم مذاب زرین‌رود — اصفهان پرنوا شده ز تو رود
گشته‌ای عین زندگی در جی — فی مجاریك کل شیء حی
در لقای تو داشت خضر برات — آب گشته ز شرم تست فرات

خواجه حافظ گفته :

اگرچه زنده‌رود آب‌حیات است — ولی شیراز ما از اصفهان به

درجای دیگری آنرا چنین یاد میکند:

یاد باد آن روزگاران یاد باد — زنده‌رود و باغ‌کاران یاد باد

استاد سعدالدین هروی ازشعرای‌قرن هشتم دروصف اصفهان قصیده‌ای‌سروده ونام زاینده‌رود را چنین گفته :

هر که‌رابینی‌همه‌لطف‌است‌واحسان‌وکرم — هر کجاباشی‌همه‌آب‌است وباغ‌وبوستان
آب حیوان است گوئی پیش بستان ارم — زنده‌رود اوکه دارد باغ کاران برکران

ابوالفضل اسماعیل‌بن محمد جربادقانی[۲] . از شعرای قرن پنجم در وصف اصفهان قصیده‌ای بتازی سروده ونام رودخانه زاینده‌رود را زندروذ سروده است :

یـا اصفهان سقیت‌الخمر صافیة — اذقلت قلت لها سقیا غوادیها
لاحبذا جبل‌الریان من بلد — وحبذا لی مصلاها و وادیها
بزنده‌روذ دیون قد مطلت بها — وان اعش‌فزمانی‌سوف یقضیها[۳]

۱ـ زنده‌رود ج ۱ ص۲ . ۲ـ محاسن اصفهان ص ۱۱۸ . ۳ـ یعنی ای اصفهان من از شراب صافی هنگامی سیراب‌گردیدم‌که گفتم‌کم باد سیرابی شیران بیشه‌های اصفهان . کوه ریان نیکونیست ازهیچ‌شهری ونیکو و پسندیده است برای من مصلاو رودخانه اصفهان، زنده‌رود را وامهائی برمن است‌که اگر زنده‌مانم زود باشدکه روزگار آن وامها را ادا کند .

ونیز ابوالعلاء بختیاربن بنیمان‌بن خرزاد اصفهانی دروصف اصفهان‌قصیده‌ای بتازی سروده که درآن نام رودخانه زاینده‌رود را زنده‌روذ خوانده است[1] :

و زندروذ الضحی بصفحته سبائك للجین مذرورة[2]

ونیز جوهری واعظ اصفهانی[3] . از شعرای اصفهان در قرن پنجم قصیده‌ای بتازی دروصف اصفهان سروده و درآن نام رودخانه را زنده‌روذ گفته است :

کان حنین‌الزندروذ خلالها حنین اسود للمجاعة تزار

تری مائها مثل‌اللجین و ارضها کجنة عدن روضها یتعطر[4]

ونیز قاضی محمدبن احمد قمی ازشعرای[5] اصفهان دروصف این شهر بتازی سروده ونام رودخانه را زرنروذ آورده است .

حبذا زرنروذ واد تغطی من لجین مذوب بجلال[6]

ونیز شیخ ابوجعفر محمدبن‌الحسین‌بن‌محمدبن الحسن‌بن یزید اصفهانی[7]. در قصیده‌ایکه در وصف اصفهان سروده نام رودخانه را زرین روذ گفته :

سلام علی زرین روذ وشعبه سلام محب لاسلام مودع[8]

حمدالله مستوفی قزوینی درنزهت‌القلوب[9]. نوشته :

« رودخانه اصفهان امروز به زنده‌رود موسوم است ومصنفین مختلف آن را زاینده‌رود وزرین‌رود نیز نوشته‌اند . زرین‌رود اکنون بیکی از شعب این رودخانه اطلاق میشود . قسمت علیای شاخه اصلی این رود جوی سرد نام دارد و از زردکوه سرچشمه میگیرد . این‌کوه‌که هنوز بمناسبت سنگهای آهکی زردرنگ خود باین نام خوانده میشود در سی فرسخی باختر اصفهان نزدیك سرچشمه رود دجیل یعنی

---

۱ ــ محاسن اصفهان ص۱۱۸ . ۲ــ یعنی زنده‌رود درهنگام چاشت برروی‌آن‌شمشهائی ازسیماب پراکنده است . ۳ ــ محاسن اصفهان ص۱۲۰. ۴ ــ ناله‌ایکه زنده‌رود در درون خود دارد چون ناله شیرهای‌گرسنه است‌که میغرند . آب آنرا مانند سیماب می‌بینی و زمین آن مانند بهشت جاوید سرسبز و معطر است . ۵ ــ محاسن اصفهان ص۱۲۲ . ۶ــ چه بسیارخوب است زرنرودکه پوشیده شده است از سیمابی‌گداخته . ۷ــ محاسن اصفهان ص۶۲ . ۸ ــ یعنی بر زرین‌رود و نهرهای منشعب از آن باد درود دوستدار نه درودکسیکه آنرا ترك میکند . ۹ــ اصفهان جوانان ص۲۱ بنقل از نزهت‌القلوب .

کارون واقع است.

پائین سهروفیروزان واقع درخان لنجان یکی ازشعب زاینده‌رود که ازحیث بزرگی با خود رودخانه همسری میکند واز حدود گلپایگان سرچشمه میگیرد، به زاینده‌رود میریزد، آنگاه پس‌ازعبورازاصفهان وسیراب‌کردن نواحی‌هشتگانه آن اندکی بسمت خاور رودشت پیچیده بالاخره در باتلاق گاوخانی که در حاشیه کویر واقع است فرومیرود. طبق یك عقیده عمومی که ابن‌خردادبه در قرن سوم نیز آن را ذکر کرده است این رودخانه پس ازفرورفتن در باتلاق گاوخانی دوباره درشصت فرسخی آن باتلاق در کرمان ظاهرمیشود و آن‌گاه بدریا میریزد، اما این روایت ضعیف مینماید، زیرا که ازگاوخانی تاکرمان زمینهای سخت وجبال محکم درمیان است و ممری درزمین که چندان آب درآن روان باشد متعذر مینماید و زمین‌کرمان بلندتر از زمین گاوخانی است.»

یاقوت حموی درمعجم‌البلدان[1]. دربیان این رودخانه چنین میگوید.

زرنرود. بفتح اول و ثانی و نون ساکن پس ازآن راء مهملة و آخرش ذال معجمه[2] نام نهر اصفهان است و آن رودی است معروف بگوارائی و صحت‌که از بناکان بیرون میآید وبده دریم میگذرد وسپس به ده دیگری بنام دنبا و دراین ده آبهای زیادی جمع میشود که اهمیت پیدا میکند و بستانها و روستاها را سیراب میکند تابشهر میرسد وسپس در ریگزاری فرومیرود و در کرمان خارج میشود و فاصله آن شصت فرسخ است. پس از خروج در کرمان جاهائی را درآنجا سیراب میکند وسپس بدریای هند میریزد. واینطوریاد کرده‌اند که نئی را علامت‌گذارده ودرآن مواضع‌که آب درآن فرومیرود رها کردند، پس ازآن آن نی‌را درآنجائی که درکرمان آب خارج میشود یافتند، وازاینرو گفته‌اند که همان آب زاینده‌رود اصفهان است‌که ازکرمان بیرون میآید.

---

۱ ـ معجم‌البلدان ج۳ ص۱۳۹.

۲ ـ مؤلف کتاب زنده‌رود در صفحه ۲ کتاب خود اشتباهاً گفته یاقوت را: بفتح‌اوله وسکون ثانیه و فتح دال مهملة وراء مهملة مضمومة و واو ساکنة واخره ذال معجمة نقل کرده است.

از اقوال گوناگونی که در نام رودخانه ذکر گردید روشن شد که نام اصلی زرین‌رود بوده و بتدریج زرنرود و زاینده‌رود و زرینه‌رود گفته‌اند و وجه تسمیه همانطوریکه در نزهت‌القلوب گفته چون کوهی که سرچشمه آب در آن است زرین‌رنگ بوده نهر هم بهمان نام خوانده شده است وچون در قسمتی از رودخانه مزبور دربین راه زایشی تولید میگردد گاهی هم بنام زاینده‌رود خوانده‌اند و زنده‌رود مخفف همان زاینده‌رود و زرنرود و زرینه‌رود هم مشتق از همان زرین‌رود نام اصلی آن است .

ودلیل آن گفته‌های حمزه اصفهانی ومؤلف محاسن اصفهان وابونعیم‌اصفهانی است که درزمان قدیم میزیسته‌اند وآشناتر بنامهای گذشته بوده‌اند .

سرچشمه رودخانه زاینده‌رود ازکوههای زرد بختیاری و انتهای آن باتلاق گاوخانی است وتقسیم رودخانه مزبور چنین است :

گردش آب رودخانه پس ازعبور ازکوههای فریدن و مشروب نمودن اراضی ساحلی وبلوك اید غمش میان هفت بلوك مشروح زیر از لحاظ زمان در طول مدت یك‌سال روی سه اصل زیراست :

۱ ـ اختصاصی :

آب زاینده‌رود از ۱۵ اردی‌بهشت تا آخر برج واز ۱۵ آذر تاآخر برج مخصوص بلوك رودشتین است .

۲ ـ اشتراکی :

ازآخر اردی‌بهشت تا شش‌ماه بطور مشترك دراختیار بلوك زیرین است :

۱ ـ بلوك لنجان شش‌سهم . ۲ ـ بلوك‌النجان چهارسهم . ۳ ـ ماربین چهارسهم . ۴ ـ جی شش‌سهم . ۵ ـ کرارج سه‌سهم . ۶ ـ رودشتین و براثان ده سهم .

۳ ـ آزاد :

از آخر آذرماه تا ۱۵ اردی‌بهشت آب زاینده‌رود آزاد بوده و همه آبادیها

میتوانند ازآن استفاده‌کنند. طبق طومار معروف به‌طومار شیخ‌بهائی آب رودخانه به ۳۳ سهم تقسیم میشود که بوسیله انهاری که از رودخانه زاینده‌رود منشعب شده و هر نهر را مادی میخوانند آب را بقراءِ میرسانند و این ۳۳ سهم به ۲۷۵ سهم و ۱۳ مادی تقسیم میگردد. ۶سهم لنجان وایدغمش به۱۳ سهم قسمت شده وهمین سهام دوباره به۳۵۷ سهم تقسیم میگردد، ۴سهم لنجان مابین مادیهای ۴۷٫۵ قسمت شده ومجدداً به ۳۱۵٫۱۵ سهم تقسیم میشود. چهارسهم ماربین به۲۹سهم و دوباره به۳۸۲ سهم تقسیم میشود. ۶ سهم جی به ۳۷ ومجدداً بد ۳۸۷ سهم تقسیم میشود. ۳ سهم‌کرارج به ۱۲ ومجدداً به۳۸۷ سهم تقسیم میشود. از۱۰سهم رودشتین به ۲۴ مادی وبین قراء به ۲۳۰سهم تقسیم میشود[۱].

از رودخانه زاینده‌رود نهرهائی جدا شده که آنها را مادی میخوانند و در محلات شهر اصفهان گردش کرده وبخارج شهر میرود. مهم آنها چنین است:

۱ ـ مادی نیاصرم:

اصولاً کلمه مادی در لغت معمول قدیم اصفهان به نهری اطلاق گردیده که از رودخانه کوچکتر وازنهر بزرگترباشد ومادی نیاصرم بهمین منوال است. کلمه نیاصرم هم مرکب است از نه وصرم که جزءِ اول بمعنی شهرکوچك و یا قصبه است و صرم هم معرب سرم است که نام محل است. و معلوم میشود که محلی که مادی مزبور درآن جاری شده نیاصرم نام داشته است.

این مادی ازسایر مادیهائی که درشهر اصفهان جاری است بزرگترومعروفتر میباشد ودر حدجنوبی شهرواقع وازکنار پل مارنان‌که ابتدای شهراست‌ازرودخانه جدا شده وازکنار باغ جنت ومحله لنبان بطرف مشرق میرود ودرنزدیکی دروازه ظله که مشرق مایل بجنوب شهر است بسه شاخه تقسیم و زمینهای جی را آبیاری میکند. این مادی در زمان وفورآب رودخانه زاینده‌رود در حدود دویست سنگ آب دارد ودر زمان کم‌آبی کمترازپنجاه سنگ آب ندارد.

---

۱ ـ نقل بمعنی ازفرهنگ جغرافیائی استان دهم.

۲ ـ مادی فرشادی :

محل انشعاب این مادی بالاتر از مادی نیاصرم و در کنار قریه ناجوان یا ناجنون یا ناژونان ماربین است و آب آن درحدود ربع آب مادی نیاصرم است.

معبر این مادی ازمحله لنبان و شمس آباد و از زیرچهارباغ قدیم میگذرد و از وسط مدرسه چهارباغ و کاروانسرای بازارچه بلند که پشت مدرسه است عبور نموده وازمحله دولت‌خارج‌میگردد، سپس ازشمال محله‌خاجوگذشته و شاخه‌هائی ازآن جدا شده ومحلات چرخاب وحسن آباد و چهارباغ صدری وباغات آن ومحله خاجو وپاقلعه را سیراب کرده وارد محله ترواسکان میشود و درآنجا منشعب شده واز شهر خارج ودر اراضی جی می‌نشیند.

۳ ـ مادی شاه :

آب آن نصف مادی فرشادی است. ازلنبان وچهارسوی شیرازیها ومستهلك وشمس آبادگذشته اطراف خودرا سیراب وبدوشاخه تقسیم ووارد دوحوض‌چهارباغ که محاذی باغ هشت بهشت است شده واز آنجا داخل باغ میگردد وباغات شاهی وخانه‌های دولتی وبعضی ازباغهای چهارباغ ومدرسه سلطانی را سیراب میکند.

از اینرو این مادی را جوی شاه گفته‌اند که بیشتر باغات وعمارات شاهی را سیراب میکرده است[۱].

۴ ـ مادی فدین = فدا = فدن.

وجه تسمیه این مادی آنست‌که چون نیمی ازآن را بعضی ازسلاطین صفویه فدای نفس خود و اکثر آنرا وقف شهر کرده‌اند هردوقسمت را فدین ویك قسمت آن را فدا گفته‌اند. قبل‌ازصفویه آنرا فدن و فدین میگفته‌اند ودر زمان صفویه به فدا شهرت یافته است. محل انشعاب آن بالاتر از سه مادی مرقوم فوق است و آب آن زیادتر از فرشادی است.

این‌مادی ازمحله لنبان وشمس آباد عبورکرده ودرمحله دروازه‌دولت بدوشعبه

---

۱ ـ نقل بمعنی ازنصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان ص۹۹.

منقسم میشود و آنجا را لت محمدحسین‌بیك مینامند . شعبه‌ای از آن به‌محله در کوشك و بیدآباد و چهارسوی علیقلی‌آقا رفته و از آنجا بکنار محله دروازه‌نو (آب‌بخشان) رفته و باز آنجا دوشاخه میشود . شاخه کوچکتراز زیر دروازه چهاررو خارج از شهر شده و قریه سواری باغ جی را آب میدهد و شاخه بزرگتر وارد باغ صفی میرزا شده واز آنجا بباغ کلعنایت رفته سپس سه‌شاخه شده ، یك شاخه آن تمام محلات دردشت وشهشهان را سیراب میکند ودوشاخه دیگر ببلوك جی درقریه سودان وچمبرك (کمبرك) وجاهای دیگر میرود .

واماشعبهٔ‌دیگر از لت‌محمدحسین‌بیك ازمحله‌دروازه دولت‌عبورکرده‌وداخل بعضی ازعمارات و باغات شاهی میگردد و از کنار میدان نقش جهان گذشته داخل مدرسه ملاعبدالله شده ودرپشت آن سه شاخه میشود ، کوچکتر آنها خرج محله قصر منشی شده وشاخه دویم که بزرگتراست به محله یزدآباد رفته وددرمحله‌کران و جنوبی جوباره مصرف شده و اندکی از آن از شهر خارج میگردد . شاخه سیم از کاروانسرای طباطبائی وعقب آن ازمدرسه جده بزرگ گذشته و از محله گلبار عبور میکند و وارد محله جوباره شده وازشهر بیرون میرود وپاره‌ای ازدهات جی را سیراب میکند واین مادی از پرمنفعت‌ترین مادیها است و قریب دوثلث شهر را مشروب میکند . در عرض سال سه ماه تابستان را آب ندارد ، درگذشته در محل انشعاب چشمه‌ای داشته‌که هیچگاه آب آن‌کم نمیشده ولی چون آن چشمه پرشده آب آن نقصان پذیرفته است .

شعرای تازی زبان درباب این مادی قصایدی سروده‌اندکه ازآن جمله است:

بدت زهرةالدنیا و مد فذین   وطاب لدیه للمحب مجون[1]

هرچند ریشه‌کلمه فدین معلوم نیست ولی آنچه مسلم است این‌کلمه فارسی است‌که درهنگام تعریب دال‌آن مبدل به‌ذال معجمه شده است . نکته دیگراینکه این تقسیمات درقرن پنجم رایج بوده ومربوط بزمانی دور بوده است .

۱ــ یعنی زهره‌دنیا و مد فدین ظاهرشدند وسختیها برای دوستداران فدین پاکیزه وگوارا شد.

۵ ـ مادی تیران :

این مادی ازمغرب شهر گذشته به محله بیدآباد وچهارسو شیرازیها میرود و محله‌نو وشیش‌ومورنان را سیراب‌کرده بقریه معروف به‌تیران وآهنگران‌سرازیر ومزارع اطراف آن‌را مشروب میگرداند وسپس به‌شاخه مادی فدین‌که به‌سواری باغ میرود متصل میشود .

۵ ـ مادی قمش :

این مادی بالاترازمادیهای پیش گفته از زاینده‌رود جدا میشود وازمادیهای مزبور مهمتراست ، چه درمحل انشعاب آن چشمه‌ای وجود داردکه اگرخشکسالی هم شود از آب آن چشمه استفاده میشود . این مادی از میان قرای ماربین مانند نصرآباد ـ گورتان ـ جوزدان میگذرد[۱] .

چنانچه مؤلف کتاب اعلاق‌النفیسه که در قرن سوم هجری میزیسته و نیز حمزه اصفهانی[۲] . نوشته‌اند نخستین‌کسی‌که‌آب رودخانه زاینده‌رود را تقسیم‌کرده اردشیر بابکان بوده که بدست مهربن وردان انجام داده و مطابق فرمان آن پادشاه قری و قصبات مجاور رودخانه بفراخور آبخور خود استفاده میکردند وکسانی هم که بعد از اوآمدند همان رویه را پیروی‌کردند .

ولی‌آنچه معروف است تقسیم‌کنونی‌آب زاینده‌رود برطبق طومار شیخ‌بهائی است که در زمان صفویه تنظیم شده .

مؤلف دانشمند و محقق کتاب زنده‌رود[۳] . درباب فرمان تقسیم آب مزبور چنین نوشته :

[«آنچه مشهور است تقسیمات کنونی آب زنده‌رود مربوط بدوره صفوی و ایام شیخ بهائی میباشد ، بعضی ازمؤلفین جدید هم همین نظررا تأیید کرده‌اند که تقسیمات کنونی زنده‌رود مطابق طومار صفویه است وتوسط دایره میاه مالیه اجرا میشود ، اما باید دانست که دائره‌ای بنام میاه دراداره مالیه اصفهان نیست ومباشر تقسیم آب ازطرف ملاکین وزارعین انتخاب شده با نظارت حکومت اصفهان‌شروع

---

۱ ـ اصفهان جوانان ص۲۸ .   ۲ ـ سنی ملوك‌الارض والانبیاء ص۳۲ .

۳ ـ ج۱ ص۱۱ .

بکار میکند، در قسمت طومار صفویه هم نگارنده اهتمام بسیارنمود که شاید اصل فرمان یا سواد مصدق آنرا بدست آورد چیزی معلوم نشد، فقط سواد غیر مصدقی ازفرمان مشهور دراداره مالیه اصفهان موجود بود که معمول به‌آن ایام همان سواد است وعین آن برای مزید استحضار خوانندگان درج میشود :

« سواد فرمان شاه طهماسب راجع به‌آب زاینده‌رود مورخ رجب ۹۲۳ : »

« فرمان همایون شد که چون بعضی اختلاف درقراروسهام رودخانه مبارکه »
« زاینده‌رود اصفهان .... بنابراین امنای دولت قاهره چندنفرازمعتمدین ومعمرین »
« را مشخص نموده بامضای عالیجاهان مستوفیان عظام ، و تصدی کدخدایان و »
« ریش سفیدان بلوکات مشترکه ازآن که قرارسهام وحصه هریك ازقراءِ ومزارع »
« را درجزءِ هربلوکی‌که گنجایش وقابلیت بدون تقلب وتعمد تعیین نموده درقید »
« التزام ثبت آن را در دفاتر برقرار داشتند که ازآن قرارمعمول دارند ، وچون »
« بلوك جی در وسط بلوکات مشروبه ازرودخانه مبارکه است ازقدیم چنان قرار »
« بوده که خدمت میرآبی رودخانه مبارکه به‌یك‌نفر از کدخدایان معتمد معتبری »
« ازبلوك مذکوره‌بوده الحال نیز بهمان دستورمعمول دارند، مقررآنکه عالیجاهان »
« عمال وضباط وکدخدایان و ریش سفیدان بلوکات مفصله ومیراب و مباشرین و »
« مادی سالاران رودخانه مبارکه حسب‌الامر ازقرار دستورالعمل در طومار حقابه »
« هریك را موافق سهم وقرارداد معمول داشته تخلف جایز ندارند وازمؤاخذه و »
« سیاست امنای دولت قاهره باهره محترز بوده در عهده شناسند تحریراً فی‌شهر »
« رجب‌المرجب سنه ۹۲۳ انتهی . بعداز فرمان در بیست‌ویك صفحه درکاغذ ورق »
« بزرگ صورت تقسیم جزء آب زنده‌رود وترتیب تقسیم واسامی قراءِ و قصبات و »
« املاك ومزارع وعمارات وباغها ذکرمیشود . خلاصه آنکه سال را به ۳۶۰روز »
« شمسی تقسیم کرده‌اند ، ازاول حمل (نوروز) تا هفتادوپنجم عید آب رودخانه »
« برای همه‌کس آزاد است وتحدید وتقسیمی وجود ندارد ، ازروز هفتادوششم تا »
« اول قوس‌که جمعاً مدت۱۶۵ روزمیباشد (هرماهی بدون کم‌وزیاد سی‌روزحساب »

« میشود) آب رودخانه را به ۳۳ سهم قسمت میکنند ، هر سهمی ۵ شبانه‌روز است »
« که جمع کل سهام ۱۶۵ روز میگردد و هر بلوکی سهم معینی دارد ، مثلاً بلوك »
« رودشتین دارای ۹ سهم یعنی ۳۰ شبانه‌روز آب است که ۱۵ روز آنرا از ۱۶ تا آخر »
« جوزا و ۱۵ روز دیگر را از اول تا ۱۵ عقرب آب میبرد ، این تقسیم مطابق »
« مندرجات فرمان است و فعلاً با مختصر تغییراتی اجراءِ میگردد ، تمام اسناد و »
« مدارکی که راجع به‌تقسیم آب و طومار و فرمان صفویه در دست است همان سواد »
« فرمان و ضمائم آن میباشد که عین فرمان فوقاً درج شد واستناد آن بشاه‌طهماسب »
« ازچندجهت قابل تأمل است . »

« اولاً ــ درماه رجب ۹۲۳ هجری (تاریخ سواد فرمان) شاه‌طهماسبی درکار »
« نبوده وپدرش شاه‌اسماعیل درایران سلطنت میکرد، اتفاقاً درسال ۹۲۳ شاه‌اسماعیل »
« دراصفهان اقامت داشته ولی همان موقع خبر رسید که سلطان‌سلیم عثمانی مهیای »
« حمله به‌ایران شده است، شاه‌اسماعیل بطرف سرحد عثمانی حرکت کرد ومدتی »
« سرگرم زدوخورد بود، مخصوصاً درسال ۹۲۳ هجری شاه‌اسماعیل درشهر نخجوان »
« میزیست شاید هیچ هم درفکر زاینده‌رود نبود، شاه‌طهماسب درسال ۹۳۰ بتخت »
« نشست وتاحدود سال ۹۳۵ درخراسان با ازبکها منازعه داشت . »

« ثانیاً ــ طرز انشاء وکلمات وارده درفرمان بقدری تازه است که به‌منشئات »
« قرن سیزدهم بیشتر شباهت دارد وبوی انشاء ایام صفویه را نمیدهد . »

« ثالثاً ــ درتقسیم نامه‌ضمیمه فرمان اسامی عمارات ونقاطی مانند: طالار اشرف ـ »
« جامع عباسی ـ سعادت آباد ـ هشت بهشت وغیره ذکر شده که ازابنیه اواسط صفویه »
« است ودرتاریخ ۹۲۳ چنین عماراتی دراصفهان وجود نداشت، حدس قوی میرود »
« که فرمان وتقسیم نامه از ایام صفویه موجود بوده ولی بواسطه عملی نشدن آن »
« یا مصلحت دیگر مفقود نموده‌اند وفرمان وطومار فعلی را جدیداً باعبارت امروزی »
« انشاءِ کرده‌اند ، بالاخره گذشته از آنکه سواد معتبر مصدق فرمان معهود در »
« اصفهان دیده نشد هیچکس هم لااقل دعوی رؤیت سواد مصدق آنرا ننمود واین »

« خود دلیل دیگری بر مجعولیت فرمان است ، معذلك عده زیادی مصرند که »
« تقسیم کنونی بدست شیخ بهائی انجام یافته وترتیبی بهتر از آن نمیشود . »]

بطوریکه ازکتاب زنده‌رود نقل گردید فرمان شاه طهماسب که مصدق نیست بنظر مؤلف دانشمند مجعول رسیده است . ولی باتوجه بنظری‌که مؤلف جغرافیای اصفهان‌که درقرن سیزدهم وچهاردهم میزیسته وخود ازمتصدیان اموراصفهان بوده اظهارکرده میتوان باورکردکه چنین فرمانی ازشاه‌طهماسب‌اول صادرگردیده منتهی تاریخی را که درسواد غیرمصدق ۹۲۳ نوشته شده تحریف شده و ممکن است ۹۳۲ باشد وبا این‌ترتیب بخصوص که در جغرافیای اصفهان تصریح شده[1] . که فرمان ممهور شاه‌طهماسب در دفتر مربوط بوده است . و اینکه مؤلف زنده‌رود نوشته‌اند که عبارات ضمیمه فرمان جدید است درست بنظر میرسد ، چه مؤلف جغرافیای اصفهان هم نوشته که عمل بمفاد فرمان اسمی است ودر عمل اختلاف است وبا این ترتیب دستور ضمیمه فرمان غیرمصدق ازمنشئات جدید وبرطبق‌عمل زمان تدوین شده است وغیراز دستوری است که با فرمان شاه‌طهماسب صادر گردیده است .

اما راجع به کلمه گاوخانی ووجه تسمیه آن‌که درنوشتجات مختلف‌متفاوت نوشته شده است چنین باید گفت : در تاریخ سنی ملوك‌الارض والانبیاء نامی برده نشده ولی در ذکر اخباراصبهان ابونعیم نام آن هنام نوشته شده ودرمحاسن‌اصفهان بنقل از ابونعیم گفته که نام آن جاخوانی است در نزهت‌القلوب هم جاخانی و در تاریخ اصفهان و ری گاوخانی[2] . و در تاریخ نصف‌جهان[3] . گاوخوانی نوشته شده است . ازگفته ابونعیم دانسته میشود نام درباچه محل فرورفتن‌آب زاینده‌رود هنام که فارسی قدیم است بوده واما جاخانی یا گاوخانی وگاوخوانی مرکب از دوکلمه گاو وخانی است گه گاو بمعنی بزرگ وخانی یعنی حوض و چشمه آب است ومثل اینکه درباچه گاوخانی را چشمه‌ای برای نقاط پائین‌دست‌آن یاچون حوض فرض کرده‌اند وبهمین‌جهت است که بعضی ازجغرافی‌نویسان قدیم نوشته‌اند که آب این

۱ـ جغرافیای اصفهان ص۴۱ . ۲ـ تاریخ اصفهان و ری ص۱۵۰ . ۳ـ نصف جهان ص۳۰۶ .

درباچه ازکرمان بیرون میآید ، ودرهرحال اگر بمعنی حوض وچشمه باشد املای درست آن گاوخانی با الف خواهد بود . احتمال هم میرود جاخانی ، بمعنی ظرف بزرگی که اشیاء را درآن میریزند باشد وبااین فرض مخفف جانخانی است .

واما درمقدار آب رودخانه زاینده‌رود چون‌متناسب باازدیاد ونقصان بارندگی در منبع آن بوده در ازمنه گوناگون متفاوت بوده است . چنانکه در تاریخ سنی ملوك‌الارض والانبیاء[۱] در حوادث سال ۳۱۰ هجری گفته : بطوری آب رودخانه مد پیدا کرد که آب برپشت پلها سوارشد ودیگر پلها قابل عبورنبود ودرآن موقع اصفهان مرکب از دوشهر یهودیه وشهرستان بود وبرای اینکه مطلبی را ازیهودیه به‌شهرستان اطلاع دهند نامه‌ای را مینوشتند وبوسیله تیری‌بطرف شهرستان ناحیه ورزق‌آباد پرتاب میکردند وطوری آب زیاد گردید که دیوار شهر درخطر انهدام واقع گردید واندك اندك فروکش کرد .

آنچه در خلال ایام معلوم شده اینستکه حداکثر آب رودخانه در سالهای بارندگی در حدود سی‌هزار سنگ میرآبی‌که هفتهزار وپانصد سنگ گردش باشد میرسد[۲] . وازماه دوم سال بتدریج روبنقصان میگذارد . ولی درسرچشمه تغییری نمیکند ، نقصان حاصل از لحاظ کم شدن آب برفها در وسط راه میباشد . طول رودخانه زاینده‌رود هشتاد فرسنگ وپهنای‌آن دویست ذرع است[۳] . نخستین‌جائی که مطابق دستور دیوان مشروب میشود آخربلوك ایدغمش درلنجان وآخرش اول گاوخانی رودشتین‌که اراضی مقسوم‌علیه بطول ۳۲ فرسنگ وبعرض برروی هم به زیاد وکم چهارفرسنگ باشد .

یکصدوپنج مادی ازدوجانب طول رودخانه جدا میشود وازاین رودخانه آب میگیرد . غیرازآبهای مادیها فاضل‌آب رودخانه در اوقات سیل‌آبی بزرگ باندازه شطی‌میشود وتمام را زمین‌گاوخانی‌میخورد. محیط گاوخانی درحدود دوسه‌فرسنگ وکنارش گزستان و قلم است[۴] .

۱ـ سنی الملوك الارض والانبیاء ص۱۲۴ . ۲ـ نصف جهان ص۹۶ . ۳و۴ـ نصف جهان ص۳۷ .

بعضی ازمورخان[1]. نوشته‌اندکه نرسیده بمیدانی‌که در آن دریاچه‌گاوخانی واقع است محلی بنام شهرسبا بوده که ویران گردیده است ودرآنجا گل‌رنگ که شبیه زعفران میباشد زراعت میشده است وشاید از همین‌جا گفته‌اند که در اصفهان زعفران کشت میشده است .

ح - پلها

بطوریکه در بند ز گفته‌شد رودخانه زاینده‌رود ازمغرب به‌مشرق جاری‌است ورودخانه‌ایست قدیمی و از هنگامی که شهر اصفهان محل سکونت شده و ساکنان نیاز به‌ارتباط با قسمتهای دیگر آن داشته‌اند ناگزیر بساختن پل‌گردیده‌اند، بدیهی است هر ارتباطی‌که بین دوقسمت اصفهان ضرورت یافته پل‌ارتباطی آن زودتر ساخته شده است .

آنچه مسلم است پلهای مارنان (شهرستان) واللهوردیخان و خاجو از پلهائی هستند که درمرحله اول احتیاج ساخته شده‌اند ، منتهی دراثر کثرت ایاب و ذهاب فرسوده و خراب شده و تجدید بناء گردیده‌اند ازهمین نکته که گفته شد معلوم گردید اینکه میگویند پل شهرستان از احداثات سلسله ساسانیان است درست میباشد چه نخستین پلی‌است‌که دوقسمت اصفهان را بیکدیگرارتباط میداده است . ولی دراثر فرسودگی درزمان دیالمه ودیگران ترمیم وتجدید گردیده است. برای اینکه روشن‌گردد که درچه محلهائی نیازمند ارتباط بوده‌اند تمام پلهائی‌که درخود شهر واطراف آن برای ارتباط بین دوقسمت رودخانه ساخته‌اند ذکر میگردد :

۱ - پل اورگان :

این پل در روی زاینده‌رود برای امکان عبور مردم چهارلنگ بختیاری به فریدن احداث گردید آنرا پل حاج‌کاظم نیز مینامند .

۲ - پل بابامحمود :

پلی است‌که درباغ محمود ازدهات گرکن‌لنجان ساخته شده وتا پل کله ۴۸

---

۱ - تاریخ اصفهان و ری ص۱۵۱ .

کیلومتر فاصله دارد وقافله رواست. ثبت تاریخی این پل درجریان است.

۳ - پل زمان‌خان:

این پل دودهانه وسه پایه طبیعی سنگ دارد ودرآخر بلوك آیدغمش‌لنجان قرارگرفته و واسطه ارتباط راه ماشین‌رو نجف‌آباد به سامان و شهرکرد میباشد وتا اصفهان ۱۶ فرسخ مسافت دارد.

۴ - پل ورزنه:

این پل درنزدیکی ورزنه رویدشت روی آب زاینده‌رود ساخته شده است.

۵ - پل سروش آذران:

این پل‌که آنرا پل سروشفادران وپل دشتی نیز میخوانند درشش‌کیلومتری پل چوم واقع ولی اکنون بعلت تغییر بستر رودخانه آبی از آن خارج نمیگردد.

۶ - پل چوم:

این پل درشش کیلومتری شرق پل خاجو واقع و محل ایاب و ذهاب قوافل میباشد.

۷ - پل جویی:

این‌پل میان پلهای‌اللهوردیخان وخاجوبناشده ووسیله اتصال وارتباط باغهای سلطنتی واقع درشمال وجنوب رودخانه زاینده‌رود بوده است، وچون جوی‌کوچك سنگی روی این پل تهیه شده بوده که آب از آن عبور کند باین نام مشهور شده است. این پل بیست‌ویك دهانه داردکه باسنگ وآجربناشده است. ولی‌درسالهای اخیر جوی پرومسطح گردیده است. نسبت به ثبت تاریخی این پل اقدام گردیده است ولی تاکنون به‌ثبت نرسیده است[۱].

۸ - پل فلاورجان:

این کلمه معرب ازپل ورگان است چه‌ورگان نام دهی در لنجان میباشد که الان معروف به فلاورجان است ولی دراصل پل ورگان بوده است.

۱- فهرست بناهای تاریخی ص۳۳۸.

این پل هم محل عبور ومرور قوافل واتومبیل نیز هست و تا پل بابامحمود ۱۲ کیلومتر فاصله دارد[۱] .

۹ - پل نیاصرم :

پل کوچکی است که در داخل شهر اصفهان برروی مادی نیاصرم که بطرف لنبان میرود ساخته شده ومعبراست .

۱۰ - پل مادنان :

چهارفرسنگ بشهر اصفهان مانده رودخانه زاینده‌رود بشکل مارپیچی راست و خم گشته وارد شهر میگردد و گفته‌اندکه بهمین‌جهت قریه مارنان را مارنان یا ماربانان گفته‌اند ودر همین محل پل مارنان را ساخته وجلفا را بقریه مارنان اتصال میدهد پل مزبور اکنون دارای هفده دهانه است ولی در پیش بیش از هفده دهانه داشته است که حالا بسته شده است . این پل را پل سرفراز هم نامیده‌اند و وجه

۱ـ منسوب به‌فلاورجان است: ۱- تاج‌الدین حسن‌بن شرف‌الدین محمد فلاورجانی متوفی (۱۰۵۸ هـ. ق) از علماء و فضلاء و مجتهدان وپسرش فاضل هندی ازاو روایت میکرد وخود شاگرد ملاحسنعلی شوشتری بودکه او از پدرش ملاعبدالله شوشتری روایت میکرد . و نیز به سیدحسین‌بن سیدحیدر کرکی عاملی اجازه داده است . اوراست: ۱- بحرمواج درتفسیر قرآن بفارسی . ۲ - رساله در زوجتی عثمان . ۳ - شرح برکافیة .

(اعیان‌الشیعه ج۲۳ ص۷۷)

۲ ـ محمدبن حسن‌بن محمد فلاورجانی معروف به فاضل هندی و ملقب به بهاءالدین مولود (۱۰۶۲هـ.ق) ومتوفی۲۵ رمضان (۱۱۳۷ هـ.ق) ازعلمای بزرگ وجامع ونادرروزگار که درهشت‌سالگی شرح تلخیص تفتازانی را تدریس میکرد ، و در سال یازدهم عمر بتألیف پرداخت ، ودرسال سیزدهم بعلوم عقلی توجه‌کرد او درهند پرورش یافت وبا علمای آن‌سامان که سنی‌مذهب بودند مباحثاتی داشت وازاینرو به‌فاضل هندی معروف بود . وی درنزدمجلسی دوم تلمذ وبا خاندان مجلسی مصاهرت‌کرد ودراصفهان بتدریس ومرجعیت امورشرعی اشتغال داشت وبا حرفه کتابت امرارمعاش میکرد .

اوراست: ۱- کشف‌اللثام فی‌شرح قواعدالاحکام . ۲- اصالةالنظرفی‌القضاءوالقدر. ۳ - تفسیرالقرآن . ۴- تلخیص‌الشفاء . ۵ - التمحیص. ۶ - چهارآینه . ۷ - حاشیه برشرح عقاید . ۸- المناهج‌السویة . ۹ - بینش غرض آفرینش. ۱۰ - شرح برقصیده حمیری. ۱۱- کلید بهشت . ۱۲- شرح عوامل . ۱۳- زبده دراصول دین. ۱۴- خور البریعة فی‌اصول‌الشریعه . ۱۵- شرح ملخص‌التخلیص. (تذکرةالقبور جوی ص۵۶)

تسمیه‌اش را چنین بیان کرده‌اندکه در زمان شاه‌سلیمان صفوی یکی از ثروتمندان ارامنه آنرا ساخت و بلقب سرفراز نائل گردید و مدتی هم بهمان نام سرفراز مشهور بود .

در هرحال متمول مزبور تعمیری کرده است چه این پل قبل از آن وجود داشته است . منتهی هرچه عبور و مرور بنسبت جمعیت زیادتر میشده پل فرسوده میگردیده است واحتیاج بتعمیر وتجدید بناء حاصل میگردیده است ثبت‌تاریخی این پل درگردش اداری است .

۱۱ - پل شهرستان :

این پل در ناحیه جی قدیم ساخته شده و یکی از پلهای باستانی است که در چهار کیلومتری مشرق اصفهان واقع و از دوطرف ازآن پل عبورمیکنند . یکی از خیابانهای‌مشتاق وساروبه وازدامنه تپه‌اشرف ودیگرازدالان بهشت؛ دردوطرف این پل بیشه‌ها وباغها وآپارتمانهای تابستانی وجود دارد . (ش۷)



(شکل ۷)

این پل ازنظر معماری بسیار جالب وبعقیده باستان‌شناسان مربوط به دوره ساسانیان است وپایه‌های آن برروی سنگهای طبیعی کف رودخانه استوار گردیده

است عده‌ای هم ساختمان آن را به دروه دیلمیان مربوط میدانند. این پل در نه کیلومتری مشرق پل خاجو واقع شده‌است. ثبت تاریخی این پل درگردش اداری است. (ش۸)



(شکل ۸)

۱۲ - پل خاجو :

این پل درانتهای شرقی خیابان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی وانتهای جنوبی خیابان خاجو واقع شده است. بطوریکه باستان‌شناسان تحقیق کرده‌اند پل مزبور برروی پلی که درپیش وجود داشته وخرابی بآن‌راه یافته‌بوده بناگردیده‌است. (ش۹)



(شکل ۹)

درباب ساختمان این پل وزمان ساختمان وبانی ساختمان وکیفیت آن اقوال گوناگونی نوشته‌اند ولی آنچه مناسب بنظرمیرسد شرحی است که مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان دراینباب نگاشته وازاینرو نوشته مزبور عیناً نقل میگردد[۱]:

(ش ۱۰)



(شکل ۱۰)

« درانتهای شرقی خیابان کمال اسماعیل وانتهای جنوبی خیابان خواجوکه »
« بطرف تخت فولاد (قبرستان اصفهان) وراه یزد میرود پل زیبا وتاریخی خواجو »
« واقع شده - این پل برروی خرابه‌های پل حسن بیك بوسیله شاه‌عباس دوم صفوی »
« درسال (۱۰۶۵ه) ساخته شده است . آنرا باسامی : پل خواجو - پل حسن بیك - »
« پل بابا رکن‌الدین - پل گبرها نوشته‌اند . »

۱ - از صفحه ۱۸۷ تا ص ۱۹۲ .

« تاورنیه سیاح اروپائی نوشته است که در دوطرف خیابان این پل دوخانه »
« زیبا وجود دارد که متعلق بشاه است ورودخانه درهیچ کجا بستری بقشنگی این »
« نقطه ندارد وچون این محل ازهمه جا گودتراست همین امر تا اندازه‌ای شاه‌عباس »
« را وادار بساختمان این پل نمود وچون محله گبرها آن طرف رودخانه بوده برای »
« اینکه آنان ازخیابان چهارباغ نگذرند وازاین پل که راه را کوتاهتر مینمود »
« وزودتر بمنزل برسند ساخته شد وتاریخ آن ۱۰۵۷ تا ۱۰۷۷ هجری است. »

« ونیز نوشته شده است وقتی که پل باتمام رسید بهمان نام حسن بیك نامیده »
« میشد - این پل که طولش ۱۵۰متر وعرضش ۱۴ ومعبر آن ۷/۵متر میباشد از »
« سنگ وآجر ساخته شده و۲۱جوی و۲۶ چشمه دارد. »

« این پل بمنزله سد واز حیث معماری واستحکام بی‌اندازه زیبا و بی‌نظیر »
« است، شامل چهارطبقه ودردوطرف داخلی معبر فوقانی هرطرف ۵۱ غرفه بزرگ »
« وکوچك دارد. »

« طول سنگهای این پل متجاوزازدومتر وامتداد ستون‌های فاصله هرچشمه »
« وپایه سقف ۲۰متراست جلوهرسقف ودیوار پیش آمدگی وفرورفتگی وجوددارد »
« که اگر تخته‌ای باندازه دهانه پلها بگذارندآب رودخانه بالاآمده ومدتی ذخیره »
« میشود. »

« ودرقدیم مواقع جشن وغیره نیز قایقرانی مینموده‌اند. درهذه‌السنه از »
« طرف شهرداری تخته گذاری وقایقرانی ومنظره زیبائی ایجاد شده وچنانچه برای »
« پل خسرانی نداشته باشد اقدام خوبی است اما نه برای همیشه. درقسمت شرقی پل »
« درطرفین دوصفه مسطح سنگی وجود دارد ودروسط آن دوتقریباً درکف رودخانه »
« آثارسنگفرش مفصلی دیده میشود وچنانچه نوشته‌اند دریاچه‌ای وجود داشته که »
« آب ازفواره‌های آن جستن مینموده‌است، تاکف رودخانه یازده پله سنگی میخورد، »
« دردوطرف شرقی قسمت پائین پل دوشیر سنگی بزرگ ازقدیم موجود است که در »
« اثر بی‌مبالاتی وجهالت افراد خرابیهائی بدان وارد شده، غرفه‌ها واطاقهای وسط »

« پل بهمان طرز نقاشی و طلاکاری دوره صفویه باقی است و طبقه بالای اطاقها »
« را درچندین‌سال قبل خراب نموده‌اند . پشت بغلهای این پل ازکاشیهای خشت »
« هفت‌رنگ تزیین شده که متأسفانه دراثر لاقیدی وبی‌مواظبتی مسئولین امرویا »
« تأثیر باد وباران همه‌ساله تعداد زیادی ازآنها خراب وازبین رفته بود. ازوسط »
« پل درطرفین تالار دوراه پله موجود است‌که بوسیله آن دوبطبقه زیرین‌میتوان »
« رفت وآمدکرد . تاریخ تعمیراین پل مطابق‌کتیبه‌کوفی‌که درطرف راست‌جنوبی »
« پل‌روبکارخانه نوراست‌درسال ۱۲۹۰هجری‌بسعی‌نصرالله‌خان‌درزمان‌ناصرالدین‌شاه »
« قاجار میباشد . »

« اطراف پل مانند قدیم درایام بهاروتابستان وروزهای‌تعطیل‌محل‌گردشگاه »
« عموم اهالی است وبعضی روزها بحدی جمعیت زیاد است که راه عبورومرور در »
« طبقه دوم تقریباً مشکل میشود . »

« درکتاب عباسنامه تألیف محمدطاهروحیدقزوینی بسال(۱۱۱۰تا۱۰۱۵هـ) »
« شرح مفصلی راجع بساختمان‌پل حسن‌آباد «خواجو» نوشته بخلاصه‌اینکه‌پس‌از »
« اتمام شاه‌عباس دوم دستور آئین بستن و گلریزان نمودن پل را بعهده و اهتمام »
« مقصودبیك سفره‌چی باشی واگذارنمود وتزیین هریك از طاقهای آن پل بعهده »
« یکی ازامرا محول‌گردید وچشمه‌های وسط‌که بمنزله دل دربدن ومعنی درسخن »
« است ازطرف شاه‌آئین بسته شد ومینویسد : آب رودخانه را ببالا پل سد نموده »
« بطوریکه فواره حوض آن تقریباً سه‌گز میجست ، سایبانهای زر نگار از مبدا »
« تامنتهای‌پل‌برسرپا بود ورشته‌های‌مفتول جهت‌آویختن فانوس وقنادیل‌بطرحهای »
« مختلف کشیده بودند . »

« ودرهرمجلسی فرشهای قالی کرمانی و قائنی افتاده بود ودر هرحجره‌ای »
« شاهد سنبل موبرپای ایستاده وجوانان خطه ارم عباس‌آباد وسیمبران خوش‌آب »
« ورنگ هندو وارامنه شمشاد قامت گلرخسار مجلس را بصورت نکار گردانیده »
« بودند و اعلیحضرت ظل‌اللهی کامران و کامیاب تا حین طلوح صبح عالمتاب در »

« عمارت شرقی پل مزبوراستراحت وامرا ومقربان و ملازمان هریك در حجرات «
« مختلف خود غنودند. »

« حبذا زین پل مبارك فال — که بود آسمان جاه و جلال »
« بر سرش سایبان رنگارنگ — چون کله بر سر بتان فرنگ »
« باطن او ز جوشش سرشار — چون رگ شاخ گل بفصل بهار »

***

« گشت در عهد پادشاه زمان — جنتی بر پل صراط عیان »

***

« در آن خلد برین گردیده پیدا — ز مینا شمع و از آیینه مینا »
« کس‌از بینندگان کم دیده‌آنسان — چراغان درچراغان درچراغان »

در وصف ساختن دریاچه و سد بر روی پل مزبور بابا محمد علی اصفهانی متوفی حدود (۱۰۸۱ هـ. ق) از شعرای مصاحب حکیم شفائی چنین سروده است:

ندانم چون‌کنم تعریف آن پل — کزو ایجاد شد راه توکل
شکوه بحر اگر آنجا کشد سر — جهد مانند میمونی زچنبر[۱]

و نیز شیخ رمزی کاشی در تاریخ بستن سد برروی زاینده رود چنین گفته:[۲]

حبذاسدی‌که از خارا به‌پیش‌زنده رود — ازعطای‌شاه دین عباس ثانی بسته‌اند
بهر تاریخش‌گذشت‌از آب‌رمزی‌ونوشت: — (سداسکندر بآب‌زندگانی بسته‌اند)
(۱۰۶۷)

ازمزایای اختصاصی این‌پل سدی بوده‌که برای آن درموقع ساختن درنظر گرفته‌اندکه هرزمان اقتضاءِ داشته بابستن چشمه‌های پائین‌آب بالا میآمده وحکم دریاچه وسدی پیدا می‌کرده است واز اینرو گفته‌اند:[۳]

۱- تذکره نصرآبادی ص۴۲۶.　۲- تذکره نصرآبادی ص۴۸۲.
۳- تذکره نصرآبادی ص۱۰.

دارای جهان پناه عباس دریاچه و سد و پل بناکرد

وبنای این‌سد ودریاچه برای این بوده که منظره عمارات وباغهای واقع در آن محل باشد و درهنگام جلوس درآن عمارات و باغات از منظره دریاچه‌ای که بابستن سد ایجاد میگردید لذت برند.

منظور ازعباس‌که در شعر بالاگفته شده شاه عباس‌ثانی است‌که امر ببنای پل و سد نمود، زیرا بانی‌آن همان شاه عباس دوم است وتاریخ بنای[1] پل (۱۰۶۰ه.ق) وبنای سد[2] (۱۰۶۸ ه. ق) بوده است.

این‌پل علاوه براینکه برای عبور ومرور قوافل و عابران ساخته شده بوده برای تفرج وگردش مردم وپادشاه نیز مستعد بوده است. چنانچه از قصص‌الخاقانی نقل‌شده[3] درسال (۱۰۶۰ ه. ق) که‌پل‌ساخته شد وبه پل شاهی اشتهار یافت بعد از تعطیلات نوروز آن‌سال برحسب فرمان‌شاه عباس‌ثانی پل‌را آئین‌بندی وچراغان کردند وهریك از غرفه‌های آنرا یکی‌از امراءِ وبزرگان تزیین‌نمود وبرای جشن مهیاگردید وسائرای مشهدی قصیده‌ای‌در۴۵ بیت ونیز صائب تبریزی قصیده‌ای در وصف آن چراغانی وجشن سروده‌اند:[4]

۱و۳ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۵۸۳.

۲ـ تذکره نصرآبادی ص۴۸۴.

۴ـ قصاید مزبور باین‌شرح است:

۱ ـ قصیده سائرای مشهدی:

بحکم پادشاه استاد تردست — پلی بر زنده رود اصفهان بست
که ریزد سیل هنگام بهارش — بجوی کهکشان از آبشارش
پلی بر روی دریا تازه بستند — بر اجزای زمین شیرازه بستند
بحکم پادشاه هفت کشور — بطاق آسمان شد پل برابر
دلش آئین گلریزان پل خواست — رخ از جام چراغان می‌آراست
بفرمود ازپی‌جشن آن زمان زود — ببزم افروز آن هنگام مقصود
که پل را چون بروج آسمانی — ببند آئین نگه‌کن بین که دانی
چه سیلاب بهاری شد سوی پل — که تاپل را کند رنگین‌تر ازگل
ز بس تصویر گوناگون نموداد — روان بانی آنجا نقش دیوار
عجب نبود اگر از عکس آئین — شود آئینه صورتخانه چین

←

اگر یك گل زمین را تازه دیدند   برویش عقد از گوهر کشیدند
پل از دریاچه بیند جلوه خویش   نهاده چون عروس آئینه در پیش
چراغان شد ز حکم پادشاهی
زمین تا آسمان مه تا بماهی

۲ ـ قصیده صائب تبریزی :

اصفهان یك‌دل‌روشن ز چراغان شده است   پل ز آراستگی تخت سلیمان شده است
باده‌چون‌سیل زهرچشمه روان گردیده است   کمر پل زمی لعل بدخشان شده است
از گل و شمع که افروخته و ریخته دست   کهکشان دگر ازخاك نمایان شده است
چون مه عیدکه گردد ز شفق چهره فروز   طاقها ازمی گلرنگ فروزان شده است
عالم آب دوبالا شده از عشرت پل   شادی و عشرت ایام دوچندان شده است
رنگ سیلاب طلائی شده از نور چراغ   چشمها مشرق خورشیددرخشان‌شده است
میدهد یاد سرپل ز خیابـان بهشت   شمع‌وگل‌چهره‌حوراست‌که‌تابان‌شده است
بادبانها است پی کشتی دریا دل می   سایبانها که ز اطراف نمایان شده است
شده چون قوس وقزح هرخم طاقی رنگی   از تماشا پروبال نگه الوان شده است
زنده رود از کف مستانه که برلب دارد   جوی‌شیری‌است‌که‌درخلدخرامان‌شده است
از رگ ابر هوا چنگ بدامان دارد   ازگل سرخ زمین چهره مستان شده است
بسکه درمغز هوا نکهت گل پیچیده است   مغز ابراز اثر عطسه پریشان شده است
دفتر عیش که هرفردی ازاو جایی بود   از رگ ابر به‌شیرازه وسامان شده است
تو به عاجز ز عنان داری تقوی گشته است   زهد خاروخس سیلاب بهاران شده است
کشتی پل شده هرطاق می از بادهٔ ناب   لنگر توبه خراباتی طوفان شده است
توبه کز سنگدلی داشت ز فولاد اساس   همچوموم ازنفس‌گرم چراغان شده است
خون خاك آمده از جرعه‌فشانان درجوش   کوچها ازمی‌گلرنگ‌رگ‌کان شده است
روزگار طرب و مستی و بی‌پروائی است   که می ومطرب‌ومعشوق‌فراوان شده است
مه احسان ز رگ ابر کشیده است بهار   دامن خاك پراز گوهر غلطان شده است
خون خود میخورد و خاك به لب میمالد   زهد از توبهٔ‌خودبسکه پشیمان شده است
خاك از سبزهٔ مینا شده چون طوطی مست   چرخ تنگ شکرازخنده‌مستان شده است
آسمان یك لب خندان شده ازتابش برق   خاك‌ازجوش‌طرب‌یك‌خم‌جوشان‌شده است
میزند قهقههٔ کبك به طاوس بهشت   بط که شهباز دل باده‌پرستان شده است
بیستونی است پراز صورت شیرین سرپل   که ز تردستی فرهاد گلستان شده است
ابر گریان گل رخسار مه کنعان است   که کبود از اثر سیلی اخوان شده است
چشم بد دور از این عهد که هر چشمه پل   زندگی‌بخش‌چوسرچشمه‌حیوان‌شده است
کمر خدمت شه بسته زپل زرین رود   به‌دل زنده ازآن شهره دوران شده است
سربسر سجده شکر است زپل زرین رود   که مقام طرب خسرو ایران شده است

←

مؤلف تاریخ اصفهان وری چنین گفته : [1]

« و اما مبانی شگرف اصفهان یکی پلهائی است که روی زاینده رود زده شده»
« مانند پل بابارکن‌الدین که به‌پل خواجو معروف است . ریشه واساسش قبل از»
« عجم بوده وزمان ترکمان‌های آق‌قوینلو تعمیری از آن شده وبعهد صفویه مرتبه»
« بالاراطرح انداخته و در بیگلربیگی صدر اصفهانی روی مرتبه فوقانی بالاخانه»
« ساخته بود بنام خودکه در ۱۳۱۰ اجزای ظل‌السلطان خراب کردند و راه »
« چهارباغ‌نو است برای تخت پولاد . » .

اینکه مؤلف تاریخ اصفهان وری گفته اساسش قبل از عجم بوده معلوم نشد چه زمانی‌را درنظر داشته است ولی آنچه مسلم‌می‌نماید اینستکه پیش‌ازدولت اسلام اساس آن پل وجود داشته است و درزمان ترکمانها تعمیری از آن شده ودردوران صفویه طبقه بالای آن ساخته شده ودرزمان بیگلربیگی صدر اصفهانی روی مرتبه فوقانی بالاخانه‌ای بنام‌خود ساخته که درسال (۱۳۱۰ هـ . ق) ازطرف ظل‌السلطان خراب گردیده است .

این پل‌را باسامی : بابارکن‌الدین ـ خاجو ـ گبرها ـ شیراز ـ حسن‌آباد ـ پل‌شاهی تیموری خوانده‌اند اما اینکه آن‌را پل بابارکن‌الدین گفته‌اند ازاین‌جهت است‌که درتخت فولادکه نزدیکی‌جاده قدیم‌شیراز واقع‌شده قبروبقعه بابارکن‌الدین که ازعرفای معروف‌زمان خود ودر ۲۶ ربیع‌الاول سال (۷۶۹ هـ . ق) وفات کرده درآنجا واقع‌ومورد توجه ومزار عمومی‌است ازاینرو پل‌بنام‌او معروف‌گردیده‌است.

اما نامیدن آن به پل‌خاجو بمناسبت اینستکه در مجاورت محله خاجو ساخته شده وپل شیراز از این نظرکه نزدیك جاده اصفهان بشیراز واقع گردیده وپل‌گبرها ازنظر اینکه گبرها ازاین‌پل بمحله خود میرفته‌اند وپل حسن‌آباد از

→

شاه عباس جوان‌بخت که از بخت جوان — کیمیای طرب عالم امکان شده است
روزش از روز دگر خوشتر و نیکوتر باد — که ازاو روی زمین یك‌گل‌خندان شده است

۱- تاریخ اصفهان وری ص۱۸۳ .

جهت این‌که محله خاجورا درقدیم حسن‌آباد مینامیده‌اند واما پل‌شاهی ازاینجهت بوده که‌چون شاه عباس دوم درسال یکهزاروشصت پل‌را کامل‌کرد وازهرجهت آراسته گردید به پل‌شاهی معروف گردید وتیموری ازآن نظرگفته‌اند که تیمور بدامادخود حسن‌پاشا دستور داده بوده که آن‌پلرا بناکند وبناکرد.[1]

مؤلف نصف جهان درباب پل‌خاجو چنین نوشته است:[2]

« پل هشتم ـ پلی‌است‌که الحال به پل خواجو اشتهار دارد زیراکه درآخر »
« چهارباغ مشهور به‌خواجو واقع است وقبل ازچهارباغ درآخر وکنار آن محله »
« واقع بوده وپل‌طرف‌یمین است، و دراول قبل ازخرابیها برسرمحله حسن‌آباد »
« بوده وبانی آن‌را باسم‌پل حسن‌آباد موسوم نموده‌بوده و چون محله حسن‌آباد »
« در فترت افغان وفتنه‌های بعدازآن خراب وبکلی‌ازآبادی افتاده است و محله »
« خواجو نزدیك آن بوده باسم آن معروف شده . این پل‌درکمال خوبی وزیبائی »
« است وزیاده خوش‌نماتر ازپل سی‌وسه چشمه است اما بآن عرض و طول نیست »
« لکن‌بهمان استحکام ساخته‌شده ودقیقه‌ای ازاستحکام وخوش‌نمائی‌را فروگذار »
« ننموده‌اند، آنرا شاه عباس‌ثانی بنا نموده و میرزاطاهر وحید تخلص‌که در آن »
« زمان وقایع نگار ومورخ زمان آن پادشاه بود آنرا ضبط و درتاریخی‌که بنام »
« او نوشته ثبت‌نموده است وآورده که درمحل‌این‌پل یك‌پل‌کهنه مدروس‌وویران »
« بود وشاید آن پلی بوده است‌که درکتاب مافروخی باسم جسر حسین‌نوشته‌شده »
« وبالجمله بحکم پادشاه آنرا خراب نموده و برداشتند واین پل‌را باین وضع »
« خوب و هئیت مرغوب مشتمل بربیست وچهار چشمه بزمان اندك بساختند و »
« چون پیش محله حسن‌آباد و جنوب آن بوده آنرا پل حسن‌آباد نام نهادند و »
« تصریح نموده است‌که یك طرف‌آن باغ سعادت آباد است‌که مشتبه به پل دیگر »
« بهیچوجه نیست، ومرحوم امیرالشعراء رضاقلی‌خان هدایت تخلص نیز درکتاب »
« روضة‌الصفای ناصری درآخراحوال شاه عباس‌ثانی اشاره‌ای‌ازبنای این‌پل‌ازپادشاه »

۱- زنده رود ج۱ ص۳۱.   ۲- نصف جهان ص۱۰۹ .

« مذکور نموده است . بربالای این پل بدستور خیابان و دوطرف غرفه‌ها بسته‌اند»
« وسرطاقهای غرفه‌ها را کاشی‌کاری نموده و در میان آن عمارت ونمائی‌ساخته‌اند»
« که درغرفه‌ها وآن عمارت همه نشیمن مردمان عام وخاص میباشد که بتفرج و »
« تماشا آیندوشاه عباس‌بعداز اتمام آن‌درآنجا چندشبی‌جشن وچراغان فرموده‌اند»
« ومرحوم صدراعظم‌اصفهانی حاجی‌محمدحسین‌خان‌هم‌چهارباغ خود راکه موسوم»
« به‌فتح‌آباد است متصل‌باین‌پل بناکرده‌است . زیرااین پل‌رابطرز دیگرساخته‌اند»
« که زیاد ازحد مزید حسن آن‌گشته . دوطرف شرقی‌وغربی پل‌را که جهت‌دخول»
« وخروج آب است مهتابی طرح انداخته ومیان پلهارا طاقنمائی ساخته‌اند و در »
« میان هرطاقنمائی نهربزرگ سنگی بناکرده‌اندکه آب قسمت‌آن چشمه ازمیان »
« نهرمیرود ودوطرف آن‌شهرراه‌روی است‌که مردمان‌برسرآن میروند ومی‌نشینند »
« وگاهی‌که درفصل بهارآب زیاده طغیان میکند تا بالای جوبهای میان‌آمده راه »
« عبورومرور را می‌بندد وبرای مهتابی روی بمشرق درمیان ممرهای آب ومحل »
« ریزش آن زینه‌ها قالب آب ساخته‌اندکه مردمان برآن نشسته ازصفا وتماشای »
« آب محظوظ شوند و نمائی دیگربطرف طول‌درمیان پل ساخته‌اند ایوان‌مانند »
« ازاول تاآخر چشمه‌ها محاذی یکدیگر ، چنانچه ازاول چشمه‌آخری آن‌پیدا »
« است ، مجملاً مانند این‌پل‌وپل‌سی‌وسه چشمه پلی‌بایران ساخته نشده وبنفاست »
« واستحکام آنها نپرداخته‌اند . ودرنزد مردم عام وکسانی که ازتاریخ خبرندارند »
« این‌پل به‌پل حسن‌خان ترکمان مشهور شده‌است ومراد ایشان امیرحسن‌بیك‌آق »
« قوینلو است که امیرآذربایجان بوده وبراین‌سمتها نیز فرمان‌روا بود ولیکن‌او »
« هرگز باین‌جاها نپرداخته وچنین همت وسلیقه نداشت بلکه تمام دولت‌اوبهمه »
« عمربقدرخرج این‌پل نبوده است واوقبل‌اززمان سلطنت صفویه بوده وسلطنت »
« ازاولاد اوبصفویه منتقل شده واگراین پل را اوبنانموده بود وشاه‌عباس بزرگ »
« که بسیارسال بعد از او بود و این وضع و ترکیب را دیده بود سلیقه شاه‌عباس »
« هرگزبوضع وهیئت پل سی‌وسه چشمه رضا نمیداد وهمت بشکل ووضع به‌ازاین »

« میگماشت نه‌کسر ازآن ، چه این پل هیئتی فایق دارد وزیاده قابل تعریف و »
« تحسین است هزار آفرین بدانش وذهن مهندسان آن زمان و صدهزار آفرین »
« بهمت آن پادشاه با فروتمکین بادکه ذره‌ای درمخارج آن خست واهمالی ننموده »
« است و مسلماً وجه اشتباه نزدیکی اسم شده وازبی‌خبری پل حسن‌آباد را پل »
« حسنخان گفته ودانسته‌اند وحال آنکه آنهم غلط است نه‌خان است ونه‌شاه بلکه »
« امیرحسن‌بیك ترکمان است وهرگز لقب خانی وشاهی نداشته . (ش۱۱)



(شکل ۱۱)

از گفتار مورخان معلوم گردید که درجای کنونی پلهای خاجو پل دیگری بوده که بوضع اندراس درآمده بوده وقابل استفاده نبوده است واز اینرو شاه‌عباس دوم دستورداده برطبق نقشه پلی برروی زاینده‌رود که در نزدیکی باغ سعادت‌آباد وعمارت آینه‌خانه بوده ساخته شود و کارکنان برطبق دستور ساعی بوده‌اند که این پل ازپل اللهوردیخان وسایرپلها زیباتر وبهترساخته شود ومسلم پل باوضع کنونی بعداز شاه‌عباس دوم ایجاد شده وپلی که پیش بوده ، اهمیتی ازنظرساختمان نداشته است ومسلم سطح معماری آن پل درهنگام احداث پل اللهوردیخان پائین‌تر بوده است . (ش۱۲)



(شکل ۱۲)

درطول این پل اختلاف است ، چنانچه در گفته‌های پیش نوشته شد طول را ۱۵۰وعرض‌را ۱۴متر نوشته‌اند ولی درگنجینه آثارتاریخی اصفهان طول ۱۳۲/۵متر وعرض ۱۲ متر نوشته شده است .

عدد چشمه‌های این پل را بعضی ۲۶ وبرخی ۲۴ وکسانی ۲۱ و دیگران ۲۸ نوشته‌اند وگمان‌میرود بعضی ازچشمه‌های آن درزیرشن وخاك مسطورشده باشد .

این پل زیرشماره ۱۱۱ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱] .

۱۳ ـ پل اللهوردی‌خان :

این پل در سال (۱۰۱۱ هـ. ق) باهتمام اللهوردیخان سپهسالار شاه‌عباس و بنا به‌فرموده شاه مزبورشروع بساختمان‌گردید وبطوریکه درعالم‌آرای عباسی[۲] نوشته

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۴ .
۲ ـ عالم‌آرای عباسی ج۱ ص۵۴۴ .

شده دارای چهل چشمه (دهانه) بوده که ازهرچشمه‌ای آب خارج میگردیده، پلی بسیارعریض وطویل ومرتفع، شالوده آن با سنگ و آهك ریخته شده وباآجر و گچ بالا رفته ودوطرف پل غرفات وغلام‌گردشهای بلند فوقانی ساخته و چشمه‌های زیرینش زیاد با عرض ومرتفع وطول آن ۳۵۰قدم و عرضش بیست قدم وشش معبر باین شرح داشته است:

۱ـ راه وسط که مخصوص عبورسواره وگردونه‌ها بوده است. ۲و۳دوطرف پل که ازمیان گالاریهای زیبا میگذشت وبه پیاده‌رو تخصیص داشت. ۴و۵ پشت‌بامهای گالاری از دو طرف که دور آن نرده داشته و موقع طغیان رود تفرجگاه باشکوهی بوده است، سرانجام‌گالاریهای پل بوسیله پله‌های ظریف بزیر پل متصل میشد واز زیرپل هم موقع کم‌آبی عبور میکردند. ۶ اززیر پل بود.

مساحت این پل را سیاحان انگلیسی چهارصد و نود یارد تعیین کرده‌اند. هفت دهانه این پل گرفته شده و اکنون ۳۳ دهانه دارد واز اینرو به پل۳۳ چشمه شهرت دارد.

این‌پل‌رابنامهای: پل‌شاه‌عباسی ـ پل اللهوردیخان ـ پل جلفا ـ پل‌چهل‌چشمه ـ پل سی‌وسه چشمه خوانده‌اند ووجه تسمیه هریك چنین است: ۱ ـ پل شاه‌عباسی ازآن‌جهت گویند که شاه‌عباس اول دستور بنای آن را داده است. وچون بمباشرت و اهتمام اللهوردیخان ساخته شده به پل اللهوردیخان معروف گردیده و از لحاظ اینکه معبر مردم به جلفا بوده آنرا پل جلفا هم گفته‌اند و چون در ابتداءِ چهل چشمه داشته پل چهل چشمه و اینك سی و سه چشمه دارد به پل سی و سه چشمه اشتهار دارد.

این پل برای اتصال خیابان چهارباغ کهنه عباسی به‌خیابان چهارباغ بالا وباغ هزارجریب وعباس‌آباد ساخته شده است. این پل در جشن آبریزگان و آب‌پاشان محل اجتماع شاه وبزرگان وشعراء ورجال وسایرمردم بوده است. (ش۱۳)

شرحی‌را که سرپرسی‌سایکس انگلیسی راجع به‌این پل نوشته ازنظراینکه



(شکل ۱۳)

بسیار دقیق ووضع پل را درآخر قرن سیزدهم واوائل قرن چهاردهم هجری مجسم مینماید عیناً دراین‌جا نقل میگردد :

« خیابان باشکوه چهارباغ از یك‌طرف به پل اللهوردیخان کشیده میشود »
« که بااینکه‌حالیه روی بویرانی‌نهاده معهذا ازپلهای درجه‌اول عالم بشمارمیآید، »
« اینجا از یك شاهراه سنگ فرش شده وارد مدخل عمومی پل میشوند شکل »
« فوق‌العاده وشگفت‌آور این پل‌که ۳۸۸ یارد طول آنست مقابل یك‌جاده‌سنگ‌فرش »
« شده‌ای به‌عرض ۳۰ پا بدین‌قرار است‌که درآن سه‌معبر درسه‌سطح مختلف تعبیه »
« شده که یکی از آنها راه معمولی روی پل است که در دوطرف آن طاق‌نماهای »
« سرپوشیده ساخته‌اند . طاقنماها ازطرفی برودخانه وازطرفی بهمین‌جاده مشرف »
« میباشند ، دربالا وپائین این طاقنماها که با تابلوی نقاشی شده تزیین یافته بود »
« هرکدام یك پیاده‌روهائی است‌که با پله‌کانها باین‌راه اصلی وصل میشود ودرکنار »
« سطح رودخانه معبر دیگری است‌که بطول رودخانه امتداد مییابد . تنها انتقاد »
« مخالفی‌که برای ساختمان این‌پل میشودکرد وآن ازتصویرهم نمایان‌است آنکه »
« پل مزبور درمقابل جریان ضعیف وباریك زنده‌رود دربیشتر فصول سال بیش از »

« اندازه جنبه ظرافت دارد[1] . »

در تاریخچه ابنیه‌تاریخی‌اصفهان[2] درباره این پل تاریخی‌چنین‌نوشته است :

« درانتهای جنوبی خیابان چهارباغ پل اللهوردیخان است که بنام بانی و »
« سازنده آن خوانده میشود ودرهمان موقعی که شاه‌عباس دستور کاشتن درختان »
« چهارباغ را میداده رفیق وسپهسالارشاه نیز درساختمان این پل بوسیله آجر و »
« سنگ‌تراش فعالیتی بخرج میداد، وضعیت این‌پل باقدیمش تفاوت‌زیادی نکرده »
« است . ایوانچه‌ها وغرفه‌های زیبا ومتناسب طرفین پل که جای نشستن اهالی و »
« یا عبورومرور است بهمان‌حالت اولیه باقی است . طول این‌پل ۲۹۵مترو‌عرضش »
« ۱۳٫۷۵متر میباشد . نوشته‌اندکه درابتدا چهل‌چشمه داشته و بتدریج سی‌وسه »
« چشمه شده . درسنوات اخیر قسمت زیادی از بستر رودخانه را تصرف کرده و »
« اشجاری غرس نموده بودند بطوریکه چندچشمه پل از عبورآب محروم گشته »
« وممکن بود بکلی متروك شود ولی درسال۱۳۳۰ که آقای مصطفی‌خان مستوفی »
« ریاست شهرداری اصفهان را داشت شهامت وشجاعت بخرج داده و اراضی مزبور »
« را ازتصرف غاصبین‌خارج ومجرای عبورآب چشمه‌ها را بازکرد واقدام‌بساختمان »
« دیوارهای سنگی‌درطرف شمال رودخانه نمودکه هنوزآثارش پابرجا وعملیاتش »
« زبانزد مردم این شهراست . دردوره صفویه ارامنه حق داشتند تامیدانی‌که اول »
« پل احداث شده بود جمع شوند ومال‌التجاره وصنایع خویش را با صنعتگران »
« اصفهانی تبدیل نمایند وحق نداشتند ازاین پل عبورکرده داخل شهر شوند در »
« جلو این پل مجسمه رضاشاه‌کبیر برروی ستونی بارتفاع ۵متر دیده میشود که »
« براسبی سواروبطرف شمال‌متوجه است اطراف این‌مجسمه فعلاً میدان۲۴اسفند »
« ویا میدان مجسمه نامیده میشود . »

« درشمال شرقی پل‌یعنی‌اول خیابانی‌که بطرف شرق امتداد دارد ساختمان »

---

۱ ــ ترجمه تاریخ ایران سرپرسی‌سایکس ج۲ ص ۳۱۵ .   ۲ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۸ .

« آجری است که بیاد مقبره کمال‌الدین اسماعیل (قبرش درجهانباره است)ساخته »
« شده وخیابان مزبور بنام‌آن بزرگوار نامیده‌میشود که بطرف‌پل‌جوئی وخواجو »
« امتداد دارد . »

بطوریکه‌ملاحظه شدگفتار تاریخچه ابنیه تاریخی‌اصفهان وضع‌پل زاینده‌رود را درگذشته وحال تشریح کرده و اقتضاءِ داشت که برای استحضار سرگذشت پل در ایام گوناگون درج گردد.

تاورنیه سیاح فرانسوی راجع باین‌پل درسفرنامه خودکه نظم‌الدوله‌ابوتراب نوری آنرا ترجمه کرده[1] چنین نوشته است :

« پلی که دروسط خیابان تقاطع میکند موسوم به‌پل اللهوردیخان که بانی »
« آن بوده است میباشد وآنرا پل‌جلفا هم میگویند. این پل‌تمام ازآجروسنگ »
« بناشده وسطح‌آن بیك میزان است . دوطرف‌آن ازوسطش پست‌ترنیست، ۳۵۰ »
« قدم طول وبیست‌قدم عرض دارد وزیرآن چندین چشمه وطاق ازسنگ ساخته »
« شده که خیلی پست وکم‌ارتفاع است ، دردوکناره پل راهروی بعرض هشت نه‌پا »
« و بطول تمام امتداد پل که چندین طاق با پایه‌های مرتفع بارتفاع ۲۵ یا ۳۰ پا »
« سقف آنرا نگاهداشته‌اند دیده میشود ، اشخاصی که میخواهند هواخوری‌کنند »
« وقتی‌که خیلی‌گرم نباشد ازبالای سقف راهروها عبور مینمایند، امامعبرمعمولی »
« از زیر آن راهروها است که بمنزله نرده و نگهبان است و روزنهائی بطرف »
« رودخانه داردکه هوای لطیف وخنك ازآنها داخل راهرومیشود. زمین راهرو »
« ازسطح پل خیلی بلندتراست و بتوسط پله براحتی بالای آنها میروند . فضای »
« وسط پل مخصوص عبورگاری ودواب است وتقریباً ۳۵پا عرض دارد . یك معبر »
« دیگرهم دارد که درتابستان وموقع کمی‌آب بواسطه خنکی خیلی‌مطبوع است »
« وآن ازمیان خود رودخانه‌است درخط مخصوصی‌که تخته‌سنگها نزدیك‌هم‌اتفاق »
« افتاده میتوان ازروی آنها رد شد بدون‌اینکه پا تربشود. ازتمام دهنه‌های زیر »

---

۱ ــ ترجمه سفرنامه تاورنیه ص۳۹۶ .

« پل بواسطه درهائی که بهرچشمه گذارده‌اند میتوان عبور نمود وازپلکانی که در »
« قطر پایه پل ساخته شده ازروی‌پل بزیر چشمه‌ها وطاقها پائین‌میروند وهمینطور »
« پله‌هائی دردوطرف دارد که ببالای مهتابی روی راهروها صعود مینمایند وعرض »
« راه‌پله‌ها بیش‌از۲ تواز(۴ذرع تقریباً) است، ودردوطرف نرده ومحافظی کشیده‌اند »
« که ازپرت‌شدن جلوگیری مینمایند . »

« بنابراین شش‌معبر درروی این پل وجود دارد: یکی دروسط وچهارتا در »
« دوطرف که عبارت است اززیر وبالای راهروهای پلکان تنگی که بزیر پل میرود، »
« حقیقةً این پل ازروی صنعت واستادی بناشده ومیتوان گفت قشنگترین صنعت »
« وشاهکار ابنیه ایران است ، اما بسی‌دور است ازاینکه به‌استحکام پل نف پاریس »
« ساخته شده باشد . »

سرپرسی‌سایکس انگلیسی در شرحی که راجع به‌پل زاینده‌رود نوشته بود گفته بودکه این پل بااینکه روی به‌ویرانی نهاده ازپلهای درجه اول عالم است واما تاورنیه تعصب ملی نگذارده که در قضاوت خود انحراف نورزد . گرچه تاورنیه در کلیه موارد نظرش‌ساده نبوده واغلب خواسته است بناها ودیگر آثارایران‌راکوچك وپست جلوه دهد وازدیگران هم استفاده کرده که درتجلیل اصفهان غلو کرده‌اند.

اینکه آرای مختلفی راجع به‌این پل نگاشته شد برای‌امکان استخراج نظر صحیح وصائب درباره آن بود واینکه درستی ونادرستی نظرهائی چون‌نظر تاورنیه معلوم گردد . درهرحال اکنون این پل دراصفهان ممتاز ودر درجه اول قراردارد و چون از آثار باستانی بشمارمیرود زیرشمارهٔ ۱۱۰ ، بثبت تاریخی رسیده است[۱].

شاه‌عباس اول بطوریکه مورخان و سیاحان خارجی نوشته‌اند در هر حال در جشن آبریزان شرکت میکرد و اگر در اصفهان بود در کنار زاینده‌رود برابر پل سی‌وسه پل واگر درمازندران‌بود درکنار دریای خزر، وگاهی روی‌پل سی‌وسه‌چشمه برگزار میکرد[۲] .

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۴ .

۲ـ درشرح جشن‌آبریزان ←

در کتاب زندگانی شاه‌عباس اول راجع به جشن نوروز که شاه درسال ۱۰۱۸ هجری درروی پل سی‌وسه‌پل برگزارکرده چنین نوشته‌است[1] .

« جشن نوروز غالباً از سه تا هفت شبانه‌روز دوام می‌یافت . گذشته از باغ »
« نقش‌جهان پل اللهوردیخان‌را نیز آئین می‌بستند وچراغان میکردند. وگاه به »
« فرمان شاه‌عباس برسرپل مراسم‌گل‌ریزان صورت میگرفت، وگلهای فراوان در »
« راه شاه و همراهان او ریخته میشد . ازآن جمله در سال ۱۰۱۸ باآنکه جشن »
« فروردین مصادف با ماه محرم بود ، بفرمان شاه هفت شبانه‌روز جشن نوروزی »
« گرفتند، وبرسرپل گلریزان‌کردند، وچون مردم اصفهان درچراغان‌وآئین‌بندی »
« هنرنمائی بسیارکرده بودند ، شاه مبلغ پانصدتومان ازمالیات‌آن‌سال را بایشان »
« بخشید . »

←

شاعری قطعه‌ای سروده که بنقل ازاصفهان جوانان ص۱۴۱ عیناً درج میگردد .

چو هر سال روز نخستین مهر	برافروزد از برج خرچنگ مهر
بود آب پاشان برسم عجم	که کسری‌شگون‌کرده بوده‌است‌وجم
شهش نیز نیکو شمردی بفال	بامرش شدی جشن آن روز سال
در آن روز در چهارباغ ازدحام	نمودند بیش از شمر خاص و عام
ز بس ریختند آب بر یکدیگر	جهان گشت تا ماهی و ماه‌تر

اصولا این جشن در ایران و بخصوص در اصفهان معمول بوده وگویامحله‌آب‌بخشگان ویا آبریزان هم یکی ازمحلهائی بوده‌که مردم اصفهان درآنجا باین جشن میپرداخته‌اند وآب برسروروی یکدیگر میریخته‌اند . وشاید بیت‌الماء که ملکشاه احداث کرده بوده برای انجام همین منظور بوده است .

مرسوم ایرانیان قدیم چنین بوده‌که در روز ۱۳ تیرماه هرسال جشنی برپا میکردند ودر آن‌جشن باآب وگلاب برسروروی هم‌آب میپاشیدند. شاه‌عباس هم‌دراین جشن شرکت میکرده ومراسم مخصوص وتشریفات خاصی دراین جشن بکارمیبرده است ، اگردراصفهان میبوددرزیر طاقنمای پل می‌نشست و بتماشای جشن میپرداخت در روز جشن باندازه‌ای جمعیت ازدحام میکردکه گاهی سرودستها شکسته میشد وزمانی کسانی کشته میشدند وآنموقع شاه‌دستورمیداد که دست ازآب‌پاشی بردارند .

تاورنیه سیاح فرانسوی‌جزئیات جشن آبریزان شاه‌عباس‌اول را درروی پل‌سی‌وسه‌چشمه شرح داده است .

۱ ــ زندگانی شاه‌عباس اول ج۲ ص۳۱۸ تا ص۳۱۹ .

«درتاریخ این‌جشن وگلریزان میرحیدر معمائی‌کاشی[1] چنین‌سروده است:»

«گل‌گشت‌روی پل‌چوکند‌خسروعجم   گل‌گشت روی پل پی‌تاریخ کن‌رقم»

۱۰۱۸

موضوعی که باقی ماند تاریخ بنای پل است که بامر شاه‌عباس‌کبیرانجام شده است. آنچه مسلم است درسال ۱۰۱۸ که جشن گلریزان درحضور شاه‌عباس انجام گردید پل مزبور ساخته بوده است ولی مورخان سال اتمام را متفاوت نوشته‌اند:

اسکندربیك درعالم آراء دروقایع سال (۱۰۱۱) چنین نوشته[2]:

«... درانتهای خیابان باغی بزرگ ووسیع، پست‌وبلند، نه‌طبقه جهت خاص» «پادشاهی طرح انداخته بباغ عباس‌آباد موسوم گردانیدند و پل عالی‌مشتمل بر» «چهل‌چشمه بطرزخاص، میان گشاده‌که درهنگام طغیان آب درکل، یك‌چشمه» «بنظردرمیآید، قرار دادند که برزاینده‌رود بسته شده هردوخیابان بیکدیگر» «اتصال یابد.»

حاج‌میرزا حسن‌خان جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری در وقایع سال (۱۰۰۵ ه. ق) چنین نوشته[3]:

«شاه‌عباس اصفهان را پای‌تخت دائمی نموده طرح عمارات عالیه انداخت،» «سردرب قیصریه جنگ اواست با ازبکان.»

ودروقایع سال (۱۰۰۸ ه.ق) چنین نوشته[4]:

«شاه ازهرات باصفهان آمده وتکمیل طرح عمارات وباغات که هریك از» «امراء باغی بنام خود ساخته درحواشی چهارباغ کهنه وچهارباغ بالا.»

۱ــ میرحیدر معمائی کاشی و از سادات معتبرکاشان وشاعر ودر سرودن معما توانا بود، اورا بهجو شاه‌عباس اول‌متهم‌کردند و شاه امرکرد اموالش‌را تصاحب‌وخودش‌را محبوس‌کردند. ازحبس گریخته و بهندوستان رفت و درآنجا مکنتی حاصل کرد و قصد مراجعت داشت ولی در راه کشتی او تباه‌شد و با تخته‌پاره‌ای سرازبندر سورت درآورد. خبرمراجعتش بشاه‌عباس رسید و او را خواست و مورد نوازش قرارداد و در حدود سی هزار تومان بجبران اموال از دست‌رفته‌اش باو داده شد. (نقل بمعنی ازتذکره نصرآبادی ص۴۷۵)

۲ ــ تاریخ عالم‌آراء ج۲ ص۱۱۱۱.   ۳ ــ تاریخ اصفهان و ری ص۱۸۹.

۴ ــ تاریخ اصفهان و ری ص۱۹۰.

ونیز دروقایع سال (۱۰۰۸ ه. ق مینویسد[۱] :

« شاه‌عباس باصفهان برگشت ، اللهوردیخان را فرمود پل زاینده‌رود را با « عمارات دیوانی بساخت . »

دروقایع سال (۱۰۱۲) نوشته است[۲] :

« بنای سردرب عالی قیصریه و کاشی‌کاری ممتاز آن ... »

میرزاعلینقی کمره‌ای متخلص به‌نقی که از شعرای زمان بوده ماده تاریخی سروده که ابیات آن چنین است[۳] :

فلك قدر اللهویردی که قدر	ز عباس‌شاه اندر ایام یافت
بامداد بیگ‌ویردی دادگر	پلی کرد آغاز و انجام یافت
بسعی ملك سیرت آقا حسین	بخیرالعمل حسن اتمام یافت
بدست زبردست صعب امیر	چو بند امیر این بنا نام یافت
پی سال تاریخ این پل نیافت	کسی خوبتر از«پل اتمام یافت»

ظاهر گفته عالم‌آرا اینستکه پل درسال (۱۰۱۱ ه.ق) ساخته شده و گفته‌های جابری انصاری قسمتی حاکی است‌که درسال مزبور ساخته شده و قسمتی می‌رساند که دستور داده شده که بسازند و در قسمتی نوشته که ساختن‌آن با سر در قیصریه مقارن بوده وحال آنکه ساختمان سردرقیصریه را ازوقایع سال ۱۰۱۲ نوشته است. و هیچ اشاره بسند این‌گفته‌ها هم نشده است.

ماده تاریخ منسوب به‌نقی کمره‌ای هم حاکی است‌که ساختمان پل‌امیر درسال (۱۰۰۵ ه.ق) انجام یافته است ولی تاریخ شروع آن معلوم نیست وباید اذعان‌کرد که اگر منظور همان پل چهل‌چشمه ویا اللهوردیخان باشد محال است که درظرف یکسال چنین پلی ساخته شده باشد و حداقل باید در سال (۱۰۰۳ ه.ق) شروع شده باشد تا در (۱۰۰۵ ه.ق) باتمام برسد .

آنچه بنظر میرسد اینستکه برای ساختمان عباس‌آباد مسلم است که باید

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص ۱۹۰ . ۲ ــ تاریخ اصفهان و ری ص۱۹۱ .
۳ ــ موادالتواریخ نخجوانی ص۶۴۹ .

ابتداء پل واسطه ساخته شود و سپس شروع بساختمان آن‌طرف پل شود . تاریخ ساختمان چهارباغ یعنی اتمام‌آن مطابق ماده تاریخی که سروده‌اند وعالم‌آراء نوشته است[1] . هزار وپنج هجری است و ماده تاریخ چنین است :

عجب چارباغی است بهجت‌فزا — گرش ثانی خلد گویند شاید

چوتاریخ آن‌دل‌طلب‌کرد گفتم : — « نهالش بکام دل شه برآید »

که با حساب حروف جمل با هزار و پنج مطابقت دارد و نیز تاریخ تکایائی که در خیابان چهارباغ طبق دستور شاه‌عباس ساخته شده سال هزار و یازده است که در تذکره‌نصرآبادی[2] بنقل از تاریخ جلال منجم بشاه‌عباس اول منسوب شده و آن ماده تاریخ چنین است :

کلبه‌ای را که من شدم بانی — مطلبم تکیه سگان علی است

زین سبب فیض یافتم ز اله — که مرا مهر با علی ازلی است

« خانه دلگشا » شدش تاریخ — چونکه‌ازکلب‌آستان علی است

و از طرفی اللهوردیخان در سال (۱۰۰۴ ه.ق) از طرف شاه‌عباس اول بایالت فارس منسوب گردید ودرآنجا باداره امور و تمشیت میپرداخت تااینکه حکومت کوه گیلویه هم برحوزه حکومتش افزوده گردید وازمجموع این تواریخ استنباط میشود که شاه‌عباس پس‌ازاستقرار بسلطنت وپیش‌ازاینکه مقر خودرا اصفهان قرار دهد درصدد بوده که اصفهان را بپای‌تختی انتخاب کند واز اینرو دستورداده بوده که طرحهائی برای آبادی اصفهان و مهیا کردن آن برای پای‌تختی ریخته شود و شاید اعزام اللهوردیخان بفارس هم ازاین‌نظر بوده که اقدامات عمرانی اصفهان هم زیرنظر اوقرارگیرد وعادةً باید عمران اصفهان از بعدازتاریخ اعزام اللهوردیخان یعنی بعدازسال (۱۰۰۴ هجری) انجام یافته باشد و تقریباً هم همین‌طور است چه مطابق ماده تاریخ نقی کمره‌ای هم ساختمان پل اللهوردیخان درسال (۱۰۰۵ ه.ق)

۱ـ عالم‌آرا ج۱ درص۵۴۴ تاص۵۴۵ . ۲ـ تذکره نصرآبادی ص۹. ۳ـ مقاله دوپل تاریخی مندرج درص۱۷ مجله هنر ومردم شماره ۸۱ .

اتمام‌یافته وعمران خیابان چهارباغ در(۱۰۰۵ه.ق) وتکایای چهارباغ‌در(۱۰۱۱ه.ق) ودرسال (۱۰۲۵ه.ق) تمام ساختمانهائی‌که اززمان شاه‌عباس شروع شده‌بوده‌سرانجام یافته بوده است .

واما اینکه‌گفته‌شده درسال (۱۰۱۱ه.ق) مأمورساختمان پل‌شده باتاریخ‌اتمام پل که (۱۰۰۵ ه. ق) باشد مغایر است ، میتوان گفت اللهوردیخان ابتداء طبقه زیرین پل را برای امکان عبورومرور ساخته بوده که در (۱۰۰۵ه.ق) باتمام رسیده بوده و بعد در (۱۰۱۱ ه.ق) مأمور شده که پل را باتمام برساند یعنی طبقه بالا را نیزبسازد که درموقع طغیان رودخانه هم عبورومرور ازطبقه دوم مقدورباشد وشاید طغیان رودخانه زاینده‌رود موجب تکمیل پل‌بوده است وبااین فرض‌دیگرمغایرتی در بین نخواهد بود .

نظر دیگری هم امکان دارد و آن اینستکه بگوئیم پل موضوع ماده تاریخ نقی کمره‌ای در فارس بوده نه در اصفهان ولی چون در تاریخ چنین اشاره‌ای نشده ناچار باید پل موضوع ماده تاریخ نقی را همان پل سی‌وسه‌پل دانست .

۱۴ – پل محمدرضاشاه :

این پل‌که دارای۱۳۶مترطول و۱۶مترعرض و۳۷۵تن وزن است میان پلهای تاریخی مارنان و۳۳چشمه واقع شده واصفهان را به جلفا مربوط میکند ساختمان این پل در مهرماه سال ۱۳۲۷ بدست مبارك شاهنشاه آریامهر شروع وسرانجام در اردی‌بهشت سال ۱۳۳۸ باتمام رسید وبهره‌برداری ازآن شروع گردید . این پل با آهن وفلز ساخته شده وامروزکلیه وسایط نقلیه سنگین ازروی‌آن عبور میکنند وایجاد این پل بمنظور حفظ سایرپلهای تاریخی‌ازعبورومرور وسایط نقلیه سنگین ازروی آنها بوده است. درحقیقت این پل بمنزله مکمل پلهای تاریخی است وآنها را ازخرابی حفظ می‌کند. پل مزبوردارای پنج‌دهانه وبرای عبور۹وسیله نقلیه که هریك بوزن ۴۵تن درردیف‌های ۳تایی حرکت کنند محاسبه گردیده ر ۵۵میلیون ریال هزینه‌آن‌شده است این پل شامل دوپیاده‌رو هرکدام بعرض ۲/۵ متروسواره‌رو

بعرض ۱۱متر میباشد[1] .

ط ـ کاخهای شهر اصفهان

۱ ـ کاخ هشت بهشت :

این کاخ که درهنگام سلطنت شاه‌سلیمان صفوی بناء شده ازبهترین کاخهائی است که درروزگار صفویه ساخته شده و چون کیفیت ساختمان و وضع بناء دراثر مرور زمان تغییر کرده ناچار برای امکان بیان وضع آن در ازمنه مختلفه باید نوشته‌های کسانی را که درازمنه گوناگون کاخ را مشاهده وازوضع آن آگاهی کامل داشته‌اند از نظر اهل تحقیق گذرانید.

ازکسانی که مکرر دراین کاخ رفته و باوضاع آن آشنائی کامل حاصل کرده شاردن فرانسوی است که درسفرنامه خود بطورمشبع شرح اوضاع کاخ را نوشته است و قسمتی از ترجمه نوشته اورا ذیلاً مینگاریم :

« من قول داده‌ام که درطی توصیف باغهای اطراف خیابان زیبای اصفهان »
« شرح یکی ازتالارهای یکی ازباغها را بنام باغ بلبل بدهم ، این تالاررا عمارت »
« هشت‌بهشت مینامند . تمام سقفهای آن موزائیك بسیارعالی‌است دیوارها وجرزها »
« دوطبقه ودالانها و غلام‌گردشهائی دراطراف آنها است. دراین‌دالانها صدها مکان »
« است‌که دلکشترین وفرح‌انگیزترین‌نقاط دنیا محسوب میگردد وهریك‌بوسیله »
« منفذی‌که بدان نورمیتابد روشن میشود این روشنائی متناسب باتفریحاتی است »
« که این امکنه ویژه آنها ساخته شده است . »

« هیچیك ازاین نقاط ازحیث شکل وساختمان و تزیینات بدیگری شبیه »
« نیست ، درهرجائی چیزتازه وگوناگون است چنانکه دربعضی بخاریهای متنوع »
« ودربرخی حوض‌ها وفواره‌ها است که از لوله‌هائی که درداخل دیوارها میباشد »
« آب میگیرند ، این تالارعجیب در حقیقت لابیرنتی است زیرا انسان درقسمت »
« فوقانی هرجاگم میشود وپله‌ها چنان مخفی‌است‌که بآسانی پیدا نمیشوند. قسمت »
« پائین تا ده‌پا ازسطح زمین ازسنگ یشم ونرده‌ها از چوب زرنگار ، و قاب‌ها و »

۱ ـ نقل ازاصفهان جوانان ص۳۰ .

« چهارچوبها از نقره، وجامهااز بلور، و آلتها ازشیشه‌های رنگارنگ ظریف ساخته »
« شده است. »

« اما راجع به تزیینات نمیتوان این اندازه شکوه و عظمت و دلربائی و »
« فریبندگی را که درهم آمیخته است تصور کرد. میان نقاشیهای این بنا تصاویر »
« برهنه وفرح انگیز بسیارزیبا وجود دارد ودرهمه‌جا آئینه‌های بلورین دردیوارها »
« بکار رفته است، دراین تالار اطاقهای آئینه‌کاری کاملی است که اثاثه هر اطاق از »
« باشکوهترین و شهوت‌انگیزترین نوع خود دردنیا است. اطاقهای کوچکی نیز »
« درآنجا میباشد که فقط گنجایش یك رختخواب دارد. درخاورزمین رختخواب »
« پرده نداشته وروی زمین پهن میشود. یك رختخواب جالب توجهی دیدم که »
« فقط لحاف آن دوهزار اکو میارزیدکه برای گرمی وسبکی ازپوست سمورتهیه »
« شده بود. بمن گفتند شاه تشکهای بسیاری ازهمین جنس دارد من یك‌کتاب از »
« تزیینات وتصاویرواشکال ومینیاتورها وظروف وکتیبه‌های‌این تالارتصنیف‌خواهم »
« کرد برخی ازاین‌کتیبه‌ها شامل افکارلطیف عاشقانه وبرخی قطعات‌اخلاقی‌است. »

« چندقطعه زیرنمونه‌ای ازآنها است‌که دردفترخود ثبت کرده‌ام: »

« بالای‌گلدانی چنین نوشته شده است: گل لاله نماینده راز درون‌من‌است. »
« من چهره‌آتشین و دلی سوخته دارم. هرچه زیبائی‌گردنی افراشته داشته باشد »
« همواره پای درگل است. دل من صدهاباربچپ وراست بدون‌اینکه بکسی تعلق »
« یابد منحرف‌شد تاتورا دید وبتوپیوست. من بیش‌ازاین‌تاب دردهجر تورا ندارم »
« ونمیتوانم آنجاکه تونیستی مسکن‌گزینم. تومردمك چشم منی. توراگم‌کرده‌ام. »
« نمیدانم بچه‌نظر افکنم. کاری جزمردن نتوانم. »

« پادشه پاسبان درویش است　　گرچه نعمت بفر دولت اوست »
« گوسفند ازبرای چوپان نیست　　بلکه‌چوپان‌برای‌خدمت‌اواست »

***

« زیر پایت گربدانی حال مور　　همچوحال‌تواست زیرپای‌پیل »

« روی یك پیش بخاری عبارت زیررا نگاشته‌اند : »

« از زمستان نترسید ، زیرا فقط سردی وسلامت است . »

« نمیتوانم ازبیان این نکته خودداری کنم که بهنگام گردش دراین محل »
« که مخصوصی لذت وحظ وعشق ساخته شده است ودرحال عبورازاطاقهاوشاه‌نشین‌ها »
« آدم چنان تحت تأثیر قرارمیگیرد که بگاه بیرون‌شدن ازخود بیخود میگردد »
« بدون تردید هوای این تالارائرمهمی دراین‌حالت عاشقانه‌که بانسان‌دست‌میدهد »
« دارد . اگر چه این بناءِ چندان با دوام و استوار نیست ولی فرح‌انگیزتر از »
« مجللترین کاخهای ممالك اروپائی است[1] . » (ش۱۴)



(شکل ۱۴)

۱ ــ ترجمه سفرنامه شوالیه شاردن عریضی ازصفحه ۱۲۳ تا ۱۲۴ .

گوست سیاحی که در زمان فتحعلی‌شاه قاجار بایران آمده واصفهان را دیده درباره این کاخ چنین نوشته است :

« این عمارت دروسط باغ باندازه دومترازسطح زمین بلندتر و۳۵متر طول « و۲۵٫۲۶متر عرض دارد، اطاقهای این عمارت تمامی منقش وگچ‌بری ودرهایش « خاتم‌سازی وزیبا میباشد . تالار وسط گنبدی شکل است که از یك‌نوع پنجره « ساختمان گردیده، درگنبد آن هشت پنجره بطور مساوی باطراف قراردارد که « ازچوب ساخته‌اند ، ودر وسط این تالار حوضی هشت ضلعی بقطر۸۳ سانتیمتر « ازمرمرعالی ساخته شده وبه‌حوض مروارید معروف است، وطوری حجاری شده « که وقتی آب ازسوراخهایش خارج میشود چون‌دانه مروارید میباشد؛پلکانهای « این عمارت طوری بناشده که از هرطرف بعمارت فوقانی و تحتانی عبورومرور « میشود، دارای غلام‌گردش‌ها وبالاخانه‌های زیادی است درختان‌کهن وچنارهای « مرتبی دارد ، و قسمتی ازآب جوی شاه از برابر عمارت بالائی داخل این باغ « میشود . درزمانی که دراصفهان بودم فتحعلی‌شاه دراین‌عمارت می‌نشست وتماشای « رقاصه‌هائی که میرقصیدند مینمود، درودیوار، ازاره‌ها ، هلالیها،گنبدها وبالاخره « تمام‌این عمارت سرتاپای ازطلا تزیین‌یافته واشکال وتصاویرگوناگون پرندگان « وگلها وغیره برزیبائی قصرافزوده است ، دارای تابلوهای منقش و زیبا است‌که « جلب توجه مینماید[۱] . » (ش ۱۵)

میرزاعلیخان نائینی روزنامه‌نویس عصر ناصرالدین‌شاه قاجارکه ازطرف دربار وقت مأموریت یافته بود نسبت باوضاع جغرافیائی وتاریخی ایران مطالبی‌تهیه‌کند ونسبت‌بقسمتی ازکشور موفق شد ومطالبی دردوجلد بزرگ تهیه‌کردکه آن دوجلد را درکتابخانه وزارت‌دارائی‌مطالعه‌کردم راجع‌بکاخ هشت‌بهشت درسال(۱۳۰۰ه. ق) چنین گزارش داده است :

« باغ هشت بهشت وعمارت تحتانی‌وفوقانی قصرمیان ووسعت دستگاه‌آن از»

۱ ــ نقل ازصفحه ۲۲ تا ۲۴ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان .



(شکل ۱۵)

« حد توصیف بیرون است غیر ازایوانهای عالی وارسیها یکصد وپنجاه ویکزوج »
« درب اطاق تنهادر بالا وپائین دارد . ازمعماران معتبر شنیده شده که طرح آنرا »
« درطرز عمارت کرامت کرده‌اند چنانچه نقشه این‌قصر را بکشند و درجای دیگر »
« بخواهندمثل آن بناکنندمشکل‌که بتوانند ازعهده‌بر آیند. باغ مزبور باغی‌است »
« بسیار بزرگ خیابانهای عریض و قطعه بندیهای وسیع در آن است ، دیوار یك »
« طول باغ باقدری از دیوار چهارباغ‌شاه مشترك ، دونهر بزرگ ازچهارباغ عرضاً »
« این‌باغ‌را تقاطع‌میکند ، یکی مقابل قصر موصوف وسط وارد دو دریاچه‌بزرگ »
« میشود که بعرض باغ در دو طرف عمارت متقابل یکدیگر است ، ودو حوض »
« بزرگ هم در دو سمت دیگر عمارت است ، و دوره عمارت نیز جوی سنگی »
« وآب نماها قرار داده‌اند که آب دائماً ازاینها جاری است . مقابل این دریاچه »

« وقصر ، سردری است عالی ودو رو که یک‌روش مشرف بچهارباغ وحوض بزرگ »
« پای‌آن ، ورووی دیگرش منظرقصر وسط‌باغ است ، سردر مزبور نیز وصف‌زیاد »
« دارد ، نهر دیگرهم مقابل وهم عرض نهر بفاصله زیاد باز از چهارباغ می‌آید و »
« بعرض باغ جاری است. بهمین قانون سردری دارد عالی مشتمل برتالار بزرگ »
« مشرف برباغ ، و عمارات عقبش منظر چهار باغ ، و اینجاست که سالها است »
« تلگرافخانه شده . در این‌باغ حیاط دیگرهم هست وسیع ، صاحب اطاقها و »
« ارسیهای مرغوب و آشپزخانه و طویله و غیره معروف به نارنجستان هشت »
« بهشت است . »   (ش۱۶)

موضوع قابل توجه این‌که گزارش میرزاعلیخان نائینی روزنامه نگار



(شکل ۱۶)

ناصرالدین‌شاه وشرحی‌را که میرزاحسین‌خان تحویلدار[1] در سال (۱۳۰۸ هـ . ق) نوشته‌اند عیناً مطابقت‌دارد وناچار باید گفت یکی‌ازآنها از دیگری‌گرفته وبنظر میرسد چون تاریخ ختم تألیف جغرافیای اصفهان (۱۳۰۸ هـ . ق) وبعد از (۱۳۰۰ هـ . ق) است . جغرافیای اصفهان ازگزارش میرزا علی‌خان نائینی‌گرفته است وذکر مأخذی هم نشده است .

آنچه‌ازگزارش مزبورمعلوم‌میگردد اینستکه‌کاخ مزبور تا اول‌قرن چهاردهم بوضع سابق زمان صفویه باقی‌بوده ونقصی درآن‌راه نیافته وتغییراتی‌که درآن راه یافته درقرن چهاردهم هجری انجام شده است .

میرزاحسن‌خان جابری‌انصاری که‌ازمعمران اصفهان وآگاه بتاریخ‌وتغییرات مبانی‌آن سامان بوده راجع باین‌کاخ چنین نوشته است :

«وهشت بهشت نیز بمنوال چهلستون طرح‌باستانی بستانیش‌که از نقش‌جهان»
« جدا کرده زمان شاه‌عباس بزرگ شده با ساختمانی‌مختصر، وبنای‌عمارت شگرف»
« هشت بهشت را سایرشاعر مشهدی‌گفته زمان شاه سلیمان به هزاروهشتاد (۱۰۸۰)»
« وکاشی‌کاریهای زیبا خصوصاً طاوسها ودیگرمرغان در ۱۱۰۲ باز بفرموده شاه ،»
« و عرصه این‌باغ از چهلستون بسی بیشتر بود برای حرمخانه شاهی ، چوحد »
« جنوبیش به بازارچه بلند منتهی میشد و در حکومت ظل‌السلطان بانوی عظمی »
« خواهرش با همه اولاد وخانواده درآن‌بزرگترین پارك سلطنتی میدان جولانی »
« برای خوش‌گذرانی داشتند ، امروزه‌آن‌باغ را قطعاتی‌کوچك نموده وبه‌مقبالان »
« فروخته‌اند که شاید پنجاه خانه وباغچه سرا ازآن جدا شده وباز قسمت‌بزرگی »
« را خود دارند، بنگاهها وسراچه‌ها ومغازه‌های بسیاری درچهارباغ عباسی‌بیرون »
« انداخته که نفع بزرگی دارد وکوچه جهانبانی با خانه های دوطرف وحمام‌نمره »
« نامی را ازمیان باغ‌ردکرده ودرآنجا حوض‌مرمری یکپارچه مروارید میدیدم »

۱ـ جغرافیای اصفهان ص۲۵

« و ازآثار صفویه دوسه حوض یك قطعه مرمر موسوم به مروارید پدید بود یکی»
« درعمارت اشرف وآن چنان بودکه همه آن سنگ را شبیه به حوض حجاری »
« استادانه‌کرده وبرای همه فواره‌های کوچك باندازه انگشت سبابه ازتمام‌سنگ »
« درآورده هرحوضی بیش‌از صد فواره داشت وآن حوض‌را که نصب نموده بودند »
« از زیر سنگ آب جریان یافته مانند دانه‌های مروارید بوسیله آن فواره‌ها »
« جستن‌کرده وحوض‌را پرازآب نموده، بانوی عظمی یك حوضش‌را ببدیع‌الملك »
« پسرش‌داد درعماراتش ازباغ بادامستان تلگرافخانه‌جدا نموده داد وآن‌عمارات »
« بعد به بختیاریها و ازآنها منتقل‌به جلاءِالسلطنه شد ، قنات آب حلال که روی »
« به ماربین بالا میرفته وآبش متصل به جوی شاه میشد برای آب دائمی هشت »
«بهشت ودیگرعمارات صفویه احداث کرده بودند وهرعمارتی بهری‌وبخشی معین»
«داشت، وزیر ومستوفی خاصی‌ازنیاکان‌بنده برای‌آن‌مقرربود تابتواند درحرمخانه»
« سلطنتی حکم بخش‌آب را بدهد ورفع مشاجره سکنه باغچه سراها را بنماید »
« و وجه نامش به‌آب حلال ازآن‌رهگذر بودکه شاه عباس دوم وجهی‌را که بنظر »
« خود وعلماء حلال شرعی میدانستند بخرج احداث آن قنات داده تاآب غسل و »
«وضوی حرمخانه نهایت‌حلیت‌را داشته‌شبهه‌کم و زیادآب رودخانه ازحقوق‌دیگر »
« محلها نرود . حالیه شنیده‌ام آن آب را ازپشت‌آتشگاه به جروکان اولادبانوی »
« عظمی میبرند وچون بانوی عظمی واولادش شصت سال وکسری‌است[1] درهشت »
« بهشت ساکنند ضمناً باغات وعمارات دولتی‌دیگرمجاور را بدست داشتند مانند »
« بهشت آئین ورشك جنان وانگورستان، وبهشت آئین امروزه درکوچه فتحیه »
« کالج دختران شده وانگورستان را با عمارت خسرو خانی بدست سردار اعظم »
« داده بودند . »

این کاخ که روزی از کاخهای کم نظیر بوده درسال ۱۳۳۴ شمسی که‌آقای

۱ـ این‌کتاب درسال (۱۳۲۱ هـ . ش) به چاپ رسیده و اگر ۶۰ سال را از ۱۳۲۱ کسر کنیم میشود (۱۲۶۱ هـ . ش) ولی آخرین تاریخ قمری که مؤلف گفته ۱۳۵۸ بوده و بنابراین ابتدای تصرف بانوعظمی ۱۲۹۸ قمری خواهد بود .

نیکزاد حسینی از طرف اداره باستان‌شناسی اصفهان مورد بازدید قرارداده چنین گزارش واظهار نظر کرده است:[1]

«این‌عمارت‌را فعلاً آقای ابوالفتح‌قهرمان(سردار اعظم) بموجب دستخطی»
« مالك‌و در تصرف دارد ازقرار مشهور در اراضی‌وباغات قدیمی آن تغییراتی‌داده »
« وکاخ اصلی بحال خود ولی مخروبه باقی‌است . ذخائر آن ازبین رفته است . یك»
« دفعه در دوره وزارت سید ضیاءالدین باغ ملی‌شد ولی درزمان‌شاه فقید مسترد »
« ومجدداً درش بسته شده است . درسال ۱۳۳۴ شمسی‌که از این عمارت بازدیدی »
« بعمل آمده محتاج بتعمیرات کامل است، زیرا نقاشیهای زیبا وگچبریهای‌عالی »
« (نظیر تزیینات عالی‌قاپو) آن ازبین رفته وآنچه باقی‌است نیز جلب توجه را »
« مینماید ، اشکال‌وحوش وطیور وشکارگاهها که بعضی‌قدیمی وبرخی جدید برروی»
« کاشی‌نقش‌ودرپشت بغلهای اطراف‌نصب شده جالب‌توجه وتماشائی‌است ، مساحت »
« فعلی آن قریب ۷۵۰۰ مترمربع است . »

برخی نوشته‌اندکه کاخ و باغ مجموعاً درابتدای ساختمان مساحت آن ۸۵ جریب بوده است [2] ولی مساحت کنونی‌آن درحدود پنجهزار مترمیباشد . [3] و در تاریخ شهریور ۱۳۴۳ شمسی تحویل دولت‌گردیده است . [4]

این‌کاخ در خیابان چهارباغ عباسی در مقابل خیابان‌کنونی شیخ‌بهائی واقع شده واکنون در دست دولت است .

ازگزارش‌های گوناگونی‌که درتوصیف این‌کاخ داده‌اند معلوم‌گردید که علت شهرت‌آن برای بکاربردن سنگهای مرمر عالی درآن و داشتن طاقهای مقرنس‌کاری ونقاشی بوده است .

ساختمان کاخ دوطبقه و دارای شاه نشین و غلام گـردش‌هـای زیبا و نقوش گوناگون طلائی وتزیینات جالب وپشت بغلهای‌کاشی بی‌نظیر ونقوش وحوش وطیور

۱ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۲۴ ۲ــ گنجینهٔ آثارتاریخی اصفهان‌ص۶۲۲ .
۳ــ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۵ ۴ ــ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۸۵۳

وآئینه‌کاری بسیار ممتاز ودرواقع از قصور ممتاز دوره صفویه است .

کاخ‌مزبورکه آنرا باغ بلبل نیز نامیده‌اند قسمتی از باغ نقش‌جهان زمان شاه‌عباس بوده و در زمان شاه سلیمان (۱۱۰۵ ـ ۱۰۷۸) مجزا و شروع بساختمان گردیده است .

این‌کاخ تاریخی زیرشماره ۲۲۷ به ثبت رسیده است[۱] .

در توصیف و تاریخ‌ساختمان آن شعرای زمان اشعاری نیز سروده‌اند .[۲]

۱ـ فهرست ابنیه تاریخی واماکن باستانی ایران ص۵۵

۲ـ ازجمله‌شعرائی که درباب کاخ هشت بهشت ماده تاریخ سروده میرزا طاهر نصرآبادی بشرح زیر است :

زهی دولتسرای پادشاهی — بود در سایه‌اش مه تا بماهی
بود زیبا عروسی‌شوخ وسرمست — که از جامش بود آئینه دردست
شود تا حلقه‌اش برروی درگاه — دل خود میخورد زین آرزو ماه
پی نقش و نگار آن ستوده — ز چشم حور آوردند دوده
ز آب دست نقاشان گل کار — شده شبنم بروی گل نمودار
گه نظاره‌اش از نارسائی — بود مد نظر تیر هوائی
نه‌فواره‌است‌کان را درمیان است — بشکر شاه دائم‌تر زبان است
رسیده تا بعیسی رفعت او — شده فواره شمع خلوت او
بود طالارش ازطوبی بسامان — گل او شد خمیر از آب حیوان
ستونش تکیه‌گاه آسمان است — دوام گردش افلاك از آن است
بتاریخش قلم قد راعلم کرد — خیالم (مشرق دولت) رقم کرد
۱۰۸۰

بتاریخ دگر دل کرد تکرار — (مکان عشرت بی‌روی اغیار)
۱۰۸۰

بتجدیدش‌شد این مصرع بسامان — (مکان شاه دین‌پرور سلیمان)
۱۰۸۰

ز فیض شاه دیگر گوهری سفت — بدیهه (قطعه خلد برین) گفت
۱۰۸۰

باینها همتم راضی نگردید — بساط مصلحت با خویشتن چید
ز خاطر این رباعی‌ها مهیا است — که ازهرمصرعش‌تاریخ‌پیدااست

رباعی

«چون شاه‌سلیمان شه اقبال بلند» — «شدبانی‌این‌مسکن‌بهجت پیوند»
(۱۰۸۰) — (۱۰۸۰)

←

«از جشن‌ونشاط وکامرانی دایم» (۱۰۸۰)	« در وی جای پادشه دولتمند » (۱۰۸۰)

ایضاً

« از قصر بلند زیبا ارکان » (۱۰۸۰)	«گردید زمین اصفهان تاج جنان» (۱ ۸۰)
«درگاه عبادت این بود ورد ملك» (۱۰۸۰)	«پاینده عمارت از سلیمان زمان» (۱۰۸)

« ایضاهرمصرعی تاریخ است :

« چون بدوران شه اعلاشان » (۱۰۸۰)	« که زدل گشته سلیمان زمان » (۱۰۸۰)
«جان‌پناهی که مدیحش عام‌است» (۱۰۸۰)	« مرشد و داد ده ایام است » (۱۰۸۰)
« تاج داری که زوی شد نازان » (۰۸۰)	« زدل وصدق همه خلق جهان » (۱۰۸۰)
« صوفی صافی تابع مقصود » (۱۰۸۰)	«کو باخلاق و صفا ساعی بود» (۱۰۸۰)
«آنکه مقصود وی ازعمروحیوة» (۱۰۸۰)	« بندگی ره شه باطاعات » (۱۰۸۰)
« کرد سرکاری این‌مسکن سعد » (۰۸۰)	«که چووی نیست مقدر من‌بعد» (۱۰۸۰)
« دل‌گشائی‌است که ازلطف‌صبا » (۱۰۸۰)	« شد فرح لازم و شادی افزا » (۱۰۸۰)
« چه مکان شبه بنای فلك است » (۱۰۸۰)	«چون لب‌قند سراپا نمك است» (۱۰۸۰)
«طاق‌ازآن سرشکن قوس‌وقزح» (۱۰۸۰)	« رکن او قائمه جشن و فرح » (۱۰۸۰)
« آفتاب آینه درگاهش » (۱۰۸۰)	« طلبد سرمه گرد راهش » (۱۰۸۰)
« بنم آورده گلش آب حیات » (۱۰۸۰)	« میل شادی بارم داده زکات » (۱۰۸۰)
« از لب شکر لیلی لعلیش » (۱۰۸۰)	« شد از آیینه جان به کاشیش » (۰۸۰)
« دوده‌اش سرمه بیننده کشید » (۱۰۸۰)	«زگچش شد قصب صبح سفید» (۰۸۰)
« آیه نور ز سنگش شامل » (۱۰۸۰)	« بلدش حاتم بی‌حد سایل » (۱۰۸۰)

اشعاری راکه نصرآبادی در توصیف وماده تاریخ بنای کاخ هشت‌بهشت سروده بخوبی روشن میدارد که کاخ مزبور در دوران سلطنت شاه‌سلیمان صفوی و در سال یکهزاروهشتاد هجری (۱۰۸۰) ساختمان آن بپایان رسیده و این ساختمان بسعی واهتمام مقصود نامی که ازصوفیان سرسپرده درگاه بوده انجام گردیده است.

گرچه ممیزاتی برای مقصود نگفته ولــی نمیتوان بانی مسجد مقصود بیك واقع درتکیه ظلمات در سال یکهزار و ده را با مباشر ساختمان کاخ هشت بهشت که در سال یکهزار وهشتاد انجام شده است متحد دانست.

۲ ـ کاخ چهلستون:

این کاخ درجنوب خیابان سپه کنونی واقع و ۶۷۰۰۰ مترمربع مساحت دارد. اغلب مورخان نوشته‌اند که کاخ مزبور قسمتی ازباغ نقش جهان بوده ومقداری از

«زندگی‌بخش زجو آب زلال» (۱۰۸۰) «یابد ازبوی هوا جان تمثال» (۱۰۸۰)

«چشم دل ازهمه‌سو حیرانیش» (۱۰۸۰) «جوش گل دل شده ایوانیش» (۱۰۸۰)

«نه فلك شیفته از سایهٔ وی» (۱۰۸۰) «عرش از سربرد پایهٔ وی» (۱۰۸۰)

«شوکت اوببرد زنگ ازجان» (۱۰۸) «شد ازو تاج فلك اصفهان» (۱۰۸۰)

«تا کند دور نجوم مه و مهر» (۱۰۸۰) «تا بود دایره سان سیر سپهر» (۱۰۸۰)

«دولت شاه سلیمن افزون» (۱۰۸۰) «دشمنش باد بهر ویل نگون» (۱۰۸۰)

«باشدش مرکب اقبال بزین» (۱۰۸۰) «زیر فرمان بادش جمله زمین» (۱۰۸۰)

«برهش طاهر نصرآبادی» (۱۰۸۰) «بسته در بندگیش آزادی» (۱۰۸۰)

«بیتها گفته نجیب و نیکو» (۱۰۸۰) «ز گلستان بها یافته بو» (۱۰۸۰)

«دیده از هر مصرع سال بناش» (۱۰۸۰) «آنکه باشد هنر این دعواش» (۱۰۸۰)

(تذکره نصرآبادی ص۴۸۷ تا ص ۴۹۰)

آن را شاه‌عباس بزرگ جدا کرده ودروسط آن عمارت کلاه فرنگی سبکی ساخته بوده وجشن نوروز سال بیست‌وسوم جلوس خودرا درآن محل برپا داشته است.

سپس درزمان سلطنت شاه‌عباس دوم برعمارات آن افزوده وکاخ چهلستون بناگردید ودرتاریخ یکهزارو پنجاه وهفت هجری پایان یافت وماده تاریخ آن را: «مبارکترین بناهای دنیا» گفتند.

برخی ازمورخان گفته‌اند[1] چهلستونی که بدست شاه‌عباس دوم ایجاد گردید دارای چهل ستون بوده ودرهنگام آتش‌سوزی که در۲۱ رمضان سال هزارویکصدو هیجده (۱۱۱۸) هجری اتفاق افتاد ازپنج‌ستون هشت‌تائی فقط بیست‌ستون‌آن باقی مانده ودرواقع قسمتی ازعمارت وبیست ستون طرفین ازجلوسوخته است. وتاریخ آتش‌سوزی آنرا چنین سروده‌اند:

هزارویکصدوهیجده زهجرت نبوی　　　گذشته‌بودکه آتش به‌چهلستون‌افتاد

وتاریخ تعمیر آن‌را که درزمان سلطنت شاه‌سلطان‌حسین صفوی اتفاق افتاده چنین سروده‌اند: «مبارك باد تالار بلند ایوان جمجاهی» که سال (۱۱۱۸ ه. ق) را میرساند.

این کاخ که شامل چهلستون وباغ است عمارت چهلستون دروسط آن واقع شده ومساحتش دوهزارویکصدوبیست متر مربع میباشد ویك شعبه ازمادی فدا از وسط آن میگذرد، محل بنای عمارت یك متر از زمین باغ بلندتراست و حوض بزرگی درمقابل عمارت ساخته شده که حکم دریاچه دارد. گویا بعنوان دولتخانه بناشده بوده ولیکن‌چون چهلستون داشته بنام‌اخیرمعروف شده‌است. کاخ‌چهلستون مشتمل برایوان بزرگ بطول ۳۸متر و عرض ۱۷متر و به‌ارتفاع ۱۴متر روبطرف مشرق‌ساخته شده وهیجده ستون ازچوب چنار وکاج دارد وشکل آن کثیرالاضلاع و۱۶ ضلعی و۸ضلعی مدور میباشد. چهارستون وسط برروی چهارشیرسنگی قرار دارد وطوری حجاری شده که دوشیر بایك سر نشان داده میشود وازدهان چهارشیر

۱ ـ مؤلف‌الاصفهان.

جلوآب جستن کرده وارد حوض مرمر وسط میشده است .

درایوان دومی که اندکی مرتفع‌تر است دوستون چوبی با ارتفاع دوازده‌متر قرارگرفته که با ستونهای ایوان بزرگ بالغ بر بیست ستون میشود . (ش۱۷)



(شکل ۱۷)

بالای این ایوان دوکتیبه یکی اززمان شاه‌عباس دوم شامل این اشعاراست :

بعهد شهنشاه عباس ثانی / که‌عهدش‌جوان‌کرد‌پیر جهان را
بنا کرد از فیض لطف الهی / بنائی‌که شد رشك نه سقف‌مینا
زبس رفعتش بر سپهرکواکب / نماید چو ریگ نه جو ثریا
کواکب چوگلهای باغش نمایان / مجره‌دراوهمچوجوئی‌است‌پیدا
کند سالها اندرآن کامرانی / بود قرنها سجده‌گاه برایا
مبارك‌بود زانکه تاریخ آن‌شد : / « مبارکترین بناهای دنیا »
(۱۰۵۷)

کتیبهٔ دیگر ازاول تا آخرایوان ودرزمان سلطنت شاه‌سلطان حسین صفوی و بخط نستعلیق سفید محمد صالح نوشته شده که شامل ۲۸ فرد بوده و قسمتی از آن‌که خوانده میشود چنین شروع میگردد:

بحمدالله که باز از نو باقبال شهنشاهی
مرصع شد زمین وآسمان ازماه تا ماهی
تجلی در گریبان طالع از جام جهان‌بین شد
صفای صبح عید و فیض انوار سحرگاهی
بحکم شاه دین سلطان حسین آن ماه مهرآئین
که صبح و شام عالم را کند خورشیدی و ماهی
سهیل صبح عید زندگانی خسرو عادل
فروغ اختر روشن دلی خورشید آگاهی
ز شیر و پرچم سرپنجه تیغ جهانگیری
بلند و پست عالم را گرفت از ماه تا ماهی
ز بس در کفه میزان احسانش سبك گشته
خجالت میکشد دائم طلا از چهره کاهی
شب وروز جهان را ریخت درهم مهرومه یکجا
که ریزد طرح ورنگ این بنای آسمان جاهی
زهی عالی بنا کاندر بلندیهای اوصافش
قبای لفظ براندام معنی کرده کوتاهی
. . . . جهان پیدا
سپهری بر سپهر افزود معمار یداللهی
مگر از عالم بالا دری بر رویش بگشوده
که بر کریاس آن چرخ چهارم کرده درگاهی
خدا زان بیستون گرداند خلق این آسمانها را
که برپاباشد ازاین چهل ستون از ماه تا ماهی

فلك برخویش میبالید از ترصیع کوکب‌ها
مرصع کا . . . .

. . . .

. . . . گشت دزگاهی

چو شمع محفل خضر نبی زرین ستونهایش
ید بیضا بکف با خضر و موسی کرده همراهی
برنگ چل تنان چلستون در ربع آن مسکون
گرفته اربعین بهر دوام دولت شاهی
مرصع کاری سرو ستونهایش بآن ماند
که آیین کرده با دست دعا با عرش همراهی
چهل دیوند بر سر داده جا تخت سلیمان را
ستونهای مرصع پوش تالار شهنشاهی
بجز در آب و آئینه ندیده مثل و مانندش
سکندر گرد عالم گشت همچون حرف افواهی
زهی نقاش صورت آفرین کلك نقاشی
کشیده دربن روشندلی تصویر آگاهی
زرنگ روحی و جسمی نموده ظاهره باطن
بهر معنی که میجوئی وهرصورت‌که میخواهی
به نیرنگی شبیه جان گرفته بهر درمانی
. . . .

. . . .

. . . .

ز آهنگ شبیه چارتاری هم نیم غافل
دوگاهی میرساند گاه بر گوشم سحرگاهی

صفای منبع فواره گوهرفشان آن
کبوترهای زرین بال انجم را کند چاهی
ضیاء چار دیوار مرصع کار مینایش
بود تا صبح حشر آئینه‌دار طلعت شاهی
اگر چه ماه اوج سلطنت دارد بهر شهری
مکانهای همایونی و منزلهای جمجاهی
ولیکن این همیون بارگاه آسمان رفعت
گرفت از کرسی اعلی خطاب عرش درگاهی
نگهدارش بود از چشم زخم دیده بدبین
علی مرتضی تعویذ بازوی یداللهی
چو شد اتمام این عالی بنا زینت ده گردون
بتأییدات یزدانی و توفیقات اللهی
نجیب از نو بطاق آسمان بنوشت تاریخش :
« مبارك باد تالار بلند ایوان جمجاهی »
(۱۱۱۸)

(کتبه محمد صالح)

از قصیدهٔ مزبور که بعضی از ابیات آن خوانده نمیشود معلوم میگردد که نامیدن این کاخ به‌چهلستون برای شکون عدد چهل ودارای بیست ستون بوده‌که درآب منعکس وجمعاً چهلستون میشده است.

این نکته ازشعر :

برنگ چل‌تنان چل‌ستون در ربع آن مسکون
گرفته اربعین بهر دوام دولت شاهی

و شعر :

چهل دیوند بر سر داده جا تخت سلیمان را
ستونهای مرصع پوش تالار شهنشاهی

کاملاً معلوم میگردد . ازدوموضوع دیگر بسیار توصیف شده یکی فوارهها ودیگر تذهیب‌کاری ستونها وسقف[1] .

این اشعارسرودهٔ نورالدین محمد نجیب کاشانی است که ملك‌الشعرای دربار شاه‌سلطان حسین صفوی بوده و کتابی هم بنام کشیك‌خانه در (۱۱۰۹ هـ . ق) تألیف کرده است که درکتابخانه سلطنتی کاخ گلستان دیده شده است[2] .

در دوطرف شاه‌نشین چهلستون و ایوان مدخل سالون پادشاهی و در داخل تزیینات آئینه‌کاری دوطرف مقرنس سقف‌آن دردولوح بخط نسخ مشکی برزمینه گل وبوته‌دارمذهب بخط شمس‌الدین‌بن‌ملامحمدسعیدجیلانی مورخ بسال(۱۱۱۹هـ.ق) این عبارات نوشته شده[3] :

۱ ــ لوح جنوبی شاه‌نشین: «نصرمن‌الله وفتح‌قریب وبشرالمؤمنین‌رب‌انزلنی» «منزلاً مباركاً وانت خیرالمنزلین‌فان تولوا فقل‌حسبی‌الله‌کتبه‌العبد شمس‌الدین‌بن» «ملامحمد سعیدالجیلانی فی۱۱۱۹» .

۲ ــ لوح شمالی : «نصرمن‌الله وفتح قریب وبشرالمؤمنین رب‌انزلنی منزلاً» «مباركاًوانت‌خیرالمنزلین‌ولایؤده‌حفظهما وهوالعلی‌العظیم‌کتبه‌العبدشمس‌الدین‌بن» «ملامحمد سعیدالجیلانی . (ش ۱۸)

تمام آنچه درساختمان و نقاشیها وتذهیبها که درکاخ مزبور دیده میشود از دوره صفویه است مگرچند تابلو که عبارت از :

۱ ــ جنگ شاه اسماعیل اول باسپاه عثمانی درچالدران. ۲ــ مجلس‌جنگ نادرشاه افشار با هندوها ، که بعدازصفویه الحاق شده است . (ش۱۹)

میرزاعلیخان نائینی روزنامه‌نگار دربارناصری درسال یکهزاروسیصدهجری قمری گزارشی راجع به عمارت چهلستون داده که با مطالب جغرافیای اصفهان میرزاحسین‌خان تحویلدار عیناً مطابقت دارد وآن چنین است :

۱ــ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص۵۷۲ تا ص۵۷۳ . ۲ــ مجله یادگار سال‌چهارم شماره۷ ص۷۰ . ۳ ــ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۵۷۴ .



(شکل ۱۸)



(شکل ۱۹)

« عمارت باغ چهلستون و دریاچه‌های دو طرف تالار وسط باغ و اطاقهای »
« بزرگ جنبین و بیوتات فوقانی واطاق طنابی تحتانی که سر تاسر عقب تالارافتاده »
« با عرض عریض وارتفاع طاقی که دارد ودرهاش بچهارسمت باز، بانضمام ایوانهای »
« بزرگ وایوانچه‌ها وغلام گردشهای اطراف ، عماراتی است قوی بنیاد که نظیر و »
« مانند ندارد ازبنائی ونجاری وحجاری و آینه‌کاری وطلا و لاجورد و تصویرات »
« کثیره کارهای استادان بزرگ وستونهای رفیعه وحمالهای عظیمه و سایر آلات »
« وادوات جراثقالی که در زیرورو وجوف سقف تالار وغیره بکاررفته درغرابت و »
« عظمت ، ودر رفعت وصناعت عقل همه اهالی خبره و بصیرت بحیرت است : »

« یك زبان خواهد زافواه ملك   تابگوید وصف آن رشك فلك »

« یکی ازاوصاف این عمارت آن است که دربزرگی ووسعت هم میان تالار »
« جلو و هم دراطاق طنابی عقب میتوان سلام عام ملوکانه بست و نیز یك دریاچه »
« بزرگ جلوطنابی عقب ویك دریاچه عظیم که درعظمت ثانی ندارد درپیش‌روی »
« تالار افتاده که همیشه‌آب رودخانه ازآنها جاری است، وجوی وجداول سنگی »
« وآب‌نماها وآب‌افشارها درمیان خیابانهای باغ واقع شده‌که بسیارنقل دارد[1] . »

(شکل ۲۰)

مؤلف تاریخ نصف جهان بیشتر به توصیف کیفیت ساختمان کاخ چهلستون پرداخته وچنین گفته است[2] :

« دیگرازعمارات عالیه دولتی که قابل ذکراست : عمارت چهلستون است »
« که آنرا شاه‌عباس ثانی ساخته و وضع آن مرکب است از طرز عمارات چین و »
« فرنگستان وایران ، وبنفاست وخوبی‌این عمارت درتمام ایران نیست،طالارعالی »
« با سقف آینه وستونهای غریب چوبی که در زیر چهارعدد آنها سنگی بزرگ »
« واطراف آن سنگها را صورت شیر یال‌دار درآورده وساخته‌اند، وحجاری بکمال »
« خوبی نموده وحوضی درمیان این‌چهارستون است‌که اطراف آنها بسنگ‌مرمر »

۱ ـ عبارت جغرافیای اصفهان ازصفحه ۲۳ تا۲۴ عیناً با گزارش میرزاعلیخان نائینی‌مطابقت دارد .   ۲ ـ نصف جهان ص۳۴ .



(شکل ۲۰)

« فرش نموده‌اند ساخته وازدهان آن شیرها روی بحوض راه و سوراخ آب هست »
« که درآن حوض میریخته ودرسقف آن مهندسان صنعتهای عجیب نموده‌اند ودر »
« استحکام آن مبالغه فرموده، ستونهای آن بیست عدد است وتمام آنها را نقش و »
« آینه‌کاری نموده بودند ، عقب آن طالار طنابی است بس عالی وزیبا که آن را »
« سقفی رفیع به‌سه‌چشمه زده‌اند ومذهب بتذهیب وزرنشان نموده ودرنماهای آن »
« صورت بعضی از سلاطین صفویه را ساخته‌اند که اکثر آن مطابق واقع است ، »
« چنانچه صورت شاه‌اسماعیل وهردوشاه‌عباس موافق صورت شاه‌اسماعیل درمیدان »
« جنگ اوزبك است و از دیگران مجلس بزم است ، ودر نماهای میان صورت »
« جنگ شاه‌اسماعیل با رومی . »

«وجنگ نادرشاه را با محمدشاه هندی ساخته‌اند درزمان متأخراز آنها و»
«هیچیك ازصورتها موافق نیست.»

«وبالجمله این عمارت مطمح نظر همه‌کس میباشد، واین عمارت و طالار»
«درباغی است‌که معروف به‌همان چهلستون‌است ودرپیش روی آن عمارت‌دریاچه»
«مربع طولانی ساخته‌اند که اکثر پرآب ودرکمال صفا است.»

جابری انصاری‌که درتاریخ اصفهان بصیرت‌کافی داشته راجع بساختمان این کاخ وبانی وزمان آن نیز مطالبی نوشته‌که عین آن نگاشته میشود[1]:

«وباغ‌چهلستون‌که‌آن هم‌ازباغ‌نقش‌جهان‌گرفته‌شده یکی‌ازبزرگترین مبانی»
«صفویه‌است، طرحش‌را زمان‌شاه‌عباس اول‌ریختند،وبنای چهلستون‌راشاه‌عباس‌دوم»
«در (۱۰۵۷) پس‌ازصلح‌باعثمانی اقدام‌کرد، ومساحت‌آن باباغچه‌های‌گرداگردش»
«قریب‌پنجاه‌جریب‌میشود. عمارت‌وسط چون‌دیگرمبانی‌قدیم تیموریه‌روی‌به‌مشرق»
«افتاده، طنابی‌بزرگ‌عقب‌تالارایوان‌است‌که‌شاه‌نشین سلطنتی‌بوده ودارای‌سه‌گنبد،»
«طول‌تقریباً بازیردیوارها ۲۸ذرع وعرض بیش‌از۱۱ذرع‌ونیم‌ودربهایش ازاطراف»
«روبه‌ایوانهای‌گرداگردبازمیشود، ودواطاق بزرگ خروجی جنبین‌ایوان‌شاه‌نشین»
«است، وصندوق خانه‌ها وبالاخانه عقب‌هم‌دارد، وخود تالارچهلستون‌جلوشاه‌نشین»
«واطاقها است وبیست ستون بلند پایه‌های آن سقف بیستون‌مانند است وبیست»
«ستون هم عکس آن ستونها که درحوض آب جلوافتاده چهلستون میشود، یا»
«عکسش‌که درآینه‌های‌سقف میافتاد. طول حوض بیرون تخمیناً۱۲ذرع وعرضش»
«بیش‌از۱۰ذرع، وآن سقف محیرالعقول را ازچوبهای کاج زده‌اند حقیقةً دیدنی»
«است، چوتیرهائی قویتراز تیرهای عصاری وبلندتر باچه‌آهنها ومیخها بهم‌بسته»
«و با جرثقیل بالا کشیده‌اند، و بچه زنجیرها پیوسته میان کف سقف زیرین و»
«سقف بالائین ایستاده براحتی گردش توان کرد، و دربها روبباغ باطراف برای»
«دخول هوا میان دوسقف بازاست، وتذهیب ستونها وقابهای سقف زیرین نمایشی»

۱ــ تاریخ اصفهان و ری از ص۳۴۲ تا ص۳۴۶.

« زیبا دارد، وسقف ایوان ودیوارهایش همه به‌آینه‌های سنگ بزرگ ونقشهای »
« کار استاد مزین بود، و در این شصت ساله پس از (۱۳۰۰)[۱] همی بردند و فقط »
« شاه‌نشین آینه‌کاری ماند. آینه‌های بزرگ دیوارها حکایتی از چرخ آینه‌گون »
« مینمود خصوصاً آینه چهلستون‌نما یاجهان‌نمای دیواربالای‌سرحوض‌که چندان »
« بزرگ وعالی وشفاف وروشن بود هرقدر جمعیت از درب عراده، چهلستون که تا »
« عمارت تقریباً ۱۸۰متر فاصله داشت پیدا میشد عکس آن جماعت درآن آینه »
« بخوبی نمودار بود و دربها یکسره خاتم و پارهٔ منقش بنقوش دلربا کار اساتید »
« بزرگ وستونها نیز بآینه‌های ریزه ونگارنگ با نقاشیهای قشنگ زینت‌افزا »
« وآن‌آینه‌ها را با دربها بحدود (۱۳۰۰ قمری) بمسعودیه طهران بردند وشنیدم »
« آینه چهل ستون نما را یکپارچه دربی بزرگ قرقره‌دار ساخته که با فنرباز و »
« بسته میشد وجیوه را برداشته ودوروبلورنمایان، وبعضی‌ازآن آینه‌ها درهجوم »
« بختیاری بطهران شکسته وبعضی را به‌عمارات دیگر پیوسته، پنجره‌های بالای »
« سردرب‌ها نیز بسی زیبائیها داشت. وسط ایوان حوض مرمراست، چهارگوشه »
« چهار شیر دارد که آب از دهان شیرها در آن حوض میریخت ومنبع آن آب »
« ازهزارجریب وجوی سیاه بود ودر شاه‌نشین پرده شکل جوانی ناصرالدین شاه »
« کارحسن‌خان لال مصور بودگوئی خود ناصرالدین‌شاه است سخن میگوید، و از »
« محمدشاه نیز صورتی عیناً در طنابی بود، و دو آیةالکرسی خط میرزا احمد »
« نیریزی استاد نسخ بستونها و سلام سلطنتی دراین ایوان بود، و حوض بزرگ »
« وسط باغ وطول تالار بیش‌از۳۲ذرع وعرض ۲۲ذرع. »

«در۱۱۱۸ عمارت چهل‌ستون سوخت‌که‌بفال بدگرفتند و پس از چهارده‌سال»
« فتنه افغان عراق و فارس را ویران نمود خاصه اسپهان را، دیوارهای دوایوان »
« شمالی وجنوبی طنابی‌را نقشهائی بود ازچهره دختران‌گرجی وارامنه‌که دیده‌را »
« خیره میساخت ودل بدان نقش‌ونگار بی‌روان میباخت، امروزه‌که برآن گچها »

---

۱ ــ منظور بعدازسال ۱۳۰۰ هجری قمری است.

« کشیده‌اند و طرح برداشته باز حسنش نمودار است . »

« بالاخانه‌های گوشه ایوانها برای خلوت نشینی وخواب بود وخرقه شاه‌صفی»
« وطومار عهدنامه منسوب به حضرت امیر (ع) وقرآن منسوب بخط امام حسن »
« عسکری (ع) درآن بالاخانه محفوظ وخواص‌را ملحوظ ، خط طومار وقرآن‌را»
« چنین نسبت‌میدادند ولی خلجانی‌بقلب مؤلف بخاطراست‌که شاید مانندسیاست »
« آل‌عثمان در قرآن‌منسوب بخط عثمان، صفویه نیز درمورد این‌قرآن خط قدیم»
« نظرسیاسی داشته‌اند . »

« در طنابی چهل ستون ازاره‌های سنگ مرمر وگچبری کار اساتید معتبر »
« و طلا ومیناکاری و شش مجلس نقاشی است : چهار مجلس‌آن را گویند از عهد »
« صفویه بوده ، یکی مجلس همایون شاه پسرظهیرالدین با برکه پس از هجوم »
« شیرخان بدو او بدربار »
« ایران‌پناه‌آورد در(۹۵۱)»
« هرچند آن روزگار »
« قزوین مرکزیت داشت »
« اما همایون را بگردش »
« بلاد تا اصفهان آوردند »
« که‌طهماسب بزرگ‌همه‌جا»
« سلطان‌محمد پدرشاه‌عباس»
« را بمهمانداری او مقرر »
« داشت و اگر مهمانی هم»
« شهر دیگر بوده نقشه »
« را اینجاکشیده‌اند. »
(ش ۲۱)



(شکل ۲۱)

« ومجلسی‌هم بزم شاه عباس بزرگ و حضور ولی محمدخان پادشاه ترك »
« در ۱۰۱۹ که اونیز ملتجی بدربار صفویه شد. » (ش ۲۲)



(شکل ۲۲)

« ومجلسی‌هم جنگ شاه عباس و باز مجلسی دیگر ازشاه صفوی و اکبر »
« یکی ازشاهزادگان هندی که باصفهان آمده و دومجلس‌هم پس‌ازصفویه نقاشی »
« شده وبامر نادر بوده ویقیناً نقاشی مجالس قدرت صفویه را قبلا داشته ازآمدن »
« سلاطین ترك چون ولی محمدخان وعبدالعزیزخان و ندر محمد خان باصبهان »
« یاجنگهای فاتحانه شاه عباس بزرگ بارومیان وبامر نادر بسیاست اتحاد اسلام »
« وبرانداختن نام صفویه حك نموده‌اند وروی آنها نقشه شکست شاه اسماعیل‌را »
« از سلطان سلیم وفتح نادر هند راکشیده‌اند ظنی‌قوی‌است وهم‌گمان میبرم نقش »
« بزم‌باده‌گساری صفویه نیز بامر نادر پیوست بوده‌خصوصاً مجلس شاه‌طهماسب‌که »

« یقینی است باده نبوده و اوسالها بوده همه را ازمیگساری توبه داده وخود لب »
« نیالوده، پس از نادرهم کریمخان زند صورت خود راگفته کشیده‌اند. بکودکی »
« یاد دارم درطنابی چهلستون قالی یك تخته دو رو بافت بودکه هر وجبی از آن را »
« ببهائی گزاف میخریدند بی‌مبالاتی از سال ۱۲۹۸ قمری تا ۱۳۰۵ قطعه قطعه »
« از میان رفت. »

مسترسایکس انگلیسی درجلد دوم تاریخ ایران ترجمه فخرداعی[1] درباب کاخ چلهستون که آنجارا در اواخر قرن سینزدهم و اوائل قرن چهاردهم هجری مشاهده‌کرده شرح مختصری چنین ایرادکرده است:

« عالی قاپو انسان را به باغهای وسیعی هدایت میکند که در آن کاخهای »
« متعددی قرار داشته ومهمتر از همه کاخ چهلستون است. این تختگاه مجلل »
« بابام آن از تنه درختان عظیم چنار بنا شده وبر بیست ستون ساخته شده‌ای از »
« همان درخت یعنی‌درخت چنارنگاهداشته‌اند. اطراف این ایوان ازسنگ‌مرمر »
« سفید پوشیده شده بود و روی‌آن آئینه کاری کرده بودند. جایگاه واقعی‌سریر »
« سلطنت درعقب این ایوان واقع شده بود وازآنجا بشاه نشینی تکیه گاه سریر »
« راه داشت، درهرطرف اطاقهای‌کوچکی برای وزیران وکار آنها تعبیه شده‌بود »
« وپشت سرکه درتمام طول ساختمان امتداد دارد، راهرو ویا غلام‌گردش درازی »
« باسه تابلو نقاشی روغنی بسیار بزرگ و نفیس در هرطرف آن وجود دارد که »
« هرسه تای آنها در این‌کتاب گراور شده است لردگرزن شرحی‌که در این‌باب »
« نوشته ما آنرا ذیلاً نقل میکنیم:

« این تابلوها دوره مجلل سلطنت شاه عباس واسلاف واخلاف او را درنظر »
« ما مجسم میسازد، دراین‌تابلوها شاه‌ایران درحال جنگ ویا درمجلس‌بزم با پیاله »
« شراب مشاهده میشود، سبیلهای بلند وضخیم، چانه‌های تراشیده و عمامه‌هائی »
« که دراین تابلوها بنظر میرسد نماینده یك نوع آرایشی است که مدتها است »

۱- ج ۲ ص ۳۱۱.

« از مد افتاده و منسوخ گردید است . سلاح و لباس جنگجویان ، آلات طرب »
«مطربان وحرکات رقاصه ها درهای‌بسته گذشته را برروی ما باز و تاریخ روزگار »
«پیشین‌را درپیش‌چشم بیننده‌مصور می‌نمایند وگوئی بی‌اختیار هربیننده‌ای‌خودرا»
« دراین مجالس پرشور ومجلل‌بزم ورزم پادشاهان صفوی شریك وسهیم میبابد . »
« کروزنیسکی میگوید : عمارت اولیه چهلستون طعمه حریق شده واین »
« بنای فعلی‌را دوباره شاه سلطان حسین بجای آن ساخته است . » (ش ۲۳)



(شکل ۲۳)

این‌بود وضع گذشته‌کاخ چهلستون‌که مورخان‌شرح آنرا نوشته‌اند ودربرخی موارد اختلافات مختصری دیده میشود واما وضع‌کنونی این‌کاخ مطابق آنچه‌اخیراً نوشته‌اند بررسی میگردد :

مؤلف تاریخچه ابنیه‌تاریخی اصفهان[1] که درسال ۱۳۳۵ شمسی انتشار یافته شرح مبسوطی راجع بکاخ چهلستون نوشته که منتخبی از آن این است :

در جنوب خیابان سپه باغ‌مشجر بزرگی بمساحت ۶۷۰۰۰ مترمربع واقـع شده‌که میگویند‌درابتداء جزء باغ‌نقش‌جهان‌بوده واز وسط آن‌مادی فدا میگذرد. این باغ دارای سه درب خروجی است و در قدیمی باغ درطرف خاور میباشد . در وسط باغ‌تقریباً یك متربلندتر کاخ چهلستون ساخته شده و مساحت‌آن دوهزار و یکصد وبیست (۲۱۲۰) مترمیباشد. پس‌از نقل قول‌میر سیدعلی‌جناب‌مؤلف‌الاصفهان راجع بسوختن‌بیست ستون از چهل‌ستون گفته‌که‌آقای معارفی‌معمار ابنیه تاریخی آثارسوختگی‌را درقسمت‌غرب‌عمارت دیده است . و نیز گفته بعضی‌را عقیده‌براینست عمارت چهلستون دورو بوده وتالار بیست ستونی یاکمتر درطـرف مغرب عمارت وجود داشته واین‌قسمت آتش‌گرفته که آثار در وپنجره‌آن هنوز باقی و در زمان شاه سلطان حسین تعمیرات کلی درآن بعمل آمده‌است . و نیز متذکـر شده که سلاطین صفویه پس‌ازعالی‌قاپو جشن‌های مهم را در کاخ مزبور برگزار میکرده‌اند ووضع‌کنونی‌را چنین بیان کرده است :

ایوان بزرگ‌کاخ بطول۳۸ متر وعرض۱۷ متر و بارتفاع ۱۴ متر روبطرف مشرق بناشده و دارای۱۸ ستون ازچوب چنار وکاج است‌که بشکل کثیرالاضلاع ۱۶ ضلعی و ۸ ضلعی مدور میباشد، چهارستون وسط برروی چهار شیرسنگی قرار دارد وحجاری آنها طوری‌است‌که دوشیر بایك سر نشان داده میشود وازدهان چهار شیر جلوآب فوران نموده داخل حوض مرمر وسط میریخته است .

تاریخ حجاری شیرها را بعضی بزمان هخامنشیان وعده‌ای بساسانیان (خسرو پرویز) وحتی اشکانیان وبرخی بدیالمه وبالاخره بصفویه مربوط میدانند .

درایوان دومی‌که کمی مرتفعتراست دوستون چوبی بارتفاع ۱۲ متر قـرار دارد که با ستونهای ایوان بزرگ بیست‌ستون میشود. بالای این‌ایوان دوکتیبه‌دارد

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ازص۵۰ تا ص۶۸.

یکی مربوط بنای آن در سلطنت شاه عباس دوم یعنی سال (۱۰۵۷ ه. ق) و دیگری مربوط به تغییر آن بعد از حریق یعنی سال یکهزار ویکصد وهیجده قمری هجری است که درسال ۱۳۲۷ هجری شمسی از زیرگچ بیرون آمده است.

سقف ایوان از آئینه های مستطیل شکل و اطرافش ازقطاربندیهای رنگین ساختمان شده است، دیوارهای سفیدیکه دیده میشود در قدیم نقاشی وآینه کاری بوده و ازاره‌اش از سنگهای مرمر منقوش میباشد.

در دوطرف ایوان دواطاق‌که بچهار طرف در دارد واقع شده و هریك دارای تصاویر گوناگون است که اززیرگچ بیرون آمده است ومیرزا عبدالله نقاش‌طرحهای اولیه‌رضا عباسی را باتغییراتی تعمیر نموده‌است دراطاق شمالی درمنبت کاری ومنبر خاتم دوره صفوی و کاشیهای متفرقه سلجوقی و صفوی و سقفف زر اندودی که از زیرگچ بیرون آورده‌اند و نیز در اطاق جنوبی تصویرهائی دیده میشود.

ایوان سومی که مرتفعتر وکوچکتر است بنام شاه نشین وبمساحت۵/۵×۷ متر میباشد. ازاره‌اش ازسنگهای مرمر گلدار وسقفش ازآئینه‌های ریز و قطارهای زرین ساخته‌شده. درطرفین ایوان‌علاوه‌بر آینه‌های مستطیل شکل‌سنگی، چهارتابلو مصورکه دوتای آنها بسیار خوب وبلباس اروپائی و دوتای دیگر را تعمیر بسیار بدی‌کرده‌اند و دولوحه‌ازآیات قرآنی بخط شمس‌الدین‌بن‌ملامحمد سعیدالجیلانی در۱۱۱۹ دیده میشود.

درطرفین شاه‌نشین دواطاق منقوش است‌که درهایش به‌ایوان شمالی وجنوبی بازمیشود. نقاشیهای اطاق جنوبی که دارای صورتهای اصلی و قدیمی است درسال (۱۳۳۱ ه.ش) اززیر گچ بیرون آورده شده است وشامل مجلس بزم مفصلی‌است‌که بسبك‌ایرانی وهندی نقاشی‌شده شاید طرح عروسی رضاقلی‌میرزا باشد باقصه وامق وعذرا وطاقچه بلند سمت راست مجلس یوسف وزلیخا وروبرویش خسرو وشیرین است وچند تصویر دیگر. ودراطاق مقابل شمالی که دردیماه سال ۱۳۳۴ شمسی از زیرگچ خارج شده روبرو مجلس بزم شاه‌عباس است که در کنار نهرآبی نشسته و

جمعیت زیادی ازمرد و زن در اطرافش میباشند و در طاقچه سمت راست یکی از شاهزادگان صفوی وروبرو شاه‌عباس باکلاه مخصوص گرجی دیده میشودکه ازساقی با حضور چندنفر جام میگیرد.

درجرزهای طرفین درورودی دواطاق سه‌تصویر زیبا دیده میشودکه بنابگفته حاج مصورالملکی نقاش ازآثار رضاعباسی است.

دربالای شاه‌نشین محفظه‌ای وجود داردکه درقدیم قرآن امام‌حسن‌وعهدنامه علی‌بن‌ابی‌طالب بانصاری‌وجبه‌شیخ صفی‌الدین اردبیلی درآنجا محفوظ بوده والحال در ویترینهای سالن گذارده شده است.

شاه‌نشین بسالن بزرگی که طولش ۲۲ وعرضش ۱۱متر ازشمال بجنوب وبه ارتفاع ۱۲متر میباشد متصل میگردد. سالن دارای سه‌گنبد منقوش زراندود عالی است که بیننده را مات ومبهوت مینماید. لچکهای رنگارنگ و طرحهای طلائی وشفاف از شاهکارهای هنری و نفیس محسوب است ازاره طالارکه فعلاً با گچ سفید پوشیده شده درقدیم ازکاشیهای منقش مستور بوده است.

ولی اکنون روی نمونه کتاب بررسیهای هنر ایران پرفسور پوپ کاشیهائی تهیه وزینت‌افزای تالار گردیده است دربالای ازاره دورتا دور ۲۴مجلس مینیاتور مختلف دیده میشود که درحال عیش وسرورند همه برروی گچ واز طرحهای اولیه زمان شاه‌عباس صفوی است‌که درسال ۱۳۰۷ شمسی بدون توجه بطرز وسبك‌قدیمی آنها تعمیر و روغن مالی شده است. بالاتر شش مجلس نقاشی نفیس بطول ۶×۴ مشاهده میشود که دو مجلس وسط طرفین تالار جنگ چالدران و کرنال را نشان میدهد ومربوط بدوره نادرشاه افشار است که در زمان محمدخان قاجار بقلم استاد صادق نقاش تعمیر گردیده است. ودرزیر تابلوجنگ‌کرنال چنین نوشته شده است:

«بحسب‌الحکم شاهنشاه دوران فریدون‌فر محمدخان قاجار»

«زکلك صادق نقاش نو شد نشان و فر نادرشاه افشار»

یا صادق‌الوعد

چهارمجلس که دوتا از آنها مجلس پذیرائی شاه‌عباس اول ودوم از پادشاهان ازبك ودوتا دیگرمجلس پذیرائی شاه‌طهماسب ازهمایون‌شاه هندی پسرظهیرالدین بابر که ازشیرزاد افغان شکست خورد ودرسال ۹۵۱ هجری قمری به‌ایران‌پناهنده شد ویکی جنگ با ازبکان ازنقاشیهای خوب قدیمی و جالب است . بنابنظرحاج مصورالملکی نقاش معروف مجالس آخرین بقلم استاد رجبعلی شاگرد مظفرعلی و دوتای اول بقلم استاد صادق است .

عکس ناصرالدین‌شاه قاجاربقلم محمدحسن افشارنقاش درتاریخ ۱۲۷۶هجری درزیر لنگه طاق نیز دیده میشود . چهاربخاری دراطراف سالن بدستیاری مرحوم استاد حاجی اسماعیل گچ‌بر و میرزاعلی بطرز قدیم در سال ۱۳۲۷ شمسی ساخته شده است .

اشیائی که دراین سالن دیده میشود بیشتر مربوط به مقبره شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی‌است‌که برحسب مساعی جناب سیدمحمدتقی مصطفوی ریاست وقت اداره‌کل باستان‌شناسی و مساعدت مرحوم احسنی رئیس فرهنگ وقت و سرپرستی مهندس روانبد ازتهران به‌اصفهان نقل شده واعلیحضرت همایونی شاهنشاه آریامهر هنگام مسافرت برای زدن‌کلنگ تونل کوهرنگ، موزه چهلستون را نیزافتتاح‌فرمودند واین افتتاح درتاریخ هشتم مهرماه ۱۳۲۷ واقع گردید .

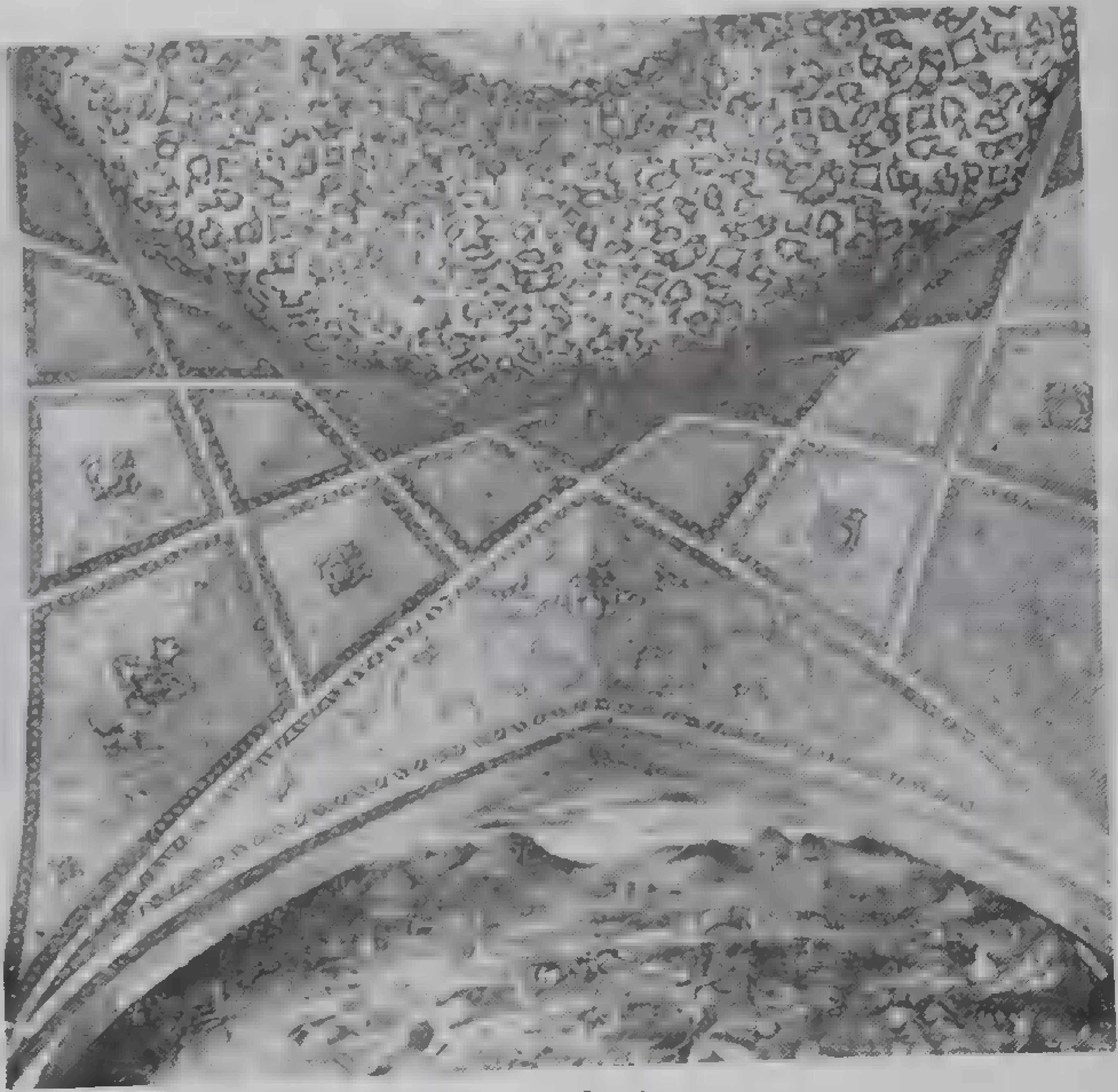
درسه طرف دیگراین سالن سه‌ایوان وجود دارد که هریك دارای نقاشیها و صورتهای بسیارعالی ایرانی واروپائی است‌که بالباسهای قرن۱۷میلادی ترسیم شده وامکان دارد صورت سفرا یاشاهزادگان فرانسوی وایطالیائی باشدکه بدست نقاشان هندی وایطالیائی ساخته شده است .

درتوصیف آن محمدبیك شاعر معاصر شاه‌عباس دوم سروده است :

عکس آئینه‌اش بجلوه‌گری — میکند دیو را بشکل پری

در و دیوارگشته رنگارنگ — همه تصویرهای کار فرنگ

(ش۲۴)



(شکل ۲۴)

روی دوایوان بزرگ چوب‌بست عجیب وغریبی ازالوارهای قطوروبلند بایك اسلوب هندسی وفنی درست‌کلاف شده‌که بیننده را متعجب‌میسازد، وبفاصله سه‌متر بالاتر شیروانی آجری که بمنزله بام عمارت است ساخته شده وپنجره‌های اطراف برای هواکش وعبورومرور پرندگان میباشد. اطراف عمارت مجرای آب است که دروسط آن فواره‌های سنگی ازقدیم موجود است.

درجنوب شرقی باغ عمارت استانداری از زمان قاجاریه است و برج هشت ضلعی سه طبقه مرتفعی از زمان صفویه نیز دیده میشود. قسمت فوقانی آن مورد استفاده استانداری وتحتانیش در تصرف اداره آمار میباشد. نکته‌ایکه ممکن‌است مورد مداقه وبحث واقع شود چهلستون است که بااینکه کمتر از چهل‌ستون‌داشته و دارد آنرا چهلستون نامیده‌اند. (ش ۲۵)



(شکل ۲۵)

آنچه ازمطالعه تاریخی اینگونه اسامی استنباط میگردد اعداد ۷و۴۰و۱۰۰ درموقع اغراق درتوصیف وغرابت ابنیه بکارمیرفته است .

مثلا کاخ صد ستون در تخت جمشید ویا چهلستون مسجد جامع اصفهان و چهلستون‌مسجد جمعه تهران و نظائر آنها ویا چهلستون مسجد گوهرشاد درمشهد مقدس‌که هیچکدام ازنظرعدد بااسم مطابق نیست بلکه‌چهلستون‌کنایه از اینستکه آن‌قصر یاشبستان دربزرگی وتوسعه بحد اعلی‌که احتیاج بداشتن چهل ستون باشد رسیده و آن اندازه وسیع است که بدون اتکاء به چهل ستون ابقای آن مقدور نبوده است .

و همینطور است‌کلمه صد ستون درکاخ صدستون‌که حاکی ومبین وسعت‌زیاد کاخ است که درحدود صدستون تکیه‌گاه لازم دارد .

وبا تشریح نکات مزبور روشن‌گردید اینکه گفته‌اند کاخ چهلستون درموقع حریق چهل‌ستون داشته وبیست ستون‌آن سوخته است اساسی ندارد وهمان بیست ستون را داشته است ، زیرا اگر این‌کاخ چهل‌ستون پیش از حریق داشته بود خلف

شاه عباس دوم هنگام حریق همان چهل‌ستون را میساخت نه اینکه نقصی در آن قائل شود وبا بیست ستون تجدید بناکنند.

درکاخ چهل‌ستون سر درها و ساختمانها و تابلوها و آثار دیگری مشاهده میشود که جزء کاخ مزبور نبوده وبرای محافظت بآنجا نقل گردیده است:

۱- پنجره عالی گچبری که ازشاهکارهای این‌صنعت است و ابتداء تمام‌آن از گچ ریخته شده وسپس ازقسمت پشت خلل وفرج آن باشیشه‌های رنگی تزیین‌شده و سرانجام ترکیبی بی‌نظیر و عالی شده است این‌پنجره ازبنای تاریخی درب امام که ساختمان آن مورخ بسال (۸۵۷ ه. ق) است بعمارت چهل‌ستون انتقال داده شده است.

۲- پایه ستونهائی‌که بصورت مجسمه‌های شیر وانسان درچهارگوشه استخر قرار دارد وچهار قطعه است و دوتخته سنگ حجاری شده بشکل چهارشیرکه در دو باغچه دوطرف خیابان ورودی‌کاخ قرار دارد ازبقایای عمارات سرپوشیده صفوی وآینه خانه بکاخ چهلستون نقل شده است.

۳- سردر کاشیکاری مسجد قطبیه مربوط بزمان شاه طهماسب اول که در مسیر خیابان‌واقع وبرای محافظت بعمارت چهل‌ستون انتقال یافته وروی‌دیوارهای جنوبی‌باغ چهلستون قرار داده شده است.

۴- قطعات کاشیکاری از مسجد آقاسی - مسجد خواجه علم - مسجد درب جوباره - پیربکران نیز برروی دیوارهای جنوبی باغ کاخ مزبور دیده میشود.

۵- سردرب‌کاشیکاری بنای تاریخی درکوشك مورخ بسال (۹۰۲ ه. ق) ازعهد رستم آق‌قوینلو که برای محافظت به کاخ چهل‌ستون منتقل و درقسمت ضلع‌غربی باغ نگهداری میگردد.

این کاخ باستانی طی شماره ۱۰۸ بثبت تاریخی رسیده است[1].

۳- عالی‌قاپو:

این‌نام بدو صورت تلفظ‌گردیده‌که برای هرکدام وجه تسمیه‌ای است. آنچه

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ص۵۰.

بیشتر درمورد محاورات ومکاتبات متداول میباشد عالی‌قاپو است که مرکب ازکلمه عالی وقاپوی ترکی بمعنی درمیباشد یعنی باب عالی و مراد اینست همان طورکه در عثمانی باب عالی معمول بوده بین ایرانیان شیعه هم چنین بابی وجود داشته‌که‌مانند باب عالی عثمانیها مورد احترام بوده است و از اینرو کلیه کسانی که میخواستند وارد عالی‌قاپوشوند باید خم‌شده آستانه‌را بوسیده وداخل شوند وحتی شاه‌عباس‌هم هنگام دخول باین‌عمارت از اسب پیاده میشده است . گذشته از این عالی‌قاپو محل تحصن مقصران و گناهکاران بوده‌که هرجانی و یاگناهکاری که وارد درب عالی قاپو میگردیدکسی نمیتوانست اورا ازآنجابیرون بیاورد مگر بامر شاه صفوی وخلاصه عالی‌قاپو همان احترامی‌را داشت‌که باب عالی درعثمانی .

و اما عده‌ایکه آنرا علی‌قاپو و علی‌قاپی نوشته‌اند معتقدند که هنگامیکه شاه عباس‌کبیر درب نقره برای بارگاه حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام بـه نجف برد و نصب کرد دری‌را که در پیش‌آنجا نصب شده بود برای تیمن و تبرك باصفهان آورد و درعلی‌قاپو نصب‌کرد وازاین جهت آنرا علی‌قاپو و یا قاپی نامیدند که این در منسوب به حضرت علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام است واز اینرو مـورد احترام شاه ومردم بود وحتی‌تا چندسال پیش‌هم مردم در اطراف آنجا آش‌ها می‌پختند و نذوراتی میکردند و بزنجیر جلو در مزبور رشته هائی بعنوان دخیل می‌بستند و همانطورکه گفته شد درزمان سلاطین صفویه جای بست گناهکاران بود .

درهرحال ازهردونام و وجه تسمیه چیزیکه استنباط میگردد نصب این در و رفتاری‌که در مقابل‌آن در میشده مربوط بیك امرسیاسی بوده‌که همان استقلال صفویه درمقابل عثمانیها باشد .

واما عمارت عالی‌قاپو بنیانش اززمان سلطنت سلاجقه است و درزمان صفویه دارای آن همه زیبائی‌وشکوه شده است ودرب آنرا شاه عباس بزرگ ازنجف‌اشرف آورده وازاین‌جهت مورداحترام سلاطین صفویه و مردم بوده است و چون این‌کاخ درمقابل باب عالی عثمانی‌ها قرار داشته فوق‌العاده درجهت‌عظمت وزیبائی آن‌همت مصروف داشته‌اند .

کاخ عالی‌قاپو سه طبقه وهر طبقه منقسم بدوطبقه اطاق است که درواقع شش طبقه میشود وچون ازبام طبقه آخر میتوان تمام مناظر شهررا دید خودبام را هم یك طبقه حساب کرده‌اند ومیگویند عالی‌قاپو هفت طبقه است ارتفاع آن ۴۸ متر و در ۲۸ متری دارای ایوان بزرگی است که درمیان ستونهای آن حوض مسی قرار داردکه آب ازآن فوران میکرده است .

گچبری و نقاشیهای عالی اطاق‌های متعدد آن هر بیننده را خیره میکرده و اکثرگچبریها بشکل بطری وشیشه‌های شراب است . (ش۲۶)



(شکل ۲۶)

این کاخ در غرب میدان شاه است که عرصه آن ۳۸۶ مترطول و ۱۴۰ متر عرض است ، در مقابل عالی قاپو مسجد شیخ لطف‌الله در شرق میدان واقع شده است .

شاردن فرانسوی که سه مرتبه باصفهان مسافرت کرده وعمارات و کاخهای دولتی را دیده گفته است :

« عالی قاپو بزرگترین کاخی است که ممکن است دریك پایتخت وجود داشته باشد » . پس میتوان گفت که این کاخ در زمان صفویه از بهترین کاخهای دنیا محسوب میشده است و ازاین رو محتوی برتمام مزایا ومحاسن بوده وآنچه لازمه یك کاخ سلطنتی بوده درآن وجود داشته است . (ش۲۷)



(شکل ۲۷)

برای اینکه وضع کاخ مزبور درپایان قرن سیزدهم هجری معلوم گردد بهتراین است که نظریه مورخان آن زمان را نقل کنیم. مؤلف نصف جهان فی تعریف الاصفهان[1] چنین گفته است :

« اما عمارت علی قاپی که دروازه بزرگ عمارات دولتی بر آن است وآن مثل»

۱ــ نصف جهان فی تعریف الاصفهان ص۳۸ تا ص ۴۰ .

« سردری بر آن واقع شده محل نظر مهندسان و تمام معماران ایران وغیره است و »
» بوضعی ساخته شده که مایه حیرت جمع گشته‌است . عمارت باین ارتفاع و باین»
« قطر وباین پایه واین استحکام که ازوقت بنای آن تا کنون که قریب سیصد سال »
» است با وجود تواتر شلیك توپ و تفنگ که در آن میدان واقـع است اصلا »
« خللی و تزلزلی دراصول وبنیان آن راه نیافته مگر بعض فروع آن ازکاشیکاری »
» وغیره که فی الجمله ریخته است ، ومجملاً عمارت مذکور ارتفاعاً محتوی برپنج »
« طبقه‌است که درزیری آن راه ودهلیز عمارت است ودوجهت عرض نیزهریك پنج»
» چشمه‌دارد که همه آنها مشتمل برحجرات وهمه بالای یکدیگراست ومحلهای »
» نیکو است و یك جهت آن با دیگری چشمه ها متفاوت است ، این عمارت را »
» شاه عباس بزرگ بنا و تمام نموده و دروازه ازصحن نجف اشرف تیمناً و تبرکاً »
« آورده است وبر آن نصب کرده وتا حال دروازه عمارات است وبجا است وبهمین »
« سبب آنرا علی قاپی نام نهاده است . سلاطین بعدازاو پیش این دروازه را عمارت »
« خروجی بطرف میدان طرح انداخته وساخته‌اند ودوطرف آنراهم یمیناً ، یساراً »
« دخولی وحجرات بنا کرده و بربالای همه آن طالاری بطرزی خوب و وجهی »
« مرغوب بنا و تمام نموده‌اند با ستونهای بلند و سقف مـرتفع باستحکام استوار »
« کرده که بیننده را حیرت افزاید و در میان آن طالار حوضی ساخته‌اندکه در »
« زمان پیش آب مینموده‌اند وبا استحکامی است که اصلاً رطوبتی بسقف بنای زیر »
« آن نشرنمیکرده واین طالار محل نشیمن پادشاه برای عرض لشکربوده وازچند»
« حجره میانی آن عمارت رفیع راه ورود باین طالاراست وچنان استادی درساخت »
» واتصال این دوعمارت نموده‌اندکه کسی گمان نمیکند اینها را در دو وقت ساخته »
« و متصل نموده‌اند و چون بربالای این عمارت بطبقه آخری روند تمام شهر بل »
» اطراف آن نمایان وناظر را حالت انبساط وفرح روی بنماید و درآن بالاهم یك»
» مربعی محلی باز ساخته‌اند که چون بر آن روند نمایندگی زیاد وصفا بیشتر و »
« کیفیت غریب‌ترباشد . مثل این عمارت وغرابت ونفاست آن که درتمام ایران بلکه »

« بسیاری ازممالك دیگر موجود نیست . » (ش۲۸)



(شکل ۲۸)

میرزاعلیخان نائینی روزنامه‌نویس ناصرالدین‌شاه قاجار درسال ۱۳۰۰ هجری قمری گزارشی که راجع بتاریخ وجغرافیای ایران در دوجلد تهیه کرده که هنوز مخطوط وتا چند سال قبل درکتابخانه‌وزارت دارائی بود و بطوریکه در پیش اشاره شده آنچه راجع باصفهان نوشته عیناً با کتاب جغرافیای اصفهان میرزا حسینخان تحویلدار که بچاپ رسیده بعین منطبق میباشد راجع بـه کاخ عالی قاپـو چنین نوشته‌است(۱) :

« تالار وقصرعلی‌قاپو تاحال به نیکوئی وعظمت وارتفاع آن عمارتی‌درایران »
« ساخته نشده پنج‌طبقه قصرمزبور بانضمام کلاه‌فرنگی عرشه آن ۳۴ذرع ارتفاع »

۱ ــ ازصفحه ۲۱ جغرافیای اصفهان تا ص۲۲ باگزارش مزبور منطبق است .

« دارد هر کدام از طبقاتش مشتمل برمکانهای ملوکانه واطاقهای وسیع وطاقهای رفیع »
« وبیوتات زمستانه وتابستانه وجلوقصر ازپایه روی زمین الی محاذی سقف طبقه »
« دوم قصر ، پایه وصحن تالارعظیم فوقانی واقع شده که تالارمزبورمشرف برمیدان »
« نقش‌جهان و۱۸ ستون بسیاربلند درآن استواراست . محسنات وخصوصیات تالار »
« وبیوتات طبقات قصر مزبور ازتوصیف بیرون است ، معلوم میشود چاه‌دم وتلنبه »
« هم درآن زمان ایران معمول ومصطلح بوده زیرا که درطبقه دوم قصر که عقب »
« زیرین مرتبه تالار واقع شده چاه ومنبع بزرگی است وجای دوتلنبه داردکه‌اول »
« با گاو وطناب ازچاه آب میکشیده‌اند درمنبع بالای طبقه دوم قصر، من بعداز »
« آن منبع با تلنبه‌ها بالا میبرده‌اند بطبقه سیم که ازآشپزخانه ومطبخ آن‌طبقه »
« قصرراه داردکه وارد حوض‌مرمربزرگ وسط تالارمزبور میشود، کف ودیوارهای »
« آن حوض ازمس یکپارچه است وغیراز مجرای دوسوراخ تنگ تلنبه ممر و »
« مدخلی بجهت قصروتالار ندارد که با چرخ ودلو بتوان آب‌کشید . ودیگردرب »
« بسیارعالی که بدروازه دالان تحتانی قصر منصوب است از چوب زیاد با دوام و »
« قوامی است معروف به‌چوب‌کلوذه[1] که جوزق درختی باشد ، از هر چوبی‌هست »
« درب اول بقعه متبرکه حضرت امیرمؤمنان علیه‌السلام‌است‌که سلاطین‌هندوستان »
« در نجف اشرف برده بودند . وقتی شاه‌عباس صفوی درب نقره را برد وبجای آن »
« نصب‌نمود درب مزبور را جهت تیمن وتبرك باصفهان آورد وبدروازه دالان قصر »
« وتالار برقرار فرمود، الآن قصرمنسوب بآن درب است ودرب موسوم به‌علی‌قاپی »
« وقبله‌گاه خلایق . »

وضع ساختمان عالی قاپو را مستر سایکس انگلیسی بطور اختصار چنین توصیف‌کرده[2] :

« درطرف مشرق میدان شاه علی‌قاپی یاعالی‌قاپو (دروازه بزرگی) قراردارد »

---

۱ ــ درخت کلوزه که درایران بصورت بوته است درهندوستان درخت دارد ودربی را که از هندوستان به‌نجف برده‌اند ازچوب درخت مزبورساخته شده بوده است .

۲ ــ ترجمه ج۲ تاریخ مسترسایکس ص۳۰۹ .

« که آن مدخل قصرسلطنتی بوده است . این بناعبارت از یك طاق‌نمای بزرگی »
« است که روی آن یك تالاربزرگ برروی ستونهای چوبی قرارگرفته ویکی از »
« نمونه‌های خاص معماری عصرصفوی است . دراین تالار پادشاهان صفوی باللباس »
« تمام رسمی سلطنتی روزعیدنوروزرا بارعام میدادند. شاردن میگوید : (این تالار »
« زیباترین تالاری است درنوع خود که من درتمام دنیا دیده‌ام) وازهمین‌عمارت »
« بود که شاه صفوی مسابقه‌های چوگان بازی، اسب سواری ، و جنگ حیوانات »
« وحشی را درحضور هزاران رعایای خود تماشا میکرد . » (ش ۲۹)



(شکل ۲۹)

جابری انصاری درتاریخ اصفهان و ری[1] اظهار نظرکرده که اشتهار اینکه درب عالی‌قاپو را ازنجف آورده‌اند برای جلب افکارعمومی واحترام بدربارصفوی

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۳۸ .

بوده است واگر نه آوردن درب از نجف اشرف محرز نیست.

در تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان وضع گذشته وزمان تألیف (۱۳۳۵ هـ.ش) را تشریح کرده و چنین گفته[۱] :

« عالی‌قاپو ـ علی‌قاپی ـ درمیدان نقش‌جهان دوره تیموریان که تبدیل به »
« میدان‌شاه‌امروزی‌شده است‌عمارتی‌اززمان‌تیموریان‌باقی‌بود‌که‌درزمان‌شاه‌اسماعیل »
« صفوی تااندازه‌ای‌آباد وسپس‌بحالت خرابی درآمد، وقتی‌که شاه‌عباس‌اول صفوی »
« پای‌تخت را باصفهان انتقال داد ابتدا درباغ بزرگی‌که درطرف طوقچی‌بودمنزل »
« نمود وسپس‌که میدان را مسطح ومرتب کرد عمارت قدیمی را نیز برای‌سکونت »
« خود و درباریان ساختمان نمود. و در دوران شاه‌صفی وشاه‌عباس دوم (۱۰۵۳) و »
« شاه‌سلیمان و شاه‌سلطان حسین نیز تعمیراتی ازآن بعمل‌آمده است. سیاحان و »
« مورخین‌خارجی وداخلی شرح مفصلی نسبت بوضعیت وشکوه این‌کاخ نوشته‌اند »
« بخلاصه اینکه : درآن تاریخ این قصر ازتمام قصور سلاطین زیباتر و دلرباتر و »
« جامع‌تر بوده است ».

« این‌عمارت فعلاً دارای جلوخانی‌است‌که درطرفین‌آن دواطاق وازاره‌اش »
« تماماً بارتفاع‌یک‌مترونیم ازسنگ‌سیاه پوشیده واستوارشده وتمام بنااز آجرهای »
« تراش ویکنواخت ساختمان‌گردیده است وکسی حق نداشته سواره وارد شود . »
« درجلو این جلوخان ازقدیم زنجیردانه درشت آهنی وجود داشت که بحلقه‌های »
« طرفین بازوبسته میشد که هرکس پناهنده میشد درامان سلطان بوده است . »

« بفاصله چندمتردراصلی کاخ ببلندی ۵متر واقع است‌که روی آنرا ازفلز »
« مطلا جدول‌کشی نموده‌اند و درطرفین دوسکوی بزرگی بابعاد ۲/۵×۴متر از »
« شش‌پارچه سنگ‌مرمرظریف ساخته شده وبالای درورودی عبارت: انامدینةالعلم »
« وعلی بابها برروی‌کاشی زمینه زرد نوشته شده است . آستانه این درسنگ مرمر »
« مدوری است‌که میگویند شاه‌عباس هروقت سواره میآمد دراینجا پیاده میشد و »
« پا روی آستانه نمیگذاشت وعبور میکرد . »

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان از ص۸۷ تا ص ۹۷.

« درباره وجه تسمیه عالی‌قاپو بعضی را عقیده آنست‌که این دررا شاه‌عباس »
« از نجف وبجای درنقره‌ای که بدانجا برده آورده و ازاین‌جهت علی‌قاپی نامیده »
« میشود. عده دیگری گویند بجهت اینکه در بلند و عالی است بنام عالی‌قاپو »
« گفته‌اند ویا دربرابر باب‌العالی ترکیه نام گذارده شده، این در نیزدارای زنجیر »
« مطلائی بوده‌که حکم بست را داشته والحال نیز قطعهٔ ازآن باقی است‌که تااین »
« اواخر مردم متوسل بآن شده نذوراتی مینمودند و مانند مقابر متبرکه نیز »
« پارچه‌ای باین زنجیر می‌بستند. »

« بالای درورودی پنجره مشبك چوبی‌اززمان قدیم باقی‌است. دهلیزعمارت »
« ازاره‌اش ازسنگهای سیاه وبالاتر تماماً ازنقاشیهای زیبا گل‌وبوته تزیین یافته »
« وروی آنرا گچ‌کشیده بودندکه این اواخرکم‌وبیش نقاشیهارا اززیرگچ بیرون »
« آورده‌اند. »

« دودهلیز ورودی وخروجی عمارت از مشرق بمغرب یابعکس بطورعمود »
« بریکدیگر مانند صلیب ساخته شده‌که دراصلی وسکوهای سنگ مرمرطرفین »
« واسطه بین آن دواست. در یکی از جادرهای این کاخ طبقات مختلفه تعمیر و »
« نقاشی کاخ را درگذشته بخوبی نشان میدهد، در روی یکی از ورقه‌های نقاشی »
« دیوار این عبارت خوانده میشود: گرکند براه تو ... زانکه تقوی سرهم کرم »
« است. »

« ناگرفتن درم بوجه حرام بهتراز بذل کردن .. امیرالمؤمنین علی... »
« فرماید ... نمیدانم چرا بامن عداوت بیشتردارد. کتبه‌الفقیرسیدافضل‌مقصودعلی »
« دورانی بتاریخ جمادی‌الاول ۱۰۳۲ ومخصوصاً نامی ازشاه‌صفی و تاریخ آن برده »
« است. »

« این بنا درقدیم دوراه پلکان پیچ‌مانند داشته‌که اکنون‌باقی‌است وشاه‌عباس »
« راه وسیع‌تری برای ایاب‌وذهاب خود وسفراء ساختمان نموده‌که کف تمام‌آنها »
« ازکاشیهای هفت رنگ عالی‌تزیین شده‌بوده است، این‌راه شامل ۴۰پلکان ودوراه »

« دیگر دارای ۱۷ پله میباشد و تا طبقه چهارم اطاقهای متعدد ومنقوش دراطراف »
« دهلیز ببالا دارد که مختص بدرباریان بوده است . »

« شاه‌عباس‌کبیر بیشتر وقت خود را در این قصر بسر میبرد و پذیرائی‌های »
« رسمی را نیز درهمین‌جا اختصاص داده وازبالای تالار سان قشون و پیشکشهای »
« سفرا وچوگان‌بازی ویا عملیات‌ورزشی پهلوانان را تماشا میکرده .»

« این ایوان بطول ۲۸ و عرض ۱۶ و ارتفاع ۱۲ متر وازکف میدان تازیر »
« سقف ۲۴متر میباشد که فقط طرف غرب‌آن متصل بکاخ یا اطاقهای مسکونی »
« است، ایوان دارای۱۸ستون چوبی وبرروی پایه‌های سنگی منشوری‌شکل قرار »
« دارد ، این ستونها مانند ستونهای عمارت چهلستون ۱۶ضلعی و۸ضلعی و دارای »
« نقاشی و آینه‌کاری بوده است که دردوره قاجاریه ازبین رفته ودرسال ۱۳۲۷ نیز »
« برای تعمیروجلوگیری ازنفوذ موریانه تخته‌های روکوب آن برداشته شد . در »
« وسط این ایوان حوض مستطیل شکلی بابعاد ۴در۵٫۶متر است که اطرافش از »
« سنگهای مرمر وکف حوض ازمس پوشیده شده ودارای سه‌فواره بوده است . »

« درپاشویه این حوض قسمتی ازسنگ مرمر مشبك وبرای خروج آبهای »
« زیادی بوده که از دوناودان مطلای طرفین طالار روبطرف میدان‌شاه میریخته »
« است . منبع آب این حوض را دردامنه کوه صفه میدانند که از آنجا بعمارات »
« سلطنتی دنباله رودخانه مانند آینه خانه وهفت دست و غیره میرسیده و سپس »
« باین عمارت میآمده است . ولی ازنوشتجات سیاحان وغیره مخصوصاً بنا بگفته »
« شاردن چنین معلوم میشود که درجنب این‌کاخ نیزچاهی بوده که بوسیله چهار »
« گاو با دم مخصوصی آب بطبقات مختلفه میرسیده‌است، دربالای این‌تالاراشعاری »
« بشرح زیرموجود است که چند فرد آن نوشته میشود : »

« یاالله ــ ازپی امرشهنشاه باایمان ودین ــ یامحمد »

« داور دین‌پرور . . . . امین ــ یا علی »

« کلب درگاه علی فخر شهان ــ یا الله »

« حامی دین جان سلطان زمان ــ یا محمد »

« زانکه آب رحمتست خاك بهشت ـ یا علی‌مدد »
« دست قدرت طینت گردون سرشت ـ یا الله »
« پایه ایوان کاخش بی‌حساب ـ یا محمد »
« باشد آن‌جائی که سرزد آفتاب ـ یامحمد یاعلی »
« منتظم باشد ازآن گردون مآب ـ یا الله »
« ران . . . همچو . . انتخاب ـ یا محمد »
« روز بادا امیرالمؤمنین ـ یا علی »
« شاه دین شاه زمان سلطان حسین »
« یا الله . . . این سلیمان‌بن سلیمان بارگاه . »

« ازاره دیوارها تماماً ازنقاشیهای بسیارزیبا ومطلا تزیین‌شده بوده‌که الآن »
« نیز مشاهده میشود ودرقسمتهای بالا هم تصاویر متعدد ایرانی واروپائی موجود »
« است‌که هر بیننده را مات ومتحیر میسازد این‌نقاشیها دردوران هریك ازسلاطین »
« بطرزخاصی تعمیرونقاشی‌شده‌وبعد درزیرگچ مستورگردیده روی بعضی‌صورتهای »
« موجوده را درسال۱۳۲۸ ازطرف باستانشناسی شیشه نصب نمودند که ازدستبرد »
« وخرابکاری جهال محفوظ ماند ، ولی متأسفانه افراد مغرض ونادان از شکستن »
« شیشه‌ها وخرابی صورتها دریغ نداشته‌اند . »

« سقف این طالار ازتخته چوبهای مثلث‌الشکل و با رنگهای عالی منقش »
« تزیین‌گردیده است‌اطاق شاه‌نشین بمساحت ۷ × ۸ × ۹متر ودرطرفین آن‌شش‌اطاق »
« کوچکتر ومنقش بنقاشیهای‌گوناگون‌که هریك دلپذیرتر از دیگری‌است واقع »
« شده وطول زمان وگچ‌کشی روی آنها کمترین تأثیری وتغییری درنقاشی وآب »
« ورنگ آنها نداده است . »

« در شاه‌نشین اطاق از ازاره ببالا همان نقاشی‌های عالی و قلم معجزآسای »
« نقاشان باایمان صفوی که بااستادی علیرضا وامثالهم ساخته شده بقدری زنده با »
« روح ومتناسب است‌که هرقدرنگاه‌کنی غیرممکن است که دیده خسته ویاکسل »

« شود . هرقسمتی ازاین اطاقها وطاقچه‌ها نوعی مخصوص وبقلم نقاشان ایرانی و »
« اروپایی تزیین شده است . »

« اطراف این ایوان درقدیم نرده و طارمیهای چوبی مشبکی‌داشته است . »
« چوب‌بست روی ایوان که ازالوارهای قطور وچوبهای عظیم بااصول معماری و »
« هندسی کلاف‌کشی شده و سقف ایوان وستونها را استوارداشته موجب حیرت و »
« تعجب است . »

« درسال ۱۳۳۴ بنابرتصمیم اداره‌کل باستان‌شناسی تعمیرات لازمه سقف و »
« طره‌های اطراف بعمل آمده وشیروانی آهنی زده شده . در طبقه پنجم عمارت »
« اطاقها وایوانچه‌هائی است که همه از نقاشیهای بسیارزیبا وخوش آب ورنگ »
« نقاشی‌شده وچنانچه معروف‌است ومورخین نیز نوشته‌اند ازاین‌طبقه‌ببالا مسکن »
« حرمسرای شاهی بوده که مسلط برطالار وایوان شاهی باشند وبتوانند عملیات »
« وجشنها وپذیرائی‌های شاهانه را مشاهده نمایند . »

« درطبقه ششم که وارد شوید برحیرت وتعجب شما افزوده میشود ، زیرا »
« اطاقهای متعدد تودرتو و گچبریها و نقاشیهای حیرت‌انگیز مختلف را خواهید »
« دید که هرقسمتی بطرزخاصی جلوه‌گراست ازاره وبدنه این اطاقها وطاقچه‌ها »
« تماماً ازصور مختلفه زن ومرد ایرانی واروپائی بنوعی خاص نقاشی شده و در »
« بالا گچبریهای زیبائی مانند جای ظروف ویاباشکال هندسی ساخته‌اند . عده‌ای »
« را عقیده برآنستکه در زمان شاه‌عباس حبس‌الصوت بوده که وقتی نوازندگان »
« دست از نواختن میکشیدند مجدداً همان صدا و آواز بگوش میرسیده است ، »
« ودر کتب و نوشتجات نیز این اطاقها را بسفره‌خانه ویا شرابخانه ویا چینی‌خانه »
« نامیده‌اند . »

« طبقه هفتم عمارت یا سقف بام که بارتفاع ۴۸متر از روی زمین میباشد »
« مشرف برتمام‌شهراصفهان‌است ومنظره بی‌نهایت‌عالی وجالب توجهی را دربیننده »
« ایجاد میکند وبیشتر سیاحان و یا تماشاچیان آمدن به‌عالی‌قاپو را برای دیدن

« منظره شهراصفهان و نقاشیهای زیبای آن انتخاب مینمایند . ازبالای این کاخ »
« آثار تاریخی اصفهان در مشرق مانند بناهای دوره سلجوقی ومسجد سلطانی در »
« جنوب وطرف مغرب کوه آتشگاه ومدرسه سلطانی وسایر بناهای زیبای اصفهان »
« را میتوان بخوبی مشاهده وعکس برداری نمود . »

« منظره میدان شاه و مسجد زیبای شیخ لطف‌الله روح تازه‌ای بهر بیننده و »
« عاشق این ابنیه میدهد . درمغرب این کاخ عمارت شهربانی است که گنبدآجری »
« توحیدخانه یا گنبد طاوس دوره صفوی واقع شده ، این گنبد داخلش تزیینات »
« آجری زیبائی داردکه درزمان صفویه قابل توجه بوده واکنون زندان شهربانی »
« است وعوام آنرا گنبد شیرگویا مینامند . »

« این کاخ درزمان صفویه احترام خاصی داشته وتمام مردم درباره آن بچشم »
« احترام وبزرگواری نگاه میکردند وبتمام باغات وعمارات سلطنتی متصل بوده »
« است. شاه‌عباس جشن نوروزسال (۱۰۰۶ه ۱۵۹۸م) را برای اولین مرتبه دراینجا »
« برپا نمود و بعداز او نیز هریك ازسلاطین دراین قصر جشنهائی ترتیب داده و »
« پذیرائیهای شاهانه ازبزرگان وسفرای خارجی نموده وبرشکوه وجلال این قصر »
« افزوده‌اند، شاه‌عباس دوم وشاه‌سلیمان هریك پذیرائیهای مفصلی دراین کاخ نموده »
« که شرح تفصیلی آنها درتاریخ درج است . »

« درزمان شاه‌سلطان حسین نیزاین قصرتعمیرشده ودردوره افاغنه واواخر »
« قاجاریه خراب گردیده است . مطابق کتیبه سر در ورودی بر روی کاشی بسال »
« ۱۲۷۴ هجری درزمان ناصرالدین شاه قاجار تعمیرگردیده وبعداً متروك مانده »
« تا دردوره رضاشاه فقید تحت تعمیردرآمده ومدتی اداره شهرداری بوده واکنون »
« درتصرف وزارت فرهنگ واداره باستان‌شناسی محافظت میشود . »

« دراین پانزده‌سال اخیر که نگارنده عهده‌دار قسمتی ازامورباستان‌شناسی »
« میباشم بعلت نبودن اعتبار نمایندگان محترم باستان‌شناسی موفق نشدندکنجکاوی »
« بیشتری نسبت بنقاشیها ویا تاریخ وکتیبه‌های آن بنمایند، علاوه براین احتیاج »

« کاملی بتعمیر اطاقها وکلاف‌کشی اطراف وتعویض بعضی‌ستونهای معوج آن دارد، »
« زیرا شکافهای گوناگون براین بنای باستانی وارد گردیده وامید است بزودی »
« تعمیرات شایانی ازاین بعمل آید » .

مؤلف دانشمند گنجینه آثارتاریخی اصفهان راجع بوضع ساختمان عالی‌قاپو چنین نوشته است[1] :

« تالار عمارت عالی‌قاپو ازالحاقات دوره شاه‌عباس دوم است : »

« بطبقه سوم عمارت عالی‌قاپو در دوره شاه‌عباس دوم تالاری با ۱۸ ستون از »
« چوب چناراضافه شده است که ستونهای آن باآینه پوشش میشده وسقف آن با »
« صفحات بزرگ نقاشی روی آلتهای چوبی تزیین شده . بایك‌نظر بساختمان این »
« تالار، الحاقی بودن‌آن بعمارت اصلی واضح میشود . دروسط این تالارحوضی از »
« مرمر ومس قراردارد که دارای فواره‌هائی بوده ودرمراسم مخصوص‌آب ازآنها »
« جستن‌میکرده (شاردن‌سیاح‌فرانسوی‌که دردوره سلطنت‌شاه‌عباس‌دوم وشاه‌سلیمان »
« در اصفهان بوده و این عمارت را در سفرنامه خود توصیف کرده است صریحاً »
« مینویسدکه‌آب را بوسیله ماشینهای مخصوصی بالا میآوردند وبدیهی است‌آنچه »
« را که شاردن ماشین مینامد چیزی غیراز چرخ آبهای معمولی منازل اصفهان »
« نمیتواند باشد : مؤلف) اصولاً توجه بساختمان تالارها باحوض وجهش آب از »
« فواره یاشیرهای سنگی‌ازاختصاصات بناهای‌دوره شاه‌عباس ثانی‌است واین‌کیفیت »
« درتالارچهلستون‌وتالار عمارت‌آئینه‌خانه‌که دردوره سلطنت این‌پادشاه باتمام‌رسیده »
« به‌خوبی‌مشاهده میشود. دیوارهای تالارعمارت عالی‌قاپو بطوریکه عیان‌است‌دارای »
« دوپوشش تزییناتی میباشدکه برروی‌هم قرارگرفته‌اند . پوشش زیرین تزیینات »
« عهد شاه‌عباس‌دوم است وپوشش بعدی تزییناتی است‌که بذوق وسلیقه شاه‌سلطان »
« حسین درتالاراین کاخ اضافه شده است. تزیینات نقاشی واشعاری بخط نستعلیق »
« قرمزرنگ‌برزمینه گچ‌سفید درزیرقشری ازگچ دیگرکه دراواخر عهدقاجاریه »

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص۴۲۲ تا ص۴۲۶ .

« دو پوشش عهد صفوی را مستور نموده بوده است آسیب زیاد دیده معذلك در »
« بعضی قسمتها تشخیص این تزیینات وبعضی خطوط که درسنوات اخیراززیرگچ »
« خارج شده امکان‌پذیر شده است . »
« کلمات ومصرعهائی‌ازاشعارمنقوش بردیوارعمارت عالی‌قاپوکه ازتعمیرات »
« یااضافات دوره شاه‌سلطان‌حسین حکایت میکند وهنوز قابل خواندن‌است بشرح »
« زیر میباشد : »
« یاالله ...... شهنشاه دین (یامحمد) داور دین‌پرور ایران‌زمین (یاعلی‌مدد) »
« کلب درگاه علی فخرشهان (یاالله) حامی دین نبی .... (یامحمد) آنکه زآب »
« رحمت وخاك بهشت (یاعلی‌مدد) دست‌قدرت طینت‌گردون سرشت (یاالله) پایه »
« ایوان قدرش بی‌حجاب (یا محمد) باشد آنجائیکه سرزد آفتاب (یا علی‌مدد) »
« منتظم باشد ازآن‌گردون مآب (یاالله) ....ملت همچون‌آن جناب (یامحمد).... »
« (یاعلی‌مدد) شاه‌دین‌شاه‌زمان سلطان‌حسین (یاالله) بن‌سلیمان این‌سلطان‌بارگاه »
« اشعارمحمدبیك فرصت راجع بساختمان ایوان عالی‌قاپو: (بنقل ازقصص‌الخاقانی »
« خطی): درسال ۱۰۵۳ هجری شاه‌عباس ثانی‌بمیرزا تقی‌الدین محمد وزیراعظم‌خود »
« دستورداد معماران عالی‌قدردرعمارت عالی‌قاپو روبطرف میدان‌نقش‌جهان تالاری »
« بنا نمایند وروز پنجشنبه بیست‌وچهارم شهرذی‌القعده سال ۱۰۵۳ بنای این‌تالار »
« گذاشته شد ودر عرض اندك مدتی باتمام رسید . شاعری موسوم به محمدی‌بیك »
« متخلص به (فرصت) که توپچی سرکار شاهی بود درتاریخ بنای تالار این اشعار »
« را سروده است : »

« ای معلا بنای عرش نظام — وی فلك کرسی فرشته مقام »
« سربسر عالم از تو گلشن شد — از تو چشم زمانه روشن شد »
« گرچه فرزند مادر خاکی — خلف خاندان افلاکی »
« تا زمین از تو یك نشان دارد — سرفرازی برآسمان دارد »
« آسمان از بلندیت شده پست — تا تو برخاستی سپهر نشست »

« گر فرو ریزد آسمان برهم   نشود خشتی از بنای توکم »
« چل ستون تو چهلستون باشد   که مدامت نگاه بآن باشد »
« هرستونی که ازتوپای بجاست   فلك پیر را بدست عصاست »
« هر ستون تو ای رفیع بنای   شده راهی بعالم بالای »
« طرحش ازگرد نور ریخته‌اند   در گچ او ستاره بیخته‌اند »
« آسمان با مهی در افشانش   کهنه فانوسی از شبستانش »
« بهر دیوان آن سپهربنا   زحل افکنده خشت بربالا. »
« حسن خورشید بام دیوارش   من ندانم که بوده معمارش »
« سقف اورا چه‌جای زیور بود   قبه زر بسی مکرر بود »
« نصب کرد آخر اوستاد هنر   مهر انور بجای قبه زر »
« زده آن طارم فلك پایه   آسمان را بسر گل سایه »
« سقف تالار آن رفیع بنا   بر سر عرش گشته چتر گشا »
« تا فلك دیده سرفرازی او   خوانده تکبیر جان درازی او »
« روی طاقش ز فیض یزدانی   چون کریمان گشاده پیشانی »
« در و دیوارش از کرشمه نگار   گل تصویر او همیشه بهار »
« بلبلان خمش بناله زار   میسرایند بر در و دیوار »
« مرغ تصویرش ار نظاره کند   گل گریبان رنگ پاره کند »
« نیست ممکن که هیچ دانائی   بخیال آورد چنین جائی »
« دم عیسی هوای منظر او   لوح تقدیر تختهٔ در او »
« بت چنین‌است نقش‌خاك درش   در فردوس سینه چاك درش »
« دیده کی بیند از نظر سیرش   دل گرفتار زلف زنجیرش »
« بارها خورده آسمان بلند   بسر آستانه‌اش سوگند »
« که برون ازتلاش گفت وشنید   کس چنین نقش‌بی‌قرینه ندید »
« هست دروصف او زبان مغرور   شاه بیت است درجهان مشهور »

« الواحی از کاشی بر جبهه‌شرقی عمارت‌عالی قاپو از تعمیرات دوره ناصرالدین‌شاه »
« قاجار حکایت میکند چهارجانب عمارت عالی‌قاپو دردوران پادشاهی شاه‌عباس‌اول »
« وشاه‌عباس‌دوم باکاشیهای‌خشتی‌خوش‌نقش‌تزیین‌شده بودکه‌توأم‌با درها وپنجره‌های »
« نفیس آن منظره‌ای بس جالب باین‌عمارت تاریخی میداده است و موجب نهایت »
« تأسف است که از آن همه درو پنجره فقط یك پنجره‌درطبقه سوم عمارت برجای »
« مانده وبقیه آنها بتاراج رفته است . در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار که »
« مختصر توجهی‌نسبت بتعمیر بعضی بناهای تاریخی اصفهان‌شده درعمارت‌عالی‌قاپو »
« هم ظاهراً کارهائی صورت‌گرفته‌که بطورحتم تعویض طره‌های فوقانی‌عمارت یکی »
« از آن جمله کارها است و باین مناسبت بجای کاشی‌های خشتی گل‌وبرگ عهد »
« صفویه برجبهه بالای سردر ورودی فعلی‌کاشیهای دیگری‌که دربین‌آنها سه‌لوح »
« خط نیزجای داده شده قرارداده‌اند. عبارت این سه‌لوح اشعاری است‌که شاعری »
« بنام کفاش سروده وضمن تعمیرات سال۱۲۷۴هجری قمری بخط نستعلیق سفید »
« درهم برزمینه لاجوردی بجای کاشیهای عهد صفویه نصب شده است .

« عبارات واشعار لوح وسط این کاشیکاری بشرح زیراست : »

« هوالله »

« ناصرالدین‌شاه قاجار »

« درزمان ناصرالدین‌شاه قیصر پاسبان — شد ز تعمیر علی‌قاپی جهان‌رشك‌جنان »
« باده دولت بجامش تا درآید آفتاب — سکه شاهی بنامش تابگردد آسمان »

« السلطان‌بن‌السلطان »

« ۱۲۷۴ »

« لوح سمت راست : »

« دلا تاریخ تعمیر علی‌قاپی است این انشاء
که‌شد ازناصرالدین شاه این نیکوبنااحیاء »

« ناظمه کفاش »

« لوح سمت چپ بشرح زیراست : »

« تا علی در عالم امکان ولی‌الله باد صدراعظم درپناه ناصرالدین‌شاه باد »

درفهرست ابنیه تاریخی واماکن باستانی ایران[1]. نیز تأیید گردیده که عمارت عالی‌قاپو در سال ۱۲۷۴ هجری قمری تعمیر گردیده است و حاج میرزا حسن‌خان جابری انصاری درکتاب آگهی شهان از کارجهان تاریخ تعمیر را سال ۱۲۷۲ نوشته است[2].

دراشعاری که کفاش اصفهانی برای تعمیر علی‌قاپو در زمان ناصرالدین شاه سروده تاریخ تعمیر که درشعر گفته شده با تاریخی که در ذیل اشعار نوشته شده و نیز با تاریخ مرقوم درآگهی شهان ازکارجهان مطابقتی ندارد.

تاریخی که صراحةً در ذیل السلطان‌بن‌السلطان نوشته شده : ۱۲۷۴ میباشد وتاریخی که ازشعر ماده تاریخ کفاش برمیآید : که شد از ناصرالدین‌شاه این‌نیکو بنا احیا یکهزارو دویست وهشتادونه میباشد واگر فرض کنیم که لفظ که که عددآن بحروف جمل ۲۵ است جزء تاریخ نباشد میشود : ۱۲۷۴ وبا تاریخ تصریح شده در کتیبه مطابقت دارد و قسمت دوم درست بنظر میرسد و ممکن است گفت که تاریخ مندرج درآگهی شهان ازکارجهان تاریخ شروع تعمیربوده است.

در هرحال درسال (۱۲۹۹ هـ.ق) ممیز مالیه اصفهان عمارت عالی‌قاپو را جزء عمارات نیمه خراب قلمداد کرده ودرمجله ارمغان سال اول شماره ۹۶۸ صفحه ۵۹ مندرج میباشد.

آنچه مسلم است بعداز ناصرالدین‌شاه توجهی که بعمارت عالی‌قاپو نشده‌که هیچ حتی‌المقدورحکام وقت درصدد خرابی وبرداشتن آثارعتیقه آن بوده‌اند وحتی آثار گذشتگان را محو میکرده‌اند و از همین‌جهت بوده که روی نقاشیها را گچ میگرفته‌اند.

۱ــ فهرست ابنیه تاریخی واماکن باستانی ایران ازص۴۹ تا ص۵۰. ۲ــ آگهی‌شهان ازکارجهان ج۳ ص۶۳.

نگارنده بخاطر دارم پیش‌از طلوع سلسله پهلوی این عمارت گردشگاه عمومی بود وهرکسی بسلیقه خود میتوانست درآنجا تصرفاتی کند و یا یادگاری بنویسد و آنجا محل آش‌پختن ودخیل بستن شده بود ودرواقع خرابه وجغدنشین بود.

ولی پس از طلوع سلسله پهلوی روزبروز موجبات تعمیر و حفظ اینگونه عمارات با تصویب قانون عتیقات وتأسیس ادارات وابسته بآن فراهم گردید واکنون این کاخ تاریخی ودیگرابنیه باستانی تقریباً بحال اول برگردانیده شده‌اند. عمارت عالی‌قاپو اکنون موردتعمیرات اساسی وتزیینی ومهارکشی آهنی بناواصلاح نقاشیهای داخل ساختمان وتجدید کاشیکاری جبهه خارجی و پشت بغلهای آن میباشد. کاخ مزبور درطی شماره ۱۰۴ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱].

۴ـ تالار اشرف :

این تالار در مغرب خیابان صوراسرافیل اصفهان چند قدم پائین‌تر از تالار تیموری وباغ کاج وعمارت محل سکونت استانداری اصفهان واقع ومحل سکونت اداره‌کل آموزش وپرورش استان اصفهان است.

اصل ساختمان این تالار از احداثات شاه‌عباس دوم است و شاه‌سلیمان در آن درسال(۱۰۸۸ ه.ق) تاجگذاری کرده است. (ش ۳۰)

در وجه تسمیه آن به‌تالار اشرف وجوهی ذکر کرده‌اند : بعضی گفته‌اند که این تالار را اشرف افغان ساخته و برخی پنداشته‌اند که چون اشرف در آن اقامت داشته بنام اومعروف گردیده است وکسانی هم گفته‌اند چون عمارت این تالارمتصل به تالار طویله واشرف برسایرعمارات بوده باین نامش نامیده‌اند ولی‌بنظر نگارنده هیچکدام ازاین وجوه درست نیست. (ش۳۱)

ممکن است گفت این تالار ازقصراشرف مازندران اقتباس شده یعنی‌ازلحاظ ساختمان مناسبتی داشته ولذا بنام تالاراشرف معروف شده است یا اینکه چون در زمان شاه‌عباس‌بشاه، خطاب اشرف میکردند و شاید چون جای او ویا جانشینانش

---

۱ ـ فهرست ابنیه تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۹.



(شکل ۳۰)



(شکل ۳۱)

بوده باین‌نام خوانده‌اند راجع بوضع ساختمان وبنای این تالار شرحی راکه مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان نوشته[1] . عیناً نقل میشود :

« این عمارت مشتمل بر سه قسمت وروبطرف جنوب ساخته‌شده وتالاراصلی « به مساحت ۱۴×۱۴متروبارتفاع ۱۱متردارای سقفهای ضربی ونقوش طلائی و « گچبریها وگل وبوته‌های لاجورد وزیبا است درچهارطرف تالار چهارشاه‌نشین و « بالاخانه‌های کوچك به اطراف دارد ، سقفش دارای مقرنس‌کاری‌های رنگین و « مخصوصی است که درهیچیك از ابنیه دوره صفوی نظیر ندارد ودرطرفین تالار « دواطاق مجلل دیگری است که سقفشان طلاکاری ودیوارهای اطراف منقش به « نقوش زیبا وعالی است بخصوص اطاق سمت شرقی که دفتر ریاست فرهنگ‌است « بقدری نقاشیهایش دلچسب وقشنگ است که بی‌اندازه جلب توجه مینماید . « این‌کاخ نیزخرابی بسیاردید، مدتی انبارعلوفه وزمانی سربازخانه بوده وقسمتی « ازنقاشیهای نفیس آن از بین رفته بود تا در زمان رضاشاه فقید این نقاشیها و « گچبریها بوسیله باستان‌شناسی اززیرگچ بیرون آورده شد و بطرز پسندیده‌ای « تعمیرودروپنجره‌هائی بسبك قدیم برآن نصب‌گردید. دروسط این‌عمارت‌حوضی « مستطیل‌شکل بزرگی است که درچهارطرف‌آن چهارباغچه مشجراحداث شده « ودرزوایای‌عمارت، ساختمانهای جدیدی‌برای نیازمندیهای اداره فرهنگ‌استان « دهم درسنوات اخیربعمل‌آمده است . »

« درشمال غربی عمارت‌زمین مسطح وسیعی است‌که باقیمانده عمارت‌صدریه « ومتصل بباغ چهلستون میباشد . این عمارت از طرف مشرق بوسیله طارمیهای « چوبی بخیابان صوراسرافیل متصل است . »

« دانشمند محترم جناب‌آقای مصطفوی رئیس‌اداره‌کل باستان‌شناسی‌شرح « مفصلی راجع به‌ابنیه تاریخی واین عمارت مرقوم فرموده و تحویل آنرا باداره « فرهنگ در ۲۳خرداد سنه ۱۳۰۶ ذکر فرموده‌اند .

---

۱ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ازص۷۴ تا ص۷۶ .

نگارنده درحدود سالهای ۱۳۰۸و۱۳۰۹شمسی بخاطردارم که هنگام خرابی و تعمیر محل کنونی اداره‌آموزش و پرورش استان اصفهان طلاکاریهائی از زیرگچ بیرون آمد وروی همین زمینه‌گچ اطاقهای دیگررا نیزبرداشتند تانقاشیهای طلائی خارج گردید. مؤلف دانشمند گنجینه آثار تاریخی اصفهان چنین نوشته است[۱] :

(ش۳۲)

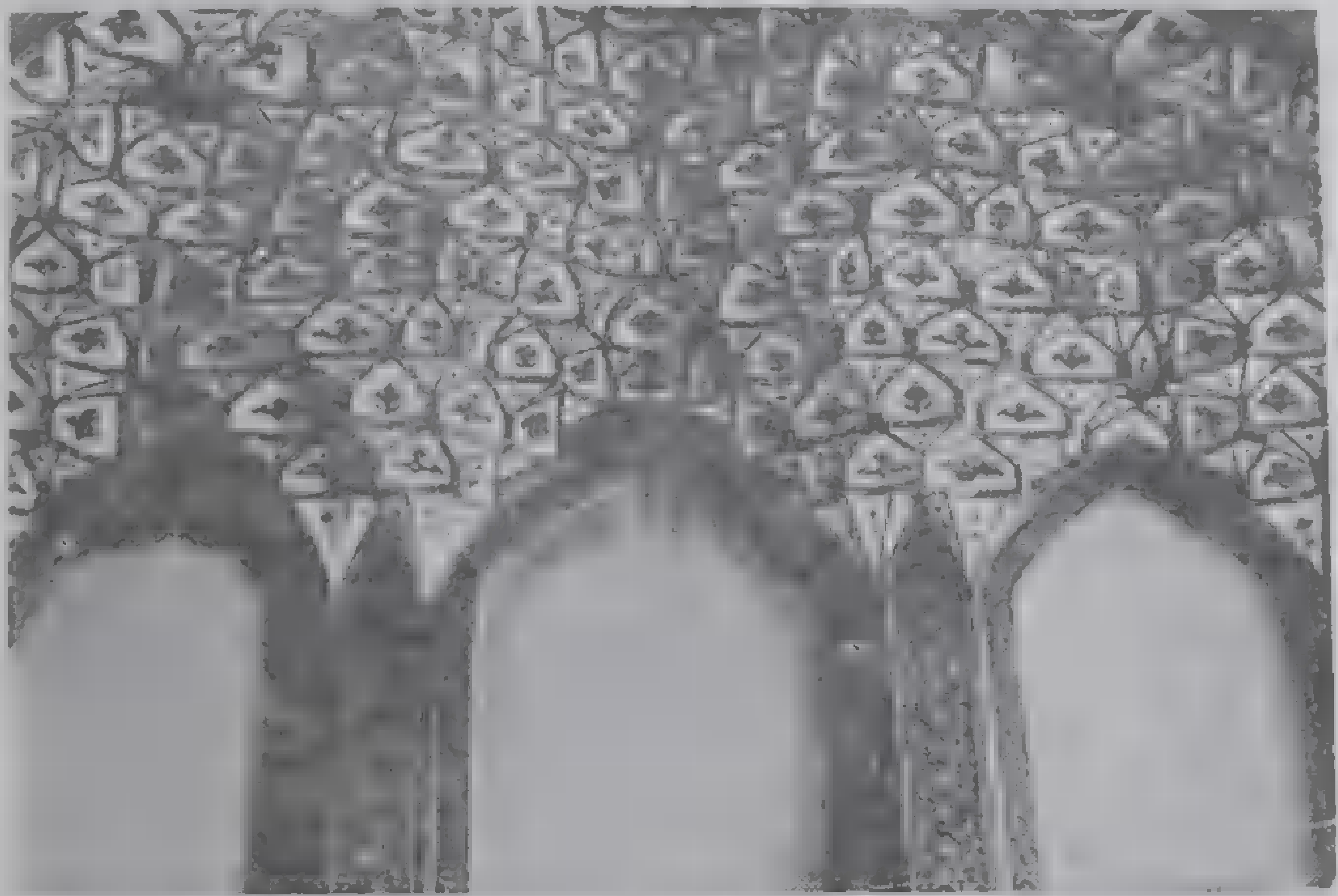


(شکل ۳۲)

« این بنا مجموعه‌ای ازاطاقها وتالارهای مزین وطلاکاری است وبه‌منظور »
« سکونت پادشاه و حرم سلطنتی از آن استفاده میشده است . خوشبختانه تالار »
« مرکزی این‌کاخ ویکی ازاطاقهای بزرگ‌آن برجای مانده‌است وعمده تزیینات »

۱ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۸۱ .

« اصلی آنها باقی مانده ودر تالار دیگری نیز قسمتهای کمی از تزیینات باقی است، »
« اطاق وتالار اصلی بسیارمجلل است وگچبریهای برجسته لاجوردی و طلاکاری »
« دارد . طاقهای آن بلند واز مقرنسهای زیبای طلاکاری پوشیده شده است . زیر »
« مقرنسها هم با صفحات بزرگ گچبری و طلاکاری تزیین شده ودر تالار مرکزی، »
« ترنج وسط اطاق که طلای خالص است جلب توجه میکند، کلیه درها وپنجره‌های »
« این عمارت بسمت جنوب بازمیشده ولی باکمال تأسف حتی نمونه‌ای از آنها باقی »
« نمانده است . » (ش۳۳)

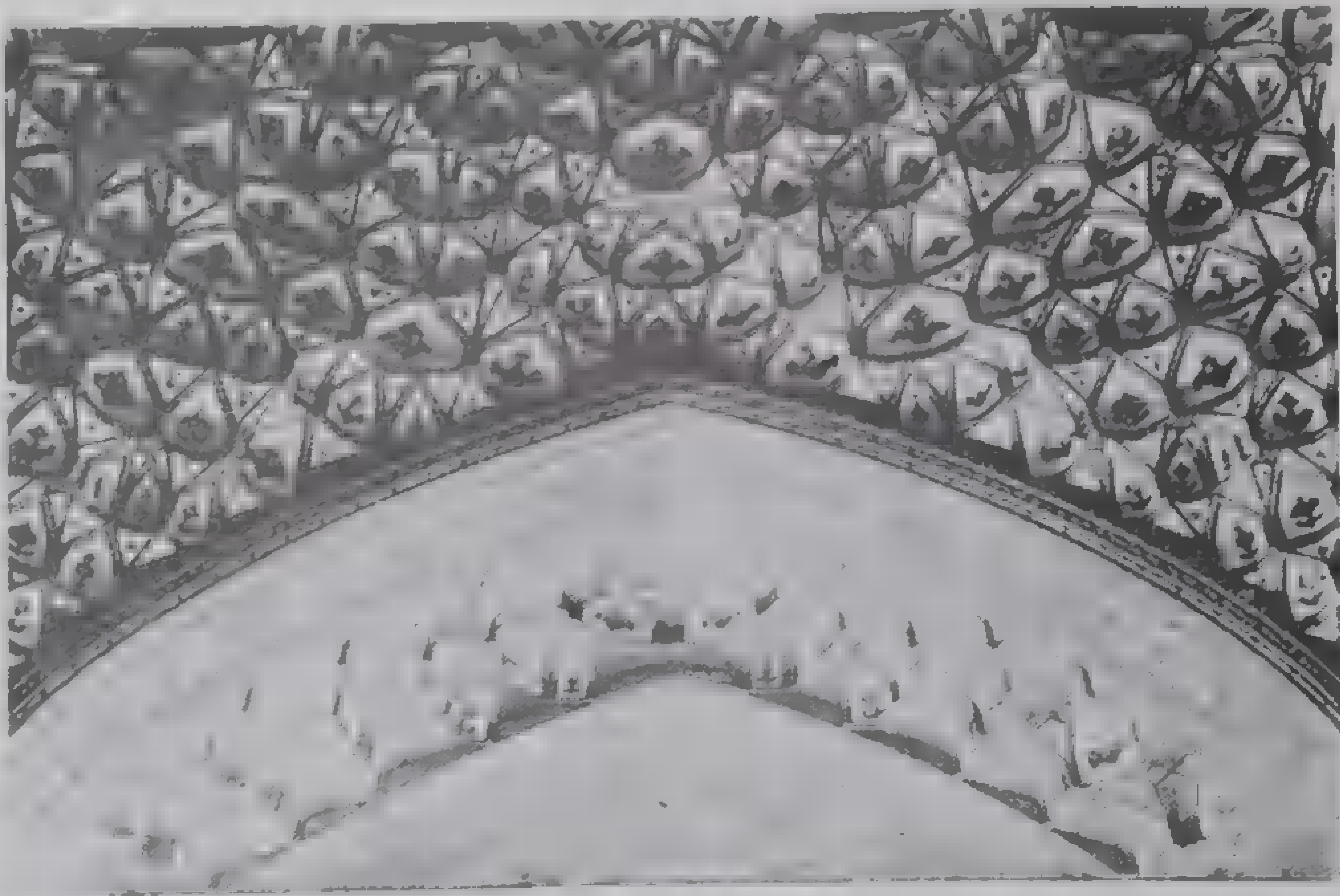


(شکل ۳۳)

حاج میرزا حسنخان جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری چنین نوشته است[۱] :

« عمارت اشرف نیز دستگاهی و نقشهائی شگرف داشت ، چنداطاق سمت »
« مغرب واطاقهای قبلی و ۱۳۰۸ که ظل السلطان میرزا حبیب الله خان مشیر الملك »
« انصاری را چندماهی درآنجا محبوس داشت شرحش را درآگهی شهان نوشته‌ام، »
(ش۳۴)

۱ــ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۱ .

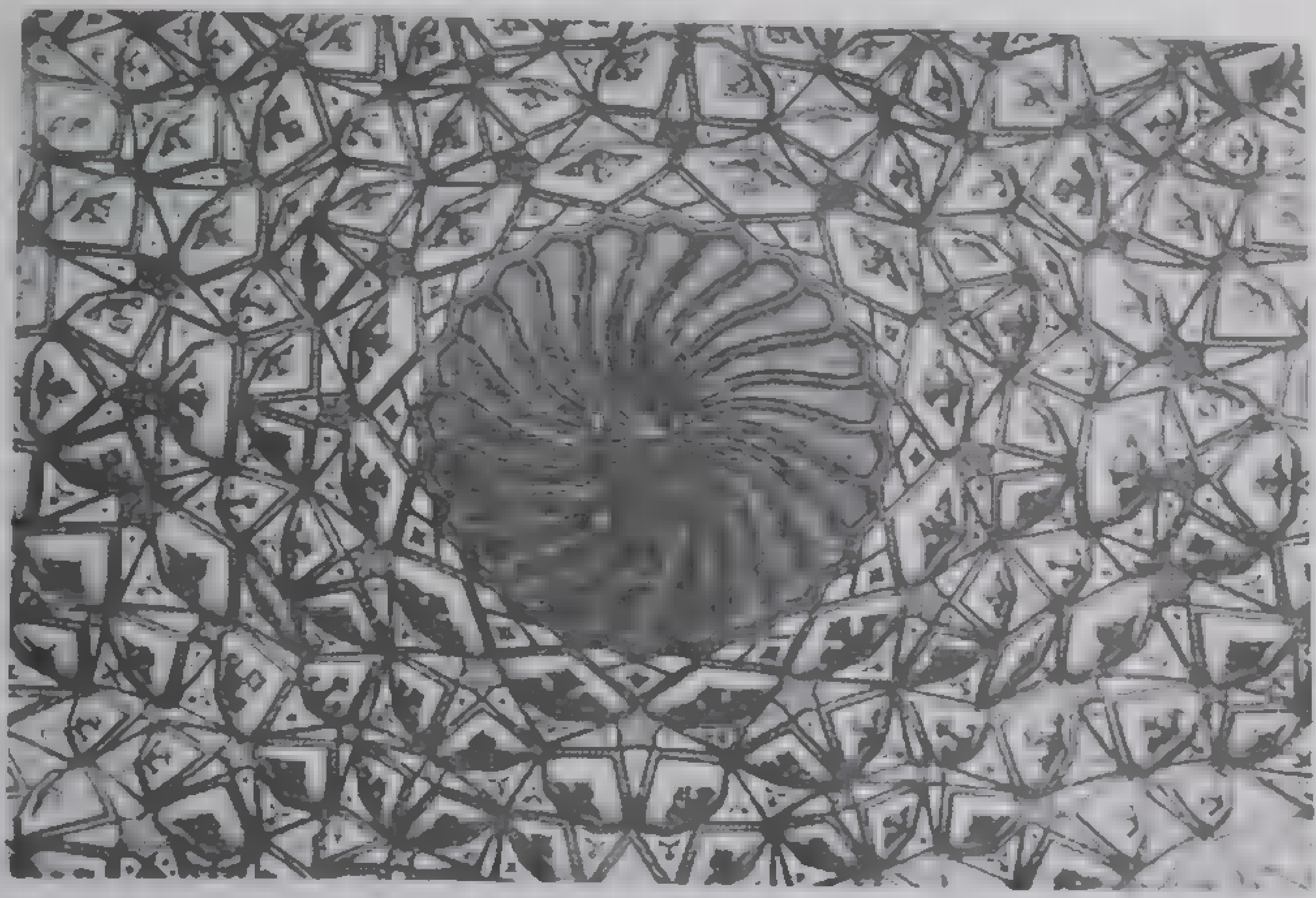


(شکل ۳۴)

« دوماهی هر روز بنده تماشای نقاشی استادانه اطاقها را میکردم و نقاشان استاد »
« میآمدند ازروی آن نقاشیها نقشه برمیداشتند وباصطلاح خود (گرته) میگرفتند »
« ازگچبریهای ممتاز بی‌انبازش بشکل درختان ومرغان . امروزه درب آن عمارت »
« در خیابان تقاطعی میان خیابان دروازه دولت و خورشید باز میشود . و بعضی »
« عمارت اشرف را میگویند همان زمان صفویه که ساختند این نام گذاردند، از »
« چنداطاق که پس‌از عزل ظل‌السلطان در عمارت اشرف‌که باقی بود میرزا محمد »
« دستجردی نظام‌الاسلام‌آقای حاج‌آقا نورالله را اغفال‌کرد وویران نمود، بعد جلو »
«گرفتند .» (ش ۳۵)

درجای دیگر آن کتاب دروجه انتساب این عمارت به‌اشرف چنین گفته که چون اشرف دراین کاخ جلوس میکرده بنام اومعروف شده مانند عمارت صدری‌که مربوط بدوره صفویه بوده و در اثر اقامت صدر اصفهانی درآن بدیوانخانه صدری معروف گردیده است[۱] . خرابی عمارت اشرف در (۱۳۱۷ ه.ق) اتفاق افتاد[۲] . و

۱ـ تاریخ اصفهان و ری ص۳۵۰ . ۲ـ آگهی شهان ازکارجهان ج۳ ص۱۱۳.



(شکل ۳۵)

فقط قسمتی از آن باقی ماند که شرح آن داده شد . این اثر باستانی زیر شماره ۱۰۶ به ثبت تاریخی رسیده است[۱] .

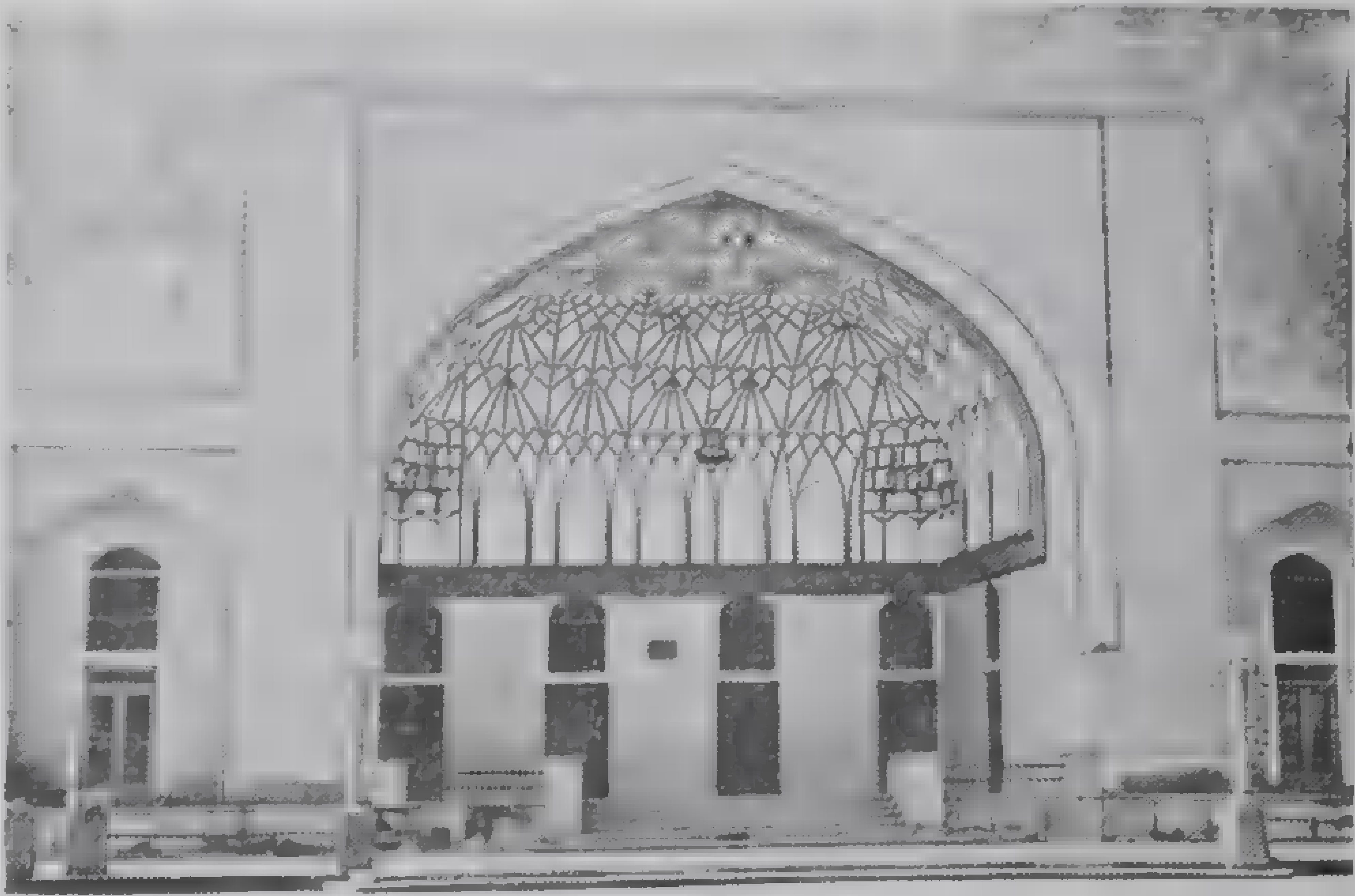
۵ ـ تالار تیموری = عمارت تیموری :

در طرف جنوب خیابان صوراسرافیل که بخیابان استانداری نیز شهرت دارد عمارت تیموری واقع گردیده ومعروف اینستکه این تالار و عمارت یا از احداثات تیمورلنگ ویا ازعماراتی است که درآن جلوس کرده است و در هرحال بنای آن مربوط بدوره تیموریان است .

این تالار دارای سقفهای آجری مقرنس است که با رنگهای لاجوردی و طلائی ساخته شده وآثارگچبریهای جالب و خیره‌کننده درآن باقی است ، وپس ازاینکه مقرباشگاه افسران قرارگرفت از روی مینیاتورهای کاخ چهلستون تابلوهائی درآن اضافه‌گردیده است . (ش ۳۶)

مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی‌اصفهان راجع باین تالارتاریخی شرحی‌مختصر

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ص ۵۶ .



(شکل ۳۶)

وجامع نوشته که عیناً درج میگردد[۱] :

« این بنا از آثار زمان تیمورلنگ است که پس ازقشونکشی بایران وقتل »
« وغارتی که نمود ازلحاظ ذوق هنری که داشت دستور ساختمان این بنای رفیع »
« را درمجاورت باغ نقش‌جهان‌که از آثارسلاجقه باقی‌بوده‌داده و بدستوراووسرپرستی »
« وسعی شاهرخ‌بن تیمور این بنا بصورت بسیارزیبائی ساختمان گردید . »

« این بنا درحال حاضر دارای دواطاق بزرگ (سالن) وسیعی است که جلو »
« آنرا ایوان وسیع ومرتفعی فراگرفته . دراطراف آن چندین اطاق تودرتومتصل »
« بیکدیگر میباشد . »

« این اطاقها وایوانهای اطراف که حالا جلو ایوان جنوبی آن بسته شده »
« دارای سقفهای مقرنس آجری است که بارنگهای لاجورد وطلائین ساخته شده »
« بود ودرقسمتهای بالا نیزگچبریهائی بوده که اکنون نیز آثارش نمایان است این »
« عمارت پنجره‌های گچبری بسیار ریز وقشنگی داشته است . »

۱ ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۶۸ .

« درجلواین تالار رو بطرف مشرق حوضهای آبی وجود داشته که دردوره »
« صفویه بنام چهارحوض مشهور بوده ودرسنوات اخیرخراب وقسمتی‌ازآن جزو »
« خیابان وبانك ملی شده ، این بنای تاریخی قبل‌ازدوران پهلوی بایر وخرابیهای »
« بسیاردید ، ومدتی نیز کتابخانه وقرائت‌خانه شهرداری ومحل انجمن شهر بوده »
« است . »

« درابتدای سلطنت رضاشاه فقید زمانی که سرلشکر فیروز دراصفهان بود »
« تعمیراتی ازاین عمارت و چهلستون بعمل آورد سپس در سال ۱۳۲۷ سرلشکر »
« معتضدی فرمانده لشکر اصفهان با همکاری مالی عده‌ای ازمدیران کارخانجات و »
« تجار وهنرمندان ومهندسین اصفهان تعمیرات شایان وقابل توجهی دراین‌عمارت »
« نموده وآنرا محل باشگاه افسران قرارداد ودرموقع تشریف‌فرمائی اعلیحضرت »
« همایونی‌باصفهان جهت‌کلنگ‌زدن تونل‌کوهرنگ این باشگاه نیزبدست شاهانه »
« درمهرماه۱۳۲۷ شمسی‌رسماً افتتاح‌گردید. سپس سرلشکرمعتضدی ازسال۱۳۳۰ »
« بایك عشق وعلاقه خاص وذوق سرشاری برزیبائی وتکمیل این عمارت تاریخی »
« افزود و بخصوص قسمت غرب عمارت را که رو بانهدام میرفت با ساختن بنای »
« جدیدی درپشت آن موجب استحکام واستواری بنای قدیم ورفع حوائج باشگاه »
« را ازحیث اطاق کافی فراهم ساخت ، چنانچه درموقع تشریف‌فرمائی اعلیحضرت »
« همایونی باصفهان درمهرماه ۱۳۳۲ باشگاه ازهرحیث با وسائل شایسته وشاهانه »
« بطوری آراسته ومجهز بودکه درتمام مدت دراین کاخ بسربردند . بربدنه دیوار »
« ایوان شرقی عمارت این عبارت برسنگ لوح مرمری نوشته شده است : »

« درعهد سلطنت اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی ومساعی تیمسار سرلشکر »
« نصرت‌الله‌معتضدی فرمانده لشکراصفهان عمارت باستانی تیموری تعمیروباشگاه »
« افسران تأسیس گردید مهر۱۳۲۷ . »

درجنوب عمارت سنگابی است که دراطراف آن این اشعار نقش شده است:

یافت توفیق ز رب متعال   باغبان شه دارین کمال

کرد آراسته جامی ز رخام | که شود بهره‌ور از کوثروجام
تا خورد آب از او تشنه لبی | گردد آمرزش او را سببی
چون شد ازآب بقا مالامال | «باغبان» گشت سنه جام‌کمال
۱۰۵۶

درکتاب تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان فرد آخراشعار نوشته شده : باغبان گشت بسرحدکمال وبدیهی است‌که اشتباه خوانده شده است، بعلاوه کلمه (باغبان) بحروف جمل مساوی۱۰۵۶ است درصورتیکه درکتاب مزبور۱۰۵۹ ثبت شده‌است.

این اثر باستانی درجریان ثبت تاریخی است[1].

۶ ـ سردرقیصریه :

درمقابل مسجدشاه درشمال‌میدان‌شاه اصفهان سردری هلالی‌شکل باکاشیکاری مجلل وبا شکوهی پدیدار است که ازآنجا داخل بازار قیصریه میشوند.

این سردر بامر شاه‌عباس بزرگ درسال (۱۰۱۱ هـ.ق) از روی سردر قیصریه آسیای صغیرساخته شده وچون درقدیم‌الایام‌عموم مردم بخصوص سلاطین‌وپادشاهان باوضاع کواکب توجه داشتند ساختمانها را نیز در ساعات میمون و اقترانات سعد بنا میکردند وگویا هنگام شروع بساختمان این بنا طالع دربرج قوس بوده است و ازاینرودربالای سردربرج قوس را که ازستاره‌هائی تشکیل میشود که پیکره‌کمان را نشان میدهد ترسیم وانسان نیم‌تنه‌ای که نیم‌تنه دیگرآن بصورت‌حیوان‌درنده‌ای است با دردست داشتن تیروکمان نقاشی کرده‌اند ودروسط این سردر نقش خورشید با طرزی جالب وعالی مشاهده میشود. (ش۳۷)

درداخل این سردرنقاشیهای بسیارزیبا وجود داردکه دراثرمرورزمان خراب وازبین رفته وآن تصویر یکی از جنگهای شاه‌عباس بزرگ با ازبکها میباشد. در بالا وپائین سمت راست تصاویری از مردان وزنان اروپائی درحال عشرت نمودار و طرف چپ شکارگاه است. درقسمت بالا روبرو دریچه‌ای است که درقدیم‌جای‌ساعت

---

۱ ـ فهرست ابنیه تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۱.



(شکل ۳۷)

بزرگی بوده و در اوقات روز زنگهائی میزده و پاندولش موجب حرکات و بازیهای گوناگون باشکال منقش مانند پرندگان و حیوانات که از چوب نقاشی شده بود میگردید. وگفته‌اند که دربالای آن‌ساعت ناقوسی وجود داشته‌که ازدیر هرمزشاه آورده بود[۱].

طرفین سردر قیصریه سکوهای وسیعی ازسنگ یشم وسماق نصب شده‌است، درقدیم جواهرفروشان وزرگران بساط خودرا روی‌آنها گسترده و متاعهای خود را بفروش میرسانیدند. درجبهه چپ سردر منظره شکار دسته جمعی‌شاه‌عباس ونیز تصویر جوانی‌را نشان میدهد.

درطرفین سردر نقاره خانه‌ای وجود داشته‌که تا این‌اواخر در ایوانهای آن هنگام غروب و طلوع آفتاب چنانچه مرسوم بود نقاره مینواختند، نگارنده بیاد دارم‌که در سالهای تا ۱۳۰۷ شمسی این عمل انجام میشد. در حجرات و ایوانهای نقاره‌خانه نقاشیها وگچبریهای عالی مانند تزیینات طبقه ششم عالی‌قاپو وجود داشت که در۱۳۰۷ شمسی از میان رفت و تزیینات جدیدی انجام دادند.

۱ ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۸۶.

هنگامی که عابران وارد سردر میشوند داخل بازار قیصریه میگردند، این بازار از بناهای شاه عباس بزرگ است که در زمان قدیم گران بهاترین پارچه‌های زربفت را در آنجا میفروخته‌اند. نمایندگان تجار خارجی نیز در این بازار حجره‌هائی داشتند.

بازار مزبور که ببازار شاهی نیز شهرت دارد از سردر قیصریه شروع و ببازار چیت‌سازها و از آنجا ببازار دارالشفاء منتهی میشود و امروز محل فروش بهترین قلمکارها و کارهای دستی اصفهان است. در این بازار محلی بنام ضرابخانه معروف شاهی وجود دارد و سرای معروف شاه نیز در این بازار واقع است.

چهارسوی ضرابخانه که مانند آن نه در اصفهان و نه در ایران وجود دارد و چهارسوی بازار چیت‌سازها در جنب دارالشفاء در این بازار واقع است. تیمچه‌های جهانگیر وشله نیز درهمین بازار است. بازار سماورسازهای کنونی که در قدیم به بازار منقالی فروشها موسوم بوده دارای چهارسوی بی‌نظیری است مسمی به چهارسو کرباس فروشها که حوضی بسبك صفوی در وسط آن میباشد و بوسیله بازار کوچکی به چهارسوی چیت‌سازها متصل میشود.

این که این بازار را منقالی فروشها میگفته‌اند از این رو بوده که پارچه های گران بها و زربفت را در آن بازار منقالی میفروخته‌اند. از بازارهای متصل ببازار قیصریه است بازار زرگرها که بامر شاه‌عباس و بوسیله محبعلی لله‌بیك بنا گردیده است، این بازار از چهارسوی کرباس فروشها ببازار قهوه کاشیها منتهی میشود، در وسط آن چهارسوی زیبائی قرار دارد و انشعاب آن بازاری است که به دارالشفاء منتهی میشود.

دارالشفاء نام تاریخی بیمارستان بسیار بزرگ شاهی است که در عهد صفویه وجود داشته واکنون قسمتی از زمین ویرانه آن بصورت مسجدی کوچك بنام مسجد دارالشفاء بناشده ومعروف است.

بازار دیگر بازار تفنگسازها میباشد که ازمبانی دوره شاه‌عباس بزرگ است. بازار مزبور ازدر سرای مخلص ببازار سماورسازها منتهی میشود، و بازار منشعب

از آن چخماق سازها نام دارد، ایـن دو بازار را زمانی بنام بازار شمشیرگرها میخواندند[1]

تاریخ قطعی ساختمان سردرمذکورمعلوم نیست آنچه مسلم است درسال ۱۰۱۴ که شاه عباس بازار قیصریه وتمام بازارهای اطراف میدان نقش‌جهان وکاروانسرا و حمام نزدیك میدان از ساخته‌های خود را وقف بـر پیغمبر اسلام نموده و صورت وقفنامه آن درکتاب قصص الخاقانی ضبط شده[2] سردرقیصریه‌هم ساخته شده بوده است ولی این نکته با آنچه در آثار ایران گفته شده[3] که تاریخ اتمام ساختمان سردر قیصریه سال (۱۰۲۶ هـ . ق) است مطابقت ندارد، مگر ایـن‌که گفته شود تزیینات و نقاشیهای آن در سال (۱۰۲۶ هـ . ق) انجام یافته است .

در گنجینهٔ آثار تاریخـی اصفهان در بـاره کتیبه سردر قیصریـه چنین نوشته شده است :[4]

« بین نقاشیهای جبهه های سه‌گانه سردر قیصریه وپشت بغلهای کاشیکاری عهد»
« صفویه در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار بـدستور ظل‌السلطان حـکمران »
« اصفهان یك حاشیه کاشیکاری در امتداد سه جانب سردر و بعرض سی‌سانتیمتر »
« به‌تزیینات این‌سردر اضافه شده‌است وباین‌مناسبت‌کتیبه‌ای نیز نصب شده‌که بخط »
« نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت‌لاجوردی بشرح زیر است : »

« در عهد دولت وزمان وسلطنت اقتدار سلطان الاعظم و الخاقان الاکرم ، »
« اعدل‌الخواقین‌واکرم‌السلاطین اعلیحضرت قدرقدرت شاهنشاه جمجاه پادشاه‌اسلام»
« پناه السلطان‌بن‌السلطان‌بن‌السلطان والخاقان‌بن‌الخاقان ابو... خسرو »
« صاحب قران ناصرالدین‌شاه قاجار خلدالله ملکه و سلطانه برحسب امرقدر قدر»
« مبارك حضرت سپهر رفعت اقدس اشرف امجد ارفـع والا شاهنشاه زاده اعظم »
« ظل‌السلطان حکمران و فرمانفرمای ایالات اصفهان وفارس رعراق وعربستان و»

۱ـ بنقل‌ازبخشی ازگنجیه آثارملی صفحات ۱۹و۲۵و۲۷ .
۲ـ زندگانی‌شاه عباس‌اول ج۳ ص۲۱ .
۳ـ آثار ایران ج۲ ص۲۹ .
۴ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۴۶۶ تا ص۴۶۷

« لرستان و یزد و مضافات بسرکاری و اهتمام مقرب الخاقان میرزا نصرالله خان مستوفی »
« مخصوص صورت اتمام و سمت انجام پذیرفت کتبه المنتسب بسیادة القرشی چاکر »
« درگاه اسدالله الحسینی القرشی سنه ۱۲۹۸ » .

« و در وسط این حاشیه کاری در جانب غربی سردر بخط نستعلیق آبی »
« برزمینه کاشی سفید نوشته شده : »

« بسعی مقرب الحضرة الوالا مصطفی قلیخان فراشباشی باتمام رسید . »

« و در انتهای این حاشیه کاشیکاری بخط نستعلیق آبی برزمینه سفید نوشته شده : »

« عمل کمترین آقاجان فخار سنه ۱۲۹۸ . »

« خطوط بنائی در طرفین جلوخان سردر قیصریه : »

« برجرزهای طرفین مدخل بازار قنادها در سمت راست سردر قیصریه و بازار »
« کفاش‌ها در سمت چپ سردر دو شکل مربع بخط بنائی لاجوردی رنگ معرق »
« برزمینه آجری دو بیت شعر بشرح ذیل منقوش است : »

« غرض نقشی است کز ما باز ماند — که هستی را نمی‌بینم بقائی »
« مگر صاحب‌دلی روزی برحمت — کند در کار مسکینان دعائی »

در کتاب تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان راجع ببازار قیصریه چنین نوشته است:(۱)

« در عقب سردر بازار شاهی مشهور به «قیصریه» است که در سال ۱۰۲۹ هـ »
« ۱۶۱۹ م در برابر قیصریه رم ساختمان گردیده. این بازار بزرگترین و باشکوهترین »
« بازارهای اصفهان بوده است . در وسط بازار محوطه بزرگ مدور شکلی است که »
« گنبد زیبای بلندی دارد و در طرف مغرب کاروانسرای با شکوه شاهی که دوطبقه »
« و دارای تقریباً ۱۵۰ حجره است قرار دارد ، در مشرق بازار ضرابخانه بوده که »
« حالا تجارتخانه می‌باشد ، در این بازار مانند قدیم پارچه‌های گوناگون و قلمکارهای »
« اصفهانی و غیره بفروش میرسد . »

« درجلو این سردر درقدیم حوض آب بسیار بزرگی وجود داشت و چهار بازار »

۱ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۸۶ و ۸۷

« شاهی نیز همین جلوخان شروع میشده که فعلاً بجای حوض قدیمی گلکاری »
« وحوض کوچك دیگری ازطرف شهرداری ساخته شده ونسبة قابل توجه است. »
« دربالای سردر قیصریه روی‌کاشی بخط نستعلیق نوشته شده که: »
« درزمان سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار وحکمرانی ظل‌السلطان بسرکاری »
« میرزا نصرالله خان مستوفی بسال ۱۲۱۸[۱] تعمیر بعمل‌آمده و برای نگهداری »
« این‌سردر تاریخی تا این‌سال توجهی بعمل نیامده و نقاشیهای‌آن ازبین رفته و »
« بداخله‌آن نیز خرابی وارد شده اکنون باستان شناسی درنظر دارد تا حد امکان »
« تعمیرات آنرا بنماید. »

مجموعه سر در و بازار و نقاره‌خانه طی شماره ۱۰۳ بثبت تاریخی رسیده است.[۲]

ی - بازارها

بطوریکه در قسمت بازارهائی‌که سابقاً وجود داشته وازمیان رفته است‌گفته شد دراصفهان بازار ازقدیم الایام وجود داشته است ویك‌یك ازبازارهای ویران‌شده نیزدرجای خود بیان‌گردید.

بازارهائی‌که بیشترآن ازساختمان سلاطین وبخصوص سلاطین صفویه است ووجود دارد بقراری است‌که درپائین‌مینگارد:

۱- بازار قیصریه:

شرح این‌بازار وانشعابات آن درسردر قیصریه تشریح‌گردید و نیازی باعاده آن نیست.

۲- بازار گلشن یاجارچی:

این‌بازار از چهار سوی قلندرها تا محل دروازه اشرف امتداد دارد واز ساختمانهای عصر صفوی است.

۱- درمتن کتاب ۱۲۱۸ نوشته شده ولی این‌تاریخ اشتباه و درست آن ۱۲۹۸ می‌باشد.
۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۵۹.

اماکن قدیمه‌ایکه دراین‌بازار واقع‌شده مسجدملك علی‌بیك جارچی‌باشی از عهدشاه عباس‌کبیر (۱۰۱۹ هـ . ق) ومدرسه ملاعبدالله (۱۰۲۲ هـ . ق) میباشد .

سراهای : جارچی‌باشی ، بزرگ ، گلشن ، ارباب ، فخر ، دوتیمچه که همه تجارتی هستند دراین‌بازار واقع شده‌اند .

۳- بازار دروازه اشرف :

این‌بازار ازدروازه اشرف شروع وتا چهارسو شاه و مدرسه ملاعبدالله امتداد دارد وازاحداثات عصرصفویه است . مدرسه جده بزرگ(۱۰۵۸ هـ . ق) ومدرسه ملاعبدالله ازبناهای شاه‌عباس‌کبیر دراین‌بازار واقع است ، چهارسوی شاه از بناهای شاه عباس است .

سراهای : محمدصادق خان ، مخلص ، تیمچه درقهوه‌کاشیها ، تیمچه‌ملك و عصارخانه وحمام شاه در این بازار قرار دارند ، بازار منجم باشی‌که بـه چهارسوی ساروتقی منتهی میشود از انشعابات ایـن بازار است و قسمتی از کاشی‌کـاری آن باقی می‌باشد .

مدرسه جده‌کوچك (۱۰۵۶ هـ . ق) ازاحداثات زمان شاه عباس‌ثانی نیز در این‌بازار (منجم‌باشی)واقع است. دنباله این‌بازار در زمان‌صفویه‌ببازار بسیارطولانی وبزرگ مشعلدار باشی متصل میشده‌که امروز اثری ازآن نیست.

۴ و ۵ - بازار لوافها وآهنگران :

این دوبازار دردوطرف خیابان حافظ که از میدان‌شاه منشعب میشود قـرار دارند. درشرق بازار آهنگرها کوچه‌ایست بنام بیگدلیها وسرائی بزرگ وحمامی ومحل‌دیگری هم بهمین‌نام معروف است .

خاندان بیگدلیها مربوط بسلسله شاملو و از طوایف قزلباش بوده‌اند وآذر بیگدلی صاحب تذکره معروف ازاین خاندان است .

مدرسه خواجـه ملك درشمال مسجد شیخ لطف‌الله ومشرق بازار لـوافان و

آهنگران واقع بوده است .

۶ ـ بازار کفشدوزها :

این بازار ازدرمسجد شیخ‌لطف‌الله بدر مسجدشاه امتداد دارد، ازجانب جنوب و غرب میدان نقش جهان و طرفین کاخ عالی قاپو دنباله چهار بازار اطراف میدان نقش‌جهان پیوسته بوده واکنون جزء ادارات شهربانی ودخانیات است .

۷ ـ بازار رنگرزها :

این‌بازارکه ازبناهای شاه‌عباس‌کبیراست ازبازارترکشدوزها ببازار دارالشفاء منتهی میشود واکنون هم دائر است .

۸ ـ بازار چهارسو نقاشی :

بازار بزرگی بوده که قسمتی از آن باقی مانده و اکنون در جنوب خیابان شاه‌عباس واقع است مدرسه مریم بیگم وچهارسو نقاشی دراین بازار واقع بوده‌اند .

۹ ـ بازار مقصودبیک = یا چهارسو مقصود :

این بازار ازجنوب شرقی میدان نقش جهان تابازار حسن‌آباد امتداد دارد . امامزاده احمد ، مسجد ساروتقی ، در این بازار در نزدیکی حسن‌آباد واقع‌شده‌اند ونیز تکیه‌گلبنده‌ها در نزدیك امامزاده احمد قراردارد .

۱۰ ـ بازار غاز :

این بازار ازآخرگلبهار شروع وبه‌محله جوباره اتصال داشت وازطرف دیگر بواسطه‌بازارخروجی‌بزازها ببازاربزرگ‌متصل میشداوکنون‌دربین‌خیابان رضاپهلوی وکمال اسماعیل قراردارد .

۱۱ ـ بازار ریسمان :

این بازار ازانشعابات بازارعربان وبه‌میدان هاتف متصل ومدرسه کاسه‌گران درآن بازار (ریسمان) واقع است .

۱۲ ـ بازار نجف‌آبادیها :

این بازارازمنشعبات بازار عربان قدیم بوده است وسراهائی که دراین بازار

قراردارند: خانی واردستانی میباشد. ازاین بازارکوچه‌ای منشعب میشودکه به دو مناره گنبد سلطان‌بخت آغا ملکه آل‌مظفرمیرسد، دروسط راه حمام کوچکی است ازآثار شیخ بهائی[1].

۱۳ - بازارمقابل بازارعربان:

این بازار بازاری است مقابل بازار عربان از جانب جنوب خیابان جدید محمدرضاشاه ازجنب هارونیه تا محل معروف به‌پادرخت سوخته یادرخت سوخته، این قسمت نیز از بازارهای قدیمی اصفهان و از منشعبات آن بـازار هارونیه است که تامسجد علی ادامه دارد، ودرقدیم‌این بازاررا بازار بوریابافها مینامیدند وسرائی هم هنوزبنام سرای بوریابافها باقی است. انشعاب دیگر بازار عربان بازارچه آقا میباشد. سراهای واقع دراین بازار: سرای آقا وسرای پادرخت سوخته است. یکی ازدرهای هارونیه از بناهای دورمیش‌خان‌شاملو (۹۱۸هـ.ق) دراین بازارچه میباشد، قسمتی ازکاشیکاری سردرآن مورددستبرد وخرابی قرارگرفته است، باغچه عباسی که

---

۱ - حمام شیخ بهائی مانند حمام علیقلی‌آقا دوحمام است، کوچك وبزرگ، زنانه‌ومردانه، ولی بطرح وطرز دیگرعالی ومرغوب است ومذکور ومعروف است که آن حمام تازمان غلبه افغان دربگلخن آن بسته وگل گرفته بوده وهیچ آتش درآن نمیشده، هرروزه آب تازه‌روی خزانه میکردند آبش بیك میزان گرم بوده است، تاآن زمان سرش را بازکردندکه سرش‌را بیابند، چراغی دیده بودند روشن زیرپاطیل‌گذاشته بمجرد بازشدن گلخن فوراًچراغ‌خاموش شده غالب اهل اصفهان‌هم اعتقاد بروقوع این مطلب دارند، صدق وکذب‌آن راخداداناست، چله‌خانه دارد بسیاربزرگ در سرحمام که یك درآن بخانه شیخ باز بوده حال درب روبخانه را گرفته‌اند ازوصله‌های شیخ‌مرحوم چیزی که‌کماکان درآن حمام تاکنون‌باقی است‌جام‌برنجی پشت‌ورو، آیات واعداد کنده شده است‌که میگویند افسون‌کردهٔ شیخ است وازشهروبلوکات هرکس بداند برای حاجات مردوزن میروند و آب ازآن جام برسرمیکنند واز جماعت کثیر شنیده شده‌که گشایش حاصل کرده‌اند، اززمانی‌که حمام مزبورساخته شده اکنون بازار این حمام بهمین‌جهت رواجی دارد دیگرخلایق بحسن عقیده و اعتقاد صاف خود بمطلب میرسند، یااینکه درواقع اثرجام است، کسی نمیداند عالم‌السرایر خدا است. (جغرافیای اصفهان از ص ۲۰ تا ص۲۱ که با گزارش (۱۳۰۰ هـ.ق) میرزاعلیخان نائینی مطابقت دارد) نگارنده بخاطردارم وباین‌حمام رفته‌بودم (بین‌سالهای (۱۳۰۷تا ۱۳۰۰ شمسی) وچنین‌جامی که اعداد روی‌آن کنده شده بود وکلماتی ازقرآن نیزدیده میشد در خزانه حمام وجود داشت و هرکس میل داشت ازآن جام برنجی آب برسر میریخت.

درحدود سال (۱۰۰۰هـ.ق) محل اقامت شاه‌عباس کبیر بوده درجانب غرب این‌بازار واقع ودر مقابل هارونیه میباشد .

۱۴ ـ بازار درتالار = بازار نیماورد :

این بازار ازپادرخت سوخته تاچهارسوی درباغ قلندرها ممتد ودنباله همان بازارهای قدیمی اصفهان است که ساختمان آن مربوط به پیش از سلاطین صفویه میباشد .

ازسراهای معروف این بازار است : سرای سفید ، میراسماعیل ، مردارکشها (مروارید فروشها) ، میرزا کوچك ، سرای تالار ، سرای حاج کریم (سه سرای اخیر تجارتی است) ، سرای خوانساریها ، تیمچه قزوینیها .

۱۵ ـ بازار نیم‌آورد :

ازبازار تالاربازاری منشعب میشود بنام بازارنیم‌آورد وبخیابان جدید متصل میگردد ، مدرسه تاریخی نیم‌آورد که ازبناهای عهد شاه‌سلیمان صفوی است دراین بازار واقع ونیز مساجد : خیاطها ، مسجدنو ، مسجد ذوالفقار ، مسجد شیشه‌واقع درجنب باغ قلندرهاکه کتیبه آن بخط محمدرضا امامی و تاریخ آن (۱۱۰۰ هـ.ق) قمری است دراین بازار قراردارند .

۱۶ ـ بازار زرگرها :

بازاری است‌که ازچهارسوی کرباس‌فروشها ببازار قهوه‌کاشیها منتهی میشود، دروسط‌آن چهارسوئی است وبدارالشفاء منشعب میشود . چنانکه گفته شده مسجد کوچك دارالشفاءِ در این بازار انشعابی قراردارد .

۱۷ ـ بازار تفنگ‌سازها :

این بازارکه ازاحداثات عصرشاه‌عباس بزرگ است از درسرای مخلص‌ببازار سماورسازها می‌پیوندد و بازار انشعابی آن چنانکه گفته شده بازار چخماق‌سازها است که هردوبازار زمانی بنام شمشیرگرها موسوم بوده‌اند .

۱۸ ـ بازار کلاهدوزها :

این بازار بدرقیصریه منتهی میشود ومقابل بازار قنادها واقع گردیده است.

۱۹ ـ بازار قنادها :

در عهد صفویه این بازار مخصوص قلمزنها و قندیل‌سازان بوده و در دوران قاجاریه تبدیل ببازار قنادیها شده است .

۲۰ ـ بازارشاهی = بازارچه بلند :

این‌بازاریابازارچه درخیابان چهارباغ‌واقع ودرعصر صفوی بکوی‌شاهزادگان متصل میشده وآن را بنام شاهزادگان مینامیدند . باقی مانده این بازار نفیس انبار دخانیات است ، ازمدرسه چهارباغ وسرای فتحیه (مهمان‌سرای کنونی شاه‌عباس) و باغ هشت بهشت درهائی باین بازاربازمیشده است . این بازار درتاریخ حاضر تعمیر شده و مرکز فروش کارهای دستی اصفهان میباشد و بهمت متصدی قابلی از صورت اندراس بیرون آمده است ووضع‌کنونی نمودارگذشته دوران زیبائی این بازاراست.

۲۱ ـ بازار علیقلی‌آقا :

این بازاردرمحله بیدآباد واقع ودارای چهارسوئی زیبا میباشدکه دردوران شاه‌سلطان‌حسین بوسیله علیقلی‌آقا از درباریان احداث گردیده است در این بازار مسجد وحمامی نیز ازهمو قراردارد .

۲۲ ـ بازارمجلسی :

بازاری استکه ازنزدیکی مقبره مجلسی امتداد دارد، ومسجدجامع ومقبره مجلسی درنزدیکی این بازار قرارگرفته است .

۲۳ـ بازارجماله کله :

این بازار ازحدود نیم‌آورد بطرف مسجد حاج محمدجعفر آباده‌ای امتداد دارد و مسجد مزبور دراین بازار است .

۲۴ ـ بازارچه دردشت :

این بازارچه درمحله دردشت واقع‌گردیده وخود درحکم بازاربزرگی است.

۲۵ ـ بازارچه بیدآباد :

این بازارچه درحدود مسجدسید واقع ودارای طاقهای ضربی وگنبد وچهارسو نیز میباشد ومقداری ازآن دراثر وقوع درخیابان جدید خراب شده است . دراین بازارچه مسجد و مدرسه هم قراردارد .

۲۶ ـ بازارچه حمام قاضی :

این بازارچه درمحله دردشت نزدیك فلکه شهشهان قراردارد ومسجدکوچك حاجی یونس ازخواجگان شاه‌عباس ثانی که در(۱۰۷۳ ه.ق) بناشده دراین بازارچه میباشد[۱] .

۲۷ ـ بازارچه خان :

این بازارچه درمحله دروازه‌نوواقع ومسجدکوچك سلیمان‌بیك‌ازکارگزاران شاه‌عباس ثانی‌که در (۱۰۷۲ ه.ق) احداث‌گردیده درآن قرار دارد .

۲۸ ـ بازارچه‌آقا :

همانطورکه گفته شده ازانشعابات بازارعربان ویکی ازدرهای هارون ولایت دراین بازارچه بازمیشود[۲] .

۲۹ ـ بازار هارونیه :

این بازار ازبازاری که درمقابل بازار عربان ازجانب جنوب خیابان جدید محمدرضاشاه ازجنب هارونیه میگذرد منشعب میگردد وتا مسجد علی ادامه دارد.

۳۰ ـ بازار بوریابافها :

این بازار همـان بازار هارونیه است که بمناسبت بودن کاروانسرائی بنام بوریابافها درآن محل‌که‌آنجا را بازار بوریابافها گفته‌اند وهنوزهم آن سرا وجود دارد و وجه تسمیه آن به این نام اشتغال عده‌ای در آن کاروانسرا به بوریا بافی بوده است .

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۶۱۱ .   ۲ ـ بخشی از گنجینه آثارملی ص۱۰ .

۳۱ ـ بازارچهارسوق شیرازیان :

این بازار درمحله چهارسوق شیرازیان قراردارد و بازار بزرگی است[۱] .

۳۲ ـ بازار میدان میر :

این بازار درمحله میدان میرواقع ومنشعب ازبازار عربان است .

۳۳ ـ بازار حبیب‌الله خان .

۳۴ ـ بازار خیار :

این بازار با بازاریکه بنام بازار ریسمان معروف است منطبق میگردد، چه سرائی که دربازار ریسمان بنام سرای بازارخیارنامیده میشود درهمان بازاری است که ریسمان نامیده میشود ومدرسه کاسه‌گران هم درهمین بازارکه نامهای مختلفی دارد قرارگرفته است .

۳۵ ـ بازارچه حاجیه خانم .

۳۶ ـ بازارچه حسن آباد .

۳۷ ـ بازار ساروتقی :

این بازارکه بقیه بازار ساروتقی اعتمادالدوله شاه‌عباس ثانی است میان بازار مقصودبیك وبازارچه حسن‌آباد واقع ودر نزدیکی امامزاده احمد قراردارد قسمتی از طاق بازارخراب و قسمتی برفراز سردر مسجد ساروتقی و منزلش باقی‌مانده که جالب است . مسجد ساروتقی ومنزل او دراین بازارواقع بوده است .

۳۸ ـ بازار مرغ :

این بازار روبروی مسجد جامع در خیابان هاتف واقع وشاید باعتبار اینکه درآنجا روزی مرغ میفروخته‌اند باین نام خوانده شده است .

۳۹ ـ بازاربزرگ اصفهان :

این بازار ازمیدان شاه شروع وببازار طوقچی ختم میشود ودراین‌بازارعمده سرایها وتیمچه‌ها ومساجد ومدارس اصفهان واقع گردیده است .

---

۱ ـ جغرافیای اصفهان ص۳۰ .

۴۰ - بازارچه حاج‌محمد جعفرآباده‌ای :

این بازارچه دردنباله بازار نیم‌آورد ودرمحله جماله‌کله واقع است. مسجد حاج‌محمد جعفرآباده‌ای و تیمچه حوابیگم دراین بازارچه قرارگرفته است[۱] .

۴۱ - بازارمنشی[۲] :

این بازار ازبناهای میرزا رضی‌منشی‌الممالك است‌که آثارزیادی چون قصر منشی وحمام‌منشی ومسجدمنشی ازاو بجامانده است .

۴۲ - بازارنجارها :

این بازار ظاهراً جزء بازارهای متصل ببازار قیصریه است .

۴۳ - بازار گندم‌فروشان :

این بازار ازانشعابات میدان کهنه اصفهان است .

۴۴ - بازارچه اسماعیل کوسه :

این بازارچه درمحله باغات واقع و مناره‌کله که درزمان امیرتیمور از کله مردم اصفهان ساخته شده بود دراین بازارچه قرارداشته است[۳] .

یا - چهارسوها

این‌کلمه بدوقسم تلفظ ونوشته میشود، نخست چهارسو، ودیگری‌چهارسوق . وچون درشهر اصفهان این کلمه زیاد مورد محاوره است چندکلمه‌ای برای‌توضیح مطلب مینگارد :

چهارسو بمکانی اطلاق میشود که چهارسمت وگنبدی داشته باشد، حالاگاهی چهارسمت آن بازاراست درچنین فرضی آنجا را چهاربازار یاچهارسوق میخوانند و اما اگر چهار سمت آن بازار نباشد دیگر اطلاق کلمه چهارسوق مورد نخواهد داشت . ودرهرحال چه چهارسمت بازارباشد چه نباشد اطلاق چهارسوبرآن درست خواهد بود ازاینرو درتمام موارد این کلمه را بلفظ چهارسو بکارمیبریم :

۱و۲ - تاریخچه محله خاجو ص۸۶ . ۳ - تاریخ اصفهان وری ص۲۳۳ .

۱ ـ چهارسو شیرازیها :

این چهارسو دربازار محله چهارسوشیرازیها واقع وازبناهای قطب‌الدین‌علی باب‌الدشتی (۹۵۵ ه.ق) وجزء بخش۱ ازمحلات شمالی رودخانه زاینده‌رود میباشد. گنبد این چهارسو ازمیان رفته است .

۲ ـ چهارسو شاه :

این چهارسو در اول بازارشاه و نزدیکی مدرسه ملا عبدالله وحمام شاه واقع میباشد .

۳ ـ چهارسو درشیخ :

این چهارسو که بسیار وسیع و مرتفع است در نزدیکی محله شیخ ابومسعود رازی قرارگرفته است .

۴ ـ چهارسو آجری :

این چهارسو که بمناسبت ساختمان آن باآجر بنام آجری معروف است‌در محله خاجو واقع گردیده است .

۵ ـ چهارسو نقاشی یا چهارسو اسفندیاربیك :

شرح این چهارسو هم درباب آثاریکه نامی فقط از آنها مانده‌بیان گردیده است ونیازی بتکرار نیست .

۶ ـ چهارسو نمکی :

این چهارسو هم که از ساختمانهای زمان دیالمه بوده و اینك جزنام اثری ندارد درجای خود شرح داده شده است .

۷ ـ چهارسوی قیصریه . ۸ـ چهارسوی بازار مثقالی فروشها .
۹ ـ چهارسوی بازار چیت‌سازها . ۱۰ـ چهارسوی امامزاده اسماعیل.
۱۱ ـ چهارسومقصود . ۱۲ـ چهارسوعلیقلی آقا . ۱۳ـ چهارسوی بیدآباد . ۱۴ ـ چهارسوی دروازه‌نو واقع در محله دروازه‌نو .

۱۵ - چهارسو فریدون واقع درمحله خاجو .

۱۶ - چهارسو مخلص :

این چهارسو درنزدیکی سرای مخلص دربازاربزرگ میباشد که کمی زیرتر از سرای مخلص بطرف شمال ساخته‌اند . چهارسوهای دیگری نیز وجود دارد که معروفیتی ندارند .

۱۷ - چهارسوچوبی :

این چهارسو که ازچهارسوهای بزرگ است در قسمت خاجوی کوچك قرار دارد واز مستحدثات زمان صفویه است[۱] .

۱۸ - چهارسو کوچك :

این چهارسو درچهارسو شیرازیها وبجانب مشرق آن واقع است .

۱۹ - چهارسوی ساروتقی :

این چهارسو در بازار قهوه‌کاشیها واقع و مسجد و کاروانسرائی نیز از همان ساروتقی بجامانده بوده‌که کاروانسرای آن دردست مالك‌آن ومسجد بحال‌نیم‌ویران افتاده است . واحد ساختمانهای منسوب به ساروتقی عبارت از : بازار- چهارسو - کاروانسرا ومسجد میباشد .

این سه‌واحد ازبازاراصلی منشعب میشود، کاروانسرا درضلع شمالی‌چهارسو ومسجد ساروتقی درایوان‌جنوبی آن‌واقع است. درحال حاضر کاروانسرا با تغییراتی که درآن داده‌شده معمورشده ولی مسجد وضع اسفناکی دارد وقسمتی ازمقرنسهای آجری سردر وکتیبه‌خط ثلث‌آن‌که بقلم محمدرضا امامی‌است ریخته وازبین رفته است. سقف بازارآن دربعضی قسمتها فروریخته ، این بازارچون درقدیم معبرمردم بمیدان قدیم بوده وضع بهتری داشته است ولی اکنون‌که مسیر تغییر کرده بصورت یك بازارچه متروك در آمده است .

دراطراف‌چهارسودرهشت لوحه دربالای چهارگوشواره زوایای چهارسو بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بقلم محمدرضا امامی ومورخ

---

۱ - تاریخچه محله خواجو ص۱۵ .

بسال (۱۰۵۶ ه.ق) چهاربیت شعر نوشته شده است‌که فرد آخرآن حاکی است‌که بنای مزبور پس‌ازگذشتن یکسال ازکشته‌شدن او باتمام رسیده است . اشعار مزبور چنین خوانده میشود :

دولت عباس ثانی در جهان	. . . .
خاك درگاهش . . . . چشم . . .	از شرف شد جانشین توتیا
سال تاریخش چوجستم از خرد	در ره این مصرعم شد رهنما
حاسد شه را سرافکندند و شد	«چارارکان چار رکن این بنا» (۱۰۵۶)

ودریك نیم‌لوح درآخر این اشعاربخط نستعلیق‌سفیدبرزمینه کاشی‌لاجوردی رنگك نوشته شده است :

«کتبه‌المذنب‌المحتاج محمدرضا الامامی» .

بریکی ازدیوارهای بازارچهارسوی مزبورکه درحال ویرانی است‌لوح‌سنگی بطول نیم‌متر و عرض سی‌سانتیمتر نصب شده که کتیبه آن بخط نستعلیق برجسته چنین است :

« مخفی نماندکه چهاردانگ ازدکان نشاسته‌گری جنب‌چهارسوق ساروتقی »
« بامتعلقات‌آن به‌موجب وقفنامه جداگانه وقف است برتعزیه‌داری جناب خامس »
« آل‌عبا حضرت سیدالشهداءِ علیه‌الاف‌التحیة والثناءِ ویکدانگ دیگروقف است »
« برامامزاده واجب‌التعظیم امامزاده اسماعیل. هرکس تبدیل وتغییردهد به‌لعنت »
« خدا ونفرین رسول گرفتارشود . فی‌غره ذیحجةالحرام ۱۲۹۸ . »[۱]

یب ـ حمامها

اصفهان در زمان صفویه حمامهای بسیار داشته که بویرانی گرائیده است و بیشترآنها اززمان تراکمه ودیالمه باقی مانده بوده که درفتنه افغان و بعد درااثراز

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان از ص۵۴۹ تا ص۵۵۲ .

بین رفتن جمعیت بتدریج ازمیان رفته است.

هنگامیکه مؤلف جغرافیای اصفهان کتاب خود را تألیف میکرده حمام‌های اصفهان را ۷۲ باب یاد کرده است که گمان دارم این عدد تقریبی بوده است والا ممکن نیست حمامهای شهر اصفهان باین عدد تقلیل یافته‌باشد درهرحال حمامهای معروف اصفهان ازاین قرار است :

۱ - حمام شاه :

این حمام درچهارسوی شاه ونزدیکی سردر مدرسه ملاعبدالله وابتدای بازار بزرگ اصفهان واقع گردیده است .

۲ - حمام خان :

حمامی است که شیخعلی‌خان زنگنه مولود (۲۲ـ۱۰۲۰ هـ. ق) و متوفی (۱۱ محرم۱۱۰۱هـ.ق) در دوره سلطنت‌شاه سلیمان درمحله ترواسکان بنا کرده وتاکنون دائر است .

۳ - حمام علیشاه = شاه‌علی :

این‌حمام را علیشاه فرزند تکش‌سلطان خوارزم درقرن ششم هجری‌هنگامی که والی اصفهان بوده ساخته است[1] .

۴ - حمام علیقلی‌آقا :

این حمام دربازار علیقلی‌آقا در محله بیدآباد واقع وشاخه مادی فدین بنام نهر باباحسن ازمیان آن میگذرد حمام مزبور ازاحداثات علیقلی‌آقا ازخواجگان حرم شاه‌سلیمان و شاه‌سلطان حسین صفوی میباشد که در قرن دوازدهم هجری (۱۱۱۲ هـ.ق) پایان یافته است[2] . آثارتاریخی آن به‌موزه چهلستون انتقال و طی شماره ۲۲۶ ـ ۱۳/۹/۲۲ به‌ثبت تاریخی رسیده است[3] .

۵ - حمام کوچك علیقلی‌آقا :

این حمام درپهلوی حمام بزرگ ساخته شده که هروقت حمام‌بزرگ مردانه باشد این حمام اختصاص بزنان داشته باشد واین دوحمام وقف برمسجد علیقلی‌آقا

۱ ـ تاریخ اصفهان و ری ص۲۱۹ . ۲ ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۲۷۳ .
۳ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی‌ایران ص۵۹ .

که درمجاورت حمامها بنا شده قرارداده شده است[1] .

۶ـ حمام خسرو آقا :

این حمام درقسمت شمالی میدان معروف به چهارحوض واقع شده و اینك میدان‌تبدیل به‌عمارات‌گردیده است. خسرو آقا برادر علیقلی‌آقا و از خواجگان حرم‌شاه سلیمان صفوی بوده است .

حمام مزبور بسیار زیبا و جامه خانه آن چون دیوان خانه بنظر میآید و گرمخانه بکمال اسلوب ساخته شده است. این حمام‌صحن داخل و خارجش محاذی سطح زمین است و هوای آن مطلقا غلظتی ندارد[2] .

۷ ـ حمام بیگدلی :

این‌حمام‌درطرف مشرق شمالی میدان‌شاه واقع ودرکوچه معروف به‌بیگدلی قرارگرفته است .

۸ ـ حمام شاهزادها :

این حمام محاذی بازار رنگرزان و مجاور مدرسه شاهزادگان قرار گرفته بوده که بوسیله یکی ازشاهزاده‌های صفوی ساخته شده ومدرسه‌آن که دوطبقه بود خراب وتبدیل بدبستان جدیدالاحداثی گردیده است[3] .

۹ ـ حمام شیخ بهائی :

این حمام‌که توصیف آن درپیش گذشته تبدیل بحمام جدیدی شده وآثاری ازگذشته درآن دیده نمیشود .

۱۰ـ حمام‌نو . ۱۱ـ حمام‌کرسی . ۱۲ـ حمام گود . ۱۳ ـ حمام ذوالفقار . ۱۴ـ حمام خاجو . ۱۵ـ حمام دردشت . ۱۶ـ حمام دوقلودر بیدآباد . ۱۷ـ حمام زعفران . ۱۸ـ حمام وزیر . ۱۹ ـ حمام شوری . ۲۰ـحمام‌حاجی‌هادی . ۲۱ـ حمام‌آقاتیمور . ۲۲ـحمام چادردوز ۲۳ـحمام

۱و۲ـ نصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان ص۷۹ .

۳ ـ نگارنده درحال عمران مدرسه‌را دیده بودم دوطبقه و پر ازطلاب علوم دینی بود .

درویشان . ۲۴ـ حمام درقهوه‌خانه . ۲۵ـ حمام محمدصالح. ۲۶ـ حمام محمدکریم‌بیك . ۲۷ـ حمام منشی . ۲۸ـ حمام میرقاسم . ۲۹ ـ حمام فروهر . ۳۰ـ حمام‌خوره آزاد . ۳۱ـ حمام شریف .

یج- کاروانسراها و تیمچه‌ها

دردوران صفویه عدد کاروانسراهای اصفهان بسیاربوده که پس‌ازفترت‌افغان روزبروز برکاهش آن افزوده است .

شماره‌کاروانسراها وتیمچه‌های‌اصفهان بطورکلی درهنگام تألیف‌الاصفهان‌که اوایل قرن حاضر بوده یکصدوچهل‌وچهار باب بوده است که در ذیل بترتیب درج میگردد[1] .

۱ـ کاروانسرای آفتابگاه . ۲ـ کاروانسرای آقا . ۳ ـ کاروانسرای اردستانیها. ۴ـکاروانسرای اسکرو. ۵ـکاروانسرای‌اناریها. ۶ـکاروانسرای بارانداز . ۷ـ باربند گلشن . ۸ـکاروانسرای‌بازارخیار. ۹ـکاروانسرای بازار کفشدوزها . ۱۰ ـ کاروانسرای بانك استقراضی . ۱۱ ـ کاروانسرای بخشعلی. ۱۲ـکاروانسرای‌بروجنیها. ۱۳ـکاروانسرای‌بلبلیها. ۱۴ـکاروانسرای بوریاباف. ۱۵ـکاروانسرای‌بیگدلی. ۱۶ـکاروانسرای‌پاسنگ. ۱۷ـکاروانسرای پای درخت . ۱۸ ـ کاروانسرای پستخانه . ۱۹ ـ کاروانسرای پیزری . ۲۰ ـ کاروانسرای توتی . ۲۱ ـ کاروانسرای تیمچه . ۲۲ ـ کاروانسرای جارچی. ۲۳ـکاروانسرای جلوخان‌میدان. ۲۴ـکاروانسرای چهارسومقصود. ۲۵ـکاروانسرای‌چیت‌سازی. ۲۶ـکاروانسرای‌حاجی‌باقر. ۲۷ـکاروانسرای حاجی بنان‌السلطنه . ۲۸ ـ کاروانسرای حاجی‌حیدر . ۲۹ ـ کاروانسرای حاجی عبدالصمد. ۳۰ـکاروانسرای حاجی‌علینقی. ۳۱ـکاروانسرای حاجی غلامرضا. ۳۲ـکاروانسرای‌حاجی‌غلامعلی. ۳۳ـکاروانسرای حاجی‌غلامعلی‌عصار.

۱ـ الاصفهان ازص۵۷ تاص۵۹ .

۳۴ـ کاروانسرای حاجی کریم. ۳۵و۳۶ـ کاروانسرای حاج محمدحسین ارباب دو باب.
۳۷ـ کاروانسرای حاجی محمدرضا عرب. ۳۸ـ کاروانسرای حاجی محمدعلی.
۳۹ـ کاروانسرای حاجی محمدکاظم. ۴۰ـ کاروانسرای حاجی مشیرالملك.
۴۱ـ کاروانسرای حاجی یوسف. ۴۲ـ کاروانسرای حسن آباد. ۴۳ـ کاروانسرای
حسین علاف. ۴۴ـ کاروانسرای حوض. ۴۵ـ کاروانسرای خاجو. ۴۶ـ کاروانسرای
خانی. ۴۷ـ کاروانسرای خسرو آقا. ۴۸ـ کاروانسرای خواجه علم.
۴۹ـ کاروانسرای خوانساریها. ۵۰ـ کاروانسرای دالان دراز. ۵۱ـ کاروانسرای
دخانیات. ۵۲ـ کاروانسرای در نیم آورد. ۵۳ـ کاروانسرای دروازه دردشت.
۵۴ـ کاروانسرای دومنار. ۵۵ـ کاروانسرای زفره ایها. ۵۶ـ کاروانسرای
زیگلر. ۵۷ـ کاروانسرای ساروتقی. ۵۸ـ کاروانسرای سرچاه. ۵۹ـ کاروانسرای
سفید. ۶۰ـ کاروانسرای سلطانی. ۶۱ـ کاروانسرای سنگتراشان ۶۲ـ کاروانسرای
سیدحسن. ۶۳ـ کاروانسرای سیورسات خانه. ۶۴ـ کاروانسرای شاه.
۶۵ـ کاروانسرای شاه علی. ۶۶ـ کاروانسرای شماعیها. ۶۷ـ کاروانسرای
شیشه باغ قلندرها. ۶۸ـ کاروانسرای شیشه گری. ۶۹ـ کاروانسرای
شیشه گری مسجدنو. ۷۰ـ کاروانسرای صفا. ۷۱ـ کاروانسرای طالار.
۷۲ـ کاروانسرای عبابافی. ۷۳ـ کاروانسرای عربها. ۷۴ـ کاروانسرای
عزیزالله. ۷۵ـ کاروانسرای عطاء. ۷۶ـ کاروانسرای علی اکبر. ۷۷ـ کاروانسرای
علیقلی آقا. ۷۸ـ کاروانسرای علی محمد. ۷۹ـ کاروانسرای غلامحسین.
۸۰ـ کاروانسرای غلامعلی. ۸۱ـ کاروانسرای فخر. ۸۲ـ کاروانسرای
فعله گاه. ۸۳ـ کاروانسرای فیل. ۸۴ـ کاروانسرای قالی بافها. ۸۵ـ کاروانسرای
قهرودیها. ۸۶و۸۷ـ کاروانسرای قیچی سازها دو باب. ۸۸ـ کاروانسرای کهنه چین ها.
۸۹ـ کاروانسرای گلشن. ۹۰ـ کاروانسرای لنج. ۹۱ـ کاروانسرای ماست بندی.
۹۲ـ کاروانسرای محمدصادق خان. ۹۳ـ کاروانسرای محمدعلاف. ۹۴ـ کاروانسرای
محمد یوشنی. ۹۵ـ کاروانسرای مخلص. ۹۶ـ کاروانسرای مرتضی خان.

۹۷ـ کاروانسرای مردارکشها(مهره کشها). ۹۸ـ کاروانسرای مرغ ۹۹ـ کاروانسرای مسجد علی. ۱۰۰ ـ کاروانسرای مشهدی ابراهیم. ۱۰۱ ـ کاروانسرای مشهدی باقر. ۱۰۲ ـ کاروانسرای مشهدی رجبعلی. ۱۰۳ ـ کاروانسرای مصطفی. ۱۰۴ـ کاروانسرای مغزی. ۱۰۵ـ کاروانسرای ملاباشی. ۱۰۶ـ کاروانسرای ملك. ۱۰۷ ـ کاروانسرای منجم. ۱۰۸ ـ کاروانسرای میراسماعیل. ۱۰۹ـ کاروانسرای میرپنج. ۱۱۰ـ کاروانسرای میرحاج. ۱۱۱ـ کاروانسرای میرزاحسین. ۱۱۲ـ کاروانسرای مقصود. ۱۱۳ـ کاروانسرای میرزاکوچك ۱۱۴ـ کاروانسرای نادعلی. ۱۱۵ـ کاروانسرای نجات. ۱۱۶ـ کاروانسرای نجف‌آبادیها. ۱۱۷ ـ کاروانسرای نو. ۱۱۸ ـ کاروانسرای نقش جهان. ۱۱۹ ـ کاروانسرای هندوها. ۱۲۰ ـ کاروانسرای یاور. ۱۲۱ ـ تیمچه حاجی عظیم. ۱۲۲ـ تیمچه حاج‌سیدعبدالرحیم. ۱۲۳ـ تیمچه‌حوابیگم. ۱۲۴ـ تیمچه‌زنجیرخانه. ۱۲۵ـ تیمچه‌حمام‌وزیر. ۱۲۶ـ تیمچه تخت‌کشی. ۱۲۷ ـ تیمچه حاجی سید مصطفی. ۱۲۸ ـ تیمچه یزدیها. ۱۲۹ ـ تیمچه حاجی‌کریم پوستی. ۱۳۰ـ تیمچه محمودیه. ۱۳۱ـ تیمچه حاجی‌محمدحسین حریری. ۱۳۲ـ تیمچه ارباب. ۱۳۳ـ تیمچه حاجی‌رضا. ۱۳۴ـ تیمچه حاجی علینقی. ۱۳۵ ـ تیمچه قهوه کاشیها. ۱۳۶ ـ تیمچه ملك. ۱۳۷ـ تیمچه نبی. ۱۳۸ـ تیمچه چهارسوق مقصود. ۱۳۹ـ تیمچه پاقلعه. ۱۴۰ـ تیمچه میرزا علی‌اکبر. ۱۴۱ـ تیمچه عبابافی‌نارون. ۱۴۲ـ تیمچه سعادت. ۱۴۳ـ تیمچه ضرابی. ۱۴۴ـ تیمچه مهره‌کشها.

درواقع عددکاروانسرا اعم از تجارتی و مال‌بند و تیمچه‌ها در ۱۳۰۳ شمسی بالغ بریکصدوچهل‌وچهار باب بوده است.

تیمچه ملك‌که درضمن تیمچه‌ها نگاشته شد از احداثات حاج‌محمدابراهیم ملك‌التجار اصفهانی است‌که ازمردان خیراصفهان بشمارمیرفته است. تیمچه‌مزبور ازتیمچه‌های‌معروف دربازار اصفهان‌است ودارای‌کتیبه وتزیینات‌کاشیکاری میباشد. کتیبه‌اشعارفارسی داخل آن‌که‌گوینده‌آن طرب‌اصفهانی فرزند همای‌شیرازی وبخط

نستعلیق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بربالای درورودی نوشته شده چنین است[1]:

در زمان خسرو ایران مظفر پادشاه — آن شهنشاهی که نامش زیب هفت اقلیم شد
هم بدور ظل سلطان حکمران اصفهان — آنکه خم پشت سپهرش از پی تعلیم شد
دراوان این دورخشان مهروماه مملکت — این سرا بنیان اواز میر با تکریم شد
بس بسر کاری ابراهیم و محمود این بنا — غیرت خلدبرین فی احسن التقویم شد
الغرض چون ساخت این عالی بنار امیر راد — عقل را تاریخش ازروح الامین تعلیم شد
زدرقم کلك گهرسلك طرب تاریخ او: — این بنابرپا در اصفاهان از ابراهیم شد»
(۱۳۲۲)

و اشعار داخل تیمچه بخط نستعلیق زرد برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ اثر طبع میرزا محمد سها فرزند دیگر همای شیرازی بشرح زیراست:

دوره شاه جهان مظفردین شاه — آنکه بودشاه و ملتجای تجارت
خسرو گیتی ستان شهنشه دوران — آنکه ازاو شد بپا بنای تجارت
دست کرم تا نهاد برسر تجار — برسر گردون نهاد پای تجارت
ملك تجارت زپاس امن چوفرمود — ماه درخشنده سمای تجارت
طبع سها . . . سلطان — ساخت ملك این بنا برای تجارت
ساخت درایام نیرین دوشاهی — حاج ملك این نکو سرای تجارت
وه چه سرائی زباغ جنت قصری — قصر جنان بینکه گشته جای تجارت
حاج ملك ساخت ازفتوت وهمت — روضه خلدبرین برای تجارت
جای سرای تجارتی زکرم ساخت — تازه سرائی پی نمای تجارت

(سلام علی ابراهیم)

زنده تجارت شد ازعطای نبوت — زنده بود عالم از عطای تجارت
باب تجارت گشود احمد محمود — آنکه بود شاه وپیشوای تجارت
خواجه والاگهر سمی بن آذر — آنکه بخورشیدزد لوای تجارت
اعنی نسل حسن سلیل محمد — آنکه بود صدراصدقای تجارت

۱ ــ نقل ازگنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۸۳۴ تا ص۸۳۶ .

خان رفیعی بنا نهادو شد آن خان — عدل در او گشت کدخدای تجارت
تا گره غم گشاد از دل تجار — رأی ملك شد گره گشای تجارت
دوخته خیاط صنع از ید تقدیر — نیست ملك جم ولیك . . . تجارت
جمله دعای ملك کنند چو ببندد — بر شتران ساربان درای تجارت
ازپی حفظ ملك بکنگره عرش — روح الامین میکند دعای تجارت
مهر فروزنده سپهر نبوت — . . . . تجارت
گشت مهندس در اینسرای چو محمود — . . . . تجارت
، . . گفت بتاریخ : — « به به زیبا بود سرای تجارت»
(۱۳۲۲)

دروسط هردو مصراع از اشعار فوق الذکر جمله : (یا اباعبدالله الحسین) بخط نستعلیق زرد برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ نوشته شده است .

ید ـ مهمانسرای شاه عباس کبیر

این مهمانسرا همان کاروانسرای جده یا مادرشاه است که درزمان شاه سلطان حسین صفوی درضلع شرقی مدرسه چهارباغ ساخته شده ودرچندسال قبل باحفظ نماهای داخل و تغییرات و اضافاتی تبدیل به مهمانسرا گردیده و اکنون بنام مهمانسرای شاه عباس کبیر موسوم است . (ش۳۸)

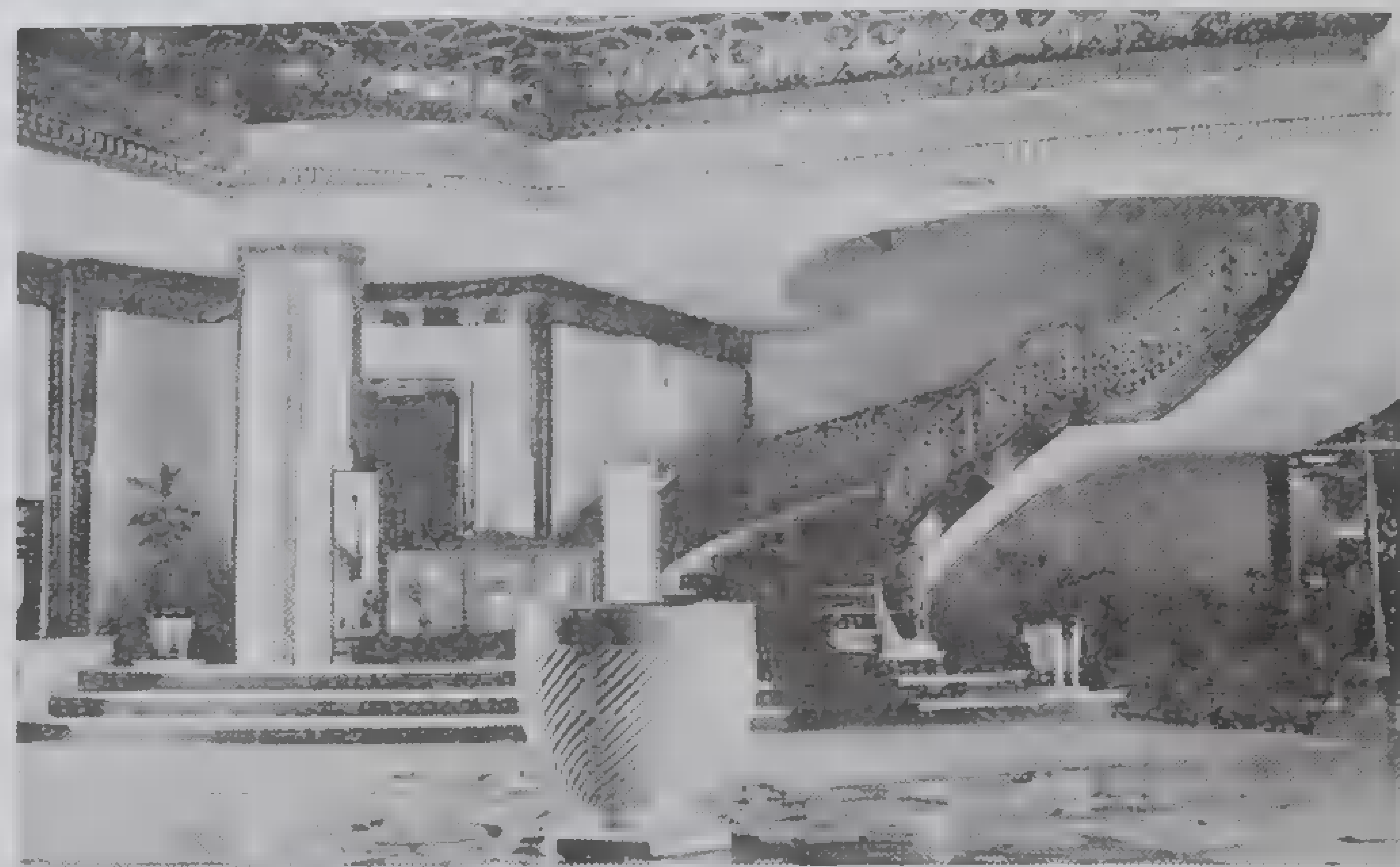
کاشی کاریهای داخلی این مهمانسرا نیز تعمیر گردیده و خلاصه اینك از مهمانسراهای با شکوهی است که هر تازه واردی از دیدنش خیره میگردد .
(ش۳۹)

یه ـ مناره ها

کلمه مناره مصدر میمی است ازفعل نار ثلاثی مجرد مانند مقامه ومنامه و معنی اسم مکان میدهد یعنی جای روشن.



(شکل ۳۸)



(شکل ۳۹)

منارهرا درقدیم‌الایام بین‌دو مرز میساختند و درآن چیزی نورانی قرار میدادند تامرز وابسته را نشان دهد وکم بکم درمیان راههای عمومی نیز اینگونه منارههارا بنا میکردند تامسافران وکاروانان بتوانندمسیر ومقصد خودرا بشناسند.

اول مناره‌ای که گفته‌اند بنا گردید مناره اسکندریه بود که ارتفاع آن دویست وسی‌ذراع بوده است.[1]

این‌گونه مناره‌ها بعداز اسلام ودرممالك اسلامی برای‌گفتن اذان بناگردید وازاینرو دربیشتر جاهائی‌که‌بعد ازاسلام احداث گردیده مناره‌ها پیوسته به‌مساجد ویا عماراتی است‌که جنبه مذهبی وتقدیس‌دارد.

بیشتر مساجدیکه درقرون اولیه اسلام ساخته شده مناره هم داشته است: مانند مسجد جورجیر اصفهان‌که نوشته‌اند مناره‌آن بیش‌ازیکصد[2] ذراع بوده و یا مسجد شهرستان که اینك اثری ازمسجد ومناره آن دیده نمیشود.

دراین‌مناره‌ها جائی‌هم برای مؤذن درنظرگرفته‌اند که درآنجا اذان بگوید وآن‌را مأذنه میگویند وروی این اصل‌است‌که بعضی ازمناره‌ها راکه درآن چنین جائی ساخته نشده مربوط به پیش‌از اسلام میدانند.

شرح مناره ها چنین است:

۱ـ مناره باغ قوشخانه:

این‌مناره در آخر قسمت شمالی محله جوباره واقع و در حاشیه زمینهای موردکشت قرارگرفته است. این‌محل‌را بنام طوقچی نیز میخوانند چه متصل‌بآن محله است و بعلاوه خود محله طوقچی هم از محلات متفرقه جوباره محسوب میشده است.

این‌مناره را بمناسبت این‌که در محل زراعتی باغ قوشخانه میباشد مناره باغ قوشخانه وچون درمحله طوقچی است مناره طوقچی وچون در مجاورت مقبره علی‌بن‌سهل است مناره علی‌بن سهل‌نیز می‌نامند.

بلندی این‌مناره درحدود ۳۸ متر است. ازکتیبه مناره مزبور که درسه‌رگ خوانده میشود فقط کلمات: الی‌والله باقی‌مانده است[3] این مناره درقدیم دو باب

۱ـ معجم‌البلدان ج ۱ ص۱۸۶ ۲ـ ترجمه محاسن اصفهان ص۶۳

۳ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۲۹۱.

بوده و درطرفین مسجد بابا سوخته یامصلی قرار داشته‌که یکی از آن دو بامسجد مزبور خراب شده است.

این اثر باستانی بموجب شماره ۳۱۳ ـ ۲۱/۸/۱۷ بثبت تاریخی رسیده است[۱] (ش۴۰)



(شکل ۴۰)

ارتفاع مناره‌را برخی ۴۰ متر و تاریخ بنای آنرا مربوط بقرن هشتم‌هجری‌دانسته‌اند. باغ قوشخانه که عوام آنرا قوچخانه می‌نامند باغی بوده جزءِ قصر سلطنتی‌که در آن در بدو امر قوشهای سلطنتی را نگهداری میکرده‌اند وسپس درابتدای ورود شاه‌عباس‌کبیر باصفهان دراین‌محل اقامت‌کرده است.[۲]

۲ـ مناره ته برنجی :

این مناره نیز در محله جوباره اصفهان قرار داشت[۳] و نگارنده بخاطر دارم دخترانی‌که میخواستند بختشان‌گشوده شود میرفتند در محل مناره و چون قسمتی از آن مناره ساقط شده بود روی آن دانه گردوئی میگذاشتند و بر آن می‌نشستند وگردو را میشکستند و بمناره خطاب میکردند و میخواستند که بخت آنان باز شود و اکنون دیگر اثر درستی از آن باقی نیست .

۱ـ فهرست ابنیه تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۶ ۲ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۵۹ ۳ـ نصف‌جهان فی‌تعریف الاصفهان ص۳۲

۳ـ مناره چهل دختران :

مناره مزبود درپایان جهت شمالی جوباره محل سکونت یهودیان واقع بوده وگویا درزمانهای قدیم متصل بعمارتی بوده‌که اکنون اثری از آن نیست و ارتفاع آنرا از ۲۱ متر (۱) تا ۲۹ متر (۲) گفته‌اند وظاهراً مقداری از سرآن افتاده است . (ش۴۱)



(شکل ۴۱)

دربالای آن پنجره ایست‌که دهانه‌آن بشکل مستطیل ومواجه با قبله‌ساخته شده وسه‌کتیبه داردکه دوتاکوفی ویکی بخط نسخ‌قدیمی است. قسمت بالای‌پنجره ازچوب ودرطرفینش ستونهای کوچکی است‌که نیمی ازآنها درداخل دیوار مناره قرار دارد وبخوبی دانسته میشودکه مناره مزبور برای اذان‌گفتن ساخته شده‌است .

این‌مناره را سکنه اطراف بنام مناره گارلنگ و یا گارلند مینامند و شاید

۱ـگنجینه‌آثار تاریخی اصفهان ص۱۷۹ ۲ـ تاریخچه ابنیه‌تاریخی اصفهان ص۱۶۰

از آن نظر بوده که مبلغی مسیحی بهمین نام در اوائل قرن چهاردهم در آن اطـراف ساکن ویهودیان را تبلیغ میکرده است.[۱] (ش ۴۲)


(شکل ۴۲)

متن کتیبه تاریخی را چنین نوشته‌اند :

«هذه المنارة بنیت من ماله»
«الاسفهسالار ابی الفتح بن محمد بن»
« عبدالواحد النهوجـی تقربـاً»
« الی الله سبحانه و تعالی وابتغاء »
« مرضاته وجزیل ثوابه تقبل الله»
«منه برحمته وفرغ من اتمامها»
« فی سنة احـدی و خمسأتـه »
« هجروية . »[۲]

وکتیبه حـاکی است مناره مزبور در تاریخ سال پانصد و یك هجری بامخارج سپهسالار ابوالفتح ابن محمد بن عبدالواحد نهوجی تقرباً الی الله ساخته شده است .

ولی با مراجعه دقیق بنوشته کتیبه آجری آن معلوم گردید که کلمه «من ماله» درست نیست بلکه (من مال) است ونیز کلمه (هجروية) واو آن زیادی خوانده شده ونوشته کتیبه (هجریه) است . خلاصه اینکه در خود کتیبه (من مال) و (هجرية) نوشته شده است ودرست آن هم چنین است بدلائل زیر :

۱ ـ جمله : هذه المنارة بنیت من ماله الاسفهسار درست نیـ ت زیرا کلمه بنیت مجهول است ومرجعی برای ضمیر من ماله نخواهد بود که این مناره از مال

۱و۲ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۱۷۹

سپهسالار نهوجی ساخته شده است .

۲ـ هجرت درتمام مواردیکه یاءِ نسبت بآن ملحق میشود هجری واگرمؤنث باشد هجریة خواهد بود ودرمورد بحث هم چون هجریت صفت سنه است هجریة با تاءِ تأنیث آورده شده است .

درکتیبه دیگری بخط کوفی آجری برجسته بر زمینه آجری پنج آیه اول سوره طه بشرح زیر نوشته شده است[۱] :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم . طه . ماانزلنا علیك‌القرآن‌لتشقی . الاتذکرة لمن» «یخشی . تنزیلاً ممن خلق‌الارض والسموات‌العلی. الرحمن علی‌العرش استوی . »

درقسمت فوقانی قاعده مناره بخط ثلث برجسته برزمینه آجری کتیبه ذیل درپنج سطر بشرح زیر گچبری شده است :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم لااله‌الاالله وحده لاشریك له محمدرسول‌الله صلی‌الله» «علیه ...... علی‌بن‌ابی‌طالب رضی‌الله عنهم اجمعین » که معلوم میشود در قسمتی که اسامی خلفاء ثلث نوشته شده بوده حك کرده‌اند . و در اصل چنین بوده که (بعد از رسول‌الله صلی‌الله علیه) : (ابوبکر و عمر و عثمان) محوگردیده است . و البته چون اصفهان تا زمان شاه‌اسماعیل صفوی مذهب تسنن رواج کامل داشته باید این حك اسامی خلفاء را مربوط بزمان صفویه وبعد دانست .

و اما بانی مناره چنانکه کتیبه حاکی است سپهسالار ابوالفتح‌بن محمدبن عبدالواحد نهوجی است که درزمان ملکشاه وجانشین اوسمت سپهسالاری داشته و رمسقط‌الرأسش نهوج ازقرای برزاوند اردستان بوده است . واین مناره برای‌اذان گفتن ساخته شده واحتمال میرود مسجدی هم داشته‌که ازبین رفته است .

وجه تسمیه آن به مناره چهل‌دختران معلوم نیست وکسی تاکنون متعرض آن نشده است . ممکن است در نزدیکی آن مناره گورستانی بنام چهل‌دختران بوده که سپس ازمیان رفته باشد . برخی آنرا مناره چهل‌اختران[۲] . خوانده‌اند

۱ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۱۸۰ .

۲ ــ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۶۰ .

وآن ممکن است از این نظر باشد که خانه‌های مربع آن که شبیه ستاره است در حدود چهل مربع وبیشتر بوده که باین نام شهرت یافته است . این مناره بموجب شماره ۲۳۱ به‌ثبت تاریخی رسیده است[۱] .

۴ ـ دومناره دارالضیاء = دارالضیافة :

این مناره‌ها درمحله جوباره در طرفین کوچه‌ای بنام حاج کاظم قراردارد و معلوم میگرددکه درقدیم جای کوچه عمارتی بوده‌که‌آن دومناره متصل‌بآن بوده‌اند وبمرورزمان ازمیان رفته است ولی آثار سردر مجللی‌که برفرازمناره‌ها میگذشته است دیده میشود .

چون کتیبه‌ها ازمیان رفته ویکی دوجمله بیشترباقی نمانده نمیتوان بطور قطع وجه‌تسمیه مناره‌ها را تعیین‌نمود وبایدگفت اگر دارالضیافة نام حقیقی‌مناره‌ها باشد عمارت ویران شده مهمانسرائی بوده برای فقراء و زهاد و امثال آنها که در هنگام ورود درآن مهمانسرا پذیرائی میشده‌اند، ولی معلوم نیست‌مهمانسرا بامناره چه ارتباطی دارد مگراینکه گفته شود مهمانسرای مزبور جزء دستگاهی بوده که هم مسجد داشته وهم مهمانسرا و درواقع مانند خانقاهای قدیم چون خانقاه شاه علاءالدین‌محمد شهشهانی‌است که‌مجموعه‌ای ازمدرسه ومسجد وحسینیه ومهمانسرا وامثال آن بوده است واما اگر نام آن دارالضیاء باشد ممکن‌است گفت این‌دومناره برای روشنائی بوده یعنی درشبها برفراز مناره‌ها آتش میافروخته‌اند تا ازراه دور اصفهان را به‌بینند ومسیر خودرا گم نکنند و این وجه تسمیه با عمرمناره‌ها که گفته‌اند درحدود قرن هشتم هجری ساخته شده مباینت دارد[۲] . چه مناره‌هائی‌که برای روشنائی بنامیکردند مربوط به‌قرون اوائل بوده است . ممکن است هم‌گفته شود بانی‌مناره‌ها وساختمان موسوم به‌ضیاء بوده وساختمان را دارالضیاءِ نامیده‌اند. ساختمان اطراف مناره‌ها معروف به سنجریه است وازهمین‌جا ممکن‌است استنباط

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۲۸ .

۲ ـ پرفسور پوپ ایران شناس نامی تاریخ بنای مناره‌ها را قرن هشتم هجری وسمیث بنای آنرا در ربع اول قرن هشتم میداند. (ترجمه آثار ایران ج۱ جزوه ۲ ص ۱۸۱)

کردکه ساختمان مزبور بامناره‌ها مرتبط باشد و در زمان سنجر ساخته شده باشد و تقریباً از نظر تاریخ بنا مربوط به حدود قرن ششم میگردد. (ش ۴۳)



(شکل ۴۳)

از کتیبه زیر مقرنسهای بالای مناره که بخط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ است فقط جمله (و من دخله) باقی مانده که درواقع قسمتی از آیه :

«ان اول بیت وضع للناس»
«للذی ببکة مبارکا وهدی للعالمین»
«فیه آیات بینات مقام ابراهیم و»
«من دخله کان آمناً . » میباشد .

بنظر نگارنده این آیه دلالت دارد که محل مزبور مشتمل برمسجدی بوده و دراثر مرورزمان ازمیان رفته است .

در داخل مقرنسهای مناره‌ها هرسوسن یاطاس شامل یك کلمه است و کلمات موجود بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است :

«محمد» «وعلی» «وفاطمه» «والحسن» «والحسین» .

پوشش تزییناتی مناره‌های مزبور بخط بنائی فیروزه‌ای بر زمینه شطرنجی آجری درهفت ردیف بشرح زیراست :

ردیف اول کلمه (الله) ، ردیف دوم تکرار کلمه « اکبر » ، ردیف سوم تکرارکلمه (الله) ، ردیف چهارم تکرارکلمه «محمد» ، ردیف پنجم تکرار کلمه

«وعلی» ، ردیف ششم تکرار کلمه «وحسن» ، ردیف هفتم تکرار کلمه «و حسین»[1].
این مناره زیرشماره ۲۷۲ بثبت تاریخی رسیده است[2].

۵ ـ مناره ساربان :

این مناره هم درمحله جوباره درمیان فضائی وسیع واقع شده واز منارههای بسیارزیبای عهد سلاجقه دراصفهان است .

مؤلف دانشمند گنجینه آثارتاریخی اصفهان راجع باین مناره چنین نوشته است :

«این مناره که یکی اززیباترین منارههای عهد سلاجقه دراصفهان است در»
«انتهای شمالی محله جوباره ناحیه یهودینشین اصفهان نزدیك مناره چهلدختران»
«درگوشه یك میدان کوچکی که یقیناً درزمان ساختمان آن محل مسجدکوچکی»
«درپای مناره بوده است واقع شده .»

«ارتفاع این مناره درحدود ۴۸متراست و محیط قاعده آن ۱۴متر میباشد و»
«ازپائین ببالا دارای هفت قسمت متمایزاست : »

«قسمت اول آن آجرچینی ساده است. قسمت دوم وسوم آن دارای تزیینات»
«عالی آجری میباشد . قسمت چهارم آن تاج اول مناره است که مقرنسهای آجری»
«توأم باکاشی فیروزهای دارد وبسیارجالب وپرحالت است. قسمت پنجم آن تزیینات»
آجری است . قسمت ششم آن تاج دوم مناره است وقسمت هفتم آن تارك مناره است.»

«درقاعده دوتاج این مناره دوکتیبه بسیار زیبا از بهترین رنگ فیروزهای»
«کاشی دیده وخوانده میشود . مناره مزبورکه ازارتفاع اولیه آن اندکی کاسته شده»
«است درحال حاضر بسمت مغرب متمایل شده واین تمایل از دوروتزدیك کاملاً»
«نمایان است . سال ساختمان این مناره در کتیبههای فعلی آن موجود نیست لذا»
«بطور قطع نمیتوان زمان ساختمان آنرا معلوم کرد . پرفسورپوپ سال ساختمان»

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۲۹۱ . ۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۵ .

«این مناره را اواخر قرن پنجم هجری میداند و آقای (مایرون بمنت سمیث) »
«ساختمان آنرا بین سالهای ۵۵۰ تا ۶۸۸ هجری تخمین زده است . کتیبه فوقانی»
«مقرنسهای تارك این مناره بخط کوفی فیروزه‌ای برجسته برزمینه آجری بشرح»
«زیراست : »

«لااله‌الاالله صادقا مخلصا محمد رسول‌الله» .

«کتیبه زیر مقرنسها بخط کوفی فیروزه‌ای برجسته برزمینه‌آجری بشرح»
زیراست : »

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ومن احسن قولا ممن دعا الی‌الله وعمل صالحاً وقال»
«اننی من‌المسلمین . »


(شکل ۴۴)

« کتیبه وسط این مناره »
«بخط بنائی فیروزه‌ای برزمینه»
«آجری‌تکرار نامهای: (محمد) »
« و(بوبکر) و (عمر) و(عثمان) »
و(علی) . »

در نصف تحتانی مناره مزبور
و در اشکال مربع بخط بنائی فرو
رفته بر زمینه شطرنجی و بطور
درهم و بر هم عبارات زیر تکرار
شده است : »

«(لااله‌الاهو) (وهو بکل »
« شیءِ علیم) (و هوالسمیع »
«البصیر)[1] . » (ش۴۴)

درتاریخچه آثارتاریخی اصفهان نوشته شده که مناره ساربان بمناره مسجد

۱ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۱۹۹ تا ص۲۰۳ .

علی شباهت دارد وارتفاع آن ۴۴/۲ مترومدخل پلکان درارتفاع ۷ متری تنه‌مناره واقع شده وتعداد پلکانش ۱۳۵ است و پهنای پلکانها ۶۸ سانتیمتر است .

و نیز گفته است که ساختمان مناره متعلق بعهد سلجوقیان و بنا بگفته گدار فرانسوی مربوط بسالهای از ۵۲۵ تا ۵۵۰ هجری است .

کتیبه های مناره‌را چنین بیان‌کرده که از سه‌کتیبه کوفی تزیین‌یافته است :

۱ ـ کتیبه یکم باکاشی‌آبی عبارت : لااله الاالله صادقاً مخلصاً محمدرسول‌الله برآن منقوش است .

۲ـ کتیبه دوم شامل آیه ۳۳ سورهٔ فصلت قرآن است .

۳ـ کتیبه سوم بخط کوفی چهارگوش باآجر تراش بر روی کاشی‌آبی شامل اسامی: محمد (ص) وخلفای راشدین است .

این‌مناره کمی‌بسمت مغرب تمایل پیدا کرده وزیرمناره که خالی وبجای‌زیر زمین ازآن استفاده میکردند در سال یکهزار و سیصد وبیست وچهار شمسی‌بطرز خوبی بسته وپرشده است.(۱)

پس‌میتوان گفت که مناره ساربان ارتفاعش بین ۴۴/۲ متر تاحدود ۴۸ متر ومحیط قاعده آن ۱۴ متر ودارای ۱۳۵ پلکان وسه کتیبه کوفی میباشد و تاریخ ساختمان قرن پنجم وششم بوده است .

درکتاب نصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان چنین‌گفته :(۲)

«ودرمحله‌جوبباره‌هم‌چند مناره‌معتبرداردیکی‌ازآنهارا مناره‌ساربان‌مینامند»
« وازهمه این‌منارها منار ساربان‌بلندتر وخوشنماتر ساخته شده ومعتبرتر است و »
« بخاطر فقیر چنان‌میرسد که این‌منارررا نام منار سارویه بوده و درآن محل‌واقع»
« بوده است ، اسم آن محل متروك ومهجور شده وکسی نام سارویه ندانسته است »
« آنرا ساروان خیال‌کرده و بآن نام اشتهار یافته باشد والله‌اعلم . »

اما وجه تسمیه منار ساربان بنظر میرسد گفته نصف جهان درست باشد و

---

۱ - تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۶۲ ۲- نصف‌جهان فی‌تعریف‌الاصفهان ص۳۲

ساختمان سارویه‌که شرح آن در مبانی معدومةالاثر بیان گردیده در همین محله بوده وهنگامیکه خمارتکین تصرفاتی درآن بناکرد احتمال دارد این مناره را هم اوساخته باشد ومناره بنام محل اشتهار داشته وکم بکم سارویه به ساروان وساروان به‌ساربان تغییروضع داده است .

این‌مناره زیرشماره ۲۳۲ به ثبت تاریخی رسیده است. [۱]

۶ و ۷ ـ مناره های دردشت :

مناره‌ها که سر آنها افتاده وصل بساختمانی بوده که واحدی از مدرسه و مسجدی اززمان آل‌مظفررا تشکیل میداده و پس‌از خرابی مسجد و مدرسه تبدیل بکاروانسراگردیده و در زمان حاضرکاروانسراهم خانه شده است .

درجوار این دومناره مقبره‌ای است‌که گنبدی خشتی وبسیار زیبا و مرتفع دارد و درآن سنگ قبری است که ازآن نام صاحب قبر معلوم میگردد .

مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان راجع باین دو مناره چنین نوشته است : [۲]

« درمحله دردشت دومناره قدیمی کاشیکاری مغولی وجود دارد که قسمتی»
« ازسرآنها خراب شده ومیگویند هرکس قصدخرابی این‌دومناره‌را نموده ازبین »
« رفته است ومربوط بدوره دوم سلجوقی است . »

« این دومناره طرفین‌سردر مدرسه‌ای‌بوده‌که درزمان‌شاه ابواسحاق مسجدی»
« وجود داشته وخراب شده وبعدها بکاروانسرا وحالیه‌اراضی‌آن تبدیل بچندخانه»
« مسکونی گردیده واین دومناره بحالت مخروبه‌ای هنوز باقی است. درجنب‌این»
«دومناره مقبره‌ای است‌که‌گنبد خشتی بسیار زیبا وبلندی دارد . در این‌بنا سنگ»
« قبرعالی است که این‌عبارات برروی‌آن خوانده میشود : »

« هذه‌الصخرة المقدسة انشاتها الخاتون العظمی سلطان بخت آغا ابنة‌الامیر »

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۰ ۲ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۴۹

« خسروشاه ادامه‌الله توفیقها لنفسها بعد وفـاتها فی رمضان سنة ثلث و خمسین .... »
« ومنظور دختر کیخسرو اینجو میباشدکه در سال ۷۵۹ هـ وفات یافته ، شوهرش »
« شاه محمود و برادر شوهرش شاه شجاع‌نام داشته‌که درجنگ دوبرادر رشادتهای »
« زیاد بخرج داد وعاقبت شاه محمود اورا درحال مستی درسال ۷۶۹ هـ بـکشت . »
« گویند این‌سنگ را قبل‌از فوت خود نقش‌کرده بوده است . در کنار این کتیبه »
« اطاق کوچکی موجود است که بزیر نقب یا دخمه‌ای راه دارد . »

« نام سلطان بخت آغا یا آغا سلطان درکتیبه ایوان جنوبی بخط نستعلیق »
« و درسر درب مسجد جامع رو بکوچه ساوجیان بخط کوفی معرق بسال ۷۶۰ هـ »
« موجود است .»

درگفته‌های مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان دو اشتباه دیـده میشود : یکی‌این‌که درعبارت‌سنگ قبر بجای ادام‌الله اشتباهاً ادامه‌الله نوشته‌اند درصورتی‌که عبارت‌سنگ‌قبر همان ادام‌الله است . دوم این‌که بانو سلطان‌آقا بانی تزیینات ایوان جنوبی مسجد جامع عتیق اصفهان را که در قرن دهم میزیسته با سلطان بخت‌آغا دختر کیخسرو ویا خسروشاه که درقرن هشتم بوده‌است اشتباه‌کرده‌اند .

مؤلف گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان درباره مناره‌های مزبور بحثی محققانه کرده‌که قسمتی ازآن‌بشرح‌زیر نقل‌میگردد :[۱]

« دومناره دردشت برفراز سردربلندی بارتفاع حدود پانزده متر که‌ازعظمت »
« دیرین‌آن حکایت میکنند قرار دارند. ارتفاع باقی‌مانده‌های دومناره دردشت از »
« سطح پشت‌بام آن بیش‌از ۸ متر نیست وحکایت ازبنای مفصل ووسیعی میکندکه »
« درعقب مناره‌ها وسردرمجلل‌آن واقع‌میشده‌است. ازترتیب استقرار ساختمانهای »
« بعد ازسردر بعلت تغییرات زیادی‌که در وضع این ناحیه داده شده اطلاعی در »
« دست نیست ، و ازساختمان وسیع آن غیر ازفضای مختصری که در عقب سردر »
« واقع است چیزی باقی‌نمانده ولی‌بطوریکه معمرین ساکن دراطراف این بنای »

۱ــ گنجینه‌آثارتاریخی اصفهان ص۳۱۷ تا ص۳۲۰ .

« تاریخی برای نگارنده نقل‌کرده‌اند تا یك قرن پیش‌هم اطاقهای ویرانه اطراف »
« مدرسه دردشت‌که مناره‌ها وسردرفعلی مدخل آن محسوب میشده باقی بوده‌است »
« وتدریجاً ضمیمه خانه‌های اطراف شده وتا یك قرن پیش‌بصورت (تکیه) محلی »
« برای اجتماع مردم محله دردشت بوده است . »

« دراطراف گردنه‌گنبد آرامگاه سلطان بخت‌آغانیز آثاری مشاهده میشود »
« که اتصال بقعه را بیناهای دیگر دراطراف‌آن میرساند وچنین استنباط میشود »
« که باقی‌مانده آثاری ازیك مجموعه ساختمانی مفصل و وسیع بـوده است که »
« باحتمال‌قوی بانی ساختمان‌آن خود سلطان بخت‌آغا ویا شوهراوسلطان محمود »
« آل مظفر بوده است . »

« بقعه فعلی از طرف ضلع شمالی راهی بداخل مدرسه داشته است‌که فعلاً »
« مسدود میباشد وترتیب ساختمان درمجاورت سردر وراه داشتن آن بمدرسه باز »
« مؤید این‌مطلب است‌که ساختمان مناره‌ها و سردر فعلی مدرسه نیز از اقدامات »
« خودسلطان‌بخت‌آغا بوده‌است وبقعه‌اختصاصی آرامگاه‌وی نیز درزمان‌حیات‌خود »
« او ساخته شده وکلیه این‌اقدامات ساختمانی بافراغت تمام صورت‌گرفته است ، »
« حتی‌سلطان بخت‌آغا بموجب الواح موجود برسنگ قبرنفیس اوسنگ مزبور »
« را در زمان حیات خود درسال ۷۵۳ هجری وشانزده سال قبل از آنکه کشته »
« شود دستور تهیه وتزیین آنرا داده است وبعداز قتلش دربقعه اختصاصی خود »
« مدفون‌شده وسنگ مزبورنیز برآرامگاه اوقرار داده شده‌است. باعلاقه زیادی »
« که محمود شاه آل مظفر باین‌زن داشته‌است وتأثر وتحسر شدیدی‌که پس‌ازقتل »
« اوارکان زندگی‌اورا فراگرفته وتا آخرعمر اورا سخت نادم وپشیمان نموده‌است »
« وعلاقه خود شاه محمودآل‌مظفر بعمران وساختمان که آثار دوره اونیز درصفه »
« عمر درمسجد جمعه اصفهان ودرامامزاده اسماعیل موجود است میتوان‌احتمال »
« دادکه اگرملکه زیبا وزیباپرست اوخود بانی ساختمان بنای مزبور نبوده است »
« یقیناً درتشویق پادشاه وقت بانجام‌این‌قبیل امور مشوق مؤثری بوده ونقش‌مهمی »

« داشته است وباتوجه‌بجنگهای متعدد ولشکر کشی‌های دائمی این‌سلطان وجنگ »
« وستیزهای دائمی بین او وبرادران ورقیبانش‌که اورا وادار میکرده ازپای‌تخت»
« خود اصفهان خارج شود میتوان باحتمـال قریب بیقین گفت که سرپـرستی و »
« نظارت‌درعملیات ساختمانی دوره‌حکومت او بازن‌رشید ولایق اوسلطان بخت‌آغا»
« بوده است.»

« جای تأسف است‌که بعلت انهدام تدریجی تارك مناره ها وبالنتیجه‌ازبین »
« رفتن‌کتیبه‌ها و بالاخص ساختمان وسیع مدرسه دردشت وکتیبه سردر مدرسه‌که »
« جای آن خالی است هیچ کتیبه و لوحه‌ای که ممیزات ساختمان این مجموعه »
« وسیع معماری را صریحاً بیان کند باقی نمانده است، ولی از طرف دیگرجای»
« خوشوقتی‌است که سنگ نفیس آرامگاه دختر اینجو و ملکه مظفری بیغما و »
« تاراج نرفته وعلت آنرا بطوریکه نگارنده تحقیق نموده است جنبه قدسی این »
« بقعه میباشد که عامه مردم درقرون اخیر آنرامتبرك ومقدس میدانسته‌اند وحتی»
« امروزهم که حدود هفت‌قرن ازتاریخ بنای‌آن میگذرد مانند عموم زیارتگاهها »
« واماکن مقدسه مردم اصفهان برمزار ملکه مقتول شمع روشن میکنند.»

« داخل بقعه سلطان بخت‌آغا فعلاً هیچگونه تزییناتی ندارد وباقشری از »
« گچ پوشیده شده است وسنگ آرامگاه او دروسط بقعه قرار دارد و در اطراف »
« آن هم فعلا صورت قبور دیگری مشاهده نمیشود ولی‌دربعضی‌جاها از زیر قشر »
« گچ آثار نقاشی های ساده‌ای پدیدار است و بطور مسلم داخـل بقعه تزیینات »
« نقاشی‌داشته‌است. جدار خارجی گنبد سلطان‌بخت‌آغا دارای تزییناتی ازکاشیهای »
« فیروزه‌ای ولاجوردی برزمینه‌آجری میباشد. »

« یك نام تاریخی ازاین‌محل که تا این‌عصر باقی مانده (شوری) است‌که »
« هم اکنون حمام شوری نزدیك این‌بنا و امامزاده شوری ویا امامـزاده عبدالله »
« باین‌نام موجود است وبعید نیست‌که مدرسه متصل بمناره‌های دردشت‌هم‌مدرسه »
« شوری نام داشته است. »

راجع بخطوط و کتیبه سردر مدرسه و مناره های دردشت نیز چنین نوشته
است :[1]
« کتیبه مناره‌های دردشت که یکی ازآنها ریخته ودیگری باقی‌است بخط»
« بنائی‌آجری برزمینه کاشی‌فیروزه‌ای بشرح زیراست : »
« لااله الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله حقا .»
« تزیینات جدار خارجی مناره‌ها شبیه تزیینات مناره باغ قوشخانه میباشد»
«که درهمین دوره ساخته شده‌و بخط بنائی‌فیروزه‌ای بر زمینه‌آجری‌تکرارجمله »
« (الله‌اکبر) است . »
« خطوط سردر مجلل آن بخط بنائی با کاشی فیروزه‌ای برزمینه آجری »
« بشرح زیر است : »
« درسه شکل مربع : (یادیان) در دو مربع : (یاحنان) و در دوشکل »
« مربع دیگر. (یامنان) ».
« در زیر کتیبه خط سابق‌سردرکه چیزی ازآن‌باقی‌نمانده در دوشکل‌مربع »
« مستطیل‌بخط بنائی فیروزه‌ای برزمینه‌آجری درطرف راست‌جمله (لااله‌الاالله)»
« ودرسمت چپ جمله (محمد رسول‌الله نوشته شده است . »
« بالای سکوهای طرفین سردر بخط‌بنائی فیروزه‌ای برزمینه‌آجری‌نوشته »
« شده است : (یاحنان یا منان) وبرجرزهای طرفین‌سردر جملات : (الملک‌لله) »
« (القوت لله) (العزت لله) . »

بنظر نگارنده چون‌بانوی نامبرده درواقع ازخصومت شوهر وکسانش آگاهی داشته پیش ازمرگ سنگ لوح خودرا تهیه‌کرده‌که پس ازاو برگورش‌گذارده شود و مدرسه و مسجد متصل بمناره‌ها اگر از ساختمانهای خود آن بانو نبوده از ساختمانهائی بوده که آنرا مرمت و تعمیرکرده و از اینرو آنجا را برای مدفن و مقبره خودآماده‌کرده است .

۱ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۳۲۰ تا ص۳۲۱

مناره‌ها و گنبد ومقبره وسنگ لوح که مجموعه آن از آثارملی باستانی بشمار میرود بشماره ۱۱۵ به‌ثبت تاریخی رسیده است [۱]

درکتاب فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایـران[۲] : نوشته شده : (ساختمان این‌مقبره‌برطبق «کتیبه روی سنگ قبر باید درحدود سال ۷۶۹ هجری قمری باشد » . درصورتیکه درکتیبه رقمی‌که خوانده میشود (۵۳) میباشد ورقم مآت‌آن‌که ۷۰۰ باشد افتاده و خراب شده است و چون مسلم است‌که عدد دیـگری بجز ۷۰۰ نمیتواند باشد پس‌سال ساختمان سنگ لوح ۷۵۳ بوده ورقم۷۶۹هجری که در فهرست بنا های تاریخـی و اماکـن باستانی ایران مذکـور گردیده موجـه نخواهد بود .

۸ ـ منارهٔ گلدسته :

درکوچه رستی‌محله‌دردشت‌نزدیك مدرسه شفیعیه وحمام نم‌بنات ودرمجاورت گنبد ابوعلی‌سیناکه بمدرس ابن‌سینا نیزشهرت دارد مسجدی است‌که در کنار آن پایه مناره قدیمی وجود دارد که بربالای‌آن‌بارتفاع سه متر ازکف پشت‌بام گلدسته مسجد بناشده و سبك ساختمان بسبك ساختمان مناره مسجد شعیا شباهت دارد و میتوان احتمال داد که ساختمان مناره مزبور بـا ساختمان گنبد در قدیم مـربوط بوده است .

وضع‌ساختمان نشان میدهدکه مناره در دوره دوم سلجوقی بناشده ولی‌مدرسه شفیعیه ازآثارزمان شاه عباس‌دوم است [۳] وممکن‌است‌مدرس مزبور جزء مدرسه‌ای بوده‌که ازبین رفته است .

۹ـ مناره مسجد علی :

این‌مناره‌درخیابان هاتف‌کنونی‌نرسیده بمسجدجامع عتیق‌طرف‌دست چپ در خیابانی‌فرعی واقع ودرگوشه شمال غربی‌مسجدعلی‌قرارگرفته‌است، وبهمین‌مناسبت

۱و۲ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۹ . ۳ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۵۰ تا ص ۱۵۱

بنام‌مناره مسجدعلی شهرت‌یافته‌است ارتفاع این‌مناره‌را بین۴۷٫۸۵[1] مترتا ۵۱٫۵ متر[2] وابعاد کامل را چنین نوشته‌اند :[3] محیط قاعده در سطح زمین ۱۶ متـر ، محیط مناره محاذی پشت بام مسجد علی ۱۵ متر ، محیط نعلبکی مناره ۱۲٫۸۰ متر محیط قاعده منارچه‌ای که برفراز مناره بنا شده ۷٫۷۵ متر ، ارتفاع هـرپله تا نعلبکی مناره ٫ ۳۵ سانتیمتر ارتفاع‌هرپله منارچه ٫ ۳۰ سانتیمتر، تعداد پله‌های منار ازسطح زمین تابالای منارچه ۱۶۴ پله .

تاریخ ساختمان‌مناره معلوم نیست ولی‌طرزوسبك ساختمان بامقایسه بدیگر مناره‌های همزمان نشان میدهدکه مربوط بقرن‌پنجم وششم هجری است بطوریکه نوشته‌اند درقدیم مسجدی بوده‌که بنام سنجریه معروف واین‌مناره درکنارآن‌مسجد بوده ومسجد علی‌بجای آن‌مسجد ساخته شده است .



(شکل ۴۵)

و چـون دوره قـدرت و حکمرانی سلطان‌سنجر سلجوقی در اواخر قرن‌پنجم و اوائل قرن ششم بوده میتوان قبول کرد که چنین مسجدی درزمان‌حکمرانی او بنا و در زمان صفویه بویرانی گرائیده بوده واز این‌رو با تعمیر ویا ازنو برخرابه‌آن‌مسجد قدیم بناگردیده است . (ش ۴۵)

مناره مزبور پنج کتیبه از بـالا بپائین دارد کـه بسیاری از کلمات کتیبه ریخته است [4] .

---

۱ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۳۳ ۲و۳ ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص ۱۹۸ . ۴ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۱۹۹ .

کتیبه اول - بخط کوفی باکاشی فیروزه‌ای برزمینه آجری درقسمت بالای مناره تکرار کلمات : (لااله‌الاالله) است .

کتیبه دوم - بخط کوفی باکاشی فیروزه‌ای درزیر مقرنسهای مناره عبارت : (الملك‌لله) تکرار شده است .

کتیبه سوم - بخط کوفی باکاشی فیروزه‌ای: (لااله‌الاالله محمد رسول‌الله) است.

کتیبه چهارم - بخط بنائی گچی برزمینه شطرنجی درمربعهای بزرگ : (هوالله‌الذی لااله الاهو) است .

کتیبه پنجم - بخط بنائی آجری برجسته برزمینه گچی‌که هم سطح با بام مسجد علی میباشد چنین است :

(شهدالله انه لااله‌الاهو والملئكة و اولوالعلم قائما بالقسط) .

ازمناره مزبور درسال یکهزارو سیصدو چهل ودو هجری شمسی‌تعمیراساسی بعمل آمده است .[1]

مناره ومسجد بشماره ۹۶ - ۱۵/ ۱۰/ ۱۰ بثبت تاریخی رسیده است .[2]

یو - مدارس شهر اصفهان

۱- مدرس ابن‌سینا :

این‌مدرس‌که به‌آن گنبد بوعلی نیزمیگویند ودارای گنبدی آجری و زیبا میباشد درمحله دردشت درنزدیکی مدرسه شفیعیه وحمام نم‌نبات واقع‌گردیده است وچنان شهرت دارد که شیخ‌الرئیس ابوعلی‌سینا در زمانی که در اصفهان اقامت داشته در این مدرس‌که بنظر میآید جزء مدرسه‌ای بوده و از میان رفته تدریس میکرده است .

---

۱ - بخشی ازگنجینه آثارملی ص ۹

۲ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۰

۲- مدرسه احمدآباد :

این‌مدرسه درمحله احمدآباد واقع واز بناهای جلال‌الـدین محمد طبیب - خاص حرم‌شاه‌سلطان حسین‌صفوی است‌که آرامگاه بانی مزبور نیزدر همان مدرسه میباشد. کتیبه سر در مدرسه بخـط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنـگـ چنین است :

« قدوفق‌لبناءِ هذه‌المدرسة‌المبارکة بمیامن دولة السلطان الاعظم والخاقان »
« الاکرم ظل‌اللّٰه‌فی‌الارضین مروج‌مذهب‌آبائه‌الائمة المعصومین‌السلطان‌بن‌السلطان »
« والخاقان‌بن‌الخاقان ابوالمظفر شاه سلطان حسین الموسوی الصفوی بهادر خان »
« خلداللّٰه ملکه و سلطانه و افاض علی‌العالمین بره و عدله و احسانه وزیدت نعمه»
« المتواترة المتوالیة طبیب خدام حرمه العلیة‌العالیة الداعی لخلود دولته جلال- »
« الدین‌محمد فی۱۱۱۴ » .

و درپشت بغل سردر بخط بنائی سه رگی لاجوردی و سفید برزمینه‌آجری سورهٔ نصر نقش شده و بخط نستعلیق سفید بر کاشی لاجوردی رنـگ این دو بیت خوانده میشود.

اجر وتاریخ این بنای رفیع	خواستم از خدا و خیر انام
بشنیدم ندا ز عالم غیب :	« بدهد ذوالجلال والاکرام »

بطوریکه از فحوای‌کتیبه سردر معلوم میگردد بنای‌مدرسه درسال یـکهزار ویـکصدو چهارده هجری باتمام رسیده است ولی‌کتیبه پشت بغل حاکی است که در سال یـکهزارویـکصدو پانزده باتمام رسیده است که یـکسال پس‌ازتاریخ سردر باشد و ظاهر امر بین‌این دو تاریخ مباینت است ولی مباینت آن را باین‌ترتیب ممکن است مرتفع نمودکه‌کتیبه سردر درتاریخ ذیحجه سال هزارویـکصدو چهارده هجری نوشته شده وکتیبه پشت بغل را در محرم بعد از ذیحجه‌که مقارن باسال یـکهزارو یـکصد و پانزده هجری میشود نوشته‌اند.

مؤلف دانشمند گنجینهٔ تاریخی‌اصفهان‌که کتیبه‌ها ازآن کتاب نقل‌گردیده

تاریخ ابیات پشت بغل‌را همان یکهزار و یکصد و چهارده بحساب[1] آورده ولی درست نیست و بطور دقیق که محاسبه شود منطبق با سال ۱۱۱۵ هجری میشود. ثبت تاریخی سردرب مدرسه مزبور درگردش اداری است.[2]

۳ـ مدرسهٔ اسماعیلیه :

این‌مدرسه در محله قصرمنشی واقع و وسعتش نزدیك هفتصد ذرع است ، و درآن قبری است‌که میگویند پیش ازبنای مدرسه بقعه صاحب آن زمین بوده و اطراف آن درختان بسیار از آن جمله درخت فلفل وجود داشته که هنوز باقی است.[3]

۴ـ مدرسه امامزاده اسماعیل :

این مدرسه درصحن امامزاده اسماعیل ساخته شده است.[4]

۵ـ مدرسه امین‌الدوله :

این مدرسه که بمدرسه صدرمعروف است ازبناهای عبدالله خان امین‌الدوله ابن‌حاج محمد حسین‌خان صدر اعظم‌اصفهانی است‌که درچهارباغ صدر قرارگرفته است.[5] ثبت تاریخی آن درگردش اداری است[6]

۶ـ مدرسه باباقاسم :

این‌مدرسه‌که بمدرسه‌امامیه نیزشهرت‌دارد درخیابان هاتف‌ودرکوچه باباقاسم ونزدیك مقبره باباقاسم قراردارد . مدرسه دوطبقه و دارای ۳۲ باب حجره تحتانی وفوقانی‌است که بیشتر حجره‌های فوقانی‌آن ویران شده است .

برای اینکه وضع مدرسه بخوبی نمایانده شود شرحی‌را که مؤلف تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان درباره ساختمان و وضع مدرسه نوشته‌بعینه نقل‌میگردد :[7]

« نزدیك مقبره بابا قاسم‌درکوچه‌ایکه بطرف‌دست راست واقع است مدرسه»

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۶۰ ۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۰۶
۴ـ جغرافیای اصفهان ص۳۵ ۵ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۳۹
۲ و۶ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۸ ۷ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص۱۵۳ تا ص۱۵۵

« بسیار قدیمی وزیبائی معروف بمدرسه بابا قاسم یا امامیه میباشد ».

« سبك معماری و ساختمان این‌مدرسه با مقبره باهم متناسب ومتعلق بیك «
« زمان است . سردر مدرسه رو بطرف جنوب و بجلوخان باز میشود که کاشیهای «
« آن ازبین رفته است . پس ازعبور از دهلیز کوتاهی بفضای مربع شکل مدرسه «
« وارد میشویم ، ساختمان بنا دوطبقه و در اطراف بچهار طرف ایوان وسیعتری «
« استکه درطرفین هریك حجراتی قرار دارد و در اطراف همگی آیات قرآنی «
« (سورهٔ انا فتحنا وسوره الدهر) بخط خوشی نوشته شده و باکاشیهای معرق خوش «
« رنگی تزیین گردیده است ، درایوان شمالی‌که شکاف بزرگی برداشته و بیشتر «
« کاشیهایش ازبین رفته علاوه برآیات قرآن وکتیبه‌های اطراف درپیشانی داخلی «
« آن بخط‌کوفی درهم نام : الله ربی ـ الحکم‌لله ـ الحمدلله ـ محمد نبیی ـ محمد «
« ابوبکر ـ عمر ـ عثمان ـ علی ـ بخط شکسته بنائی بر روی کاشی مشکی منقوش «
« است ودر دور هفتی روبروی ایوان بطورمنقوش نام: ابوبکر، عمر، عثمان، علی، «
« طلحه ، زبیر ، سعد ، سعید ، عبدالرحمن ، ابوعبیده نوشته میباشد . (خطوط «
« بنائی یاکوفی‌این‌کتیبه ها برای اولین‌بارخوانده وبوسیله این‌جانب منتشرشد). «

« در داخل صفه جنوبی با خط‌کوفی (قال‌النبی علیه‌السلام الحکم‌لله الدنیا «
« جیفة وطالبهاکلاب ـ عمل‌شیخ محمد عمر، درمربع مستطیلی دیده میشود . »

« درآخر کتیبه سمت غربی مدرسه تاریخ ۷۲۵ هجری بروی کاشی نوشته «
« شده‌که درضمن تعمیرنتوانسته‌اند حروفها را بگنجانند و میرساند که این بنا «
« مربوط بقرن هشتم هجری ودوره آل‌مظفراست . «

« این‌مدرسه دارای ۳۲ باب‌حجره استکه اغلب حجرات فوقانی‌آن خراب «
« شده وبرخی‌را همسایگان تصرف‌کرده‌اند . درسنوات اخیرمرتباً ازطرف‌باستان «
« شناسی تحت تعمیر بوده مخصوصاً درسال هزاروسیصدوسی‌وپنج دالان ورودی‌که «
« خراب بود از نو ساختمان گردید و با وجود این‌باز محتاج به تعمیرکامل‌است «
« که ازصورت فعلی خارج وتزیینات آن تعمیرشود . »

چون این‌گونه اماکن بمرور زمان بالاخره آثار باستانی خود را از دست خواهند داد لذا برای ثبت آثار مزبور در تاریخ هرچه بیشتر مشخصات و ممیزات این‌گونه آثار ذکر گردد از نظر بقای در تاریخ مفیدتر خواهد بود از این رو شرحی را که مؤلف دانشمند گنجینه آثار تاریخی اصفهان نیز نوشته و تاحد مقدور کامل است بشرح زیر نقل مینماید: (۱)

«مدرسه باباقاسم که آنرا مدرسه امامیه نیز مینامند بنای زیبائی است که»
«حیاطی دروسط و چهار ایوان و اطاقهائی که حجرات طلاب بوده است دراطراف»
«دارد. ساختمان این‌مدرسه که ازقدیمی‌ترین مدارس موجود طلبه نشین‌اصفهان»
«است دوطبقه است و درطبقه دوم‌نیز حجراتی دارد نمای خارجی صحن‌وایوانهای»
«بزرگ وکوچك مدرسه باکاشیهای مخصوص این دوره که از جهت لعاب کاشی»
«رنگ مخصوصی است ونظیرآن فقط درمحراب صفه عمر در مسجد جمعه دیده»
«میشود تزیین شده است ایوانهای بزرگ و کوچك دارای مقرنسهای کاشیکاری»
«میباشد که بعضی ازآنهاجنبه تزییناتی دارد و بعضی دیگر باخطوط بنائی‌وکوفی»
«وثلث تزیین‌شده است».

«خطوط ضلع شرقی مدرسه ازجنوب بشمال:»

«درداخل مقرنسهای ایوان اول این‌ضلع دراشکال مربع بنائی باکاشی سفید»
«معرق برزمینه‌لاجوردی نوشته شده است: الله‌الاعلی. و محمد. و علی. وحسن»
«وحسین.»

«بردوجانب ایوان‌بزرگ وسط این ضلع بخط بنائی لاجوردی وفیروزه‌ای»
«برزمینه شطرنجی آجری درهم و مکرر نوشته شده است: «قل‌استغفرالله.»

«در داخل مقرنسهای ایوان چهارم این ضلع بخط‌کوفی آجری برزمینه»
«فیروزه‌ای دریك لوحه نوشته شده: (الملك‌لله) وبخط کوفی فیروزه‌ای و سفید»
«برزمینه‌آجری: (الملك‌لله) ودرداخل‌همین‌ایوان بخط‌آجری برزمینه فیروزه‌ای»

۱ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص۳۰۳ تا ص۳۱۰

« دريك طرف (الله) ودر طرف ديگر كلمه (اكبر) نوشته شده است . »

« درزير مقرنسهاى ايوان پنجم اين‌ضلع بخط بنائى با كاشى سفيد معـرق »
« برزمينه سبز دروسط نوشته شده: (الصلوة نورالمؤمن) ودرطرفين بخط‌كوفى »
« سفيد برزمينه لاجوردى اسامى‌زير نوشته شده است : »

« (الله) (ومحمد) (وعلى) (وحسن) (وحسين) »

« ايوان شمالى مدرسه بابا قاسم . »

« درايوان بزرگ شمالى مدرسه باباقاسم در بين‌حاشيه ومتن طاق ايوان در »
« يك‌شش‌ضلعى‌كه بدون زمينه است وهمه تزيينات‌آن خطى‌است شش‌كلمه(على) »
« نوشته شده‌كه سه‌كلمه آن سفيد وسه كلمه ديگرآن لاجوردى رنگ است . »

« قسمت عمده تزيينات متن طاق اين ايوان بمـرور زمان ريخته است و »
« آنچه‌كه باقى‌مانده چهارشكل مربع‌است‌كه درداخل آنهاكلمات وعباراتى بشرح»
« زيرخوانده ميشود :»

« دريك مربع بخط بنائى آجرى معرق برزمينه فيروزه‌اى : (وحسن) »
« (وحسين) دريك مربع بخط سفيد معرق‌برزمينه‌لاجوردى: (عمل‌الشيخ‌محمدبن »
« عمر) دردو مربع‌بخط بنائى‌سفيدبرزمينهٔ‌لاجوردى (الدنياداحة) (وتركهاراحة)،»
«در وسط هلال طاق اين ايوان دريك شمسه بخط كوفى فيروزه‌اى سورهٔ اخلاص »
« نقش شده است .» .

« اسامى خلفاى راشدين واصحاب پيغمبر : »

« دررأس اسپر ديوارشمالى مدرسه باباقاسم دريك ته شمسه بخط‌ثلث سفيد »
« معرق برزمينه لاجوردى نوشته شده: (لااله‌الاالله محمد رسول‌الله حقا) شمسه »
« وسط اسپر از ده مربع كـوچك تشكيل شده كه در هرمربع بخط سفيد معرق »
« برزمينه كاشى لاجوردى يكى ازاسامى زير نوشته شده است . »

« ابى‌بكر . عمر. عثمان . على . طلحه . زبير. سعد . سعيد . عبدالرحمن. »
« ابوعبيدة . درحاشيه اطراف اسپر بخط بنائى با كاشى معرق فيروزه‌اى برزمينه »

« آجری صلوات برچهارده معصوم نقش‌شده ودرحاشیه‌های پراکنده درمتن بخط »
« بنائی فیروزه‌ای برزمینه آجری نوشته شده است: »
(سبحان‌الله والحمدلله ولا اله الاالله والله اکبر) (سبحان‌الله‌ربی‌الاعلی‌وبحمده)»
« (سبحان ربی‌العظیم و بحمده) (العظمة‌لله) (سبحان‌الله الفردالصمد) »
« (سبحان‌الملکوت) ».

« در مقرنسهای پائین‌اسپر در یك مربع بزرگ (الله) وبخط بنائی سفید »
« معرق برزمینه لاجوردی سورة (اخلاص) نوشته شده ، در چهار لوحه بخط »
« بنائی سفید ولاجوردی سه رگی بر زمینه فیروزه‌ای نوشته‌شده است :»
« (الله ربی) (محمدنبیی) (الحکم‌لله) (الحمدلله) »

« در یك شش ضلعی بخط کوفی باکاشی سفید معرق برزمینه مشکی‌نوشته»
« شده است . »
« (محمد) (ابوبکر) (عمر) (عثمان) (علی) .»

« برجانب شرقی ایوان شمالی بخط بنائی شطرنجی لاجوردی وفیروزه‌ای »
« برزمینه آجری بطور درهم ومکرر جمله (سبحان‌الله) وبرجانب غربی جمله »
« (الحمدلله) تزیینات دیوارهای این ایوان را تشکیل میدهد . »

« در داخل ایوان کوچك واقع درمشرق ایوان بزرگ شمالی بخط بنائی با»
« کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی نوشته شده است : (الدنیا ساعة و جعلها »
« طاعة) »

« و در داخل ایوان‌کوچك غربی بخط بنائی سفید برزمینه لاجوردی‌نوشته»
« شده است : (الله) (محمد) (علی) . »

« ضلع غربی مدرسه باباقاسم .»

«دراین ضلع ازشمال بجنوب نقوش ایوان کوچك اول دراین‌ضلع تزییناتی»
«است . درایوان کوچك دوم دریك مستطیل بخط بنائی سفید معرق برزمینه‌کاشی»
«لاجوردی نوشته شده : (الله‌ربی) ایوان بزرگ ضلع غربی‌مدرسه دروسطاین ضلع»

«واقع است و خطوط تزییناتی آن بخط بنائـی شطرنجی فیروزه‌ای و لاجوردی»
«برزمینه آجری بطور درهم تکرار جمله (لااله‌الاالله) است . »

«درایوان کوچك چهارم درمقرنسها بخط بنائی باکاشی معرق سفید برزمینه»
«لاجوردی نوشته شده : (محمد نبیی) » .

«درایوان کوچك پنجم درپنج شکل مربع بخط بنائی با کاشی سفید معرق»
«برزمینه لاجوردی‌نوشته شده است (یاالله) (محمد) (حبیب‌الله) (الله‌ربی) (وعلی) .»

« نام شیخ‌محمد عمر استاد کاشیکار مدرسه باباقاسم درتزیینات ایوان و گنبد»
«جنوبی مدرسه ذکرشده است . »

«درداخل مقرنسهای ایوان بزرگ ضلع‌جنوبی مدرسه باباقاسم دریك مربع»
«کوچك بخط بنائی فیروزه‌ای معرق بر زمینه آجری نوشته شده است : (محمد) »
« (وعلی) » .

«تزیینات داخل این ایوان بخط بنائـی شطرنجی لاجوردی و فیروزه‌ای»
«بر زمینه آجری تکرار جمله (والله‌اکبر) است . گنبد و محراب مدرسه در این»
«ضلع واقع شده وبردیوار شمالی محوطه زیرگنبد دریك لوح بشکل مستطیل به»
«خط بنائی با کاشی معرق لاجوردی برزمینه سفید نوشته شده است : (عمل‌الشیخ»
«محمد عمر) ودررأس‌قسمت داخلی‌گنبد بخط بنائی باکاشی‌فیروزه‌ای‌معرق‌برزمینه»
«آجری عبارت زیر نوشته شده است : (قال‌الله عزوجل عسی ان یبعثك ربك مقاماً»
« محموداً) . »

«ایوان‌کوچك غربی‌این‌ضلع‌دارای نقوش تزییناتی‌است ولی‌درزیرمقرنسهای»
«ایوان کوچك شرقی که تزیینات قسمت فوقانی منتهی‌الیه دالان ورودی را بسمت»
«صحن تشکیل میدهد در الواح کوچك بشکل مربع مستطیل بخط بنائی معرق»
«سفید برزمینه کاشی لاجوردی نوشته شده است : »

« (قال‌النبی علیه‌السلام) (الحکمةلله) (الدنیا جیفة وطالبها کلاب) »

«کتیبه‌های قرآنی مدرسه باباقاسم مورخ بسال ۷۲۵ هجری : »

«داخل ایوانهای بزرگ چهارگانه شمالی وجنوبی و شرقی و غربی مدرسه»
«باباقاسم با کتیبه‌های زوجی که شامل آیات قرآنی میباشد تزیین شده است.»
«سطرهای بالا بخط کوفی باکاشی معرق فیروزه‌ای برزمینه لاجوردی‌شامل»
«سوره (دهر) که ابتدای آن ضلع شرقی ایوان شمالی است و پس از گردش بدور»
«مدرسه درهلال ایوان‌بزرگ شرقی ختم‌میشود ودرآخرسوره فقط جمله(صدق‌الله)»
«نوشته شده است.»
«سطرهای پائین بخط ثلث‌باکاشی‌سفید معرق برزمینه لاجوردی شامل‌سوره»
«(فتح) است که ابتدای آن ضلع شرقی ایوان شمالی درزیر کتیبه کوفی است و»
«به‌آخر هلال ایوان‌کوچك دوم ضلع غربی (ازشمال‌بجنوب) ختم میشود ودرآخر»
«این کتیبه سال تاریخ آن که ناتمام ولایقرء میباشد نوشته شده است.»
«گویا برحسب تصادف قسمت آخر این کتیبه‌که سال تاریخ بنا را درآنجا»
«نوشته بوده‌اند خراب شده وبعداً بشکل بدی تعمیر شده است.کلمه (خمس) که»
«رقم آحاد سال تاریخ است بخوبی خوانده میشود و بعدازآن حرف اول رقم مآت»
«نیزکه مسلماً(سبعمائه)بوده دیده‌میشود لکن‌رقم عشرات‌آن لایقرء است وبهرحال»
«میتوان حدود سال ساختمان مدرسه را (۷۲۵ هجری) تعیین کرد.»

از گفتارهای گذشته بخوبی مشخصات و ممیزات ساختمانی مدرسه باباقاسم که ساختمان اولیه آن در ۷۲۵ هجری بوده و سپس در ادوار بعد درآن بطورحتم تصرفاتی شده معلوم گردیدکه مدرسه مزبور هنگامی ساخته شده‌که مذهب تسنن دراصفهان رواج داشته و باباقاسم ونیزبانی‌آن ازاهل سنت ودرعصرآل مظفر بوده است وسپس درعصر صفویه تزییناتی اضافه شده‌که درآن تزیینات آثار تشیع دیده میشود بخصوص در ایوان پنجم که کلمات. الله و محمد و علی و حسن و حسین نقش شده است.

اما وجه تسمیه آن بمدرسه امامیه یا امامی‌که متفاوت نوشته‌اند و کسی‌هم متعرض آن نشده از گفتار بالا مفهوم میگردد که چون در مدرسه اسامی خلفاء

نوشته شده بوده و در واقع مرجع طلاب اهل سنت بوده سپس کـه از آن وضعیت خارج و مرجع طلاب امامیه شده بنام مدرسه امامیه معروف و مشهور شده است و بطور حتم از عهد سلاطین صفویه این تغییر نام عملی گردیده است . این مدرسه بموجب شماره ۱۱۴ به ثبت تاریخی رسیده است[۱]

۷- مدرسه پاقلعه :

این‌مدرسه از آثار دوره صدارت حاج محمد حسین‌خان صدر اعظم اصفهانی است‌که درمحله پا قلعه اصفهان قراردارد، نمای اطراف صحن آن با کاشیهای خشت هفت رنگ تزیین‌شده وکتیبه سردر آن که‌بخط ثلث سفید برزمینه کاشی‌لاجوردی نقش شده باین‌شرح است :

« لقد بنی‌هذه العمارة المشتملة علی‌المسجد الشریفة والمدرسة الرفیعة فی»
« زمن‌دولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم محیی مراسم‌الشریعة الغراء و مشید »
« قواعدملة‌البیضآء مروج آثارائمة‌الطاهرین‌السلطان‌بن‌السلطان‌بن‌السلطان‌والخاقان‌بن‌الخاقان»
« فتحعلی‌شاه قاجار شیدالله اطناب دولته باوتادالخلود ، اعدل حکام‌الزمان و زائر »
« بیت‌الله الحرام حاجی محمدحسین‌خان صانه‌الله من حوادث الدوران ، الوالی »
« فی‌دارالسلطنة اصفهان صینت عن‌طوارق الحدثان ، فی عام سبع عشرة ومأتین‌بعد »
« الالف .»[۲]

ومعلوم‌میگرددکه مدرسه دارای مسجد نیزمیباشد ـ ثبت تاریخی‌این‌مدرسه درجریان است.[۳]

۸- مدرسه ترکها :

این‌مدرسه درمحله درب‌کوشك قرار دارد ویکی ازمدارس قدیمی طلبه‌نشین عهد تراکمه آق‌قوینلو[۴] و صفوی بشمار میرود وساختمان مدرسه مزبور یك‌طبقه ودارای صحنی‌کوچك ونماهای کاشی وحجراتی دراطراف است . دراطراف مدرسه

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۸ ۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۷۴۹ تا ص۷۵۰ ۳- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۳۳۷ . ۴- تاریخ اصفهان و ری ص ۲۴۵

کتیبه‌ای نیست وفقط سنگابی‌دارد که کتیبه آن بخط نستعلیق برجسته چنین‌است:

«صفی‌قلی‌که‌بود بنده شهنشه دین — چوخضر آمده‌سیراب‌چشمه رحمت»
«زمانه‌گفت بتاریخ سنگ‌خیراتش — (بنوش‌آب وبکام یزیدکن لعنت)»
(۱۰۸۱)

چنانکه بخاطردارم درسال (۱۳۰۸ ه . ش) که بنا بردستور وزارت معارف سابق مقررگردیدکه عده‌ای از محصلان درمدرسه‌ای اسکان‌داده شوند مدرسه ترکها که درآن‌ایام مخروبه وغیر مسکون شده بود وفقط بقال زیربازارچه مدرسه‌لوازم اضافی کارخود را درآن انبار میکرد مورد تعمیر قرارگرفت و عده‌ای از محصلان که نگارنده هم در میان آنان بودم سکونت کردیم ، درامر تعمیر مدرسه مرحوم محمدعلی دانشور رئیس‌وقت‌اداره‌معارف‌واوقاف‌اصفهان و آقای‌حاجی آقا حسام‌الدین دولت‌آبادی معاون اداره‌معارف مجاهدت بسزائی نمودند .

ثبت تاریخی‌این‌مدرسه درجریان است .[1]

۹ـ مدرسه جده بزرگ :

این مدرسه دربازار بزرگ واقع واز دوره شاه عباس ثانی‌است که جده او بناکرده است. نام‌جده شاه درکتیبه نیست ولی نوشته‌اند[2] که این مدرسه را جده کوچك شاه عباس دوم بناکرده است ازمیان مدرسه نهرآبی عبور می‌کند واطراف صحن کاشیکاری ودارای محراب دوطبقه وطلبه نشین میباشد وپیوسته این‌مدرسه محل‌تدریس وتحصیل‌بوده ومدرسان بزرگی درآن تدریس میکرده‌اند .

نگارنده در این مدرسه از درس‌حاج میرمحمدصادق مدرس خاتون‌آبادی و میرسید محمد نجف‌آبادی استفاده کردم و اغلب علماء و فضلای کشور از محضر آنان استفاده کردند .

از کتیبه سردر مدرسه معلوم میگرددکه مدرسه را جده شاه عباس دوم در سال (۱۰۵۸ ه . ق) بنا نموده و وقف بر طلبه علوم کرده است . کتیبه سردر

۱ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایران ص۳۳۷ — ۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۵۵۳ .

بخط ثلث سفید با کاشی معرق برزمینه لاجوردی رنگ بخط محمد رضا امامی چنین است :

« قد وقفت علیاحضرت المفخمة المکرمة المعظمة النبیلة الجلیلة العلیة »
« العالیة جدة السلطان الاعظم و الخاقان الافخم مالك رقاب الامم مروج مذهب الائمة »
« الاثناعشر علیهم السلام السلطان بن السلطان بن السلطان بن السلطان ابو المظفر شاه عباس »
« ثانی الحسینی الصفوی بهادرخان خلدالله تعالی ایام دولته ومعدلته وسلطنته الی »
« یوم الدین ببناء هذه المدرسة المبارکة ووقفها علی الطلبة الاثنی عشریة وذب فی »
« نفعها ببنائها الدین و وقفها لتحصیل مآرب النشأتین بحق النبی سیدالکونین فی »
« ثمان وخمسین والف کتبه محمدرضا الامامی . »

تزیینات داخلی مدرسه منحصر به کاشیکاری اطراف است و چیزی که بنظر میآید در لوحه کوچك برسرپشت بغل ضلع شرقی با خط نستعلیق مشکی برزمینه کاشی خشت زرد رنگ نقش شده :

«گشت تعمیر این خجسته بنا ۱۳۳۴» [۱]

و معلوم میگردد درتاریخ مزبوراز مدرسه تعمیری بعمل آمده است . متولی مدرسه مزبور تا (۱۳۰۸ هـ . ش) از خاندان آقا جمال الدین خوانساری بود . این اثرباستانی بموجب شماره ۸۹۲ - ۱ / ۱۰ / ۴۸ به ثبت تاریخی رسیده است . [۲]

۱۰- مدرسه جده کوچك :

این مدرسه دربازار قهوه کاشیها که ازبازار بزرگ منشعب میشود قراردارد و بعد از مدرسه جده بزرگ بناشده است .

آنچه شهرت دارد وبرخی ازنویسندگان نیز متعرض شده اند [۱] مدرسه جده بزرگ را جده کوچك شاه عباس ثانی و مدرسه جده کوچك را جده بزرگش ساخته است .

۱- گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۵۵۳

۲- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران اداره کل باستان شناسی .

ولی درستی این نکته و مطابقت آن با واقع محـرز نیست و بظاهر میتوان گفت که چون مدرسه جده کوچك از لحاظ وسعت کوچکتر است کوچك و بزرگتر چون توسعه آن بیشتر است بزرگ گفته‌اند و با قرینه این که مدرسه جده کوچك پیش ازمدرسه جده بزرگ ساخته شده ونام بانی درآن دلارام خانم برده شده وچون معمور بوده دیگر در کتیبه مدرسه جده بزرگ نام جده برده نشده است وبانی یکنفر بوده است وبا این ترتیب نسبت کوچکی و بزرگی هم باتوجه بمساحت مدارس مزبور بوده است .

مگر این که در وقف نامه های مربوط معلوم باشد که واقفان و بانیان دونفر بوده‌اند .

طبق لوحی ازسنگ مرمر بطول ۹۵ وعرض ۷۰ سانتیمتر که بردیواریکی ازغرفه‌های شمالی مدرسه نصب شده این مدرسه را دلارام خانم جده شاه‌عباس ثانی در رجب (۱۰۵۷ هـ . ق) بسعی ولی آقا باتمام رسانیده است . کتیبه لوح مزبور که بخط ثلث برجسته میباشد چنین است :

« قد صدر الامر بانشاءِ هذه العمارة المبارکة و بنائها من جانب علیاحضرت » المعظمة المطهرة المکرمة المفخمة المخدرة الموفقة جدة سلطان الاعظم و » الخاقان الاکرم مالك رقاب الامم مولی ملوك العرب والعجم اشرف سلاطین العالم » سمی عم خیرالمرسلین نور حدقة الزمان ، عین الاعیان، السلطان بن السلطان بن » السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان شاه عباس الثانی الصفـوی الموسوی » الحسینی بهادرخان خلدالله تعالی ملکه وهی الناموس العظمی والمخدرة الکبری » المحلیة باخلاق الزهراء دلارام خانم وفقها الله لماتحب وترضی فی تاریخ شهر رجب » سنة سبع وخمسین بعد الالف بسعی ولی آقا باتمام رسید .»

کتیبه مزبور بعینه ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان[۲] نقل گردید منتهی در کتاب مزبور هنگام مراجعه بعکس لوح (لماتحب وترضی) اشتباهاً (یحب ویرضی)

۱ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۵۳ . ۲ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۵۵۵

خوانده شده ولذا اصلاح گردید ولی‌درتاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان[1] اشتباهات زیادی دیده میشود ازآن جمله : (بنائها)که درست‌آن (وبنائها) و(ومن‌جانب) درست آن (من جانب) و (مطهرة) درست آن (المطهرة) و (الـوقفة) درست آن (الموفقه) و (مالب رقاب) درست آن (مالك رقاب) و (شرف) درست آن (اشرف‌سلاطین) و (خیرالمرصلین) درست‌آن (خیرالمرسلین) و (ثانی) درست آن(الثانی) و (الحلیة) درست‌آن (المحلیة) و (وفقهالله) درست‌آن (وفقهاالله) و (لمایحب) درست‌آن (تحب) و (یرضی) درست‌آن (ترضی) میباشد .

مدرسه جده‌کوچك دوطبقه و پشت بغلهای نمای اطراف آن تزیینات کاشی کاری دارد ودرسردرآن کتیبه‌ای بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجـوردی رنـگ بخامه محمد رضا امامی چنین‌است :

« قدوفقت علیاحضرت المفخمة المکرمة المعظمة النبیلة الجلیلة العلیة »
« العالیة جدة السلطان الاعظم والخاقان‌الافخم مالك‌رقاب‌الامم مروج مذهب‌الائمة»
« الاثنی‌عشر علیهم‌السلام ابوالمظفر شاه عباس الثانی‌الحسینی‌الصفوی خلدالله‌تعالی»
« ایام معدلته وسلطنته الی‌یوم‌الدین ببناء هذه‌المدرسة المبارکة ووقفها علی‌الطلبة »
« الاثنی عشریة وجعلت ثوابها هدیة لروح خلف‌السلاطین العظام سلالة الخواقین»
« الکرام المرحوم‌المغفورالمبرور الواصل الی‌رحمة ربه الغفورالسلطان صفی‌میرزا»
« اشمله‌الله‌بغفرانه وبنائها نفعهافی‌الدین‌ووفقها لتحصیل‌مئآرب‌النشأتین‌بحق‌النبی»
« سیدالکونین کتبه محمدرضا الامامی فی۱۰۵۶ . »[2]

این مدرسه بموجب شمارهٔ ۳۱۴ به ثبت تاریخی رسیده است .[3]

۱۱ـ مدرسه چهارباغ :

این مدرسه که ازبهترین مدارس بنا شده درایران‌است درضلع شرقی خیابان

۱ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ازص۱۷۴ تا ص۱۷۵ . ۲ـگنجینه آثارتاریخی اصفهان ص۵۵۵ تا ص۵۵۶. ۳ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۲۵ .

چهارباغ واقع گردیده است .

نمای خارجی آن مواجه خیابان چهارباغ و دارای غرفه های روبروی خیابان میباشد .

این‌مدرسه را مدرسه مادرشاه ومدرسه سلطانی‌هم خوانده‌اند وبرای هر کدام وجه تسیمه‌ای است .

مدرسه مادرشاه از آن‌جهت‌گفته‌اندکه مادرشاه سرای فتحیه وبازارچه بلندرا وقف برمدرسه چهارباغ کرده بودکه بمصرف طلاب آن برسد واز این‌رو مدرسه را نیزمدرسه مادرشاه می‌نامیده‌اند واما مدرسه سلطانی‌ازنظر این‌که شاه‌سلطان‌حسین بانی‌بوده و مدرسه چهارباغ از آن لحاظ که درخیابان چهارباغ واقع شده‌است .

وضع ساختمانی مدرسه چنین است :

از طرف ضلع شرقی چهارباغ نود مترمساحت مدرسه است ونمای آن رو بخیابان و دارای سردر بسیار ممتاز وزیباست واطرافش هفده دهانه ایوان آجری دوطبقه دارد ، وعقب آنها حجره‌هائی است .

درجبهه فوقانی‌سردر مدرسه‌کتیبه‌ای بخط ثلث برزمینه لاجوردی نوشته‌شده است . دور دهانه سردر ازکاشیهای فیروزه‌ای‌است که برروی دوپایه سنگ‌گلدانی شکل مرمر حجاری شده بسیار زیبا قرارگرفته وپهنای دهانه سردر هفت (۷) متر وطرفین در دوسکوی مرمرعالی قرار دارد .

کتیبه پیشانی سردر مشرف بخیابان مانند کتیبه ایوان شرقی داخل مدرسه است‌که بعد نوشته خواهد شد ، و اماکتیبه بالای در بخط نستعلیق سفید بر زمینه لاجوردی معرق درهشت لوحه مستطیل‌که برروی جرزها نصب شده چنین‌است :

« احمدکه شه سریر لولاك آمد	جانی‌است‌کز آلایش تن‌پاك آمد »
« یك حرف‌زمجموعه عزوشرفش	لولاك لما خلقت الافلاك آمد »
« دریای سپهر کافتابست کفش	نبود چوعلی‌گوهری‌اندر صدفش»
« خورشیدگهی بدر شودگاه هلال	گر عکس دهد بماه در نجفش »

فاصله میان کتیبه خط ومقرنس کاریهای داخلی سردر بـاسوسنهای کاشی معرق ونقوش جالب زینت داده شده وازجمله روی سوسن میانی صورت طاوسی نقش شده که بالای آن عبارت : (انا مدینة العلم وعلـی بابها) بخط نستعلیق خـوش نقش شده است .

در دم طاوس صورتهائی نمایان است که بیشتر بصورت پادشاهان صفوی کـه معمم بوده‌اند شباهت دارد این دوبیت نیز درچهار لوحه بخط نستعلیق با کاشی سفید زمینه مشکی زیرطاق نقش شده است :

« دانی زچه این چرخ کهن میگردد نه بهرتو و نه بهر من میگردد »
« درگردش او چون علی آمد بوجود میبالد و گرد خویشتن میگردد »

در اصلی مدرسه دولنگه ازیکپارچه چوب کلفت روکش نقره مذهبی دارد که ازنظر زرگری ونقاشی وقلمزنی شایان توجه است . روی لنگه سمت راست عبارات زیر بخط نسخ برجسته درمیان دوترنج نقره حك شده است :

لنگه راست : فوقانی : « بسم‌الله الرحمن الرحیم » ـ درپائین : « قال النبی صلی‌الله علیه وآله » وروی لنگه چپ بالا : « انا فتحنا لك فتحاً مبینا ـ انامدینة العلم وعلی بابها » و دراطراف لنگه در سمت راست با خط نستعلیق خوش برجسته هشت بیت نوشته شده :

« خدیـو کشور دین کلب آستان علی
گـل محمدی گـلشن مدینهٔ علم »
« ابوالمظفـر سلطان حسین‌شاه کـزو
شکست خاره جهل است ز آبگینهٔ علم »
« شهی که طینت صافش برنگ در نجف
نسب رسانده بخاك درمـدینه علم »
« بناخدائـی آن سایه خدا بـاشد
ز موج خیز خطر در امان سفینه علم »

« نبی مدینهٔ علم و علی بود در او
شه است بنده خاص در مدینه علم »
« عیان محبت آن قبله گاه در دلها
برنگ نور ز مشکوة آبگینه علم »
« ببادبانی لطف و سحاب مرحمتش
بروی آب گهر میرود سفینه علم »
« بحفظ مملکت دین‌زفیض یزدان ساخت
برای لشکر ملك دعا خزینه علم »
وبرلنگه چپ نیز همین بیت نقش شده :
« بنای مدرسهٔ کرد همتش که شوند
درآن قرینه هم اهل بی قرینه علم »
« نجات از خطر آب داد کشتی نوح
رهاند از ضرر آتش این سفینه علم »
« دو عادل است پی خرق و التیام سپهر
بگاه بست و گشاد این در مدینه علم »
« اگردومصرع موزون بود درش چه عجب
که شاه بیت بلندی است از سفینه علم »
« بود قرینه شق‌القمر بلا تشبیه
چو وا شود در این شهر بی‌قرینه علم »
« خجستهٔ که بسرکاریش موفق گشت
کمال سعی نمود این که شد کمینه علم »
« بسان کوکب رخشنده خادمش هر شام
چراغ فضل فروزد در آبگینه علم »
« نگاشت کلك بدیع از برای تاریخش
« گشاد حق بصفاهان در مدینه علم »

و در میان دوبیت آخر نام کاتب چنین نوشته شده :

« کاتب الحروف محمد صالح غفر ذنوبه »

ازجمع عدد حروف فرد آخر شعر آخر که ماده تاریخ بنا میباشد سال یکهزار و یکصد و نوزده (۱۱۱۹ ه. ق) حاصل میگردد و بدیهی است باوجود تاریخهای دیگری که درجاهای دیگر نوشته شده که بیشتر از میزان مزبور است باید گفت که اساس بنای مدرسه دراین تاریخ انجام شده بود و درسالهای بعد بر تزیینات ومزایان آن افزوده شده است .

روی دماغه لنگه چپ در برلوحه‌ای از نقره که قسمتی از آن ازمیان رفته کلمات زیر خوانده میشود :

«حسب الامر اعلی » و « بسرکاری مقرب الخاقان » و « زرگری و نقاشی ومطلا» « ومنبت وملیله وقالب » و « عبدالطیف التبریزی » .

ومعلوم میشودکه عبدالطیف تبریزی زرگر و نقاش و بالاخره متصدی امورفنی ساختمان دربوده است وظاهر آنست که منظور ازسرکار مقرب الخاقان که حک شده همان آقاکمال باشدکه درامرساختمان مدرسه چهارباغ سرکاربوده است .

در سرسرای مدرسه و در قسمت بالای در برلوحه بزرگی بشکل مستطیل بخط ثلث سفید برزمینه کاشی های خشت لاجوردی رنگ کتیبه زیرخوانده میشود که علی نقی امامی خطاط آن بوده است :

« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله انا مدینة العلم وعلی بابها » و در پائین مستطیل نام کاتب که علینقی امامی باشد و تاریخ آن که ۱۱۱۹ باشد نوشته شده است .

در چهار طرف لوحه مزبور و در وسط هرضلع درقسمت های مثلث شکل کلمات و عبارات : الله ـ یا مفتح الابواب ـ محمد ـ علی ـ نصرمن‌الله و فتح قریب نقش شده است .

دراطراف سرسرای مدخل مدرسه اشعاری از شاعری متخلص به افهم که هر

مصراعی از آن در لوحه‌ای جداگانه نقش گردیده در زیر درج میگردد :

« شاه پیغمبر خصال و نقد شیر ذوالجلال
آفتاب اوج دولت ظل رب المشرقین »

« شعلهٔ کافر گداز و رشحهٔ مؤمن نواز
سروران‌را سرفراز وسلطنت را زیب وزین »

« وارث تخت سلیمان خسرو گیتی ستان
پادشاه شیعیان جان جهان سلطان حسین »

« آنکه از تیغ کجش شد راست کار عالمی
آنکه ازخلق وکرم بگرفت حد مشرقین »

« شد مقرر تا غلام و خازنش آقا کمال
کز کمال‌عقل‌و دانش‌عقل‌و دانش‌راست عین »

« سازد این عالی بنا را پایه از اقبال شاه
کز علوشان گذارد پا بفرق فرقدین »

« ساخت عالی‌مسجدی‌با مدرسی ازلطف حق
زان سبب شد بهره یاب آرزوی نشأتین »

« هرستونش ز اعتقاد راست همدوش فلك
از دو سو گلدسته ها دست دعا را ساعدین »

« یافت چون اتمام حسب‌الامراعلی این بنا
گفت رضوانش بحسرت این جنت انت‌این »

« فکرافهم‌خواست تاریخی‌که باشد ازشرف
قابل عرض جناب کامیاب نشأتین »

« ازپی اتمام این عالی بنا از شوق گفت :
(مدرس کلب علی وشاه دین‌سلطان‌حسین »
(۱۱۱۹)

« کتبه محمد صالح »

و معلوم میگردد که کاتب آن محمد صالح وبخط نستعلیق سفید بر زمینهٔ کاشی خشت لاجوردی و در ذیل آن تاریخ را به اعـداد یکهزار و صدو نـوزده (۱۱۱۹)نوشته‌است درصورتیکه مصراعی‌که ماده تاریخ است بحساب جمل‌مطابق سال یکهزار ویکصدو بیست (۱۱۲۰) میشود.

دربالاترین کتیبه‌مدخل مدرسه اشعاری نقش‌شده ازشاعری متخلص به‌ازهری که در قرن دوازدهم از شعرای معروف بوده وآن اشعار بخط نستعلیق‌محمدصالح اصفهانی بشرح زیر است:

«بعهد دولت‌سلطان‌حسین شاه جوان — که ازعدالت اوگشت ملك دین‌آباد»
«شهنشهی که ز معماری عنایت او — بنای‌دولت‌ودین‌محکم‌است‌چون‌فولاد»
«خدایگان سلاطین دهر کزسرصدق — کمینه بنده درگاه اوجم‌است و قباد»
«ز بس بنای مساجد بعهد او پابست — مصالحی‌نشودصرف جز صلاح‌وسداد»
«بچارباغ‌صفاهان برنگ هشت بهشت — بنای مدرسهٔ‌کرد همچو سبع شداد»
«زهی بنای فلك رفعت مبارك پی — که‌دل زدیدن او شد زبند غم آزاد»
«چگونه وصف‌کنم‌آب نهرصحنش‌را — که سلسبیل‌روانی‌ازاوگرفت ارشاد»
«عجب نباشد اگر صبح تا بشام رسد — ز لوح شمهٔ او روشن آفتاب سواد»
«نگارخانه چین است طرح کاشی او — که نقش کـرده بدیوارخانـه بهزاد»
«بسنگ‌کاری‌صحن‌وازاره‌اش‌شده‌فرش — هزار صنعت شیرین زتیشه فرهـاد»
«کشیده‌اند زگلدسته‌اش بگلشن دین — مؤذنان همه گلبانگ الصلوة عماد»
«معلمی‌که در آنجا مدرس است بود — کتابخانهٔ یـونان علم را استاد»
«زصدق بود چو آقاکمال سرکارش — شدست منزل اهل کمال و استعداد»
«قلم‌گرفت ونوشت‌ازهری بتاریخش: — (بنام مدرسهٔ شه شد از کمال آباد)»
(۱۱۱۹)

«کتبه محمد صالح»

با این‌که درذیل اشعار تاریخ را (۱۱۱۹) نوشته‌اند ماده تاریخ آن‌بحساب

حروف جمل مطابق باسال یکهزار و یکصد و هیجده (۱۱۱۸) میباشد و گمان میرود یا اینکه کاتب درهنگام محاسبه اشتباه‌کرده ونوشته یا اینکه اختلاف یکسال را بمسامحه واگذار کرده‌اند. و در هرحال ماده تاریخ اول با حساب دقیق مطابق با (۱۱۲۰) و ماده تاریخ دوم مطابق باسال (۱۱۱۸) میگردد.

درسرسرای مدرسه سنگابی‌وجوددارد که دراطراف آن‌کتیبه‌ای است مشتمل بر صلوات بر چهارده معصوم و بخط نستعلیق برجسته با رقم: «کتبه اقل الطلبة محمد مهدی الحسینی عفی عنه» و رقم حجار و سازنده سنگاب چنین است:

«درشهر شعبان المعظم سنه ۱۱۱۰ باتمام رسید عمل کمترین محمد طاهر»

وباتوجه باینکه سنگاب سرسرای‌مدرسه درسال (۱۱۱۰) باتمام رسیده باشد درست بنظر میرسد که تاریخ اتمام کتیبه سردر درسال (۱۱۲۰) انجام شده باشد.

ونیزسنگاب دیگری در صحن مدرسه درمقابل ایوان بزرگ جنوبی در حاشیه باغچه گل ازسنگ پارسی قرار داردکه کتیبه‌آن چنین است:

«وقف حضرت امام حسین صلوات‌الله و سلامه علیه نمود این سنگ آب را حاجی ابوالحسن اردکانی فی‌شهرشوال المکرم سنه‌تسعین والف». و از آن برمیآید که سنگاب مزبور درزمانی پیش‌ازساختمان مدرسه ساخته شده و درجای دیگری قرار داشته وپس‌ازساختمان مدرسه بآنجا انتقال یافته است.

و احتمال هم میرودکه زمین مدرسه پیش‌از ساختمان تکیه یا سقاخانه‌ای بوده که سنگاب درآن نصب شده بوده و پس از عمارت مدرسه در همان‌جا ابقاء شده است.

مدرسه چهارایوان داردکه بیشتر کتیبه‌ها درآن ایوانها وگنبدی‌که درایوان جنوبی قراردارد واقع شده است. (ش۴۶)

الواح وکتیبه‌های ایوان شمالی مدرسه‌که درمقابل ایوان وگنبد جنوبی‌قرار دارد با کاشیهای نفیس هفت رنگ وکتیبه و خطوط تزیینی آراسته شده و دارای پنجره نفیس‌معرق‌است‌که درقسمت فوقانی‌مدخلی که ایوان سرسرای شمالی‌مدرسه



(شکل ۴۶)

را ارتباط میدهد منصوب است .

مدخل شمالی مدرسه بوسیله در نفیسی ببازارچه بلند متصل میشود . سردر مدرسه دربازارشاهی با کاشیهای معرق تزیین شده و دارای کتیبه‌ای است بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بقلم عبدالرحیم جزایری بشرح زیر :

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم . امر بانشاء هذه‌المدرسة المبارکة السلطان‌الاعظم»
« والخاقان الافخم خادم روضات الائمة سادن سدات سادات الامة ابوالمظفر شاه »
« سلطان حسین الصفوی الموسوی الحسینی بهادرخان جعل‌الله تعالی بابه مآباً »
« للسلاطین وجنابه مطافا للخواقین ولماصرف فی‌بنائها خالص‌المال بخلوص‌البال»
« اهدی ثوابها للمعصومین الاربعة عشر علیهم‌السلام کتبه عبدالرحیم فی ۱۱۲۱».

دراطراف سرسرای شمالی درالوح جداگانه‌ای اشعاری بخط خوش نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین نقش شده است :

« ابر عالم گیر گوهر قطره بحر کرم
عالم آرا آفتاب داد و دین سلطان حسین »

« آن شهنشاهی که باشد مردمان دیـده را
از غبار آستانش عین نور و نور عین »

« آسمان می‌خواست تا آفاق را سنجد به‌او
کهکشان‌میزان شد وخورشیدوماهش کفتین»

« آنکه‌دست قدرت حق چارعنصر کرده است
در سرشتش مشتری و زهره را با نیـرین »

« آنکه جـدش سرنوشت خانه تقدیر را
خوانده در پیشانی مـردم زبین الاصبعین »

« ساخت باهم مسجد و مدرس چوعلم باعمل
شد بتوفیق الهی کامیاب نشأتین »

« مسجد گردون اساسی چون سپهر آراسته
گنبدش‌را گوی سرطوق است گوی نیرین »

« شهرعلمی‌مدرسش‌کردم‌غلط نه‌کشوری‌است
صد چو یونانش نهان درجیب بین‌الدفتین »

« مایه عمر ابد در طـول دارد عرصه‌اش
عرض‌آن عرض‌عریض فکر داناراست عین »

« یافت چون اتمام این عالی‌بنا ازجود شاه
داد چون سرکاری آقاکمالش زیب و زین »

« بهر تـاریخ بنا و سال اتمامش نجیب
مطلعی‌چون مهرو مه گرداند زیب خافقین»

« مسجد سلطان عـادل ماه اوج مشرقین
۱۱۱۸
مدرس عالیجناب شاه دین سلطان حسین »
۱۱۱۹

« کتبه محمد صالح »

دو تاریخ دارد یکی بسال (۱۱۱۸) تاریخ تمام شدن بنا و دومی (۱۱۱۹) تاریخ آماده شدن مدرسه برای طلاب است.

کتیبه نمای خارجی ایوان شمالی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بشرح زیراست:

« روی عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم انه قال من سلك طريقاً يطلب فيه علما »
« سلك الله به طريقاً الى الجنة وان الملئكة لتضع اجنحتها لطالب العلم رضابه وانه »
« ليستغفر لطالب العلم من في السموات ومن في الارض حتى الحوت في البحر وفضل العالم »
« على العابد كفضل القمر على ساير النجوم ليلة البدر وقال صلى الله عليه و آله طلب العلم »
« فريضة على كل مسلم ومسلمة وان العلماء ورثة الانبياء وان الانبياء لم يورثوا ديناراً »
« ولادرهماً ولكن ورثوا العلم فمن اخذ منه اخذ بحظ وافر. وعن ابي جعفر عليه السلام »
« انه قال من علم باب هدى فله اجر من عمل به ولاينقص اولئك من اجورهم شيئاً »
« و عنه عليهم السلام انه قال ان الذى يعلم منكم العلم له اجر مثلا المتعلم له و »
« الفضل عليه فتعلموا العلم من حملة العلم وعلموه اخوانكم كما علموكم العلماءِ كتبه »
« على نقى الامامى سنة ۱۱۱۹ ».

کتیبه مزبور طابق النعل بالنعل ازکتاب آثار تاریخی اصفهان[1] نقل گردیده که درآن نوشته شده:

« طلب العلم فريضة على كل مسلم ومسلمة » در صورتی که در حدیث مربوط باین موضوع کلمهٔ مسلمة وجود ندارد ودلیل آن عمومیت کلمه مسلم است که دلالت برجنس مسلم دارد وشامل زنان هم میگردد ولی چه شده که کلمهٔ مسلمة درکتیبه آمده است موجبی بنظر نمیرسد و احتمال دارد چون در محاورات عمومی گفته میشود: العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة بدون توجه بعدم صحت آن نوشته شده باشد.

۱-گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص۷۱۲.

کتیبه‌های داخل ایوان شمالی :

۱ـ برهلال داخل ایوان شمالی مدرسه بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی بترتیب آیات (۳۵) ازسورهٔ نور و ۵۶ از سورهٔ احزاب و ۵۵ از سورهٔ مائده نقش گردیده و پـایان آن عبارت : « صدق الله العظیم و صدق رسوله النبی الکریم » قرار دارد .

۲ـ کتیبه داخل‌ایوان بخط سفید برزمینه لاجوردی چنین است :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم روی‌عن‌علی‌علیه‌السلم‌قال قال‌لی‌رسول‌الله صلی‌الله‌علیه»
« وآله الائمة بعدی اثنی‌عشر اولهم انت یاعلی وآخرهم القائم الذی یفتح‌الله علی »
« یدیه المشارق الارض ومغاربها. عن‌ابن عباس‌قال‌قال رسول‌الله صلی‌الله علیه‌وآله»
« لما عرج بی‌الی‌السمآء رایت علی‌باب‌الجنة مکتوباً لااله الاالله محمد رسول الله»
« علی‌حبیب‌الله الحسن والحسین صفوةالله وفاطمة امة الله لعنةالله علی باغضیهم »
« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم لعلی علیه‌السلم انت منی بمنزلة هرون»
« من موسی الا انه لانبی بعدی وقال علیه‌السلم انا مدینة العلم و علی بابها کتبه »
« ابن‌محمد محسن‌الامامی علی‌نقی‌الاصفهانی ۱۱۱۹ » .

دررأس‌پشت بغل ایوان شمالی کتیبه‌ای بخط نستعلیق مشکی برزمینه کاشی زرد دریك لوحه چنین نقش‌گردیده است :

« درعهد دولت خسرو جهان آرا شاهنشاه اسلام پناه اعلیحضرت رضا شاه »
« پهلوی تعمیر شده » .

کتیبه‌های ایوان شرقی :

۱ ـ کتیبهٔ افقی نمای خارجی ایوان شرقی بخط ثلث سفید بـرزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است :

« عن‌ابی‌عبدالله علیه‌السلم اذاکان لیلة الجمعة نزل من‌السماءِ ملئکة بعدد »
« الذروفی ایدیهم اقلام الذهب وقراطیس‌الفضة لایکتبون الی‌لیلة السبت‌الاالصلوة »
« علی محمد وآل محمد فاکثروا منها ، قال‌ان من‌السنة ان تصلی علی محمد واهل»

« بیته فی کل جمعة » .

و در حاشیه چپ کتیبهٔ مزبور دریك سطر تاریخ تعمیر چنین نوشته شده :

« فی شوال ۱۳۴۶ »

۲ـ کتیبهٔ داخل ایوان شرقی بخط ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است :

« لما وقع الترغیب والتحریص علی طلب العلم وسلوك سبیله فی محکم الکتاب»
« والحث والتنصیص علی تحصیله وکسبه فی السنة الاخبار المائورة عن اطیاب الائمة»
« علیهم صلوات الله الملك الوهاب فقال العزیز الحکیم فلولا نفرمن کل فرقة منهم »
« طائفة لیتفقهوا فی الدین ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم[1] یحذرون وقال »
« رسول الکریم علیه و آله التحیة والتسلیم طلب العلم فریضة علی کل مسلم الا »
« ان الله یحب بغاة العلم امر ملك الملوك الذی حاذ من قصب السبق بین ملوك »
« البلاد باستباق الخیرات وجمع بیدرالذخر لیوم الحصاد بالتبادر الی القربات لا »
« زال معمار البنیان الدولة الابدیة کما هورافع للواء الفضل والنعمة ومابرح معطرا»
« لمعاطس ارکان السلطنة البهیة کما انه ناصب لعلم العلم والحکمة ببناءِ هذه المدرسة»
«السلطانیة المبارکة النازلة منزلة الجنة التی وعدالمتقون واهلها کسکانها فی الغرفات»
« آمنون ثم امر بترصیف هذا الایوان الرفیع لمدارسة کتب العلوم وسنة اتمامه : »
« هو لمصباح العلم مشکوة » کتبه محمد رضا ۱۱۱۹ » .

که میرساند ایوان مزبور در سال ۱۱۱۸ باتمام رسیده وکتیبهٔ آن در ۱۱۱۹ نوشته شده است .

بر دو جرز طرفین ایوان شرقی بخط بنائی سه رگی معرق که دو تای آن مشکی و یکی سفید رنگ برزمینهٔ فیروزه‌ای سورهٔ قدر و عصر نقش شده و سال تعمیر آن ۱۳۴۵ تعیین گردیده است .

برچهار جرز داخل ایوان هم بخط بنائی سه رگی که دو تای آن لاجوردی ویکی زرد برزمینهٔ فیروزه‌ای سورهٔ اخلاص خوانده میشود ، و بردیوار مقابل و

۱ـ درکتاب گنجینهٔ تاریخی اصفهان هم اشتباهی لعلم چاپ‌شده است .

هلالداخل ایوان وطاق آن باخط بنائی لاجوردی معرق برزمینهٔ سفید در لوحه‌های جدا ازهم اسماءِالله و تعدادی روایات مذهبی نقش و تزیینات خطی آن را تشکیل میدهد .

۳ـ کتیبهٔ دیگر ایوان شرقی چنین است :

« اخرج احمدفی مسنده ان رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم قال انی اوشك »
« ان ادعی فاجیب وانی تارك فیکم الثقلین کتاب‌الله حبل ممدود من السماءِ الی الارض »
«وعترتی اهل بیتی وان اللطیف اخبرنی انهمالن یفترقا حتی یردا علی الحوض فانظروابم»
« تخلفونی فیها . روت عـایشة سمعت رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله یقول علی »
« مع الحق والحق مع علی لن یفترقا حتی یرداعلی الحوض صدق النبی علیه السلم کتبه »
« عبدالرحیم الجزایری . »

ایوان جنوبی مدرسه که دارای گنبد ودومناره و درواقع ایوان اصلی مدرسه بشمار میرود دارای کتیبه‌هائی است که بتفصیل ذکر میگردد :

۱ـ کتیبهٔ ایوان جنوبی صحن مدرسه واقع در مدخل گنبد که بخـط ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی نقش شده چنین است :

« روی الترمدی عن زیدبن ارقم قال قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله وسلم »
« من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل »
« من خذله. عن ابن عباس رضی‌الله تعالی قال لما نزل قوله تعالی انما انت منذر ولکل »
« قوم هاد قال صلی‌الله علیه وآله انا المنذر وعلی الهادی وبك یاعلی یهتدی المهتدون.»
« فی صحیح البخاری قال قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم لعلی علیه السلم اما »
« ترضی ان تکون منی بمنزلة هرون من موسی . کتبه عبدالرحیم . » . (ش ۴۷)

۲ ـ کتیبه های عمودی داخل گنبد صلوات بـرچهارده معصوم باین شرح خوانده میشود :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم. اللهم صل وسلم علی النبی الامی العربی الهاشمی القرشی »
« المکی المدنی الابطحی التهامی فخرالعالمین و حجة‌الله علی الخلـق اجمعین و »



(شکل ۴۷)

« رحمة‌الله علی اهل السموات والارضین خیرالبشر وشفیع یوم المحشر السیدالبهی و»
«السراج المضییء والکوکب الدری صاحب الوقار والسکینة المدفون بارض المدینة»
« الخاتم لماسبق والفاتح لما استقبل سیدالانام ومبین الحلال والحرام العبدالمؤید»
« والرسول المسدد المحمودالاحمد الامجدالکریم قایل قول ما عرفناک والمخاطب»
«بخطاب لولاک لماخلقت الافلاک ذی المعجزات والبینات مظهر البراهین والآیات اشرف»
« الاولین والاخرین الذی کان نبیاً وآدم بین الماء والطین وانزل فی شأنه الاعلی «
«سبحان الذی اسری بعبده لیلا ودنی فتدلی فکان قاب قوسین اوادنی سبح فی کفه الحصی»
«ونبع من اصابعه الماء وجری المختص بتکریم من یطع الرسول فقد اطاع الله والمعزز»
« بتشریف و انه لذکر لک و لقومک وانذر عشیرتک الاقربین فاتبعونی یحببکم الله»
« صفوة المرسلین وحبیب اله العالمین . ابی القاسم محمد المصطفی خاتم النبیین .»

« اللهم صل وسلم على السيد المطهر والامام المظفر والشجاع الغضنفر ابی »
« شبير وشبر قاسم طوبی وسقر صاحب احد وخيبر عامل لواء الحمد وساقی الکوثر »
« الذی من تولاه فازوا من من کل خطر ومن عاداه فقد خاب وخسر وفی امه نظر الانزع »
« البطين الاشرف المکين العالم المبين الاشجع المتين والناصر المعين ولی الدين »
« الوالی الوالی المخلص الصفی الحاکم بالنص الجلی المدفون بالغری السيد الرضی »
« اخ الرسول وزوج البتول وسيف الله المسلول حجة الرحمن مفتح الجنان اب الائمة »
« المعصومين خليفة حبيب رب العالمين ليث بنی غالب وغالب کل غالب مطلوب کل »
« طالب مفرق الکتايب والشهاب الثاقب و الهزبر السالب امام المشارق و المغارب »
« مظهر العجايب ومظهر الغرايب مولانا ومولی الثقلين سيد الوصيين و امام المتقين »
« ويعسوب الدين وقائد الغر المحجلين امير المؤمنين ابی الحسن علی بن ابی طالب . »

« اللهم صل وسلم علی السيدة الجليلة الصديقة النبيلة المحدثة العليمة »
« الکريمة الشهيدة المعصومة المکروبة المضطهدة المظلومة ذات الاحزان الطويلة »
« فی المدة القليلة المغصوبة جهراً المدفونة سراً ام الائمة النجباء النقباء المزوجة »
« فی السماء وشهودها الملأ الاعلی ونثارها الدرر واليواقيت التی حملتها شجرة طوبی »
« بنت سيد المرسلين و حليلة خير الوصيين المطهر[1] من الارجاس المنزهة من »
« الادناس العطية السنية النبوية الموهبة البهية الاحمدية البتول العذراء الانسية »
« الحوراء سيدة النساء فاطمة الزهراء . »

« اللهم صل وسلم علی السيد المجتبی و الامام المرتجی سبط المصطفی وابن »
« المرتضی علم الهدی والعروة الوثقی والحجة علی اهل الدنيا بضعة الرسول قرة عين »
« البتول العالم الرفيع ذی الحسب المنيع الشفيع بن الشفيع المقتول بالسم النقيع »
« المدفون بارض البقيع معز المؤمنين وسيد شباب اهل الجنة فلذة کبد سيدة نساء »
« العالمين الحبر المعصوم والامام المظلوم الکريم السخی الحليم السنی الکوکب »

---

۱ ـ درمتن کتيبه منقول له از کتاب گنجينهٔ آثار تاريخی اصفهان المطهر نوشته شده ولی درست آن المطهرة ميباشد .

« الدرى و النورالبهى العالم بالفرايض والسنن صاحب الجود والمنن ابى محمد »
« الحسن . » .

« اللهم صل و سلم على السيدالزاهد والامام العابد زين المنابـر والمساجد »
« ولى الملك الماجد قتيل الكافر الجاهد الذى عوضه الله تعالى عن شهادته استجابة »
« الدعاء تحت قبته وجعل الشفاء فى تربته والائمة من ذريته صاحب المحنة والكرب »
« والبلاء المدفون بارض كربلاءِ خامس آل العباءِ وثانى السبطين وبضعة رسول الثقلين »
« مولانا ومولى الكونين سيدالشهداء ابى عبدالله الحسين . »

« اللهم صل وسلم على اب الائمة وسراج الامة وكاشف الغمة ومحيى السنة وسنى »
« الهمة رفيع الرتبة انيس الكربة وصاحب الندبة المدفون بارض طيبة حجة الخالق »
« شفيع الخلايق خازن الكتاب المسطـور و وارث التورية و الانجيل و الـزبور »
« سيد الساجدين و اسوة الصالحين امام الزاهدين و زين العابدين صاحب المفاخر »
« والمناقب سليل اسدالله الغالب قرة عين رسول الثقلين وامام الكونين ابى محمد »
« على بن الحسين . »

« اللهم صل وسلم على قمر الاقمار و نور الانوار و سيد الابرار و قايـدالاخيار »
« السيد الوجيه والامام النبيه المدفون عند ابيه حجة الله على الخلق اجمعين رحمة الله »
« على اهل السموات والارضين سلالة سيد النبيين قرة عين خير الوصيين الممتاز بسلام »
« جده على لسان جابر والناشبة بين خلفاء بسيد الاوائل و الاواخر مخزن اسرار الله »
« معدن علم الله الطهر الطاهر والبدر الباهر والنجم الزاهر والبحر الزاخر والدر الفاخر »
« امام الكونين ومقتدى الثقلين ابى جعفر محمد بن على الباقر . »

« اللهم صل وسلم على الصادق الصديق العالم الوثيق الحليم الشفيق خليفة »
« خير الانبياءِ وصى سيد الاوصياء المظهر البراهين ومبين الايات الحجج والبينات »
« منبع العلوم المكنونة خازن الاسرار المكتوبة بضعة رسول الثقلين قرة عين نبى »
« الخافقين حجة الخالق هادى الخلايق صاحب الشرف الرفيع والحسب المنيع والفضل »
« الجميع المدفون بارض البقيع المهذب المؤيد والامام الممجد قدوة الانام والحبر »

«الهمام محقق الحقایق و مظهر الدقایق ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق.»

«اللهم صل و سلم علی السید الکریم و الامام الحلیم سمی الکلیم و الصابر»
«الکظیم قاید الجیش المدفون بمقابر قریش مخزن اسرار علوم الابد و حجة الله»
«الواحد الاحد الصمد هادی الانام و مبین احکام الحلال و الحرام المظلوم المسجون»
«و الغریب المغموم المحزون صاحب الشرف الانور و الجبین الازهر مولی الثقلین»
«و مقتدی الکونین قرة عین خیر الخلق اجمعین موسی بن جعفر الکاظم.»

اللهم صل و سلم علی السید المعصوم و الامام المظلوم و الشهید المسموم و»
«الغریب المغموم وارث علوم انبیاء المرسلین و سلیل خیر النبیین و سید الوصیین»
«بدر النجوم و شمس الشموس انیس النفوس المدفون بارض طوس عالم اسرار التنزیل»
«و التاویل کاشف رموز التوریة و الزبور و الانجیل حجة الله علی البرایا رحمة الله»
«علی اهل الارض و السماء الراضی المرتضی المجتبی المرتجی ابی الحسن علی بن»
«موسی الرضا».

«اللهم صل و سلم علی السید العالم العامل الفاضل الکامل الباذل العادل الاجود»
«الجواد العارف باسرار المبداء و المعاد و لکل قوم هاد مناص من لامناص له یوم»
«ینادی المناد المدفون بارض بغداد حجة الله علی البریات شفیع الامة فی العرصات»
«المعصوم من الذنوب و الخطایا منبع الهمم و العطایا قدوة اهل الهدی و ذوی التقی و»
«المختص بالامامة فی الصبی مقتدی الکونین و للنبی قرة عین السید العربی و الامام»
«الاحمدی و النور المحمدی الملقب بالتقی المکنی بابی جعفر محمد بن علی.»

«اللهم صل و سلم علی الامام الهمام و فخر الانام مقتدی الخواص و العوام السید»
«السند المجد المؤید کهف التقی و غیث الوری بدر الدجی طود النهی علم الهدی»
«المدفون بسر من رأی مظهر المعجزات و مبین الایات سلالة سید الاولین و الاخرین»
«خلیفة قائد الغر المحجلین معدن العلوم الربانیة مخزن الاسرار السبحانیة حجة الله»
«علی کافة البریة امام الکونین و قدوة الثقلین صاحب المفاخر و الایادی افضل کل»
«حاضر و بادی ابی الحسن علی بن محمد التقی الهادی.»

« اللهم صل وسلم على الامام الهمام الفاضل و السيد العالم الكامل المعصوم »
« المؤيد والمحدث المسدد حجة الله الناطق ولسانه الصادق وبرهانه القاطع ونوره الساطع »
« اللامع حامل امانات النبوة كافل هداية الامة قدوة الابرار والاخيار امين الله فى البرارى »
« والبحار منبع العلوم ومجمع الانوار كاشف المحن و البلوى المدفون بسر من رأى »
« الامام الولى خازن سر النبى ابى محمد الحسن بن على العسكرى . »

« اللهم صل و سلم على صاحب الدعوة النبوية و الصولة الحيدرية والعصمة »
« الفاطمية والحلم الحسنية والشجاعة الحسينية والعبادة السجادية والمأثر الباقرية »
« والاثار الجعفرية والعلوم الكاظمية والحجج الرضوية والجود التقوية والسخاوة »
« النقوية و الهيبة العسكرية الامام المنتظر صاحب العصر والزمان سمى حبيب »
« الرحمن صلوات الله و سلامه عليهم اجمعين ولعنة الله على اعدائهم الى يوم الدين »
« كتبه عبدالرحيم . فى ۱۱۰۴ »

۳- کتیبهٔ ایوان غربی داخل گنبد بخط افقی چنین است :

« روى ابن المغازلى والديلمى عن سلمان قال سمعت حبيبى رسول الله صلى الله »
عليه وآله يقول كنت انا و على نورا بين يدى الله عزوجل قبل ان يخلق الله آدم باربعة »
« عشر الف عام فلما خلق الله آدم قسم ذلك النور جزأين فجزء انا وجزء على ففى النبوة »
« وفى على الخلافة. فى كتاب جامع الاصول روى الترمدى عن ام سلمة قالت قال رسول الله »
« صلى الله عليه و آله وسلم من اراد ان ينظر الى نوح فى تقواه والى ابراهيم فى حلمه »
« والى موسى فى هيبته والى عيسى فى عبادته فلينظر الى على. و روى ابو القاسم سليمان بن »
« احمد الطبرانى رحمه الله بسنده الى عبدالله بن حكيم الجهنى ان رسول الله صلى الله »
« عليه وآله قال انتهيت ليلة الاسراءِ الى سدرة المنتهى فاوحى الى فى على انه امام »
« المتقين و قائد الغر المحجلين الى جنات نعيم و قال لو يعلم الناس متى سمى على »
« امير المؤمنين ما انكر فضله كتبه عبدالرحيم الجزايرى . ۱۱۲۱ »

۴- کتیبه ولوحه‌های نمای خارجی ایوان جنوبی :

الف ـ کتیبه نمای خارجی ایوان جنوبی در زیر مناره های طرفین بخط

ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی رنگ در وسط چنین است :

« قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم لعلی بن ابی طالب امیرالمؤمنین علیه
« السلام یاعلی نوم العالم افضل من عبادة العابد یاعلی رکعتین یصلیها العالم افضل من »
« الف رکعة یصلیها العابد وروی حفص بن غیاث انه قال قال ابوعبدالله علیه السلم »
« من تعلم وعمل به و علم لله دعی فی ملکوت السموات عظیماً فقیل تعلم لله و عمل لله »
« عن معویة بن وهب قال سمعت ابی عبدالله علیه السلم یقول اطلبوا العلم وازینوا معه »
« بالحلم والوقارو وتواضعوا لمن تعلموا العلم و تواضعوا لمن طلبتم منه العلم ولاتکونوا »
« علماءِ جبارین فیذهب باطلکم بحقکم . عن ابی عبدالله علیه السلم یقول ان من حق »
« العالم الاتکثر علیه السئوال ولاتأخذه بثوبه واذا دخلت علیه وعنده قوم فسلم علی[1] »
« جمیعاً وخصه بالتحیة دونهم واجلس بین یدیه ولاتجلس خلفه ولاتغمز بعینک ولا »
« تشر بیدك ولاتکثر من القول قال فلان خلافاً لقوله و لاتضجر بطول صحبته فانما »
« مثل العالم مثل النخلة تنتظر متی یسقط علیك منها شیئی والعالم اعظم اجراً من »
« الصائم القائم الغازی فی سبیل الله . وعن ابی بصیر قال سمعت ابا عبدالله یقول من علم »
« خیرا فله مثل اجر من عمل به قلت فان علم غیره یجری ذلك له کتبه عبدالرحیم »
« فی ۱۱۱۲ »

ب ـ خطوط بنائی نمای خارجی ایوان جنوبی صحن مدرسه :

۱ ـ روی دو جرز دو طرف ایوان جنوبی در یك شکل چهار ترنجی بخط بنائی مشکی برزمینهٔ سفید چنین نوشته شده :

« اللهم صل علی محمد و آل محمد وعجل فرجهم و اهلك اعدائهم .

ودر ترنج دیگر نوشته شده :

« اشهد ان لااله الاالله واشهد ان محمداً رسول الله واشهد ان علیا ولی الله » .

در ترنج سوم نوشته شده :

« استغفرالله الذی لااله الا هوالحی القیوم واتوب الیه » .

۱ـ درست روایت (علیهم) میباشد .

و در ترنج چهارم چنین خوانده میشود :

« وصلی‌الله علی جمیع الانبیاءِ والمرسلین والحمدلله رب‌العالمین» .

ودرشکل مربع وسط چهار ترنج چهارمرتبه کلمهٔ (علی) نقش شده است .

۵ ـ کتیبهٔ قسمت فوقانی محراب ومنبرمدرسه چنین است :

« رواه البیهقی فی‌کتابه الذی صنفه فی‌فضایل الصحابة یرفعه بسنده الی »
« رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم من اراد ان‌ینظر الی‌نوح فی‌تقواه والی ابراهیم »
« فی‌حلمه‌والی‌موسی‌فی‌هیبته والی‌عیسی فی‌عبادته فلینظرالی علی. وروی ابوالقاسم »
« سلیمان بن احمد الطبرانی رحمه‌الله بسنده الی عبدالله‌بن حکیم الجهنی ان »
« رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله قال انتهیت لیلة الاسراءِ الی‌سدرة المنتهی فاوحی »
« الی‌فی علی‌انه امام‌المتقین وقائد الغرالمحجلین‌الی‌جنات نعیم وقال لویعلم‌الناس »
« متی سمی علی امیرالمؤمنین ماانکرفضله کتبه عبدالرحیم الجزائری ۱۱۲۱ » .

۶ ـ کتیبه های شبستان مدرسه :

شبستان مدرسه که درضلع خاوری گنبد واقع وبوسیلهٔ در منبت‌کاری جالبی بفضای زیرگنبد مربوط میشود سه محراب دارد ودر اطراف یکی از آنها با خط ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی آیهٔ ۱۴۴ سورهٔ بقره و پایان آن باین کلمات ختم میشود : «صدق‌الله العلی‌العظیم وصدق رسوله النبی‌الکریم ونحن علی »
« ذلك من‌الشاهدین کتبه محمد مؤمن‌الحسینی» .

در اطراف محراب دوم ازآغاز آیهٔ ۷۸ تا پایان آیهٔ ۸۲ سورهٔ اسری نقش شده و قسمت آخرآن برقم زیر ختم میشود: «کتبه محمد مؤمن‌الحسینی ۱۱۱۸» .

درکتیبهٔ محراب سوم آیهٔ ۱۴۴ سورهٔ بقره نقش شده بوده‌که فقط : «قدنری تقلب وجهك» ازآن باقی مانده است .

۷ ـ کتیبهٔ مناره های مدرسه :

درزیرستونهای تارك دومناره کتیبهٔ زیر بخط ثلث لاجوردی برزمینهٔ کاشی زرد باین شرح دیده میشود :

« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله وسلم ان‌علیا منی وانا من علی وهو مولی »
« کل مؤمن بعدی لایؤدی عنی الا انا اوعلی . قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله »
« انا وعلی من نور واحد .»

۸ ـ کتیبه نمای خارجی گنبد مدرسه :

درگردنهٔ گنبد مدرسه درقسمت بالا باخط بنائی سه رگی برزمینهٔ فیروزه‌ای عبارت : « اللهم صل علی محمد و آله وسلم » چهار بار نقش شده است ، ودر پائین قسمت مزبور برلوحه های پراکنده‌ای با خط بنائی ساده لاجوردی رنگ برزمینهٔ سفید عبارات زیرچهار بارتکرارشده است : (ش ۴۸)



(شکل ۴۸)

۱ ـ « توکلت علی الحی الذی لایموت» چهار بار.

۲ ـ «الله‌اکبر» چهار بار .

۳ ـ «هوالله‌الذی لااله‌الاهو» چهار بار .

۴ ـ «الله‌اکبر» چهار بار .

۵ ـ «الملک‌لله الواحدالقهار» چهاربار .

و در اطراف گنبد بخط ثلث سفید برزمینهٔ کاشی خشت لاجوردی چنین نوشته شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. الحمدلله‌رب‌العالمین رافع‌السموات وباسط‌الارضین »
« والصلوة والسلام علی خاتم‌الانبیاء و سیدالمرسلین محمد صاحب‌الفرقان و مهبط »
« وحی القرآن و علی‌اله الطیبین الاخیار وصحبه‌المنتجبین الابرار لاسیمااخیه و »
« وصیه و مستودع علمه و موضع سره وباب حکمته وخلیفته فی‌امته الداعی الی »
« شریعته علی‌بن‌ابیطالب علیه وعلی اولاده سلام‌الله الملك الواهب وبعد فان عمارة »
« المساجد لاقامة ذکرالله وتأسیس المدارس لتنفیذ امرالله من‌اعظم‌المثوبات لدیه »
« و اقرب‌القربات الیه و قدحث سبحانه وتعالی علیه فقال عز من قائل انما یعمر »
« مساجدالله‌من آمن بالله‌والیوم‌الاخروممن من‌الله‌علیهم بهاتین‌الموهبتین هوالسلطان »
« العادل والخاقان الباذل ملك‌الانام ناشر احکام الاسلام مروج الشریعة الغراءِ »
« والسالك سبیل‌المحجة البیضاءِ الشاه سلطان حسین الموسوی الحسینی الصفوی »
« بهادرخان‌لازال ایام‌دولته مرفوعة الی‌سمك‌السماءِ وصیت‌معدلته‌مسموعا فی‌سطوح »
« المساجدوالافلاك لماصرف‌فیهما صفوالمال بطیب‌البال وصدق‌النیة اهدی ثوابهما »
« الی موالیه سادات الخلق والبریة والمعصومین الاربعة عشر علیهم‌السلم کتبه »
« عبدالرحیم الجزایری فی ۱۱۲۲ ».

و در یك حاشیه‌که برکتیبه مزبور عمود است چنین خوانده میشود :

« تعمیرات مدرسه درتاریخ هزاروسیصدوپانزده بامر وزارت معارف واوقاف »
« انجام یافت ».

۹ ـ حجرهٔ شاه سلطان حسین :

بطوریکه مشهور است شاه سلطان حسین حجره‌ای در قسمت ضلع شمالی مدرسه ازسمت مغرب داشته‌که درآن گاه‌گاهی جلوس وتدریس میکرده ویاهنگام سرکشی بمدرسه درآن فرود میآمده است.

حجرهٔ مزبورباسایرحجرات مختصرامتیازی داردکه یکی زیلوی سیاه رنگ

تاریخ وکتیبه‌داری است که‌کتیبهٔ آن چنین است :

« فرش این‌مدرسه‌که روح افزا است   وقـف نـواب اشرف والا است »

و دیـگر اینـکه داخل حجرهٔ مزبور بـا حاشیه های طلاکاری آراسته شده و بخاری بسیار زیبائی دارد.

هر چند انتساب حجره بشاه سلطان حسین سندی ندارد ولی ممکن‌است بنام آن پادشاه ساخته شده باشد برای حفظ عنوان نه‌اینـکه پادشاهی در حجرهٔ مدرسه اقامت داشته باشد.

۱۰ ـ شاخص مدرسه :

ازقدیم برای تعیین ظهر وهمان‌طور تشخیص قبله دانشمندان فن چون شیخ بهائی وغیره شاخصهائی درست کرده‌اند یـکی ازآنها در مسجد شاه و دیـگری که نـگارنده دیده‌ام در مدرسه نیم‌آورد میباشد.

درسال ۱۳۱۱ شمسی‌هم بهمت دانشمند منجم سیدجلال‌الدین طهرانی چنین شاخصی سنـگی‌که مبین ظهر حقیقی‌است درطرف شرقی ایوان‌شمالی مدرسه‌سلطانی چهار باغ نصب گردیده‌که مورد استفاده نیازمندان است.

کتیبهٔ شاخص چنین است :

«در روز یـکشنبه ۲۹ جمادی‌الاخرة ۱۳۵۱ قمری و ۷ عقرب‌و۸ آبان‌ماه ۱۳۱۱»
«شمسی‌این‌سنـگ‌برای‌تعیین‌ظهرحقیقی‌بیادگارسفراصفهان‌این‌جانب‌سیدجلال‌الدین»
« الحسینی الطهرانی درمدرسهٔ چهارباغ نصب شدکه چون‌جدار غربی این‌سنـگ »
« سایه‌اش معدوم شد ظهرحقیقی واقع میـگردد. درزمان تولیت آقای‌آقا مصطفی»
« مدرس نجل مرحوم سید عبدالحسین سیدالعراقین طول اصفهان ۵۱ درجه و۳۵ »
« دقیقه شرقی گرینیچ وعـرض‌آن ۳۲ درجه و۴۰ دقیقه شمالی استوا و انحراف »
« قبله از جنوب بمغرب ۴۵ درجه و ۱۱ دقیقه و جنوب جغرافیائی۴ درجه و ۵۲ »
« دقیقه در مشرق جنوب مقناطیسی قطب‌نما است وارتفاع‌اصفهان ازسطح‌اقیانوس»
« مابین ۱۴۷۵ و ۱۵۲۰ متر میباشد وبواسطه انکسار شعاع روزهای سال از سه »

« دقیقه تا ۷ دقیقه بلندتر از روزهای حقیقی میشود و تیزه مابین جدار غربی و »
« جدار جنوبی سنگ نماینده قبله مدرسه چهار باغ است و چون ظل جدارغربی»
» معدوم شد در جدار شرقی ظل حادث میگردد. مرحوم‌شیخ بهاءالملة والدین »
« علیه‌الرحمه درمسجدشاه اصفهان در مدرسه غربی آن سنگی نصب فرموده‌اند که »
«آن نیزبرای تعیین ظهرحقیقی است که چون ظل آن معدوم‌شد ظهرواقع میشود »
« و سطح فوقانی آن سنگ بشکل مثلث قائم‌الزاویه است که وتر مثلث درجهت »
« طرفی است که ظهررا تعیین میکند ویك ضلع مجاور بزاویه قائمه وصل بدیوار»
« است وضلع دیگر نماینده قبله است و اینجاست که بایدگفت الفضل‌للمتقدم.»

این‌بود کتیبه‌های مدرسه چهارباغ که تاکنون خوانده شده و بیشتر آنها را ازگنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان که الحق در جمع‌آوری وقرائت کتیبه ها زحمت بسیارمتحمل‌شده وتاآنجاکه امکان داشته درنقل‌صحیح آن‌کوشیده است نقل‌کرده‌ام. کتیبهٔ مهمی‌که در قسمت نمای خارجی ایوان غربی درزیرگلدسته بخط ثلث سفید برزمینهٔ‌کاشی خشت لاجوردی‌نقش شده وتاریخ آن‌سال۱۱۲۰هجری قمری است درست خوانده نمیشود مگر اینکه کسی اصل آن اشعار را ازجای دیگر بدست آورده باشد.

تاریخ شروع وبنای مدرسه مزبور بدرستی وقطعی معلوم و مشخص نیست و تاریخهای گوناگونی دیده میشود که باید مورد بررسی واقع‌گردد.

مثلاً تاریخ سنگابهای مدرسه یکی۱۰۹۰ هجری ودیگری ۱۱۱۰ هجری است وتاریخ بنا از۱۱۰۴ هجری شروع وتا ۱۱۲۶ هجری ادامه داشته است که در تاریخ اخیر درب نقرهٔ‌آن نصب گردیده است.

و تاریخهای گفته شده جزتاریخ ۱۱۲۶ هجری بقیه در ذیل کتیبه هائی که یادگردیده وجود دارد وتاریخ ۱۱۲۶ نیزضمن ذکر وقایع سال ۱۱۲۶ ایام سلطنت شاه سلطان حسین درکتاب وقایع السنین‌خاتون‌آبادی مخطوط موجود درکتابخانه مجلس شورای ملی‌مذکور است[1].

۱ــ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۶۹۲ بنقل از مجله یادگار سال‌سوم شماره ۳ ص ۵۸

طول صحن مدرسه ازمشرق بمغرب ۶۵/۵ متر وعرضش ازشمال بجنوب ۵۵/۵ متر است.

زمین زیر بنای مدرسه وصحن همگی قریب ۸۵۰۰ متر مربع است ویکصدو پنجاه حجره برای سکونت طلاب دارد.

چند اصله چنار قدیمی نیز در صحن مدرسه وجود دارد و شعبه‌ای از مادی فرشادی اززیر دالان وایوان شرقی بسمت سرای فتحیه میگذرد. سرای فتحیه امروز بنام مهمانسرای شاه عباس نامیده میشود.

این اثر باستانی طی شماره ۱۰۹ به ثبت تاریخی رسیده است [۱]

۱۲- مدرسهٔ حاجی حسن:

این مدرسه که در جنب مسجد علی و در برابر هارون ولایت واقع گردیده دو طبقه و مشجر میباشد و در زمان قدیم مدرسهٔ سلطان محمد سلجوقی نامیده میشده است.

درسال ۳۰۸ شمسی که نگارنده آن مدرسه را دیدم عده‌ای ازمحصلان جدید وکمی طلبه ومتفرقه درآن سکونت داشتند وبتدریج روبخرابی گذارده بود ولی در این اواخر مورد توجه وتعمیر واقع گردیده است.

سبك ساختمان مدرسه مشابه سبك ساختمان مسجد و بالای در ورودی آن روی کاشی این عبارات خوانده میشود:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم» «انا مدینة‌العلم وعلی بابها»

«سرمایهٔ نجات بود مهر بوتراب خواهی اگر نجات ازاوروی برمتاب»

و اگر ساختمان مدرسه مربوط بزمان سلاجقه‌هم باشد شکی نیست که کتیبهٔ مزبور اززمان صفویه ببعدایجادشده وازهمان‌موقع بمدرسه حاجی حسن شهرت‌یافته است وقاعدةً باید درزمان صفویه‌بحالت ویرانی درآمده‌باشدتا حاجی‌حسن درصدد احیاءِ وتعمیرآن برآمده است.

۱- فهرست، بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۵۸.

۱۳- مدرسه حاجی‌شیخ محمدعلی ثقة الاسلام :

این مدرسه دربازارچه حسن‌آباد ودرحد جنوبی‌مسجد ساروتقی قرار دارد و ازبناهای ثقةالاسلام حاج‌شیخ محمدعلی اصفهانی متوفی (۱۳۱۸ هـ. ق) میباشد ومساحت آن درحدود شانزده قفیز است.

سکنه مدرسه مزبور ازطلاب علوم دینیه بوده‌اند وتانیمه دوم قرن‌چهاردهم هم پراز طلاب علوم دینی بود ، و علمای مسجد شاهی درترویج طلاب بسکونت و تحصیل درآن میکوشیدند .

۱۴- مدرسه دربکوشك = باقریه = پاشیر :

این‌مدرسه درمحله دربکوشك ودرمجاورت باب‌القصر قرارگرفته وازمدارس قدیمی بدون تزیینات میباشد وطلبه نشین است ولی درزمان قدیم دارای کاشیهای معرق وتزییناتی بوده است‌که دراثرمرور زمان و ابتلای بویرانی ازمیان رفته‌است وچون درمحله درب‌کوشك واقع شده بمدرسه دربکوشك وچون شیری‌سنگی‌درآن محل‌بوده بمدرسه پاشیر وچون بانی‌آن باقر نام داشته بباقریه خوانده شده است .

ثبت تاریخی این مدرسه درگردش اداری است[۱] .

۱۵ - مدرسه ذوالفقار :

این مدرسه درکوچه‌ای موسوم به کوچه ذوالفقار منشعب از بازار بزرگ واقع درمحله نیم‌آورد قرار دارد ودرهمان‌کوچه مسجد و حمامی نیزبنام ذوالفقار وجود دارد و معلوم میگردد که در عصر شاه طهماسب صفوی این سه بنا ایجاد شده است . هرچند مدرسه‌کتیبه‌ای ندارد ولی‌کتیبه مسجد ذوالفقار حاکی است که در سال (۹۵۰) هجری در عهد شاه طهماسب شیخ محمد صفی نامی مسجد موسوم به ذوالفقار را تعمیرکرده است و با این ترتیب باید گفت که اصل بنا از زمان جلوتری بوده ودرعصرشاه طهماسب تعمیرگردیده است وعلت تسمیه بنام‌ذوالفقارهم معلوم نیست واگربگوئیم که بانی‌اول ذوالفقار نام داشته با عکسهای شمشیر دوسر

۱- فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۳۳۷ .

روی دیوارهای گچی شبستان وفق نمیدهد. مگر اینکه گفته شود از نظر عقیده و احترامی که صفویه بحضرت علی داشته‌اند مسجد ومدرسه و حمام بنام ذوالفقار علی نامیده شده‌اند.

۱۶ ـ مدرسه سلیمانیه:

این مدرسه درگوشه جنوب غربی مسجد شاه قرار دارد و بوسیله دو مدخل بزرگ بصحن مسجد وسه مدخل بزرگ دیگر بمحوطه زیر گنبدغربی ارتباط دارد. غرفه های اطراف سحن مدرسه در پائین با ازاره های مرمری و در بعضی جاها با سنگهای پارسی واز ازاره ببالا با کاشیهای خشت هفت رنگ آراسته شده.

سنگ شاخص منسوب به شیخ بهاءالدین عاملی در قسمت تحتانی یکی از جرزهای ضلع شمالی صحن‌مدرسه نصب‌شده است؛ شاخص مزبورظهرحقیقی اصفهان را در چهار فصل سال نشان میدهد.

سردرمدرسه‌که بطرف‌کوچه پشت مسجد است‌کتیبه‌ای دارد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ وبخط محمدرضا امامی باین شرح:

«.... جامع کبیرالاعظم‌الشاهی العباسی الصفوی فی‌زمن‌الدولة السلطان و»
«الخاقان الاکرم مالك رقاب‌الامم مولی ملوك‌العرب والعجم مروج مذهب‌الائمة»
«المعصومین علیهم‌السلم السلطان‌بن السلطان ابوالمظفر شاه سلیمان الموسوی»
«الصفوی الحسینی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه وافاض علی‌کافةالعالمین بره»
«وعدله و احسانه لازالت رقاب اعاظم الخواقین خاضعة علی بابه و جباه افاخم»
«السلاطین معفرة بتراب اعتابه فی‌ثمان وسبعین والف‌کتبه محمدرضا الامامی.»

در درون مقرنس کاشیکاری سردرمزبور دردوشمسه بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی عبارات:

«یاصمد» و«یاغافر» و«یاشکور» و«یارازق» و«یاصبور» نقش شده؛ ودر دولوحه بردوطرف شرقی وغربی سردر بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی چنین خوانده میشود:

« عمل فقیر شجاع بن مرحوم استاد قاسم بناء اصفهانی »[1] .

از آغاز کتیبه سردر مقداری افتاده که ظاهراً مربوط بتاریخ اتمام بنای مدرسه بوده است .

این مدرسه وتمام ساختمانهای مسجد شاه بموجب شماره ۱۰۷ به ثبت تاریخی رسیده است[2] .

۱۷ ـ مدرسه شفیعیه دردشت :

این مدرسه بهمت محمد شفیع بن جمال الدین محمد خوزانی درمحله دردشت ودر دوره شاه عباس دوم ساخته شده است . نمای خارجی صحن مدرسه آجر ساده ولی درون ایوانهای چهارگانه چهار سمت صحن قطاربندی های گچی دارد و با قطارهای مسجد علی مشابهت دارد . ایوان جنوبی از دیگر ایوانها بزرگتر است و تزیینات گچی بیشتری دارد ویک چشمه آن تجدید بنا گردیده است .

کتیبه سردرمدرسه بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چنین است :

« قداتفقت عمارة هذه المدرسة الحقیرة والمساجد المبینة فیها فی ایام خلافة »
« السلطان الاعظم والخاقان الاکرم مروج مذهب ابائه ائمة الطاهرین السلطان بن »
« السلطان شاه عباس الثانی الموسوی الصفوی الحسینی بهادرخان خلدالله ملکه و »
« وفق باحداثه و اتمامه احقر عبادالله و احوجهم الی عفو ربه الغفور ابن جمال الدین »
« محمد الخوزانی محمد شفیع الاصفهانی عفی عنهما فی ۱۰۶۷ کتبه محمدرضا الامامی . »

در راهرو ایوان بزرگ جنوبی مدرسه دولوح بزرگ سنگی بردیوارهای دوطرف ایوان نصب شده ودر آن فهرست رقبات موقوفه نقش گردیده است ، در حدود نیمی از نوشته هریك از لوحه‌ها از میان رفته است وآنچه مانده و خوانده میشود چنین است :

« هوالواقف علی الضمائر بسم‌الله الرحمن الرحیم وقف نمود احوج المحتاجین »

---

۱ ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان از ص ۴۵۵ تا ص ۴۵۷ .

۲ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۴۶ .

« الی عفور به‌الغفور محمد شفیع‌ابن جمال‌الدین‌محمد خوزانی اصفهانی کل این »
« مدرسه حقیره محدثه خود را با بیوتات معینه معلومه مربوطه بآن‌که بیوتات »
« مسفوره مشتمل است برسه باب شاخه و حجرات تحتانی و فوقانی اطراف آنها »
« و غسالخانه مربوطه بمدرسه و فضاء دیگرکه کروچاه و مستراح در آن واقع »
« است و ممر بیوتات مذکوره از میان مدرسه مسطوره است و این چهار صفه و »
« شبستان متصله بکریاس در مدرسه که مسجد است بر طلبه علوم دینیه اثنی »
« عشری که ادای صلوات در مسجد و شبستان و تغسیل و تکفین اموات مؤمنین »
« درغسالخانه مزبوره وطلب‌علوم دینیه درمساجد ومدرسه وبیوتات مزبوره نمایند »
« وقفاً صحیحاً دائماً شرعیاً و بعد ذلك وقف نمود قربة الی‌الله تعالی‌کفارة لبعض »
« سیئاته همگی و تمامی آنچه تا این وقف بعنوان ملکیت بلامنازعی در تصرف »
« شرعی واقف بود از رقبات وعقارات‌که عبارت است ازهفت حبه ویکدانگ‌ونیم »
« یکحبه ازکل هفتادودوحبه قریه معروفه بمحمدآباد قهاب وقاطبت سه‌حبه‌ونیم »
« ازکل هفتادودوحبه موضع طادلنجان وموازی شش سهم و چهاردانگ یك سهم »
« از جمله بیست‌وپنج سهم که بیست وپنج سهم عبارت است از چهارحبه از کل »
« هفتادودوحبه قریه و سفاباد ماربین وکلیت شش سهم و چهاردانگ‌ونیم از جمله »
« بیست‌وپنج سهم که بیست وپنج سهم عبارتست از کل سه حبه از هفتادودوحبه »
« موضع امین‌آباد ماربین وتمامت سه حبه و دو دانگ‌ویك . . . . شعیر از »
« جمله یك‌حبه دیگرازکل هفتاد ودوحبه موضع کنگاز (جی) وهمگی هفتادودو »
« حبه . . . . تیمچه معینه مربوطه . . . ملکی احداث نموده واقف حقیر مذکور »
« و واقع . . . . »

لوح سنگی دیگری در روبروی لوح گفته شده در بالا برروی دیوار ایوان نصب شده بطول ۱٫۶۵ و عرض ۸۸ سانتیمترکه در واقع متمم فهرست موقوفات و کیفیت‌آن میباشد وآن چنین است :

« ماه مبارك رمضان که همه ساله در مدرسه مزبوره روضته‌الشهداء خوانده »

« شود از رعایت قاری واسراج مجمع ولوازم آن بهمه جهت آنچه کرده شود . . . »
« از جهات و عوارضات دیوانی و تعمیر عمارات وتنقیه قنوات و مرمت مستغلات »
« وقفی ومسجد ومدرسه وغسالخانه مربوطه بمدرسه و بام‌اندود وتجدید بوریا و »
« مؤنات زراعت . . . . . . وتکلفاتی‌که بحکام جور وعمال دیوانی وغیره درکار باشد »
« ومتضمن مصلحت و انتظام وقف باشد که هرگاه آن تخلف بعمل نیاید ضرری »
« بموقوفات یاحاصل آن رسد یا امری بخلاف شرط واقف بعمل آید یاچیزی نزد »
« مستأجران وزارعین وقف باقی ماند وضایع شود دغدغه شرعی نکرده آنچه در »
« کاروضرور نموده باشد درمساجد وکریاس دهلیز هرشب چراغ روشن‌کرده بعداز »
« وضع اخراجات مزبوره بترتیبی‌که مذکورشده آنچه باقیمانده متولی میانه طلبه »
« ساکنین حجرات و بیوتات جنب مدرسه بشرط آنکه طلبه مشغول بطلب . . . . »
« علوم دینیه باشند و بیکار نباشند فراخور استحقاق وصلاح وتقوی وفضل هریك »
« قسمت نماید و هم‌چنین شرط نمودکه موقوفات مزبوره را نخرند و نفروشند و »
« مرهون نسازند و زیاده از سه سال باجاره ندهند نه بعقدی واحد و نه بعقود »
« متعدده واحدی ازارباب وحکام وارباب مناصب دیوان وملازمان امراءِ ومقربان »
« پادشاه والاجاه عصررا مالك انتفاع‌ازانها نسازند بواسطه .... موقوفات را اصلاً »
« بجهت ساکنین بیوتات وخانه وسکنی‌نمودن درآنها ... درمدرسه مدون‌سازند... »
« مزبوره بنای عمارت نکنند و بهمین سنت و کیفیت گذاشته تعمیر و مرمت »
« نمایند ... سنة تسع و ستین بعد الف من هجرة النبویة کتبه محمد رضا الامامی »
« الاصفهانی » [1].

بطوریکه شرح داده شد بنای مدرسه در سال ۱۰۶۷ هجری در دوره شاه عباس ثانی بوسیله محمد شفیع‌بن جمال‌الدین محمد خوزانی انجام‌گرفته وبترتیب موقوفات وعواید مدرسه و تکلیف سایر احتیاجات تا تاریخ یکهزار و شصت و نه (۱۰۶۹ هـ .) یعنی دوسال بعداز اتمام مدرسه بدرازاکشیده است .

---

۱ ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان از ص ۵۸۹ تا ص۵۹۲

قسمتی از لوحه‌ها ازمیان رفته وبیشتر ازموقوفات نیز ازلوحه‌ها سترده شده است و درواقع سابقاً که اوقاف سروصورتی داشته آزمندان برای تصرف مقداری از رقبات موقوفه باین‌عمل زشت مبادرت کرده‌اند.

ثبت تاریخی مدرسه مزبور درگردش اداری است[1].

۱۸ - مدرسه شمس آباد:

این‌مدرسه در محله شمس آباد و اکنون در حاشیه خیابان شیخ‌بهائی واقع و تزیینات ساختمانی داخل آن مشابه مسجد شیخ علیخان است که درزمان شاه‌سلطان حسین صفوی انجام شده است.

کتیبه سر در مدرسه بخط ثلث سفید بر زمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین است:

« قدوفق باتمام هذه‌المدرسة‌فی‌ایام سلطنة السلطان الاعظم‌والخاقان‌الاکرم
« الافخم مروج مذهب الائمة المعصومین علیهم السلم‌شاه سلطان حسین‌الموسوی»
« الحسینی خلدالله ملکه و افاض علی العالمین بره و احسانه عالیحضرت الاکرم »
« آمیرزا محمد مهدی‌ابن المرحوم میرزا محمد تقی التاجر العباسابـادی کتبه»
عبدالرحیم ۱۱۲۵» [2]

میرزا محمد مهدی‌که ساکن محله عباس‌آباد بوده درسال (۱۱۲۵ هـ . ق) یعنی درعهد سلطنت شاه سلطان حسین بعمارت این‌مدرسه درمحله شمس آبادهمت گماشته است وکتیبه مزبور بخط عبدالرحیم جزایری خوش‌نویس معروف عهد شاه سلطان حسین صفوی است. ثبت تاریخی این مدرسه بموجب تصویبنامـه شماره ۸۹۳/۱/۱۰/۴۸ انجام شده است.[3]

۱۹ - مدرسه صدر بازار:

این‌مدرسه که در حدود هشت جریب مساحت دارد مانند مدرسه چهارباغ

۱- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷ ۲- گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۶۸۴ ۳- فهرست‌اداره کل باستان شناسی.

منتهی یك طبقه ساخته شده وچون عمر بانی کفایت نکرده ناتمام باقی مانده بوده است .   (ش ۴۹)



(شکل ۴۹)

مدرسه صدر بازار بهمت حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی متوفی (۱۲۳۹ هـ. ق) صدر اعظم فتحعلی‌شاه قاجار بناگردیده وچون آن راد مرد بزرگ نیت خیر داشته پیوسته محل اقامت بزرگان علماء و مدرسان بوده است .

تا سال (۱۳۴۰ هـ . ق) این‌مدرسه بهمان وضعی بود که بانی ساخته بود و حجرات آن آماده‌برای سکونت‌وتحصیل طلاب‌بود ونیزمدرسها برای‌تدریس‌مدرسان ولی ساختمان از لحاظ تزیینات کامل نبود و لذا از سال (۱۳۴۱ هـ . ق) درزمان تولیت حاج‌شیخ محمد حسین‌خان صدر بتکمیل ساختمان پرداختند ونخستین‌کار کتیبه سردر مدرسه بود که خط آن ازآن عبدالجواد خطیب[1] و شعرش از استاد

۱ــ میرزاعبدالجواد خطیب فرزند ملا عبدالله‌بن ملامحمدحسین‌بن حسن دیزی لنجانی ملقب به‌لسان‌الدین از علماء وفضلاء و ادباء وخطباء وخطاطان وشعراء بود ودراصفهان تحصیلات خود را در محضر بزرگان فن انجام و از طرف امام جمعه اصفهان سمت خطیب یافته بود و دراعیاد ومجالس خطبه میخواند و ماده تاریخهای بسیاری در تاریخ وفات بزرگان سروده ←

جلال‌الدین همائی متخلص به‌سنا فرزند طرب بود وسپس بتکمیل ایوانهای‌مدرسه پرداختند تا سرانجام عمارت‌کتابخانه مدرسه هم ساختمان و آماده استفاده گردید و اکنون مدرسه صدر بازار ازهرجهت آماده برای مدرسان وطلاب است.

حیاط مدرسه دارای درختان کهن‌سال کاج‌است که برصفای محوطه‌گلکاری مدرسه میافزاید وازاینرو طلاب همواره دربدست‌آوردن حجره درآن برای‌اقامت وتحصیل بریکدیگر سبقت میگرفتند.

دراواخر نیمه اول قرن‌چهاردهم‌هجری‌که نگارنده تحصیل میکردم‌حجرات این‌مدرسه طبعاً اختصاص به طلابی‌داشت‌که ازلحاظ وسائل معاشی‌در رفاه بودند و برای سکونت طلبه فقیر مناسب نبود وخود بخود فقط کسانی‌که در رفاه بودند در آن مدرسه سکونت داشتند ازمدرسان معقول مدرسه صدر آخوند ملامحمدکاشانی حکیم زاهد معروف متوفی (۱۳۳۳ هـ. ق) وجهانگیرخان دهاقانی حکیم‌متوفی (۱۳۲۸ هـ. ق) بوده‌اند.

مدرسانی‌که درزمان نگارنده یعنی ازسال (۱۳۴۰ هـ. ق) ببعد وجود داشتند: حجةالاسلامان حاج شیخ محمد حسین‌فشارکی متوفی (۱۳۵۳ هـ. ق) فقیه‌معروف و حاج سید ابوالقاسم دهکردی رجالی مشهور ودیگر حاج میرسید علی‌نجف‌آبادی متوفی (۱۳۶۲ هـ. ق) که از علمای‌نامی وافاضل نادرالوجود بشمار میرفت‌ودیگر شیخ علی‌یزدی ازفضلاءِ وادباء و زهاد متوفی (۱۳۵۳ هـ. ق) و شیخ محمد حکیم خراسانی ازحکمای‌بنام‌وزهاد مجرد زمان متوفی(۱۳۵۵ هـ. ق) بودندکه نگارنده ازمحضر سه تن اخیر استفاده کرده‌ام.

کتیبه سر در مدرسه درقسمت فوقانی بخط نستعلیق سفید بر زمینه مشکی معرق دریك لوحه: (بسم‌الله الرحمن الرحیم) وبرزمینه معرق مشکی‌گل و بوته

← است‌در (۱۲۷۹ هـ. ق) متولد ودرشب سه شنبه ۲۱ ربیع‌الاول سال (۱۳۵۹ هـ. ق) وفات یافت ودرتخت فولاد درسمت جنوبی آب‌انبار تکیه کازرونی مدفون‌گردید. او راست دیوان اشعار و شرح حالش را نگارنده در فرهنگ اصفهان و تاریخ خط و خطاطان بتفصیل نگاشته‌ام.

چنین نقش شده است :

« قال رسول‌الله(ص) انا مدینة العلم و علی بابها کتبه الادیب عبد الجواد « الخطیب . »

در دوطرف سر در دو لوحه دایره مانند بخط نستعلیق‌سفید برزمینه مشکی معرق نقش‌شده :

« دست علی» « تراش غفار »

در سر در مزبور اشعاری فارسی بخط نستعلیق سفید برزمینه مشکی کاشی معرق باین شرح خوانده میشود :

« ضمایر دوجهان ازپس هزار حجاب چوآفتاب درخشد در آبگینه علم »
« بشوق‌چرخ نگر کزپس هزاران‌سال هنوز دست تمنا دهد بسینهٔ علم »
« روان صدر ازین مدرس سپهر اساس روان‌درآب‌حیات‌است یاسفینهٔ علم »
« بعون لشکر نصرت نظام دولت داد بحفظ‌کشور دین نظم‌این‌مدینهٔ علم »
« بدستیاری الماس فکر تا بابد پر از جواهر کانی بود دفینهٔ علم »
« صفای سعی بلیغش‌بطوف کعبهٔ دین چوکردقفل یقین باز ازخزینهٔ علم »
« بتولیت چوبرافراخت سرزاستحقاق حسین‌شبل علی‌آن زجان‌کمینهٔ‌علم »
« نوشت کلك سنا ازبرای تاریخش : «گشوده‌شد بره‌دل در از مدینهٔ علم »
۱۳۴۱

کتیبه مزبور ازسال(۱۳۴۱ هـ. ق) حکایت میکندکه‌تزیینات سردر آن‌انجام گردیده است و تولیت مدرسه در عهده حاج محمد حسینخان‌بن میرزا علیخان صدری و شاعرآن استاد جلال‌الدین همائی متخلص به‌سنا بوده‌است. (ش ۵۰)

درمرحله بعد ساختمان‌کتابخانه مدرسه باهتمام وکوشش حجت‌الاسلام حاج سید محمدرضا خراسانی مدرس مدرسه انجام شد ودرسردرکتابخانه بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی چنین‌نقش‌گردیده :

« بعدالحمدلله والصلوة علی محمد (ص) وآله فقد اقدم السیدالسند الفقیه»
« وآیةالله‌الملك‌الجلیل السید محمدرضا الخراسانی لتأسیس هذا البناءِ وتکمیله »



(شکل ۵۰)

« احیاء للعلوم والمعارف الدینیه و حفظاً للکتب العلمیهٔ حرره خلیقی پور . »
ونیز دریك لوحه کوچك درقسمت فوقانی سردر کتابخانه خوانده میشود :
« بسم‌الله‌الرحمن الرحیم ۱۳۶۴ » .

و در اطراف نمای خارجی کتابخانه بخط نستعلیق سفید خلیقی‌پور برزمینه کاشی‌خشت لاجوردی رنگ اشعار زیر که شاعر آن استاد جلال‌الدین همائی متخلص به‌سنا است نوشته شده :

« دانش‌طلب که‌دانش‌ودین‌در کمال نفس ‌ ‌ ‌ ‌ مس وجود را مثل کیمیا بود »
« بر رهروان ز منزل شك تا در یقین ‌ ‌ ‌ ‌ دانش چراغ روشن و دین‌رهمنابود »
« با پرو بال علم هیولای محض را ‌ ‌ ‌ ‌ تا عقل مستفاد همی از بقا بود »
« افشاند آستین بجهان آنکه باادب ‌ ‌ ‌ ‌ بر آستان علم و ادب جبهه سا بود »
« آنرا که دست علم وهنردستگاه‌داد ‌ ‌ ‌ ‌ درپایه آسمان وزمین زیر پا بود »

« هرمجلسی ز علم بود باغی ازبهشت — این گفته نـکتهٔ ز شه اولیا بود »
« باشد کتابخانه یکی گنج پرگهر — کز هر گهرش مخزن دل پربها بود »
« یا منبعی زنور که هر ذره‌ایش را — افزون از آفتاب فروغ وضیاءِ بود »
« یا گلشنی زعلم که اوراق گلبنش — اندر دماغ ناطقه داتش فزا بود »
« پاینده باد حجت اسلام ودین رضا — کزوی اساس و شالده این بنا بود »
« سرمایه نجات بکار دو عالـم است — کاری که ازبرای رضای خدا بود »
« بشنو دو جمله از پی تاریخ این بنا — کان هر دو یادگار زطبع سنا بود »
« از این‌کتابخانه بجو علم دین سپس — برگو : بنای علم زسعی رضا بود ، »

۱۳۶۳

وسپس نوشته شده : « قدتم هذا البناءِ فی‌منتصف شعبان ۱۳۶۵ » ونیز بخط نستعلیق نوشته شده : «ساخت ابوالقاسم کاشی‌ساز ـ الکاتب الاثیم میرسیدالملقب » « بخلیقی پور» .

در دولوحه وسط دوپشت بغل کاشیکاری کتابخانه بخط ثلث مشکی برزمینه کاشی سفید این عبارات خوانده میشود :

« قال علیه‌السلم احتفظوا بکتبکم فانکم سوف تحتاجون الیها .» و در لوحه دیگر: « قال علیه‌السلم اکتبوا فانکم لاتحفظون حتی تکتبوا .»

وسپس بخط نستعلیق‌مشکی برزمینه‌کاشی سفید نقش شده: « عمل ابوالقاسم کاشی ساز» .   (ش ۵۱)

سنگابی هم در صحن مدرسه وجود داردکه‌کتیبه‌آن بخط نستعلیق برجسته برسنگ پارسی یا پارسو چنین است :

« می نوش‌آب‌ولعنت حق بریزیدکن — جان را فدای مرقد شاه شهید کن »

« وقف جناب‌اباعبدالله نمود حاجی‌محمد ابراهیم‌خلف مرحمت‌وغفران پناه »
« میرزامحمد بیك شیروانی فی‌سنه ۱۳۷۵ حمل‌ونقل‌کننده ازمدرسه صدر بلعنت »
« خداوند گرفتارگردد مادامی‌که این مدرسه آباد است .»



(شکل ۵۱)

ومعلوم میگرددکه سنگاب مزبور مدتها بعداز ساختمان مدرسه وقف بر آن گردیده است . هرچند تاریخ قطعی بنای مدرسه صدر بازار روشن نیست ولی آنچه مسلم است پیش‌از (۱۲۳۹ هـ . ق) که صدروفات یافته انجام شده بوده است وظاهراً در اوایل قرن سیزدهم که بحبوحه قدرت او بوده مانند سایر اعمال خیر او انجام گردیده است . دربخشی ازگنجینهٔ آثارملی‌سال بنارا (۱۲۲۰ هـ . ق) نوشته است[۱] .

ثبت تاریخی این مدرسه هنوز انجام نشده ودرگردش اداری است .

۲۰ ـ مدرسه عربان :

این مدرسه‌که درنزدیکی امامزاده احمد ومقبره آقانجفی قراردارد درزمان صفویه دائر و طلبه نشین بوده است و شاردن فرانسوی درسفرنامه خود ازآن یاد کرده وشاید مدرسه مزبوربزمان عربها ارتباط پیدا میکرده ودرهرحال چون سکنه آن مدرسه ازطلبه عرب بوده‌اند بنام مدرسه عربان نامیده شده است و بااین فرض در ابتدای امرنام دیگری داشته‌که مهجورگردیده است .

---

۱ ـ بخشی ازگنجینهٔ آثارملی ص ۱۳ـ۱۴ .

این مدرسه در چند سال پیش رو بویرانی گذارده و خالی از طلبه شده بود ولی بهمت حجةالاسلام حاج سیدمحمدرضا خراسانی از علمای بزرگ معاصر و از مدرسان عالیمقام از آن تعمیری بعمل آمده وکتیبه‌ای درسردرآن نصب شده است .

کتیبه مزبور شامل نصف آیه ۳۵ تاآخر آیه۳۷ از سوره اسری میباشد ودر پایان آن نقش شده :

« سنه ۱۳۶۲ عمل سیدحسین موسوی‌زاده‌کاشی‌ساز.» و بخط نستعلیق مشکی برزمینه کاشی خشت سفید اشعار زیر خوانده میشود :

« ز آقای سید محمد رضا — خراسانی آن آیت و مقتدا »
« بشد پایدار این اساس علوم — که ویران بد ازجهل اهل‌خطا »
« بلی سعی اشخاص همت بلند — کند تازه آثار عالی بنا »
« چوتاریخی ازجابری‌خواستند — که باشد بتجدید بنیان سزا »
« چوروشن‌شد ازعلم این‌مدرسه — بگو: « بد زنور محمد رضا » »
« کتبه میرسید خلیقی پور ۱۳۶۲»[1] .

اکنون مدرسه مورد استفاده طلاب قرار دارد و از وضع‌گذشته و مخروبگی خارج شده است . ولی بااینکه مدرسه بسیار قدیمی است چون‌آثارتاریخی نداشته تاکنون نسبت به‌ثبت تاریخی‌آن اقدامی نشده است .

۲۱ ـ مدرسه کاسه‌گران :

این مدرسه‌که در محله کاسه‌گران ودر بازار ریسمان منشعب از بازار عربان ومیدان‌کهنه شهر اصفهان قراردارد هنگام‌بنا معروف به‌مدرسه‌شمسیه بوده وپس‌از آنکه حکیم‌الملك مدرسه را ساخته مدرسه حکیمیه نام گرفته است ودر وقفنامه مورخ (۱۱۰۴ هـ. ق) هم‌همین‌نام‌را بر آن اطلاق کرده‌اند ولی‌چون درمحله‌کاسه‌گران واقع شده بود . عوام بتدریج آن را مدرسه کاسه‌گران یعنی مدرسه‌ایکه در محله کاسه‌گران قراردارد خوانده‌اند .

---

۱ ـ گنجینه آثارتاریخی اصفهان ص ۸۵۸ تا ص ۸۵۹ .

و اما اینکه قبل ازبنای حکیم‌الملك اردستانی آنجا را شمسیه میخوانده‌اند گمان میرود که مدرسه ویرانه‌ای بوده که شمس‌الدین محمد یزدی بانی آن بوده و چون مخروبه شده بود . حکیم‌الملك باصلاحدید وتصویب مراجع وقت تجدید بنا کرده است .

مدرسه کاسه‌گران دارای سردر کاشیکاری معقلی وقطاربندی قابل توجهی است و از بهترین کارهای اواخر دوره صفویه محسوب میگردد . این مدرسه در عصر شاه سلیمان صفوی ساخته شده ودارای اطاق‌ها وحجره‌های دوطبقه است و پیوسته طلاب علوم دینی که بیشتر آنها اردستانی ومردم حومه شهر بوده‌اند در آنجا بتحصیل علوم دینی‌میپرداخته‌اند چند سالی بودکه مدرسه روبخرابی نهاده بود ولی بانوجه اوقاف محل خرابیها ترمیم ومدرسه سروصورتی پیدا کرد و اکنون عده‌ای از طلاب و مدرسان در آن اشتغال دارند .

کتیبه سردر ورودی مدرسه و مقابل بازار ریسمان که در سال آخر سلطنت شاه سلیمان بخط ثلث با کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی رنگ بخط عبدالله نوشته شده چنین است :

« حمدالمن وقف حجرات‌القدس فی‌السموات و مدارس‌الحکمة فی‌الارضین »
« علی‌محمد فخرالمرسلین وعترته المهدیین ، صلوات‌الله علیهم اجمعین وبعد لقد »
« وفق‌الله تعالی فی‌ظل حمایة اشرف السلاطین رافع لواءِ الشرع المبین مشید »
« اساس‌العلم والیقین فروع‌الشجرة الطیبة الاحمدیة غصن‌الدوحة العلیة العلویة »
« الخاقان‌بن الخاقان‌السلطان سلیمان‌الحسینی‌الموسوی الصفوی متع‌الله المؤمنین »
«بطول‌بقائه الی آخرالزمان‌لبناء هذه‌المدرسةالرفیعة والجامعةالمنیعةالسیدالسدید»
« النجیب الفاضل امیرمحمد مهدی الحسنی‌الحسینی الشهیربحکیم‌الملك اطال‌الله »
« بقائه و جعلها فی‌بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه یسبح له فیها بالغدو »
« والاصال رجال کتبه عبدالله ۱۱۰۵ . »

در پائین‌کتیبه ودربالای در ورودی بخط بنائی مشکی سه‌رگی سفید ومشکی

برزمینه آجری نوشته شده :

« انما یعمر مساجدالله من آمن بالله » ودر بالای سکوهای طرفین سردر بخط بنائی فیروزه‌ای برزمینه آجری این عبارات خوانده میشود :

« سبحان‌الله والحمدلله ولااله‌الاالله والله‌اکبر ولاحول ولاقوة الابالله‌العلی‌العظیم . »

در اطراف پشت بغل سردر مدرسه بطرف بازار بخط بنائی مشکی برزمینه سفید سوره‌های : الحمد ، الکافرون ، اخلاص ، الناس نقش گردیده است ودر پایان بکلمات : «وفي سنته ۱۱۰۳» ختم میگردد . در راس پشت بغل مزبور دریك شکل چهارضلعی نگاشته شده: «طلب‌العلم فریضة » وبطورپراکنده نامهای: (الله) (محمد) (علی) نیز نوشته شده است .

در دو شکل مربع مستطیل در طرفین سردر مدرسه بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی رنگ نام استاد بناکننده سردر مدرسه چنین نوشته شده :

« عمل‌ابن استادعلی‌بیك ، محمد مؤمن بناءِ اصفهانی » ونام سرکار بنای مدرسه چنین آمده :

« بسرکاری سیادت وفضیلت پناه ابن محمد قاسم ، محمد محسن‌الحسینی « المشهدی » .

در درون سوسنهای قطار سر در داخلی مدرسه‌که قرینه ایوان شمالی است درچهار شکل مربع بخط بنائی قرمز برزمینه سفید این‌ابیات منقوش است :

« غرض‌نقشی‌است کزما بازماند — که هستی را نمی‌بینم بقائی »
« مگر صاحب‌دلی‌روزی‌برحمت — کند در حق درویشان دعائی »

و درچهار شکل‌مربع مستطیل بخط نستعلیق‌مشکی برزمینه سفید این‌اشعار کتیبه شده است :

« دریای سپهر کافتاب است کفش — نبود چوعلی‌گوهری اندر صدفش »
« خورشیدگهی‌بدرشود گاه‌هلال — گر عکس دهد بماه در نجفش »

در دوشکل مربع‌مستطیل‌بخط ثلث مشکی برزمینه سفید نام سازنده سر در

داخلی چنین خوانده میشود :

« عمل ابن استاد اسمعیل بناءِ ، محمد ابراهیم الاصفهانی ۱۱۰۳ ».

در اطراف سردر درونی مدرسه کتیبه‌ای دارد بخط ثلث لاجوردی برزمینه سفید بشرح زیر :

« روی عن علی بن موسی الرضا عن آبائه علیهم السلم قال قال رسول الله صلی الله »
« علیه و آله طلب العلم فریضة علی کل مسلم فاطلبوا العلم من مظانه واقتبسوه من اهله »
« فان تعلیمه لله حسنة وطلبه عبادة والمذاکرة به تسبیح والعمل به جهاد و تعلیمه من »
« لایعلمه صدقة وبذله لاهله قربة الی الله تعالی لانه معالم الحلال و الحرام و منار »
« سبل الجنة والمونس فی الوحشة والصاحب فی القربة والوحدة والمحدث فی الخلوة »
« والدلیل علی السرآءِ والضراء والسلاح علی الاعداء والزین عند الاخلاء یرفع الله به »
« اقواماً فیجعلهم فی الخیر قادة تقتبس آثارهم ویهتدی بفعالهم وینتهی الی رأیهم »
« وترغب الملئکة فی خلتهم وباجنحتها تمسحهم و فی صلوتها تبارك علیهم یستغفر »

در اطراف ایوان شمالی کتیبه‌ای بخط ثلث سفید بر زمینه قهوه‌ای گچبری شده که چنین خوانده میشود :

« قال رسول الله صلی الله علیه و آله قال الله تبارك وتعالی الاان بیوتی فی الارض »
« المساجد یضیئی لاهل السماءِ کما تضیئی النجوم لاهل الارض الاطوبی لمن کانت »
« المساجد بیوته ، الاطوبی لعبد توفنا فی بیته ثم زارنی فی بیتی ، الاان علی المزور »
« کرامة الزائر ، الابشر المشائین فی الظلمات الی المساجد بالنور الساطع یوم القیمة »
« وقال صلی الله علیه و آله لاصلوة لجاد مسجد الافی مسجد وقال صلی الله علیه و آله »
« من اقمر مسجداً کتب الله له عتق رقبة ومن اخرج مایقذی عیناً کتب الله له کفلین من رحمته »
« وقال امیر المؤمنین صلوات الله علیه ان الله عز وجل اوحی الی عیسی علیه السلم قل للملاء »
« من بنی اسرائیل لایدخلوا بیتاً من بیوتی الابقلوب طاهرة وابصار خاشعة واکف »
« نقیة وقال الصادق علیه السلم علیکم باتیان المساجد فانها بیوت الله فی الارض ومن اتاه »
« مطهراً اطهره الله من ذنوبه وکتب من زواره فاکثروا فیها من الصلوة والدعاءِ فی »

« المساجد وصلوا في المساجد من بقاع مختلفة فان كـل بقعة يشهد للمصلي عليها »
« يوم القيمة . كتبه جعفر بن عبدالله ۱۱۰۳ » .

کتیبه های مدرسه کاسه‌گران چون بیشتر مربوط به احادیث است درقرائت آن اختلافی وجود ندارد ولی درقسمتی که مربوط باصل بنا و القاب بانی است اختلافات مختصری دیده میشود .

مثلاً درکتیبه سردرمقابل بازارریسمان که آیه‌های ۳۷ و ۳۸ سوره نورکلمه : رجال پایان آیه آمده و دنبال آن نام نویسنده کتیبه : عبدالله ۱۱۰۵ نوشته شده در گنجینه آثارتاریخی اصفهان[۱] کلمه رجال بعدازعبدالله آورده شده وموهم اینست که رجال لقب عبدالله بوده است . دیگر کلمه حمداً میباشد که در گنجینه آثار تاریخی اصفهان[۲] بصورت احمد نوشته شده درصورتی‌که حمداً بوده وازنظرمعانی بیان و نحو هم اقتضاءِ دارد که حمداً باشد زیرا شخص معینی در مقام بیان نیست و کتیبه هم همان حمداً را میرساند .

مورد اختلاف سوم کلمه : وقف است که درگنجینه آثار تاریخی اصفهان[۳] بشکل وصیغه اوقف آورده شده درصورتیکه وقف متعدی‌است ونیازی بمتعدی‌کردن آن بوسیله بردن آن به باب افعال نیست . اختلاف چهارم[۴] کلمه خطا میباشدکه اصولاً دراین عبارات زاید بنظرمیرسد .

درکتیبه‌ها دوتاریخ جلب نظرمیکند ، یکی تاریخ (۱۱۰۳ هـ . ق) و دیگری (۱۱۰۵ هـ . ق) ومعلوم‌میگرددکه پایان بنائی‌وتزیینات‌مدرسه‌دریکهزارویکصدوپنج هجری خاتمه یافته است ولی تاریخ شروع را نمیتوان معین‌کرد آنچه مسلم است پیش ازسال (۱۱۰۳ هـ . ق) شروع بساختمان شده بوده‌است زیراکتیبه هرساختمان درآخرکار نوشته میشود واولین تاریخ مربوط بسال (۱۱۰۳ هـ . ق) میباشد . برخی ازنویسندگان[۵] نوشته‌اندکه ساختمان‌آن مربوط بسال (۱۰۹۶ هـ . ق) بوده است

---

۱ ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۵۲ .   ۲و۳و۴ـ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۵۳ سطر ۱۱ .   ۵ ـ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان ص ۱۴۸ .

هرچند مدرکی برای این نظر در بین نیست ولی امکان دارد که آغاز ساختمان از آن سال باشد.

نکته‌دیگری که از کتیبه‌ها برمیآید نام‌دو کاتب‌است یکی پدرموسوم به‌عبدالله نویسنده‌خط ثلث‌ودیگری جعفر بن‌عبدالله پسر نویسنده‌خط ثلث. نام استاد بناکننده سردر استاد محمد مؤمن فرزند استاد علی‌بیك و نام استاد بناکننده سردر داخلی مدرسه‌محمد ابراهیم‌بن استاداسمعیل بنای‌اصفهانی وسر کاربنای مدرسه‌محمدمحسن حسین مشهدی نوشته شده است.

بانی‌مدرسه همانطورکه‌درمتن‌کتیبه نوشته شده امیرمحمدمهدی‌حکیم‌الملك اردستانی است[1] که در دربار اورنگ زیب میزیسته و از اطبای بزرگ عصر خود محسوب میشده و چون در هندوستان ثروت هنگفتی نصیبش گردید دستور داد که نمایندگانش در اصفهان و اردستان ضیاع و عقار و مستغلاتی بخرند و پس‌ازفراغت از این کارآنانرا بساختن مدرسه کاسه‌گران امرکرد و پس‌از اتمام بنای مدرسه در شوال سال (۱۱۰۴ هـ . ق) مقداری ازرقبات خریداری شده را وقف برمدرسه نمود وصورت وقفنامه بطورکلی چنین است:

الف : رقبات موقوفه :

۱ ـ هشت حبه وکسری از قریه ناجوان واقع در بلوك ماربین‌که از میرزا هدایت‌الله خلف میرزا محمد مهدی الشهیر به شریف‌الملك، ابتیاع شده است.

۲ ـ چهارده سهم ازاملاك وباغات اصفهان خریداری ازمیرزا نورالدین ولد مرحوم شریف‌الملك.

۳ ـ چهارده سهم از املاك و باغات اصفهان خریداری ازمیرزا محمد زمان

۱ـ نسب حکیم‌الملك چنین است: امیرمحمد مهدی حکیم‌الملك‌ابن میرآقابیك‌بن میریحیی‌بن میرحسین‌بن سید روح‌الله‌بن سیدرضی‌بن سیدحسین‌بن سید روح‌الله‌بن سید مرتضی علی‌بن سید روح‌الله‌بن سید قوام‌الدین‌بن سید ابوالشجاع‌بن سید علی‌بن سید عابدبن سیدحسن‌بن سید احمدبن سیدحسین‌بن سیدعلی‌بن سید محمدبن سید احمدبن سید محمدبن سیداحمدبن سید ابراهیم طباطبابن سید اسمعیل‌بن سید ابراهیم‌بن سید حسن‌المثنی ابن الامام حسن (ع) (آتشکده اردستان بخش اول ص ۶۳).

پسر دیگر شریف‌الملك .

۴ـ هفت سهم‌دیگر ازشریف‌الملك‌خریداری اززبیده‌خانم دخترشریف‌الملك.

۵ ـ بازارریسمان‌که بوسیله حاج محمد رشیدا ازمیرزا محمد باقرگلستانه خریداری شده است .

۶ ـ حمام سرخ نزدیك مسجد جامع خریداری ازگلستانه .

۷ ـ دکاکین قریب مسجد جامع قدیم اصفهان خریداری ازمیرزا علاءالدین گلستانه .

۸ ـ املاك و باغات ابرستان‌جی خریداری از ملامحمد باقر مجلسی بوسیله رشیدا .

۹ ـ املاك و باغات ابهرجی خریداری از حاجی‌حسین اردستانی .

۱۰ ـ املاك اردستان‌خریداری ازمیرزا محمدرضا ومیرمحمدحسین معروف بزمین باغستان‌که بوسیله حاجی محمد رشیدا انجام شده است .

۱۱ ـ املاك مزروعی واقع در محله مون اردستان خریداری ازآقا شفیع اردستانی .

۱۲ ـ املاك‌خریداری ازحکیم مظفر اردستانی بوسیله حاجی‌محمد رشیدا .

۱۳ ـ املاك خریداری از میرسید احمد کچویه منقالی که عبارت از نصف شایع کامل ازکل یك خانه طاق واقع درقریه مزبوره مشهوره وطاق‌آقانظام متصل بخانه طاق حاجی‌حسن وتمامی مجری المیاه یك حبه‌آب ازپانصد حبه‌که عبارت است از قنوات خمسه‌کچویه.

۱۴ ـ املاك خریداری ازحاجی شفیع زواره‌ای .

۱۵ ـ املاك خریداری‌از محمد مقیم ومحمد مؤمن ولدان پهلوان اسماعیل تفنگچی‌که عبارت ازممرومجری المیاه هفت سهم‌ونیم ازنهرجدال محله ازمحلات اردستان مشتق از قنات قدیم وجدید .

۱۶ ـ یك درب باغ معین و معلوم واقع در محله محال از محلات اردستان

مشهور بباغ فوق‌المقسم که ازقنات اورنه مشروب میشود خریداری از عالیحضرت میرزا محمد حکیم وزیر اردستان بوسیله حاجی محمد رشیدا .

۱۷ ـ چهار حبه شایعه در هفتادودوحبه مزرعه اونج ازتوابع علیای اردستان من اعیان یکدرب باغ معین واقع درمزرعه مشهوره بباغ میرمحمد سعیدخریداری ازمیرزا محمد حکیم وزیر اردستان .

۱۸ـ املاك خریداری ازمیرزا محمدرضا مشهور بمیرمیران ولد میرمحمد صادق مشهور به‌آقا میرزا ومیرمحمد هاشم ولد میرمحمد جعفر.

۱۹ ـ مجری المیاه نودوپنج (۹۵) سرجه از سرقات آب محله باب‌الرحی ازقناتین قدیم وجدید و پنج سرجه ازسرقات معینه نهر استون .

۲۰ ـ باغ معین مشجر باشجار مشهور بباغ مولانا ابراهیمی واقع در محله باب‌الرحی بمساحت دوازده قفیز.

۲۱ ـ یك قطعه زمین ساده قابل زراعت مشهور به‌ماك خاتونی خریداری از میرزا محمد حکیم وزیر اردستان .

۲۲ ـ هفده سهم‌ونیم ازمحله باب‌الرحی .

۲۳ ـ دوقطعه زمین ازمحله باب‌الرحی .

۲۴ ـ املاك خریداری ازمیرزا ظهیر ولدمیرزامحمد یوسف اردستانی واقع درقریه اونج .

۲۵ ـ قطعات دیگری درمحله مون اردستان ودرقریه اونج علیا .

۲۶ ـ مزرعه تقی‌آباد کرون اصفهان خریداری از میرزا محمدرضا کلباسی ومیرزا محمد تقی .

۲۷ ـ سه طاق ازمزرعه جعفرآباد برخوار خریداری از میرزا محمدعلی و میرزا علیرضا ولدان میرزا ابوالقاسم سمنانی .

۲۸ـ صد سرقه ازکل سرقات محله‌کبودان اردستان خریداری ازمیرزا باقر کجکانی .

۲۹ـ سه شبانه‌روزوپنج سبع شبانه روزدیگرازکل ده شبانه روزمجری‌المیاه مزرعه هرمزآباد مشهور به‌مزدآباد ازقنات‌دائره وبائره مع املاك تابعه خریداری از ورثه میرسیدعلی کچویه مثقالی .

۳۰ ـ بیست‌وشش حبه لنگان اصفهان .

۳۱ ـ دودانگ‌ونیم و یك طاق کربکندی برخوار اصفهان .

ب ـ مصارف وقف

۱ ـ مخارج تعمیر مدرسه ورقبات موقوفه برداشت گردد و سپس عشر بعنوان حق‌التولیه .

۲ـ سالی پانزده‌تومان بکسی داده شودکه هم بتدریس وهم بعنوان نظارت درمدرسه اشتغال داشته باشد .

۳ ـ بطلاب ساکن هرحجره از حجرات مدرسه روزی پنجاه (۵۰) دینار داده شود .

۴ ـ بمؤذن روزی پنجاه (۵۰) دینار وفقط یکنفر مؤذن درمدرسه باشد .

۵ ـ دونفرخادم درمدرسه باشدکه بهرکدام روزی شصت (۶۰) دینار اجرت داده شود .

۶ـ یکنفر برای چراغ روشن کردن و یکنفر آبکش بقرار روزی پنجاه (۵۰) دینار اجرت داده شود .

ج ـ تولیت :

۱ـ سیادت و نجابت پناه ، فطانت و متانت دستگاه ، حمیده خصالی ستوده فعالی، غنی‌الاوصافی مقرالسیادة والنجابة والفطانة والمتانة والکمالات میرمحمد سعیدا خلف‌سیادت ومرحمت پناه، الواصل الی‌جوار مرحمة الملك‌الباری میرمحمد حسین‌اردستانی‌که بشرف مصاهرت واقف و فقه‌الله تعالی مشرف است متولی‌خواهد بود وپس‌از اوامر تولیت مخصوص اسن اولاد ذکور مومی‌الیه‌که بصفت‌صلاح وسداد موصوف وبه‌رموز فضل‌وعلم‌متصف، وازبطن‌صبیه عالیحضرت واقف‌مومی‌الیه جعل‌الله

آماله مجیئا بوده باشد .

واگر این اولاد او متصف بصفت مز بوره نبوده باشد وعقب او موضوف بصفت علم وفضل بوده باشد امر تولیت مخصوص اوبود و درهر مرتبه ازمراتب علم وفضل را منظور و ملحوظ کلی دانسته تقدم اعلمیت وافضلیت و اورعیت بـر اکبریت را شرط دانسته وبعد ازایشان باولاد اولاد ایشان ما تعاقبوا تناسلوا نسلاً بعدنسل و عقبابعد عقب الی ان یرث‌الله الارض ومن‌علیها وهوخیر الوارثین مفوض ومرجوع بوده باشد.

واگرالعیاذبالله اولاد اولاد ذکور متولی ازبطن صبیه واقف موفق معزی‌الیه منقرض گردد امر تولیت مخصوص اولاد ذکور اناث متولی که از بطن صبیه آن عالیحضرت ملکی‌صفات بوده باشد بالشرط المذکور لابالترتیب . وبعد از اوباولاد اووبعد باولاد اولاد او و هکذا هلم جراً .

واگر العیاذبالله من ذلك اولاد متولی مومی‌الیه از بطن صبیه واقف منقرض گردند امر تولیت باولاد ذکورکه ازبطن دیگری باشد مخصوص و متعلق بوده باشد واگر اولاد ذکور مذکور نیز منقرض شوند اولاد ذکور اناث متولی مزبور کـه از بطنی دیگری بوده باشد الی انقراض‌الزمان و در همه مراتب اعلمیت و افضلیت و صلاح وسداد مقدم است .

وایضاً شرط‌گردندکه هرگاه ذکور اولاد ذکور وذکور اولاد اناث میرمحمد سعید مومی‌الیه بالکلیه منقرض ومنقطع‌گردند امر تولیت مخصوص یکی‌ازسادات عظام گرام‌که نسب او به ثمره شجرة طیبه طاهره و ما ارسلناك الا رحمة للعالمین نقاوه احفاد خاتم‌النبیین، خاصه اعقاب امام‌المتقین‌کاشف اسرارالحق والیقین ، نور الواصلین سید روح‌الله روح‌الله تعالی‌گردد مخصوص و متعلق بوده باشد .

اگر العیاذبالله سلسله رفیعه‌کریمه سید روح‌الله نیزمنقرض‌گردند امر تولیت مخصوص یکی از اولاد امجاد عالیحضرت سامی مرتبت ، متعالی منزلت ، قدسی صفات ، ملکی ملکات ، اسلام واسلامیان ملاذی ، مجتهدالزمانی مولانا محمد باقر مجلسی که بزیور فضل وکمال وصلاح وسداد موصوف بوده باشد ، باشد .

واگر العیاذ بالله کل اولاد اسلام ملاذ مومی الیه منقرض گردند امر تولیت موقوفات مزبوره و رواج و رونق مدرسه مزبوره مخصوص بوده باشد بفقیه راوی احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام که درتحت توقیع شریف بقیةالله فی ارضه باشد عبارت شریفه : واماالحوادث الواقعة فارجعواالی رواة احادیثنا فانهم حجتی علیکم وانا حجةالله باذن علمای زمان داخل باشد .

د ـ تنفیذکنندگان وقف‌نامه :

عده‌ای ازعلماء وبزرگان اصفهان وقفنامه مدرسه‌را امضاء وتنفیذ کرده‌اندکه عمده آنان چنین‌است :

۱ ـ علامه زمان آخوند ملامحمد باقرمجلسی دوم‌که درمحرم(۱۱۰۶ه. ق) که مدت یکسال و چندماه از وقوع عقد وقف‌گذشته بوده امضاء کرده است . سجع مهر: « محمد باقرالعلوم » است .

۲ـ عالم دیگری بنام ملامحمد قاسم‌که اونیز در (۱۱۰۶ه.ق) تنفیذکرده‌است سجع مهرش « العبدالاثیم محمد قاسم » میباشد .

۳ـ سید مرتضی‌طباطبائی‌ازاحفاد شرف‌الدین‌علی‌میرمیران طباطبائی‌اردستانی که سجع مهرش : « مرتضی الطباطبائی » و عبارات تنفیذ : (اقرالسید السند الواقف بالوقف المزبور لدی‌کتبه ابن ابوالحسن‌الحسنی الحسینی مرتضی الطباطبائی »

۴ ـ میر زین‌العابدین حسینی تبریزی باسجع مهر : « عبده زین‌العابدین » وعبارات تنفیذ :

« قد استشرفت باستماع الاقرار بما فی‌هذه السطور متناً وظهراً السیدالسند» «الامیرذی‌المجدالواقف باسرارالحکمةوالموفق فی‌الدارین للعز والمکرمة وکتبه» « العبدالاقل میر زین‌العابدین‌الحسینی‌التبریزی »

۵ ـ امضاء و تنفیذ دیگری بنام : سید محمد الحسینی که شخصیت او معلوم نگردید .

۶ ـ امضای یکی از شهود مورد اعتماد بنام : حسن اردستانی‌که ازمعاریف

و معتمدین اردستان بوده است .

۷ـ امضای یکی از شهود وقف بنام : محمد علی رادی .

۸ ـ امضای یکی ازعلمای وقت و تنفیذ آن باین عبارت: « فزت بسماع الاعتراف» « من السید السند الجلیل النبیل ادام الله ایام دولته وعزه وعوالیه . کتبه العبدابن » « المرحوم احمدبن سلامة النجفی محمد ابراهیم » و سجع مهر :

« سلام علی ابراهیم » .

از تاریخ اقرارات بخصوص در محضر مجلسی معلوم میشود که واقف در سال (۱۱۰۶ ه . ق) دراصفهان وزنده بوده است .

حکیم الملك علاوه برساختمان مدرسه کاسه گران ووقف رقبات مذکوربر آن موقوفات دیگری نیز در اردستان واطراف دارد که انتفاع آنرا برای سادات سید روح الله جد اعلای خود قرارداده است .

ونیز در لم لم وسماوات وحله عراق رقباتی را برمقبره خودکه درنجف اشرف واقع است وقف کرده بوده که صرف اسراج وتلاوت قرآن گردد .

مساجدی هم درمهر آباد سفلای اردستان ومار بین ونیسیان برزاوند[۱] اردستان ساخته وموقوفاتی هم داشته اند که ازبین رفته است . صفه ای هم درمسجد جامع اردستان باومنسوب میباشد .

تا چند سال پیش تولیت مدرسه هم در خانواده واقف قرار داشت و آخرین متولی متصدی مرحوم دکتر سید ارسطو عـلاج[۲] فرزند میرزا رشید ناظم الاطبای اردستانی بود و اینك درتصرف اوقاف است .

مدرسه مزبورکه یکی ازآثارباستانی بشمار میرود بموجب تصویبنامه شمارهٔ ۳۸۶ ـ ۳۴/۱۱/۱۱ به ثبت تاریخی رسیده است.[۳]

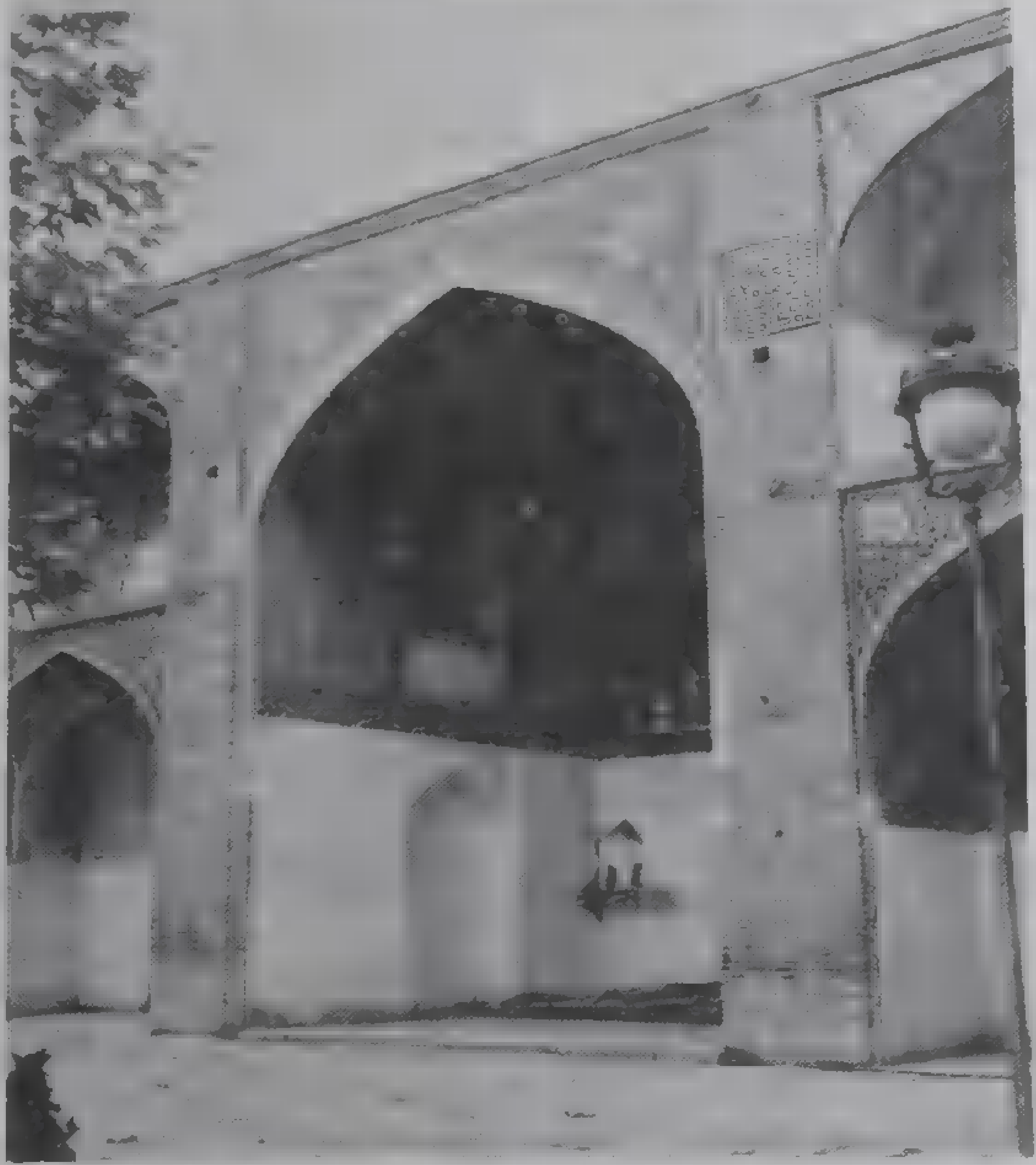
---

۱ ـ تاریخ بنای مسجد جامع نیسیان سال (۱۱۱۷ ه . ق) میباشد. ۲ ـ دکتر سید ارسطو علاج در (۱۲۷۱ ه .) شمسی متولد و در (۱۳۴۹ ه . ش) وفات یافت .

۳ـ فهرست ابنیه وآثار تاریخی ایران گزارش باستان شناسی .

۲۲ ـ مدرسه ملاعبدالله :

این مدرسه‌که دراول بازار شاهی ودر نزدیکی حمام شاه وچهارسوی شاه‌واقع گردیده از احداثات شاه عباس اول صفوی است‌که برای ملاعبدالله شوشتری‌ساخته و از او برای تدریس درآن دعوت بعمل‌آورده و از اینرو بنام ملاعبدالله معروف شده است . (ش ۵۲)



(شکل ۵۲)

ملاعبدالله شوشتری[1] از بزرگان علمای زمان شاه عباس اول بشمار میرفته

۱ـ عزالدین ملا عبداللهبن حسین شوشتری اصفهانی درشوشتر متولد گردید و بـرای ادامه تحصیلات‌عالیه بعتبات عالیات تشرف‌یافت ومدت سی‌سال در اعتاب مقدسه بتحصیل‌وریاضت اشتغال داشت وازمحضر مقدس اردبیلی و شیخ احمدبن نعمت‌اللهبن خاتون و پدرش شیـخ نعمت‌الله مستفیض‌گردید واز آنها در روایات واجتهاد مجاز شد سپس بایران آمد ومدتی در ←

اصفهان اقامت کرد سپس ازترس شاه‌عباس ماضی بمشهد رضا علیه‌السلام هجرت کرد وچندی درآنجا مقیم شده وشاه‌عباس با او درمشهد دیدار کرد واو را بسیارگرامی داشت وهمان دیدار وگفتگوها سبب شد که‌شاه موقوفاتی برای چهارده معصوم قرار داد ومدرسه ملاعبدالله‌رانیز برای محل تدریس اودراصفهان بناکردواورا به‌اصفهان خواند ومقیم‌گردید وتاپایان عمرباقامت نماز وتدریس ملاعبدالله ادامه داد وپیوسته مورد تکریم وترویج شاه‌عباس ماضی قرارداشت.
مرحوم شوشتری درسفر اخیر خود باصفهان مدت چهارده سال دوام یافت و در پایان مدت مزبور اجلش در رسید وبدار باقی شتافت وچون درعشر اول‌محرم (۱۰۲۱ هـ.ق) وفات‌یافته پس میتوان گفت که ابتدای سفر دوم او باصفهان سال یکهزار و هفت (۱۰۰۷ هـ. ق) بوده است.

مولانا عبدالله شوشتری از علماء بزرگ وزهادسترگ زمان خود بوده وعده بی‌شماری شاگردان بزرگ از محضر او برخاسته‌اند که ازآن جمله است: سید فاضل امیر محمد قاسم کوپائی وشریف‌الدین محمد رویدشتی اژه‌ای ومیرزا رفیع‌الدین محمد نائینی معروف‌بمیرزا رفیعا شارح‌کافی ومؤلف شجرة و ثمرة الهیه و ملا محمد تقی مجلسی و پسرش ملا حسنعلی شوشتوی.

اوراست: شرح قواعد در۷ مجلد وتعلیقاتی بر تهذیب الحدیث و تعلیقاتی براستبصار ورساله‌ای بفارسی در طهارت و صلوة ورساله‌ای در مناسك حج ورساله‌ای در وجوب صلوة جمعه وحاشیه برالفیه شهید ونیز شرح مفصلتری بر الفیه وحاشیه‌ای بر شرح ارشاد علامه.

چنانچه نقل کرده‌اند میان او و میرداماد مناقشاتی بوده و میرداماد این نامه را بعنوان ملاعبدالله نوشته:

« عزیز من جواب است‌این‌نه جنگ‌است کلوخ انداز را پاداش سنگ است »
« رحم الله امرء عرف‌قدره‌ولم‌یتعد طوره نهایت مرتبه بی‌حیائی‌است که‌نفوس‌معطله‌و»
«هویات هیولائیة در برابرعقول مقدسه وجواهر قادسیه بلاف‌گزاف ودعوی بی‌معنی برخیزند»
«این قدر شعور باید داشت که سخن من فهمیدن هنر است نه بامن جدل‌کردن و بحث نام»
«نهادن‌چه معین است که ادراك مراتب عالیه وبلوغ بمطالب دقیقه کار هر قاصر المدرکی و»
«پیشه هر قلیل البضاعتی‌نیست فلامحاله مجادله با من در مقامات‌علمیه از بابت قصورطبیعت»
«خواهد بود نه ازباب‌دقت طبع مشتی خفاش‌همت که‌احساس محسوسات را عرش المعرفت»
«دانش پندارندواقصی الکمال هنر شمرند با زمره‌ملکوتیین که مسیرآفتاب تعلقشان‌برمدارات»
«انوار عالم قدسی باشد لاف تکافؤ زنند ودعوی مخاصمت کنند روانبود ودرخور نیفتد و»
« لیکن مشاکسه وهم با عقل و معارضه باطل باحق وکشاکش ظلمت با نور منکری است »
« نه‌حادث وبدعتی است نه امروزی والی الله المشتکی والسلام علی من اتبع‌الهدی:»

« و اذا اتیك مذمتی من ناقص فهی‌الشهادة لی بانی‌کامل »
« خاقانی آن‌کسان که طریق تو میروند زاغند وزاغ را روش‌کبك‌آرزو است»
« گیرم که مارچوبه‌کند تن بشکل مار کوزهر بهردشمن وکومهره‌بهردوست»

که مقیم درنجف اشرف بوده وسپس بایران آمده است ومدرسه را شاه عباس برای محل تدریس او بنا کرده است.

مدرسه مزبور درابتدای ساختمان که تاریخ قطعی آن روشن نیست دو طبقه بنا شده ودارای کاشیکاریهای زیبا بوده و شعبه‌ای ازمادی فدیـن نیز از صحن آن میگذرد وازاینرو مدرسه‌ای باصفا وجالب بوده است.

مرحوم شوشتری در مدت حیات درآن مدرسه باقامه نماز و تدریس اشتغال داشته وپس ازوفات علامه مجلسی دوم بجای اوتعیین گردیده است.

واما تاریخ قطعی بنای مدرسه روشن نیست آنچه معلوم است اینکه شاه‌عباس درسال (۱۰۰۷ هـ. ق) بمشهد مشرف شده و درآن سال با مولانا ملاقات واورا دعوت باصفهان کرده است وگویا درهمان سال باصفهان عودت یافته چه اینکه درسفردوم درحدود چهارده سال دراصفهان اقامت داشته وچون درمحرم سال ۱۰۲۱ وفات یافته ابتدای چهارده سال تقریبی همان سال ۱۰۰۷ خواهد بود و میتوان گفت شروع ساختمان مدرسه از همان سال باشد و همین‌طور اتمام بنای آن نیز معلوم نیست. قدیم‌ترین تاریخی که درمدرسه‌دیده‌میشود تاریخ‌سنگی‌است‌که حاج‌میرزا محمدنامی

←

وسپس ملا عبدالله‌در جواب نوشت : « جانا سخن از زبان من میگوئی رحم‌الله‌امره» «عرف قدره وبداحال کسیکه من‌ارسل الیه را ازنفوس معطله شمارد ودعوی اعلام‌کند.»

واما هنگام وفات که مصادف باشب یکشنبه بیست و ششم محرم (۱۰۲۱ هـ . ق) بود میرداماد وشیخ لطف‌الله میسی عاملی او را عیادت کردند وبا آنان وبخصوص میرداماد معانقه کرد وپس از اقامه نماز شب و نوافل‌آن برای تعیین وقت ازحجره بیرون‌آمد وچون‌بازگشت برزمین افتاد وروحش بعالم بقاء شتافت.

درتاریخ وفاتش شعراء وبزرگان اشعاری سرودند وکلماتی گفتند. ازآن جمله امیـر صحبتی‌تفریشی‌گفت: «آه‌آه ازمقتدای شیعیان» که تذکره نصرآبادی آنرا ذکرکرده وبحساب جمل(۱۰۱۶) میشود ودرست نیست وظاهراً : «آه وه ازمقتدای شیعیان» بوده است‌که مطابق باهمان سال۱۰۲۱ میشود و دیگری‌گفته: «حیف از مقتدای ایران حیف» وشیخ محمود عرب جزائری‌گفته : «مات مجتهدا لزمن» که دوماده تاریخ اخیر مطابقت دارند.

بطوریکه ازخلال گفته‌های بزرگان مؤلفان برمیآید شوشتری درعلم وزهد و تقـوی در عصر خود کم نظیر بوده است. (نقل ازروضات الجنات ازص ۳۵۹ تا ص ۳۶۲ .)

برای وقف رقبانی برسقاخانه نزدیکی مدرسه نصب کرده و تاریخ آن (۱۰۸۸ هـ. ق) میباشد ، تاریخ دیگری هم هست که درحکومت صدر اصفهانی وسلطنت فتحعلیشاه قاجار درکتیبه سر در مدرسه نوشته شده است .

مدرسه ملاعبدالله بطوریکه ازگفته‌های نویسندگان معلوم میگردد در زمان حیات ملاعبدالله دائر بوده و درحدود هزار طلبه برای درس و اقامت بآن مدرسه مراجعه میکرده‌اند ولی دراواخر قرن سیزدهم بکلی خالی‌ازطلبه وانبارکسبه بازار ومحل‌اقامت فقراء وبینوایان بوده است .

درقرن چهاردهم روزبروز برخرابی آن میافزود واطاقها نم‌آورده بود وحتی بخاطر دارم که دردالان مدرسه قهوه‌خانه دائرشده وبعضی میرزاها درآنجا برای جماعات متفرقه کاغذ ونوشتجات دیگر مینوشتند .

درسالهای اخیرمورد توجه مردم و انجمن‌آثار ملی واقع‌گردید وتعمیرات و ترمیماتی شده ومیشود واینك مدرسه سرو صورتی یافته است .

کتیبه‌هائی که درمدرسه وجود دارد ازاین‌قرار است :

۱ ـ کتیبه سردرمدرسه‌که مربوط بدوره سلطنت‌فتحعلی‌شاه قاجار وحکومت صدر اصفهانی است، بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی چنین است .

«فی‌ایام‌دولةالسلطان‌العادل‌الباذل‌ظل‌الله فی‌بسیط‌الارض‌عام‌المعمورة فی‌الطول»
«والعرض سریرالسلطنة بالاستحقاق مالك ممالك الافاق‌مؤسس مبانی‌الانصاف‌قامع»
«قواعد الاجحاف‌السلطان‌بن‌السلطان‌والخاقان بن‌الخاقان‌السلطان‌فتحعلی‌شاه قاجار»
«سقی‌الله‌حیاض‌الشوکة بسحاب‌جوده و نضرریاض‌الدولة‌بامطاربره وجوده وقدتوفق»
«بتعمیرهذه‌المدرسة والسوق‌فی‌بابها جنب‌الحوض والمسقی‌الموقوف‌علی‌المسلمین»
«بعد اذیال صاحب‌المفاخر والعدالة خیرالحاج والمعتمربن‌الحاج محمد حسین»
«خان‌الحاکم بامره‌المطاع فی‌شهررمضان سنة ۱۲۱۸ . ».

کتیبه حاکی است که مدرسه و هم بازار نزدیك در مدرسه و هم سقاخانه بیرون مدرسه را تعمیر کرده‌اند .

۲- کتیبه سنگ لوح پارسی که بر دیوار ضلع غربی ایوان جنوبی مدرسه بطول ۱,۳۵ وعرض ۱,۲۰ متر نصب شده بخط نستعلیق برجسته چنین است :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم وقف شرعی نمود توفیق آثاری حاج‌الحرمین میرزا »
« محمد سه باب دکان درجنب یکدیگر بادو بالاخانه محدود بدکان تنباکوفروشی و »
« بشارع و بخانه آقاصالح و بدکان نجاری و بدکان نخود بریزی وعطاری از دوطرف »
« بشارع و بکوره آجرپزی و بملك واقف و نصف خان و نصف دکان متصل بخان »
« مزبور ازطرفین بشارع وتیمچه علی‌اکبر وبکوره آجرپزی مستغلات مزبوره »
« واقعه در بازار غاز بر سقاخانه متصله بمدرسه ملاعبدالله که کرایه موقوفات مزبوره »
« راحاجی مزکور[1] که تاحین حیاته تولیت با اوست صرف اخراجات سقاخانه و تعمیر »
« آن و مستغلات مزبوره بعدازوضع سدس که بحق التولیه شرط شده میبوده باشد و بعد »
« از واقف تولیت با اصلح اولاد او وبطناً بعد بطن و نظارت باطلبه مدرسه مزبوره »
« خواهد بود که اگرمتولیان درباب دایرنمودن آن وتعمیر وآبادی موقوفات و »
« سنگی ازحوضها وچاه منهدم شود اهمال نمایند ناظران متوجه شوند وازمضمون »
« وقیودی که شده درنگذرند واگراولاد واقف برطرف شوند تولیت با متولی مدرسه »
« مزبوره خواهد بود واگرمتولی درباب جاری ومعمورداشتن سقاخانه ومستغلات »
« اهمال نماید ناظران اسامی خود را نوشته قرعه زنند باسم هرکه برآید او را »
« متولی دانند وباین دستور نیزعمل مینموده باشند و ازپانزدهم قوس تا پانزدهم »
« حوت آب نکشند و منافع این سه ماه را متولی جهت تعمیر مستغلات ضبط »
« مینموده باشد واگرسقاخانه بسبب حوادث خراب شود و بهیچوجه جاری نتوان »
« نمود منافع را به پنج نفرطالب علم مستحق میداده باشند و تغییر دهنده بلعنت »
« خدا ونفرین ائمهٔ هدی صلوات‌الله علیهم گرفتار شود امید است که واقف وراقم »
« رابدعا یادکنند ۱۰۸۸ . »

این مدرسه که از بناهای باستانی بشمار میرود طی شماره ۲۲۴ به ثبت تاریخی

۱- درمتن کتیبه مذکور بزاء معجمه نوشته شده است .

رسیده‌است[1] .

جابری انصاری درکتاب تاریخ اصفهان وری مینویسدکه درسال (۱۰۸۸ه.ق) مدرسه مزبور از طرف شاه سلیمان صفوی تعمیرگردیده است[2] . (ش ۵۳)



(شکل ۵۳)

مساحت مدرسه در حدود سه هزار ذرع و کاشیکاریهای خوبی‌دارد . ضیاء کفرانی[3] شاعر تصنیف سرا در تاریخ آغاز بنا در مدرسه مزبور مقیم و تحصیل میکرده و در حجره او در زمان بعد احفادش سکونت داشته‌اند و حاج میرزا بهاء شاعرکه از نژادکفرانی بود تاسال (۱۳۲۰ ه. ق) حجره‌را دراختیار داشت .

---

۱ ــ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران صفحه ۴۵ . ۲ ــ تاریخ‌اصفهان وری ص ۲۶۸ . ۳ ــ میرزا نورالله متخلص به ضیاء از مردم کفران روی دشت و از اکابر آنجا بود وبجمیع کمالات آراسته چنانچه درعلوم متداوله ازطالب علمان سرکمی نداشت در زمان شاه عباس ماضی بتحریر جلد توجیه مشغول بود ودر سال (۱۰۵۰ ه.ق) بدرود حیات گفت از اشعار او است ترکیب بند مشهور:

←

۲۳ ـ مدرسه میرزاحسین :

این مدرسه راکه مدرسه میرزاحسین‌خان نیز گفته‌اند درمحله بیدآباد واقع وبا مسجد سید رشتی مجاورت دارد .

مدرسهٔ مزبور طلبه نشین و در دوره شاه سلیمان صفوی احداث گردیده و دارای تاریخ است .

کتیبه سر در مدرسه بخط نستعلیق سفید برزمینهٔ کاشی‌خشت لاجوردی بطور منظوم چنین است :

« درجهان بانی سلیمان شاه — افتخار انام و فخر امم »
« خلف صدق میرزا مهدی — . . . . »
« فخر آبا علیرضا که بعلم — چون قلم در شباب گشت علم »
« داشت بهر بنای مدرسهٔ — بانی همتش گلی در نم »

→

ای‌بت هرزه‌گرد هر جائی — ای بر آورده سر برسوائی

ونیز قطعه‌ایکه در مدح نواب خلیفه سلطان صدر اعظم شاه عباس ماضی سروده و آن قطعه اینست :

قطعه

داورا ایران مدارا قبله‌گاها صاحبا — از غبار آستانت سرمهٔ چشم ترم
کار من ازدست‌رفت‌وغافلی‌ازکار من — از ضرورت چند حرفی برزبان‌میآورم
نخل‌طورم‌لیک‌خشک‌ازقحط‌سال مردمی — طوبی باغ بهشتم لیک بی بار و برم
مکتبی‌میخواستم‌درخورد همت‌ای‌دریغ — رستم بی‌گرز و تیغم جبرئیل بی پرم
نه فلک بردرگهت‌دارند هریک‌خدمتی — من که اینجاهرزه‌گردم ازکدامین کمترم
لطف‌کردی منصبی دادی وممنونم‌ولی — دم بدم در کار بی‌پرگارخودحیران‌ترم
نفع نه مرسوم نه عزت نه استقلال نه — مجملا شرمنده‌کلک ودوات و دفترم
ازپریشانی غلام‌ونوکر از من شد نفور — نیست‌کس کز قطرهٔ آبی‌گلوسازد ترم
سکه‌وجه‌جیره‌ومرسوم برمن جمع شد — چون شتر درزیر بار ساربان‌و مهترم
چون‌ندارم‌هیچ‌چیزازچاپلوسی‌چاره‌نیست — ساربانم را غلامم مهترم را کهترم
بیش‌ازاین‌مپسندبی‌سامان‌وسرگردان مرا — رخصتی گرهرزه‌کارم‌شفقتی گرنوکرم
خط آزادی اگر لایق نیم در بندگی — سرخط‌مرسوم اگر بهرغلامی درخورم
قصه‌کوته طاقت‌محنت ندارم بیش‌ازین — رخصتم ده‌گر نخواهی داد چیزدیگرم

(تذکره نصرآبادی ص۸۹ تا ص ۹۰)

« لیکن ازجا اساس عمرش را — کند سیل اجل که عمرش کم »
« لاجرم در بنای این مدرس — یافت توفیق والد اکرم »
« . . . . — شدکه شدچون بنای دین محکم »
« خشت خشتش کتابی ازعلم است — که بحکمت نهاده برسر هم »
« دم عیسی مگر مدرس اوست — که شد احیای علم در عالم »
« بهر تاریخ این بنا سامی — « مجمع اهل فضل » کرد رقم »
(۱۰۹۹)

از اشعار فوق نام بانی افتاده ومعلوم میگرددکه میرزا حسین فرزند میرزا علی‌رضا فرزند میرزا محمد مهدی‌این مدرسه‌را در عصرسلطنت‌شاه سلیمان صفوی در(۱۰۹۹ ه . ق) بناکرده ومسکن طلبه علم بوده‌است .

میان مصراع اول ودوم ازفرد ماقبل آخر دریك لوحه نوشته شده : « العبدا المذنب » ومیان شعرماقبل آخروبیت آخر دریك لوحه خوانده میشود: «ولایت‌الله» و درمیان مصراع نخست و دوم ازفرد آخر نوشته شده : « گلپایگانی » که معلوم میشود خط ازولایت‌الله گلپایگانی وشعر ازسامی بوده است .

مدرسه میرزا حسین را سنگابی است‌که دارای کتیبه‌ای بخط نستعلیق برجسته برسنگ پارسی بشرح زیرمیباشد :

« سلام‌الله علی‌الحسین واصحابه . لعنت‌الله علی‌قاتل‌الحسین‌واعدائه. وقف بر»
« سقاخانه نمود اقل حاج محمد کاظم ابن‌مرحمت و غفران پناه جنت و رضوان »
« آرامگاه حاجی محمد مهدی شهیر بقاری ، هرکس ازجائی‌که واقف قرار داده »
« حرکت بدهد بلعنت خدا ونفرین رسول گرفتار شود . بتاریخ بیست و سوم شهر »
« ذی‌حجة‌الحرام سنه ۱۲۷۵ عمل‌استاد محمد حسین ابن‌استاد محمد رضای‌حجار.»

ازکتیبه سنگاب معلوم میگردد که وقف مزبور بعداز انقضای ۱۷۶ سال از بنای مدرسه و درسلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار انجام‌گردیده است. قرائت‌کتیبه‌های مزبور ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان اقتباس شده‌است .[۱]

۱ــ گنجینه آثار تاریخی اصفهان ازص ۶۴۹ تا ص۶۵۰ .

مساحت فضای مدرسه قریب دو جریب و دو قفیز و نیم میباشد یعنی کلیه محوطه مدرسه این مساحت‌را دارد ثبت‌تاریخی‌این‌مدرسه درگردش اداری‌است[1].

۲۴ - مدرسه میرزا مهدی :

این‌مدرسه درکنار نهربیدآباد واقع وبیش‌از دوجریب مساحت دارد[2]، وآن را میرزا مهدی اشتهاردی منشی نادرشاه افشار بناکرده است.

۲۵ - مدرسه ناصری :

این‌مدرسه درگوشه جنوب شرقی‌صحن‌مسجد شاه واقع و دردوره شاه‌سلیمان تکمیل شده‌ولی بنای نخست آن مربوط بزمان شاه‌عباس اول است وچون درزمان ناصرالدین شاه قاجار در مدرسه مزبور تعمیراتی شده بمدرسه ناصری موسوم گردیده است.

درضلع شرقی‌مدرسه چند اطاق برای سکونت طلاب ساخته شده است ، این مدرسه ومدرسه سلیمانیه قرینه یکدیگرند ، تفاوت آنکه مدرسه سلیمانیه بجای حجرات برای سکونت طلبه غرفه‌هائی داردکه خارج وداخل آنها باکاشیهای خشت هفت رنگ تزیین شده است[3].

ایوان‌جنوبی مدرسه دارای لوحه‌ها وکتیبه‌هائی‌است ازآن جمله‌کتیبه‌ایست بخط ثلث مشکی‌برزمینه زرد درشش‌لوح که درآن صلوات بر چهارده معصوم نقش شده ورقم آن چنین است : « کتبه محمدرضا الامامی ۱۰۷۷ ».

کتیبه دورمحراب‌ایوان مزبور بخط‌ثلث‌سفید برزمینه‌کاشی‌خشت لاجوردی رنگ مشتمل برسورهٔ اخلاص وآیات ۷۸ و ۷۹ سورهٔ اسری ورقم آخرآن‌چنین خوانده میشود: « وقال سبحانه حافظوا علی‌الصلوات والصلوة الوسطی و قوموالله قانتین » و رقم آن چنین است: « کتبه محمدرضا الامامی ۱۰۷۷ ».

کتیبه داخل محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ این

۱ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص۳۳۷. ۲ـ تاریخ اصفهان وری ص ۳۰۸. ۳ ـ گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان ص۴۵۴.

عبارات را دربر دارد :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله وسلم لوان‌الغیاض »
« اقلام والبحر مداد والارض قرطاس‌والجن والانس حساب وکتاب ما احصوافضائل »
« علی‌ابن[1] ابی‌طالب صلوات‌الله علیه‌کتبه محمد حسن‌الامامی ۱۰۹۵ » .

این‌مدرسه باانضمام مسجد شاه طی شماره ۱۰۷ـ۱۵، ۱۰، ۳۱۰ به‌ثبت تاریخی رسیده است[2] .

۲۶ ـ مدرسه نوریه :

این مدرسه درانتهای بازار عربان وتقریباً با بازار ریسمان محاذی است و درعهد سلطنت شاه سلیمان وشاه سلطان حسین‌بناگردیده است .[3] بانی آن میرزا نورالدین محمد جابری‌انصاری نبیره میرزا نظام‌الدین جابری‌انصاری وزیر ازنژاد میرزا سلمان اعتمادالدوله وزیر وخواجه جلال‌الدوله جابرا بوده و کبوترآباد برائان با دکاکین و غیر آنها که موقوفه خواجه جلال الدوله بوده مجدداً میرزا نورالدین وقفنامه برای آنها نوشته و منافع دو دانگ آن موقوفات را برای طلاب مدرسه و دو دانگ نیز برای‌حق‌الارتزاق سلسله جابریان‌که ازپیش‌هم‌مقرر بوده برقرار ساخته است .

مساحت فضای مدرسه یك جریب و سه قفیز و نیم است و علاوه بر طلاب هنرمندانی چون : آقا محمدعلی مذهب[4] صاحب یخچالیه ومیزاآقاجان‌پرتو[5] خطاط نسخ وشاعر درآن مدرسد سکونت داشته‌اند .

۱ـ هرچند درکتیبه منقول‌ازگنجینه آثار تاریخی اصفهان ابن باهمزه نوشته‌شده ولی درست‌آن بی‌همزه است. ۲ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۶. ۳ـ تاریخ اصفهان و ری ص ۳۰۷. ۴ـ محمدعلی بن‌ابی‌طالب‌مذهب اصفهانی‌متخلص به‌بهار متوفی (۱۲۷۵ ه.ق) ازشعراء ومذهبان‌زمان محمدشاه قاجار بودکه نخست‌بهار تخلص‌میکرد وسپس تخلص خود را بفرهنگ تبدیل‌کرد. اوراست: ۱ـ بامدایح معتمدیه درتذکره شعرای مداح معتمدالدوله گرجی حاکم اصفهان و ۲ـ یخچالیه‌که آنهم تذکره شعرائی است بطور مطایبه از اشعار او است:

یارب این‌تنگ قبایان‌که‌چه تنگ‌شکرند — تاکی از حال دل تنگدلان بی‌خبرند
نتوانم من از این طایفه برداشت نظر — که بچشمان سیه فتنه اهل نظرند

(مجمع الصفحاء ج۵ ص ۸۴۰)
←

این‌مدرسه با آنکه مربوط باواخردوره صفویه میباشدبلحاظ اینکه‌تزیینانی نداشته تاکنون نسبت به نبت‌آن اقدامی بعمل نیامده است ولی باتوجه بقدمت بنا اقتضا دارد مورد توجه واقع‌گردد.

۲۷ - مدرسه نیم‌آورد :

این مدرسه در محله نیم‌آورد که نم‌آورد هم گفته میشود قرارگرفته است. وازمدارس طلبه نشین اواخردوره صفویه میباشد.

بانی مدرسه زینب بیگم زوجه امیرمحمد مهدی حکیم‌الملك اردستانی است که از خیرات زنان عصر خود محسوب میشده است ودرواقع بانی واقعی خود حکیم‌الملك بوده‌که زن خود را تشویق و استمداد دراین عمل خیرنموده است.

تاریخ بنای مدرسه بعلت نداشتن کتیبه تاریخی ونیزدردست نبودن وقفنامه روشن نیست. جابری انصاری درکتاب تاریخ اصفهان وری[۱] نوشته که در سال (۱۱۱۷ ه. ق) این بنا ساخته شده وشایدمتکی باین‌نکته شده‌که مدرسه‌کاسه‌گران راکه خود حکیم‌الملك بانی بوده در ۱۱۰۵ ساخته شده بوده پس مدرسه نیم‌آورد راهم بعدازاین تاریخ ساخته‌اند ودرهرحال مدرك تاریخ مزبورمعلوم نیست. متولی پیشین[۲] مدرسه که او هم از پدرش شنیده بود میگفت تاریخ وقفنامه مدرسه

←

۵- میرزا آقاجان پرتو نامش میرزا علیرضا مشهور بمیرزا آقاجان و متخلص به پرتو متوفی سال (۱۳۰۳ یا ۱۳۰۴ ه.ق) وی از استادان خط نسخ وثلث‌ورقاع وشاعر نکته‌پرداز وخوش طبع ومحضربود ودراواخر زندگانی درتهران بسرمیبرد ودردربار ناصرالدین شاه‌قاجارمقامی داشت. ازاشعار اواست :

پدرخواهد که‌برد زلفکان‌چون کمندش‌را   پسر درفکرچون‌سازد گرفتاران بندش را

درگفتن ماده تاریخ نیز مهارتی داشت وازماده تاریخهای او است که‌گفته :

بنا شد چو این مسجد با صفا   بعـون خداوند رکن و حطیم
ز پرتو بتاریخ آن شد سئـوال   بگفتا: «لساعیه‌فوز عظیم۱۲۸۹»

(عمل آقاجان)

(تاریخ اصفهان وری ص۲۹۳)

۱- تاریخ اصفهان وری ص ۳۰۷.   ۲ - آقا عطاء الله جدلی فرزند میرزا محمد علی متولی که اولی در۱۳۱۳ شمسی ودومی در ۱۳۴۰ قمری وفات یافته‌اند.

(۱۱۱۱ هـ . ق) بوده ومرحوم آقاجمال خوانساری مجری صیغه وقف و نیز ناظر قرار داده شده بوده است .

مدرسه دوطبقه ودارای دو ایوان برای نماز وتدریس ودر روبروی درورودی نیزمدرسی است‌که درآن تدریس میشود . چهار باغچه برای گلکاری و درختکاری دارد ودر وسط مدرسه‌حوضی بزرگ ساخته شده‌که مورد استفاده است . چهارسمت مدرسه بالا و پائین مشتمل بر۷۸ حجره و یك مدرس و دو ایوان میباشد .

مدرسه تزیینات کاشیکاری وگچبری فراوان دارد و نکته جالب توجه اینکه هنرمندان بوسیله گچهای رنگارنگ نوع مخصوصی معرق ترتیب داده‌اند که در سایر بناها وجود ندارد .

کتیبه اطراف سردرمدرسه بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی مشتمل برسوره اخلاص وآیات ۷۸ و ۷۹ سوره اسری است و پایان کتیبه چنین است :

« وقال‌سبحانه حافظوا علی‌الصلوات والصلوة الوسطی وقوموالله قانتین وقال »
« رسول‌الله صلی‌الله علیه‌وآله وسلم لوان‌الغیاض اقلام والبحرمداد والارض قرطاس »
« والجن حساب والانس کتاب ما احصوا فضائل علی‌بن‌ابی‌طالب سنة ۱۳۴۹ » .

این کتیبه‌را بخاطردارم‌که باهتمام‌مرحوم سیدعبدالعلی‌عقدائی‌که نایب‌التولیه بود نوشته شد و از کتیبه های دوره پهلوی است و الا مدرسه هیچگونه کتیبه تاریخی ندارد .

خطوط بنائی سردر مدرسه مشتمل برآیاتی ازقرآن وبرخی احادیث است ، خطوط بنائی درون مدرسه واطراف صحن معرق ومشکی برزمینه‌آجری سوره‌های واقعه واخلاص ودرواقع تزیینات مدرسه را تشکیل میدهند .

در زیر قطارهای گچبری مدخل مدرسه بخط نستعلیق مشکی اشعار پائین گچبری شده است :

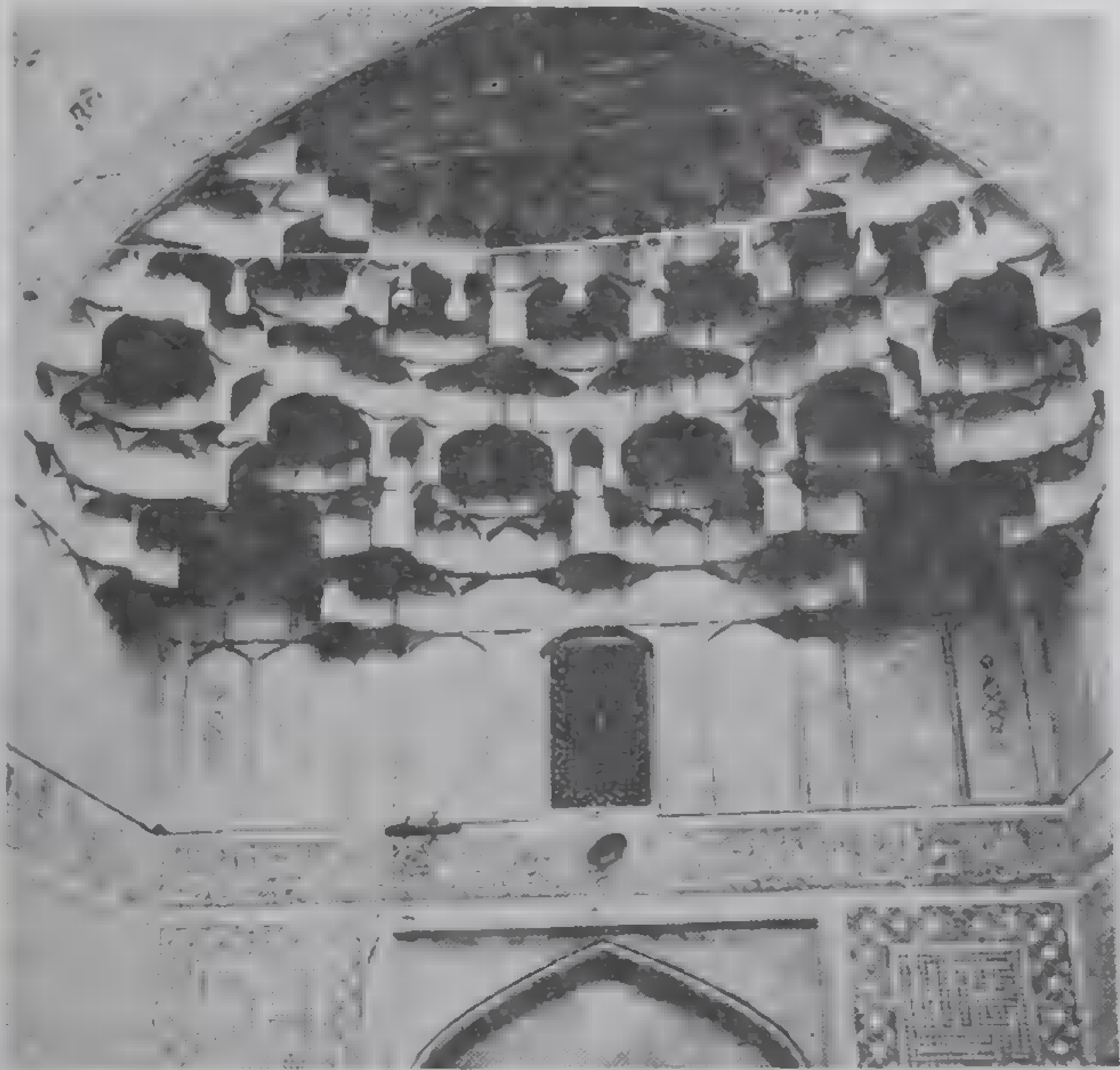
« احمد که شه سریر لولاك آمد — جانی است‌کز آلایش تن پاك آمد »
« یك‌حرف زمجموعه قدروشرفش — لولاك لما خلقت الافلاك آمد »

و در ایوان شرقی چنین نوشته شده :

« دریای سپهر کافتاب است کفش — نبود چوعلی گوهری اندرصدفش »

« خورشید گهی بدرشود گاه هلال — گر عکس دهد بماه در نجفش »

و رقم آن چنین است : «کتبه ابوالفتوح گلستانه » (ش۵۴)



(شکل ۵۴)

و اما موقوفات مدرسه و ترتیب آن چنین است که بانیه نامبرده به‌وکیل خود میرزا رشیدا که ازمنسوبانش نیز بوده دستورمیدهدکه مدرسه‌ای درمحله نیم‌آورد بنا نماید و چون از ساختمان مدرسه که ظاهراً سال (۱۱۱۱ هـ . ق) بوده فراغت حاصل میشود سفارش میدهد که رقباتی را دراصفهان و اردستان که خریداری شده بوده وقف برمدرسه و طلاب آن نماید ودر همان سال رقباتی را بشرح زیر وقف بر آن میکند :

۱ ـ دویست و ده سرجه مجری المیاه بانضمام املاك تابعه آن از محله فهره اردستان .

۲ ـ هفتاد (۷۰) گرداب آب باملاك تابعه‌آن ازمحله باب‌الرحی اردستان .

۳ ـ نودودو(۹۲) سرجه‌آب واملاك تابعه‌آن واقع درمحله رامیان اردستان .

۴ ـ نیم طاق آب و املاك تابعه‌آن در محله کبودان اردستان .

و چند مغازهٔ در بازار نیم‌آورد اصفهان .

مجری صیغه وقف آقاجمال‌الدین خوانساری بوده که علاوه سمت نظارت بروقف‌هم درخانواده اوتعیین شده است وتولیت درخانواده میرزا رشیدا که باواقفه نسبت وبستگی داشته وبعدازاو دراولادش بشرایطی که دروقف‌نامه حکیم‌الملك در مدرسه‌کاسه‌گران مرقوم‌گردیده قرارداده شده‌است ودرهرحال‌ملاك تولیت اصلحیت بوده ولی بعدازمدتی تولیت ازخانواده میرزا رشیدا خارج ودرخانواده دیگری‌که فرد بارز آنان مرحوم میرزا محمدعلی متولی متوفی (۱۳۴۰ هـ . ق) از علماء و متدینان بود قرارگرفت .

در باره مصارف منافع موقوفه هم‌چنین مقرر گردیده که پس از برداشت هزینه‌های رقبات موقوفه وخود مدرسه یك عشر حق‌التولیه وعشر دیگرحق‌النظاره باشد و بقیه بمصرف مدرسان وطلاب وخادم وسایر مصارف برسد . عواید این املاك قسمتی‌که باقی مانده در حدود سیصد هزار ریال در سال میباشد .

این بانوی نیکوکار وقف دیگری هم داردکه مصرف آن زوار عتبات عالیات بوده و تولیت هم در خانواده متولی مدرسه کاسه‌گران قرار داده شده است و چون موضوع‌وقف‌را متصدیان بعنوان‌ملکیت به‌ثبت داده‌اند مقدورنگردیدکه ازجزئیات رقبات‌آن استحضار حاصل نماید . (ش۵۵)

این مدرسه پیوسته درزمان رواج بازار علم در اصفهان مرکز بزرگان علماء وطلاب بوده و نامدارانی چون : حاج میرزا بدیع هرندی و حاج ملاحسن دری و حجةالاسلامان سید محمدباقر درچه‌ای و برادرش سید مهدی درچه‌ای و آخوند ملاعبدالکریم‌جزی ازآنجا برخاسته‌اندومعلوم میگرددکه بانیه‌آن ازروی اخلاص



(شکل ۵۵)

بساختمان مدرسه مزبور پرداخته است. کسان دیگری نیز از علماء و بزرگان و اوتاد از مدرسه نامبرده فارغ‌التحصیل شده‌اند که ذکر تمام آنها موجب تطویل خواهد بود یکی ازمعاصران استاد جلال‌الدین همائی متخلص به‌سنا و نگارنده هم افتخار تحصیل در آن مدرسه را دارم. مدرسه مزبور طی شماره ۳۷۸ ـ ۳۰/۹/۱۱ به‌ثبت تاریخی رسیده است[1]. (ش ۵۶)

۲۸ ـ مدرسه هارونیه :

این مدرسه درمغرب هارون ولایت واقع وفضای کوچکی دارد و دراطراف آن حجره‌هائی است وجرزها و پشت بغلهای دورآن بتزیینات آجروکاشی آراسته شده است. ایوان جنوبی آن هم دارای محرابی است که با کاشیکاری معرق نفیس تزیین

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۵۷ .



(شکل ۵۶)

شده . مدرسه مزبور با سردر مجللی بصحن شمالی هارون ولایت متصل میگردد و کتیبه همین سردر است که ایجاد ساختمان هارونیه را بزمان شاه اسماعیل صفوی ربط میدهد. و رقم تاریخی آن چنین است : «کتب فی اوایل شهر ربیع الاول من سنة ۹۱۸» .

چون هارونیه که متصل بمدرسه میباشد بوسیله دورمش خان حسین که از وزرای دربار شاه اسماعیل بوده ساخته شده مدرسه را هم باید ازاحداثات اوخواند ، ولی جابری انصاری معتقد است که چون سنگی را که سلطان محمود ازهندوستان آورده بود در همین مدرسه برو انداخته شده پس باید بنای نخست مدرسه هارونیه مربوط بزمان غزنویان وسلاجقه باشد . و همین مدرسه است که بانی وتعمیر کننده

آن میرزا شاه‌حسین وزیر شاه طهماسب بوده است[۱] .

این مدرسه بضمیمه امامزاده هارونیه طی شماره ۲۲۰ به ثبت تاریخی رسیده است[۲] .

یز ـ مساجد معمور شهر اصفهان

مساجد شهر اصفهان بر دو قسم میباشد : قسم اول ـ مساجدی را که دارای آثار تاریخی بوده ومورد توجه باستان شناسی است بشرح زیر مینگارد :

۱ ـ مسجد آقامیرزا محمد باقر چهارسوقی :

این مسجد در محله چهارسوی شیرازیهای اصفهان واقع و سردر و محراب وشبستان آن دارای تزیینات کاشی‌کاری و در یك لوحه درمیان کاشیکاریهای جبهه مقابل محراب این‌کتیبه خوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ـ فنادته الملائکة و هو قائم یصلی فی‌المحراب »
« وصلی‌الله علی محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین . واقف کاشی محمدجعفر. »
« عمل استاد عبدالرزاق فی ۱۳۲۶ » .

سنگابی‌که در مسجد قراردارد با این کتیبه بخط نستعلیق برجسته تزیین گردیده است :

« وقف جناب اباعبدالله‌الحسین(ع) نمود حاجی فتح‌الله خلف مرحوم »
« آقاعبدالرضا لرشیروانی که در مسجد چهار سوق شیرازیها باشد فی‌شهر محرم »
« ۱۲۹۱ . مگر بکرب‌بلا آب قیمت جان بودکه ازعطش بفلك ناله اسیران بود . »
« سلام‌الله‌علی‌الحسین(ع) لعنت‌الله‌علی‌قاتل‌الحسین علیه‌السلام‌حجره حاجی‌حسین. »

ازکتیبه سنگاب وسردرمسجد معلوم میگرددکه عمارت مسجد پیش‌از۱۲۹۱ انجام شده بوده ودر۱۲۹۱ کتیبه سنگاب‌حجاری ودر(۱۳۲۶ هـ . ق) کتیبه محراب

---

۱ ـ تاریخ اصفهان وری ص ۲۲۱ .
۲ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص۴۲ .

وسردر مسجد نوشته شده است .

واقف کاشی برای کاشیکاری محمدجعفر وکاشیکار استاد عبدالرزاق وحجار سنگاب حاجی‌حسین بوده است .

این‌مسجد چون محل اقامت نمازصاحب روضات‌الجنات آقامیرزا محمدباقر چهارسوقی بوده بنام آن عالم رجالی نامیده شده است .

۲ ـ مسجد آقامیرزا محمدهاشم چهارسوقی :

این مسجد نیزدرمحله چهارسوشیرازیهای اصفهان قراردارد . گنبد وایوان جنوبی دارد که صفه‌هائی در دوطرف آن واقع‌گردیده ودرشمال نیزدارای ایوان و غرفه‌هائی دراطراف است . نمای خارجی گنبد آجری است وداخل‌آن پوشش ساده گچی میباشد . کاشیکاری کتیبه دورگنبد و محراب آن قدیمی است ولی تزیینات نمای خارجی ایوانها و صحن‌آن جدید است .

کتیبه داخل گنبد مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ درآغازچنین نوشته شده :

« قال‌الله تبارك وتعالی » و دنبال آن آیه ۲۶ تا نصف آیه ۳۳ ازسوره اسری نوشته شده است .

کتیبه هلال محراب مسجد بخط ثلث سفید برزمینه‌لاجوردی بعدازعبارت : «قال‌الله تعالی» آیات ۳۵ و ۳۶ و۳۷ سوره نور و پس‌ازآن چنین خوانده میشود :

«وقال‌سبحانه‌فی‌سورة‌البقرةواقیمواالصلوة وآتواالزکوة وارکعوامع‌الراکعین»

در داخل محراب کتیبه‌ای بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی باین شرح وجود دارد :

«قال‌الله تبارك‌وتعالی» ودنبال‌آن‌آیه ۱۸ سوره توبه وآیه ۱۴۴ سوره بقرة و آیه ۵۵ سوره مائده نوشته شده و آخرکتیبه چنین است : « صدق‌الله العلی‌العظیم فی ۱۲۸۵ کتبه محمد ابراهیم الاصفهانی» ونیز درداخل محراب‌کتیبه‌ای بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی بشرح زیرخوانده میشود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم ناد علیا مظهر العجائب تجده عونالك فی‌النوایب »
« کل هم وغم سینجلی بنبوتك یا محمد بولایتك یا علی .» .

کتیبه‌های فوقانی ایوانهای شمالی وجنوبی که درزمان نزدیك کاشیکاری شده بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی رنگ چنین است که ابتداء عبارت: « قال‌الله تبارك‌وتعالی» نوشته شده و سپس آیه ۱۸ سوره توبه و آیات ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ سوره اعراف و پایان آن: «صدق‌الله‌العلی‌العظیم‌الکریم» است .

بردوجرزعمودی طرفین ایوانهای شمالی وجنوبی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی سوره جمعه وپایان آن چنین است: «بانی کاشیهای خطی میرزاحسن بصیری رمضان ۱۳۳۶ » .

احادیثی نیز در داخل ایوان شمالی بخط ثلث لاجوردی برزمینه گچی در باب فضیلت نمازنوشته شده است .

درایوان جنوبی مسجد لوح سنگی که بر دیوارنصب شده بخط نسخ برجسته کتیبه زیرکه موضوع آن وقف یکدانگ وربع قریه جوان است حجاری شده :

«هوالواقف بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم‌وقف شرعی نموده‌خیرالحاج‌حاجی‌فتح‌الله »
«جوزدانی یکدانگ‌ویك‌ربع ازطاحونه جوان راکه مال‌الاجاره را صرف‌روشنائی »
« وبوریا وتعمیرمسجد نوچارسوی شیرازیان بشود وصیغه جاری شد ۱۲۷۶ » .

درمسجد سنگابی نیزدرزیرایوان‌جنوبی قراردارد‌که‌کتیبه‌آن بخط نستعلیق برجسته چنین است :

«آب‌درکرب‌وبلا ای‌قوم بداختر نبود   یاحسین تشنه‌لب‌فرزند پیغمبر نبود»
« سلام‌الله علی‌الحسین لعنت‌الله‌علی‌قاتل‌الحسین وقف‌جناب اباعبدالله‌الحسین»
« علیه‌السلام نمود طایف بیت‌الله‌الحرام حاجی فتح‌الله ولد مرحوم آقاعبدالرضا »
« لرشیروانی فی‌شهررمضان سنهٔ ۱۲۸۰ » .

تاریخهائی که درکتیبه‌ها موجود است: ۱۲۸۶ و ۱۲۸۰ و۱۲۸۵ و۱۳۳۶هجری میباشد و چون ۱۲۷۶ تاریخ وقف طاحونه برمسجد است پس باید قبول کرد که

ساختمان مسجد در آن تاریخ انجام شده بوده است و سپس در تاریخهای بعدی بتزیینات و نصب سنگاب پرداخته شده است . واقف طاحونه و سنگاب حاجی فتح‌الله و نویسنده کتیبه داخل محراب محمد ابراهیم اصفهانی بوده است . بانی مسجد معلوم نیست و ظاهراً مردم دسته‌جمعی ساخته‌اند و چون علامه چهارسوقی در آن مسجد اقامه نمازمیکرده بنام اومعروف شده‌است، بانی‌سنگاب دراین مسجد ومسجدآقامیرزا محمدباقر یکنفر بوده است[۱]. ثبت تاریخی این مسجد درگردش اداری است[۲].

۳ ـ مسجد آقانور:

این‌مسجددرمحله دردشت واقع وازبناهائی است‌که درعهد پادشاهی شاه‌عباس ماضی شروع ودر نخستین سال سلطنت شاه‌صفی بپایان رسیده است و باین‌جهت نام هردو پادشاه درکتیبه اصلی مسجد وسردر شرقی درج گردیده است .

این مسجد چند کتیبه دارد که عمده‌آن مربوط بابتدای ساختمان و برخی مربوط بقرنهای بعد است . دوکتیبه دیده میشودکه یکی حاکی است مسجد درسال ۱۰۳۴ هجری ساخته شده وکتیبه دیگری حاکی است که در سال ۱۰۳۹ درآغاز سلطنت شاه صفی باتمام رسیده است و تاریخهای ۱۲۵۸ و ۱۲۷۹ مربوط بتزییناتی است‌که درقرن سینزدهم در مسجد انجام شده‌است .

کتیبه سردر شرقی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنک چنین است :

« قال‌الله تعالی انما یعمرمساجدالله من‌آمن بالله والیوم‌الاخر واقام‌الصلوة »
« وآتی‌الزکوة درایام‌دولت جاوید مدت‌کلب‌آستان علی‌بن‌ابی‌طالب[۳] صلوات‌الله »
(۱۲۹۱)
« وسلامه‌علیه عباس‌حسینی ودراول جلوس پادشاه عادل شاه‌صفی بهادرخان‌خلدالله »

---

۱ ـ بنقل معنی ازگنجینه آثارتاریخی اصفهان ازص ۸۲۲ تا ص ۸۲۴ .
۲ ـ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران ص ۳۳۷ .
۳ـ درزیر کلمات‌علی‌بن‌ابی‌طالب‌عدد(۱۲۹۱) نوشته شده وگویا سنه یکی ازتعمیرات باشد.

« ملکه وسلطانه وافاض علی‌العالمین بره وعدله و احسانه توفیق یافت نورالدین »
« محمد اصفهانی باتمام عمارة این مسجد خالصاً لوجه‌الله تعالی کتبه محمدرضا »
« الامامی » .
(۱۰۳۹)

در دو پشت بغل سردر بخط بنائی سه‌رگی شطرنجی مشکی برزمینه آجری سوره اخلاص‌ودرطرفین سردر دردوشکل مربع بزرگ‌کلمه محمد نوشته شده‌است.

کتیبه ایوان جنوبی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بقلم محمد باقرشیرازی ومورخ بسال ۱۲۵۸ میباشد ودرآخر کتیبه باکاشی طلائی‌رنگ سال (۱۲۷۹) اضافه شده است .

دراشکال مربع‌بزرگ داخل ایوان‌بخط بنائی‌ساده لاجوردی برزمینه‌آجری نامهای : محمد ، علی ، حسن ، حسین نوشته شده ودردوطرف نمای خارجی ایوان دردو شکل مربع بخط بنائی ساده عباراتی‌بشرح زیرخوانده میشود :

۱ ـ حاشیه مربع سمت شرقی بخط بنائی حنائی رنگ برزمینه فیروزه‌ای شامل عبارت : «لم یلد ولم یولد ولم یکن له‌کفواًاحد» است .

۲ـ درمتن‌آن بخط بنائی لاجوردی رنگ برزمینه‌آجری عبارات : «سبحان الحی الذی لایموت» نقش شده است .

در نمای خارجی ایوان غربی مسجد در دو شکل مربع بخط بنائی ساده لاجوردی رنگ برزمیه آجری سوره اخلاص نوشته شده است .

درداخل ایوان شرقی در یك حاشیه کاشیکاری برمتن زرد رنگ درده لوحه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ این اشعارنقش‌گردیده :

« صاحب خلق و فیض آقا نور ... که‌چوخورشید مهربان‌علم‌است»
« مسجدی ساخت درکوی مکی ... که بگیتی یگانه حرم است »
«این‌چنین‌مسجدی‌که خاك درش ... غیرت افزای جنت و ارم است »
« سال تاریخ آن خرد گفتا : ... مصرع آخرین این رقم است »

«معبد اهل اصفهان چون شد: «مسجد نور کعبه عجم است»
(۱۰۲۴)

«کتبه العبد نورا»

ظاهر امر اینست که دراین تاریخ پیکره مسجد تمام شده بوده و نویسنده کتیبه هم میرزا نورای معروف بوده است[۱].

مسجد آقا نور دارای شبستانی است بسیار زیبا و ستونهای آن سنگی وطاقهای متعدد آن از قطعات سنگ مرمر شفاف تشکیل شده و در روز فضای شبستان را روشن میکند، در این شبستان محراب کوچکی است که دردوطرف آن در دوشکل مربع بخط بنائی مشکی ساده برزمینه زرد عبارات: «لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی‌الله» نوشته شده است.

سردر خارجی شبستان جنب سردرشمالی مسجد نیز تزییناتی از نوع کاشیهای گره وخطوط بنائی دارد. در اسپر بالای در بخط بنائی شطرنجی مشکی سه رگی برزمینه فیروزه‌ای کتابت شده: «بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین» و درچهار اسپر اطراف سردر: «لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی‌الله» خوانده میشود.

این شبستان درقرن سیزدهم بمسجد که از بناهای اوایل قرن یازدهم است الحاق گردیده است.

کتیبه سردر شمالی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بقلم محمدباقر شیرازی ومشتمل برآیات ۸۴ تا نصف آیهٔ ۹۲ سورهٔ مؤمنون است و در دوپشت بغل آن بخط بنائی شطرنجی سه رگی لاجوردی و سفید برزمینه آجری

۱- میرزا نورا فرزند صدرالشریعة اصفهانی ازشعراء وخوشنویسان خط نستعلیق وازشاگردان بنام میرعماد بود وخط نستعلیق را چون استاد خود مینوشت وقطعات بسیاری نوشت. درآخر عمر بکیمیاگری اشتغال داشت.

از اشعار او است:

شب وصل غیر چشمم زخیال باز باشد
که مباد چون شب من شب اودراز باشد

(تاریخ خط و خطاطان ج ۱ ص ۹۳)